



فصل اول

«عقود و تعهدات به طور کلی»

تست‌های تألیفی فصل اول

❏ مثال ۱: آیا تعهد یک جانبه در حقوق ایران پذیرفته شده است؟

(۱) ایقاع در تمام صور ممکنه صحیح می‌باشد.

(۲) خیر در هیچ حالتی صحیح نمی‌باشد، چون ایجاد تعهد مستلزم دخالت در دارایی‌های دیگران است، پس صحیح نیست.

(۳) اصولاً صحیح است، مگر قانونگذار خلاف آن را پیش‌بینی نموده باشد.

(۴) اصولاً مجاز نمی‌باشد، مگر در مواردی که قانونگذار آن را پذیرفته باشد.

❏ پاسخ: گزینه «۴» چون ایجاد تعهد مستلزم دخالت در دارایی طرف و ایجاد حق برای او می‌باشد، بنابراین اصولاً مجاز نیست که شخص یک طرفه و به اراده خویش (به تنهایی) ایجاد تعهد نماید، مگر این که قانونگذار آن را صحیح بداند، مانند ابراء

❏ مثال ۲: کدام یک از موارد زیر عقد نمی‌باشد؟

(۱) هبه

(۲) بیع

(۳) وصیت عهدی

(۴) وصیت تملیکی

❏ پاسخ: گزینه «۳» اگرچه در وصیت عهدی، وصی می‌تواند تا زمانی که موصی زنده است، وصایت را رد کند و اثر ایجاد شده را از بین ببرد، ولی وصایت (وصیت عهدی) فقط به اراده‌ی موصی انجام می‌شود و اعطای نیابت به وصی نیاز به قبول او ندارد و رد وصی فقط مانع نفوذ وصیت می‌شود و شرط بقای وصیت، عدم رد وصی است و در مرحله‌ی ایجاد وصیت تأثیری ندارد.

❏ مثال ۳: کدام یک از موارد زیر مصداق عمل حقوقی نیست؟

(۱) عقد

(۲) غصب مال غیر

(۳) ایقاع

(۴) گزینه ۱ و ۳

❏ پاسخ: گزینه «۲» عقد و ایقاع هر دو از اعمال حقوقی می‌باشند. این در حالی است که غصب مال غیر، از جمله وقایع حقوقی می‌باشد.

❏ مثال ۴: بر مبنای تعریف قانون مدنی کدام گزینه صحیح است؟

(۱) عقد عمل حقوقی دو جانبه است که تنها ایجاد تعهد می‌کند.

(۲) عقد عمل حقوقی دو جانبه است که باعث ایجاد شخصیت حقوقی می‌گردد.

(۳) عقد عمل حقوقی دو جانبه است که تنها در تعهد موجود، تغییر ایجاد می‌نماید و یا این که آن را ساقط می‌کند.

(۴) عقد عمل حقوقی دو جانبه است که تنها موجب تملیک یک مال و یا استقرار حق انتفاع یا حق ارتفاق نسبت به آن می‌شود.

❏ پاسخ: گزینه «۱» با توجه به ماده ۱۸۳ (قانون مدنی)، عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر، تعهد بر امری نمایند.

❏ مثال ۵: کدام گزینه صحیح است؟

(۱) عقد لازم آن است که هیچ یک از طرفین حق فسخ آن را نداشته باشند.

(۲) عقد لازم را نمی‌توان بر هم زد، حتی با اقاله

(۳) عقد لازم را تنها در صورت وجود خیارات در عقد می‌توان بر هم زد.

(۴) عقد لازم با جنون و سفه از بین نمی‌رود، ولی با فوت یکی از طرفین منحل می‌شود.

❏ پاسخ: گزینه «۱» در عقد لازم هیچ یک از طرفین عقد نمی‌توانند آن را بر هم زنند. ایراد گزینه‌ی ۲ آن است که اقاله، قاعده‌ی عمومی انحلال قراردادهاست و حتی قراردادهای لازم هم با اقاله قابل انحلال هستند، مگر در چند مورد استثنا. ایراد گزینه‌ی ۳ آن است که واژه‌ی تنها را به کار برده است، در صورتی که عقود لازم به اقاله هم قابل انحلال‌اند و ایراد گزینه‌ی ۴ هم آن است که عقد لازم با فوت و جنون و سفه طرفین هم منحل نمی‌شود.



کلمه مثال ۶: در تفاوت عقد جایز و عقد لازم می‌توان گفت:

- (۱) عقد لازم عقدی است که برای طرفین لازم‌الاتباع است، ولی عقد جایز لازم‌الاتباع نیست.
 - (۲) عقد لازم جز در مواردی که قانون پیش‌بینی نموده، قابل فسخ نیست، ولی عقد جایز همواره قابل فسخ است.
 - (۳) عقد لازم هرگز گسیخته نمی‌شود، ولی عقد جایز قابل گسیختن است.
 - (۴) عقد لازم نسبت به طرفین قرارداد است، ولی عقد جایز نسبت به اشخاص ثالث نیز تسری می‌یابد.
- پاسخ:** گزینه «۲» طبق ماده ۱۸۵ و ۱۸۶ (قانون مدنی)، «عقد لازم، عقدی است که هیچ یک از طرفین حق فسخ آن را ندارد و عقد جایز آن است که هر یک از طرفین هر زمانی بخواهد می‌تواند آن را فسخ کند». عقد جایز تا زمانی که فسخ نشده است، همانند عقد لازم، لازم‌الاتباع است.

کلمه مثال ۷: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) کلیه عقود جایز به موت و جنون و سفه طرفین منفسخ می‌شوند.
 - (۲) اصولاً عقود جایز به موت و جنون و سفه احد طرفین منفسخ می‌شوند، مگر در موارد استثنایی
 - (۳) انفساخ عقد به موت و جنون احد طرفین ممکن است در عقود لازم رخ بدهد.
 - (۴) هر عقدی که برای تشکیل و انعقاد نیازمند اهلیت باشد، برای بقایش نیز محتاج اهلیت است.
- پاسخ:** گزینه «۲» ایراد گزینه ۱ آن است که در عقود جایزی که بدون وجود رشد نیز منعقد می‌شوند، عارض شدن سفاهت نیز در صحت آن‌ها تأثیر ندارد؛ مثلاً شخص غیررشید می‌تواند به طور بلاعوض قبول هبه کند و در این مورد نیز به دیگری وکالت دهد، بنابراین اگر شخصی به دیگری برای قبول هبه وکالت بدهد و سپس دچار سفاهت شود، عقد وکالت به حال خود باقی است. ایراد گزینه ۴ نیز این است که عقود جایز برای بقا نیاز به اهلیت دارند، چرا که طبق ماده ۹۵۴ قانون مدنی، عقود جایز با حجر طرفین منحل می‌شوند و از طرف دیگر هر عقدی برای تشکیل نیاز به اهلیت دارد (اعم از جایز یا لازم). پس عقود لازم برای تشکیل نیازمند اهلیت هستند، ولی برای بقا نیازمند به اهلیت نمی‌باشند و با این توضیح ایراد گزینه ۴ مشخص می‌شود.

کلمه مثال ۸: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) عقد معلق عقدی است که انشا عقد بر حسب قصد، موقوف به امر دیگری باشد.
 - (۲) عقد معلق عقدی است که اثر عقد بر حسب انشاء، موقوف به امر دیگری باشد.
 - (۳) عقد معلق عقدی است که در آن انعقاد عقد بر حسب قصد، موقوف به امر دیگری باشد.
 - (۴) عقد معلق عقدی است که انشا عقد و اثر آن بر حسب قصد، موقوف به امر دیگری باشد.
- پاسخ:** گزینه «۲» بر طبق ماده ۱۸۹ (قانون مدنی)، در عقد معلق انشا یا انعقاد عقد موقوف به امر دیگری نیست، بنابراین گزینه ۱ و ۲ و ۴ نادرست است.

کلمه مثال ۹: کدام بیع معلق است؟

- (۱) بیع ملک موکول به شرط تهرین مالی جهت تضمین ثمن توسط مشتری
 - (۲) بیع ملک موکول به شرط توکیل مشتری در تنظیم سند رسمی
 - (۳) بیع ملک موکول به شرط اخذ وام از بانک توسط مشتری
 - (۴) بیع ملک موکول به شرط حواله پرداخت ثمن به شخص ثالث توسط مشتری
- پاسخ:** گزینه «۳» بیع ملک موکول به شرط اخذ وام از بانک توسط مشتری، یک بیع معلق است. در موارد ۱ و ۲ و ۴ بیع موکول به امری شده که در دست طرفین بوده و خارج از اراده‌ی ایشان نمی‌باشد؛ حال آن که معلق علیه باید امر خارجی باشد، اما در گزینه ۳ بیع ملک موکول به شرطی شده که از جانب بانک محقق می‌گردد و بانک نسبت به طرفین عقد ثالث محسوب می‌شود، لذا در این مورد، عقد معلق به امری احتمالی و خارجی گردیده است؛ زیرا هر چند درخواست وام را مشتری به عمل می‌آورد، اما موافقت و پرداخت وام در دست بانک است. البته لازم به ذکر است که منظور از شرط خارجی بودن معلق، این است که معلق علیه خارج از ارکان عقد باشد، یعنی جزء شرایط صحت عقد نباشد.

کلمه مثال ۱۰: چنانچه شرط عوضی در عقدی غیرمعوض گنجانده شود، درج این شرط عقد را...

- (۱) در ردیف عقود معوض قرار می‌دهد و حق حبس برای طرفین به وجود می‌آید.
 - (۲) در ردیف عقود معوض قرار نمی‌دهد و حق حبس برای طرفین به وجود می‌آید.
 - (۳) در ردیف عقود معوض قرار می‌دهد، ولی چون شرط است، طرفین حق حبس ندارند.
 - (۴) در ردیف عقود معوض قرار نمی‌دهد و حق حبس برای طرفین به وجود نمی‌آید.
- پاسخ:** گزینه «۴» زیرا در عقد معوض آن‌چه مبادله می‌شود، می‌بایست به عنوان عوض و در تقابل با آن‌چه دیگری می‌دهد، قرار گیرد نه این که صرفاً تعهد یا تملیکی فرعی باشد.



❏ مثال ۱۱: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) عقد عینی عقدی است که موضوع آن عین معین است.
- (۲) عقد عینی تعهدی است که باید در دفتر املاک به ثبت برسد.
- (۳) عقد عینی عقدی است که قبض شرط صحت آن است.
- (۴) عقد عینی عقدی است که موضوع عین مال مورد معامله قرار می‌گیرد و منافع از آن مستثنی می‌شود.

❏ پاسخ: گزینه «۳» در عقود عینی قبض شرط صحت است، مانند وقف و هبه و ...

❏ مثال ۱۲: A خانه خود را می‌فروشد اگر تا سه ماه نقاشی خانه‌ی وی تکمیل شود، به شرط این که خریدار اتومبیل او را تعمیر کند، این عقد:

- (۱) عقد معلق است.
- (۲) عقد مشروط است.
- (۳) عقد معلق مشروط است.
- (۴) عقد منجز مشروط است.

❏ پاسخ: گزینه «۳» چون فروش خانه را معلق به اتمام نقاشی خانه در طول سه ماه کرده است، پس عقد معلق است و چون ضمن عقد شرط تعمیر اتومبیل هم گذاشته پس عقد معلق مشروط است.

❏ مثال ۱۳: کدام بیع فوری است؟

- (۱) اشتراک روزنامه و مجلات
- (۲) عقد شرکت
- (۳) عقد بیمه
- (۴) عقد اجاره

❏ پاسخ: گزینه «۱» اگرچه در اشتراک روزنامه و مجله، مبیع تقسیط شده است (یعنی مبیع که مجله می‌باشد، به صورت اقساطی به مشتری تحویل داده می‌شود مثلاً هفتگی یا ماهیانه) ولی در این حالت عامل زمان و اجرای تعهد به صورت مستمر (نه فوری) چهره عرضی دارد و عقد بیع را تابع قواعد عقود مستمر نمی‌کند. سایر گزینه‌ها عقد مستمر می‌باشد.



آزمون فصل اول

ک ۱- عقود آزاد در تعیین کدام عنصر آزادند؟

- (۱) در انعقاد قرارداد (۲) در تعیین طرف قرارداد (۳) در تعیین شرایط قرارداد (۴) هر سه گزینه

ک ۲- عقود لازم در کدام حالت منحل می‌شود؟

- (۱) اقاله (۲) فوت یکی از طرفین (۳) جنون یا سفه یکی از طرفین (۴) هر سه گزینه

ک ۳- کدام یک از عقود ذیل از یک طرف لازم و از یک طرف جایز است؟

- (۱) عقد رهن (۲) عقد کفالت (۳) عقد بیع (۴) گزینه ۱ و ۲

ک ۴- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) عقد معلق با تعلیق در انشا صحیح است. (۲) عقد معلق با تعلیق در انشا باطل است.
(۳) عقد معلق با تعلیق در منشأ باطل است. (۴) عقد معلق با تعلیق در منشأ هر دو باطل است.

ک ۵- عقد بیعی که مورد معامله، مال کلی، عین معین، کلی در معین است، هر یک به ترتیب جزء کدام دسته عقود است؟

- (۱) عهده، عهده، تملیکی (۲) تملیکی، عهده، عهده (۳) عهده، تملیکی، تملیکی (۴) تملیکی، تملیکی، عهده

ک ۶- حیات مباحات است.

- (۱) عقد (۲) شبه عقد (۳) ایقاع (۴) واقعه حقوقی

ک ۷- کدام گزینه از جمله آثار عقود است؟

- (۱) تعهد (۲) اسقاط تعهد (۳) ایجاد شخصیت حقوقی (۴) هر سه گزینه

ک ۸- کدام یک از عقود زیر عقد عینی است، عقدی که:

- (۱) در قانون عنوان معین دارد و قانون‌گذار به لحاظ اهمیت، شرایط و آثار آن را معین کرده است.
(۲) به صرف ایجاب و قبول و بدون نیاز به عامل دیگر به وجود می‌آید.
(۳) شرط صحت آن، قبض است.
(۴) مورد معامله در آن عین معین است.

ک ۹- در کدام یک از موارد ذیل، معلق کردن، موجب بطلان عقد است؟

- (۱) عقد ضمان (۲) عقد کفالت (۳) عقد نکاح (۴) گزینه ۱ و ۳

ک ۱۰- عقد خیار، جزء کدام دسته از عقود است؟

- (۱) جایز (۲) لازم (۳) معلق (۴) عینی



فصل دوم

«شرایط اساسی صحت معاملات»

تست‌های تألیفی فصل دوم

❏ مثال ۱: برای صحت یک عقد، کدام یک از عوامل زیر لازم است؟

- (۱) رضای طرفین (۲) قصد انشای طرفین (۳) یکی از قصد یا رضای طرفین (۴) قصد و رضای طرفین
- ❏ پاسخ: گزینه «۴» در ماده ۱۹۰ (قانون مدنی) ذکر شده قصد و رضا همراه هم آمده است.

❏ مثال ۲: قصد انشا یعنی:

- (۱) اعلام اراده (۲) ابراز اراده (۳) اعلام رضایت (۴) نیت ایجاد عقد
- ❏ پاسخ: گزینه «۴» (قصد انشا یعنی قصد ← نیت و انگیزه + انشا ← ایجاد کردن)

❏ مثال ۳: کدام یک از عبارات زیر صحیح نیست؟

- (۱) فقدان رضای یکی از طرفین، مانع تأثیر عقود است. (۲) عقد فاقد رضای یکی از دو طرف، غیرنافذ است. (۳) فقدان رضای یکی از دو طرف عقد، مانع تشکیل عقد است. (۴) عقد فاقد قصد و رضای یکی از دو طرف، باطل است.
- ❏ پاسخ: گزینه «۳» چون رضا شرط تشکیل عقد نیست، بلکه شرط نفوذ عقد است.

❏ مثال ۴: الف پیشنهاد فروش ۲ کالا را به صورت جداگانه به شخص ب ایجاب می‌کند. کالای اول، ۵۰ کیلو سیب عین معین در مقابل ۵۰ هزار تومان و کالای دوم، پنجاه بسته کد شیمیایی در مقابل ۷۰ هزار تومان. شخص ب ۲ هفته بعد قبول می‌کند. وضعیت عقد چگونه است؟

- (۱) چون قبول به ایجاب ملحق شده، عقد نسبت به هر دو کالا منعقد می‌شود. (۲) عقد نسبت به کالای اول منعقد نشده، ولی نسبت به کالای دوم منعقد شده و صحیح است. (۳) نسبت به هیچ کدام از دو کالا عقد منعقد نشده است. (۴) نسبت به کالای اول عقد منعقد شده و صحیح است، ولی نسبت به کالای دوم عقد منعقد نشده است.
- ❏ پاسخ: گزینه «۲» اولاً در سوال ذکر شده که فروش دو کالا به صورت مستقل ایجاب گردیده است. پس قبول هر کدام، به تنهایی نیز معتبر است. اما چون در خصوص سیب با توجه به عین معین بودن و فسادپذیری آن عرفاً ایجاب باطل شده است و مدت دو هفته اعتبار ندارد، اما در مورد کد عرفاً قبول ظرف دو هفته معتبر است، زیرا کد مدت زیادی باقی می‌ماند. در نتیجه گزینه ۲ صحیح است.

❏ مثال ۵: شخص الف به وکالت از جانب شخص ب، فروش اتومبیل ب را به شخص ج ایجاب می‌کند. چند ساعت قبل از قبول شخص ج، وکیل (الف) فوت می‌کند. قبول شخص ج در این حالت چه اثری دارد؟

- (۱) چون الف به وکالت از جانب ب اقدام نموده، فوت وکیل اثری ندارد و عقد منعقد می‌شود. (۲) فقط در صورتی که الف وکیل تام‌الاختیار بوده باشد، عقد منعقد می‌شود. (۳) قبول اثری ندارد. (۴) تأثیر قبول موکول است به نظر موکل (شخص ب).
- ❏ پاسخ: گزینه «۳» در توضیح باید گفت که اولاً با فوت ایجاب‌کننده، ایجاب از بین می‌رود و قبول، بعد از فوت ایجاب‌کننده اثری ندارد، ثانیاً در این سؤال وجود موکل نیز تأثیری ندارد، زیرا ایجاب از جانب وکیل صورت گرفته و این که با فوت وکیل، وکالت از بین می‌رود.

مثال ۶: شخص الف پیشنهاد فروش ۱۰۰ دستگاه رایانه با پردازنده پنج هسته‌ای را با قیمت معین به شخص ب ایجاب می‌کند. شخص ب نیز اعلام می‌کند که ایجاب را به شرط این که پردازنده‌ها ۷ هسته‌ای باشند، قبول می‌کند. عقد چه وضعیتی دارد؟

- (۱) عقد منعقد شده، ولی شرط معتبر نمی‌باشد.
- (۲) عقد منعقد شده، و شرط لازم الاتباع است.
- (۳) عقد منعقد نمی‌شود، قبول هیچ اثری ندارد، زیرا این خود ایجاب تازه‌ای است.
- (۴) عقد منعقد می‌شود، ولی شرط مشروط به قبول ایجاب‌کننده است.

پاسخ: گزینه «۳» همان طور که گفته شد، قبول می‌بایست بدون هیچ قید و شرطی باشد و قبول مشروط در حقیقت خود ایجابی جدید می‌باشد که نیازمند قبول است.

مثال ۷: الف پیشنهاد فروش کالای معینی در برابر قیمت معین را به شخص ب ایجاب می‌کند. شخص ب قبولی خود را از طریق نامه‌ای به شخص الف اعلام می‌کند. یک روز قبل از رسیدن نامه قبولی به شخص الف، شخص ب از طریق تلفن به فروشنده (الف) اعلام می‌کند که از قبولی خود پشیمان شده و از قبولی خود رجوع می‌کند، عقد چه وضعیتی دارد؟

- (۱) عقد منعقد نمی‌گردد، زیرا قبل از این که فروشنده (الف) از قبولی آگاه شود، خریدار پشیمانی خود را به او اعلام نموده است.
- (۲) عقد منعقد می‌شود، زیرا فقط زمانی شخص ب می‌توانست از قبول خود رجوع کند که نامه را به پست نمی‌داد.
- (۳) عقد منعقد نمی‌شود، زیرا قبولی از طریق نامه اعتبار ندارد.
- (۴) عقد منعقد می‌شود، زیرا رد بعد از اعلان قبول اثری ندارد و آگاهی ایجاب‌کننده از قبول، شرط انعقاد عقد نمی‌باشد.

پاسخ: گزینه «۴» همان طور که در فوق توضیح داده شده، به محض اعلان قطعی قبول (که دادن نامه به پست کاشف از آن است) عقد منعقد می‌گردد و دیگر قابل رجوع نمی‌باشد.

مثال ۸: عنصر سازنده عقد چیست؟

- (۱) قصد
- (۲) رضا
- (۳) قصد و رضا
- (۴) اهلیت طرفین

پاسخ: گزینه «۱» مطابق ماده ۱۹۱ قانون مدنی، عقد با قصد انشای طرفین منعقد می‌گردد، مشروط بر این که این قصد مقرون به چیزی باشد که دلالت بر آن نماید. رضا عنصر سازنده عقد نیست، بلکه عنصر نفوذ آن می‌باشد و هنگامی که قصد وجود دارد، بی‌گمان رضا نیز وجود دارد (به جز موارد استثنایی که رضا معیوب است).

مثال ۹: اشتباه در نوع عقد چه تأثیری در عقد دارد؟

- (۱) عقد را باطل می‌کند.
 - (۲) موجب عدم نفوذ عقد می‌گردد.
 - (۳) برای اشتباه‌کننده حق فسخ ایجاد می‌شود.
 - (۴) هیچ تأثیری در عقد ندارد.
- پاسخ:** گزینه «۱» مانند تصور هبه به جای عقد بیع که کلاً عقد را باطل می‌کند: ما وقع لم یقصد، ما قُصد لم یقع

مثال ۱۰: اشتباه در کدام یک از امور زیر عقد را باطل نمی‌کند؟

- (۱) ماهیت موضوع معامله
- (۲) وصف فرعی موضوع معامله
- (۳) ماهیت معامله
- (۴) شخصیت طرف معامله در صورتی که علت عمده عقد باشد.

پاسخ: گزینه «۲» چون اشتباه در نوع عقد = اشتباه در ماهیت معامله = اشتباه در موضوع معامله یکی هستند و هر سه عقد را باطل می‌کند. اشتباه در طرف معامله هم در صورتی که علت عمده عقد باشد، موجب بطلان عقد است؛ پس گزینه «۲» جواب سؤال است.

مثال ۱۱: مطابق مکتب شخصی، منظور از اشتباه در خود موضوع معامله چیست؟

- (۱) اشتباهی که مربوط به جنس مورد معامله است.
- (۲) اشتباه در صورت نوعیه موضوع معامله
- (۳) اشتباه در وصفی که طرفین آن را وصف اساسی مورد معامله می‌دانند.
- (۴) اشتباه در شخص طرف معامله

پاسخ: گزینه «۳» مطابق نظریه شخصی، اشتباه در خود موضوع معامله اشتباه در وصفی است که طرفین آن را وصف جوهری و اساسی موضوع معامله می‌دانند.



❏ مثال ۱۲: منظور از کلمه عدم‌نفوذ در ماده ۱۹۹ قانون که مقرر می‌دارد رضای حاصل در نتیجه اشتباه یا اکراه موجب نفوذ معامله نیست، چیست؟

- (۱) بطلان (۲) غیرنافذ (۳) بطلان یا غیرنافذ (۴) قابل فسخ

❑ پاسخ: گزینه «۳» اشتباه مذکور در این ماده، موجب بطلان و اکراه گاهی موجب بطلان و گاهی موجب غیرنافذ شدن عقد می‌باشند. بنابراین کلمه عدم‌نفوذ اعم از بطلان و غیرنافذ می‌باشد.

❏ مثال ۱۳: شخصی به دیگری فروش یک دستگاه اتومبیل را به مبلغ معین ایجاب می‌کند. طرف مقابل ایجاب را به تصور این که قصد ایجاب‌کننده هبه است، قبول می‌کند. در این صورت عقد چه وضعیتی دارد؟

- (۱) هیچ عقدی واقع نشده است. (۲) عقد هبه واقع شده است.
(۳) عقد بیع واقع شده است. (۴) دادگاه باید احراز کند که چه عقدی احراز شده است.

❑ پاسخ: گزینه «۱» چون ایجاب‌کننده قصد انعقاد عقد بیع را داشته و طرف مقابل قصد قبول هبه، بنابراین اشتباه در نوع عقد محقق شده و عقدی واقع نشده است.

❏ مثال ۱۴: اشتباه در کدام مورد موجب بطلان معامله است؟

- (۱) اشتباه در قیمت مال مورد معامله (۲) اشتباه در اوصاف معامله
(۳) اشتباه در ماهیت مورد معامله (۴) اشتباه در شخصیت طرف معامله

❑ پاسخ: گزینه «۳» علت این که گزینه ۲ پاسخ صحیح نمی‌باشد، این است که در این گزینه اوصاف معامله ذکر شده است، در حالی که آن چه که موجب بطلان معامله است، اشتباه در اوصاف اساسی مورد معامله می‌باشد و ایراد گزینه ۴ نیز این می‌باشد که اشتباه در شخصیت تنها در صورتی موجب بطلان معامله است که شخصیت طرف علت عمده عقد بوده باشد.

❏ مثال ۱۵: الف برج‌ساز است و زمینی را خریداری می‌کند تا برج ۱۰ طبقه‌ای بسازد و بفروشد. اما پس از معامله متوجه می‌شود به موجب بخشنامه‌ای ساختن مسکن بیش از ۵ طبقه در آن منطقه ممنوع می‌باشد، وضعیت معامله چگونه است؟

- (۱) صحیح است. (۲) باطل است.
(۳) از طرف خریدار قابل فسخ است. (۴) در مقابل خریدار غیرقابل استناد است.

❑ پاسخ: گزینه «۱» اشتباه در انگیزه و داعی در معامله موثر نمی‌باشد.

❏ مثال ۱۶: الف و ب و ج یک شرکت تضامنی را تشکیل می‌دهند. پس از انعقاد عقد شرکت، الف و ب در می‌یابند که ج که خود را تاجر سرشناسی معرفی نموده است، تدلیس نموده و یک فرد کاملاً معمولی و بی‌بضاعت می‌باشد. عقد شرکت چه وضعیتی دارد؟

- (۱) صحیح است. (۲) باطل است. (۳) قابل فسخ است. (۴) غیرنافذ است.

❑ پاسخ: گزینه «۲» در شرکت تضامنی و نسبی شخصیت شریک علت عمده عقد می‌باشد؛ بنابراین مطابق ماده ۲۰۱ قانون مدنی که مقرر می‌دارد اشتباه در شخص طرف به صحت معامله خللی وارد نمی‌آورد مگر در مواردی که شخصیت طرف علت عمده عقد است. بنابراین چون در موارد مذکور علت عمده عقد شخصیت شریک می‌باشد و در آن اشتباه شده است؛ بنابراین شرکت باطل است.

❏ مثال ۱۷: اثر اشتباه ناشی از تدلیس چیست؟

- (۱) باعث عدم‌نفوذ معامله است. (۲) سبب فسخ عقد است.
(۳) موجب بطلان عقد است. (۴) اگر باعث اشتباه در علت عمده عقد یا خود موضوع معامله باشد موجب بطلان و در صورتی که در اوصاف فرعی باشد، موجب ایجاد حق فسخ است.

❑ پاسخ: گزینه «۴» تدلیس در قانون مدنی در شمار خیارات آمده است. اگر در معامله، تدلیس رخ دهد، معامله صحیح است ولی گاهی اتفاق می‌افتد که تدلیس سبب اشتباه در خود موضوع معامله یا شخص طرف معامله می‌شود. در این گونه موارد، اشتباه بر تدلیس مقدم است و عقد باطل می‌باشد.

❏ مثال ۱۸: کدام گزینه غلط است؟

- (۱) اشتباه در ارزش مورد معامله موجب بطلان عقد است.
- (۲) اشتباه در جهات و انگیزه‌های خاص دو طرف، اثر حقوقی در معامله ندارد و عقد صحیح است.
- (۳) اشتباه در جهت مشترک در صورتی مؤثر است که مربوط به موضوع معامله و شخصیت طرف باشد.
- (۴) اشتباه ناشی از تدلیس موجب خیار فسخ است.

❏ پاسخ: گزینه «۱» اشتباه در ارزش مورد معامله، موجب بطلان عقد نمی‌شود و اگر این اشتباه باعث ضرر به اشتباه‌کننده شود، در این صورت وی با استناد به خیار غبن حق فسخ معامله را دارد.

❏ مثال ۱۹: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) اشتباه در وصف اساسی همسر اگر شرط شده باشد، عقد نکاح را باطل می‌گرداند.
- (۲) اشتباه در شخص طرف معامله در صورتی که این شخصیت علت عمده عقد باشد، موجب بطلان عقد است.
- (۳) اشتباه در اوصاف مورد معامله، عقد را باطل می‌کند.
- (۴) اشتباه در علت معامله، موجب عدم‌نفوذ عقد است.

❏ پاسخ: گزینه «۲» بر اساس ماده ۲۰۱ (قانون مدنی) اشتباه در شخص طرف به صحت معامله خللی وارد نمی‌آورد، مگر جایی که شخصیت طرف علت عمده‌ی عقد باشد.

❏ مثال ۲۰: عقد اکراهی چه وضعیتی دارد؟

- (۱) باطل است .
- (۲) قابل فسخ است.
- (۳) غیرنافذ است.
- (۴) معتبر است.

❏ پاسخ: گزینه «۳» طبق ماده ۲۰۳ (قانون مدنی): اکراه موجب عدم‌نفوذ معامله است، اگرچه از طرف شخص ثالث باشد.

❏ مثال ۲۱: اکراه در معامله چه اثری دارد؟

- (۱) همواره موجب بطلان است.
- (۲) همواره موجب عدم‌نفوذ است.
- (۳) اثری ندارد.
- (۴) گاه موجب بطلان و گاه موجب عدم‌نفوذ است.

❏ پاسخ: گزینه «۴» اکراه معنوی موجب عدم‌نفوذ و اکراه مادی موجب بطلان است.

❏ مثال ۲۲: A، B را تهدید می‌کند که چنانچه اتومبیل خود را زیر قیمت به وی نفروشد، اتومبیل او را به آتش خواهد کشید و تحت این تهدید B معامله را انجام می‌دهد، سر نوشت عقد چه می‌باشد؟

- (۱) باطل
- (۲) صحیح
- (۳) قابل فسخ
- (۴) غیرنافذ

❏ پاسخ: گزینه «۴» این معامله، معامله اکراهی است و طبق ماده ۲۰۳ (قانون مدنی) حکم آن عدم‌نفوذ است.

❏ مثال ۲۳: پزشکی برای عمل جراحی فرزند شخص الف مبلغی را مطالبه می‌کند که شخص الف مجبور به فروش اتومبیل خود می‌شود، معامله:

- (۱) باطل است.
- (۲) غیرنافذ است.
- (۳) صحیح است.
- (۴) قابل فسخ است.

❏ پاسخ: گزینه «۳» زیرا این معامله از مصادیق معامله اکراهی نیست، بلکه اضطراری است که طبق ماده ۲۰۶ قانون مدنی، این معامله صحیح و نافذ است.

❏ مثال ۲۴: نظریه پذیرفته شده در حقوق ایران در مورد معیار تشخیص تأثیر اکراه کدام است؟

- (۱) معیار نوعی به صورت مطلق پذیرفته شده است.
- (۲) معیار شخصی به صورت مطلق پذیرفته شده است.
- (۳) اصولاً معیار نوعی غالب است.
- (۴) هر دو معیار نوعی و شخصی پذیرفته شده است، اما در صورت تعارض معیار شخصی غالب است.

❏ پاسخ: گزینه «۴» بنابر ماده ۲۰۲ قانون مدنی هر دو معیار شخصی و نوعی در تشخیص اکراه مؤثر است، ولی در صورت تعارض معیار شخصی مقدم است.



❏ مثال ۲۵: در معامله‌ای که تحت تأثیر اکراه انجام گرفته، اجازه مکره ...

- (۱) فقط نسبت به عین مال مورد معامله اثر قهقرایی دارد.
 (۲) فقط نسبت به منافع مال مورد معامله اثر قهقرایی دارد.
 (۳) نسبت به عین و منافع مال مورد معامله اثر قهقرایی دارد.
 (۴) نسبت به عین و منافع مال مورد معامله اثر قهقرایی ندارد.
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» اجازه دادن معامله اکراهی اثر قهقرایی دارد یعنی از روز تشکیل عقد موجب انتقال عین و منافع مال شده است.

❏ مثال ۲۶: ولی کودک صغیری ملک صغیر را برای مدت ۱۰ سال به اجاره واگذار نموده است، پس از ۵ سال صغیر، بالغ و رشید می‌شود، برای مدت باقی‌مانده، اجاره:

- (۱) فسخ می‌شود.
 (۲) نیاز به تأیید کسی ندارد.
 (۳) منوط به اجازه شخص بالغ و رشید است.
 (۴) توسط شخص بالغ و رشید قابل فسخ است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» چون در زمان انعقاد عقد اجاره تمامی شرایط صحت وجود داشته، پس نیازی به تأیید مجدد ندارد. در نتیجه عقد تا انقضای مدت صحیح است.

❏ مثال ۲۷: صغیر ممیزی صلح بلاعوضی را قبول می‌کند. پس از مدتی صغیر ممیز و مصالح عقد را اقاله می‌کنند، وضعیت عقد و اقاله چگونه است؟

- (۱) عقد و اقاله هر دو غیرنافذ هستند.
 (۲) عقد و اقاله هر دو نافذ هستند.
 (۳) عقد نافذ ولی اقاله غیرنافذ است.
 (۴) عقد و اقاله هر دو باطل‌اند.
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» معامله بلاعوض صغیر ممیز صحیح و نافذ است و نیازی به تنفیذ ولی ندارد، ولی اقاله چون به زبان صغیر می‌باشد غیرنافذ و منوط به تنفیذ ولی یا قیم او است.

❏ مثال ۲۸: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) معامله مجنون ادواری در حال افاقه باطل است.
 (۲) معامله مجنون ادواری در حال جنون و افاقه باطل است.
 (۳) معامله مجنون ادواری در حال افاقه اگر افاقه او مسلم نباشد غیرنافذ است.
 (۴) معامله مجنون ادواری در حال افاقه نافذ و در حال جنون باطل است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» مطابق ماده ۱۲۱۳ قانون مدنی، مجنون ادواری کلیه معاملاتش در زمان افاقه نافذ است.

❏ مثال ۲۹: در کدام یک از عقود ذیل اگر متعاملین، غیررشید باشد عقد نافذ است؟

- (۱) اجاره (۲) عاریه (۳) ودیعه (۴) هیچ کدام
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» اولاً عقد اجاره عقدی است معوض، بنابراین طرفین عقد باید بالغ و رشید باشند. ثانیاً عقد عاریه اگرچه عقدی رایگان می‌باشد و سفیه با عاریه گرفتن مالی از آن به صورت مجانی منتفع می‌شود، ولی عقد عاریه تعهداتی را برای مستعیر (عاریه گیرنده) ایجاد می‌کند که نمونه آن حفاظت از مال مورد عاریه است. در خصوص ودیعه نیز مستودع مکلف به نگهداری مال مورد ودیعه است. بنابراین عقود مذکور در تمام گزینه‌ها نیازمند اهلیت می‌باشند و هیچ کدام از موارد فوق اگر توسط سفیه منعقد شود نافذ نیست. همچنین باید دقت نمود اگر عقدی کاملاً نافع برای سفیه باشد، چنانچه معامله او دارای اهمیت باشد، نافذ است، لیکن در سوال کلمه متعاملین، یعنی هر دو طرف معامله ذکر شده است.

❏ مثال ۳۰: حکم معامله‌ای که مجنون ادواری انجام داده است، چیست؟

- (۱) غیرقابل استناد است.
 (۲) صحیح است چون اصل اهلیت می‌باشد و عدم اهلیت امری استثنایی می‌باشد.
 (۳) غیرنافذ است و منوط به تنفیذ قیم
 (۴) اصولاً باطل است؛ زیرا حکم دادگاه اماره‌ای بر وجود جنون و عدم اهلیت مجنون ادواری است، مگر این که افاقه او در زمان معامله به نحوی ثابت شود.
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» معاملات مجنون ادواری در حال جنون باطل و در حال افاقه صحیح است، ولی اگر جنون یا افاقه او مسلم نباشد معامله مجنون ادواری باطل است، مگر این که افاقه او ثابت شود.

مثال ۳۱: شخص الف عقد بیعی را با شخص ب منعقد می‌کند. بعد از عقد شخص الف ثابت می‌کند که عقد را به نمایندگی از شخص ج منعقد نموده است، ولی در عقد آن را پنهان داشته است. عقد برای چه کسی منعقد شده است؟ تعهد پرداخت ثمن به ب با چه کسی است؟

(۱) عقد برای شخص الف منعقد شده است؛ چون اراده ظاهری مبتنی بر این است. شخص الف متعهد به پرداخت ثمن است.

(۲) عقد برای شخص ج منعقد شده است، شخص ج مکلف به پرداخت ثمن می‌باشد.

(۳) عقد برای شخص ج منعقد شده است، چون نماینده الف سمت خود را پنهان نموده است، الف باید ثمن را به ب بپردازد و سپس می‌تواند به ج رجوع کند.

(۴) عقد غیرنافذ است و منوط به تنفیذ شخص ب

پاسخ: گزینه «۳» هرگاه نماینده در زمان انعقاد عقد، سمت خود را پنهان نماید و چنین وانمود کند که اصیل است، هر چند مطابق ظاهر ماده ۱۹۶ قانون مدنی، عقد برای اصیل و به طور صحیح واقع می‌شود ولی نماینده به لحاظ تقصیری که مرتکب شده مسئول اجرای تعهدات ناشی از عقد و ملزم به جبران خسارت وارد به طرف عقد می‌باشد.

مثال ۳۲: الف مالی را به نمایندگی از جانب ب از ج خریداری می‌کند، ولی در هنگام عقد سمت خود را پنهان می‌کند. بعد از انعقاد عقد، الف اثبات می‌کند که معامله را به نمایندگی از ب منعقد نموده است. معامله چه وضعیتی دارد؟

(۱) معامله در هر حال صحیح است.

(۲) معامله در هر حال باطل است.

(۳) معامله اصولاً باطل است.

(۴) معامله اصولاً صحیح است مگر این که ج ثابت کند شخصیت طرف علت عمده عقد بوده که در این صورت به علت اشتباه در شخصیت طرف معامله عقد باطل است.

پاسخ: گزینه «۴» هرگاه شخصیت طرف مقابل علت عمده عقد باشد، اشتباه در آن موجب بطلان معامله خواهد شد.

مثال ۳۳: شخص الف با شخص ب قرار می‌گذارند که اتومبیلی را به قیمت معین معامله کنند. سپس شخص الف به عنوان فروشنده اتومبیل به شخص ج وکالت در انعقاد قرارداد فروش اتومبیل به شخص ب با همان قیمت معین را می‌دهد. البته ج فقط وکیل در امضا قرارداد می‌باشد و تمام توافقات بین فروشنده و خریدار قبلاً صورت گرفته است. حال در هنگام معامله شخص ب وکیل را تهدید می‌کند که اگر سند معامله را امضا نکند خانه او را به آتش می‌کشد شخص ج نیز سند معامله را از روی اکراه در حدود اختیارات خود امضا می‌کند. معامله چه وضعیتی دارد؟

(۱) صحیح و نافذ است. (۲) باطل است. (۳) غیرنافذ است. (۴) قابل فسخ است.

پاسخ: گزینه «۱» زیرا که در این سوال وکیل تنها فرستاده موکل می‌باشد (اراده او سازنده عقد نیست و تنها مجری اراده موکل است) و چون مفاد سند مطابق با خواست و توافق قبلی موکل و طرف قرارداد می‌باشد، عقد صحیح و نافذ می‌باشد.

مثال ۳۴: شخصی به موجب قرارداد وکالت، وکیل در فروش مالی می‌شود و مال مزبور را به خود منتقل می‌کند، این قرارداد:

(۱) به علت عدم وجود طرفین عقد باطل است. (۲) به علت وجود تعدد اعتباری صحیح است.

(۳) در هر صورت صحیح است. (۴) در هر صورت ولو با رعایت منافع موکل و قیمت ثابت مال باطل است.

پاسخ: گزینه «۲» زیرا در عقود تعدد اعتباری کافی است. گزینه «۳» صحیح نیست؛ زیرا در صورت عدم رعایت غبطه موکل عقد، غیرنافذ می‌شود.

مثال ۳۵: معیار تشخیص مالیت داشتن مورد معامله در حقوق ایران چیست؟

(۱) فقط شخصی است. (۲) فقط نوعی است.

(۳) اصولاً نوعی است، مگر این که در نزد طرفین مالیت داشته باشد. (۴) اصولاً شخصی است، مگر این که در عرف مالیت داشته باشد.

پاسخ: گزینه «۳» همان طور که در فوق تشریح شد، در حقوق ایران معیار مالیت داشتن مورد معامله اصولاً نظر عرف می‌باشد، ولی اگر چیزی در نزد عرف مالیت نداشته باشد، ولی در نظر طرفین قرارداد مالیت داشته باشد، عقد صحیح است.



❏ مثال ۳۶: معیار تشخیص تعهد به وسیله و تعهد به نتیجه چیست؟

(۱) اراده مشترک دو طرف

(۲) مفاد قرارداد

(۳) اصولاً اراده مشترک دو طرف و مفاد قرارداد و اگر از آن‌ها قابل برداشت نباشد، از طریق نوع کاری که مدیون بر عهده می‌گیرد.

(۴) فقط از طریق عرف

❏ پاسخ: گزینه «۳» برای تشخیص این که آیا مفاد تعهد، ناظر به نتیجه است یا وسیله باید به اراده طرفین که در عقد به صورت صریح یا ضمنی آمده است رجوع کنیم و اگر اراده طرفین معلوم نباشد از طریق نوع کاری که مدیون بر عهده گرفته است نوع تعهد را مشخص می‌کنیم.

❏ مثال ۳۷: در موردی که موضوع معامله کلی است، تعیین کدام مورد ضروری نیست؟

(۴) مرغوبیت

(۳) مقدار

(۲) وصف اساسی

(۱) جنس

❏ پاسخ: گزینه «۴» اگر مورد معامله کلی باشد، مقدار و جنس و وصف کالا لازم است ولی مرغوبیت نیاز به تعیین ندارد و در صورت عدم تعیین، مطابق ماده ۲۷۹ قانون مدنی اگر موضوع تعهد عین شخصی نبوده و کلی باشد، متعهد مجبور نیست که از فرد اعلاای آن ایفا کند، لیکن از فردی هم که عرفاً معیوب محسوب است، نمی‌تواند بدهد.

❏ مثال ۳۸: کدام گزینه نادرست است؟

(۱) اصولاً مورد معامله باید معلوم باشد، ولی در بعضی از عقود علم اجمالی کافی است.

(۲) مورد معامله همیشه باید معین باشد.

(۳) در عین کلی مورد معامله لازم نیست که در زمان عقد موجود باشد.

(۴) در عین معین اگر مورد معامله در هنگام عقد موجود نباشد، عقد باطل است.

❏ پاسخ: گزینه «۲» در جعاله می‌تواند مورد معامله مردد باشد.

❏ مثال ۳۹: در کدام عقد علم اجمالی به مورد معامله کافی نیست؟

(۴) بیع

(۳) صلح

(۲) ضمان

(۱) جعاله

❏ پاسخ: گزینه «۴» در عقود مسامحه‌ای علم اجمالی به موضوع معامله کافی است (مثل ضمان، صلح، جعاله)، ولی در عقود مغایه‌ای می‌بایست مورد معامله تفصیلاً معلوم باشد (مثل بیع، اجاره).

❏ مثال ۴۰: ولی قهری یکی از ۲ دختر خود را بدون این که تعیین کند کدام یک را مدنظر دارد به عقد مردی در می‌آورد این عقد:

(۱) به علت مردد بودن مورد عقد باطل است.

(۲) به علت معلوم نبودن مورد عقد باطل است.

(۳) به علت کفایت علم اجمالی صحیح است.

(۴) معامله صحیح است و اثر حقوقی دارد.

❏ پاسخ: گزینه «۱» زیرا در عقد فوق موضوع عقد مردد بین طرفین می‌باشند؛ که در صورت عدم تعیین عقد باطل می‌شود.

❏ مثال ۴۱: کدام یک از موارد زیر جزء شرایط مال موضوع انتقال نمی‌باشد؟

(۱) موجود بودن مال در زمان عقد در معامله‌ی عین معین

(۲) معلوم و معین بودن در تمام عقود

(۳) مقدورالتسلیم بودن مال

(۴) طلق بودن مال

❏ پاسخ: گزینه «۲» زیرا همان‌طور که توضیح داده شد در ماده ۲۱۶ قانون گذار معلوم و معین بودن را جزء شرایط اساسی مورد معامله می‌داند، ولی همان‌طور که بند دوم ماده مقرر کرده در بعضی از عقود لازم نیست که مورد معامله معلوم باشد و علم اجمالی (قابل تعیین بودن) کافی است، ضمناً منظور از طلق بودن مال همان ممنوع نبودن از نقل و انتقال است.

کلمه مثال ۴۲: اتومبیل شخصی به سرقت می‌رود و به خارج از کشور منتقل می‌شود، اتومبیل در کشور مزبور شناسایی و توقیف می‌شود، مالک به علت ممنوعیت در خروج از کشور قادر به تسلط بر مال نیست و اتومبیل را به یکی از دوستان خود که توانایی استرداد مال را دارد می‌فروشد این معامله: (۱) صحیح نیست زیرا مال باید قابلیت تسلیم و تسلیم را داشته باشد.

(۲) صحیح است زیرا مالک با وجود عدم توانایی به تسلیم و تصرف، خریدار رضایت داده است.

(۳) صحیح است زیرا خریدار قادر بر تصرف و تسلیم مال است.

(۴) صحیح نیست زیرا مالک قادر بر تصرف مال نیست.

☒ پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۴۳۸ (قانون مدنی)

کلمه مثال ۴۳: شرکت هواپیمایی در ضمن قرارداد کار از مهمانداران خود تعهد اخذ می‌کنند که در طی مدت ۱۰ سال اول فعالیت از ازدواج خودداری کنند این قرارداد:

(۱) صحیح است.

(۲) غیرنافذ است.

(۳) در صورت ازدواج به شرکت هواپیمایی اختیار فسخ می‌دهد.

(۴) قرارداد صحیح، ولی این شرط باطل می‌باشد به علت مغایرت با نظم عمومی و اخلاق حسنه.

☒ پاسخ: گزینه «۴» زیرا تعهد بر عدم ازدواج موجب رواج فساد و فحشا می‌شود و این امر با نظم عمومی و اخلاق حسنه مغایرت دارد.

کلمه مثال ۴۴: در مورد جهت معامله کدام گزینه صحیح است؟

(۱) جهت معامله امری نوعی است که فقط در صورت تصریح در عقد موجب بطلان عقد است.

(۲) جهت معامله امری نوعی شخصی است که در صورت نامشروع بودن در هر حال موجب بطلان عقد است.

(۳) جهت معامله امری شخصی است که در صورت نامشروع بودن آن و این که هر دو از آن آگاه باشند یا مشترک بین هر دو باشد، موجب بطلان عقد است.

(۴) جهت معامله امری نوعی است که در صورت تصریح در عقد اگر نامشروع باشد، موجب بطلان عقد است.

☒ پاسخ: گزینه «۳» جهت معامله امری شخصی می‌باشد که در صورتی که نامشروع باشد و در عقد تصریح شود، موجب بطلان معامله است و آگاهی دو طرف از نامشروع بودن جهت معامله به منزله تصریح در عقد است. گزینه (۱) به این علت پاسخ صحیح نمی‌باشد که چون فقط در صورتی جهت نامشروع معامله را موجب بطلان عقد می‌داند که در عقد تصریح شده باشد.

کلمه مثال ۴۵: شخصی برای اخذ وام اقدام به انعقاد عقد ازدواج با دختری می‌نماید و در قرارداد جداگانه طرفین اعلام می‌نمایند که بعد از ۳ ماه به دادگاه مراجعه و به صورت توافقی رضایت خود را بر طلاق اعلام نمایند. بعد از ۳ ماه مرد با مراجعه به دادگاه درخواست طلاق می‌نماید و دختر قرارداد دوم را جهت دفاع ارائه می‌کند، دادگاه چگونه حکم می‌دهد؟

(۱) حکم به طلاق می‌دهد زیرا طرفین خود راضی به جدایی می‌باشند.

(۲) دادخواست طلاق را رد می‌کند، زیرا توافق طرفین بر طلاق نافذ نیست.

(۳) ازدواج به علت فقدان قصد ازدواج باطل است.

(۴) حکم به رد دادخواست طلاق و تمکین زوجه می‌دهد.

☒ پاسخ: گزینه «۳» زیرا طرفین قصد ازدواج نداشته‌اند و معامله صوری به واسطه فقدان قصد باطل است.

کلمه مثال ۴۶: الف کالایی را از ب می‌خرد و در مقابل، چکی به مبلغ ۱۰۰ میلیون ریال از حساب خود به ب تحویل می‌دهد، یک روز قبل از موعد چک به واسطه خساراتی که الف به دیگری وارد می‌آورد مجبور می‌شود مبلغ ۱۰۰ میلیون ریال از حساب خارج کند حال ایفای این دین ...

(۱) باطل است زیرا الف به دیگری بدهکار بود.

(۲) غیرنافذ است و الف می‌تواند آن را تنفیذ یا رد کند.

(۳) صحیح است.

(۴) باطل است زیرا محل دین به واسطه صدور چک به الف منتقل شده است.

☒ پاسخ: گزینه «۳» زیرا پرداخت به واسطه دینی بوده و دیگری نیز طلبکار محسوب می‌شده است. از طرفی با صدور و انتقال چک، محل آن منتقل نمی‌شود.



آزمون فصل دوم

که ۱- معامله یک فرد بالغ با صغیر غیرممیز چه وضعیتی دارد؟

- (۱) باطل است. (۲) صحیح است. (۳) نافذ است. (۴) غیرنافذ است.

که ۲- در کدام یک از موارد زیر ایجاب از بین می‌رود؟

- (۱) با سپری شدن مدت ایجاب
(۲) در صورت صدور حکم ورشکستگی
(۳) با فوت و حجر طرف
(۴) همه موارد

که ۳- قصد انشا را می‌سازد ولی رضا عنصر است، اگر رضا نباشد، موجب عقد است. اگر قصد نباشد، موجب عقد است.

- (۱) تأثیر عقد، عدم نفوذ، بطلان
(۲) عقد، تأثیر عقد، بطلان، عدم نفوذ
(۳) عقد، تأثیر عقد، عدم نفوذ، بطلان
(۴) عقد، تأثیر عقد، صحت، عدم نفوذ

که ۴- A اتومبیل خود را می‌خواهد به B بفروشد. B تصور می‌کند که A قصد هبه دارد و آن را می‌گیرد، تکلیف این معامله چیست؟ چرا؟

- (۱) عقد باطل است، اشتباه در هویت موضوع عقد
(۲) عقد نافذ است، اشتباه در نوع عقد
(۳) عقد غیرنافذ است، عدم نفوذ، بطلان
(۴) عقد باطل است، اشتباه در نوع عقد

که ۵- A اسبی را به تصور این که اسب خودش مرده است، می‌خرد بعد آشکار می‌گردد که اسب او زنده بوده است، معامله چه حکمی دارد؟ چرا؟

- (۱) باطل است، اشتباه ناشی از تدلیس
(۲) صحیح است، اشتباه در داعی معامله
(۳) باطل است، اشتباه در داعی معامله
(۴) صحیح است، اشتباه در قانون

که ۶- اجازه معامله بعد از رفع اکراه نسبت به مؤثر است؟

- (۱) گذشته (۲) آینده (۳) حال (۴) گزینه ۱ و ۳

که ۷- اثر معامله به قصد فرار از دین است.

- (۱) صحیح و نافذ است.
(۲) معامله به خاطر جهت نامشروع باطل است.
(۳) غیرقابل استناد در برابر طلبکاران.
(۴) صحیح است، اگر طلبکاران اجازه دهند.

که ۸- کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) معلوم بودن کمیت مورد عقد، لازم است.
(۲) معلوم بودن اوصاف مهم مورد عقد، لازم نیست.
(۳) معلوم بودن جنس مورد عقد، لازم است.
(۴) معلوم بودن ارزش مورد عقد، لازم است.

که ۹- عقد اضطراری است.

- (۱) نافذ (۲) باطل (۳) غیرنافذ (۴) قابل فسخ

که ۱۰- رکن ایجاد عقد کدام است؟

- (۱) قصد انشا (۲) قصد و رضا (۳) قصد (۴) اهلیت قانونی

که ۱۱- قصد انشا به چه معنی می‌باشد؟

- (۱) اعلام رضایت (۲) ابراز اراده (۳) اعلام اراده (۴) نیت انعقاد عقد

که ۱۲- در صورتی که طرفین رضایت به انعقاد عقد نداشته باشند عقد:

- (۱) باطل است. (۲) نافذ است. (۳) غیرنافذ است. (۴) قابل فسخ است.

که ۱۳- توالی بین ایجاب و قبول به چه معناست؟

- (۱) ایجاب و قبول، بی‌فاصله با هم واقع شوند.
(۲) قبول، بعد از ایجاب باشد.
(۳) قبول باید در زمانی اعلام شود که موجب هنوز بر پیشنهاد خود باقی است.
(۴) قبول، قبل از ایجاب باشد.

که ۱۴- اگر فردی در حال مستی معامله‌ای را انجام دهد، حکم آن معامله چیست؟

- (۱) قابل فسخ است. (۲) غیرنافذ است. (۳) صحیح است. (۴) باطل است.

که ۱۵- کدام یک از معاملات زیر باطل است؟

- (۱) به قصد فرار از دین (۲) صوری (۳) کم فروشی (۴) گران فروشی

که ۱۶- هرگاه طرفین عقد، علم به غیرقابل تسلیم بودن مبیع داشته باشند ولی معامله کنند، آن گاه بعد از عقد خریدار بر آن تسلط پیدا کند، حکم این معامله چیست؟

- (۱) غیرنافذ است. (۲) باطل است. (۳) منفسخ است. (۴) بایع حق فسخ دارد.

که ۱۷- ماهیت حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث چیست؟

- (۱) عقد است. (۲) ماهیتی است که از مبنا و نسبت به ثالث، ایقاع است. (۳) ایقاع است. (۴) اداره‌ی مال غیر است.

که ۱۸- فروش مال مولی علیه توسط قیم به خود:

- (۱) غیرنافذ است. (۲) باطل است. (۳) صحیح است با اجازه دادستان. (۴) قابل فسخ است.

که ۱۹- اشتباه در کدام یک از موارد زیر عقد را باطل می‌کند؟

- (۱) ماهیت عقد (۲) ارزش مورد معامله (۳) اوصاف مهم مورد عقد (۴) جهت عقد

که ۲۰- کدام یک از موارد زیر جزء عیوب اراده نیست؟

- (۱) اشتباه (۲) اکراه (۳) اجبار (۴) تدلیس

که ۲۱- اشتباه در نوع عقد چه تأثیری در عقد دارد؟

- (۱) عقد را باطل می‌کند. (۲) عقد را غیرنافذ می‌کند. (۳) حق فسخ ایجاد می‌کند. (۴) در عقود لازم موجب بطلان می‌شود و در عقود جایز اثری ندارد.

که ۲۲- در صورتی که اشتباه در اوصاف فرعی موضوع قرارداد وجود داشته باشد، حکم معامله در چیست؟

- (۱) صحیح است. (۲) غیرنافذ است. (۳) باطل است. (۴) صحیح و قابل فسخ است.

که ۲۳- کدام یک از عبارتهای زیر صحیح می‌باشد؟

- (۱) عقد مکره غیرنافذ است. (۲) عقد مکره غیرنافذ است. (۳) عقد مکره باطل است. (۴) عقد مکره باطل است.

که ۲۴- معامله‌ی اضطراری و اکراهی به ترتیب چه اثری دارد؟

- (۱) باطل و غیرنافذ است. (۲) صحیح و غیرنافذ است. (۳) غیرنافذ و صحیح است. (۴) غیرنافذ و باطل است.

که ۲۵- اگر اکراه به درجه‌ای باشد که سبب فقدان قصد طرف مقابل گردد، حکم معامله‌ی انجام شده چه می‌باشد؟

- (۱) غیرنافذ است. (۲) صحیح است. (۳) باطل است. (۴) قابل فسخ است.



فصل سوم

«آثار قراردادهای و تعهدات»

تست‌های تألیفی فصل سوم

کج مثال ۱: الف تعهد به ساختن یک منزل مسکونی برای دیگری می‌کند ولی برای انجام آن به جای استفاده از مصالح سیمان و گچ و ... از کاه و گل استفاده می‌کند، طرف مقابل به این امر اعتراض می‌کند و الف با استناد به عدم تصریح استفاده از مصالح سیمان و گچ و ... خود را مختار در استفاده از نوع دلخواه می‌داند. قاضی در مواجهه با چنین اختلافی چگونه حکم می‌دهد؟

- (۱) به علت عدم تصریح در قرارداد اعتراض طرف مقابل را رد می‌کند.
- (۲) به استناد ماده ۲۲۰، با توجه به عرف مصالح منطقه، حکم علیه الف صادر می‌کند.
- (۳) صرفاً طرفین را به صلح و سازش دعوت می‌کند.
- (۴) به علت عدم وجود قانون در این زمینه و عدم تصریح در قرارداد حکم به نفع الف صادر می‌کند.

پاسخ: گزینه «۲» به استناد ماده ۲۲۰ (قانون مدنی) ☒

کج مثال ۲: در خصوص اصول حاکم بر قرارداد، سلسله مراتب به چه ترتیبی صحیح است؟

- (۱) قوانین تکمیلی، اراده طرفین، عرف، قوانین امری
- (۲) قوانین امری، اراده طرفین، عرف، اراده طرفین
- (۳) قوانین امری، اراده طرفین، عرف، قوانین تکمیلی
- (۴) عرف، قوانین امری، اراده طرفین، قوانین تکمیلی

پاسخ: گزینه «۳» ☒

کج مثال ۳: شخصی پس از انعقاد معامله مدعی می‌شود که در نوع معامله اشتباه کرده و به تصور این که طرف مقابل به او هبه کرده است، او نیز قبولی را اعلام کرده، در این جا چه کسی مدعی است و وضعیت معامله چگونه است؟

- (۱) مدعی بطلان باید ادعای خود را اثبات کند، به استناد اصل صحت.
- (۲) مدعی صحت باید درستی معامله را اثبات کند، به استناد اصل استصحاب.
- (۳) مدعی بطلان باید ادعای خود را ثابت کند، به استناد اصل استصحاب.
- (۴) مدعی صحت باید درستی معامله را اثبات کند، به استناد اصل صحت.

پاسخ: گزینه «۱» به استناد ماده ۲۲۳ (قانون مدنی): «هر معامله‌ای که واقع شده باشد محمول بر صحت است، مگر این که فساد آن معلوم گردد.» ☒

کج مثال ۴: وضعیت تعدیل قراردادهای در نظام حقوقی کنونی ایران چگونه است؟

- (۱) به هیچ عنوان تعدیل قرارداد امکان‌پذیر نیست.
- (۲) فقط در صورت تصریح در قرارداد امکان تعدیل قرارداد وجود دارد.
- (۳) فقط در موارد مصرّح در قانون تعدیل قرارداد امکان‌پذیر است.
- (۴) در موارد مصرّح در قانون و قرارداد طرفین امکان تعدیل قرارداد وجود دارد.

پاسخ: گزینه «۴» همان طور که در بالا توضیح داده شد، قاضی فقط در موارد مصرّح در قانون و یا در مواردی که طرفین در قرارداد پیش‌بینی نموده‌اند قرارداد را تعدیل نماید. ☒

آزمون فصل سوم

که ۱- اصل الزامی بودن قراردادهای شامل

- (۱) چیزی است که صریحاً در عقد ذکر شده است.
(۳) گزینه ۲ و ۴
(۲) لوازم عرفی و قانونی عقد.
(۴) فقط لوازم قانونی عقد.

که ۲- کدام گزینه جزء آثار قراردادهای نیست؟

- (۱) اصل لزوم‌الاتباع بودن مفاد قرارداد (۲) اصل لزوم قراردادهای
(۳) اصل نسبی بودن قرارداد (۴) اصل عدم صحت قراردادهای

که ۳- کدام عبارت صحیح است؟

- (۱) در صورت تعارض عرف و عادت با قوانین تکمیلی، عرف مقدم است.
(۲) در صورت تعارض عرف و عادت با قوانین تکمیلی، قوانین تکمیلی مقدم است.
(۳) در صورت تعارض عرف و عادت با مفاد قرارداد، عرف و عادت مقدم است.
(۴) در صورت تعارض قوانین تکمیلی با مفاد قرارداد، قوانین تکمیلی مقدم است.

که ۴- کدام مورد جزء شرایط تعدیل دین در دادگاه ایران، نمی‌باشد؟

- (۱) با مطالبه داین و تمکن مدیون، وی از پرداخت امتناع کند.
(۳) دادگاه با توجه به اوضاع، بدون درخواست طلبکار این تصمیم را گرفته باشد.
(۲) طلبکار تعدیل دین را درخواست کرده باشد.
(۴) موضوع دین وجه رایج باشد.

که ۵- منظور از اصل نسبی بودن در قراردادهای یعنی

- (۱) آثار قراردادهای نسبت به متعاملین و قائم مقام آن‌ها و اشخاص ثالث مؤثر است.
(۲) آثار قراردادهای فقط و فقط نسبت به متعاملین مؤثر است.
(۳) آثار قراردادهای فقط و فقط نسبت به متعاملین و قائم مقام آن‌ها مؤثر است.
(۴) آثار قراردادهای فقط و فقط نسبت به اشخاص ثالث مؤثر است.

که ۶- کدام یک از موارد زیر جزء استثنائات اصل نسبی بودن قراردادهای نیست؟

- (۱) تعهد به نفع ثالث (۲) تعهد به ضرر ثالث
(۳) معامله فضولی (۴) قرارداد جمعی

که ۷- ممکن است در قرارداد حق فسخ برای یکی از طرفین یا هر دو یا شخص ثالث پیش بینی شده باشد به این می‌گویند.

- (۱) اختیار شرط (۲) اختیار عیب
(۳) اختیار غبن (۴) اختیار تدلیس

که ۸- الفاظ عقود محمول است بر معنی

- (۱) منطقی (۲) عرفی
(۳) حقوقی (۴) ادبی

که ۹- لازم‌الاتباع بودن در کدام یک از عقود زیر وجود دارد؟

- (۱) جایز (۲) خیاری
(۳) لازم (۴) هر سه گزینه

که ۱۰- تعهد به نفع ثالث از حیث ماهیت حقوقی

- (۱) واقعی حقوقی (۲) عمل حقوقی
(۳) عقد (۴) گزینه ۲ و ۳

که ۱۱- اصل در عقود

- (۱) جایز بودن است. (۲) لازم بودن است.
(۳) رضایی بودن است. (۴) گزینه ۱ و ۳ صحیح می‌باشد.

که ۱۲- در صورت خودداری متعهد از انجام تعهد، متعهدله می‌تواند

- (۱) فقط مطالبه‌ی خسارت کند.
(۳) فقط از حق حبس استفاده کند.
(۲) فقط قرارداد را فسخ کند.
(۴) با اجازه حاکم به هزینه متعهد، عمل را انجام دهد.

که ۱۳- در صورتی که متعهد از انجام تعهد سرباز زند و امکان الزام او وجود نداشته باشد:

- (۱) در صورتی که مباشرت متعهد شرط نباشد، حاکم می‌تواند به هزینه متعهد موجبات انجام آن را فراهم کند.
(۲) در هر حال حاکم می‌تواند اجرای تعهد را به شخص دیگری واگذار کند.
(۳) حاکم حق ندارد اجرای تعهد را به دیگری واگذار کند.
(۴) در صورتی که مباشرت متعهد شرط نباشد، حاکم باید به هزینه متعهدله موجبات انجام آن را فراهم نماید.



که ۱۴- در صورت تعارض عرف با قانون، کدام مقدم است؟

- (۱) حکم عرف مقدم است در صورتی که قانون از قوانین تکمیلی باشد.
- (۲) حکم قانون مقدم است.
- (۳) حکم عرف مقدم است در صورتی که طرفین با آگاهی بر عرف، قرارداد را منعقد کرده باشند.
- (۴) حکم عرف و قانون بی‌تأثیر است.

که ۱۵- اگر عقد اصلی اکراهی باشد، شرط ضمن عقد:

- (۱) باطل است.
- (۲) قابل فسخ است.
- (۳) صحیح است.
- (۴) غیرنافذ است.

که ۱۶- کدام یک از شروط زیر باطل است؟

- (۱) شرط معلق
- (۲) شرط مجهول
- (۳) شرط بدون فایده
- (۴) شرط ترک فعل

که ۱۷- شرط نامشروع جزء شروط باطل و:

- (۱) مفسد عقد است.
- (۲) غیرمبطل است.
- (۳) مبطل است.
- (۴) هیچکدام

که ۱۸- کدام یک از شروط زیر موجب بطلان عقد می‌شود؟

- (۱) شرط خلاف مقتضای اطلاق عقد
- (۲) شرط خلاف مقتضای ذات عقد
- (۳) شرط نامشروع
- (۴) شرطی که انجام آن غیرمقدور باشد.

که ۱۹- منظور از شرط نتیجه چیست؟

- (۱) شرطی است که در آن بر هدف و نتیجه‌ی عقد اصلی تأکید می‌شود.
- (۲) شرطی است که دارای فایده‌ی عقلایی است.
- (۳) شرطی است که تحقق امر طبیعی در عالم خارج در عقد شرط شده باشد.
- (۴) شرطی است که به موجب آن، تحقق نتیجه‌ی یکی از اعمال حقوقی در خارج شرط شود.

که ۲۰- اگر یک قطعه زمینی به شرط آن که ۱۰۰۰ متر باشد فروخته شود و بعداً معلوم شود که زمین ۱۱۰۰ متر است، معامله چه وضعی پیدا می‌کند؟

- (۱) فروشنده حق فسخ دارد.
- (۲) مقدار اضافی متعلق به خریدار است به شرط آن که قیمت آن را طبق توافق به فروشنده بپردازد.
- (۳) فروشنده یا خریدار حق فسخ معامله را دارند.
- (۴) مقدار اضافی متعلق به فروشنده است.

که ۲۱- در صورتی که نتیجه‌ی مورد شرط تحقق پیدا نکند:

- (۱) عقد مشروط قابل فسخ است.
- (۲) عقد مشروط قابل اجرا است.
- (۳) عقد مشروط باطل است.
- (۴) مشروط‌علیه، مشروط را باید محقق سازد.

که ۲۲- اگر بعد از عقد، انجام شرط غیرممکن شود:

- (۱) عقد غیرنافذ است.
- (۲) عقد باطل است.
- (۳) عقد قابل فسخ است.
- (۴) عقد نافذ و غیرقابل فسخ است.

که ۲۳- اگر گندم موجود در انبار به شرط این که ۱۰ تن باشد فروخته شود و بعداً معلوم شود که گندم موجود کمتر بوده:

- (۱) معامله باطل است.
- (۲) معامله غیرنافذ است.
- (۳) معامله صحیح و قابل فسخ است.
- (۴) معامله صحیح و غیرقابل فسخ است.

که ۲۴- شرط ضمن عقد:

- (۱) باطل است.
- (۲) باطل و مبطل است.
- (۳) صحیح است.
- (۴) فقط در صورت مجهول کردن عوض باطل است.

که ۲۵- وضعیت شخص ثالث در نظام قراردادی حقوق ایران چگونه است؟

- (۱) بر اساس اصل نسبی بودن قراردادهای وضع شخص ثالث سالبه به انتفا موضوع است.
- (۲) تعهدات صرفاً به نفع ثالث پذیرفته شده است.
- (۳) تعهدات خواه نافع خواه مضر برای ثالث پذیرفته شده است.
- (۴) حقوق ایران در این خصوص ساکت است.

فصل چهارم

«معامله فضولی»

تست‌های تألیفی فصل چهارم

❏ مثال ۱: در معامله فضولی کدام عنصر مفقود است؟

- (۱) قصد (۲) رضا و قصد (۳) رضا (۴) مشروعیت قصد و رضا

❏ پاسخ: گزینه «۳» چرا که در عقد فضولی قصد از جانب فضول وجود دارد و عقد تشکیل شده است و به خاطر عدم وجود رضای مالک غیرنافذ می‌باشد که با الحاق رضای مالک عقد کامل می‌شود. قصد جنبه نوعی داشته ولی رضا جنبه شخصی دارد و باید از طرف مالک باشد.

❏ مثال ۲: اگر در معامله‌ی فضولی، مالک در مجلس عقد حاضر بوده و سکوت کند، معامله:

- (۱) درست است. (۲) باطل است. (۳) غیرنافذ است. (۴) قابل فسخ است.

❏ پاسخ: گزینه «۳» رجوع کنید به ماده‌ی ۲۴۹ (قانون مدنی)

❏ مثال ۳: کدام یک از موارد ذیل از مصادیق معامله فضولی است:

- (۱) شخصی که مالک مال نیست مال غیر را به نام و به حساب مالک و برای او بدون داشتن سمت نمایندگی معامله کند.
(۲) شخصی مال غیر را برای خود (به عنوان مالک آن) معامله کند.
(۳) وکیل خارج از حدود اختیارات خود عمل می‌کند.
(۴) هر سه گزینه

❏ پاسخ: گزینه «۴» گزینه ۱ و گزینه ۳ هر دو ذیل یک مجموعه‌اند و معامله‌ی فضولی‌اند؛ زیرا رضای مالک در هیچ کدام نیست. گزینه ۲ هم مصداق بارز معامله‌ی فضولی است.

اجازه لازم نیست فوری باشد یعنی مالک فرصت دارد که فکر و تأمل کند و بعد اجازه یا رد خود را اعلام کند، اما قانون‌گذار فرضی را در نظر گرفته که اگر تأخیر در اجازه موجب ضرر به اصیل شود، اصیل حق دارد معامله را بر هم زند. به عنوان مثال اصیل (شخصی که طرف معامله‌ی فضول بوده است) می‌خواهد در زمین مورد معامله کشت پنبه کند و تأخیر در اجازه باعث می‌شود فصل کشت بگذرد و وی زیان ببیند، این‌جاست که قانون‌گذار راه‌حل داده است و در ماده‌ی ۲۵۲ قانون مدنی آورده «لازم نیست اجازه یا رد فوری باشد. اگر تأخیر موجب تضرر طرف اصیل باشد، مشارالیه می‌تواند معامله را به هم بزند.»

❏ مثال ۴: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) در رد یا قبول معامله‌ی فضولی فوریت شرط است.
(۲) در رد یا قبول معامله‌ی فضولی فوریت شرط نیست.
(۳) اصیل حق بر هم زدن معامله را ندارد، اگر چه تأخیر در رد یا قبول معامله‌ی فضولی موجب تضرر وی شود.
(۴) گزینه ۲ و ۳

❏ پاسخ: گزینه «۲» طبق نص صریح ماده‌ی ۲۵۲ (قانون مدنی)

طبق ماده ۲۵۳ قانون مدنی اگر مالک قبل از اجازه یا رد فوت کند، این حق به وارث وی می‌رسد و آن‌ها می‌توانند معامله را قبول یا رد کنند. دلیل این حرف این است که این حق یک حق مالی است، بنابراین جزء دارایی فرد است و به وارث می‌رسد.

❏ مثال ۵: اگر سارقی فرش متعلق به یک پسر ۱۴ ساله را بفروشد معامله چه وضعیتی دارد؟ اگر پسر قبل از رسیدن به سن کبر فوت کند، تکلیف این معامله چیست؟

- (۱) غیرنافذ است و با تنفید سرپرست پسر نافذ خواهد شد، بعد از فوت به عهده‌ی وراث است.
(۲) باطل است، فوت پسر تأثیری در نفوذ معامله ندارد.
(۳) معلق است تا پسر کبیر شود، وراث عهده‌دار تنفیذ خواهد بود.
(۴) بر عهده‌ی دادگاه است، بعد از فوت معامله منفسخ می‌شود.

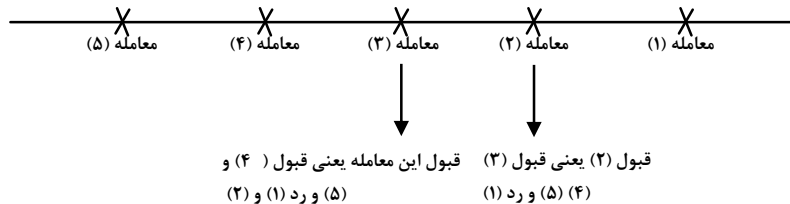
❏ پاسخ: گزینه «۱» طبق ماده‌ی ۲۴۷ قانون مدنی، چون سارق مال غیر را فروخته و هیچ سمتی از طرف پسر نداشته است، معامله فضولی و غیرنافذ خواهد بود و تنفیذ بر عهده‌ی سرپرست وی است (چون پسر به سن کبر نرسیده است).



که مثال ۶: اگر مال شخص، فضولتاً مورد معاملات متعدد قرار گیرد، تنفیذ...

- (۱) آخرین معامله، موجب نفوذ معاملات قبلی است.
 (۲) معامله نخست، موجب نفوذ معاملات بعدی است.
 (۳) معامله اول سبب رد معاملات بعدی است.
 (۴) معامله وسط موجب رد معاملات بعدی و نفوذ معاملات قبلی

پاسخ: گزینه «۲» برای توضیح به نمودار زیر دقت کنید. ☒



که مثال ۷: در قانون مدنی کدام یک از نظرات حقوقی در مورد اثر اجازه مالک در عقد فضولی پذیرفته شده است؟

- (۱) کشف حکمی (۲) کشف حقیقی (۳) کشف (۴) نقل

پاسخ: گزینه «۱» اجازه مالک، ناقل نیست، یعنی موجب انتقال مالکیت نمی‌شود بلکه کاشف است، یعنی کاشف از انتقال مالکیت از زمان وقوع عقد می‌باشد و کاشف بودن آن حکمی است. ☒

که مثال ۸: آقای الف فضولاً خانه‌ی ب را به ج فروخته و مبيع به تصرف ج درآمده است. ب بعد از اطلاع از فروش خانه معامله بیع را رد کرده و تنفیذ نمی‌کند، سقف خانه در مدتی که در تصرف ج بوده خراب شده حال مسئولیت متوجه چه کسی خواهد بود؟

(۱) الف و ج هر دو در برابر ب متضامناً ضامن هستند.

(۲) فقط الف ضامن است.

(۳) فقط ج ضامن است.

(۴) الف و ج در صورتی مسئول‌اند که تعدی و تفریط کرده باشند.

پاسخ: گزینه «۱» طبق نص صریح ماده ۲۵۹، اصیل که مال در تصرف وی است ضامن خواهد بود، اما با توجه به مقررات باب غصب (علی‌الخصوص ماده ۳۱۷ قانون مدنی) گزینه ۱ صحیح می‌باشد. ☒

که مثال ۹: اگر فضول، مبيع را به اصیل بدهد و مبيع در اثر زلزله تلف شود و سپس مالک بیع را رد کند مالک می‌تواند بدل را از کدام شخص درخواست کند؟

(۱) اصیل

(۲) فضول یا اصیل

(۳) فضول

(۴) اصیل عالم به فضولی بودن بیع

پاسخ: گزینه «۲» بر اساس مواد ۲۵۹ قانون مدنی، اصیل به علت داشتن ید غاصبانه در هر حال اگرچه مرتکب تقصیر هم نشده باشد ضامن عین و منافع (خواه استیفا کرده باشد خواه نکرده باشد) است. اما با توجه به اصول حقوقی گزینه‌ی «۳» صحیح‌تر است. ☒

که مثال ۱۰: در صورتی که مورد معامله فضولی به تصرف مشتری داده شده باشد، نسبت به منافع استیفا نشده مورد معامله، پس از رد عقد، مشتری:

(۱) در برابر مالک ضامن است.

(۲) ضامن نیست.

(۳) در صورتی که جاهل باشد ضامن نیست.

(۴) در برابر فضول ضامن است.

پاسخ: گزینه «۱» بر اساس مواد ۲۵۹ قانون مدنی، اصیل به علت داشتن ید غاصبانه در هر حال اگرچه مرتکب تقصیر هم نشده باشد، ضامن عین و منافع (خواه استیفا کرده باشد خواه نکرده باشد) است. اما با توجه به اصول حقوقی گزینه‌ی «۲» صحیح‌تر است. ☒



آزمون فصل چهارم

که ۱- کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) اجازه با هر لفظ و فعلی که دلالت بر امضای عقد نماید حاصل (۲) سکوت مالک با حضور در مجلس عقد فضولی، اجازه تلقی می‌شود.
می‌شود.
(۳) اجازه نباید مسبوق به رد باشد. (۴) اجازه لازم نیست فوری باشد.

که ۲- اگر مالک قبل از اجازه یا رد فوت کند، حق تنفیذ یا رد بر عهده کیست؟

- (۱) حاکم (۲) وصی (۳) ورثه (۴) معامله دیگر نیاز به تنفیذ ندارد

که ۳- تأثیر اجازه نسبت به منافع عوضین معامله، از چه روزی مؤثر است؟

- (۱) از تاریخ اجازه (۲) زمانی که مالک معین می‌کند. (۳) زمانی که حاکم تعیین می‌کند. (۴) از تاریخ عقد

که ۴- هرگاه بعد از معامله فضولی معلوم شود که آن مال، ملک فضول بوده است، در این صورت

- (۱) معامله صحیح است و نیاز به تنفیذ ندارد. (۲) صحت معامله موقوف به اجازه‌ی فضول است.
(۳) صحت معامله موقوف به اجازه‌ی حاکم است. (۴) معامله باطل است.

که ۵- اگر در معامله فضولی، مالک در مجلس عقد حاضر بوده و به منزله‌ی قبول سر تکان دهد ولی ساکت باشد، معامله:

- (۱) درست است. (۲) باطل است. (۳) غیرنافذ است. (۴) قابل فسخ است.

که ۶- منظور از انتقال مال به خود فضول به نحوی از انحاء شامل

- (۱) انتقال قهری (۲) انتقال قراردادی (۳) انتقال قانونی (۴) گزینه ۱ و ۲

که ۷- A ماشین B را سرقت می‌کند، بعد از مدتی به کسی که اطلاع بر سرقت نداشته می‌فروشد، معامله چه وضعیتی دارد؟

- (۱) باطل است. (۲) قابل فسخ است. (۳) غیرنافذ است. (۴) معتبر است.

که ۸- اگر مورد بیع فضولی، بدون اذن مالک به وسیله خریدار، مجدداً فروخته شود و سپس خریدار دوم نیز آن را بفروشد و مالک معامله دوم را تنفیذ کند، چه می‌شود؟

- (۱) معامله اول باطل (۲) معامله اول و دوم باطل (۳) معامله اول و دوم نافذ (۴) فقط معامله دوم نافذ

که ۹- اگر فضول مبیع را به اصیل بدهد و مبیع بدون تعدی و تفریط نزد اصیل تلف شود و سپس مالک بیع را رد کند، مالک می‌تواند بدل مبیع را از کدام شخص درخواست کند؟

- (۱) فقط از اصیل (۲) فقط از فضول (۳) از فضول یا اصیل (۴) فقط از اصیل عالم به فضولی بودن مبیع

که ۱۰- معامله نسبت به مال غیر، با کدام عنوان نافذ نیست؟

- (۱) ولایت (۲) وصایت (۳) وکالت (۴) اولاد

فصل پنجم

«شروط ضمن عقد»

تست‌های تألیفی فصل پنجم

- که مثال ۱: اگر در عقد نکاح زوج وکیل شود تا ملک زن را به رایگان به خود انتقال دهد، این شرط برای کدام یک از طرفین الزام‌آور و غیرقابل فسخ است؟
- (۱) برای زوج و زوجه الزام‌آور است.
(۲) فقط برای زوج الزام‌آور است.
(۳) فقط برای زوجه الزام‌آور است.
(۴) چون وکالت عقدی است جایز برای هیچ‌کدام الزام‌آور نیست.
- پاسخ: گزینه «۳» از آن جایی که این شرط به سود زوج می‌باشد، بنابراین زوج می‌تواند از آن صرف‌نظر کند و از وکالت استعفا دهد. ☒

- که مثال ۲: شرطی باطل نیست که ...
- (۱) ارزش مورد آن مجهول باشد.
(۲) انجام آن غیرمقدور باشد.
(۳) اوصاف فرعی مورد آن نامعلوم باشد.
(۴) ماهیت مورد آن مجهول باشد.
- پاسخ: گزینه «۳» براساس ماده ۲۳۲، گزینه ۲ و مستفاد از بند ۳ ماده ۱۹۰ (قانون مدنی) گزینه ۱ و ۴ غلط می‌باشد. ☒

- که مثال ۳: کدام گزینه از شروط ذیل باطل است، ولی مفسد عقد نیست؟
- (۱) شرطی که نامشروع باشد.
(۲) شرط خلاف مقتضای عقد
(۳) شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین شود.
(۴) شرطی که موجب نامشروع گردیدن جهت معامله می‌شود.
- پاسخ: گزینه «۱» بر اساس ماده ۲۳۲ (قانون مدنی) شرطی که نامشروع است از جمله شروط باطل است ولی عقد را باطل نمی‌کند. ☒

- که مثال ۴: کدام گزینه غلط است؟
- (۱) شرط خلاف مقتضای ذات عقد، جزء شروط باطل و مفسد عقد است.
(۲) شرط خلاف مقتضای ذات عقد جزء شروط باطل است، ولی موجب بطلان عقد نیست.
(۳) شرط غیرمقدور جزء شروط باطل و غیر مبطل است.
(۴) شرط صفت چنان‌چه غیرمقدور و نامشروع نباشد، جزء شروط صحیح است.
- پاسخ: گزینه «۲» طبق ماده ۲۳۳ (قانون مدنی) شرط خلاف مقتضای ذات عقد نه تنها شرطی باطل است، بلکه عقد را نیز باطل می‌کند. ☒

- که مثال ۵: کدام شرط باطل و مفسد عقد است؟
- (۱) شرط نامشروع.
(۲) شرط خلاف مقتضای ذات عقد.
(۳) شرطی که انجام آن غیرمقدور باشد.
(۴) شرطی که در آن نفع و فایده نباشد.
- پاسخ: گزینه «۳» طبق ماده ۲۳۳ (قانون مدنی) ☒

- که مثال ۶: شرط مجهول اگر موجب جهل به عوضین نشود....
- (۱) از نظر قانون مدنی صحیح و از نظر اصول حقوقی نیز صحیح می‌باشد.
(۲) از نظر قانون مدنی و اصول حقوقی باطل می‌باشد.
(۳) از نظر قانون مدنی صحیح و از نظر اصول حقوقی اگر قابل تعیین نباشد باطل می‌باشد.
(۴) از هر نظر باطل و مبطل عقد است.

- پاسخ: گزینه «۳» قانون مدنی شروط باطل و مبطل را در مواد ۲۳۱ و ۲۳۲ قانون مدنی شمارش نموده است و فقط شرط مجهولی را که موجب جهل به عوضین نباشد، باطل و مبطل عقد دانسته است و سخنی از شرط مجهولی که موجب جهل به عوضین نشود بیان نکرده است، پس بنابر ظاهر قانون مدنی شرط مجهولی که موجب جهل به عوضین نشود صحیح است، ولی همان‌طور که در بالا ذکر شد این شرط از لحاظ اصول حقوقی اگر قابل تعیین نباشد باطل است. ☒



❏ مثال ۷: اگر ضمن عقد نکاح شرط شود که یکی از زوجین از جانب همسر خود، وکیل در ادراهی اموال باشد این شرط چه نوع شرطی است؟

(۱) شرط فعل

(۲) شرط صفت

(۳) شرط نتیجه

(۴) هم شرط فعل و هم شرط نتیجه است.

❏ پاسخ: گزینه «۳» مسأله وکیل شدن موضوع شرط است نه وکالت دادن؛ لذا وکیل شدن با تحقق عقد نکاح حاصل می‌شود و نیازی به انعقاد عقد وکالت نیست.

❏ مثال ۸: کدام گزینه در مورد شرط نتیجه صحیح است؟

(۱) نتیجه حاصل عقدی در ضمن عقد دیگر است.

(۲) شرط کردن در یک عقد است.

(۳) شرط کردن نتیجه یک دعوا در یک عقد است.

(۴) درج نتیجه یک وضعیت در ضمن عقد است.

❏ پاسخ: گزینه «۱» بر طبق ماده ۲۳۴ و ۲۳۶ (قانون مدنی)

❏ مثال ۹: آیا خودداری از اجرای شرط فعل، به طرف مقابل (مشروط‌له) حق فسخ می‌دهد؟

(۱) مشروط‌له در هیچ صورت حق فسخ ندارد.

(۲) مشروط‌له در صورتی حق فسخ دارد که اجبار مشروط‌علیه ممکن نباشد.

(۳) مشروط‌له در صورت امتناع از اجرای شرط فعل، حق فسخ دارد.

(۴) مشروط‌له در صورتی حق فسخ دارد که اجبار مشروط‌علیه ممکن نباشد و فعل مشروط هم از جمله اعمالی نباشد که دیگری بتواند از جانب او واقع سازد.

❏ پاسخ: گزینه «۴» طبق ماده ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹ (قانون مدنی)

❏ مثال ۱۰: در صورت غیرممکن شدن انجام عمل مورد شرط به سبب عوامل خارج از اراده، مشروط‌له کدام یک از اقدامات زیر را می‌تواند انجام دهد؟

(۱) الزام متعهد به جبران خسارت (۲) اسقاط شرط (۳) ابطال معامله مشروط (۴) فسخ معامله مشروط

❏ پاسخ: گزینه «۴» به طور کلی اگر بعد از عقد انجام شرط ممتنع شود، مشروط‌له حق فسخ عقد را خواهد داشت.

❏ مثال ۱۱: کدام گزینه صحیح است؟

(۱) اگر بعد از انعقاد عقد انجام شرط ممتنع شود، معامله منفسخ می‌شود. (۲) تخلف از شرط صفت در عقد نکاح، موجب انفساخ عقد است.

(۳) شرطی که غیرمقدور باشد، باطل و مبطل عقد است. (۴) شرط نتیجه قابل اسقاط نیست.

❏ پاسخ: گزینه «۴» طبق ماده ۲۳۲ (قانون مدنی)

❏ مثال ۱۲: اگر معامله مشروطی اقاله گردد، طبق قانون مدنی ...

(۱) اگر شرط محقق نشده باشد باطل می‌شود.

(۲) تنها اگر شرط صفت یا نتیجه باشد باطل می‌شود.

(۳) تنها اگر شرط فعل باشد باطل می‌شود.

(۴) شروط ضمن آن در هر حال باطل می‌شود.

❏ پاسخ: گزینه «۴» بر اساس ماده ۲۴۶ (قانون مدنی)



آزمون فصل پنجم

که ۱- کدام گزینه جزء شروطی که باطل‌اند و موجب بطلان عقد نمی‌شود، نیست:

- (۱) شرط نامقدور (۲) شرط نامشروع (۳) شرط بی‌نفع (۴) شرط خلاف مقتضای ذات عقد

که ۲- در صورت غیر ممکن شدن انجام عمل مورد شرط به سبب عوامل طبیعی خارج از اراده، مشروط‌له کدام یک از اقدامات زیر را می‌تواند انجام دهد؟

- (۱) الزام متعهد به جبران خسارت (۲) اسقاط شرط (۳) ابطال معامله مشروط (۴) فسخ معامله مشروط

که ۳- اگر ضمن بیع شرط شده باشد که خریدار برای اقساط ثمن، خانه مسکونی خود را نزد فروشنده رهن گذارد و او از انجام شرط خودداری کند معامله:

- (۱) قابل فسخ است. (۲) غیرنافذ است. (۳) قابل فسخ نیست. (۴) معلق است.

که ۴- شرط راجع به کیفیت و کمیت مورد معامله، شرط

- (۱) صفت (۲) نتیجه (۳) فعل (۴) کمی

که ۵- اگر مشروط‌له از بطلان شرط مطلع باشد (شرطی که موجب بطلان عقد نمی‌شود) اگر آگاه نباشد

- (۱) حق فسخ دارد، حق فسخ ندارد. (۲) حق فسخ ندارد، حق فسخ دارد. (۳) حق فسخ دارد، حق فسخ ندارد. (۴) حق فسخ ندارد، حق فسخ ندارد.

که ۶- هرگاه در عقد، شرط شده باشد که ضامنی داده شود و این شرط انجام نگیرد

- (۱) مشروط‌له حق فسخ معامله را دارد. (۲) معامله باطل است. (۳) معامله صحیح و نافذ است. (۴) معامله غیرنافذ است.

که ۷- هرگاه بعد از عقد، انجام شرط، ممتنع شود

- (۱) عقد باطل است. (۲) کسی که شرط به نفع او شده اختیار فسخ معامله را دارد. (۳) معامله غیرنافذ است. (۴) کسی که شرط گذاشته اختیار فسخ معامله را دارد.

که ۸- بیماری و ورشکستگی متعهد به استناد نامقدور بودن انجام شرط،

- (۱) موجب بطلان شرط است. (۲) موجب بطلان عقد است. (۳) موجب بطلان شرط نمی‌شود. (۴) اختیار فسخ به متعهد می‌دهد.

که ۹- اگر ملکی به شرط داشتن مساحت معین فروخته شود و بعد معلوم شود که کمتر از آن مقدار است،

- (۱) معامله باطل است. (۲) معامله غیرنافذ است. (۳) مشتری می‌تواند به نسبت کمبود زمین از ثمن بکاهد. (۴) مشتری حق فسخ معامله را دارد.

که ۱۰- اگر دو طرف معامله در زمان تراضی از عدم امکان اجرای شرط آگاه باشند

- (۱) شرط باطل است. (۲) شرط صحیح است. (۳) معامله باطل است. (۴) مشروط‌له اختیار فسخ دارد.



فصل ششم

«عدم اجرای تعهد و آثار آن»

تست‌های تألیفی فصل ششم

کلمه مثال ۱: الف مالی را به ب می‌فروشد. پس از عقد الف مال را به خریدار تحویل می‌دهد. سپس الف ادعا می‌کند که آن مال ملک ج بوده است و بدون اطلاع او مال را فروخته است. اگر الف ثابت کند که مال، ملک ج بوده و ج راضی به معامله نیست، ب باید مال را به چه کسی مسترد کند؟

(۱) ب باید مال را به الف مسترد کند؛ زیرا مال را از او تحویل گرفته است.

(۲) ب باید مال را به الف یا ج (مالک) مسترد کند؛ چون الف مال را به ب تسلیم نموده و ج نیز مالک مال می‌باشد.

(۳) ب باید مال را به ج مسترد کند، مگر این که الف ثابت کند که مال با اذن مالک ج در نزد او بوده است.

(۴) ب مالک جدید می‌باشد و لزومی به استرداد مال نمی‌باشد.

پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۲۶۹ قانون مدنی «وفاء به عهد وقتی محقق می‌شود که متعهد چیزی را که می‌دهد مالک یا مأذون از جانب مالک باشد و ...» و در ماده ۲۷۰ قانون مدنی نیز آمده است: «اگر متعهد در مقام وفای به عهد مالی تأدیه نماید، دیگر نمی‌تواند به عنوان این که در حین تأدیه مالک آن نبوده استرداد آن را از متعهدله بخواهد مگر این که مال غیر و با مجوز قانونی در دید او بوده، بدون این که اذن در تأدیه داشته باشد».

کلمه مثال ۲: اگر مدیون بدهی خود را به شخص بیگانه (نه طلبکار یا وکیل او) بپردازد و بیگانه آن را به طلبکار برساند. تأدیه در چه زمانی صورت گرفته است؟

(۱) زمان قبض بیگانه.

(۲) هنگام وصول دین به طلبکار.

(۳) تأدیه مذکور اثر قانونی ندارد.

(۴) به اراده طلبکار بستگی دارد.

پاسخ: گزینه «۲» زیرا دین زمانی تأدیه می‌شود که مال به طلبکار یا وکیل مأذون از جانب او تأدیه گردد.

کلمه مثال ۳: کدام گزینه صحیح است؟

(۱) ایفای تعهد در هیچ حال توسط غیرمتعهد ممکن نمی‌باشد.

(۲) ایفای تعهد که مباشرت متعهد در آن شرط است توسط غیرمدیون جایز نیست، مگر در مواردی با رضایت مدیون

(۳) ایفای تعهد به وسیله غیرمتعهد بدون رضایت متعهد ممکن نمی‌باشد.

(۴) ایفای تعهدی که قائم به شخص نیست، با مخالفت متعهد ممکن نمی‌باشد.

پاسخ: گزینه «۲» در مواردی که تعهد قائم به شخص است، اصولاً تعهد نمی‌تواند توسط دیگری انجام شود. به موجب ماده ۲۶۸ قانون مدنی انجام فعلی، در صورتی که مباشرت شخص متعهد شرط شده باشد، به وسیله دیگری ممکن نیست مگر به رضایت متعهدله. باید توجه داشت تنها مواردی را شامل می‌شود که تنها متعهدله در انجام شرط به وسیله شخص متعهد نفع دارد. در فرضی که متعهد نیز در این باره نفعی دارد، دخالت شخص ثالث ممکن نیست مگر به تراضی دو طرف.

کلمه مثال ۴: در مورد تعهداتی که برای متعهدله قانوناً حق مطالبه وجود ندارد، اگر متعهد به اشتباه دین خود را ایفا کند

(۱) دعوای استرداد او مسموع نیست.

(۲) دعوای استرداد او مسموع است.

(۳) دعوای استرداد او مسموع نیست مگر این که تعهد نامشروع بوده باشد.

(۴) دعوای استرداد او مسموع است مگر این که تعهد نامشروع بوده باشد.

پاسخ: گزینه «۲» تعهد طبیعی تعهدی است که در آن، متعهد مدیون بوده، ولی ملزم به پرداخت دین خود نمی‌باشد. به عبارت دیگر در تعهد طبیعی، متعهدله طلبکار است ولی حق مطالبه طلب خود را ندارد. اگر متعهد به میل خود (نه در اثر اشتباه یا اکراه) تعهد طبیعی را ایفا نماید نمی‌تواند آن چه را که پرداخته است مسترد کند. در حالی که در سوال متعهد به اشتباه ایفای دین نموده است. دین مشمول مرور زمان، نفقه گذشته اقارب و صدقه از مصادیق تعهد طبیعی به شمار می‌روند و نکته مهم این است که اگر تعهدی که قابل مطالبه نیست، نامشروع باشد (مثل قمار)، پرداخت اثری در نفوذ آن ندارد و پولی که پرداخت شده قابل استرداد است.



کلمه مثال ۵: در کدام یک از موارد زیر حق حبس وجود ندارد؟

- (۱) در عقد بیعی که مبیع و ثمن هر دو مؤجل باشند و تاریخ سررسید آنها یکی باشد.
- (۲) در عقد بیعی که مبیع مؤجل بوده و ثمن حال باشد.
- (۳) در عقد بیعی که مبیع و ثمن هر دو حال باشند.
- (۴) هیچ‌کدام

☒ پاسخ: گزینه «۲» زیرا تعیین اجل برای یکی از دو تعهد نشان می‌دهد که در آن رابطه اجرای تعهد مؤجل به تأخیر می‌افتد و تعهد دیگر که حال است بی‌درنگ اجرا می‌شود.

کلمه مثال ۶: کدام یک از موارد درست است؟

- (۱) اگر در بیع برای تحویل مبیع و ثمن اجل یکسانی تعیین شده باشد، حق حبس وجود ندارد.
- (۲) اگر در بیع مبیع و ثمن حال باشند، حق حبس وجود ندارد.
- (۳) اگر بیع فسخ شده باشد، در مقام بازگرداندن دو عوض حق حبس وجود ندارد.
- (۴) اگر معامله اقاله شود در مقام استرداد عوضین حق حبس وجود ندارد.

☒ پاسخ: گزینه «۳» زیرا با فسخ معامله حق حبس ساقط شده و در مقام بازگرداندن دو عوض حق حبس وجود ندارد. گزینه «۴» غلط است زیرا اقاله نوعی معامله است (اگرچه معامله جدیدی نمی‌باشد) و طرفین در مقام استرداد عوضین حق حبس دارند.

کلمه مثال ۷: اگر برای ایفاء تعهد مدتی معین نشده باشد و اختیار زمان انجام تعهد هم با متعهدله نبوده تعهد چگونه است؟

- (۱) بر اساس عرف و عادت برای آن مدت معین می‌شود.
- (۲) تعهد حال بوده و بی‌درنگ اجرا می‌شود.
- (۳) هر زمان متعهد خواست اجرا می‌شود.
- (۴) هر زمان متعهدله درخواست کرد اجرا خواهد شد.

☒ پاسخ: گزینه «۲»

کلمه مثال ۸: برای مطالبه خسارت تخلف از انجام تعهد از متعهد:

- (۱) تقصیر متعهد باید اثبات شود.
- (۲) عدم تقصیر متعهدله اثبات شود.
- (۳) لازم نیست که تقصیر متعهد اثبات شود.
- (۴) لازم است که هم تقصیر متعهد و هم عدم تقصیر متعهدله اثبات شود.

☒ پاسخ: گزینه «۳» هرگاه متعهد تعهد را انجام ندهد، مکلف به جبران خسارات وارده است، مگر این‌که وجود قوه قاهره را ثابت نماید.

کلمه مثال ۹: هرگاه متصدی حمل و نقل در اجرای تعهد تأخیر کند و در روزی که می‌خواهد کالا را حمل کند، سیل پیش‌بینی نشده‌ای جاده را خراب کرده و مانع اجرای تعهد شود، آیا مشارالیه می‌تواند خود را معاف از مسئولیت بداند و چرا؟

- (۱) بلی، زیرا قوه قاهره مانع اجرای تعهد شده است.
- (۲) خیر، زیرا تقصیر متعهد سابق بر قوه قاهره بوده است.
- (۳) بلی، زیرا تعهد متصدی حمل و نقل به وسیله است.
- (۴) بلی، زیرا توافق ضمنی طرفین بر عدم مسئولیت در فرض مزبور بوده است.

☒ پاسخ: گزینه «۲» در این مثال متعهد با تأخیرش در ایجاد فورس‌ماژور مؤثر بوده است بنابراین حادثه منسوب به او بوده است. پس قوه‌ی قاهره و فورس‌ماژور نمی‌تواند باعث معافیت وی از مسئولیت شود.

کلمه مثال ۱۰: قوه‌ی قاهره عبارت است از ...

- (۱) حادثه‌ای است غیرقابل اجتناب که اجرای قرارداد را غیرممکن می‌سازد.
- (۲) حادثه‌ای است غیرقابل اجتناب که اجرای قرارداد را دشوار می‌سازد.
- (۳) حادثه‌ای است خارجی غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اجتناب که اجرای قرارداد را غیرممکن می‌سازد.
- (۴) حوادث طبیعی مانند سیل و زلزله و امثال آن است.

☒ پاسخ: گزینه «۳» در مورد قوه‌ی قاهره سه عنصر اهمیت دارد: خارجی، غیرقابل پیش‌بینی، غیرقابل اجتناب.



آزمون فصل ششم

که ۱- اجبار به انجام تعهد

- (۱) فقط در صلاحیت مقامات قانونی است.
(۲) فقط توسط متعهدله امکان پذیر است.
(۳) از راه اعمال زور و قدرت شخص امکان پذیر است.
(۴) هم توسط مقامات قانونی و هم متعهدله امکان پذیر است.

که ۲- الف یک میلیون تومان به ب بدهکار است و از دادن آن خودداری می‌کند، در این صورت

- (۱) مدیون بازداشت خواهد شد.
(۲) دادگاه حکم به اعسار مدیون می‌دهد.
(۳) مدیون باید ضامن بدهد.
(۴) دین متعهد از طریق توقیف اموال وی تأدیه خواهد شد.
که ۳- اگر طرف معامله تعهد کرده باشد که دیوار خود را از حد معین بالاتر نبرد، لیکن برخلاف تعهد عمل نماید، دادگاه حکم می‌دهد.

- (۱) به حبس متعهد
(۲) به پرداخت ارش
(۳) به خراب کردن دیوار به طور کلی
(۴) به خراب کردن دیوار تا حد مجاز

که ۴- اگر موعد اجرای تعهد در عقد رسیده باشد، در این صورت چه زمانی حق مطالبه خسارت وجود دارد؟

- (۱) هرگاه ضرر وارد شد. (۲) بعد از انقضای موعد مقرر (۳) به حکم دادگاه (۴) هر زمان که متعهدله بخواهد.

که ۵- اگر کسی برای میهمانی در روز معین با مدیر رستورانی جهت تهیه غذا قراردادی ببندد و مدیر رستوران از اجرای تعهد در روز مقرر سرباز زند،

- (۱) بعد از انقضای موعد، متعهد مکلف به اجرای تعهد است.
(۲) بعد از انقضای موعد، متعهد مکلف به اجرای تعهد نیست.
(۳) در صورت تقاضای متعهدله، مکلف به جبران خسارت ناشی از تأخیر می‌باشد.
(۴) تکلیف را دادگاه تعیین می‌کند.

که ۶- کدام گزینه صحیح نیست؟

- (۱) در صورتی که قرارداد خاصی راجع به خسارت بین طرفین منعقد شده باشد، برابر قرارداد رفتار خواهد شد.
(۲) اصل حاکمیت اراده اقتضا می‌کند که توافق طرفین در تعیین مبلغ خسارت معتبر و الزام آور باشد.
(۳) تعیین وجه التزام، برای تأخیر در انجام تعهد، صحیح و معتبر نیست.
(۴) تعیین وجه التزام، برای عدم انجام تعهد، صحیح و معتبر است.

که ۷- خسارت ناشی از عدم النفع و خسارت تأخیر تأدیه

- (۱) در موارد قانونی قابل مطالبه می‌باشد، قابل مطالبه نیست.
(۲) قابل مطالبه نیست، مطلقاً قابل مطالبه است.
(۳) در موارد قانونی قابل مطالبه می‌باشد، مطلقاً قابل مطالبه است.
(۴) قابل مطالبه نیست، در موارد قانونی قابل مطالبه است.

که ۸- اگر متعهد به واسطه نتواند از عهده تعهد خود برآید، محکوم به تأدیه خسارت نخواهد بود.

- (۱) قوه قاهره (۲) فورس ماژور (۳) مأموریت شغلی (۴) گزینه ۱ و ۲

که ۹- فعل متعهدله یا شخص ثالث که سبب عدم اجرای تعهد شده، هنگامی موجب معافیت کامل از مسئولیت است که باشد.

- (۱) قابل پیش‌بینی (۲) قابل دفع (۳) اوصاف قوه قاهره را داشته (۴) خارجی

که ۱۰- کدام مورد جزء عناصر قوه قاهره نیست؟

- (۱) قابل پیش‌بینی (۲) غیرقابل اجتناب (۳) غیرقابل دفع (۴) خارجی



فصل هفتم

«انحلال قرارداد»

تست‌های تألیفی فصل هفتم

❏ مثال ۱: الف کاسه‌ای را از ب خریداری می‌کند. سپس الف متوجه می‌شود که کاسه شکسته و معیوب است. در این حالت عقد چه وضعیتی دارد؟

(۱) عقد صحیح است، و الف به استناد خيار عیب می‌تواند معامله را فسخ یا مطالبه ارجش نماید.

(۲) عقد صحیح است ولی الف فقط می‌تواند معامله را به استناد خيار عیب فسخ کند.

(۳) عقد باطل است و ثمن باید به الف مسترد شود.

(۴) الف مختار است که عقد را به استناد خيار عیب فسخ کند یا به استناد بطلان عقد ثمن را استرداد کند.

❏ پاسخ: گزینه «۳» زیرا باتوجه به توضیحات بالا، چون اگر مورد معامله به علت معیوب بودن مالیت نداشته باشد، معامله باطل است و نوبت به خيار عیب نمی‌رسد.

❏ مثال ۲: الف از ب ماشینی را خریداری می‌کند. در ضمن عقد بایع شرط می‌کند که خيار عیب ساقط و در صورت ظهور عیب خریدار حق رجوع برای دریافت ارجش یا فسخ عقد ندارد. بعد از عقد اتومبیل واژگون می‌شود و خساراتی را وارد می‌آورد و معلوم می‌شود که این واژگونی در نتیجه عیبی است که اتومبیل هنگام انعقاد عقد داشته است در این صورت:

(۱) خریدار نمی‌تواند برای دریافت غرامت یا ارجش به فروشنده رجوع کند یا عقد را فسخ کند.

(۲) خریدار می‌تواند برای دریافت غرامت به فروشنده رجوع کند، ولی حق دریافت ارجش یا فسخ عقد را ندارد.

(۳) خریدار می‌تواند عقد را فسخ کند و همچنین برای دریافت غرامت به فروشنده رجوع کند.

(۴) خریدار می‌تواند برای دریافت ارجش و غرامت به فروشنده رجوع کند، ولی حق فسخ عقد را ندارد.

❏ پاسخ: گزینه «۲» همان‌طور که در مطالب فوق تشریح شد با تبری از عیوب حق فسخ و مطالبه ارجش ساقط می‌شود، ولی تبری از عیوب یا اسقاط خيار عیب مانع رجوع برای دریافت غرامت به فروشنده مقصر نمی‌شود.

خيار عیب نیز مانند سایر خيارات قابل اسقاط است. اسقاط خيار ممکن است صریح باشد یا ضمنی. اسقاط صریح خيار با تبری از عیوب صورت می‌پذیرد، ولی برای این که شامل عیب آینده نیز بشود، باید اعلام اسقاط خيار عیب انجام می‌شود. (زیرا منشأ خيار عیب می‌تواند عیوب حال یا آینده باشد).

❏ مثال ۳: هرگاه مبیع عیبی در زمان انعقاد بیع داشته باشد که از نظر مشتری مخفی مانده باشد در حالی که عیب مزبور نوعاً و عرفاً ظاهر است، چه راهی برای دفع ضرر از مشتری وجود دارد؟

(۱) راهی برای رفع ضرر از مشتری وجود ندارد و معامله لازم و غیر قابل فسخ است.

(۲) مشتری می‌تواند معامله را فسخ کند.

(۳) مشتری می‌تواند معامله را فسخ یا ارجش مطالبه کند.

(۴) مشتری فقط حق مطالبه ارجش دارد.

❏ پاسخ: گزینه «۳» باید دقت داشت که مشتری هنگامی خيار عیب دارد که ملتفت به عیب نباشد، خواه عیب مذکور واقعاً پنهان بوده یا این که ظاهر بوده ولی مشتری از آن آگاه نباشد. در این صورت مشتری می‌تواند عقد را فسخ کند یا مطالبه ارجش نماید.

❏ مثال ۴: در ماده ۴۲۶ قانون مدنی مقرر گردیده است که معیار تشخیص معیوب بودن مبیع، عرف و عادت می‌باشد. منظور عرف و عادت چه مکانی می‌باشد؟

(۱) محل وقوع ایجاب

(۲) محل انعقاد عقد

(۳) محل انعقاد عقد، مگر این که طرفین محل دیگری را مقرر کنند.

(۴) محل وقوع ایجاب و محل وقوع قبول

❏ پاسخ: گزینه «۳» منظور از عرف و عادت، عرف و عادت محل انعقاد عقد می‌باشد مگر این که طرفین عرف محل دیگری را معیار قرار داده باشند.

مثال ۵: شخصی یک دستگاه اتومبیل خریداری می‌کند. فروشنده در زمان عقد به خریدار تذکر می‌دهد که اتومبیل دود سفیدی را تولید می‌کند و خریدار به تصور این که این دود صرفاً موجب آلودگی است و عملاً عیب محسوب نمی‌شود حاضر به انعقاد معامله می‌شود. پس از خرید اتومبیل، خریدار متوجه می‌شود که دود سفید ناشی از مشکل موتور اتومبیل است که تعمیر آن مبلغ گزافی هزینه دارد و عدم تعمیر آن موجب غیر قابل استفاده شدن اتومبیل می‌شود. در این حالت آیا خریدار حق فسخ عقد را دارد؟

- (۱) به استناد خيار تدلیس می‌تواند عقد را فسخ کند، چون فروشنده به او توضیح نداده بود که دود سفید ناشی از چیست.
- (۲) خیر نمی‌تواند عقد را فسخ کند، چون آگاه به دود سفید بود اگرچه نمی‌دانست که این دود ناشی از چیست.
- (۳) به استناد خيار عیب می‌تواند عقد را فسخ کند.
- (۴) عقد باطل است.

پاسخ: گزینه «۳» زیرا علم به عیب در صورتی مانع وجود خيار می‌شود که خریدار بداند که نقص مشاهده شده در مصرف کالا اخلاص می‌کند یا از بهای آن می‌کاهد.

مثال ۶: کدام یک از عیوب زیر موجب ایجاد خيار نمی‌باشد؟

- (۱) عیبی که هنگام عقد موجود باشد.
 - (۲) عیبی که بعد از عقد، در نتیجه عیبی سابق بر عقد به وجود می‌آید.
 - (۳) عیبی که بعد از عقد و بعد از قبض به وجود آید.
 - (۴) عیبی که بعد از قبض، در نتیجه عیبی سابق بر قبض به وجود آید.
- پاسخ:** گزینه «۳» عیبی که بعد از قبض به وجود آید موجب ایجاد حق فسخ نمی‌باشد، مگر این که ناشی از عیبی سابق بر قبض باشد.

مثال ۷: الف اتومبیلی را خریداری می‌کند. پس از قبض متوجه می‌شود که اتومبیل معیوب است. یک عیب آن در زمان عقد وجود داشته و عیب دیگر بعد از عقد و قبل از قبض ایجاد شده است. معیار تعیین قیمت سالم و معیوب در این مثال چه زمانی است؟

- (۱) در مورد هر دو عیب زمان انعقاد عقد
 - (۲) در مورد هر دو عیب، زمان حدوث عیب دوم
 - (۳) در مورد عیب اول، زمان انعقاد عقد و در مورد عیب دوم، زمان قبض
 - (۴) در مورد عیب اول، زمان انعقاد عقد و در مورد عیب دوم، زمان حدوث عیب
- پاسخ:** گزینه «۴» معیار تعیین قیمت مبيع سالم و معیوب زمان عقد است، ولی در موردی که عیب بعد از عقد و قبل از قبض یا زمان مختص به مشتری عارض می‌شود، ملاک تعیین ارزش زمان حدوث عیب است.

مثال ۸: شخصی اتومبیلی را خریداری می‌کند اما بدون این که متوجه شود معیوب است آن را به شخص دیگری می‌فروشد. خریدار دوم که متوجه می‌شود اتومبیل معیوب است عقد را به استناد خيار عیب فسخ می‌کند و مبيع به خریدار اول باز می‌گردد. حال آیا خریدار اول می‌تواند عقد را فسخ کند یا ارزش بخواهد؟

- (۱) فقط می‌تواند ارزش بخواهد.
 - (۲) فقط می‌تواند عقد را فسخ کند.
 - (۳) می‌تواند عقد را فسخ کند یا ارزش بخواهد.
 - (۴) نمی‌تواند ارزش بخواهد یا عقد را فسخ کند.
- پاسخ:** گزینه «۳» اگرچه به موجب بند ۱ ماده ۴۲۹ قانون مدنی در صورت تلف شدن مبيع نزد مشتری یا منتقل کردن آن به غیر، مشتری نمی‌تواند عقد را فسخ کند و فقط می‌تواند مطالبه ارزش کند، ولی در صورتی که انتقال به غیر بدون آگاهی از عیب صورت گرفته باشد، اگر به دلیلی انتقال، فسخ یا اقاله شود و مبيع به خریدار باز گردد، او حق فسخ عقد را به استناد خيار عیب دارد.

مثال ۹: مالک مال خریدار را تهدید می‌کند که اگر مال معیوب او را به بهای سالم نخرد فرزندش را به قتل می‌رساند. خریدار بدون اطلاع از عیب حاضر به معامله می‌شود. عقد چه وضعیتی دارد؟

- (۱) باطل است.
 - (۲) غیرنافذ است.
 - (۳) قابل فسخ به استناد خيار عیب می‌باشد.
 - (۴) صحیح و لازم و غیر قابل فسخ است.
- پاسخ:** گزینه «۲» در این مثال، عقد در نتیجه اکراه غیرنافذ است و خيار عیب در آن جاری نمی‌باشد، مگر این که خریدار عقد را امضا کند (تنفیذ کند) و سپس به استناد خيار عیب فسخ کند.

**کلمه مثال ۱۰:** خیار غبن در کدام عقد جاری نمی‌شود؟

- (۱) بیع (۲) اجاره (۳) هبه با شرط عوض (۴) عقد مغاینه‌ای

☒ پاسخ: گزینه «۳» در عقد هبه (حتی اگر با شرط عوض هم باشد) خیار غبن جاری نمی‌شود؛ چون خیار غیب تنها به عقود معوض جاری می‌شود.

کلمه مثال ۱۱: زمان ارزیابی دو عوض در خیار غبن چه زمانی می‌باشد؟

- (۱) زمان انعقاد عقد (۲) زمان قبض (۳) زمان فسخ (۴) زمان اطلاع یافتن مشتری از وجود خیار

☒ پاسخ: گزینه «۱» زمان ارزیابی دو عوض و مقایسه آن دو و تشخیص غبن فاحش، زمان انعقاد قرارداد می‌باشد.

کلمه مثال ۱۲: آیا خیار غبن در عقد صلح راه دارد؟

- (۱) خیر، چون عقد صلح همواره عقدی مسامحه‌ای است.
 (۲) خیر، چون عقد صلح عقد مغاینه‌ای است.
 (۳) راه دارد، مگر این‌که عقد صلح بر مبنای مسامحه یا به منظور رفع تنازع واقع شود.
 (۴) در هر حال در عقد صلح خیار غبن راه دارد.
- ☒ پاسخ: گزینه «۳» اگر عقد صلح بر مبنای تسامح باشد عقدی است مسامحه‌ای بنابراین خیار غبن وجود نخواهد داشت، ولی اگر عقد صلح به صورت عقدی مغاینه‌ای باشد تحقق خیار غبن ممکن است.

کلمه مثال ۱۳: آیا در عقود احتمالی خیار غبن ممکن است ایجاد شود؟

- (۱) اصولاً ممکن است مگر در موارد خاص
 (۲) اصولاً ممکن نیست، مگر در مواردی که معلوم شود تسامح وجود ندارد.
 (۳) در هر حال ممکن است.
 (۴) در هیچ حال ممکن نمی‌باشد.
- ☒ پاسخ: گزینه «۲» اصولاً عقود احتمالی بر مبنای تسامح استوار هستند؛ بنابراین خیار غبن در آن راه ندارد، ولی در مواردی که معلوم شود که در عقد احتمالی تسامح وجود ندارد خیار غبن ممکن است وجود داشته باشد.

کلمه مثال ۱۴: شخصی اتومبیلی را که در بازار ۱۰ میلیون تومان قیمت دارد به قیمت ۲۰ میلیون تومان خریداری می‌کند. بعد از انعقاد عقد ادعا می‌کند که از قیمت واقعی اتومبیل در هنگام عقد اطلاع نداشته و می‌خواهد به استناد غبن عقد را فسخ کند. ولی فروشنده مدعی می‌شود که خریدار در هنگام معامله به قیمت واقعی آگاهی داشته و با این وجود حاضر به انعقاد معامله با قیمت گزاف شده است و بنابراین خیاری وجود ندارد. در این مورد سخن چه کسی مطابق اصل است؟

- (۱) خریدار (۲) فروشنده (۳) دادگاه تشخیص می‌دهد. (۴) هیچ‌کدام
- ☒ پاسخ: گزینه «۱» اصل عدم آگاهی خریدار به قیمت واقعی می‌باشد، مگر این‌که اماره یا دلیلی بر آگاهی مشتری بر قیمت واقعی وجود داشته باشد؛ بنابراین فروشنده باید آگاهی مشتری را از قیمت واقعی ثابت کند.

کلمه مثال ۱۵: کدام یک از خيارات زیر فوری نمی‌باشد؟

- (۱) غبن (۲) تدلیس (۳) عیب (۴) تبعض صفقه

☒ پاسخ: گزینه «۴» سایر موارد مطابق قانون مدنی فوری می‌باشند.

کلمه مثال ۱۶: شخصی مالی را که قیمت واقعی آن ۵ میلیون ریال است به قیمت ۱۰ میلیون ریال خریداری می‌کند. بعد از سه ماه متوجه می‌شود که مال را به دو برابر قیمت زمان معامله خریداری کرده است اما در همان هنگام آگاهی، قیمت مال به ۱۵ میلیون ریال افزایش پیدا می‌کند. در این حالت آیا خریدار خیار غبن دارد؟

- (۱) خیر چون غبن منقضي شده است.
 (۲) بله چون بقای خیار استصحاب می‌گردد.
 (۳) خیر چون اصل عدم خیار است.
 (۴) بسته به مورد متفاوت است.

☒ پاسخ: گزینه «۲» حتی اگر به خاطر ترقی قیمت ضرر جبران شود خیار وجود خواهد داشت.

کلمه مثال ۱۷: برای تحقق خیار تدلیس، عملیات فریب‌دهنده چه زمانی باید واقع شود؟

- (۱) هنگام انعقاد عقد (۲) قبل از انعقاد عقد (۳) قبل یا بعد از انعقاد عقد (۴) در زمان اجرای عقد
- ☒ پاسخ: گزینه «۲» عملیات فریب‌دهنده باید قبل از معامله انجام شود و به کار رود تا رغبت به انجام معامله را ایجاد کند.

کلمه مثال ۱۸: کدام گزینه صحیح نیست؟

- (۱) در خیار تدلیس اگر ثابت شود که معامله‌کننده در هر حال به معامله رضایت می‌داده است خیار وجود ندارد.
 (۲) دروغی که وصف غیرواقعی را به کالا به طور قاطع نسبت دهد تدلیس است.
 (۳) سکوت فروشنده درباره عیب آشکار مبیع اصولاً تدلیس است.
 (۴) در تدلیس عملیات فریب‌دهنده باید موجب فریب طرف معامله شود.
- ☒ پاسخ: گزینه «۳» سکوت فروشنده درباره عیب آشکار مبیع اصولاً تدلیس محسوب نمی‌شود، مگر این که خودداری از اعلام عیب آشکار در اوضاع و احوالی قرار بگیرد که در دید عرف تدلیس و فریب است.

کلمه مثال ۱۹: کدام گزینه صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) به نظر مشهور کار فریبنده باید عمدی باشد و به قصد فریب طرف انجام شود.
 (۲) در صورتی که کسی نیمی از حقیقت را بگوید و نیمی را پنهان کند تدلیس واقع می‌شود.
 (۳) تدلیس در صورتی موجب ایجاد خیار می‌شود که منسوب به طرف قرارداد باشد.
 (۴) به نظر مشهور کار فریبنده لازم نیست عمدی باشد و گاهی می‌تواند غیرعمدی باشد.
- ☒ پاسخ: گزینه «۴» به نظر مشهور کار فریبنده باید به صورت عمدی و به قصد فریب طرف انجام شود و اگر فریب غیرعمدی باشد، تدلیس نیست و اثر آن را در عیوب اراده باید جستجو کرد.

کلمه مثال ۲۰: خیار تدلیس در کدام مورد ممکن است محقق شود؟

- (۱) فقط در عین معین ممکن است به وجود آید.
 (۲) فقط در عین کلی ممکن است به وجود آید.
 (۳) اصولاً در عین معین ممکن است به وجود آید و در عین کلی فقط در صورتی راه دارد که مربوط به اوصاف مشترک تمام اقسام کلی باشد.
 (۴) اصولاً در عین کلی به وجود می‌آید و در موارد استثنایی در عین معین
- ☒ پاسخ: گزینه «۳» تدلیس در اوصاف مبیع معین باعث ایجاد فسخ می‌شود و در عین کلی راه ندارد، مگر این که مربوط به اوصاف تمام اقسام کلی باشد. مثل موردی که شخصی آسپرین را داروی شفابخش سرطان معرفی می‌کند که در این صورت تدلیس نسبت به وصفی است که در تمام اقسام کلی وجود ندارد و هیچ آسپرینی شفابخش سرطان نمی‌باشد.

کلمه مثال ۲۱: خیار تدلیس از چه زمانی فوری است؟

- (۱) خیار تدلیس از زمان انعقاد عقد فوری است.
 (۲) خیار تدلیس فوری نمی‌باشد.
 (۳) خیار تدلیس از زمان علم به وجود خیار فوری است.
 (۴) خیار تدلیس قبل از علم به تدلیس فوری است.
- ☒ پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۴۴۰ قانون مدنی، تدلیس از زمان علم به آن فوری می‌باشد.

کلمه مثال ۲۲: تدلیس نسبت به کدام مورد ممکن است محقق شود؟

- (۱) مبیع (۲) ثمن (۳) مبیع و ثمن (۴) هیچکدام
- ☒ پاسخ: گزینه «۳» اگر بایع تدلیس نموده باشد، مشتری حق فسخ بیع را خواهد داشت و همچنین است بایع نسبت به ثمن، در صورت تدلیس مشتری (ماده ۴۳۹ قانون مدنی)



مثال ۲۳: قاعده انحلال عقد واحد به عقود متعدد، بیان‌گر کدام یک از خیارات است؟

- (۱) خيار عيب (۲) خيار تبعض صفقه (۳) خيار غبن (۴) خيار تأخير ثمن

☒ پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده ۴۴۱ قانون مدنی، تبعض صفقه وقتی ایجاد می‌شود که بخشی از عقد باطل باشد. همچنین هرگاه بخشی از قرارداد منفسخ یا فسخ شود خيار تبعض صفقه پدید می‌آید. بنابراین ملاحظه می‌گردد که عقد واحد به عقود متعدد منحل شده است.

مثال ۲۴: اگر بعض از مبيع مالیت نداشته باشد، عقد بيع چه حکمی دارد؟

- (۱) بيع کلاً باطل است.
 (۲) بيع کلاً صحيح است و خریدار حق دریافت ارش دارد.
 (۳) بيع درست و لازم و نافذ است و خریدار هیچ حقی ندارد.
 (۴) بيع نسبت به بعض که مالیت ندارد باطل و نسبت به بعض دیگر صحيح و خریدار حق فسخ دارد از جهت تبعض صفقه
- ☒ پاسخ: گزینه «۴» در غبن صاحب خيار باید در هنگام معامله از قیمت واقعی ناآگاه باشد. در خيار عيب، مشتری باید هنگام عقد به وجود عيب جاهل باشد. در تدليس نیز مشتری باید در هنگام عقد از تدليس ناآگاه باشد.

مثال ۲۵: در مورد خيار تبعض صفقه کدام گزینه صحيح نمی‌باشد؟

- (۱) بخش باطل شده از عناصر اساسی عقد نباشد.
 (۲) تبعض صفقه در صورتی است که بخش درست از توابع بخش باطل نباشد.
 (۳) خيار تبعض صفقه ویژه عين معين است.
 (۴) در صورت نقص مبيع از وصف مشروط خيار تبعض صفقه ایجاد نمی‌شود.
- ☒ پاسخ: گزینه «۳» خيار تبعض صفقه ویژه عين معين نمی‌باشد و در عين کلی نیز راه دارد.

مثال ۲۶: شخصی ۶ دانگ ملکی را به قیمت ۵۰ میلیون تومان خریداری می‌کند. بعد از عقد معلوم می‌شود ۳ دانگ ملک متعلق به فروشنده نمی‌باشد و متعلق به ثالث است و ثالث نیز راضی به معامله نمی‌باشد. در این صورت عقد تنها نسبت به ۳ دانگ واقع می‌شود. قیمت ۳ دانگ ملک در بازار ۴۰ میلیون تومان و قیمت ۶ دانگ ملک در بازار یکصد میلیون تومان می‌باشد. میزان مبلغی را که فروشنده می‌بایست به خریدار مسترد کند کدام است؟

(۱) ۳۰ میلیون تومان (۲) ۲۰ میلیون تومان (۳) ۲۵ میلیون تومان (۴) ۱۵ میلیون تومان

☒ پاسخ: گزینه «۱» نسبت ۴۰ میلیون تومان به ۱۰۰ میلیون تومان $\frac{4}{100}$ می‌باشد. در این صورت بايع باید $\frac{4}{100}$ ثمن معامله را (که می‌شود ۲۰ میلیون تومان) نگاه دارد و بقیه را به خریدار پس دهد (که می‌شود ۳۰ میلیون تومان).

مثال ۲۷: در تفاوت خيار شرط و خيار تلف از شرط کدام گزینه صحيح است؟

- (۱) خيار تلف از شرط به ورثه منتقل نمی‌شود، ولی خيار شرط منتقل می‌شود.
 (۲) خيار شرط نتیجه تراضی است، ولی خيار تخلف از شرط نتیجه تخلف از تراضی است.
 (۳) خيار شرط فوری است، ولی خيار تخلف از شرط فوریت ندارد.
 (۴) خيار شرط ویژه عين معين است، ولی تخلف از شرط ویژه کلی می‌باشد.
- ☒ پاسخ: گزینه «۲» خيار شرط، نتیجه تراضی طرفین می‌باشد که ضمن عقد پیش‌بینی نموده‌اند، ولی خيار تخلف از شرط نتیجه تخلف از تراضی و امتناع از اجرای تعهد ناشی از عقد می‌باشد.

مثال ۲۸: در کدام عقد امکان شرط خيار وجود ندارد؟

- (۱) بيع (۲) اجاره (۳) وقف (۴) هبه

☒ پاسخ: گزینه «۳» در عقد وقف امکان شرط کردن خيار وجود ندارد.

❏ مثال ۲۹: اگر برای خیار شرط مدت ذکر نشده باشد وضعیت عقد و شرط چگونه است؟

- (۱) عقد صحیح و شرط باطل است.
 (۲) عقد و شرط هر دو باطل هستند.
 (۳) عقد صحیح و شرط قابل اسقاط می‌باشد.
 (۴) شرط باطل می‌باشد و عقد قابل فسخ می‌باشد.
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده ۴۰۱ قانون مدنی، اگر برای خیار شرط مدت معین نشده باشد، عقد و شرط هر دو باطل‌اند.

❏ مثال ۳۰: مدت خیار شرط باید به چه صورتی تعیین شده باشد؟

- (۱) صریح
 (۲) ضمنی
 (۳) صریح یا ضمنی
 (۴) با تعیین ساعت آغاز و ساعت پایان آن
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» مدت خیار ممکن است به طور صریح یا ضمنی تعیین شود و تعیین ساعت آغاز و پایان مهلت ضروری نمی‌باشد.

❏ مثال ۳۱: در کدام عقد امکان شرط کردن وجود دارد؟

- (۱) ضمان
 (۲) وقف
 (۳) هبه معوض
 (۴) نکاح
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» در عقود ضمان و وقف و نکاح امکان شرط وجود ندارد.

❏ مثال ۳۲: اگر در شرط خیار ابتدای مدت ذکر نشده باشد، شرط عقد و چه وضعیتی دارند؟

- (۱) شرط خیار و عقد هر دو باطل می‌باشند؛ چون مدت خیار عملاً مجهول است.
 (۲) عقد صحیح و شرط باطل است.
 (۳) عقد و شرط هر دو صحیح هستند و خیار دائمی است.
 (۴) عقد و شرط هر دو صحیح هستند و ابتدای مدت از تاریخ عقد محسوب است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» مطابق ماده ۴۰۰ قانون مدنی: «اگر ابتدای مدت خیار ذکر نشده باشد، ابتدای آن از تاریخ عقد محسوب است».

❏ مثال ۳۳: اگر خیار شرط برای ثالث شرط شده باشد، آیا قابل انتقال است؟

- (۱) به صورت قهری قابل انتقال است، ولی به ورثه ارث نمی‌رسد.
 (۲) به صورت قهری قابل انتقال است، ولی به صورت ارادی منتقل نمی‌شود.
 (۳) قابل انتقال نمی‌باشد خواه به صورت قهری خواه به صورت ارادی.
 (۴) در هر حال قابل انتقال می‌باشد.
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» اگر خیار برای شخص ثالثی شرط شود، او حق انتقال آن را ندارد؛ زیرا صلاحیت داوری به او داده شده است، نه این که حقی برای ثالث ایجاد شده باشد، همچنین به ورثه ثالث نیز منتقل نمی‌شود.

❏ مثال ۳۴: خیار شرط با شرط انفساخ چه تفاوتی دارد؟

- (۱) خیار شرط مدت دارد، ولی شرط انفساخ مدت ندارد.
 (۲) خیار شرط جنبه قراردادی دارد، ولی شرط انفساخ جنبه قانونی دارد.
 (۳) خیار شرط مربوط به طرفین عقد است، ولی شرط انفساخ جنبه قانونی دارد.
 (۴) خیار شرط ایجاد حق فسخ عقد برای یکی از طرفین یا هر دو یا ثالث است، ولی شرط انفساخ معلق کردن انفساخ عقد به عاملی غیر از اراده طرفین است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» خیار شرط مطابق ماده ۳۹۹ قانون مدنی عبارت است از حق فسخ ایجاد شده برای یکی از طرفین یا شخص ثالث. بنابراین به صرف درج خیار شرط عقد منحل نمی‌شود، ولی شرط انفساخ که همان شرط فاسخ است، عبارت است از معلق نمودن انحلال عقد به حادثه‌ای خارجی. ایراد گزینه (۱) آن است که هم شرط خیار و هم شرط انفساخ اگر در عقد معوض شرط شده باشند باید دارای مدت باشند، چرا که در غیر این صورت عقد غرری خواهد بود. ایراد گزینه (۲) آن است که شرط انفساخ نیز جنبه قراردادی دارد؛ زیرا همان گونه که از نام آن پیداست نوعی شرط نتیجه است که بی‌گمان در زمره توافقات قرار می‌گیرد؛ به همین جهت گفته شده است که شرط انفساخ، نوعی اقاله معلق است. ایراد گزینه (۳) آن است که خیار شرط نیز مطابق ماده ۳۹۹ قانون مدنی می‌تواند برای شخص ثالث باشد.



❏ مثال ۳۵: کدام یک از شروط زیر توسط مشروطه قابل اسقاط می‌باشد؟

- (۱) شرط فعل (۲) شرط صفت (۳) شرط نتیجه (۴) تمام موارد
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» فقط شرط فعل قابل اسقاط است و شرط صفت و نتیجه قابل اسقاط نمی‌باشند.

❏ مثال ۳۶: اگر در ضمن عقد شرطی شده باشد که شرط صفت باشد و معلوم شود که آن صفت موجود نمی‌باشد، کسی که شرط به نفع او شده حق فسخ دارد. این مربوط به کدام یک از انواع عین می‌باشد.

- (۱) کلی (۲) معین (۳) کلی در معین (۴) تمام موارد
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» حکم ماده ۲۳۵ قانون مدنی که در فوق ذکر شد، در مورد خیار فسخ ناظر به موردی است که موضوع معامله عین معین باشد ولی اگر کلی باشد حق فسخ وجود ندارد و باید الزام به تسلیم مطابق موضوع قرارداد انجام شود.

❏ مثال ۳۷: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) شرط صفت قابل اسقاط است.
(۲) شرط نتیجه قابل اسقاط است.
(۳) شرط نتیجه و صفت قابل اسقاط است.
(۴) شرط نتیجه و صفت قابل اسقاط نمی‌باشد، ولی حق فسخ ناشی از بطلان شرط قابل اسقاط می‌باشد.
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» شرط نتیجه و صفت قابل اسقاط نمی‌باشد، ولی حق فسخ ناشی از بطلان آن‌ها قابل اسقاط می‌باشد.

❏ مثال ۳۸: کدام گزینه غلط است؟

- (۱) خیار تأخیر ثمن مختص بایع است.
(۲) خیار رؤیت بعد از رؤیت فوری است.
(۳) در بیع کلی خیار رؤیت است.
(۴) خیار تدلیس بعد از علم به آن فوری است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۴۱۴ قانون مدنی خیار رؤیت در عقد کلی راه ندارد.

❏ مثال ۳۹: شخصی یک تن برنج را با اوصاف معین خرید، ولی وقتی فروشنده برنج را آماده و برای تحویل ارائه کرد، خریدار متوجه شد برنج فاقد اوصاف مورد توافق است، چه اقدام قانونی خریدار می‌تواند انجام دهد؟

- (۱) فروشنده تعهد خود را درست انجام نداده و می‌تواند از قبول آن برنج خودداری کند و فروشنده را وادار به تسلیم برنج با اوصاف مقرر کند.
(۲) می‌تواند به علت غبن معامله را فسخ کند؛ چون قیمت برنج مورد توافق با برنج ارائه شده متفاوت است.
(۳) می‌تواند به علت خیار تخلف از وصف عقد را فسخ کند؛ زیرا برنج وصف مورد توافق را ندارد.
(۴) می‌تواند به استناد خیار عیب عقد را فسخ کند؛ چون برنج معیوب است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» چون از ظاهر سوال بر می‌آید که مورد معامله کلی فی الذمه می‌باشد؛ بنابراین خریدار می‌تواند الزام فروشنده را به تسلیم برنج با اوصاف مقرر درخواست کند و حق فسخ عقد را ندارد.

❏ مثال ۴۰: با دادن تفاوت قیمت، کدام یک از خیارات زیر ساقط می‌شود؟

- (۱) غبن (۲) عیب (۳) رؤیت (۴) هیچ کدام
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» هیچ کدام از خیارات فوق با دادن تفاوت قیمت توسط فروشنده ساقط نمی‌شود.

❏ مثال ۴۱: خیار رؤیت و تخلف از وصف در کدام عقد جاری است؟

- (۱) بیع (۲) اجاره (۳) صلح (۴) تمام موارد
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» خیار رؤیت و تخلف از وصف ویژه عقد بیع نمی‌باشد و در تمام عقود وجود دارد.

❏ مثال ۴۲: کدام یک از خیارات زیر ویژه مبیع است و در مورد ثمن وجود ندارد؟

- (۱) رؤیت و تخلف از وصف (۲) عیب (۳) حیوان (۴) تدلیس
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» خیار حیوان ویژه مبیع می‌باشد و در ثمن وجود ندارد، ولی سایر خیارات فوق الذکر در ثمن نیز می‌تواند وجود داشته باشد.



آزمون فصل هفتم

که ۱- کدام مورد در خصوص خيار تبعض صفقه صحيح است؟

- (۱) ويژه بيع است. (۲) فوری است. (۳) در ثمن جریان ندارد. (۴) در مبيع کلی جریان دارد.

که ۲- کدام مورد در خصوص انفساخ صحيح است؟

- (۱) اثر آن به گذشته نیز سرايت دارد. (۲) ويژه عقود تمليکی است. (۳) فقط به حکم قانون امکان پذير است. (۴) قهری است.

که ۳- کدام مورد درباره بيع شرط غلط است؟

- (۱) خيار با انعقاد بيع به وجود می آيد. (۲) منافع مبيع در فاصله عقد و فسخ مال خريدار است. (۳) خيار به هر دو طرف بيع شرط تعلق دارد. (۴) مشتری در مدت زمان خيار نمی تواند در مورد معامله تصرفات ناقل انجام دهد.

که ۴- کدام يك از اقسام خيارات فوری است؟

- (۱) خيار رؤيت و تخلف از وصف (۲) خيار تخلف از شرط (۳) خيار تعذر تسليم (۴) هيچ کدام

که ۵- خيار غبن

- (۱) قابل اسقاط است. (۲) مخصوص بايع است. (۳) با دادن مابه التفاوت جبران می شود. (۴) فقط در شرايط خاصی فوری است.

که ۶- خيار شرط

- (۱) مخصوص بايع است. (۲) از اقسام خيارهای فوری است. (۳) برای فردی خارج از قرارداد هم می تواند باشد. (۴) بدون مدت هم صحيح است.

که ۷- خيار عيب.....

- (۱) به ارث منتقل نمی شود. (۲) مطلقاً با ارش نیز ساقط نمی شود. (۳) قابل اسقاط نيست. (۴) اگر مشتری در مبيع تصرف کند، حق فسخ آن ساقط می شود.

که ۸- کدام مورد از خيارات ذيل به طور صريح در قانون مدنی در زمره خيارات قانونی نيامده است؟

- (۱) خيار تعذر تسليم (۲) خيار تبعض صفقه (۳) خيار تخلف از شرط (۴) خيار تخلف از وصف

که ۹- کدام مورد از شرايط خيار عيب است؟

- (۱) پنهان باشد. (۲) در زمان عقد موجود باشد. (۳) بايع از آن آگاه باشد. (۴) گزينه ۱ و ۲

که ۱۰- کدام مورد از اقسام انحلال قرارداد است؟

- (۱) اقاله (۲) فسخ به خيار (۳) انحلال به شرط فاسخ (۴) هر سه مورد



فصل هشتم

«سقوط تعهدات»

تست‌های تألیفی فصل هشتم

❏ مثال ۱: اگر شخصی یک میلیون ریال را بدون ذکر عنوان به دیگری بدهد، این پرداخت اصولاً است.

- (۱) امانت (۲) ادای دین (۳) هبه (۴) قرض

❏ پاسخ: گزینه «۲» طبق ماده ۲۶۵ (قانون مدنی) پرداخت وجه بدون ذکر عنوان به دیگری، به منزله ایفای تعهد یا همان ادای دین است.

❏ مثال ۲: تعهدی را که برای متعهدله قانوناً حق مطالبه نمی‌باشد، ولی اگر متعهد به میل خود آن را ایفا نماید، دعوی استرداد او مسموع نخواهد بود اصطلاحاً چه می‌نامند؟

- (۱) اخلاقی (۲) مذهبی (۳) حقوقی (۴) طبیعی

❏ پاسخ: گزینه «۴» موضوع ماده ۲۶۶ (قانون مدنی) است که در اصطلاح حقوقی به این نوع تعهد، تعهد طبیعی گویند.

❏ مثال ۳: اگر کسی دین دیگری را ادا کند در صورتی می‌تواند به مدیون مراجعه کند که:

- (۱) اذن در تأدیه داشته باشد. (۲) مدیون او را از ادای دین منع نکرده باشد.
(۳) مدیون زنده باشد. (۴) موضوع دین وجه نقد باشد.

❏ پاسخ: گزینه «۱» طبق ماده ۲۶۷ (قانون مدنی)

❏ مثال ۴: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) پرداخت‌کننده دین دیگری، مطلقاً حق مراجعه به مدیون ندارد.
(۲) اگر شخص ثالث مأذون در پرداخت دین دیگری باشد، می‌تواند برای دریافت معادل آن چه پرداخته است به مدیون مراجعه کند.
(۳) پرداخت‌کننده دین دیگری، مطلقاً حق مراجعه به مدیون را دارد.
(۴) پرداخت‌کننده دین دیگری در صورتی حق رجوع به مدیون را دارد که مدیون او را منع از پرداخت نکرده باشد.

❏ پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده ۲۶۷ (قانون مدنی)

❏ مثال ۵: هرگاه متعهدله از دریافت مال مورد تعهد خودداری کند متعهد ...

- (۱) می‌تواند به حاکم یا قائم‌مقام او رجوع کرده و برائت حاصل کند.
(۲) می‌تواند مورد تعهد را نزد خود نگه‌دارد و هیچ مسئولیتی بر عهده وی نخواهد بود.
(۳) می‌تواند به دادگاه رجوع کرده و با اثبات امتناع متعهدله ذمه خود را بری کند.
(۴) می‌تواند به حاکم یا قائم‌مقام او رجوع کرده و با تصرف دادن مال مورد تعهد به آنان برائت حاصل کند.
- ❏ پاسخ: گزینه «۴» زیرا بر اساس ماده ۲۷۳ قانون مدنی، فرد در صورت امتناع متعهدله از قبول مورد تعهد می‌تواند به حاکم یا قائم‌مقام او رجوع کند ولی زمانی بری‌الذمه محسوب می‌شود که مورد تعهد را به تصرف حاکم یا قائم‌مقام او بدهد.

❏ مثال ۶: اگر موضوع تعهد گوسفند معینی باشد و متعهد به جای آن گاوی بدهد، متعهدله ...

- (۱) حق دارد از گرفتن آن خودداری کند. (۲) با پرداخت تفاوت قیمت، حق گرفتن آن را دارد.
(۳) حق ندارد از گرفتن آن خودداری کند. (۴) اگر جنس شی مورد تعهد نباشد، حق دارد از گرفتن آن خودداری کند.
- ❏ پاسخ: گزینه «۱» با توجه به متن ماده ۲۷۵ قانون مدنی، متعهدله را نمی‌توان مجبور کرد که چیز دیگری به غیر آن چه که موضوع تعهد است قبول کند، پس حق دارد از گرفتن آن خودداری کند.

❏ مثال ۷: چه زمانی متعهد می‌تواند متعهدله را مجبور کند تا قسمتی از موضوع تعهد را پرداخت کند؟

(۱) دادگاه به لحاظ وضعیت مدیون پرداخت قسمتی از دین را مقرر کرده باشد. (۲) فقط در صورتی که موضوع تعهد وجه نقد باشد.

(۳) موضوع تعهد حین تأدیه در چند محل مختلف یافت شود. (۴) مدیون ادعا نماید که قادر به پرداخت دین خود به طور یکجا نمی‌باشد.

❏ پاسخ: گزینه «۱» بر اساس ماده ۲۷۷ قانون مدنی، تنها در صورتی که متعهد وضعیت مالی خوبی نداشته باشد، دادگاه با تعیین مهلت یا قسط‌بندی کردن متعهد در حقیقت متعهدله را مجبور می‌کند که با پرداخت قسمتی از تعهد موافقت نماید.

❏ مثال ۸: هزینه انجام تعهد به عهده کیست؟

(۱) متعهدله (۲) متعهد (۳) متعهد و متعهدله به تساوی (۴) هر یک را که قرعه معین کند.

❏ پاسخ: گزینه «۲» بر اساس ماده ۲۸۱ قانون مدنی، مدیون همان متعهد است و مخارج انجام تعهد بر عهده اوست.

❏ مثال ۹: محل انجام تعهد کجاست؟

(۱) محل اقامت متعهد

(۲) محل اقامت متعهدله

(۳) علی‌الاصول محل وقوع عقد

(۴) محلی که موضوع تعهد در آنجا واقع شده

❏ پاسخ: گزینه «۳» بر اساس ماده ۲۸۰ قانون مدنی، اصل بر این است که تعهد باید در محل وقوع عقد واقع شود.

❏ مثال ۱۰: برای تحقق ابراء:

(۱) مقدار دین باید معلوم باشد. (۲) مدیون در قید حیات باشد. (۳) مدیون باید اهلیت داشته باشد. (۴) داین قصد انشا داشته باشد.

❏ پاسخ: گزینه «۴» گزینه (۱) که گفته باید معلوم باشد، نادرست است چون شرط معلوم بودن در قانون نیامده است، گزینه (۳) هم نادرست است چون طبق ماده ۲۹۰ قانون مدنی، اهلیت داشتن برای متعهدله (داین) است نه مدیون، گزینه (۲) هم نادرست است چون طبق ماده ۲۹۱ قانون مدنی، می‌توان ذمه میت را هم ابراء کرد.

❏ مثال ۱۱: ماهیت ابراء چیست؟

(۱) عقد معوض

(۲) عقد غیرمعوض

(۳) ایقاع

(۴) واقعه حقوقی

❏ پاسخ: گزینه «۳» بر اساس ماده ۲۹۸ قانون مدنی، چون گفته داین از حق خود به اختیار صرف نظر کند، پس یک طرفه است و ایقاع است.

❏ مثال ۱۲: A ملکی را به B می‌فروشد، سپس در اثر تصادف فوت می‌کند. آیا ورثه A می‌توانند با B تراضی بر اقاله نمایند؟

(۱) خیر، ماده ۲۸۳ قانون مدنی تصریح بر متعاملین دارد.

(۲) بلااشکال است زیرا اقاله یکی از اسباب سقوط تعهد است و از زمره حقوق مالی است؛ پس قابل انتقال به ورثه است.

(۳) اقاله در این‌جا همانند اخذ به شفعه است که بعد از فوت شفیع، دیگر به وراث منتقل نمی‌شود.

(۴) هم در اقاله و هم در حق شفعه بعد از فوت متعاملین و یا فوت شفیع حق مزبور به وراث منتقل می‌شود.

❏ پاسخ: گزینه «۱» نص صریح ماده ۲۸۳ قانون مدنی گفته طرفین و هیچ صحبتی از قائم مقام و ورثه نشده است؛ پس ورثه A حق تراضی بر اقاله با B را ندارند.

❏ مثال ۱۳: اگر A اتومبیلی از B بخرد بعد از معامله آن را تعمیر کند و به خاطر این تعمیر قیمت اتومبیل بالا برود و سپس بیع اقاله شود، خریدار:

(۱) با بایع به نسبت افزایش قیمت شریک می‌شود.

(۲) فقط می‌تواند هزینه تعمیرات را بگیرد.

(۳) فقط می‌تواند افزایش قیمت را بگیرد.

(۴) با بایع به نسبت هزینه تعمیرات شریک می‌شود.

❏ پاسخ: گزینه «۳» با توجه به متن ۲۸۸ قانون مدنی: اگر مالک بعد از عقد، مشتری در مورد معامله تصرفاتی کند که موجب ازدیاد قیمت آن شود، درحین اقاله به مقدار قیمتی که به سبب عمل او زیاد شده است مستحق خواهد بود. پس A فقط مستحق است که افزایش قیمت را بگیرد.

❏ مثال ۱۴: در تبدیل تعهد از طریق تبدیل دائن.....

(۱) فقط رضایت متعهد لازم است (۲) رضایت متعهدله لازم است (۳) رضایت ثالث لازم است (۴) رضایت هر سه مورد لازم است

❏ پاسخ: گزینه «۴» زیرا در تبدیل تعهد از طریق دائن، رضایت و انشای هر سه طرف یعنی متعهد و متعهدله اول و متعهدله جدید (ثالث) ضروری است.



کلمه مثال ۱۵: B مبلغ یک میلیون تومان از C وام می‌گیرد و به عنوان تضمین خانه خود را در رهن C در می‌آورد بعد از مدتی B و C توافق می‌کنند که D مبلغ یک میلیون را به C برگرداند در اینجا.....

- (۱) تبدیل تعهد از طریق تبدیل داین عقد، رهن باقی است.
(۲) تبدیل تعهد از طریق تبدیل مدیون، عقد رهن هم از بین می‌رود.
(۳) تبدیل تعهد از طریق تبدیل داین، عقد رهن هم از بین می‌رود.
(۴) تبدیل تعهد از طریق تبدیل مدیون، عقد رهن باقی است.

پاسخ: گزینه «۲» در این جا B مدیون است و با توافق، D جایگزین وی می‌شود. پس طبق ماده ۲۹۲ قانون مدنی، تبدیل تعهد از طریق تبدیل مدیون صورت گرفته است. درمورد عقد رهن باید گفت طبق ماده ۲۹۳ قانون مدنی، عقد رهن تضمین عقد سابق بوده و چون عقد سابق با تبدیل تعهد از بین رفته است، تضمین آن هم که رهن بوده خود به خود از بین می‌رود.

کلمه مثال ۱۶: برای وقوع تهاتر لازم نیست.....

- (۱) هر دو دین کلی فی‌الذمه باشد.
(۲) هر دو دین آزاد باشد.
(۳) هر دو دین هم‌جنس باشد.
(۴) هر دو دین منشأ یکسان داشته باشد.
پاسخ: گزینه «۴» برای وقوع تهاتر گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳ لازم است، ولی اصلاً شرط یکسان بودن منشأ در دو دین برای تهاتر وجود ندارد.

کلمه مثال ۱۷: اگر بعد از ضمان، مضمون‌له به مضمون‌عنه مدیون شود، عقد ضمان.....

- (۱) منفسخ می‌شود.
(۲) باقی می‌ماند.
(۳) بنا به اختیار ضامن یا فسخ می‌شود یا باقی می‌ماند.
(۴) هیچ کدام
پاسخ: گزینه «۲» طبق ماده ۲۹۷ (قانون مدنی) عقد ضمان باقی خواهد ماند و مدیون شدن مضمون‌له به مضمون‌عنه، هیچ فراغتی برای ضامن ایجاد نخواهد کرد.

کلمه مثال ۱۸: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) منشأ مالکیت ما فی‌الذمه فقط قهری است.
(۲) منشأ مالکیت ما فی‌الذمه هم قهری است هم قراردادی.
(۳) منشأ مالکیت ما فی‌الذمه فقط قراردادی است.
(۴) منشأ مالکیت ما فی‌الذمه قانونی است.
پاسخ: گزینه «۲» منشأ مالکیت ما فی‌الذمه هم می‌تواند قهری باشد مثل بدهی وارث منحصر به مورث بعد از فوت مورث ساقط می‌شود؛ هم می‌تواند قراردادی باشد مانند این که دائن طلب خود را هبه کند به مدیون.



آزمون فصل هشتم

که ۱- اگر کسی مالی را به دیگری بدهد.....

- (۱) فرض بر این است که هبه بوده است.
(۲) نمی‌تواند استرداد کند.
(۳) ظاهر در تبرع است.
(۴) فرض بر این است که هبه نبوده است.

که ۲- در فرض اختلاف میان تبرعی بودن یا نبودن..... باید ثابت کند.

- (۱) مدعی تبرعی نبودن
(۲) مدعی تبرعی بودن
(۳) دادگاه
(۴) گزینه ۱ و ۳

که ۳- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) غیرمدیون در صورت اجازه از طرف مدیون می‌تواند دین مدیون را بپردازد.
(۲) غیرمدیون در صورت اجازه از طرف دادگاه می‌تواند دین مدیون را بپردازد.
(۳) غیرمدیون در صورت اجازه از مدیون و سپس دادگاه می‌تواند دین مدیون را بپردازد.
(۴) غیرمدیون حتی اگر اجازه از طرف مدیون هم نداشته باشد، می‌تواند دین مدیون را بپردازد.

که ۴- اگر شخصی دین دیگری را ادا کند:

- (۱) حق رجوع به مدیون ندارد، مگر این که ادای دین به اذن مدیون باشد.
(۲) در هر حال حق رجوع به مدیون دارد.
(۳) مطلقاً حق رجوع ندارد.
(۴) فقط در صورتی حق رجوع دارد که با درخواست مدیون ادا کرده باشد.

که ۵- تأدیه مورد تعهد به کدام یک از اشخاص زیر موجب سقوط تعهد نیست:

- (۱) خویشاوندان نزدیک متعهد
(۲) متعهدله
(۳) وکیل متعهدله
(۴) شخص مأذون از طرف متعهدله

که ۶- شخصی یک تن شکر به صورت کلی فروخته است. ایفای تعهد بایع به خریدار، چیست؟

- (۱) ایقاع
(۲) عقد
(۳) عمل غیرحقوقی
(۴) هیچ یک

که ۷- تهاتر قهری دو دین وقتی اتفاق می‌افتد که اتحاد در وجود داشته باشد.

- (۱) جنس و سبب
(۲) جنس، زمان، مکان
(۳) سبب، زمان و مکان
(۴) زمان و مکان

که ۸- در صورتی که مضمون عنه مالک ما فی الذمه خود شود، این حادثه چه اثری در عقد ضمان دارد؟

- (۱) باعث برائت او و سقوط تعهد ضامن می‌شود.
(۲) هیچ اثری در عقد ضمان ندارد.
(۳) حق رجوع مضمون له به او را از بین می‌برد.
(۴) مضمون له حق رجوع به ضامن را دارد.

که ۹- در وضع کنونی بازار بین دو دین که یکی به ریال است و دیگری به ارز خارجی

- (۱) تهاتر حاصل می‌گردد.
(۲) تبدیل تعهد حاصل می‌گردد.
(۳) تهاتر حاصل نمی‌گردد.
(۴) تبدیل تعهد حاصل نمی‌گردد.

که ۱۰- وقتی که متعهدله ما فی الذمه متعهد را به کسی دیگر منتقل می‌نماید، از مورد تبدیل تعهد از طریق

- (۱) تبدیل متعهد
(۲) تبدیل موضوع تعهد
(۳) تبدیل متعهدله
(۴) تبدیل سبب دین



پاسخنامه آزمون‌های عقود و قراردادها

فصل اول: عقود و تعهدات به طور کلی

۱- گزینه «۴»	۲- گزینه «۱»	۳- گزینه «۴»	۴- گزینه «۲»	۵- گزینه «۳»
۶- گزینه «۳»	۷- گزینه «۴»	۸- گزینه «۳»	۹- گزینه «۴»	۱۰- گزینه «۲»

فصل دوم: شرایط اساسی صحت معاملات

۱- گزینه «۱»	۲- گزینه «۴»	۳- گزینه «۳»	۴- گزینه «۴»	۵- گزینه «۲»
۶- گزینه «۱»	۷- گزینه «۳»	۸- گزینه «۴»	۹- گزینه «۱»	۱۰- گزینه «۱»
۱۱- گزینه «۴»	۱۲- گزینه «۳»	۱۳- گزینه «۳»	۱۴- گزینه «۴»	۱۵- گزینه «۲»
۱۶- گزینه «۲»	۱۷- گزینه «۲»	۱۸- گزینه «۲»	۱۹- گزینه «۱»	۲۰- گزینه «۴»
۲۱- گزینه «۱»	۲۲- گزینه «۴»	۲۳- گزینه «۱»	۲۴- گزینه «۲»	۲۵- گزینه «۳»

فصل سوم: آثار قراردادها و تعهدات

۱- گزینه «۳»	۲- گزینه «۴»	۳- گزینه «۱»	۴- گزینه «۳»	۵- گزینه «۳»
۶- گزینه «۲»	۷- گزینه «۱»	۸- گزینه «۲»	۹- گزینه «۴»	۱۰- گزینه «۴»
۱۱- گزینه «۲»	۱۲- گزینه «۴»	۱۳- گزینه «۱»	۱۴- گزینه «۱»	۱۵- گزینه «۱»
۱۶- گزینه «۳»	۱۷- گزینه «۲»	۱۸- گزینه «۲»	۱۹- گزینه «۴»	۲۰- گزینه «۱»
۲۱- گزینه «۱»	۲۲- گزینه «۳»	۲۳- گزینه «۳»	۲۴- گزینه «۴»	۲۵- گزینه «۲»

فصل چهارم: معامله‌ی فضولی

۱- گزینه «۲»	۲- گزینه «۳»	۳- گزینه «۴»	۴- گزینه «۲»	۵- گزینه «۱»
۶- گزینه «۴»	۷- گزینه «۳»	۸- گزینه «۴»	۹- گزینه «۳»	۱۰- گزینه «۴»

فصل پنجم: شروط ضمن عقد

۱- گزینه «۴»	۲- گزینه «۴»	۳- گزینه «۳»	۴- گزینه «۱»	۵- گزینه «۲»
۶- گزینه «۱»	۷- گزینه «۲»	۸- گزینه «۳»	۹- گزینه «۴»	۱۰- گزینه «۱»

فصل ششم: عدم اجرای تعهد و آثار آن

۱- گزینه «۱»	۲- گزینه «۴»	۳- گزینه «۴»	۴- گزینه «۱»	۵- گزینه «۲»
۶- گزینه «۳»	۷- گزینه «۴»	۸- گزینه «۴»	۹- گزینه «۳»	۱۰- گزینه «۱»

فصل هفتم: انحلال قرارداد

۱- گزینه «۴»	۲- گزینه «۴»	۳- گزینه «۳»	۴- گزینه «۱»	۵- گزینه «۱»
۶- گزینه «۳»	۷- گزینه «۴»	۸- گزینه «۱»	۹- گزینه «۴»	۱۰- گزینه «۴»

فصل هشتم: سقوط تعهدات

۱- گزینه «۴»	۲- گزینه «۲»	۳- گزینه «۴»	۴- گزینه «۱»	۵- گزینه «۱»
۶- گزینه «۳»	۷- گزینه «۲»	۸- گزینه «۴»	۹- گزینه «۳»	۱۰- گزینه «۳»

وقایع حقوقی



فصل اول

«وقایع حقوقی – مسئولیت مدنی و آثار مسئولیت مدنی»

تست‌های تألیفی فصل اول

❏ مثال ۱: کدام یک از موارد زیر واقعه‌ی حقوقی است؟

- (۱) وقف (۲) صلح محاباتی (۳) غصب (۴) حواله بر بری

❏ پاسخ: گزینه «۳» گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ عمل حقوقی است و تنها غصب واقعه‌ی حقوقی است مستند به ماده‌ی ۳۱۵ قانون مدنی: «غاصب مسئول هر نقص و عیبی است که در زمان تصرف او به مال مغضوب وارد شده است هر چند مستند به فعل او نباشد».

❏ مثال ۲: کدام یک از گزینه‌های ذیل معنای مسئولیت مدنی را می‌رساند؟

- (۱) مسئولیت مدنی یعنی این که هر مالکی مسئول نگهداری مال خودش است.
(۲) مسئولیت مدنی ناشی از ضمانی است که تخلف فرد از توافق حاصل شود.
(۳) ملزم بودن شخص به جبران خسارتی است که از خطای او به دیگری وارد می‌شود.
(۴) منظور این است که هزینه‌ی نگهداری هر مالی با مالک آن است.

❏ پاسخ: گزینه «۳» مسئولیت مدنی همان مسئولیت غیرقراردادی است، یعنی تعهد شخص به جبران خسارت وارده به دیگران.

❏ مثال ۳: کدام یک از عبارات ذیل نادرست است؟

- (۱) وقتی که شخص از الزامات و تعهدات یک قرارداد سرپیچی کند مسئول قراردادی است.
(۲) وقتی که شخص از الزامات قانونی و عمومی تخلف کند و این سرپیچی منجر به خسارت به غیر شود مسئول قهری (غیرقراردادی) است.
(۳) در مسئولیت قراردادی اثبات و احراز عهدشکنی متعهد کافی است.
(۴) در ضمان مسئولیت قهری، صرف اثبات ورود ضرر کافی است.

❏ پاسخ: گزینه «۴» در مسئولیت مدنی قراردادی کافی است که متعهدله ثابت کند که متعهد از بار تعهد مندرج در قرارداد تخلف و یا سرپیچی کرده است، ولی در مسئولیت غیرقراردادی (قهری) باید ثابت شود که بین فعل عامل زیان و ضرر رابطه علیت برقرار است (یعنی همان تقصیر)؛ به عبارت دیگر علاوه بر این که احراز شود ضرری متوجه زیان دیده شده، تقصیر عامل زیان را نیز باید ثابت کند.

❏ مثال ۴: با توجه به قانون مسئولیت مدنی و اصول کلی در حقوق ایران، مبنای مسئولیت بیشتر با کدام نظریه سازگارتر است؟

- (۱) خطر در برابر هرگونه انتفاع (۲) تقصیر (۳) تضمین (۴) خطر در برابر انتفاع مادی

❏ پاسخ: گزینه «۲» طبق ماده‌ی ۱ قانون مسئولیت مدنی، «هرکس عمداً (تقصیر عمد) یا در نتیجه بی احتیاطی (تقصیر بدون عمد) به دیگری خسارت بزند، مسئول جبران خسارت می‌باشد».

❏ مثال ۵: کدام یک از موارد زیر جزء الزامات خارج از قرارداد نمی‌باشد؟

- (۱) اتلاف (۲) استیفای نامشروع (۳) تسبیب (۴) تهاوت قهری

❏ پاسخ: گزینه «۴» اتلاف و تسبیب طبق ماده ۳۰۷ قانون مدنی: «امور ذیل موجب ضمان قهری است: ۱- غصب و آنچه که در حکم غصب است. ۲- اتلاف ۳- تسبیب ۴- استیفاء». و استیفای نامشروع طبق ماده ۳۱۰ قانون مدنی: «اگر کسی که مالی به عاریه یا به ودیعه و امثال آنها در دست اوست منکر گردد، از تاریخ انکار در حکم غاصب است» جزء الزامات خارج از قرارداد است. تهاوت قهری باعث سقوط تعهد می‌شود و از اسباب ایجاد الزام و تعهد نیست.

مثال ۶: کدام یک از اشخاص نامبرده در ذیل در حکم غاصب است؟

- (۱) کسی که مانع از عبور و مرور همسایه‌ای که مالک حق ارتفاق در ملک می‌باشد، می‌شود.
- (۲) کسی که مالی به عاریه در دست او بوده و منکر وجود آن مال نزد خویش گردیده است.
- (۳) وارث منحصری که پیش از ادای دیون شخص متوفی، ترکه را به تصرف خود درآورده است.
- (۴) شخصی که به طور غیرقانونی پنجره‌ای مشرف بر حیاط شخص دیگر قرار می‌دهد.

پاسخ: گزینه «۲» هرگاه امین، با مطالبه‌ی مالک از تسلیم مال به او خودداری کند، از تاریخ امتناع، در حکم غاصب است. ماده ۳۱۰ قانون مدنی: «اگر کسی که مالی به عاریه یا به ودیعه و امثال آن‌ها در دست او است منکر گردد، از تاریخ انکار در حکم غاصب است». همچنین شخص جاهلی که مال مغضوب را به نحوی از انحا از غاصب دریافت می‌کند، در حکم غاصب است یعنی همان خریدار مال مغضوب ماده ۳۲۵ قانون مدنی: «اگر مشتری جاهل به غصب بوده و مالک به او رجوع نموده باشد، او نیز می‌تواند نسبت به ثمن و خسارات به بایع رجوع کند اگرچه مبیع نزد خود مشتری تلف شده باشد و اگر مالک نسبت به مثل یا قیمت رجوع به بایع کند حق رجوع به مشتری را نخواهد داشت». اشخاص مذکور در گزینه‌های ۱ و ۳ نه غاصبانند و نه در حکم غاصب.

مثال ۷: اگر مال مغضوب در دست یکی از غاصبان تلف شود و مالک به غاصب دیگری رجوع کند، غاصبی که جبران خسارت کرده است به چه کسی حق رجوع دارد؟

- (۱) به کسی که مال در دست او تلف شده است یا به یکی از لاحقین خود. (۲) فقط به کسی که مال در دست او تلف شده است.
- (۳) به هیچ کس حق رجوع ندارد.
- (۴) به یکی از غاصبان سابق خود.

پاسخ: گزینه «۱» مطابق ماده ۳۱۸ قانون مدنی، اگر مالک به غاصبی که مال در دست او تلف نشده است، مراجعه نماید، مشارالیه می‌تواند یا به کسی که مال در دست او تلف شده است رجوع کند و یا به یکی از لاحقین خود تا منتهی شود به کسی که مال، در دست او تلف شده است. بنابراین جز در مورد غاصب جاهل (در حکم غاصب)، غاصبی که جبران خسارت کرده است، حق رجوع به غاصبین سابق بر خود را ندارد.

مثال ۸: اتلاف شامل کدام یک از موارد زیر می‌شود؟

- (۱) فقط عین
- (۲) عین و منفعت
- (۳) عین و منفعت و حق
- (۴) عین و حقوق مدنی

پاسخ: گزینه «۳» هر چند در قانون مدنی (ماده ۳۲۸ قانون مدنی) فقط عین و منفعت را گفته، ولی حق را نیز شامل می‌شود.

مثال ۹: کدام یک جزء عناصر موضوع ماده ۳۰۸ قانون مدنی، نیست؟

- (۱) مال بودن
- (۲) استیلا داشتن
- (۳) به نحو عدوان
- (۴) هیچ کدام

پاسخ: گزینه «۱» مطابق ماده ۳۰۸، غصب استیلا بر حق غیر است به نحو عدوان، در صورتی که گزینه ۱ فقط از مال نامبرده است.

مثال ۱۰: در اجتماع سبب و مباشر در مورد خسارت کدام مسئول است؟

- (۱) مسبب مسئول است.
- (۲) مباشر مسئول است.
- (۳) مسبب مسئول است مگر در صورت اقوی بودن مباشر
- (۴) مباشر مسئول است مگر در صورت اقوی بودن مسبب

پاسخ: گزینه «۴» براساس ماده ۸۳۲ قانون مدنی، هرگاه یک نفر سبب و دیگری مباشر تلف باشد، علی‌الاصول مباشر مسئول است، مگر این که سبب اقوی باشد که در این صورت سبب، مسئول می‌باشد، هر چند طبق ظاهر این ماده در صورت تساوی دخالت مباشر و مسبب، تنها مباشر مسئول است ولی به نظر می‌رسد در این مورد باید هر دو را به نسبت میزان دخالتشان در ورود زیان مسئول دانست.

مثال ۱۱: در تصادم بین دو وسیله نقلیه در صورتی که هیچ کدام مقصر نباشند، مسئولیت برعهده کیست؟

- (۱) مسئولیت راننده به نسبت درجه تأثیر او در ایجاد حادثه است.
- (۲) مسئولیتی در بین نیست.
- (۳) هر کدام از راننده‌ها باید نیمی از خسارات طرف دیگر را بپردازد.
- (۴) هر کدام باید خسارت وارده به دیگری را جبران کند.

پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی: هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آن‌ها کشته شوند یا آسیب ببینند، در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هر یک مشغول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است و چنان‌چه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند، هر یک از رانندگان مسئول یک سوم دیه راننده‌های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه می‌باشد و به همین صورت در وسایل بیشتر، محاسبه می‌شود و هرگاه یکی از طرفین مقصر باشد به گونه‌ای که برخورد به او مستند شود، فقط او ضامن است.



مثال ۱۲: در اثر تصادف راننده‌ای با شخصی که نفقه‌خواهر بی‌بضاعت خویش را به طور مرتب می‌داد، برادر کشته می‌شود، آیا خواهر آن شخص می‌تواند از راننده مقصر خسارت بخواهد که نفقه او را به جای برادرش بدهد؟

- (۱) به استناد از دست دادن منفعت ممکن‌الحصول می‌تواند. (۲) به استناد از دست دادن منفعت محتمل‌الحصول نمی‌تواند.
(۳) نمی‌تواند، چون منفعتی را از دست داده که حق قانونی او نبوده. (۴) می‌تواند، چون منفعتی را از دست داده که حق او بوده است.

پاسخ: گزینه «۳» به این دلیل نمی‌تواند خسارت را درخواست نماید چون منفعت از دست رفته حق قانونی‌اش نبوده است. ☒

مثال ۱۳: کدام یک از موارد ذیل از جمله شرایط ضرر قابل مطالبه نیست؟

- (۱) ضرر باید مستقیم باشد. (۲) ضرر باید مسلم باشد.
(۳) ضرر باید در عرف غیرقابل اغماض باشد. (۴) ضرر باید جبران نشده باشد.
پاسخ: گزینه «۳» در ارتباط با ضرر داوری عرف تنها یک معیار نوعی است ولیکن معیار نوعی کافی نیست. چه بسا ضرری که عرف آن را ناچیز می‌داند برای شخص نوعی خسارت و زیان واقعی باشد و این مسأله در زبان‌های معنوی بیشتر آشکار است. ☒

مثال ۱۴: اگر کسی آتش روشن کند و باد وسیله‌ی سرایت آن به باغی شود، مسئولیت بر عهده کیست؟

- (۱) چون آتش‌افروز سبب بوده و باد مباشر بوده، ضمان برعهده‌ی آتش‌افروز است.
(۲) چون عوامل طبیعی (باد) در ایجاد تلف دخالت داشته، نصف مسئولیت بر عهده آتش‌افروز است.
(۳) آتش‌افروز مسئول است چون عوامل طبیعی در تلف مال ضمان مسبب را از بین نمی‌برد.
(۴) آتش‌افروز مسئول تلف نیست چون قصد ایجاد تلف را نداشته است.
پاسخ: گزینه «۳» باید توجه داشت که دخالت عوامل طبیعی همچون باد و باران در تلف مال، ضمان مسبب را از بین نمی‌برد. ☒

مثال ۱۵: اگر مالک حق رجوع خویش به غاصب دوم را نسبت به منافع عین ساقط کند در این صورت:

- (۱) حق رجوع به غاصب اول را از دست می‌دهد (۲) حق رجوع به غاصبان سوم و بعد از او را نخواهد داشت.
(۳) حق رجوع به هیچ یک از غاصبان را نخواهد داشت. (۴) حق رجوع به بقیه غاصبین (غیر از غاصب دوم) را خواهد داشت.
پاسخ: گزینه «۴» می‌دانیم که مالک در انتخاب کسی که از میان مسئولین باید به او رجوع شود آزاد است، بنابراین مالک می‌تواند از حق رجوع خویش نسبت به یکی از غاصبین صرف‌نظر کند و اسقاط حق رجوع در برابر یکی از غاصبین، مانع از رجوع به دیگران نیست و نکته مهم این است که نباید اسقاط حق رجوع به یکی از غاصبین را با ابراء یکی از غاصبین اشتباه کرد که احکام جداگانه‌ای دارند. یعنی اگر در مثال سؤال بالا، مالک، غاصب دوم را ابراء می‌کرد، در این صورت گزینه دوم صحیح بود یعنی حق رجوع به لاقین را از دست می‌داد. ☒

مثال ۱۶: کدام یک از مواد ذیل از مواردی که فرد را از مسئولیت مدنی معاف می‌کند نیست؟

- (۱) رضایت زیان‌دیده در ورود زیان جسمانی به اشخاص، جز در موارد استثنایی
(۲) رضایت زیان‌دیده در ورود زیان به اموال، جز در موارد استثنایی
(۳) حکم قانون و دستور مقامات صالح
(۴) اکراه در صورتی که شدید باشد و سبب اقوی از مباشر تلقی شود.
پاسخ: گزینه «۱» همان‌طور که در موارد بالا توضیح داده شد، رضایت زیان‌دیده یا شخص در مورد صدمه‌های بدنی و زیان‌های مربوط به شخصیت و آزادی، هیچ اثری ندارد. ☒

مثال ۱۷: در یک روز برفی شخصی بدون استفاده از زنجیر چرخ اقدام به رانندگی در جاده بیرون شهر کرده که ناگهان بر اثر لغزش زمین منجر به برخورد با یک اتومبیلی می‌شود که کنار جاده پارک نموده است، حال نوع تقصیر را مشخص کنید.

- (۱) تقصیر عمد (۲) تقصیر غیرعمد (۳) تقصیر در حکم عمد است (۴) تقصیری وجود ندارد
پاسخ: گزینه «۲» در این جا چون فرد نه قصد فعل (برخورد با اتومبیل) و نه قصد نتیجه (ایراد خسارت) داشته، ولی بر اثر بی‌احتیاطی (استفاده نکردن از زنجیر چرخ) می‌گوییم که تقصیرش شبه عمد یا غیرعمد است. ☒

مثال ۱۸: در کدام یک از موارد زیر مسئولیت مدنی به وجود نمی‌آید؟

- (۱) خودداری امین از نگهداری مال مورد امانت که به موجب قرارداد تعهد نگهداری دارد.
- (۲) خودداری از حضانت کودک
- (۳) خودداری از نگذاشتن نرده آهنی در برابر پلکانی که ارتفاع دارد.
- (۴) خودداری شناگر قابلی که در کنار استخر است از نجات دادن کودکی که در حال غرق شدن است.

پاسخ: گزینه «۱» مسئولیت در این مورد، قراردادی و ناشی از قرارداد است نه مسئولیت مدنی. در مورد گزینه «۴» نیز به نظر می‌رسد که انجام ندادن تکالیف عرفی نیز تقصیر محسوب می‌شود یعنی در عرف هرکس که به جای آن فرد کنار استخر بود مانع از غرق شدن او می‌شد یا لاقل به او کمک می‌کرد تا غرق نشود.

مثال ۱۹: بر طبق حقوق موضوعه ایران، هرگاه دو عامل در دو زمان مختلف در وقوع حادثه زیان‌بار دخالت داشته باشند و هیچ‌یک از آن دو مباشر نباشند، کدام یک مسئول است؟

- (۱) نزدیک‌ترین سبب به وقوع حادثه ضامن است.
- (۲) کسی که تأثیر کار او در تحقق زیان قبل از تأثیر سبب دیگری باشد ضامن خواهد بود.
- (۳) هر دو بر حسب نحوه مداخله ضامن خواهند بود.
- (۴) هر دو نفر به نسبت درجه تأثیرشان در تحقق زیان ضامن می‌باشند.

پاسخ: گزینه «۲» همان‌طور که در توضیح سبب مقدم در تأثیر گفته شد، ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی از این نظریه تأثیر پذیرفته است و اعلام می‌دارد: «هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند، کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آن که یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است، مگر آن که همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود».

مثال ۲۰: در اثر برخورد دو اتومبیلی که یکی از آن‌ها با سرعت غیرمجاز و یکی دیگر بدون چراغ حرکت کرده و موجب ایراد خسارتی به اتومبیل ثالث می‌شوند:

- (۱) هر یک از آن‌ها به نسبت درجه تأثیر خود در ورود ضرر عهده‌دار خسارت خواهد بود.
- (۲) به طور تساوی عهده‌دار خسارت خواهند بود.
- (۳) زیان‌دیده در انتخاب مسئول مخیر است.
- (۴) برحسب درجه تقصیر هر دو مسئول‌اند.

پاسخ: گزینه «۲» به موجب ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی جدید: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند، به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند».

مثال ۲۱: راه‌حل‌های متخذه در حقوق موضوعه ایران در ارتباط با احراز رابطه سببیت در مسئولیت مدنی، در مجموع بیشتر با کدام یک از نظریه‌های زیر انطباق دارد؟

- (۱) سبب مقدم در تأثیر
- (۲) سبب نزدیک و بی واسطه
- (۳) سبب متعارف و اصلی
- (۴) مسئولیت بر مبنای نحوه مداخله

پاسخ: گزینه «۳» همان‌طور که گفته شد مواد گوناگونی (۵۱۷ تا ۵۲۱ جدید) از این نظریه پیروی کرده‌اند و به نظر می‌رسد که در حقوق موضوعه ایران این نظریه در مجموع نسبت به نظریه‌های دیگر انطباق بیشتری با قوانین ایران دارد.

مثال ۲۲: سبب وقوع حادثه‌ای سرعت غیرمجاز راننده و طوفان ناگهانی و شدید تشخیص داده می‌شود در این مثال بر فرض ورود خسارت به ثالث، مسئولیت بر عهده کیست؟

- (۱) راننده نصف خسارت را برعهده دارد.
- (۲) راننده تمام خسارت را باید پرداخت کند.
- (۳) راننده به نسبت درجه تقصیر خود باید خسارت را پرداخت کند.
- (۴) راننده به نسبت نحوه مداخله خود در وقوع حادثه باید خسارت را پرداخت کند.

پاسخ: گزینه «۲» نتیجه منطقی نظریه تقصیر (که به عنوان اصل در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی) پذیرفته شده است، این است که از میان همه شرایط و اسبابی که در وقوع حادثه دخالت داشته‌اند تنها سبب و عاملی مسئول قرار گیرد که تقصیر داشته است. بنابراین هرگاه در موردی در وقوع حادثه‌ای شخصی خطا کرده باشد و به همراه قوه قاهره خسارتی را به بار آورد، تنها آن شخص که تقصیر کرده، مسئول تمام خسارات خواهد بود و به خاطر دخالت قوه قاهره چیزی از مسئولیت او کاسته نمی‌شود.



مثال ۲۳: اگر کسی مال خود را به کودکی بسپارد و آن مال تلف شود، مسئولیت بر عهده کیست؟

- (۱) مسئولیت بر عهده کودک است.
 - (۲) مسئولیت به طور تساوی بر عهده کودک و صاحب مال است.
 - (۳) مسئولیت بر عهده خود صاحب مال است.
 - (۴) مسئولیت به نسبت درجه تقصیر بین کودک و صاحب مال تقسیم می‌شود.
- پاسخ:** گزینه «۳» در موردی که زیان دیده در وقوع حادثه و اضرار به خود تقصیر دارد گفتیم که مسئولیت بین او و عامل ورود ضرر تقسیم می‌شود ولی اگر زیان دیده در وقوع حادثه و اضرار به خود عمد داشته باشد، در این صورت اقدام او به زیان خود مانع از خسارت گرفتن از دیگری است. این همان معنای قاعده اقدام است. همچنین در موردی که عرف او را سبب اصلی و قوی‌تر وقوع حادثه بشمارد.

مثال ۲۴: اگر اتومبیلی با سرعت غیرمجاز حرکت کند و فردی به قصد خودکشی خود را به بیرون ماشین پرتاب کند، چه کسی مسئولیت دارد؟

- (۱) هر دو مسئول هستند و مسئولیت به نسبت درجه تقصیر بین آن‌ها تقسیم می‌شود.
 - (۲) هر دو مسئول هستند و مسئولیت به طور تساوی بین آن‌ها تقسیم می‌شود.
 - (۳) راننده مسئول تمام خسارت است.
 - (۴) زیان دیده خود مسئول است و راننده هیچ‌گونه مسئولیتی ندارد.
- پاسخ:** گزینه «۴» در فرضی که زیان دیده در وقوع ضرر و خسارت علیه خود نقش دارد، سؤالی که مطرح می‌شود این است که این مسئولیت چگونه بین زیان دیده و عامل تقسیم می‌شود؟ در این گونه موارد دادگاه تمام عواملی را که در ایجاد حادثه دخالت داشته‌اند ارزیابی می‌کند و با ملاحظه تمام آن‌ها «نحوه مداخله» را تشخیص می‌دهد که درجه تقصیر یکی از مهمترین عواملی است که در این ارزیابی مهم، نقش مؤثر و قاطع دارد. بنابراین چون در مثال مسأله تقصیر کلاً بر عهده خود زیان دیده بود و با توجه به این که در صورتی که زیان دیده در ورود خسارت به خود اگر عمد داشته باشد، نمی‌تواند ادعای مطالبه خسارت از عامل کند، در این جا نیز کل خسارت بر عهده خود زیان دیده است.

مثال ۲۵: در فرضی که بر مال مغضوب، ایادی متعددی حاکم شود (تعاقب ایادی)، در خصوص منافع مال، کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) هر یک از غاصبین به اندازه زمان تصرف خود و سابقین خود ضامن هستند.
 - (۲) ضامن هر غاصب تنها نسبت به منافع زمان خود است.
 - (۳) غاصب اول بیشترین مسئولیت را دارد و غاصب آخر کمترین مسئولیت را.
 - (۴) غاصب اول کمترین مسئولیت و غاصب آخر بیشترین مسئولیت را دارد.
- پاسخ:** گزینه «۳» مطابق ماده ۳۲۰ که می‌گوید نسبت به منافع مال مغضوب، هر یک از غاصبین به اندازه‌ی منافع زمان تصرف خود و ما بعد خود ضامن است اگرچه استیفای منفعت نکرده باشد. لیکن غاصبی که از عهده‌ی منافع زمان تصرف غاصبین لاحق خود برآمده است، می‌تواند به هر یک نسبت به زمان تصرف او رجوع کند.

مثال ۲۶: کارگران مشمول قانون کار در صورتی که با هم سبب ورود خسارتی شوند، مسئولیتشان چگونه است؟

- (۱) مسئولیت تضامنی دارند - میزان مسئولیت هر یک به طور تساوی بین آن‌ها تقسیم می‌شود.
 - (۲) مسئولیت نسبی دارند - میزان مسئولیت هر یک با توجه به درجه تقصیر آن‌ها مشخص می‌شوند.
 - (۳) مسئولیت تضامنی دارند - میزان مسئولیت هر یک با توجه به نحوه مداخله هر یک مشخص می‌شوند.
 - (۴) مسئولیت نسبی دارند - میزان مسئولیت هر یک به طور تساوی بین آن‌ها تقسیم می‌شود.
- پاسخ:** گزینه «۳» با توجه به صورت ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی.

مثال ۲۷: در چه صورتی (در کدام یک از موارد زیر) کارفرما در قبال خسارات وارده توسط کارگران خویش مسئولیت ندارد؟

- (۱) خسارات وارده توسط کارگر بیمه شده در اوقات رفت و برگشت از منزل به کارگاه
 - (۲) حوادثی که حین اقدام برای نجات سایر بیمه‌شدگان آسیب دیده اتفاق می‌افتد.
 - (۳) اوقاتی که کارگر بیمه شده به دستور کارفرما در خارج از محوطه کارگاه انجام مأموریتی می‌کند.
 - (۴) اوقاتی که بیمه شده در خارج از محوطه کارگاه برای کارفرما کار می‌کند، ولی از جانب او مأموریت ندارد.
- پاسخ:** گزینه «۴» همان‌طور که گفتیم برای تحقق مسئولیت کارفرما دو شرط لازم است: ۱- ورود زیان از طرف کارکنان اداری یا کارگران ۲- ورود زیان هنگام کار یا به مناسبت آن باشد و اقداماتی که بیمه شده در خارج از محوطه کارگاه انجام می‌دهد برای این‌که آن‌را به هنگام کار یا به مناسبت آن به حساب آوریم، باید به دستور کارفرما، مأمور انجام آن مأموریت باشد.

مثال ۲۸: ولی در اثر کوتاهی در نگهداری مجنون، موجب ایراد خسارت به اتومبیلی توسط مجنون شده است، لیکن پس از بررسی اوضاع مالی ولی ایشان توان پرداخت خسارت را ندارد.

- (۱) جبران نیمی از خسارت بر عهده‌ی مجنون است و جبران نیم دیگر آن بر عهده ولی.
- (۲) زیان وارده باید از اموال مجنون جبران شود.
- (۳) جبران زیان در هر حال با ولی است.
- (۴) مورد از جمله مواردی است که زیان‌دیده با اعسار عامل زیان روبه‌رو می‌شود.

پاسخ: گزینه «۲» در ارتباط با بحث مسئولیت ولی یا سرپرست صغیر و مجنون، باید گفت که در صورتی که ولی در نگهداری، مرتکب تقصیر نشده باشد، ضمان بر عهده‌ی فرد محجور است (صغیر یا مجنون) ولی در صورتی تقصیر از ناحیه ولی که ولی او توان جبران خسارت را دارد یا ندارد، اگر دارد که باید بپردازد و اگر ندارد، خسارت از اموال صغیر یا مجنون در صورت استطاعت آن‌ها جبران می‌شود.

مثال ۲۹: مطابق قانون مسئولیت مدنی، اگر کارمند دولت در حین انجام وظیفه خسارتی به دیگری وارد کند، جبران خسارت بر عهده‌ی کیست؟

- (۱) در صورتی که کارمند اشتباه کرده باشد، دولت مسئول جبران خسارت است و اگر تقصیر کرده باشد شخصاً مسئول است.
- (۲) کارمند شخصاً مسئول است، مگر این‌که ورود خسارت ناشی از نقص وسایل اداری دولتی باشد که در این صورت دولت مسئول است.
- (۳) دولت در هر حال مسئول جبران خسارت وارده است و بعد از پرداخت خسارت می‌تواند به کارمند مراجعه کند.
- (۴) دولت در هر حال مسئول جبران خسارت است و در صورتی می‌تواند به کارمند رجوع کند که عمد یا تقصیر او را اثبات کند.

پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده‌ی ۱۱ قانون مسئولیت مدنی.

مثال ۳۰: کدام یک از موارد ذیل در ارتباط با مسئولیت ناشی از فعل غیر، مسئول جبران خسارت شخص دیگر نیستند؟

- (۱) بیمه‌گر مسئولیت
- (۲) صندوق تأمین خسارت‌های بدنی
- (۳) قائم مقام خاص شخص مسئول
- (۴) وارثان شخص مسئول در صورت فوت او

پاسخ: گزینه «۳» قائم مقام خاص، شخصی است که در اثر انتقال مالی از یکی از طرفین قرارداد به او، جانشین طرف مزبور در خصوص آثار آن قرار می‌گیرد. بنابراین قائم مقام خاص عامل ورود زیان به هیچ وجه ملزم به جبران خسارات وارده از سوی شخص مزبور به دیگران نمی‌باشند. اشخاص نامبرده شده در سایر گزینه‌ها بر حسب مورد، مسئول جبران خسارت شخص مسئول می‌باشند و مسئولیت آن‌ها ناشی از فعل غیر است.

مثال ۳۱: اگر بر اثر خراب شدن دیوار کسی اتومبیل متعلق به غیر خسارت ببیند، آیا صاحب دیوار مسئول جبران خسارت است؟

- (۱) بله، مگر این‌که ثابت کند راننده‌ی اتومبیل مرتکب تقصیر شده و آن را در محل غیرمجاز پارک کرده است.
- (۲) بله، مگر این‌که ثابت کند خرابی دیوار بر اثر حادثه‌ی خارجی بوده که نمی‌توان به او مربوط نمود.
- (۳) بله، مگر این‌که ثابت کند احتیاط لازم را در نگهداری آن به عمل آورده است.
- (۴) بله، در صورتی که زیان‌دیده تقصیر او را در نگهداری دیوار اثبات کند.

پاسخ: گزینه «۴» همان طور که در توضیح ماده ۳۳۳ قانون مدنی گفتیم برای این‌که زیان‌دیده بتواند از مالک خسارت بگیرد، باید ثابت کند که خرابی دیوار ناشی از عیبی بوده است. (۱) مالک مطلع بر آن بوده (۲) یا از عدم مواظبت او تولید شده است و این هر دو فرض مفهومی جز تقصیر مالک ندارد زیرا انسانی متعارف ملک یا ساختمان خود را با چنین عیبی رها نمی‌کند و بار اثبات هم بر عهده‌ی زیان‌دیده است.

مثال ۳۲: اگر همسایه اثر رطوبت ناشی از تصرف مالک مجاور را در دیوار ملک خود مشاهده کند ولی به همسایه‌اش اخطار ندهد تا این‌که دیوارش خراب شود مسئولیت بر عهده‌ی کیست؟

- (۱) اگر مالک مجاور تصرفی به قدر متعارف کند ولی برای رفع حاجت از خود نباشد مسئول است.
- (۲) اگر تصرف مالک مجاور برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود نباشد مسئول است.
- (۳) چون صاحب دیوار نیز خود سبب بوده به همسایه اخطار نداده است هر دو مسئول خسارت هستند.
- (۴) چون صاحب دیوار به فعل زیان‌بار همسایه دامن زده و باعث اضرار شده خود مسئول است.

پاسخ: گزینه «۴» در موردی که بی‌مبالایی و کاهلی زیان‌دیده به اثر فعل زیان‌بار دامن زده و باعث اضرار شده است، باید ضرر را ناشی از اقدام شمرد. در نتیجه در این مورد نیز ضرر ناشی از اقدام است و خسارت ناشی از خراب شدن دیوار به عهده‌ی متصرف نیست. در فرض که تقصیر زیان‌دیده یا ثالث بر زیان افزوده است، اگر میزان افزوده معلوم باشد، خواننده‌ی دعوا مسئول نیست و در موردی که میزان تأثیر هر یک معین نباشد، زیان‌دیده بیش از نیمی از خسارت را نمی‌تواند بگیرد.



کلمه مثال ۳۳: اگر هنگام حرکت ریگی از زیر چرخ‌های اتومبیل پرتاب شود و خسارتی ایجاد کند، مسئول کیست؟

- (۱) جهش سنگریزه در حکم حادثه‌ی قهری است، در نتیجه هیچ کس مسئول نیست.
- (۲) جهش سنگریزه در حکم حادثه‌ی قهری است، در نتیجه به دلیل اجتماع اسباب، راننده مسئول نیمی از خسارت است.
- (۳) پرتاب ریگ نتیجه‌ی فعالیت دارنده‌ی اتومبیل است، در نتیجه راننده مسئول تمام خسارات وارده است.
- (۴) چون راننده تقصیری در جهش سنگریزه نداشته است، پس مسئول خسارات نیست.

پاسخ: گزینه «۳» در این‌جا پرتاب ریگ نتیجه‌ی فعالیت دارنده‌ی اتومبیل و از حوادث متعارف و شایع این گونه وسایل نقلیه و مشمول ماده یک قانون بیمه‌ی اجباری است و تقصیر نداشتن راننده‌ی اتومبیل دارنده‌ی آن را از مسئولیت مفروض قانون معاف نمی‌کند. به موجب تبصره‌ی ۶ ماده ۱ قانون اصلاح شده در ۱۳۸۷ (بیمه اجباری): «منظور از شخص ثالث، هر شخصی است که به سبب حوادث موضوع این قانون دچار زیان‌های بدنی یا مالی شود، به استثنای راننده‌ی مسبب حادثه».

کلمه مثال ۳۴: راننده‌ای از کوچه‌ی فرعی بدون رعایت حق تقدم به خیابان اصلی می‌رود و با وسیله‌ی دیگری که در آن خیابان با سرعت غیرمجاز حرکت می‌کند تصادم می‌کند، مسئولیت بر عهده کیست؟

- (۱) راننده‌ای که از کوچه فرعی می‌پیچد - چون خطای شدیدتر را مرتکب شده است.
- (۲) هر دو راننده مسئول هستند و هر کدام باید تمام خسارات طرف مقابل را بپردازند.
- (۳) چون هر دو مقصر هستند هیچ گونه ضمانی در بین نیست.
- (۴) چون هر دو راننده مقصر هستند، هر کدام نصف خسارت وسیله نقلیه‌ی دیگری را ضامن است.

پاسخ: گزینه «۴» مطابق ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی که در قسمت بالا توضیح داده شد.

کلمه مثال ۳۵: در چه صورتی تصادم دو اتومبیل حکم به جبران خسارت داده نمی‌شود؟

- (۱) هر دو راننده مقصر باشند.
- (۲) هیچ کدام از راننده‌ها مقصر نباشند.
- (۳) در صورت نداشتن تقصیر
- (۴) سبب تصادم قوه‌ی قاهره باشد.

پاسخ: گزینه «۴» در تصادم دو اتومبیل به دلیل نداشتن تقصیر نمی‌توان طرفین را مسئول شناخت، زیرا مسئولیت در این فرض مبتنی بر تقصیر نیست. پس تنها در صورتی حکم به جبران خسارت داده نمی‌شود که قوه‌ی قاهره سبب تصادم باشد که در فرض اول نیز توضیح داده شد. در موردی که تصادم دو وسیله نقلیه موتوری باعث ورود ضرر به ثالث شود فرض مسئولیت برای دارنده‌ی هر دو وسیله در برابر او وجود دارد در نتیجه زیان‌دیده می‌تواند به هر یک از دو دارنده رجوع کند و تمام خسارت را بگیرد ولی در تقسیم خسارت بین دو مسئول سهم هر کدام نیمی از خسارت است (ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی).

کلمه مثال ۳۶: علی اتومبیل خود را به دوستش برای مدتی امانت می‌دهد. دوست او در اثر سرعت زیاد با اتومبیل دیگری تصادف می‌کند و به آن خسارت می‌زند صاحب اتومبیل زیان‌دیده، خسارت خود را از چه کسی می‌تواند بگیرد؟

- (۱) از علی و از راننده‌ی مقصر از هر کدام که بخواهد.
- (۲) از راننده‌ی مقصر به تنهایی
- (۳) از دارنده به تنهایی (علی)
- (۴) از راننده‌ی مقصر، نصف و از علی نصف دیگر

پاسخ: گزینه «۱» مطابق مواد ۳۲۸ و ۳۳۵ قانون مدنی، راننده‌ی مقصر از باب اتلاف و یا تسبیب در مقابل زیان‌دیده مسئول می‌باشد، از سوی دیگر مطابق قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث، دارنده‌ی وسیله‌ی نقلیه در مقابل اشخاص ثالث مسئول خسارت وارده از ناحیه‌ی وسیله‌ی نقلیه، به آن‌ها می‌باشند که این مسئولیت مبتنی بر تقصیر دارنده نیست. بنابراین زیان‌دیده می‌تواند هم به راننده‌ی مقصر و هم به دارنده‌ی اتومبیل مراجعه نماید.

کلمه مثال ۳۷: اگر مال در محل غصب مثلی باشد ولی در محل تلف قیمی باشد، مسئولیت چگونه است؟

- (۱) غاصب باید مثل مال را به مالک بدهد.
- (۲) غاصب باید قیمت حین الاداء را بپردازد.
- (۳) غاصب باید آخرین قیمت را بدهد.
- (۴) غاصب در دادن مثل یا قیمت مختار است.

پاسخ: گزینه «۱» مبنای انتخاب مثل یا قیمت این است که از چه راه بهتر می‌توان از مالک رفع ضرر کرد و دادن مثل راهی است که وضعیت او را به سابق برمی‌گرداند.

❏ مثال ۳۸: اگر مال در محل غصب قیمی باشد ولی در محل تلف مثلی باشد، مسئولیت غاصب چگونه است؟

- (۱) غاصب باید مثل مال را به مالک بدهد.
(۲) غاصب باید قیمت زمان غصب را بپردازد.
(۳) غاصب در دادن مثل یا قیمت مختار است.
(۴) غاصب باید قیمت حین الاداء را بپردازد.

❏ پاسخ: گزینه «۳» چون مال در محل غصب قیمی بوده است، بنابراین غاصب می‌تواند قیمت مال تلف شده را به مالک پرداخت کند، ولی چون مال در محل تلف مثلی بوده است، غاصب می‌تواند با دادن مثل جبران خسارت کند و مالک حق ندارد الزام او را به دادن قیمت بخواهد.

❏ مثال ۳۹: در کدام یک از موارد ذیل شرط عدم مسئولیت صحیح و نافذ است؟

- (۱) شرط عدم مسئولیت وکیل در اجرای وکالت
(۲) شرط عدم مسئولیت در زیان وارده بر سلامت جسمانی فرد
(۳) شرط عدم مسئولیت در ارتباط با خسارت‌های سنگین
(۴) شرط عدم مسئولیت در ارتباط با خسارت‌هایی که تقصیر عامل زیان عرفاً قابل اغماض نیست و در حکم عمد است.

❏ پاسخ: گزینه «۱» تعهد وکیل از نوع تعهد به وسیله است، در تعهد به وسیله، عدم اجرای تعهد به خودی خود الزام و مسئولیتی برای متعهد ایجاد نمی‌کند، مگر اینکه متعهدله تقصیر و یا مسامحه متعهد را ثابت کند، برخلاف تعهد به نتیجه که صرف عدم انجام تعهد موجب ضمان و مسئولیت است برای متعهد، مگر این که متعهد بتواند قوه قهریه را در عدم انجام تعهد ثابت کند.
در ارتباط با گزینه‌های ۲ و ۳ و ۴ شرط عدم مسئولیت در تمام آن موارد باطل است و نفوذ حقوقی ندارد، اما گزینه ۱ اگر در اثر عدم انجام مورد وکالت خسارتی به غیر وارد شود و این خسارت قابل پیش‌بینی باشد به طوری که عرفاً وکیل به طور عمد باعث ایراد آن خسارت شده است، باید گفت عدم مسئولیت وکیل و شرط آن صحیح نمی‌باشد ولیکن چون گزینه ۱ اطلاق دارد، در ارتباط با گزینه‌های دیگر صحیح‌تر است.



آزمون فصل اول

کدام ۱- ماهیت حقوقی تهاثر چیست؟

- (۱) واقعه حقوقی ارادی (۲) واقعه حقوقی قهری (۳) ایقاع (۴) عقد

کدام ۲- تعهدی را که برای متعهدله قانوناً حق مطالبه نمی‌باشد، ولی اگر متعهد به میل خود آن را ایفا نماید دعوای استرداد او مسموع نخواهد بود، اصطلاحاً چه می‌نامند؟ تعهد:

- (۱) اخلاقی (۲) طبیعی (۳) مذهبی (۴) حقوقی

کدام ۳- ماهیت حقوقی غصب چیست؟

- (۱) واقعه حقوقی قهری (۲) واقعه حقوقی ارادی (۳) ایقاع (۴) عقد

کدام ۴- کدام یک از موارد زیر واقعه حقوقی نیست؟

- (۱) کسی که بلاجهت از عمل دیگری کسب منفعت کرده است. (۲) مأخوذ بالسوم (۳) مقترض مال مغضوبه (۴) حواله بر بری

کدام ۵- کدام یک از موارد ذیل، جزء الزامات قهری (خارج از قرارداد) است؟

- (۱) ضمان فروشنده مال معیوب
(۲) ضمان بایع در تلف مبیع قبل از قبض نسبت به رد ثمن به خریدار
(۳) ضمان متعهد متخلف در رد وجه التزام
(۴) ضمان مستأجر به پرداخت اجرت‌المثل ایام تصرف بعد از انقضای اجاره

کدام ۶- در تفاوت اتلاف و تسبیب کدام یک از موارد ذیل صحیح است؟

- (۱) در تسبیب تقصیر شرط ایجاد مسئولیت است، ولی در اتلاف تقصیر ملاک نیست.
(۲) در اتلاف شخص مستقیماً و در تسبیب فرد با واسطه سبب از بین رفتن مالی می‌شود.
(۳) گزینه ۱ و ۲
(۴) تسبیب و اتلاف همواره با فعل انجام می‌شود.

کدام ۷- در کدام یک از موارد ذیل، نیازی به اثبات رابطه سببیت بین عامل ضرر و فعل زیانبار نیست؟

- (۱) استیفای منفعت (۲) تسبیب (۳) اتلاف (۴) غصب

کدام ۸- در ارتباط با مسئولیت متصدی حمل و نقل در قانون مدنی و قانون تجارت، کدام یک صحیح است؟

- (۱) در قانون تجارت متصدی مسئول رساندن کالا به مقصد است و تقصیر وی باید اثبات شود.
(۲) در قانون مدنی متصدی مسئول سالم رساندن کالا به مقصد است و تقصیر وی باید اثبات شود.
(۳) در قانون مدنی متصدی امین است و در صورت تلف کالا، تقصیر وی باید ثابت شود تا مسئول قرار گیرد (تعهد به وسیله)، ولی در قانون تجارت متصدی مسئول سالم رساندن کالا به مقصد است (تعهد به نتیجه) و تنها اگر قوه قاهره را ثابت کند از مسئولیت معاف است.
(۴) در قانون تجارت متصدی امین است و تعهدش بر سالم رساندن کالا به مقصد است، ولی در صورت تلف کالا و هر صورت مسئول است.

کدام ۹- مسئولیت مدنی چیست؟

- (۱) یعنی این که هر شخصی نسبت به دیگران مسئول است.
(۲) منظور این است که هر مالکی مسئول نگهداری مال خویش است.
(۳) منظور این است که هزینه نگهداری هر مالی با مالک آن است.
(۴) یعنی ضمان فرد نسبت به خطایش

کدام ۱۰- ضمان فردی که در اثر اشتباه فردی دیگر در هویت دائن، مال را دریافت کرده کدام است؟

- (۱) ضمان قهری (۲) ضمان قراردادی (۳) ضمان طبیعی (۴) ضمان اخلاقی



فصل دوم

«غصب»

تست‌های تألیفی فصل دوم

کله مثال ۱: کدام یک از موارد زیر موضوع غصب قرار می‌گیرد؟

- (۱) اعیان اموال (۲) عین و منفعت (۳) عین اموال و حق (۴) عین، منفعت و حق

پاسخ: گزینه «۴» با این که ماده ۳۰۸ فقط عین و حق را آورده است، ولی همان طور که توضیح داده شد منفعت اموال نیز می‌تواند موضوع غصب قرار گیرد. ☒

کله مثال ۲: اگر عیبی که در زمان غصب ایجاد شده روبه‌فزون‌ی باشد و در تصرف مالک باعث فساد تمام آن مال شود، ضمان غاصب چگونه است؟

- (۱) غاصب ضامن قیمت مال است، بر این مبنا که در حکم تلف است.
(۲) غاصب باید علاوه بر رد عین، ارزش را نیز بدهد بدین گونه که هر چه عیب بیشتر شود ارزش نیز بیشتر می‌شود.
(۳) غاصب ضامن رد مال و ارزش عیبی است که در زمان غصب حاصل شده.
(۴) غاصب ضامن رد مال و ارزش عیبی است که در زمان پرداخت ارزش بوده است.

پاسخ: گزینه «۲» مشهور و بیشتر فقها نظر دوم را تأیید کرده‌اند، ولی این ضمان ناظر به موردی است که مالک نتواند از آثار آن عیب احتراز کند. ☒

کله مثال ۳: زمان توصیف مثلی بودن یا قیمی بودن مال برای پرداخت خسارت مالک در فرضی که مال هنگام غصب و یا تلف مثلی بوده و بعداً قیمی

شود چه زمانی است؟

- (۱) زمان غصب (۲) زمان تلف
(۳) زمان پرداخت (۴) زمان تغییر وضعیت مال از مثلی به قیمی

پاسخ: گزینه «۳» زمان توصیف مال هنگام پرداخت است. بنابراین اگر مال هنگام غصب یا تلف مثلی بوده، ولی هنگام پرداخت مثل آن یافت نشود، مال را باید قیمی به حساب آورد و غاصب در این صورت ضامن قیمت مال خواهد بود. ☒

کله مثال ۴: اگر مال مغضوب قیمی باشد و غاصب آن را تلف کند، قیمت چه زمانی مناط اعتبار است و غاصب باید قیمت چه زمانی را به مالک پرداخت کند؟

- (۱) قیمت زمان غصب (۲) قیمت زمان تلف (۳) قیمت زمان پرداخت (۴) بالاترین قیمت‌ها

پاسخ: گزینه «۳» از ظاهر قانون مدنی و اصول حقوقی این نتیجه بدست می‌آید که ملاک قیمت روز پرداخت است (همان یوم الادا). ☒

کله مثال ۵: ضمان غاصب در مورد منافع اموالی که اجاره ندارند مثل مرغ و درخت چگونه ارزیابی می‌شود؟

- (۱) ضمان غاصب محدود به منافع استیفا یا تلف شده است.
(۲) ضمان غاصب محدود به اجرت‌المثل انتفاعی است که متعارف است.
(۳) ضمان غاصب محدود به بالاترین اجرت‌المثل است.
(۴) ضمان غاصب محدود به همه‌ی منافع مال است.

پاسخ: گزینه «۱» غاصب باید اجرت‌المثل مال مغضوب را در زمان تصرف خود به مالک بدهد، مشروط بر این که در عرف اجاره‌ای برای آن منظور شده باشد. بنابراین در مورد اموالی که اجاره ندارند، ضمان غاصب محدود به منافع استیفا یا تلف شده است. ☒

کله مثال ۶: هرگاه مال مغضوب در دست یکی از غاصبان معیوب شود، تفاوت قیمت مال سالم و معیوب بر عهده‌ی کدام یک از غاصبین است؟

- (۱) همه غاصبین مسئول تفاوت قیمت مال مغضوب سالم و معیوب در مقابل مالک هستند.
(۲) کسانی که مال سالم را در دست داشتند مسئول تفاوت قیمت هستند.
(۳) کسانی که مال معیوب را در دست داشتند مسئول تفاوت قیمت هستند.
(۴) کسی که مال در دست او معیوب شده است مسئول تفاوت قیمت است.

پاسخ: گزینه «۲» ☒



مثال ۷: حسن و حسین و علی هر کدام به مدت یک ماه خانه‌ای را در تصرف غاصبانه داشته‌اند و اکنون مالک می‌خواهد برای گرفتن بدل منافع تلف شده به آنان رجوع کند، هر کدام چقدر مسئولیت دارند؟

(۱) هر کدام نسبت به منافع ۳ ماه در مقابل مالک ضامن هستند.

(۲) حسین برای ۲ ماه و حسن برای ۳ ماه و علی برای ۱ ماه مسئولیت دارد.

(۳) حسین برای ۱ ماه و حسن برای ۲ ماه و علی برای ۳ ماه مسئولیت دارد.

(۴) هر کدام به مدت ۱ ماه نسبت به منافع، در مقابل مالک ضامن هستند.

☒ پاسخ: گزینه «۲» همان‌طور که در ماده ۳۲۰ قانون مدنی آمده، هر یک از غاصبین به اندازه‌ی منافع زمان تصرف خود و ما بعد خود ضامن می‌باشد.

مثال ۸: در مورد منافع مال مغضوب مسئولیت غاصبین با یکدیگر و مسئولیت آن‌ها در مقابل مالک چگونه است؟

(۱) مسئولیت غاصبین با یکدیگر مسئولیت عینی، ولی در مقابل مالک مسئولیت جمعی دارند.

(۲) مسئولیت غاصبین با یکدیگر مسئولیت جمعی، ولی در مقابل مالک مسئولیت عینی دارند.

(۳) مسئولیت غاصبین هم با یکدیگر و هم در مقابل مالک مسئولیت جمعی است.

(۴) مسئولیت غاصبین هم با یکدیگر و هم در مقابل مالک مسئولیت عینی است.

☒ پاسخ: گزینه «۱» مطابق ماده ۳۲۰ قانون مدنی نسبت به منافع مال مغضوب هر یک از غاصبین به اندازه‌ی منافع زمان تصرف خود و ما بعد خود در مقابل مالک ضامن است. در واقع مسئولیت آن‌ها در مقابل مالک یک مسئولیت تضامنی یا جمعی است و مالک می‌تواند به هر کدام به اندازه‌ی تصرف او و ما بعد او رجوع کند، ولی در رابطه‌ی غاصبین با یکدیگر هر غاصبی به اندازه‌ی زمان تصرف خود در مقابل غاصبی که از عهده‌ی منافع مال مغضوب برآمده است، مسئول می‌باشد و قسمت اخیر ماده ۳۲۰ قانون مدنی می‌گوید غاصبی که از عهده‌ی منافع زمان تصرف غاصبین لاحق خود برآمده می‌تواند به هر یک «نسبت به زمان تصرف او» رجوع کند. در نتیجه هر غاصبی مسئولیت عینی در مقابل غاصب دیگر دارد نه مسئولیت جمعی و تضامنی.



آزمون فصل دوم

که ۱- کدام یک از موارد ذیل غصب است؟

- (۱) قطع سلطه مالک بر مال و تصرف و استیلا بر غیرمالک بر مال
(۲) قطع سلطه مالک بر مال و تصرف و استیلا بر مال
(۳) قطع سلطه مالک بدون تصرف و استیلا بر مال
(۴) ایجاد مزاحمت برای مالک در انتفاع

که ۲- در ارتباط با ضمان غاصب، کدام یک از موارد ذیل صحیح است؟

- (۱) غاصب در رد عین مغضوبه یا مثل یا قیمت آن ضامن است.
(۲) مالک در پذیرش عین مغضوبه یا مثل یا قیمت آن ضامن است.
(۳) غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صاحب آن رد نماید و اگر عین تلف شده باشد، باید بعداً قیمت در صورت تعذر مثل آن را بدهد.
(۴) غاصب باید عین مال مغضوب را رد نماید و اگر عین تلف شده باشد، بعداً مثل و در صورت تعذر قیمت مال مغضوب را بدهد.

که ۳- اگر کسی مقداری گندم غصبی را در زمین غصبی بکارد و با آب غصبی آبیاری کند، محصول به چه کسی تعلق دارد؟

- (۱) صاحب زمین
(۲) صاحب آب
(۳) مشترکاً صاحب آب و زمین
(۴) صاحب گندم

که ۴- مالی را که به جای مال مغضوب برای مالک به وی می‌دهند، نام دارد.

- (۱) تصرف مجانی - مباحات
(۲) جبران خسارت - بدل حیلولة
(۳) انتفاع - بدل
(۴) جبران خسارت - بدل

که ۵- علی موجب تلف ساعت حسن می‌شود که سابقاً غصب کرده، در مقام جبران خسارت با تلاش فراوان نمونه و مثل آن پیدا نمی‌شود، حال علی باید چه کند؟

- (۱) قیمتی را که کارشناس تعیین می‌کند بدهد.
(۲) بالاترین قیمت از زمان غصب تا تلف را بدهد.
(۳) قیمت روز پرداخت را بدهد.
(۴) بالاترین قیمت از زمان تلف تا روز پرداخت را بدهد.

که ۶- اگر فردی مالی از فرد دیگر غصب کند که مثلی بوده، مثل آن موجود ولی از مالیت خارج شده باشد، ضمان غاصب را تعیین کنید.

- (۱) ضمان غاصب به رد مثل مالی است.
(۲) ضمان غاصب به رد مال به همراه ارزش از قیمت افتادن مال است.
(۳) ضمان غاصب به پرداخت قیمت زمان ادا است.
(۴) باید آخرین قیمت را بدهد.

که ۷- غاصب نسبت به زیادتی که به وسیله عملش در عین مغضوب حاصل شده، چه حقی دارد؟

- (۱) اگر زیادتی عین مستقل باشد، آن عین مال غاصب است.
(۲) هیچ حقی ندارد.
(۳) اگر نسبت به زیادتی مطلقاً حق دارد.
(۴) نسبت به زیادتی که عین مستقل نیست، فقط با پرداخت اجرت‌المثل به مالک حق دارد.

که ۸- در مورد ضمان خریدار جاهل به غصب؛ کدام مورد صحیح است؟

- (۱) در صورتی که ثابت کند جاهل بوده مسئولیت ندارد.
(۲) در صورتی که تلف به اثر قوه قاهره بوده مسئولیت ندارد.
(۳) در هر حال ضامن است.
(۴) در صورت تعدی و تفریط ضامن است.

که ۹- خریدار جاهل به غصب در اثر رجوع مالک مجبور به رد مال شده است، نسبت به چه چیز می‌تواند به غاصب رجوع کند؟

- (۱) فقط ثمن معامله
(۲) ثمن معامله به علاوه خسارات
(۳) فقط خسارات
(۴) قیمت بیع در زمان معامله

که ۱۰- ابراء ذمه یکی از غاصبین نسبت به منافع زمان تصرف او، موجب ابراء ذمه دیگران از حصه آن‌ها ، لیکن اگر یکی از غاصبین را نسبت به منافع عین ابراء کند، حق رجوع به لاحقین

- (۱) نخواهد بود - نخواهد داشت
(۲) نخواهد بود - خواهد داشت
(۳) خواهد بود - نخواهد داشت
(۴) خواهد بود - خواهد داشت



فصل سوم

«استیفا، ایفای ناروا و اداره فضولی»

تست‌های تألیفی فصل سوم

کلمه مثال ۱: کدام یک از گزینه‌های زیر درست است؟

- (۱) در صورتی که عمل عامل در عرف اجرتی نداشته باشد، ولی او به امر آمر این عمل را انجام دهد، مستحق اجرت‌المثل است.
- (۲) در صورتی که عمل عامل در عرف اجرتی نداشته، ولی عامل عادتاً خود را مهیای عمل کرده باشد، مستحق اجرت‌المثل است.
- (۳) در صورتی که عمل عامل در عرف اجرتی نداشته، ولی عامل بدون اذن آمر این عمل را انجام دهد، مستحق اجرت‌المثل است.
- (۴) در صورتی که عمل عامل در عرف اجرتی نداشته، ولی عامل به قصد تبرع این عمل را انجام دهد، باز مستحق اجرت‌المثل است.

پاسخ: گزینه «۲» گفتیم که عامل در صورتی مستحق اجرت‌المثل است که عمل خود را به امر آمر انجام دهد و این که عمل عامل در عرف اجرتی داشته باشد ولی اگر عمل در عرف اجرتی نداشته باشد، عامل خود را عادتاً مهیای این عمل کرده باشد یعنی به قصد دریافت دستمزد این عمل را انجام دهد، مستحق اجرت‌المثل خواهد بود. ماده ۳۳۶ قانون مدنی در بیان اوصاف کار مورد استیفا می‌گوید: «که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مهیای آن عمل باشد ...».

کلمه مثال ۲: در کدام یک از موارد زیر الزام به پرداخت اجرت‌المثل وجود ندارد؟

- (۱) اگر تراضی برای ایجاد تعهد ناقص باشد، مانند این که چگونگی کار عامل معلوم نباشد.
- (۲) اگر تراضی به درستی صورت نگیرد، مانند این که آمر به اکراه دیگری را به کاری وا دارد.
- (۳) اگر قانون تراضی را مؤثر نداند مانند تبانی برای تعمیر مال غیر
- (۴) اگر تراضی برای انجام کار نامشروع باشد، مانند این که آمر به دیگری دستور دهد که شخصی را زندانی کند.

پاسخ: گزینه «۴» آنچه که در تحقق شرایط استیفا و الزام به پرداخت اجرت‌المثل در نتیجه آن، اهمیت دارد، «استیفا» و استفاده کردن و منتفع شدن از کار یا عمل دیگری است، خواه استفاده مادی و به صورت افزودن به دارایی باشد یا معنوی و نتیجه‌ی انجام خواسته‌های آمر. در نتیجه در تمام مثال‌هایی که در گزینه‌ها آمده است «استیفا» از عمل غیر تحقق می‌یابد و همان‌طور که گفتیم استیفا از اسباب ضمان قهری است نه قراردادی، در نتیجه لازم نیست تمام شرایطی که برای تحقق قرارداد لازم است در ضمان قهری هم موجود باشد. با وجود این باید توجه داشت که الزام به پرداخت اجرت‌المثل ویژه‌ی کاری است که مشروع و مباح باشد.

کلمه مثال ۳: کدام یک از موارد زیر مشمول قاعده‌ی استیفا نمی‌شود و در نتیجه اجرت‌المثل لازم نیست پرداخت گردد؟

- (۱) شخصی به مالک دستور می‌دهد که مال خود را وقف کند.
- (۲) مسافری در کشتی از دیگری می‌خواهد که اموال خود را به دریا بریزد.
- (۳) شاگردی با اذن استاد کار در کلاس او حاضر می‌شود و تعلیمات او را می‌آموزد.
- (۴) مستأجری برای استفاده‌ی بهتر اتاق‌ها را رنگ می‌کند ولی در اثنای مدت اجاره فسخ می‌شود.

پاسخ: گزینه «۴» در گزینه‌های ۱ تا ۳ در واقع مفاد مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ قانون مدنی با هم منطبق شده است. همان‌طور که گفته شده ماده ۳۳۶ در استیفاء از عمل غیر و ماده ۳۳۷ در استیفاء از مال غیر است. ولی هیچ مانعی ندارد که تصرف در اموال غیر (گزینه ۱ و ۲) برحسب امر دیگری (نه اذن مالک) انجام شود و استفاده از عمل غیر (گزینه ۳) با اذن دیگری (نه امر آمر) صورت پذیرد و سبب الزام گردد. ولی گزینه ۴ همان‌طور که در مورد «کاستن از دارایی دیگری» در بحث استیفاء نامشروع توضیح داده شده، اگر خواهان اقدامی برای حفظ منافع خود بکند و از آن اقدام موردی به دیگران برسد، نمی‌تواند آن را به عنوان «استفاده‌ی بدون جهت» مطالبه کند.



❏ مثال ۴: کدام یک از موارد زیر «ایفای ناروا» محسوب می‌شود؟

- (۱) کسی که پولی را به عنوان قرض یا امانت به دیگری بدهد.
- (۲) پرداخت دین پیش از سر رسید دین
- (۳) هرگاه کسی به پندار وجود دین خدمتی به دیگری انجام دهد، برای گرفتن عوض آن خدمت.
- (۴) هرگاه مدیون همه‌ی دینی را که تنها بخشی از آن بر عهده‌ی اوست بپردازد.

❏ پاسخ: گزینه «۴» در مورد گزینه‌ی «۱» تسلیم مال باید به عنوان وفای به عهد باشد، یعنی پرداخت‌کننده‌ی دین یا مال باید تصور کند که وفای به عهد می‌کند یعنی فکر کند که دینی به دریافت‌کننده دارد و آن دین را پرداخت می‌کند تا ایفای ناروا تحقق یابد. گزینه‌ی «۳» همان‌طور که در مورد شرایط تحقق ایفای ناروا گفتیم ایفای ناروا، باید تسلیم مال باشد نه انجام عمل یا خدمت. گزینه‌ی «۲» در شرایط تحقق ایفای ناروا گفتیم که یکی از شرایط عدم وجود دین است ولی در دین مؤجل (دینی که حال نیست) صرفاً این دین به تأخیر افتاده است ولی در مورد گزینه‌ی «۴» پرداخت نسبت به میزان زاید بر دین «ایفای ناروا» است و پرداخت‌کننده می‌تواند آن را پس بگیرد.

❏ مثال ۵: در پرداخت دینی که مشمول مرور زمان شده است، کدام یک از موارد زیر ایفای ناروا محسوب می‌شود؟

- (۱) در مورد اشتباه نسبت به قابل مطالبه نبودن دین مشمول مرور زمان
- (۲) در مورد جهل نسبت به قابل مطالبه نبودن دین مشمول مرور زمان
- (۳) در موردی که مدیون تصور کند دین مشمول مرور زمان نیست و دین حقوقی است.
- (۴) در موردی که مدیون به وسیله صدور اجرائیه دین مشمول مرور زمان، مجبور به پرداخت می‌شود.

❏ پاسخ: گزینه «۴» در مرور زمان نیز مانند دیون طبیعی، به استناد جهل به قابل مطالبه نبودن دین و پندار وجود دین حقوقی، نمی‌توان دین پرداخت شده را بازستاند. قانون مدنی شرط عدم استماع دعوی استرداد پرداخت دیون طبیعی را، پرداخت از روی میل عنوان می‌کند (ماده ۲۶۶ قانون مدنی) ولی در مواردی که پرداخت از روی اجبار صورت می‌گیرد حتی در مواردی که اجبار مشروع است مثل مثال گزینه‌ی ۴ باز هم پرداخت از روی میل صورت نگرفته است و ایفای ناروا محسوب می‌شود و دعوی استرداد مسموع است.

❏ مثال ۶: در صورتی که موضوع پرداخت در ایفای ناروا مقداری پول باشد که به حساب گیرنده ریخته شده است، گیرنده ملزم است چه چیزی را به صاحب پول بازگرداند؟

- (۱) باید عین مال را به مالک پول بازگرداند.
- (۲) باید مثل مال را به مالک پول بازگرداند.
- (۳) باید معادل مال (پول) را به مالک بازگرداند.
- (۴) باید بدل مال (پول) را به مالک بازگرداند.

❏ پاسخ: گزینه «۳» در این مثال، گیرنده بایستی معادل پول را بازگرداند. همچنین است در تمام مواردی که ارزش مورد انتقال در عین خاصی تجسم نمی‌یابد. یعنی ارزش هزار تومان در خود هزار تومانی نیست و فرقی نمی‌کند که گیرنده موقع بازگرداندن دو تا پانصد تومانی به پرداخت‌کننده بدهد بنابراین ملزم نیست که حتماً عین پولی را که گرفته است یا مثل آن مثلاً هزار تومانی دیگر مثل هزار تومانی که گرفته است پرداخت کند، بلکه باید معادل آن که می‌تواند پنج تا دویست تومانی هم باشد به پرداخت‌کننده بازگرداند.

❏ مثال ۷: در صورتی که مال موضوع ایفای ناروا در دست گیرنده‌ی مال ناآگاه به عدم استحقاق خود و با حسن نیت، تلف شود چه کسی مسئول است؟

- (۱) در صورتی که تلف در اثر حوادث قهری و قوه‌ی قاهره باشد، پرداخت‌کننده به اشتباه مسئول است.
- (۲) در صورتی که تلف در اثر تقصیر گیرنده‌ی مال باشد، گیرنده‌ی ناآگاه مسئول تلف است.
- (۳) در هر صورت پرداخت‌کننده‌ی به اشتباه مسئول است و گیرنده‌ی ناآگاه و با حسن نیت مسئولیتی ندارد.
- (۴) در هر صورت گیرنده‌ی مال غیر هر چند با حسن نیت باشد، مسئول تلف مال است.

❏ پاسخ: گزینه «۴» مفاد قواعد حاکم بر ضمان قهری و ماده ۳۰۳ قانون مدنی نشان می‌دهد که ضمان گیرنده مال غیر، مطلق است و حتی در مواردی که حوادث قهری و دور از انتظار باعث تلف عین می‌شود وجود دارد و گیرنده همچنان در گرو ید نامشروعی است که بر مال غیر پیدا کرده است، حتی اگر در این راه ناآگاه باشد.



که مثال ۸: در صورتی که عین یا منافع مال موضوع «ایفای ناروا» به دیگری منتقل شود، یعنی گیرنده‌ی مال غیر آن را به دیگری انتقال دهد، کدام یک از موارد زیر غلط می‌باشد؟

- (۱) مالک می‌تواند به متصرف جدید (خریدار و رجوع کند و مال خود را از او بگیرد.
 - (۲) مالک می‌تواند معامله‌ی فضولی را تنفیذ کند و عوض معامله را از گیرنده‌ی مال خود بگیرد.
 - (۳) اگر گیرنده با علم به غاصبانه بودن ید خود آن را بفروشد، مالک نمی‌تواند معامله‌ی فضولی را تنفیذ کند.
 - (۴) مالک می‌تواند عین مال خود را از گیرنده‌ی مال، درخواست کند.
- پاسخ:** گزینه «۳» در این فرض مالک می‌تواند یکی از دو راه را انتخاب کند: ۱- با استفاده از حق عینی خود به متصرف جدید رجوع کند و مال خود را از او بگیرد. ۲- با تنفیذ معامله‌ی فضولی که بر عین مال او انجام شده است، عوض معامله را بخواهد و فرقی نمی‌کند که فصول به غاصبانه بودن ید خود آگاه باشد یا نباشد، در هر صورت مالک می‌تواند معامله را تنفیذ یا فسخ کند.

که مثال ۹: کدام یک از شرایط زیر برای تحقق «اداره‌ی فضولی مال غیر»، ضروری نمی‌باشد؟

- (۱) دخالت فضولی در اموال دیگران و لزوم تنفیذ این دخالت توسط مالک (۲) دخالت به قصد احسان و حفظ منافع مالک باشد.
 - (۳) مالک ناتوان از اداره‌ی مال خود باشد.
 - (۴) دخالت برای جلوگیری از ضرر صاحب مال باشد.
- پاسخ:** گزینه «۱» شرایط تحقق اداره فضولی ۴ تا است که عبارتند از: ۱- دخالت فصول در اموال دیگران ۲- دخالت به قصد احسان و حفظ منافع مالک ۳- ناتوانی مالک از اداره ۴- ضرورت دخالت برای جلوگیری از ضرر صاحب مال که در زیر هر کدام به طور جداگانه بحث و بررسی می‌شوند.

که مثال ۱۰: کدام یک از موارد زیر مشمول قاعده‌ی «اداره‌ی فضولی مال غیر» نمی‌شود و در نتیجه اداره‌ی کننده‌ی فضولی نمی‌تواند هزینه‌های خرج کرده را از مالک مال دریافت کند؟

- (۱) هرگاه شوهری خانواده‌ی خود را بی‌سرپرست رها کند و اعلام کند که هیچ کس حق ندارد به آنان نفقه بدهد، ولی فردی به خانواده‌ی او نفقه بدهد.
 - (۲) شریکی برای حفظ مال مشاع آن را اداره یا تعمیر می‌کند.
 - (۳) مستأجری برای استفاده‌ی بهتر از مورد اجاره به تعمیراتی در عین مستأجره در غیاب مؤجر می‌پردازد.
 - (۴) وکیلی از حدود اختیارات خود خارج شود، در بخش مورد تجاوز به اداره‌ی اموال موکل خود بپردازد.
- پاسخ:** گزینه «۳» گفتیم که اگر مالک با دخالت دیگران در اموال خود مخالفت کند، در این صورت اداره‌ی فضولی مال غیر تحقق پیدا نمی‌کند، چون کار فضولی در این صورت به سود مالک نیست و قصد احسان در آن وجود ندارد ولی اگر مخالفت با دخالت دیگران مستلزم امری نامشروع باشد، مانع از تحقق نهاد اداره‌ی فضولی نیست، همچنان که در گزینه‌ی ۱ آمده است، در نتیجه‌ی اعلام این فرد مانع از رجوع کسی که نفقه را پرداخته است به او نیست. همچنین قصد خدمت به دیگران منافاتی با داشتن نفع شخص در اداره‌ی فضولی ندارد گزینه «۲» ولی اگر این نفع شخص بیشتر از نفع غیر و غیرخواهی و حسن نیت باشد و انگیزه‌ی خودخواهی و حفظ منافع شخصی به طور کامل بتواند اداره کامل را توجیه کند، دیگر اقدام او تابع قواعد اداره‌ی فضولی نیست. - مواردی که بر حسن نیت مدیر فضولی تأثیر می‌گذارند: ۱- اشتباه ۲- اکراه ۳- حجر
- اشتباه:** ممکن است اداره‌ی مال غیر در نتیجه‌ی اشتباه صورت گیرد، ولی تأثیر اشتباه در قصد شخص اداره‌کننده مال غیر، می‌تواند فروض مختلفی داشته باشد که احکام متفاوتی دارند.

که مثال ۱۱: اثر «اشتباه» در کدام یک از موارد زیر مانع از تحقق «اداره‌ی فضولی مال غیر» می‌شود؟

- (۱) اداره‌کننده‌ی مال غیر گمان می‌کند که وکیل مالک است در حالی که وکالت ندارد.
 - (۲) اداره‌کننده مال غیر گمان می‌کند که مال به A تعلق دارد در حالی که مال به B تعلق دارد.
 - (۳) دلیل اصلی و علت عمده‌ی اداره‌ی مال غیر توسط مدیر این است که مال به A تعلق دارد در حالیکه مال به B تعلق دارد.
 - (۴) اداره‌کننده مال غیر تصور می‌کند که مال متعلق به خودش است در حالی که مال متعلق به B است.
- پاسخ:** گزینه «۴» فروض مختلف اثر اشتباه در اداره مال غیر: ۱- اداره‌کننده تصور می‌کند که وکیل مالک است در حالی که از طرف وکالت ندارد ← این اشتباه تأثیری در اداره‌ی فضولی مال غیر ندارد زیرا قصد مدیر، اداره کردن مال برای مالک است و عناصر لازم برای تحقق اداره‌ی فضولی جمع است. ۲- اشتباه در هویت مالک: این اشتباه نیز تأثیری در تحقق نهاد حقوقی ندارد زیرا مدیر، در هر حال به اداره‌ی فضولی مال غیر اقدام کرده است. اداره‌ی فضولی در شمار اعمال حقوقی نیست تا اشتباه در شخص طرف حتی اگر علت عمده باشد در نفوذ آن تأثیر بگذارد، بلکه واقعاً حقوقی است به همین جهت لزومی ندارد که مدیر فضولی مالک را بشناسد یا نه. ولی در فرضی که مدیر گمان می‌کند که مال خود را اداره می‌کند در حالی که مال غیر را اداره می‌کند، این عمل اشتباه آمیز را نباید در شمار احکام تابع اداره‌ی فضولی شمرد چرا که قصد احسان در این عمل وجود ندارد.



مثال ۱۲: صغیر غیر ممیزی اقدام به اداری اموال صغیر ممیز دیگری برای جلوگیری از ضرر می‌کند. در این صورت اقدام او تابع کدام یک از موارد زیر است؟

- (۱) اداری فضولی مالی غیر (۲) ایفای ناروا (۳) غصب (۴) استیفا

پاسخ: گزینه «۴» گفتیم که یکی از شرایط تحقق اداری فضولی مال غیر، داشتن قصد احسان و حفظ منافع مالک است و در اداری فضولی هر چند که اهلیت شرط نیست ولی حداقل باید قوه‌ی تمیز و اراده در مدیر فضولی باشد تا بتوان گفت قصد احسان داشته است. بنابراین اگر صغیر غیر ممیز یا دیوانه ندانسته به اداری اموال دیگری دست زند، اقدام او تابع اداری فضولی نیست و تنها بر مبنای استیفا می‌توان به مالک رجوع کرد.

مثال ۱۳: در چه صورتی مدیر فضولی مال غیر می‌تواند مالک را ملزم به پرداخت هزینه‌ها و مخارج انجام شده بکند؟

- (۱) دخالت در دارایی دیگران به منظور جلب منفعت برای مالک باشد و امکان تحصیل اجازه هم نباشد.
(۲) دخالت در دارایی دیگران برای دفع ضرر مالک لازم باشد، ولی با وجود امکان تحصیل اجازه، اجازه تحصیل نکند.
(۳) دخالت در دارایی دیگران به منظور دفع ضرر مالک باشد.
(۴) دخالت در دارایی دیگران به منظور دفع ضرر مالک باشد و امکان تحصیل اجازه نباشد.

پاسخ: گزینه «۴» همان طور که گفتیم شرط چهارم برای اداری فضولی فروش اداری است، برای احراز ضرورت اداری ۲ شرط باید با همدیگر جمع شوند: ۱- عدم امکان تحصیل اجازه: حتی اگر اقدام مدیر برای دفع ضرر مالک باشد ولی او با وجود امکان تحصیل اجازه، آن را تحصیل نکند، حقی در گرفتن مخارج ندارد. ۲- دفع ضرر: دخالت در دارایی دیگران باید به منظور دفع ضرر باشد نه جلب منفعت. بنابراین کافی نیست که اقدام مدیر مفید به حال مالک باشد باید به موجب ماده ۳۰۶: «... عدم دخالت یا تأخیر در دخالت موجب ضرر صاحب مال باشد».

مثال ۱۴: کدام یک از موارد زیر مشمول اداری فضولی مال غیر نمی‌شود؟

- (۱) هزینه‌های مربوط به غذا و مسکن و ... مجروحان حادثه‌ای که صاحب مهمانسرای به سفارش پزشک آن‌ها را در مهمانسرا پذیرا شده است (در گرفتن هزینه‌ها از مجروحان)
(۲) شخصی که به قصد احسان بر اسب رمیده‌ای بجهد و دچار حادثه شود، در خسارت گرفتن از مالک آن است.
(۳) زنی برای نجات شوهر خود از اسارت بیگانگان اجیری استخدام نماید، در گرفتن اجرت آن از شوهر.
(۴) شخصی دین مدیونی را که آگاه بر حال شدن دین خود است برای جلوگیری از زیان‌های ناشی از واخواست بپردازد.

پاسخ: گزینه «۴» گفتیم که یکی از شرایط تحقق اداری فضولی مال غیر، عدم امکان تحصیل اجازه است. بنابراین اگر مدیر بتواند از مالک یا نماینده‌ی او به موقع اذن بگیرد ولی این کار را نکند، حقی در گرفتن مخارج ندارد هر چند که اقدام او برای دفع ضرر لازم است. در مورد گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳ باید گفت که این موارد مربوط به اداری فضولی در امور غیر مالی می‌شود. مبنای حکم ماده ۳۰۶ قانون مدنی تقویت همبستگی اجتماعی و تشویق مردم به یاری کردن به همدیگر است و این که پاداش نیکی را باید به نیکی داد و این مبنا در امور غیر مالی نیز وجود دارد؛ چرا که اگر سود مالی رساندن، پاداش نیکی دارد، به طریق اولی سود غیر مالی رساندن و حفظ جان و آزادی و شرافت نیز باید مورد حمایت قرار گیرد.

مثال ۱۵: شخصی برای تعمیر بام خانه‌ی همسایه‌ی غایب خود با معماری قرارداد می‌بندد، دستمزد معمار بر عهده‌ی کیست؟

- (۱) در صورتی که قرارداد به نام مدیر فضولی بسته شود، خودش مسئول است هر چند که به حساب همسایه‌ی خود منعقد کرده باشد.
(۲) در صورتی که قرارداد به حساب همسایه بسته شود، همسایه مسئول است هر چند که به نام مدیر فضولی منعقد شده باشد.
(۳) تنها در صورتی که قرارداد به نام مدیر فضولی و به حساب او بسته شود، مدیر فضولی مسئول است.
(۴) حتی در صورتی که قرارداد به نام و به حساب مدیر فضولی منعقد شده است، باز همسایه مسئول پرداخت دستمزد معمار است.

پاسخ: گزینه «۱» همان طور که در بالا توضیح داده شد، در صورتی که مدیر به نام خود با دیگران قرارداد می‌بندد خودش مسئول تعهدات ناشی از آن می‌باشد هر چند به حساب مالک باشد و رابطه‌ی او با همسایه‌ی غایب هر چه باشد در نفوذ پیمان با معمار اثر ندارد.

مثال ۱۶: برای ایجاد الزام مالک به پرداخت هزینه‌های مدیر فضولی چه شرایطی لازم است؟

- (۱) تمام هزینه‌هایی که مدیر فضولی خرج کرده، ولی در صورتی که اداری فضولی ضرورت داشته باشد.
(۲) تمام هزینه‌هایی که مدیر فضولی برای اداری مال غیر خرج کرده است.
(۳) هزینه‌های ضروری که مدیر فضولی خرج کرده، برای اداری مال غیر
(۴) هزینه‌های ضروری که مدیر فضولی خرج کرده، ولی در صورتی که اداری فضولی ضرورت داشته باشد.

پاسخ: گزینه «۴» برای ایجاد الزام مالک به پرداخت هزینه‌هایی که مدیر فضولی خرج کرده است دو شرط لازم است: ۱- باید معلوم شود که اداری فضولی ضرورت داشته است. ۲- صرف هزینه‌ها ضرورت داشته است. احتمال دارد اداری فضولی ضرورت داشته باشد، ولی مدیر فضولی هزینه‌های بی‌فایده و گزاف خرج کند، در این صورت فقط می‌تواند هزینه‌های ضروری را از مالک بخواهد.



آزمون فصل سوم

۱- در ارتباط با ایفای ناروا کدام گزینه غلط است؟

- (۱) ایفای ناروا، پرداخت مالی به دائن بر اثر اکراه است.
- (۲) ایفای ناروا یعنی این که شخصی که به دیگری مدیون نیست، اشتبهاً مالی به وی دهد.
- (۳) گیرنده مال در ایفای ناروا خواه عالم باشد و یا جاهل مانند غاصب است و ضمان به رد مال دارد.
- (۴) گیرنده جاهل می‌تواند هزینه‌های حفظ مال را از مالک بگیرد.

۲- در ارتباط با اداره مال غیر کدام مورد غلط است؟

- (۱) مدیر (اداره کننده) اگر اذن اداره داشته، می‌تواند مطالبه مخارج کند.
- (۲) در صورت تأخیر در دخالت و اداره که موجب تضرر مالک می‌شده، مدیر می‌تواند مطالبه مخارج کند.
- (۳) در صورتی که تأخیر در دخالت موجب تضرر مالک می‌شده و اخذ اذن نیز مقدور نبوده، مدیر می‌تواند مطالبه مخارج کند.
- (۴) اداره مال غیر شامل امور غیرمالی نیز می‌شود.

۳- شبه عقد را تعریف کنید.

- (۱) توافقی میان طرفین است که فاقد اسم خاص در قانون است.
- (۲) ایجابی است که قبول به آن ملحق نشده است.
- (۳) عملی ارادی و مشروع است که بی‌آنکه اعلام و توافق و اراده در میان باشد، تعهد ایجاد می‌کند.
- (۴) همان قراردادهای خصوصی موضوع ماده ۱۰ قانون مدنی است.

۴- هرگاه کسی چمدان و وسایل خود را به یکی از متصدیان حمل بار در راه آهن بسپارد، در چه صورت باید اجرت بدهد؟

- (۱) در صورت مطالبه متصدی
- (۲) در صورتی که برای آن کار عرفاً اجرت بگیرند.
- (۳) چون متصدی حمل بار در راه آهن عرفاً در قبال حمل بار کرایه می‌گیرند، باید اجرت آن را بدهد.
- (۴) نباید اجرت بدهد.

۵- ماهیت حقوقی «استیفا» کدام است؟

- (۱) عقد
- (۲) شبه عقد
- (۳) ضمان قهری
- (۴) ایقاع

۶- شرط استفاده بلاجهت کدام است؟

- (۱) افزایش دارایی یکی
- (۲) فقدان سبب تملک
- (۳) اکل مال به باطل
- (۴) کاهش دارایی دیگری

۷- احد با اذن از اتومبیل حسین در ایامی که حسین در مسافرت به سر می‌برده است استفاده می‌کند، حال حسین مستحق اجرت:

- (۱) نیست
- (۲) هست، مگر این که اذنش در اشاع مجانی بوده باشد.
- (۳) در هر صورت هست.
- (۴) نیست، مگر این که مورد اذن اشاع با اجرت بوده باشد.

۸- الف از ب درخواست انجام کاری را می‌کند که عرفاً بلااجرت است، در چه صورتی ب می‌تواند مطالبه اجرت کند.

- (۱) در هیچ صورت ب نمی‌تواند مطالبه اجرت کنند.
- (۲) در صورتی که الف قصد تبرع نداشته باشد.
- (۳) در صورتی که الف قصد پرداخت اجرت داشته باشد.
- (۴) در صورتی که ب عادتاً مهربانی انجام آن کار بوده باشد.

۹- کدام یک از گزینه‌های ذیل از شرایط تحقق استیفا ناروا از عمل دیگری نیست؟

- (۱) امر به اقدام از ناحیه آمر
- (۲) انجام کار توسط مأمور
- (۳) اجرت داشتن کار در عرف
- (۴) عدم قصد تبرع آمر

۱۰- کدام یک از موارد ذیل مشمول استفاده بلاجهت است؟

- (۱) شخصی که در اثر اشتباه مدیون در شناخت دائن مالی را بگیرد.
- (۲) شخصی که از کار دیگری سود ببرد، بدون اذن و بدون پرداخت اجرت
- (۳) شخصی که از مال دیگری استفاده کند، بدون اذن و بدون پرداخت اجرت.
- (۴) همه موارد



پاسخنامه آزمون‌ها وقایع حقوقی

فصل اول: وقایع حقوق - مسئولیت مدنی و آثار مسئولیت مدنی

۱- گزینه «۲»	۲- گزینه «۲»	۳- گزینه «۲»	۴- گزینه «۴»	۵- گزینه «۴»
۶- گزینه «۳»	۷- گزینه «۴»	۸- گزینه «۳»	۹- گزینه «۴»	۱۰- گزینه «۱»

فصل دوم: غصب

۱- گزینه «۱»	۲- گزینه «۴»	۳- گزینه «۴»	۴- گزینه «۲»	۵- گزینه «۳»
۶- گزینه «۴»	۷- گزینه «۱»	۸- گزینه «۳»	۹- گزینه «۲»	۱۰- گزینه «۱»

فصل سوم: استیفاء، ایفاء ناروا و اداره فضولی

۱- گزینه «۴»	۲- گزینه «۲»	۳- گزینه «۳»	۴- گزینه «۳»	۵- گزینه «۳»
۶- گزینه «۲»	۷- گزینه «۲»	۸- گزینه «۴»	۹- گزینه «۴»	۱۰- گزینه «۴»



عقود معین ۱



فصل اول

«بیع»

تست‌های تألیفی فصل اول

❏ مثال ۱: تفاوت اساسی بیع با معاوضه در چیست؟

(۱) بیع مبادله کالا با کالا و معاوضه مبادله پول با کالا به لحاظ عرفی است.

(۲) بیع مبادله کالا با پول و معاوضه مبادله کالا با کالا به لحاظ عرفی است.

(۳) به لحاظ قانونی تفاوتی ندارد.

(۴) گزینه ۲ و ۳

❏ پاسخ: گزینه «۴» از لحاظ قانونی بیع و معاوضه مطابق قانون مدنی چندان تفاوتی ندارند، اما عرف می‌گوید آن‌چه که با پول مبادله می‌شود، عقد بیع و آن‌چه که با کالا مبادله می‌شود معاوضه است.

❏ مثال ۲: بیع از منظر قانون مدنی عبارت است از:

(۱) انتفاع و اباحه‌ی انتفاع، عین به عوض معلوم

(۲) اباحه‌ی عین به عوض معلوم

(۳) تملیک عین به منفعت معلوم

(۴) تملیک عین به عوض معلوم

❏ پاسخ: گزینه «۴» ماده ۳۳۸ قانون مدنی تملیک عین به عوض معلوم را بیع می‌داند.

❏ مثال ۳: تفاوت اصلی اجاره با بیع چیست؟

(۱) اجاره مدت دارد، ولی بیع مدت ندارد.

(۲) در بیع به طرفین عقد بایع و مشتری می‌گوییم، اما در اجاره به طرفین عقد موجر و مستأجر می‌گوییم.

(۳) در بیع خریدار مالک عین می‌شود، اما در اجاره حق بهره‌برداری از عین را دارد.

(۴) در بیع خریدار مالک عین می‌شود، اما در اجاره مالکیت منفعت به مستأجر منتقل می‌شود.

❏ پاسخ: گزینه «۴» بیع تملیک عین به عوض معلوم است، اما اجاره تملیک منفعت به عوض معلوم.

❏ مثال ۴: کدام گزینه صحیح است؟

(۱) خیار غبن از احکام خاصه‌ی عقد بیع است و در معاوضه راه ندارد.

(۲) از آن‌جا که بیع و اجاره دو عقد معوض هستند، می‌توان گفت دارای مفهوم واحدی می‌باشند.

(۳) قاعده‌ی تلف مبیع قبل از قبض در معاوضه نیز اجرا می‌شود.

(۴) هیچ‌کدام

❏ پاسخ: گزینه «۳» خیار غبن و قاعده‌ی تلف مبیع قبل از قبض از مواردی هستند که در بیع و معاوضه مشترکاً وجود دارند.

❏ مثال ۵: الف مالی را به ب قرض داده است. قرض گیرنده ورشکسته شده ولی آن مال نزد او موجود است. در این حالت قرض‌دهنده می‌تواند عقد قرض را فسخ کند و مال را مسترد نماید.

(۱) قرض‌دهنده بر سایر غرما تقدم دارد و مال را پس می‌گیرد.

(۲) داخل در غرما می‌شود و به نسبت، دین خود را وصول می‌کند.

(۳) چون قرض عقد تملیکی است، قرض‌دهنده مشمول قاعده اقدام می‌شود و پس از تسویه حساب غرما می‌تواند سهم خود را بگیرد.

❏ پاسخ: گزینه «۱» زیرا این مسئله مشمول خیار تفلیس که در ماده ۳۸۰ قانون مدنی آمده می‌شود و چون عقد قرض عقدی لازم است، قرض‌دهنده می‌تواند عقد را فسخ کند و مال را پس بگیرد.



که مثال ۶: تفاوت بیع با صلح عبارت است از:

- (۱) بیع عقدی مسامحه‌ای اما صلح عقدی مغایه‌ای است.
(۲) بیع عقدی معوض، اما صلح عقدی غیرمعوض است.
(۳) صلح در مقام بیع، آثار و شرایط بیع را به همراه ندارد.
(۴) گزینه ۱ و ۲

پاسخ: گزینه «۳» بیع عقدی مغایه‌ای و صلح عقدی مسامحه‌ای است و هر دو عقدی معوض هستند اما صلح در مقام بیع آثار بیع ندارد. ☒

که مثال ۷: بیع عقدی است

- (۱) تملیکی - معوض - لازم
(۲) عهدی - معوض - لازم
(۳) تملیکی - غیرمعوض - لازم
(۴) عهدی - معوض - جایز

پاسخ: گزینه «۱» مطابق ماده ۳۳۸ قانون مدنی بیع عقدی تملیکی، معوض، لازم است. ☒

که مثال ۸: کدام عبارت صحیح است؟

- (۱) مفهوم تعهد در ماده ۱۸۳ قانون مدنی، مفهومی عام است و تملیک و دین را دربرمی‌گیرد.
(۲) مفهوم تعهد در ماده ۱۸۳ قانون مدنی، صرفاً در بردارنده‌ی مفهوم دین است.
(۳) مفهوم تعهد در ماده ۱۸۳ قانون مدنی، صرفاً به معنی تملیک است.
(۴) هر سه گزینه صحیح است.

پاسخ: گزینه «۱» تعهدی که ماده ۱۸۳ از آن سخن می‌گوید، مفهومی عام داشته و دین و تملیک را توأمان در دل خود جای می‌دهد. ☒

که مثال ۹: شرط خلاف مقتضای عقد و موافق عقدی دیگر:

- (۱) کلاً باطل و مبطل هر دو عقد است بنا به حاکمیت اراده
(۲) کلاً صحیح است نسبت به هر دو عقد بنا به حاکمیت اراده
(۳) نسبت به مورد خلاف باطل و مبطل و نسبت به مورد موافق صحیح است بنا به حاکمیت اراده
(۴) نسبت به مورد خلاف صرفاً باطل و نسبت به مورد موافق صحیح است بنا به حاکمیت اراده

پاسخ: گزینه «۳» اگرچه شرط خلاف مقتضای ذات عقد هم باطل و هم مبطل آن عقد است، اما اگر موافق عقدی دیگر باشد، نسبت به عقد موافق صحیح است. ☒

که مثال ۱۰: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) کلیه‌ی عقود به تراضی بین طرفین قابل اقاله است.
(۲) منفعت و حق قابل نقل و انتقال نمی‌تواند مبیع واقع شود، ولی می‌تواند ثمن قرار بگیرد.
(۳) در صورتی که مال مغضوب تلف شود غاصب باید بدل آن را به مالک بدهد، بدل مال تلف شده را اصطلاحاً بدل حیلوله می‌گویند.
(۴) مدیون شدن مضمون‌له به مضمون‌عنه بعد از ضمان موجب برائت ذمه‌ی ضامن است.

پاسخ: گزینه «۲» گفته شد یکی از خصوصیات مبیع آن است که باید عین باشد، فرقی نمی‌کند معین باشد یا کلی. اما حق و منفعت عین محسوب نمی‌شود تا مبیع قرار بگیرند. همچنین حق و منفعت تابع عین هستند اما ثمن می‌تواند هر مالی باشد و می‌تواند حق و منفعت هم باشد. ☒

که مثال ۱۱: برای صحت عقد بیع

- (۱) مبیع باید عین معین باشد.
(۲) مبیع باید عین باشد.
(۳) ثمن باید کلی باشد.
(۴) مبیع و ثمن هر دو باید عین باشند.

پاسخ: گزینه «۲» مبیع می‌تواند عین معین، کلی در معین یا کلی فی الذمه باشد. ☒

که مثال ۱۲: کدام گزینه کامل‌تر است: خيار مجلس در راه دارد.

- (۱) همه عقود معین
(۲) بیع
(۳) همه عقود معاوضی
(۴) صلح و بیع

پاسخ: گزینه «۲» خيار مجلس مختص عقد بیع است. ☒

❏ مثال ۱۳: خیار حیوان براساس قانون مدنی چند روز است؟ مبدأ آن چه زمانی است؟ صاحب آن چه کسی است؟

- (۱) سه روز - از حین عقد - مشتری
(۲) فوری - از حین عقد - مشتری
(۳) فوری - از حین قبض حیوان - هر دو
(۴) سه روز - از حین قبض حیوان - بایع

❏ پاسخ: گزینه «۱» مطابق ماده ۳۹۸ قانونی مدنی مشتری تا سه روز از حین عقد خیار فسخ دارد، اما به عقیده دکتر کاتوزیان خیار حیوان می‌تواند برای بایع هم باشد.

❏ مثال ۱۴: کدام گزینه در مورد خیار مجلس صحیح است:

- (۱) اسقاط خیار مجلس جایز نیست.
(۲) در عقود مکاتبه‌ای نیز خیار مجلس وجود دارد.
(۳) در معامله‌ی با خود نیز خیار مجلس وجود دارد.
(۴) اگر یکی از طرفین در مجلس عقد بمیرد و وراث او در مجلس عقد حاضر نباشند، خیار مجلس ساقط است.

❏ پاسخ: گزینه «۴» اسقاط خیار مجلس مانعی ندارد، در عقد مکاتبه‌ای و در معامله‌ی با خود، خیار مجلس وجود ندارد.

❏ مثال ۱۵: معاطات چیست؟ چه نوع عقدی است؟

- (۱) نوعی هبه است - عقد لازم است.
(۲) معامله‌ای با دادوستد است - عقد لازم است.
(۳) معامله‌ای با قبض و اقباض است - مفید اباحه است.
(۴) معامله‌ای با دادوستد است - عقد جایز است.

❏ پاسخ: گزینه «۲» معاطات به معامله‌ای می‌گویند که با داد و ستد انجام می‌گیرد و عقدی لازم است.

❏ مثال ۱۶: شخص ورشکسته:

- (۱) می‌تواند در مال خود مداخله نماید، چون ورشکستگی از موارد حجر قانون مدنی نیست.
(۲) نمی‌تواند با مال خود معامله نماید، چون اختیار (اهلیت تصرف) ندارد.
(۳) نسبت به مال خود نمی‌تواند اما نسبت به مال دیگران می‌تواند معامله نماید.
(۴) گزینه ۲ و ۳

❏ پاسخ: گزینه «۴» ورشکسته به دلیل این که اهلیت تصرف خود را از دست می‌دهد صرفاً نسبت به مال خود اجازه مداخله را ندارد، اما در مال دیگری به عنوان وکیل و یا ... می‌تواند دخالت نماید.

❏ مثال ۱۷: ماهیت حقوقی قولنامه که متضمن تعهد به بیع باشد طبق نظر حقوقدانان چیست؟

- (۱) بیع‌نامه محسوب شده و مفید تملیک است.
(۲) شرطی ابتدایی و باطل است.
(۳) یک عقد عهده‌ی لازم است.
(۴) یک عقد جایز است.

❏ پاسخ: گزینه «۳» در اثر قولنامه انتقال مالکیت صورت نمی‌گیرد و قولنامه در زمره عقود عهده‌ی است و طبق قاعده عمومی در عقود (اصالة اللزوم) این عقد لازم است.

❏ مثال ۱۸: اوصاف مبیع عبارتند از:

- (۱) عین معین بودن، مالیت داشتن، منفعت عقلایی، قدرت بر تسلیم، عدم منع قانونی
(۲) مالیت داشتن، عین معین بودن، منفعت عقلایی، عدم منع قانونی
(۳) منفعت عقلایی، عین معین بودن، عدم منع قانونی، قدرت بر تسلیم
(۴) عین معین بودن، مالیت داشتن، منفعت عقلایی، قدرت بر تسلیم مطلق، عدم منع قانونی

❏ پاسخ: گزینه «۱» اوصاف مبیع عبارتند از: عین معین بودن، داشتن مالیت و منفعت عقلایی، عدم منع قانونی در تصرف آن و قدرت بر تسلیم داشتن.



❏ مثال ۱۹: فقدان قدرت بر تسلیم ثمن معین، موجب کدام یک از حقوق زیر برای بایع است؟

- (۱) استفاده از حق حبس (۲) تقاضای اعلام بطلان بیع (۳) استفاده از اختیار تأخیر ثمن (۴) استفاده از اختیار فسخ
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» زیرا مشتری از ابتدا قدرت بر تسلیم مبیع نداشته است.

❏ مثال ۲۰: قدرت بر تسلیم در بیع فضولی در زمان شرط است.

- (۱) اطلاع مالک از معامله (۲) انعقاد عقد برای مالک (۳) انعقاد عقد برای عاقد (۴) اجازه مالک
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» زیرا در عقود غیرنافذ قدرت بر تسلیم به هنگام اجازه معتبر است نه هنگام انعقاد عقد؛ زیرا همان‌طور که گفته شد بنابر نظریه کشف حکمی، تاریخ عقد (در مورد عین) روز اجازه است نه روز انعقاد عقد (و فقط تاریخ انعقاد عقد، استحقاق منافع را معین می‌کند).

❏ مثال ۲۱: منظور از قدرت بر تسلیم، قدرت است.

- (۱) مطلق است؛ یعنی صرفاً باید مبیع را تحویل دهد.
(۲) نسبی است؛ یعنی اگر خریدار نیز بتواند مورد معامله را به تصرف خویش در آورد صحیح است.
(۳) مطلق است؛ یعنی هم خریدار و هم فروشنده هر یک می‌توانند نسبت به تسلیم مبیع اقدام کنند.
(۴) هیچ‌کدام
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» اگر بایع قدرت بر تسلیم نداشته اما خریدار یا حتی شخص ثالث بتواند مبیع را در اختیار خریدار بگذارد، صحیح است و از این رو قدرت بر تسلیم نسبی است.

❏ مثال ۲۲: در صورتی که مبیع کلی باشد، بیع وقتی صحیح است که:

- (۱) مقدار، جنس و وصف مبیع معلوم باشد.
(۲) مقدار و اوصاف مبیع ذکر شود.
(۳) فقط مقدار و جنس مبیع معین باشد.
(۴) مقدار، جنس و وصف مبیع ذکر شود.
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» در صورتی که مبیع کلی باشد بیع وقتی که مقدار، جنس و وصف مبیع ذکر گردد صحیح است.

❏ مثال ۲۳: شخصی $\frac{1}{3}$ یک صندوق میوه را خریده است و قبل از این که بایع آن را تحویل دهد، $\frac{2}{3}$ آن صندوق تلف می‌شود و $\frac{1}{3}$ باقی می‌ماند. این باقیمانده به چه کسی تعلق دارد؟

- (۱) به فروشنده
(۲) $\frac{1}{3}$ از آن به خریدار و $\frac{2}{3}$ از آن به فروشنده
(۳) بین طرفین به تساوی تقسیم می‌شود.
(۴) به خریدار
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» زیرا در این مثال بیع به صورت مشاع است نه کلی در معین.

❏ مثال ۲۴: هرگاه مبیع به عنوان جنس خاص فروخته شود و بعضی از آن، از جنس دیگری باشد، آیا قرارداد الزام‌آور است؟

- (۱) بیع به دلیل ناهمگونی بعضی از آن با جنس معهود، باطل است.
(۲) بیع در هر دو بخش غیرنافذ است.
(۳) بیع نسبت به بعضی که از جنس دیگر است باطل و نسبت به بعضی که از همان جنس است صحیح و الزام‌آور است خواه فسخ خواهد داشت.
(۴) بیع نسبت به آن بعض که از جنس دیگر است باطل و نسبت به بعضی که از همان جنس است صحیح و الزام‌آور است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» اگر بعض از مبیع از غیر جنس شرط شده در عقد باشد، عقد بیع نسبت به آن بعض باطل است و مشتری می‌تواند عقد را نسبت به قسمتی صحیح است به استناد اختیار تبعض صفقه فسخ کند.

❏ مثال ۲۵: هرگاه چیز معین به عنوان جنس خاصی فروخته شود و در واقع از آن جنس نباشد، بیع است.

- (۱) باطل (۲) قابل فسخ (۳) غیرنافذ (۴) نافذ
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» مطابق با ماده ۳۵۳ قانون مدنی: «هرگاه در جنس مورد معامله اشتباهی رخ دهد، عقد باطل است.»

که مثال ۲۶: زمینی به شرط داشتن مساحت خاص فروخته شده است و هنگام تسلیم معلوم گردیده که کمتر از آن مقدار است، خریدار چه می‌تواند بکند؟

(۱) می‌تواند نسبت به مقدار کم آمده، از ثمن کسر بگذارد. (۲) می‌تواند بهای مقدار کمبود را به نرخ روز از فروشنده بگیرد.

(۳) می‌تواند معامله را فسخ کند، چون چنین معامله‌ای قابل فسخ است. (۴) می‌تواند معامله را رد کند، چون چنین معامله‌ای غیرنافذ است.

پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۲۳۵ قانون مدنی: «هرگاه شرطی که در ضمن عقد شده است، شرط صفت باشد و معلوم شود آن صفت موجود نیست کسی که شرط به نفع او شده است خیار فسخ خواهد داشت.» و ماده ۳۵۵ قانون مدنی و ماده ۳۸۵ قانون مدنی: «اگر مبیع از قبیل خانه یا فرش باشد که تجزیه آن بدون ضرر ممکن نمی‌شود و به شرط بودن مقدار معین فروخته شده ولی در حین تسلیم کمتر یا بیشتر درآید، در صورت اولی مشتری و در صورت دوم بایع حق فسخ خواهد داشت.» در اشیای تجزیه‌ناپذیر مثل: زمین، خانه و فرش، هرگاه مبیع کمتر از مقدار شرط شده درآید، مشتری حق فسخ معامله را دارد و اگر زیاده‌تر از مقدار شرط شده درآید، بایع می‌تواند معامله را فسخ کند، در هر مورد خیار طرفین نیز خیار تخلف از وصف می‌باشد که خیار تخلف از شرط صفت نیز گفته می‌شود.

که مثال ۲۷: در ماده ۳۸۴ (قانون مدنی) مقرر شده هر گاه در حال معامله، مبیع از حیث مقدار معین بود اما در موقع تسلیم کمتر از آن مقدار درآید،

مشتری حق دارد بیع را فسخ کند در این جا خیار مشتری برای فسخ از کدام یک از خيارات مصرحه‌ی قانونی است؟

(۱) خیار شرط (۲) خیار تبعض صفقه (۳) خیار تخلف از وصف (۴) خیار عیب

پاسخ: گزینه «۲» اگر بیع به جهتی از جهات باطل باشد مشتری حق دارد به استناد خیار تبعض صفقه آن قسمت از بیع که را صحیحاً واقع شده را فسخ کند و پس عقد بیع نسبت به قسمتی که موجود نبوده، باطل است. در نتیجه مشتری نسبت به قسمتی که بیع صحیحاً واقع نشده نیز خیار تبعض صفقه دارد. پس معامله را با توجه به قسمت صحیح واقع شده قبول کند و با گرفتن مبلغ حصه‌ای که معامله نسبت به آن باطل است، یا نسبت به تمام بیع معامله را فسخ کند.

که مثال ۲۸: هنگامی که شرط مقدار به عنوان وصف مبیع است، اضافه یا کسری مقدار که موجب خیار فسخ می‌گردد از نوع:

(۱) خیار غبن (۲) خیار تبعض صفقه (۳) خیار تخلف از شرط صفت (۴) خیار عیب

پاسخ: گزینه «۳» خیار فسخی که مطابق ماده ۳۵۵ برای این موضوع به وجود می‌آید، خیار تخلف از شرط صفت می‌باشد.

که مثال ۲۹: در بیعی که از روی نمونه به عمل می‌آید و در صورت عدم مطابقت نمونه با مبیع:

(۱) بیع باطل است. (۲) قابل فسخ است. (۳) منفسخ است. (۴) قابل ابطال است.

پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده ۳۵۴ قانون مدنی، خیار فسخ به وجود می‌آید.

که مثال ۳۰: کدام مورد جزء یا تابع مبیع شمرده نمی‌شود و نیاز به تصریح در ضمن عقد دارد؟

(۱) در بیع درخت: میوه (۲) در بیع حیوان: حمل (۳) در بیع باغ: اشجار (۴) گزینه‌های ۱ و ۲

پاسخ: گزینه «۴» مطابق ماده ۳۵۸ (قانون مدنی): «در بیع باغ اشجار و در بیع خانه ممر و مجرا متعلق به مشتری می‌شود. و برعکس، زراعت در بیع زمین و میوه در بیع درخت و حمل در بیع حیوان، متعلق به مشتری نمی‌شود، مگر این که تصریح شده باشد و یا بر حسب عرف از توابع مبیع شمرده شود.»

که مثال ۳۱: در صورتی که بایع به صورت موقتی از تسلیم مبیع ناتوان و مشتری نیز قادر بر تسلیم نباشد؟

(۱) بیع مطلقاً صحیح است. (۲) بیع مطلقاً باطل است.

(۳) بیع صحیح است با حفظ خیار فسخ برای مشتری (۴) بیع قابل فسخ است.

پاسخ: گزینه «۳» در این حالت بیع صحیح است اما مشتری خیار فسخ دارد.



❏ مثال ۳۲: در بیع عین معین، مبیع چه زمانی به ملکیت مشتری در می‌آید؟

- (۱) با ایجاب و قبول و پرداخت ثمن
(۲) با ایجاب و قبول و قبض مبیع
(۳) به مجرد عقد بیع
(۴) با ایجاب و قبول و انقضای مدت خيار فسخ
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» با نظر به بند ۱ ماده ۳۶۲ قانون مدنی، «به مجرد وقوع بیع مشتری مالک مبیع و بایع مالک ثمن می‌شود».

❏ مثال ۳۳: در بیع خياری انتقال مالکیت از چه زمانی است؟

- (۱) از تاریخ انقضای خيار
(۲) از تاریخ حصول قبض
(۳) از تاریخ وقوع بیع
(۴) از تاریخ تادیه‌ی ثمن
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» در بیع خياری مطابق ماده ۳۶۴ و ۴۵۹ قانون مدنی، به محض وقوع عقد، انتقال مالکیت صورت می‌گیرد.

❏ مثال ۳۴: تحقق شرط تأخیر در تملیک و تحقق شرط تعلیق در تملیک به ترتیب:

- (۱) امری است محتمل، امری است حتمی
(۲) امری است حتمی، امری است محتمل
(۳) امری است حتمی، امری است حتمی
(۴) امری است محتمل، امری است محتمل
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» شرط تأخیری شرطی است حتمی، اما در شرایط تعلیقی وقوع مشروط به، محتمل است.

❏ مثال ۳۵: اگر در بیع صرف، شرط خيار شود، ملکیت از چه زمانی به خریدار منتقل می‌شود؟

- (۱) از تاریخ فسخ
(۲) از تاریخ انقضای خيار
(۳) از تاریخ قبض مبیع و ثمن
(۴) از تاریخ وقوع عقد و گرفتن ایجاب و قبول
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» ماده ۳۶۴ بیع صرف عقدی عینی است و قبض و اقباض در آن شرط است و از تاریخ قبض مبیع و ثمن، مالکیت به خریدار منتقل می‌شود و تفاوتی نمی‌کند که در عقد خياری موجود باشد یا نباشد.

❏ مثال ۳۶: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) قبض اثری در صحت و لزوم بیع صرف ندارد.
(۲) قبض در بیع صرف شرط لزوم است.
(۳) قبض شرط صحت بیع صرف است.
(۴) هیچ کدام
- ❑ پاسخ: گزینه «۳»

❏ مثال ۳۷: اگر بعد از تسلیم مبیع به خریدار و تلف آن در نزد او، معلوم شد که بیع باطل بوده است چه حکمی دارد؟

- (۱) خریدار مسئول رد بدل آن به فروشنده نیست.
(۲) خریدار مسئول رد بدل آن به فروشنده است.
(۳) خریدار مسئول است به رد بدل در صورتی که تعدی یا تفریط کرده باشد.
(۴) خریدار در صورتی که مسئول است به رد و بدل که آن را تلف کرده باشد.
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده ۳۶۵ قانون مدنی بیع فاسد اثری در تملک ندارد، بنابراین اگر مال مقبوض به عقد فاسد تلف شود، متصرف در هر حال مسئول رد بدل آن به مالک است نه به صرف تعدی و تفریط.

❏ مثال ۳۸: تسلیم مبیع وقتی محقق می‌گردد که

- (۱) مشتری مبیع را کاملاً تصرف کند.
(۲) مبیع در اختیار مشتری قرار بگیرد، هر چند عملاً در آن تصرفی نکند.
(۳) مشتری از مبیع کاملاً استفاده کند.
(۴) مبیع در اختیار مشتری قرار بگیرد و عملاً از آن استفاده کند.
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» تسلیم: یعنی مبیع در اختیار مشتری قرار بگیرد، اما لازم نیست که عملاً در آن تصرفی کند. ماده ۳۶۷ قانون مدنی: «تسلیم عبارت است از دادن مبیع به تصرف مشتری به نحوی که متمکن از انحاء تصرفات و انتفاعات باشد و قبض عبارت است از استیلاي مشتری بر مبیع» و ماده ۳۶۸ قانون مدنی: «تسلیم وقتی حاصل می‌شود که مبیع تحت اختیار مشتری گذاشته شود، اگرچه مشتری هنوز عملاً آن را تصرف نکرده باشد».

❏ مثال ۳۹: در بیع کلی فی الذمه و کلی در معین قبل از تعیین مصداق، حق مشتری بر مبیع است.

- (۱) عینی (۲) دینی (۳) تقدم (۴) مختلط
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» قبل از تعیین مصداق، مشتری مالک نمی‌گردد و لذا حق او دینی می‌باشد.

❏ مثال ۴۰: اذن بایع در قبض مبیع عین معین و کلی فی الذمه به ترتیب:

- (۱) لازم است - لازم نیست (۲) لازم نیست - لازم است (۳) لازم است - لازم است (۴) لازم نیست - لازم نیست
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» از آنجا که نسبت به مبیع عین مشتری حق عینی ندارد، اذن بایع لازم نیست، اما در مبیع کلی فی الذمه که حق مشتری، حقی دینی است اذن بایع لازم است.

❏ مثال ۴۱: منافع مبیع:

- (۱) مطلقاً از آن خریدار است. (۲) مطلقاً از آن فروشنده است.
- (۳) مال خریدار است، مگر در صورت شرط خلاف (۴) مال فروشنده است، مگر در صورت شرط خلاف
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» مطابق اصل تبعیت منافع از ملک، منافع مال خریدار است چون دیگر او مالک ملک می‌گردد، اما چون این اصل قاعده‌ای امری نیست، می‌توان برخلاف آن توافق نمود.

❏ مثال ۴۲: مطابق قانون مدنی، بیع کالی به کالی:

- (۱) صحیح است. (۲) باطل است. (۳) قابل فسخ است. (۴) قابل ابطال است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» اگرچه در فقه این بیع باطل است، اما قانون مدنی دلیلی برای بطلان آن نیاورده است.

❏ مثال ۴۳: در صورت فرارسیدن موعد تسلیم و مطالبه خریدار، اگر فروشنده مبیع را تسلیم نکند:

- (۱) ضامن منافع مستوفات و غیرمستوفات است. (۲) صرفاً ضامن منافع مستوفات است.
- (۳) صرفاً ضامن منافع غیرمستوفات است. (۴) ضامن نیست.
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» در صورت مطالبه و عدم تحویل از ناحیه بایع، از آن به بعد، بایع غاصب محسوب می‌شود و ضامن منافع به صورت کلی اعم از مستوفات و غیرمستوفات می‌گردد.

❏ مثال ۴۴: اجرای قرارداد بر اثر اشتباه و یا اکراه به ترتیب:

- (۱) مانع سقوط حق حبس است، مانع سقوط حق حبس نیست. (۲) مانع سقوط حق حبس است، مانع سقوط حق حبس نیست.
- (۳) مانع سقوط حق حبس نیست، مانع سقوط حق حبس است. (۴) مانع سقوط حق حبس نیست، مانع سقوط حق حبس نیست.
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» اشتباه و اکراه هر دو از مواردی است که مانع سقوط حق حبس است به این معنا که حق حبس باقی می‌ماند.

❏ مثال ۴۵: در مورد مکان تسلیم کدام گزینه به ترتیب صحیح است؟

- (۱) مکان قراردادی، مکان پیش‌بینی شده در قانون، مکان پیش‌بینی شده در عرف
- (۲) مکان قانونی، مکان قراردادی، مکان عرفی
- (۳) مکان عرفی، مکان قراردادی، مکان قانونی
- (۴) مکان قراردادی، مکان عرفی، مکان قانونی
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» اصل و ترتیب رعایت مکان اجرای تعهد عبارت است از: قرارداد ← عرف ← قانون (تکمیلی) اما اگر قانون امری باشد، قرارداد بعد از قانون می‌باشد.

❏ مثال ۴۶: تلف مبیع قبل از قبض با تقصیر بایع، موجب است.

- (۱) ضمان عقدی (۲) ضمان معاوضی (۳) ضمان قهری (۴) هیچ‌کدام
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» قاعده‌ی تلف مبیع قبل از قبض مخصوص حالتی است که تلف به فعل بایع نباشد، در غیر این صورت اگر بایع آن را تلف نماید، مسئولیت قهری دارد.



❏ مثال ۴۷: تلف مبیع بعد از تسلیم و در زمان اختیار مختص مشتری بر عهده‌ی:

- (۱) بایع (۲) مشتری (۳) بایع و مشتری به تناصف (۴) بایع و مشتری به تضامن

❑ پاسخ: گزینه «۱» در این حالت چون اختیار به نفع مشتری است، باز هم تلف بر عهده بایع است.

❏ مثال ۴۸: تلف مبیع پیش از قبض که ضمان معاوضی را بر عهده بایع قرار می‌دهد، در چه صورتی از تلف قابل اجرا است؟

- (۱) در صورت اتلاف به وسیله‌ی بایع (۲) در صورت اتلاف توسط مشتری
(۳) در صورت تلف با اهمال و تقصیر بایع (۴) در صورت تلف به حادثه‌ی خارجی و بدون تقصیر بایع

❑ پاسخ: گزینه «۴» اگر مبیع قبل از تسلیم در اثر تقصیر بایع تلف شود، بیع منفسخ نمی‌شود، اما مشتری می‌تواند به استناد اختیار تعذر تسلیم عقد را فسخ کند و یا از بایع مثل یا قیمت مبیع را مطالبه کند.

❏ مثال ۴۹: هرگاه بعد از انعقاد بیع و قبل از تسلیم مبیع، مشتری سبب تلف مبیع شود، کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) بیع صحیح است و مثل یا قیمت به مشتری تسلیم می‌شود. (۲) بیع منفسخ است و ثمن به مشتری عودت داده می‌شود.
(۳) بیع باطل است و ثمن به مشتری برمی‌گردد. (۴) بیع صحیح است و مشتری باید ثمن را پرداخت کند.

❑ پاسخ: گزینه «۴» بر اساس مفهوم ماده‌ی ۳۸۹ قانون مدنی، اگر مشتری قبل از تسلیم مبیع آن را تلف کند، حقی بر بایع ندارد و باید ثمن را به او بپردازد.

❏ مثال ۵۰: کدام یک از موارد زیر شرط تحقق اختیار تأخیر ثمن است؟

- (۱) پرداخت نشدن هیچ قسمت از ثمن ظرف سه روز (۲) عین معین نبودن ثمن
(۳) عین معین بودن مبیع (۴) پرداخت نشدن هیچ قسمت از مبیع ظرف سه روز
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۴۰۲ قانون مدنی، برای تحقق اختیار تأخیر ثمن، چهار شرط لازم است که یکی از آن شروط، آن است که مبیع باید عین معین یا کلی در معین باشد و اختیار تأخیر ثمن در بیع کلی راه ندارد.

❏ مثال ۵۱: کدام گزینه صحیح نیست؟

- (۱) در سقوط اختیار تأخیر ثمن، ضرورتی ندارد که ادای ثمن صرفاً با پول باشد.
(۲) در سقوط اختیار تأخیر ثمن، اگر مشتری برای ثمن ضامن (نقل ذمه) بدهد، در حکم پرداخت است.
(۳) در سقوط اختیار تأخیر ثمن، اگر مشتری برای ثمن، ضامن (تضامنی) بدهد، در حکم پرداخت است.
(۴) در سقوط اختیار تأخیر ثمن، اگر مشتری ثمن را حواله دهد، در حکم پرداخت است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» اگرچه در سقوط اختیار تأخیر ثمن نیازی نیست که صرفاً دارای ثمن با پول باشد، اما در ضمانت تضامنی چون هنوز ذمه مشتری مشغول است، در حکم پرداخت نیست.

❏ مثال ۵۲: کدام گزینه از شرایط اختیار تفلیس نیست؟

- (۱) ثمن کلی باشد. (۲) مشتری مُفْلِس شود.
(۳) مبیع موجود باشد. (۴) هر سه گزینه از شرایط اجرای اختیار است.

❑ پاسخ: گزینه «۲» برای تحقق اختیار، مشتری باید مفلّس شود نه مُفْلِس، همچنین مبیع موجود و ثمن کلی باشد.

❏ مثال ۵۳: تفاوت مُفْلَس با مُفْلِس در چیست؟

- (۱) هر دو به یک معناست. (۲) مُفْلَس به حکم دادگاه فاقد اختیار است، اما مُفْلِس به معنی فقیر است.
(۳) مُفْلِس به حکم دادگاه فاقد اختیار است، اما مفلّس به معنی فقیر است. (۴) هیچ کدام

❑ پاسخ: گزینه «۲» مُفْلِس همان شخص ندارد است، اما مُفْلَس کسی است که دادگاه او را ورشکسته اعلام و از تصرف در اموال ممنوع نموده است.

❏ مثال ۵۴: برای تحقق ضمان درک:

- (۱) مبیع باید صرفاً عین معین باشد.
 (۲) مبیع باید صرفاً کلی فی الذمه باشد.
 (۳) مبیع می‌تواند عین معین یا کلی فی الذمه باشد.
 (۴) هیچ کدام
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» برای تحقق ضمان درک، مبیع صرفاً عین معین باشد.

❏ مثال ۵۵: کدام عبارت ضمان درک را به خوبی روشن می‌کند؟

- (۱) ضمان درک یعنی مسئولیت هر یک از طرفین بیع نسبت به ثالث در صورت مستحق للغير در آمدن مبیع.
 (۲) ضمان درک یعنی ضمانت بایع از مشتری ثمن متعلق به غیر
 (۳) ضمان درک مسئولیت بایع یا مشتری نسبت به استرداد ثمن یا مبیع در صورت مستحق للغير در آمدن مبیع یا ثمن
 (۴) ضمان درک یعنی تعهد مشتری در مقابل بایع نسبت به مبیع متعلق به غیر
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» در ضمان درک بایع یا مشتری در صورت مستحق للغير در آمدن مبیع یا ثمن، مسئولیت دارد.

❏ مثال ۵۶: الف دو قالی را به ابعاد ۱۲ متر شبیه یکدیگر به ب می‌فروشد. ثمن معامله ۵ میلیون تومان است. سپس معلوم می‌شود که یکی از فرش‌ها متعلق به ج است و ج به این معامله راضی نیست. در این صورت الف باید چه مبلغی به ب بپردازد؟ (قیمت بازار فرش‌ها در روز معامله ۶ میلیون تومان است و قیمت یکی از آن‌ها ۲ میلیون تومان)

- (۱) ۱/۶۶ (۲) ۳/۳۴ (۳) ۲/۵۲ (۴) ۵/۵

❑ پاسخ: گزینه «۲» فرمول کلی عبارت است:

$$\frac{\text{قیمت تک در بازار}}{\text{ثمن در بازار}} = \frac{\text{قیمت تک در عقد}}{\text{ثمن در عقد}} \Rightarrow \frac{2}{6} = \frac{x}{5} \Rightarrow x = \frac{2 \times 5}{6} = \frac{10}{6} = \frac{5}{3} = 1/666 \quad 5 - 1/666 = 3/34$$

❏ مثال ۵۷: در معامله‌ای شرط شده است که بایع، ضامن درک مبیع نباشد، حکم این معامله در صورت چنین شرطی چیست؟

- (۱) به دلیل آن که شرط مذکور خلاف مقتضای ذات بیع است، شرط باطل است و عقد را باطل می‌کند.
 (۲) چون مال موضوع معامله، ملک بایع نبوده، عقد باطل و به طور طبیعی وقتی عقد باطل باشد، شرط ضمن آن هم خود خود باطل می‌شود.
 (۳) شرط و عقد هر دو صحیح است، زیرا نه با مقتضای عقد بیع منافات دارد نه شرط خلاف قانون است.
 (۴) شرط باطل است، چون خلاف قانون است ولی عقد صحیح است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» قواعد ضمان درک امری نیست و طرفین می‌توانند بر خلاف آن تراضی کرده و مسئولیت ناشی از آن را حذف کنند یا تشدید و یا تخفیف نمایند.

❏ مثال ۵۸: شرط سقوط ضمان درک:

- (۱) مطلقاً صحیح است.
 (۲) مطلقاً باطل است.
 (۳) صحیح است مگر در مورد علم فروشنده
 (۴) صحیح است به حکم عرف
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» اصولاً می‌توان ضمان ناشی از درک مبیع را ساقط نمود، مگر این که فروشنده، علم به مستحق للغير بودن آن داشته باشد.

❏ مثال ۵۹: عیب زمانی پنهانی محسوب می‌شود که:

- (۱) صرفاً عیب واقعاً در مبیع مستور باشد.
 (۲) عیب واقعاً مستور باشد یا خریدار ملتفت نباشد.
 (۳) عیب واقعاً مستور باشد و خریدار ملتفت نباشد.
 (۴) عیب ظاهری باشد اما خریدار ملتفت نباشد.
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» منظور از عیب پنهانی این است که یا عیب واقعاً پنهان باشد یا مشتری به عیب ملتفت نبوده و متوجه آن نباشد.



❏ مثال ۶۰: بر طبق قانون مدنی عیب مبیع بر پایه چه معیاری تمیز داده می‌شود؟

- (۱) معیار تمیز عیب، نقص وصفی است که باعث کسر قیمت شود.
 - (۲) تشخیص عیب برحسب عرف و عادت می‌شود و ممکن است برحسب زمان مختلف شود.
 - (۳) معیار تمیز عیب، زیادی یا نقص از اصل خلقت است.
 - (۴) معیار تمیز عیب، انتظار خریدار از نوع کالای فروخته شده است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده ۴۲۶، قانون مدنی، تشخیص عیب برحسب عرف و عادت و ازمه و امکان متفاوت است.

❏ مثال ۶۱: در چه حالتی مشتری می‌تواند هم عقد را فسخ نماید و هم ارش بگیرد؟

- (۱) تلف شدن مبیع نزد مشتری
 - (۲) انتقال ارادی مبیع توسط مشتری
 - (۳) عیب جدید بعد از قبض و در نتیجه عیب سابق
 - (۴) هر سه گزینه
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۴۲۹ قانون مدنی اگر مشتری مبیع را انتقال دهد یا تلف شود به وسیله مشتری و بعد مشخص گردد که مبیع معیوب بوده، حق فسخ از بین می‌رود.

❏ مثال ۶۲: در کدام گزینه در صورت معیوب بودن مبیع پیش از عقد و تسلیم آن به خریدار، خریدار حق فسخ ندارد؟

- (۱) زوال عیب
 - (۲) حدوث عیب جدید در زمان خیار حیوان
 - (۳) فروش مبیع به وسیله خریدار
 - (۴) حدوث عیب جدید در نتیجه عیب سابق
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۴۲۹ قانون مدنی، انتقال مال، حق فسخ را ساقط می‌نماید.

❏ مثال ۶۳: اگر موضوع تعهد عین کلی باشد و فردی که متعهد داده است معیوب درآید:

- (۱) متعهدله فقط می‌تواند مطالبه ارش کند.
 - (۲) متعهدله می‌تواند الزام متعهد را به تحویل فرد دیگری از موضوع تعهد بخواهد.
 - (۳) متعهدله بین فسخ معامله و مطالبه ارش مخیر است.
 - (۴) متعهدله می‌تواند معامله را به لحاظ خیار عیب فسخ کند.
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» اگر عین کلی باشد، برخلاف عین معین می‌توان الزام متعهد را به فرد دیگر از موضوع تعهد خواست.

❏ مثال ۶۴: کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) خیار رؤیت بعد از رؤیت فوری است.
 - (۲) خیار تدلیس بعد از علم به آن فوری است.
 - (۳) خیار تأخیر ثمن مختص بایع است.
 - (۴) در بیع کلی خیار رؤیت است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» خیار رؤیت در بیع کلی راه ندارد و ماده‌ی ۴۱۴ قانون مدنی آن را رد می‌کند.

❏ مثال ۶۵: کدام گزینه در مورد خیار غبن صحیح نیست؟

- (۱) صلح در مقام رفع تنازع، ساقط‌کننده‌ی خیار غبن نیست.
 - (۲) خیار غبن در مال کلی هم قابل اعمال است.
 - (۳) خیار غبن فوری است.
 - (۴) رغبت خریدار به انجام معامله، ساقط‌کننده‌ی خیار غبن است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» از آن‌جا که صلح عقدی مسامحه‌ای است لذا صلح در مقام رفع تنازع، ساقط‌کننده‌ی خیار غبن است. گزینه‌های دیگر نیز از مواردی هستند که مطابق قانون و اصول حقوقی صحیح می‌باشند.

❏ مثال ۶۶: خیار غبن مخصوص معاملات است.

- (۱) معوض و مسامحه‌ای
 - (۲) غیر معوض و مغایه‌ای
 - (۳) غیر معوض و مسامحه‌ای
 - (۴) معوض و مغایه‌ای
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» از آن‌جا که خیار غبن در عقود است که در آن احتمال سود و ضرر رود، لذا مخصوص عقود مغایه‌ای و معوض است.



❏ مثال ۶۷: خیار غبن در همه عقود می‌تواند موجود باشد

- (۱) مگر در عقود مسامحه‌ای
(۲) مگر در عقود مغاینه‌ای
(۳) به جز وقف و نکاح در همه عقود جاری است.
(۴) فقط در عقد بیع جاری است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» زیرا فقط در عقد مغاینه‌ای که احتمال سود و ضرر می‌رود، غبن تحقق و معنا پیدا می‌کند.

❏ مثال ۶۸: شخصی خودرویی را که ارزش واقعی آن ۳۰ میلیون تومان بوده به ۶۰ میلیون تومان خریده است. اگر قرارداد قابل فسخ نیست:

- (۱) فروشنده به قیمت عادلانه عالم نباشد.
(۲) فروشنده به قیمت عادلانه عالم باشد.
(۳) خریدار برای گرفتن ۳۰ میلیون تومان مازاد اقامه دعوا کند.
(۴) فروشنده ۳۰ میلیون تومان مازاد به خریدار برگرداند.
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» خیار غبن از خيارات فوری محسوب می‌شود و اقامه دعوا به معنی عدم رعایت فوریت در اعمال خیار است.

❏ مثال ۶۹: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) خیار شرط قابل اعمال در همه عقود است.
(۲) در خیار شرط اگر ابتدای مدت، مشخص نباشد هم شرط و هم بیع باطل است.
(۳) در صورتی که تدلیس موجب اشتباه موثر در عقد شود، خیار فسخ محقق می‌گردد.
(۴) بنا به نظر مشهور، تدلیس با سکوت نیز محقق می‌شود.
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» خیار شرط در عقود نکاح، ضمان و وقف قابل پذیرش نیست. همچنین اگر ابتدای مدت مشخص نباشد (در خیار شرط)، ابتدای آن از ابتدای عقد محسوب می‌گردد و همچنین تدلیس که موجب اشتباه موثر در عقد گردد، موجب بطلان عقد است.



آزمون فصل اول

که ۱- برای صحت عقد بیع، مبیع باید

- (۱) عین معین باشد. (۲) عین باشد. (۳) کلی باشد. (۴) همراه با ثمن کلی باشد.

که ۲- اگر مبیع عین معینی باشد و پس از انعقاد عقد، تسلیم مبیع برای همیشه غیرمقدور گردد، سرنوشت معامله چه خواهد بود؟

- (۱) باطل است. (۲) منفسخ می‌شود. (۳) قابل فسخ می‌گردد. (۴) صحیح است.

که ۳- خانهای به شرط آن که ۸۰۰ متر باشد فروخته می‌شود و بعداً مشخص می‌شود که خانه ۹۰۰ متر است، مطابق با قانون مدنی معامله چه وضعیتی پیدا می‌کند؟

- (۱) هر یک از فروشنده یا خریدار حق فسخ معامله را دارند.
(۲) فروشنده حق فسخ معامله را دارد.
(۳) مقدار اضافی متعلق به خریدار است، مشروط بر آن که قیمت آن طبق توافق اولیه به فروشنده بپردازد.
(۴) مقدار اضافی متعلق به فروشنده است.

که ۴- اگر برنج موجود در انباری به شرط این که هزار کیلو باشد به مبلغ یک میلیون ریال فروخته شود و بعد معلوم شود که کمتر بوده است، در این صورت معامله

- (۱) باطل است (۲) صحیح و قابل فسخ است. (۳) صحیح و غیرقابل فسخ است. (۴) غیرنافذ است.

که ۵- در عقد بیع در صورت عدم تصریح حین معامله، کدام مورد جزء یا تابع مبیع محسوب می‌شود؟

- (۱) در بیع زمین، درخت (۲) در بیع درخت، میوه (۳) در بیع باغ، اشجار (۴) در بیع حیوان، حمل

که ۶- در عقد بیع، وجود خيار فسخ

- (۱) مانع اقاله است. (۲) مانع انتقال مالکیت مبیع به مشتری است.
(۳) مانع انتقال مالکیت مبیع به مشتری نمی‌شود. (۴) موجب انفساخ عقد است.

که ۷- کدام یک از عقود زیر عقد عینی است؟ و در عقود عینی قبض

- (۱) عین معین - شرط لازم (۲) بیع صرف - شرط لزوم (۳) عین معین - شرط صحت (۴) بیع صرف - شرط صحت

که ۸- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) قبض در بیع صرف، شرط لزوم است. (۲) قبض اثری در صحت و لزوم عقد بیع صرف ندارد.
(۳) قبض در بیع صرف، شرط صحت است. (۴) هیچ کدام

که ۹- پس از بیع، مشتری مبیع را بدون اذن باید قبض می‌کند، قبض

- (۱) معتبر است، اما در هر حال مشتری ضامن است. (۲) اعتبار دارد و مشتری تنها در صورت تعدی و تفریط ضامن است.
(۳) بی اعتبار است و مشتری ضامن است. (۴) معتبر است.

که ۱۰- هرگاه بایع با استفاده از حق حبس، مبیع را نزد خود نگاه دارد، منافع مبیع در مدت تصرف بایع متعلق به کدام یک از متبایعین است؟

- (۱) مشتری (۲) بایع (۳) منافع بالمناصفه بین آن‌ها تقسیم می‌شود. (۴) منافع صرف هزینه‌ی نگهداری مبیع خواهد شد.

که ۱۱- قاعده‌ی تلف مبیع پیش از قبض از مال چه کسی است؟

- (۱) از مال بایع است (۲) از مال خریدار است. (۳) این قاعده بر خلاف اصل است. (۴) موارد ۱ و ۳

که ۱۲- در قراردادی که بایع بخشی از مبیع را تسلیم خریدار کرده و مشتری نیز بخشی از ثمن را پرداخته است، آیا می‌توان به استناد خيار تاخیر ثمن آن را فسخ کرد؟

- (۱) تسلیم جزئی از مبیع یا تأدیه‌ی بخشی از ثمن مانع اعمال خيار تاخیر ثمن است.
(۲) در این صورت فسخ امکان ندارد.
(۳) فسخ امکان پذیر است.
(۴) در صورتی که سایر شرایط تحقق خيار تأخیر ثمن فراهم باشد تسلیم جزئی از مبیع و تأدیه‌ی بخشی از ثمن مانع اعمال خيار نیست.

که ۱۳- ضمان بایع در صورت «درک مبیع» ناظر به چیست؟

- (۱) رد مبیع (۲) رد قیمت واقعی مبیع در زمان معامله
(۳) رد قیمت واقعی مبیع در زمان تسلیم (۴) رد ثمن معامله

که ۱۴- در بیع خیاری، مالکیت از زمان

- (۱) تأدیه ثمن می‌باشد. (۲) حصول قبض می‌باشد. (۳) وقوع بیع می‌باشد. (۴) انقضای خيار می‌باشد.

که ۱۵- هزینه‌ی حمل تا محل تسلیم بر عهده‌ی

- (۱) خریدار است. (۲) فروشنده است.
(۳) بر عهده‌ی خریدار و فروشنده به صورت مساوی می‌باشد. (۴) دادگاه معین می‌کند که بر عهده‌ی چه کسی می‌باشد.



فصل دوم

«اجاره، جعاله، قرض»

تست‌های تألیفی فصل دوم

که مثال ۱: در زمینه مقایسه حق انتفاع با مالکیت منافع کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) حق انتفاع درجه‌ای بالاتر از مالکیت منفعت است.
- (۲) حق انتفاع مفهومی مشابه با مالکیت منفعت دارد.
- (۳) حق انتفاع برخلاف مالکیت منفعت، موجب سلطه کامل منتفع بر مال نیست.
- (۴) گزینه ۲ و ۳

پاسخ: گزینه «۳» حق انتفاع موجب مالکیت بر منافع نمی‌گردد و درجه‌ای ضعیف‌تر از مالکیت منفعت است. به عبارت دیگر، ذره‌های منفعت در مال صاحب حق انتفاع نیست و لذا اگر میوه‌ای در ملکی که نسبت به آن حق انتفاع وجود دارد برآید، صاحب حق نمی‌تواند آن میوه را تملک کند اما در مالکیت منفعت چنین حقی را دارا است.

که مثال ۲: براساس قانون مدنی، اگر برای پرداخت مال الاجاره موعدی مشخص نگردد:

- (۱) طریقه پرداخت به تشخیص عرف است.
- (۲) پرداخت نقدی اما غیرفوری است.
- (۳) پرداخت غیرنقدی و فوری است.
- (۴) پرداخت نقد و فوری است.

پاسخ: گزینه «۴» مطابق ماده ۴۹۰ قانون مدنی در این حالت طریقه پرداخت نقدی و حال و فوری است.

که مثال ۳: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) هر آنچه که مالیت داشته باشد می‌تواند به عنوان اجاره‌بها تعیین گردد، اعم از عین، حق و منفعت
- (۲) هر آنچه که مالیت داشته باشد می‌تواند به عنوان مورد اجاره تعیین گردد، اعم از عین حق و منفعت
- (۳) اجاره‌بها و مورد اجاره هر دو باید عین باشد.
- (۴) اجاره‌بها و مورد اجاره علاوه بر عین می‌تواند حق یا منفعت نیز باشد.

پاسخ: گزینه «۱» هر چیزی که مالیت داشت می‌توان به عنوان اجاره‌بها معین نمود، اما مورد اجاره باید عینی باشد که مصرف‌شدنی نباشد. اجاره‌بها می‌تواند عین منفعت یا حق باشد.

که مثال ۴: مطابق قانون روابط موجر و مستأجر ۵۶:

- (۱) اجاره محدود به مدت معینی است.
- (۲) اجاره محدود به مدت معینی نیست و عموماً می‌تواند پس از انقضای مدت ادامه یابد.
- (۳) حکمی صریح در زمینه محدودیت مدت ندارد.
- (۴) گزینه ۱ و ۳

پاسخ: گزینه «۲» به موجب قانون روابط موجر و مستأجر ۵۶، اجاره مدت محدودی نداشته و می‌تواند مطابق توافق طرفین تعیین گردد.

که مثال ۵: اگر قیم مال صغیری را اجاره دهد، این اجاره بنا به اصول قانون و حقوقی:

- (۱) اگر به مصلحت صغیر باشد، بعد از بلوغ وی نیز ادامه می‌یابد.
- (۲) تا زمان رسیدن صغیر به بلوغ صحیح است.
- (۳) تا زمان رسیدن صغیر به بلوغ غیرنافذ است.
- (۴) بعد از رسیدن صغیر به بلوغ قابل ابطال است.

پاسخ: گزینه «۲» الف: نظر غیرمشهور ب: نظر مشهور، در این مورد دو نظر است نظر غیر مشهور آن را، حتی بعد از بلوغ در صورتی که به مصلحت صغیر باشد صحیح می‌دانند، اما گروهی دیگر که قول مشهور است، مطابق قواعد عمومی آن را تا زمان رسیدن صغیر به سن بلوغ صحیح می‌دانند.

که مثال ۶: اجاره تمبر برای الصاق بر روی پاکت و اجاره‌ی آن برای نمایشگاه تمبر به ترتیب است.

- (۱) صحیح - باطل
- (۲) باطل - صحیح
- (۳) صحیح - صحیح
- (۴) باطل - باطل

پاسخ: گزینه «۲» الصاق بر روی پاکت موجب مصرف تمبر می‌گردد و لذا اجاره باطل است، اما اختصاص آن برای نمایشگاه تمبر به دلیلی که تمبر

**کلمه مثال ۷: اجاره فضولی:**

- (۱) تابع قواعد عمومی معامله فضولی و غیرنافذ است.
 (۲) حکمی استثنایی برخلاف قواعد عمومی معامله فضولی و باطل است.
 (۳) نسبت به فضول لازم و نسبت به اصیل قابل فسخ است.
 (۴) نسبت به مالک قابل فسخ و نسبت به موجر فضول، غیرنافذ است.
- ☒ پاسخ: گزینه «۱» اجاره فضولی از احکام معامله فضولی تبعیت کرده و حکم آن عدم نفوذ است.

کلمه مثال ۸: اجاره‌ی سهم مشاعی از مال مشترک بدون اذن شریک دیگر

- (۱) باطل است.
 (۲) غیرنافذ است.
 (۳) صحیح است.
 (۴) قابل فسخ است.
- ☒ پاسخ: گزینه «۳» هر یک از شرکا می‌تواند بدون اذن شرکای دیگر هر گونه تصرف حقوقی در سهم خود بنماید، اما هر گونه تصرف مادی در سهم مشاعی بدون اذن شرکای دیگر مطلقاً مجاز نیست.

کلمه مثال ۹: مطابق ماده ۵۰۰ قانون مدنی، در بیع شرط، اجاره مبیع تا حدی که منافعی حق بایع باشد، باطل است. باطل در این ماده مطابق اصول حقوقی به معنی است.

- (۱) قابل فسخ
 (۲) غیرنافذ
 (۳) بطلان نسبی
 (۴) عدم قابلیت استناد
- ☒ پاسخ: گزینه «۲» از آن جا که بیع به مال غیر است، تابع احکام معامله فضولی و غیرنافذ است؛ لذا باطل در این ماده به معنی عدم نفوذ می‌باشد.

کلمه مثال ۱۰: اگر شخص ثالثی مزاحم مستأجر گردد، مستأجر در صورتی حق فسخ اجاره را دارد که مزاحمت

- (۱) پیش از قبض عین مستأجره باشد.
 (۲) پس از قبض عین مستأجره باشد.
 (۳) ثالث با ادعای حقی همراه باشد.
 (۴) مطلقاً و در هر صورت باشد.
- ☒ پاسخ: گزینه «۱» مطابق ماده ۴۸۸ قانون مدنی، اگر مزاحمت قبل از قبض عین مستأجره توسط مستأجر باشد، مستأجر می‌تواند اجاره را فسخ کند و اگر فسخ ننمود می‌تواند برای رفع مزاحمت و مطالبه‌ی اجرت‌المثل به خود مزاحم رجوع کند.

کلمه مثال ۱۱: اگر بعد از قبض عین مستأجره، شخص ثالثی مزاحم مستأجر در استفاده از مورد اجاره گردد:

- (۱) مستأجر حق فسخ اجاره را دارد.
 (۲) مستأجر تنها باید به مزاحم رجوع نماید و علیه او طرح دعوا کند.
 (۳) مستأجر هم حق فسخ و هم حق رجوع به مزاحم را دارد.
 (۴) مستأجر یا باید اجاره را فسخ کند یا به مزاحم رجوع نماید.
- ☒ پاسخ: گزینه «۲» چون قبض تحقق یافته، موجر دیگر نقش نداشته و صرفاً می‌توان از ثالث شکایت نمود.

کلمه مثال ۱۲: مطابق قانون مدنی:

- (۱) انتقال مورد اجاره توسط مستأجر، اصولاً به صحت عقد اجاره خللی وارد نمی‌کند.
 (۲) انتقال مورد اجاره توسط مستأجر، اصولاً موجب انفساخ عقد اجاره می‌شود.
 (۳) انتقال مورد اجاره توسط مستأجر، برای موجر حق فسخ ایجاد می‌کند.
 (۴) هیچکدام
- ☒ پاسخ: گزینه «۱» مطابق ماده ۴۹۸ قانون مدنی، در این حالت اجاره به قوت خود باقی است، مگر این که خیار فسخ در صورت انتقال شرط شود.

کلمه مثال ۱۳: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) مستأجر باید در استعمال عین مستأجره، رعایت متعارف را بنماید و تعدی و تفریط نکند.
 (۲) مستأجر عین مستأجره را برای همان مصرفی که در اجاره قید شده است استعمال نماید.
 (۳) مستأجر باید مال الاجاره را در مواعید مقرر تادیه کند.
 (۴) هر سه مورد صحیح است.
- ☒ پاسخ: گزینه «۴» هر سه مورد از حقوق و وظایف مستأجر در مقابل موجر می‌باشد که باید رعایت شود (ماده ۴۹۰ قانون مدنی).



❏ مثال ۱۴: در صورت تعدی و تفریط مستأجر:

- (۱) ضامن تلف مورد اجاره است، اگر تلف مستند به فعل وی باشد.
 - (۲) ضامن تلف مورد اجاره است، اگر تلف مستند به فعل وی نباشد.
 - (۳) مطلقاً ضامن تلف مورد اجاره است.
 - (۴) مطابق قانون ید مستأجر حتی در صورت تعدی و تفریط امانی است و ضامن نمی‌باشد.
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» تعدی و تفریط موجب می‌شود وی دارای ید ضمانی گردد و در هر حال چه تلف مستند به او باشد چه نباشد ضامن باشد.

❏ مثال ۱۵: اگر شخص ثالثی بتواند با عرضه‌ی کالای بهتری مشتریان مستأجر را به خود اختصاص دهد و در نتیجه‌ی این رقابت، مستأجر نتواند به هدف خود از انعقاد عقد اجاره برسد، این امر چه اثری در عقد اجاره دارد و مستأجر چه حقی پیدا می‌کند؟

- (۱) مستأجر برای احتراز از ضرر، حق فسخ دارد.
 - (۲) مستأجر می‌تواند به مقدار ضرر خود از اجاره‌بها بکاهد.
 - (۳) این حادثه هیچ تأثیری در عقد اجاره ندارد و مستأجر همچنان ملتزم به مفاد عقد است.
 - (۴) اجاره به دلیل انتفای هدف مستأجر، باطل است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» در این مسأله هیچ مشکلی در ارکان عقد اجاره به وجود نمی‌آید و هیچ حادثه‌ای موجب نمی‌شود عین مورد اجاره از قابلیت انتفاع خارج شود، بنابراین عقد اجاره صحیح است و مستأجر حق فسخ آن را ندارد.

❏ مثال ۱۶: تلف عین مستأجره‌ی کلی:

- (۱) به مستأجر حق فسخ می‌دهد.
 - (۲) به مستأجر امکان الزام موجر در دادن مصداق دیگر می‌دهد.
 - (۳) موجب بطلان عقد اجاره است.
 - (۴) به صحت عقد اجاره خللی وارد نمی‌کند.
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» چون عین کلی است می‌توان الزام بایع را به فرد دیگری از موضوع تعهد خواست.

❏ مثال ۱۷: در اجاره‌ی محل کسب و پیشه تجارت مطابق قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۷۶:

- (۱) اثبات عقد اجاره صرفاً با سند رسمی امکان‌پذیر است.
 - (۲) اثبات عقد اجاره صرفاً با سند عادی و شهادت امکان‌پذیر است.
 - (۳) اثبات عقد اجاره می‌تواند با سند عادی یا رسمی باشد.
 - (۴) اثبات عقد اجاره می‌تواند با سند رسمی یا شهادت قابل اثبات باشد.
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۱ قانون موجر و مستأجر ۷۶، فرقی بین سند عادی و رسمی از این حیث نمی‌باشد.

❏ مثال ۱۸: مطابق قانون روابط موجر و مستأجر، تخلیه عین مستأجره محل کسب به دلیل نیاز موجر:

- (۱) با پرداخت حق کسب و پیشه به مستأجر امکان‌پذیر است.
 - (۲) حتی بدون پرداخت حق کسب و پیشه و تجارت امکان‌پذیر است.
 - (۳) مطلقاً امکان‌پذیر نیست.
 - (۴) هیچکدام
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» مطابق بند دوم ماده ۱۵ قانون روابط موجر و مستأجر ۵۶، چنین امری با پرداخت حق کسب و پیشه به مستأجر بلامانع است.

❏ مثال ۱۹: مطابق قانون روابط موجر و مستأجر ۵۶، انتقال مورد اجاره توسط مستأجر:

- (۱) اجاره را از ناحیه موجر قابل فسخ می‌نماید.
 - (۲) اجاره را از ناحیه موجر قابل ابطال می‌نماید.
 - (۳) اجاره را از ناحیه موجر غیر نافذ است.
 - (۴) به صحت عقد اجاره خللی وارد نمی‌کند.
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» به موجب بند یک ماده ۱۴ این قانون، این عمل به موجر حق فسخ می‌دهد.

❏ مثال ۲۰: موجر در چه زمانی می‌تواند عقد اجاره را فسخ نماید؟

- (۱) در صورت انتقال عین مورد اجاره به غیر
 - (۲) در صورت فوت مستأجر
 - (۳) در صورت تخلف مستأجر از شرایط مقرر بین طرفین و تعدی و تفریط مستأجر
 - (۴) در هر سه صورت
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» بر اساس مواد ۴۹۶، ۴۹۷ و ۴۹۸ قانون مدنی، تعدی و تفریط مستأجر از جمله مواردی است که به موجر اختیار فسخ را می‌دهد.



❏ مثال ۲۱: مطابق قانون روابط موجر و مستأجر ۶۲، تعیین اجاره بها با است.

- (۱) عرف - قرارداد و نهایتاً دادگاه است.
 (۲) قرارداد و نهایتاً دادگاه است.
 (۳) دادگاه با توجه به مفاد قرارداد است.
 (۴) قانون - عرف - قرارداد و نهایتاً دادگاه است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» مطابق بند ۹ ماده ۱۴ و ماده ۶ این قانون مطابق قرداد و نهایتاً با دادگاه است.

❏ مثال ۲۲: مطابق قانون مدنی، مسئولیت متصدی حمل و نقل بر چه نحوی است؟

- (۱) صرفاً با تعدی و تفریط است.
 (۲) مطلقاً مسئول و ضامن محسوب می‌گردد.
 (۳) مطلقاً ید متصدی حمل و نقل امانی است.
 (۴) اصولاً امان محسوب می‌گردد، مگر در صورت تقصیر
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» ید متصدی حمل و نقل در قانون مدنی برخلاف قانون تجارت، امانی است مگر این که تعدی یا تفریط نماید (تقصیر)

❏ مثال ۲۳: مطابق قانون مدنی، اجاره شخص:

- (۱) صرفاً با تعیین مدت صحیح است.
 (۲) با تعیین مدت یا تعیین عمل صحیح است.
 (۳) صرفاً با تعیین عمل صحیح است.
 (۴) با تعیین عمل، مدت یا راکب صحیح است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده ۵۱۴ قانون مدنی اجاره اشخاص می‌تواند برای مدت یا عمل معینی باشد.

❏ مثال ۲۴: کدام گزینه در زمینه عقد قرض صحیح است؟

- (۱) عقدی است لازم و رضایی و معوض
 (۲) عقدی است جایز، رضایی و غیرمعوض
 (۳) عقدی است لازم، تشریفاتی و معوض
 (۴) عقدی است جایز، تشریفاتی و غیرمعوض
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» مستفاد از روح مواد مربوط به قرض، قواعد عمومی و ماده ۶۴۸ قانون مدنی، قرض عقدی لازم، رضایی و معوض است.

❏ مثال ۲۵: اگر شخصی مقداری پول به دیگری دهد و شرط شود که اگر چه پول داده شده به ریال است اما به دلار بازگردانده شود، عقد واقع شده چه عنوانی دارد؟

- (۱) عاریه
 (۲) قرض
 (۳) ودیعه
 (۴) عقدی بر مبنای ماده ۱۰ قانون مدنی
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» اگر چه به دلیل ندادن مثل قرض نیست، اما می‌تواند قرارداد دیگری بر مبنای ماده ۱۰ قانون مدنی باشد.

❏ مثال ۲۶: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) جعاله عقدی است مجانی و نباید با اجرت باشد.
 (۲) در جعاله لازم نیست، اجرت من جمیع الجهات معلوم باشد.
 (۳) در جعاله لازم است، اجرت من جمیع الجهات معلوم و مشخص باشد.
 (۴) در جعاله چنان چه شرط اجرت شود، جعاله صحیح ولی شرط باطل است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده ۵۶۳ قانون مدنی: «در جعاله معلوم بودن اجرت من جمیع الجهات لازم نیست، بنابراین اگر کسی ملتزم شود که هر کس گم شده او را پیدا کند حصه مشاع معینی از آن، مال او خواهد بود، جعاله صحیح است.» ماده ۵۶۴ قانون مدنی: «در جعاله گذشته از عدم لزوم تعیین عامل، ممکن است عمل هم مردد و کیفیات آن نامعلوم باشد.» چون جعاله، عقدی است مبتنی بر مسامحه، علم اجمالی در آن کفایت می‌کند و لازم نیست اجرت و عمل من جمیع الجهات معلوم باشد.

❏ مثال ۲۷: کدام گزینه در مورد عقد جعاله صحیح است؟

- (۱) اگر عامل محجور باشد، جعاله صحیح نیست.
 (۲) اگر جاعل محجور باشد، جعاله صحیح است.
 (۳) جعاله تعهدی است جایز
 (۴) جعاله ایقاع است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۵۶۵ قانون مدنی جعاله تعهدی جایز است. اگر عامل محجور شود، جعاله صحیح است، اما اگر جاعل محجور شود چون در مال خود تصرف می‌کند، جعاله به نظر صحیح نمی‌آید.

❏ مثال ۲۸: اگر جاعل، جعاله را فسخ کند اما به اطلاع عامل نرسد، در صورت انجام عمل:

- (۱) عامل مستحق جعل است.
 (۲) عامل مستحق اجرت‌المثل عمل است.
 (۳) عامل مستحق هیچ اجرتی نیست.
 (۴) عامل صرفاً می‌تواند خسارت هزینه‌های معمول را بگیرد.
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» در این حالت عامل حق ندارد مطالبه جُعَل کند، اما می‌تواند مستحق اجرت‌المثل عمل خویش گردد.



آزمون فصل دوم

- کله ۱- اگر ثالثی بدون ادعای حقی در عین مستأجره بعد از قبض، مزاحم مستأجر شود، اجاره چه وضعیتی پیدا می‌کند؟
 (۱) عقد باطل است. (۲) عقد صحیح است. (۳) عقد غیرنافذ است. (۴) عقد قابل فسخ است.
- کله ۲- عقد اجاره در چه صورتی کلاً باطل می‌گردد؟
 (۱) زمانی که عین مستأجره معیوب گردید و از قابلیت انتفاع خارج گردد.
 (۲) وقتی که عین مستأجره از ید مستأجر خارج شده و شخصاً قادر به استرداد آن نباشد.
 (۳) وقتی که عین مستأجره قابلیت استفاده را از دست داده و امکان اعاده قابلیت وجود نداشته باشد.
 (۴) وقتی که قسمتی از عین مستأجر تلف شود.
- کله ۳- عقد اجاره به واسطه‌ی تلف شدن عین مستأجره از تاریخ تلف و نسبت به تخلف از شرایطی که بین موجر و مستأجر مقرر است ثابت است.
 (۱) منفسخ می‌شود - از تاریخ تخلف، خیار فسخ
 (۲) باطل است - از تاریخ تخلف، خیار فسخ
 (۳) انفساخ می‌گردد - از تاریخ تخلف، اجرت‌المثل
 (۴) هیچ‌کدام
- کله ۴- در کدام یک از موارد ذیل مستأجر می‌تواند عقد اجاره را فسخ نمایند؟
 (۱) در صورت امتناع موجر از تسلیم مورد اجاره
 (۲) در صورتی که عین مستأجره به واسطه‌ی عیب از قابلیت انتفاع خارج شود.
 (۳) در صورت تلف عین مستأجره در مدت اجاره
 (۴) در صورت حدوث عیب در عین مستأجره در اثنای مدت اجاره
- کله ۵- در صورت ادامه‌ی تصرف مستأجر پس از انقضای مدت اجاره، موجر استحقاق کدام اجرت را دارد؟
 (۱) اجرت‌المسمی
 (۲) اجرت‌المثل معادل اجرت‌المسمی
 (۳) هر یک از اجرت‌المثل یا اجرت‌المسمی
 (۴) اجرت‌المثل
- کله ۶- کدام یک از عقود زیر تملیکی است؟
 (۱) رهن (۲) عاریه (۳) قرض (۴) هیچ‌کدام
- کله ۷- اگر مقترض نتواند مثل مال مورد قرض را به علت تلف مثل آن به مقرض بدهد، قیمت آن را برحسب چه زمانی به او بدهد؟
 (۱) یوم‌الرء (۲) یوم‌الاداء (۳) یوم تلف (۴) گزینه‌های ۱ و ۲
- کله ۸- عامل زمانی می‌تواند جعل را به دیگری صلح کند که
 (۱) عقد جعله منعقد شود.
 (۲) مورد جعله را انجام دهد یا تسلیم کند.
 (۳) شروع به انجام عمل مورد جعله کند.
 (۴) جعل به او تسلیم شده باشد.
- کله ۹- حکم اجاره‌ی مال مشاع چیست؟
 (۱) صحیح است. (۲) باطل است. (۳) جایز است. (۴) غیرنافذ است.
- کله ۱۰- کدام یک از گزینه‌های ذیل صحیح می‌باشد؟
 (۱) اجاره سهم مشاع بدون اذن شریک دیگر نافذ است.
 (۲) اجاره سهم مشاع بدون اذن شریک دیگر غیرنافذ است.
 (۳) اجاره سهم مشاع بدون اذن شریک دیگر باطل است.
 (۴) اجاره سهم مشاع بدون اذن شریک دیگر قابل فسخ است.
- کله ۱۱- اگر در اثنای اجاره در عین مستأجر عیبی حادث شود، وضع اجاره چه می‌شود؟
 (۱) اجاره باطل می‌شود.
 (۲) اجاره منفسخ می‌شود.
 (۳) مستأجر می‌تواند اجاره‌بها را نپردازد تا مؤجر رفع عیب کند.
 (۴) مستأجر می‌تواند اجاره را فسخ کند.
- کله ۱۲- اگر خانه‌ای که اجاره داده شده است در اثر زلزله از قابلیت انتفاع خارج شود:
 (۱) اجاره غیرنافذ است.
 (۲) اجاره باطل است.
 (۳) مستأجر حق فسخ دارد.
 (۴) مستأجر تا پایان اجاره حق فسخ ندارد.



ک ۱۳- هرگاه مورد اجاره کلی بوده و فردی را که موجر تسلیم نموده، معیوب در آید، عقلاً اجاره چه وضعی دارد؟

- (۱) مستأجر می‌تواند از موجر بخواهد که فرد سالمی را به او تحویل دهد، ولی حق فسخ ندارد.
- (۲) مستأجر می‌تواند از موجر بخواهد که فرد سالمی را به تحویل دهد و در صورت عدم امکان اجبار، قرارداد را می‌تواند فسخ نماید.
- (۳) مستأجر می‌تواند قرارداد را فسخ کند.
- (۴) مستأجر می‌تواند قرارداد او را فسخ کند یا ارش مطالبه کند.

ک ۱۴- هرگاه مستأجر نسبت به عین مستأجره تعدی و تفریط کند:

- (۱) موجر حق فسخ ندارد.
- (۲) موجر حق فسخ دارد.
- (۳) در صورتی موجر حق فسخ دارد که قادر به منع آن نباشد.
- (۴) اجاره باطل است.

ک ۱۵- کدام یک از گزینه‌های ذیل صحیح می‌باشد؟

- (۱) شرط ضمان مستأجر در عقد اجاره صحیح است.
- (۲) شرط ضمان مستأجر در عقد اجاره غیرنافذ است.
- (۳) شرط ضمان مستأجر در عقد اجاره باطل و مبطل عقد است.
- (۴) شرط ضمان مستأجر در عقد اجاره باطل است، ولی مبطل عقد نیست.

ک ۱۶- جعالة تعهدی

- (۱) لازم است.
- (۲) جایز است.
- (۳) از طرف جاعل لازم و از طرف عامل جایز است.
- (۴) هیچ کدام

ک ۱۷- عامل چه زمانی می‌تواند جُعل را به دیگری صلح کند؟

- (۱) زمانی که مورد جعالة را انجام دهد یا تسلیم کند.
- (۲) زمانی که شروع به انجام عمل مورد جعالة کند.
- (۳) زمانی که عقد جعالة منعقد شود.
- (۴) زمانی که جُعل به او تسلیم شده باشد.

ک ۱۸- هرگاه موضوع جعالة پیدا کردن مال معینی باشد، چه زمانی عامل مستحق دریافت جُعل می‌گردد؟

- (۱) زمانی که جعالة منعقد شده باشد.
- (۲) زمانی که متعلق جعالة را پیدا کرده باشد.
- (۳) زمانی که متعلق جعالة را تسلیم جاعل کند.
- (۴) زمانی که متعلق جعالة را به دست آورده باشد.

ک ۱۹- قرض چه نوع عقدی می‌باشد؟

- (۱) عقدی لازم است.
- (۲) عقدی جایز است.
- (۳) از طرف قرض‌دهنده جایز و از طرف قرض‌گیرنده لازم است.
- (۴) از طرف قرض‌دهنده لازم و از طرف قرض‌گیرنده جایز است.

ک ۲۰- موضوع تعهد مقترض چیست؟

- (۱) قیمت روز رد عین
- (۲) رد عین
- (۳) رد مثل آن چه گرفته شده، هر چند قیمتی نداشته باشد.
- (۴) رد مثل آن چه گرفته شده و در صورتی که در زمان رد قیمت نداشته باشد، آخرین قیمت را باید بپردازد.

ک ۲۱- کدام یک از گزینه‌های ذیل صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) مقترض باید قیمت مال مورد قرض را در روز پرداخت بپردازد.
- (۲) مقترض باید قیمت مال مورد قرض را در روز دریافت بپردازد.
- (۳) مقترض باید مثل مال مورد قرض را بدهد.
- (۴) مقترض باید عین مال مورد قرض را بپردازد.

ک ۲۲- در جعالة چنان چه شرط اجرت شود:

- (۱) جعالة و شرط هر دو صحیح می‌باشند.
- (۲) جعالة و شرط هر دو باطل می‌باشند.
- (۳) جعالة صحیح و شرط باطل می‌باشد.
- (۴) هیچ کدام

ک ۲۳- موجر در صورتی می‌تواند در عین مستأجره تغییری بدهد که

- (۱) آن تغییرات به نفع مستأجر باشد.
- (۲) این تغییرات منافی حق مستأجر نباشد.
- (۳) در هر صورت می‌تواند تغییرات مفید باشد.
- (۴) در هیچ صورت نمی‌تواند تغییرات بدهد.

ک ۲۴- حکم شرط ضمان بر مستأجر بدون تقصیر چیست؟

- (۱) باطل است، زیرا خلاف مقتضای اطلاق عقد است.
- (۲) باطل است، زیرا خلاف مقتضای ذات عقد است.
- (۳) صحیح است، زیرا خلاف مقتضای ذات عقد نیست.
- (۴) صحیح است، زیرا خلاف مقتضای اطلاق عقد نیست.

ک ۲۵- شیئی که در اجاره یا در رهن است را

- (۱) می‌توان فروخت.
- (۲) نمی‌توان فروخت.
- (۳) فقط شیء در اجاره را می‌توان فروخت.
- (۴) فقط شیء در رهن را می‌توان فروخت.



فصل سوم

«عقد شرکت و عقد صلح»

تست‌های تألیفی فصل سوم

❏ مثال ۱: کدام گزینه در مورد عقد شرکت صحیح نیست؟

- (۱) شرکت ممکن است اختیاری یا قهری باشد.
(۲) آن چه در شرکت اهمیت دارد، امتزاج حقوق مالکان است.
(۳) شرکت عقدی است غیرمعوض و بر مبنای مسامحه
(۴) شرکت عقدی است مستمر

❏ پاسخ: گزینه «۳» شرکت عقدی است مغایه‌ای و معوض.

❏ مثال ۲: کدام قسم از انواع شرکت از لحاظ قانون مدنی باطل است؟

- (۱) عنان (۲) ابدان (۳) وجوه (۴) مفاوضه
❏ پاسخ: گزینه «۴» از دیدگاه فقه صرفاً شرکت عنان (شرکت در اموال) صحیح است؛ اما از لحاظ قانون مدنی تمامی انواع شرکت‌ها صحیح است، جز شرکت مفاوضه به دلیل نامشروع بودن مورد.

❏ مثال ۳: شریک مأذون در اداره شرکت به لحاظ سمت خود:

- (۱) وکیل است و ید او امانی است.
(۲) نماینده شرکت است و حتی در صورتی که تعدی و تفریط ننماید ضامن است.
(۳) می‌تواند خارج از حدود اذن به نفع شرکت عمل نماید.
(۴) هیچ کدام
❏ پاسخ: گزینه «۱» چون مأذون است اعمال او در حدود اختیار است مانند وکیل و صحیح است و به همین دلیل ید او امانی است.

❏ مثال ۴: در کدام مورد اداره شرکت منحل نمی‌گردد؟

- (۱) فوت و حجر یکی از شرکا
(۲) انقضای مدت مأذونیت
(۳) ضمیمه نمودن اداره در یک عقد لازم
(۴) انحلال شرکت
❏ پاسخ: گزینه «۳» اگر ضمن عقد لازم اداره شرکت مأذون قرار گیرد، حتی در صورت رجوع از اذن، شرکت منحل نمی‌گردد.

❏ مثال ۵: حالت اطلاق، اصولاً در اداره شرکت مدیران را نشان می‌دهد.

- (۱) استقلال (۲) اجتماع (۳) نسبیت (۴) هیچ کدام
❏ پاسخ: گزینه «۲» اطلاق به حالت اجتماع برمی‌گردد و اصولاً در معنی اداره جمعی است.

❏ مثال ۶: اجاره مال مشاع

- (۱) باطل است، زیرا تصرف در مال غیر است.
(۲) جایز است، لیکن تسلیم عین مستاجر به اذن شریک است.
(۳) صحیح است و نیازی به اذن شریک ندارد.
(۴) غیرنافذ است و نیازمند اذن شریک است.
❏ پاسخ: گزینه «۲» هر یک از شرکا می‌تواند در سهم خودش هر نوع تصرف حقوقی بکند، اما تصرف مادی بدون اذن سایر شرکا که همان تسلیم عین مستاجر می‌باشد، نیازمند اذن سایر شرکا است.



❏ مثال ۷: کدام گزینه در مورد عقد صلح صحیح است؟

- (۱) عقدی است لازم
(۲) عقدی است جایز
(۳) صلح معوض لازم، اما صلح بلاعوض جایز است.
(۴) صلح معوض جایز، اما صلح بلاعوض لازم است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» صلح چه معوض و چه بلاعوض عقدی لازم است.

❏ مثال ۸: صلح مجنون، صغیر ممیز، صغیر غیرممیز و سفیه با تنفیذ ولی به ترتیب چه حکمی دارد؟

- (۱) صحیح، باطل، باطل، صحیح
(۲) باطل، صحیح، صحیح، باطل
(۳) صحیح، صحیح، باطل، باطل
(۴) باطل، صحیح، باطل، صحیح
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» مطابق ماده ۷۵۳ قانون مدنی اهلیت در صلح شرط است، لذا مطابق قواعد عمومی صلح مجنون و صغیر غیرممیز باطل اما صلح سفیه و صغیر ممیز در صورت تنفیذ ولی یا نماینده قانونی صحیح است.

❏ مثال ۹: صلح دعوی مبتنی بر معامله باطله است ولی صلح دعوی ناشی از بطلان معامله است.

- (۱) باطل - صحیح
(۲) صحیح - باطل
(۳) باطل - باطل
(۴) صحیح - صحیح
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» براساس بند ۱ ماده ۷۶۵ قانون مدنی، صلح دعوی مبتنی بر معامله‌ی باطله، باطل است به دلیل فقدان موضوع صلح و صلح دعوی ناشی از بطلان معامله صحیح است.



آزمون فصل سوم

که ۱- اسباب اشاعه عبارتند از:

- (۱) ارث، عقد و امتزاج
(۲) فقط ارث و عقد
(۳) فقط ارث، عقد و وصیت
(۴) ارث، عقد، امتزاج، حیات مباحات

که ۲- تصرفات حقوقی شرکای غیر مأذون در مال مشترک:

- (۱) باطل است.
(۲) صحیح است.
(۳) غیر نافذ است.
(۴) قابل فسخ است.

که ۳- بیع مال مشاع بدون اذن شریک:

- (۱) قابل فسخ است.
(۲) صحیح است.
(۳) غیر نافذ است.
(۴) باطل است.

که ۴- بطلان معامله‌ای معلوم است، دعوای ناشی از آن را:

- (۱) نمی‌توان به صلح خاتمه داد.
(۲) می‌توان به صلح خاتمه داد.
(۳) در صورتی می‌توان به صلح خاتمه داد که صلح معوض باشد.
(۴) در صورتی می‌توان به صلح خاتمه داد که قیمت عوضین مساوی باشد.

که ۵- تدلیس در عقد صلح، موجب:

- (۱) خيار فسخ
(۲) بطلان عقد
(۳) عدم نفوذ عقد
(۴) بی تأثیر است.

که ۶- صلح با اکراه:

- (۱) بلامانع است.
(۲) نافذ نیست.
(۳) نافذ است.
(۴) موجب خيار فسخ است.

که ۷- صلح دعوای مبتنی بر معامله باطل است و صلح و دعوای ناشی از بطلان معامله است.

- (۱) باطل، صحیح
(۲) صحیح، باطل
(۳) باطل، باطل
(۴) صحیح، صحیح

که ۸- حق ارتفاق در یک ملک مشاع، مانع تقسیم

- (۱) می‌باشد.
(۲) نمی‌باشد.
(۳) نمی‌باشد و حق نیز تقسیم می‌شود.
(۴) نمی‌باشد و بعد از تقسیم حق ارتفاق به حال خود باقی است.

که ۹- مهیایات به چه معنی می‌باشد؟

- (۱) معاوضه‌ی عین و منفعت
(۲) اختلاط منافع شرکا
(۳) تقسیم منافع بین شرکای عین
(۴) تملیک منافع شرکا به یکدیگر

که ۱۰- چنانچه تقسیم مال مشترک موجب شود از مالیت بیفتند، در این فرض تقسیم به چه صورتی انجام می‌شود؟

- (۱) به درخواست بیشتر شرکا
(۲) به تراضی کلیه شرکا
(۳) تقسیم آن ممکن نیست.
(۴) در هر حال تقسیم می‌شود

پاسخنامه آزمون‌های عقود معین ۱

فصل اول: بیع

۱- گزینه «۲»	۲- گزینه «۲»	۳- گزینه «۲»	۴- گزینه «۲»	۵- گزینه «۳»
۶- گزینه «۳»	۷- گزینه «۴»	۸- گزینه «۲»	۹- گزینه «۴»	۱۰- گزینه «۲»
۱۱- گزینه «۱»	۱۲- گزینه «۴»	۱۳- گزینه «۴»	۱۴- گزینه «۳»	۱۵- گزینه «۲»

فصل دوم: اجاره، جعاله، قرض

۱- گزینه «۲»	۲- گزینه «۳»	۳- گزینه «۲»	۴- گزینه «۴»	۵- گزینه «۲»
۶- گزینه «۳»	۷- گزینه «۴»	۸- گزینه «۲»	۹- گزینه «۳»	۱۰- گزینه «۱»
۱۱- گزینه «۳»	۱۲- گزینه «۲»	۱۳- گزینه «۲»	۱۴- گزینه «۳»	۱۵- گزینه «۱»
۱۶- گزینه «۲»	۱۷- گزینه «۱»	۱۸- گزینه «۳»	۱۹- گزینه «۱»	۲۰- گزینه «۴»
۲۱- گزینه «۳»	۲۲- گزینه «۱»	۲۳- گزینه «۲»	۲۴- گزینه «۳»	۲۵- گزینه «۳»

فصل سوم: عقد شرکت و عقد صلح

۱- گزینه «۴»	۲- گزینه «۱»	۳- گزینه «۲»	۴- گزینه «۲»	۵- گزینه «۱»
۶- گزینه «۲»	۷- گزینه «۱»	۸- گزینه «۴»	۹- گزینه «۳»	۱۰- گزینه «۳»



عقود معین ۲



فصل اول

«عقود ضمان، ودیعه و عاریه»

تست‌های تألیفی فصل اول

❏ مثال ۱: کدام گزینه در زمینه عقد ضمان صحیح نیست؟

- (۱) ضمان عقدی است معوض (۲) ضمان عقدی است مغایبه‌ای (۳) ضمن عقدی است تبعی (۴) ضمان عقدی است رضایی
- ❏ پاسخ: گزینه «۲» ضمان از جمله عقود است که در آن نفع و سود و ضرر ملاک نیست و از این حیث از عقود مسامحه‌ای می‌باشد.

❏ مثال ۲: اگر قرارداد مبنای دین اصلی باطل باشد؟

- (۱) ضمان صحیح است، چون ضمان عقدی است اصلی
(۲) ضمان باطل است، چون ضمان عقدی است تبعی
(۳) ضمان قابل فسخ است، چون ضمان عقدی است تبعی
(۴) ضمان قابل ابطال است، ولی قرارداد و توافق بر مبنای ماده ۱۰ می‌تواند باشد.
- ❏ پاسخ: گزینه «۲» تبعی بودن عقد ضمان اقتضا می‌کند که اگر قرارداد مبنای دین اصلی باطل باشد، ضمان نیز باطل باشد.

❏ مثال ۳: در کدام عقد علم اجمالی به مورد معامله کافی است؟

- (۱) ضمان (۲) بیع (۳) وکالت (۴) اجاره
- ❏ پاسخ: گزینه «۱» بر اساس ماده ۶۹۴ قانون مدنی: «علم ضامن به مقدار و اوصاف و شرایط دینی که ضمانت آن را می‌نماید شرط نیست».

❏ مثال ۴: ضمان معلق و التزام به پرداخت معلق به ترتیب..... است.

- (۱) باطل، صحیح (۲) صحیح، باطل (۳) باطل، باطل (۴) صحیح، صحیح
- ❏ پاسخ: گزینه «۱» ضمان، نکاح و وقف نمی‌تواند به صورت معلق باشد، اما در ضمان التزام به پرداخت اگر معلق گردید، بلامانع است.

❏ مثال ۵: مطابق اصول حقوقی و روح قانون در عقد ضمان و برای صحت این عقد:

- (۱) طلبکار نمی‌تواند سقیه یا صغیر باشد. (۲) مضمون‌له می‌تواند سقیه یا صغیر باشد.
(۳) طلبکار نمی‌تواند صغیر باشد اما می‌تواند سقیه باشد. (۴) طلبکار نمی‌تواند سقیه باشد اما می‌تواند صغیر باشد.
- ❏ پاسخ: گزینه «۲» مضمون‌له یا همان طلبکار می‌تواند عقد ضمان را به عنوان تملک بلاعوض قبول نماید و از این حیث نیاز به اهلیت ندارد.

❏ مثال ۶: در عقد ضمان رضای مدیون اصلی چه اثری در عقد دارد؟

- (۱) اثری ندارد. (۲) شرط لزوم عقد است. (۳) شرط صحت عقد است. (۴) شرط تحکیم عقد است.
- ❏ پاسخ: گزینه «۱» در عقد ضمان رضای مضمون‌عنه یا مدیون اصلی تأثیری در عقد ندارد و رضایت مضمون‌له و ضامن کفایت می‌کند.

❏ مثال ۷: ضامن شدن از..... صحیح است.

- (۱) محجور (۲) میت (۳) ضامن (۴) هر سه
- ❏ پاسخ: گزینه «۴» در عقد ضمان چون مضمون‌عنه یا بدهکار اصلی دخالتی ندارد، بنابراین اهلیت او نیز شرط صحت عقد نمی‌باشد. آن چه اهمیت دارد اهلیت ضامن و مضمون‌له است.



که مثال ۸: اعسار ضامن در حین عقد.....

- (۱) باعث بطلان عقد است.
- (۲) باعث عدم نفوذ عقد است.
- (۳) باعث انفساخ عقد است.
- (۴) اثری در عقد نمی‌گذارد و مضمون له جاهل فقط حق فسخ دارد.

پاسخ: گزینه «۴» بر اساس ماده ۶۹۰ قانون مدنی. ☒

که مثال ۹: در عقد ضمان، ضمان از دین آینده و ضمان از دین گذشته به ترتیب:

- (۱) صحیح، باطل است.
- (۲) باطل، صحیح است.
- (۳) باطل، باطل است.
- (۴) صحیح، صحیح است.

پاسخ: گزینه «۲» ضمان از دین آینده ضمان مالم یجب و باطل است و صرفاً می‌توان از دین گذشته ضمانت نمود. ☒

که مثال ۱۰: ضمان عهده از بایع به چه معناست؟

- (۱) به این معناست که اگر بیع فاسد باشد، مبیع به بایع بازگردانده شود.
- (۲) به این معناست که بایع مبیع را چنانچه برای تسلیم آن مهلت تعیین شده باشد، در مهلت مقرر به مشتری تسلیم کند.
- (۳) به این معناست که اگر مبیع مستحق‌الغیر درآید، ثمن به خریدار بازگردانده شود.
- (۴) به این معناست که از مشتری برای پرداخت ثمن ضمانت شود.

پاسخ: گزینه «۳» بر اساس ماده ۶۹۷ قانون مدنی. ☒

که مثال ۱۱: ضمانت از نفقه آینده زن:

- (۱) صحیح است، چون سبب دین ایجاد شده است.
- (۲) باطل است، چون دین آینده ضمانتش باطل است.
- (۳) صرفاً نفقه گذشته را می‌توان ضمانت نمود.
- (۴) ضمانت نسبت به نفقه جایز نیست، چون از امور مربوط به شخصیت است (قائم به شخص)

پاسخ: گزینه «۱» ضمان از نفقه گذشته زن بی تردید صحیح است و نفقه آینده نیز چون سبب آن (عقد نکاح) ایجاد گردیده بلامانع است. ☒

که مثال ۱۲: مطابق قانون مدنی، ضمان عهده:

- (۱) صحیح است.
- (۲) باطل است.
- (۳) غیر نافذ است.
- (۴) ضمان صرفاً نسبت به امور شخصی باطل است و هر گونه دیگر صحیح است.

پاسخ: گزینه «۱» مطابق ماده ۶۹۷ قانون مدنی، ضمان عهده از مشتری یا بایع نسبت به درک مبیع یا ثمن در صورت مستحق‌الغیر درآمدن آن جایز است. ☒

که مثال ۱۳: ضمان عهده ناظر به مواردی است که:

- (۱) بیع باطل باشد.
- (۲) بیع فسخ یا اقاله شده باشد.
- (۳) بیع باطل یا اقاله شده باشد.
- (۴) بیع باطل، فسخ یا اقاله شده باشد.

پاسخ: گزینه «۱» ضمان درک صرفاً ویژه موردی است که بیع باطل باشد، نه این که طرفین اقاله یا فسخ نمایند مگر در صورت تراضی. ☒

که مثال ۱۴: تعیین اوصاف و میزان دین در عقد ضمان:

- (۱) لازم است، چون عقدی است مغایه‌ای
- (۲) لازم نیست، چون عقدی است مسامحه‌ای
- (۳) لازم است، چون عقدی است مسامحه‌ای
- (۴) لازم نیست، چون عقدی است مغایه‌ای

پاسخ: گزینه «۲» چون در عقد مبنی بر مسامحه، نفع و سود و ضرر ملاک نیست؛ تعیین دقیق اوصاف و میزان دین در ضمان که از عقود مسامحه‌ای می‌باشد نیز نیاز نمی‌باشد. ☒



❏ مثال ۱۵: مال موضوع دین در عقد ضمان.....

- (۱) ممکن است عین باشد. (۲) ممکن است منفعت باشد. (۳) ممکن است انجام کاری باشد. (۴) هر سه

❑ پاسخ: گزینه «۴»

❏ مثال ۱۶: ضمانت از کدام یک از تعهدات ذیل صحیح است؟

- (۱) حضانت (۲) تمکین (۳) پرداخت نفقه زن (۴) سکونت مشترک با همسر

❑ پاسخ: گزینه «۳» موضوع دین در عقد ضمان باید مال باشد و نمی‌تواند امور غیرمالی را در برگیرد.

❏ مثال ۱۷: ضمان به غیر جنس در صورت توافق:

- (۱) ضمان عقدی است و صحیح (۲) تبدیل تعهد است و باطل (۳) ضمان عهده است و صحیح (۴) عقد ضمان نیست و باطل

❑ پاسخ: گزینه «۱» مطابق اصل آزادی اراده می‌تواند صحیح باشد، البته عده‌ای آن را تبدیل تعهد می‌دانند.

❏ مثال ۱۸: اگر بعد از ضمان، مضمون‌له به مضمون‌عنه مدیون شود، موجب فراغ ذمه ضامن:

- (۱) می‌شود، چون ضمان نقل ذمه به ذمه است. (۲) نمی‌شود، چون ضمان ضم ذمه به ذمه است.

- (۳) نمی‌شود، چون ضمان نقل ذمه به ذمه است. (۴) می‌شود، چون ضمان ضم ذمه به ذمه است.

❑ پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۲۹۷ قانون مدنی، این امر موجب فراغ ذمه ضامن نخواهد شد؛ زیرا اصل در ضمان نقل ذمه است و ذمه مدیون به هنگام ضمان بری می‌شود.

❏ مثال ۱۹: هرگاه دین مدت داشته باشد و ضامن قبل از موعد آن را ادا کند...

- (۱) مادام که دین حال نشده نمی‌تواند از مدیون مطالبه کند.

- (۲) هر زمان بخواهد می‌تواند از مدیون مطالبه کند.

- (۳) در صورتی که مدیون خود به صراحت اذن در تأدیه زودتر را داده باشد ضامن حق رجوع به وی را دارد.

- (۴) گزینه ۱ و ۳

❑ پاسخ: گزینه «۴» براساس ماده ۶۹۲ قانون مدنی.

❏ مثال ۲۰: ضمان وثیقه‌ای همان ضمان..... و ضمان تضامنی همان ضمان..... می‌باشد.

- (۱) طولی، عرضی (۲) عرضی، طولی (۳) طولی، نقل ذمه به ذمه (۴) عرضی، ضم ذمه به ذمه

❑ پاسخ: گزینه «۱» نام دیگر ضمان وثیقه‌ای «ضمان طولی» و نام دیگر ضمان تضامنی «ضمان عرضی» است.

❏ مثال ۲۱: خیار شرط و اقاله در عقد ضمان:

- (۱) صحیح، باطل (۲) باطل، صحیح (۳) باطل، باطل (۴) صحیح، صحیح

❑ پاسخ: گزینه «۱» در ضمان ممکن است برای پرداخت دین توسط ضامن شرایطی مقرر شود که تخلف از آن‌ها برای ضامن یا مضمون‌له حق فسخ ایجاد می‌کند اما اقاله آن صحیح نیست؛ چون به حق شخص ثالث (مضمون‌عنه) زیان می‌رسد.

❏ مثال ۲۲: در چه صورت ضامن حق رجوع به مضمون‌عنه را دارد؟

- (۱) در صورتی که دین را ادا کرده باشد. (۲) در صورتی که قصد تبرع نداشته باشد.

- (۳) در صورتی که مجاز در عقد ضمان باشد. (۴) در صورتی که سه شرط فوق وجود داشته باشد.

❑ پاسخ: گزینه «۴» ضامن در صورتی حق رجوع به مضمون‌عنه را دارد که همه شرایط فوق محرز باشد.



که مثال ۲۳: اگر ضمان به اذن مضمون عنه ولی پرداخت بدون اذن او باشد؟

- (۱) ضمان صحیح است، چون وفای به عهد می‌باشد و اذن در ضمان، اذن در تأدیه نیز می‌باشد.
- (۲) ضمان باطل است، چون پرداخت تبرعی است و اذن در ضمان، اذن در تأدیه نیست.
- (۳) غیرنافذ است.
- (۴) پرداخت دین طبیعی است.

☒ پاسخ: گزینه «۱» بنابر آن چه در مورد اثر ضمان نقل ذمه گفته شد، ضمان در حکم وفای به عهد است و اذن در ضمان حاوی اذن در پرداخت نیز می‌باشد.

که مثال ۲۴: مالکیت ما فی الذمه ضامن:

- (۱) موجب برائت است و تهاتری است قهری
- (۲) موجب برائت نیست، چون ضمان عقدی مستقل است.
- (۳) موجب برائت است و تهاتری است قراردادی
- (۴) موجب برائت نیست، چرا که عقد ضمان عقدی است تبعی

☒ پاسخ: گزینه «۱» مالکیت ما فی الذمه باعث می‌شود که قهراً نسبت به دین ضامن به مضمون له تهاتر ایجاد گردد.

که مثال ۲۵: حکم ضمان به بیشتر از دین چیست؟

- (۱) صحیح است در صورتی که مضمون عنه اذن داده باشد.
- (۲) صحیح است، حتی اگر مضمون عنه اذن نداده باشد.
- (۳) باطل است در صورتی که مضمون له اذن داده باشد.
- (۴) صحیح است در صورتی که مضمون له اذن داده باشد.

☒ پاسخ: گزینه «۱» مطابق ماده ۷۱۴ قانون مدنی، اگرچه ضامن بیشتر از میزان دین به مضمون له پرداخت کرده باشد، فقط می‌تواند همان مبلغ اصلی را از مضمون عنه دریافت کند، مگر این که مضمون عنه خود به میزان بیشتر اذن داده باشد.

که مثال ۲۶: حکم ضمان از دین موجل مطابق قانون مدنی چیست؟

- (۱) باطل است.
 - (۲) صحیح است و ضامن می‌تواند حتی قبل از موعد معین به مضمون عنه رجوع نماید.
 - (۳) باطل است مگر با توافق
 - (۴) صحیح است اما ضامن نمی‌تواند قبل از موعد معین به مضمون عنه رجوع نماید.
- ☒ پاسخ: گزینه «۴» مطابق قانون مدنی ضمان حال از دین موجل ممکن است، ولی ضامن قبل از موعد معین نمی‌تواند به مضمون عنه رجوع کند همین طور است اگر ضمان مدت داشته، لکن کمتر از مدت دین اصلی باشد.

که مثال ۲۷: در صورت تعدد ضامن‌ها، اگر سهم هر یک مشخص نباشد:

- (۱) اصل بر تساوی است و تضامن بر خلاف اصل است.
- (۲) اصل بر تضامن است و تساوی بر خلاف اصل است.
- (۳) ضمان به صورت وثیقه‌ای و طولی است.
- (۴) ضمان به صورت عرضی می‌باشد.

☒ پاسخ: گزینه «۱» از آنجا که تضامن خلاف اصل است، در این حالت حکم به تساوی داده می‌شود.

که مثال ۲۸: اگر شخصی ضامن مدیون شود و دیگری نیز از ضامن ضمانت کند این ضمان از نوع می‌باشد.

- (۱) ضمان دور
- (۲) ضمان ترامی
- (۳) ضمان عهده
- (۴) ضمان وثیقه‌ای

☒ پاسخ: گزینه «۲» عنوان دیگر ضمان ترامی، همان تسلسل است.

که مثال ۲۹: منظور از ضمان به صورت ترامی چیست؟

- (۱) منظور این است که یک نفر از بدهکار اصلی ضمانت کند، دیگری از ضامن ضمانت کند و دیگری ضامن ضامن شده و...
- (۲) منظور این است که یک نفر از بدهکار اصلی ضمانت کند و بدهکار اصلی از ضامن ضمانت کند.
- (۳) به ضمان به صورت دور ضمان ترامی می‌گویند.
- (۴) هیچ کدام

☒ پاسخ: گزینه «۱» اگر ضامن از مضمون عنه و باز کسی از ضامن ضمانت کند و به همین ترتیب پیش رود، ضمان از نوع ترامی یا تسلسل است.

❏ مثال ۳۰: مبنای امانت قراردادی و شرعی به ترتیب:

- (۱) اذن در قراردادی، قرارداد و اذن در شرعی
(۲) قرارداد و اذن در شرعی، قرارداد در قراردادی
(۳) در قراردادی صرف اذن و در شرعی صرف اذن
(۴) در قراردادی، قرارداد و در شرعی، اذن
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» در امانت قراردادی، مبنای امانت، توافق یا همان قرارداد و در امانت شرعی، اذن شارع یا حاکم می‌باشد.

❏ مثال ۳۱: کدام گزینه از اوصاف عقد ودیعه نیست؟

- (۱) در ودیعه باید عین مال به مالک مسترد گردد.
(۲) قبول امین صرفاً باید به لفظ باشد.
(۳) اگر مال مثلی هم باشد، باز هم باید عین مال به مالک برگشت داده شود.
(۴) گزینه ۱ و ۳
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» مستند به ماده ۶۰۸ قانون مدنی.

❏ مثال ۳۲: ودیعه‌ای که صغیر غیرممیز منعقد نماید، در صورت تنفیذ ولی:

- (۱) باطل
(۲) صحیح
(۳) غیرنافذ
(۴) غیر قابل استناد
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» ودیعه‌ای که صغیر غیرممیز منعقد می‌نماید، حتی در صورت تنفیذ ولی، به دلیل فقدان قصد باطل است.

❏ مثال ۳۳: در عقد ودیعه و در صورت تلف مال:

- (۱) ید مستودع ضمانی است.
(۲) تقصیر مفروض نیست.
(۳) با اثبات عدم انتساب فعل به مستودع، مسئولیتی متوجه مستودع نیست.
(۴) گزینه ۲ و ۳
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» ید مستودع امانی است و تقصیر او مفروض نمی‌باشد. لذا در صورت تلف مال با اثبات عدم انتساب فعل به خود، مسئولیتی ندارد.

❏ مثال ۳۴: ضابطه رفتار امین:

- (۱) ضابطه‌ای نوعی است.
(۲) ضابطه‌ای شخصی است.
(۳) ضابطه‌ای نوعی و عرفی است.
(۴) هیچ کدام
- ❑ پاسخ: گزینه «۱» یعنی تا حدی که عرف برای حفاظت از این مال تلاش می‌کند، امین هم باید تلاش نماید.

❏ مثال ۳۵: تعهد امین به حفظ مال ودیعه:

- (۱) تعهد به نتیجه است.
(۲) تعهد به وسیله است.
(۳) اصولاً تعهد به نتیجه است.
(۴) اصولاً تعهد به وسیله است.
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» تعهد امین تعهد به وسیله است و صرفاً باید در حفظ مال کوشش عرفی نماید.

❏ مثال ۳۶: اگر مال در دست امین تلف شود اما آن را بیمه نموده باشد:

- (۱) هم درباره جبران خسارت مسئولیت دارد و هم نمی‌تواند خسارت پرداختی بیمه را تملک نماید.
(۲) درباره جبران خسارت مسئولیت ندارد اما نمی‌تواند خسارت پرداختی بیمه را تملک نماید.
(۳) درباره جبران خسارت مسئولیت ندارد و می‌تواند خسارت پرداختی بیمه را نیز تملک نماید.
(۴) هیچ کدام
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» اگر امین مال را بیمه کند و سپس مال در اثر حادثه خارجی تلف شود، در این صورت امین درباره جبران خسارت مسئولیتی ندارد ولی نمی‌تواند خسارتی که بیمه پرداخته را تملک نماید.

❏ مثال ۳۷: کدام گزینه در مورد عاریه صحیح است؟

- (۱) عقدی است مبتنی بر تملیک منفعت
(۲) عقدی است مبتنی بر حق انتفاع
(۳) عقدی است مبتنی بر اجازه انتفاع
(۴) عقدی است مبتنی بر اباحه انتفاع
- ❑ پاسخ: گزینه «۳» در حقیقت در عاریه اجازه انتفاع به وجود می‌آید و تملیک منفعت یا دادن حق انتفاع اثر عقد نیست.



❏ مثال ۳۸: موضوع عقد عاریه می‌تواند..... باشد.

(۱) مال مصرف شدنی یا قابل بقا باشد.

(۲) مال مصرف شدنی باشد.

(۳) مال قابل بقا باشد.

(۴) اصولاً باید قابل بقا باشد، اما می‌توان مال مصرف شدنی را نیز با توافق قابلیت بقا داد.

❏ پاسخ: گزینه «۴» در عاریه موضوع باید قابل بقا باشد، در غیر این صورت اباحه‌ی انتفاع است، اما می‌توان با توافق قابلیت بقا، مال مصرفی شدنی را موضوع عقد عاریه قرارداد.

❏ مثال ۳۹: در عاریه طلا و نقره:

(۱) در مسکوکات مستعیر ضامن و در غیر مسکوکات مسئولیت ندارد.

(۲) در غیر مسکوکات مستعیر ضامن و در مسکوکات مسئولیت ندارد.

(۳) اعم از مسکوکات و غیر مسکوکات مستعیر ضامن است.

(۴) نمی‌توان شرط عدم ضمان نمود.

❏ پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۶۴۴ قانون مدنی، در عاریه طلا و نقره اعم از مسکوک و غیر مسکوک مستعیر ضامن است.

❏ مثال ۴۰: مطابق قانون مدنی، عاریه منحه:

(۱) تملیک منفعت است.

(۲) اباحه منفعت است.

(۳) اجازه در انتفاع است.

(۴) باطل است.

❏ پاسخ: گزینه «۲» مطابق قانون چون منحه مال مصرف شدنی است، اباحه انتفاع می‌باشد، اما به نظر فقها عاریه دادن آن استثنائاً صحیح است.

❏ مثال ۴۱: هزینه‌های انتفاع از مال مورد عاریه:

(۱) مطلقاً بر عهده مستعیر است.

(۲) اصولاً بر عهده مستعیر است.

(۳) مطلقاً بر عهده معیر است.

(۴) اصولاً بر عهده معیر است.

❏ پاسخ: گزینه «۲» هزینه‌هایی که برای استفاده بهتر از مال است، اصولاً بر عهده مستعیر است، مگر خلاف آن شرط شود.

❏ مثال ۴۲: عقود مبتنی بر مسامحه از جمله عاریه دارای قواعد:

(۱) عموماً آمره‌ای است.

(۲) مطلقاً تکمیلی است.

(۳) عموماً تکمیلی است.

(۴) مطلقاً آمره‌ای است.

❏ پاسخ: گزینه «۳» عقود مسامحه‌ای عموماً و بیشتر از قواعد تکمیلی برخوردار هستند و می‌توان در غیر از مواردی اندک با توافق برخلاف آن تراضی نمود.



آزمون فصل اول

که ۱- عقد ضمان در صورتی صحیح است که:

- (۱) سبب دین ایجاد شده باشد.
- (۲) ضامن مال دار باشد.
- (۳) مقدار دین برای ضامن معلوم باشد.
- (۴) دین حال باشد.

که ۲- کدام گزینه صحیح نیست؟

- (۱) اگر بعد از ضمان، مضمون له به مضمون عنه مدیون شود، ضامن بری نمی شود.
- (۲) تعلیق ضمان به شرایط صحت آن، موجب بطلان آن نمی شود.
- (۳) ضمان مؤجل به فوت ضامن حال نمی شود.
- (۴) هیچ کدام

که ۳- اذن مضمون عنه در عقد ضمان چه تأثیری دارد؟

- (۱) اذن او شرط صحت عقد است.
- (۲) عدم اذن او مانع رجوع ضامن به او می شود.
- (۳) اذن او شرط نفوذ عقد است.
- (۴) هیچ تأثیری ندارد.

که ۴- در کدام یک از انواع ضمان، اقاله امکان پذیر است؟

- (۱) ضمان نقل ذمه (مطلق)
- (۲) تضامنی
- (۳) وثیقه ای
- (۴) گزینه ۲ و ۳

که ۵- ضمان عقدی است.....

- (۱) عینی
- (۲) معوض
- (۳) جایز
- (۴) اصلی و مستقل

که ۶- اگر قراردادی که مبنای عقد ضمان است فسخ شود،.....

- (۱) ضمان باطل می شود.
- (۲) ضامن بری می شود.
- (۳) ضمان همچنان باقی می ماند.
- (۴) ضامن حق فسخ دارد.

که ۷- هرگاه چند نفر ضامن شخصی شوند، ضمانت کدام یک صحیح است؟

- (۱) هر کدام را که مدیون اصلی بپذیرد.
- (۲) هر کدام را که مضمون له قبول کند.
- (۳) اولین کسی که ضمانت کرده.
- (۴) آخرین کسی که ضمانت کرده.

که ۸- با عقد ضمان، تضمینات دین

- (۱) باقی می ماند.
- (۲) با دین به ضامن منتقل می شود.
- (۳) باقی نمی ماند.
- (۴) اختیار با مدیون است.

که ۹- در کدام یک از حالات زیر، ضامن حق رجوع به مضمون عنه را از دست می دهد؟

- (۱) حواله طلب از طرف مضمون له به ثالث
- (۲) ضامن مالک مافی الذمه ی خود شود.
- (۳) صلح ضامن با مضمون له نسبت به تمام دین
- (۴) حواله دین از طرف ضامن به ثالث

که ۱۰- مضمون صحت عقد ضمان چیست؟

- (۱) مضمون عنه زنده باشد.
- (۲) ضامن، ملی باشد.
- (۳) تعهد مضمون عنه، مالی باشد.
- (۴) ضامن و مضمون عنه توافق کرده باشند.

که ۱۱- در رابطه با قلمرو ضمان درک، کدام گزینه صحیح نیست؟

- (۱) ضمان درک ویژه ی عین معین است.
- (۲) در رابطه با ثمن هم در صورتی که عین معین باشد، مقررات ضمان درک حاکم است.
- (۳) ضمان درک در کلی فی الذمه هم وجود دارد.
- (۴) هیچ کدام

که ۱۲- در اثر انعقاد عقد ضمان در قانون مدنی، چه اتفاقی رخ می دهد؟

- (۱) نقل ذمه به ذمه
- (۲) ضم به ذمه به ذمه
- (۳) ختم التزام به ذمه
- (۴) نقل ذمه به التزام

**کدام ۱۳- مراد از امانت شرعی چیست؟**

- (۱) امانتی است که از اذن ضمنی شارع در تنفیذ اذن و معاملات مالک ناشی می‌شود و می‌تواند به صورت اذن صریح و ابتدایی شارع باشد.
- (۲) امانتی است که از اذن صریح و ابتدایی شارع ناشی می‌شود.
- (۳) امانتی است که از اذن ضمنی و تنفیذی شارع ناشی می‌شود.
- (۴) امانتی است که وکیل در رابطه با مال مورد وکالت اعمال می‌کند.

کدام ۱۴- در رابطه‌ی ضمان مستعیر، کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) مستعیر ضامن تلف یا نقصان مال عاریه نمی‌باشد، مگر در صورت تعدی یا تفریط
- (۲) مستعیر ضامن تلف و نقصان مال عاریه در هر صورت می‌باشد.
- (۳) مستعیر ضامن تلف یا نقصان مال عاریه نمی‌باشد، مگر در صورت تعدی یا تفریط ولی در عاریه طلا و نقره مستعیر ضامن است.
- (۴) مستعیر در هر حال ضامن نیست و شرط ضمان نیز باطل است.

کدام ۱۵- در رابطه با ضمان ناشی از منقضت ناشی از صرف استعمال بر مستعیر کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) در هیچ صورتی مستعیر ضامن منقضت ناشی از صرف استعمال نیست و در صورت شرط این امر، شرط باطل است.
- (۲) اگر به مستعیر شرط شود، چنین شرطی نافذ است و ضامن این منقضت نیز خواهد بود.
- (۳) مستعیر مسئول منقضت ناشی از استعمال عاریه نیست حتی در فرض که در غیر مورد اذن استعمال نموده باشد.
- (۴) مستعیر در هر صورت ضامن نقصان ناشی از صرف استعمال است.

کدام ۱۶- کدام یک از عقود ذیل مجانی است؟

- (۱) عاریه (۲) ودیعه (۳) هبه (۴) هر سه

کدام ۱۷- اثر حقوقی قبض در عقد ودیعه چیست؟

- (۱) قبض شرط لزوم ودیعه است (۲) قبض شرط صحت ودیعه است. (۳) قبض شرط نفوذ ودیعه است. (۴) هیچ کدام

کدام ۱۸- در تعریف عقد ودیعه، کدام یک از عبارات زیر را مناسب می‌دانید؟ ودیعه عقدی است که:

- (۱) به موجب آن شخص امین از مال دیگری حفاظت نموده و حق الزحمه خود را دریافت دارد.
- (۲) طبق آن مالک یا نماینده او رأساً دیگری را موظف به نگهداری مال و انتقال منافع به مالک مال می‌نماید.
- (۳) طی آن مالک یا نماینده او از دیگری می‌خواهد از مال او به طور مجانی نگهداری کند و مورد قبول واقع شود.
- (۴) طی آن مالک حق استفاده از مال خود را به دیگری تفویض می‌کند.

کدام ۱۹- کدام یک از اشخاص ذیل می‌توانند مالی را به ودیعه گذارند؟

- (۱) مالک مال (۲) قائم مقام مالک
(۳) کسی که به طور ضمنی از جانب مالک مجاز باشد. (۴) هر سه مورد

کدام ۲۰- چنانچه برای عقد ودیعه مدت تعیین شود، این امر چه اثری دارد؟

- (۱) عقد را لازم می‌گرداند و هیچ یک از طرفین قبل از انقضای مدت، حق به هم زدن عقد را ندارد.
- (۲) هیچ اثری ندارد و هریک از طرفین هر زمان بخواهد می‌تواند عقد را برهم بزند.
- (۳) اگر مدت به صورت شرط باشد، عقد را لازم می‌گرداند والا اثری ندارد.
- (۴) مستودع نمی‌تواند قبل از انقضای مدت عقد را برهم بزند، ولی مودع هر زمان بخواهد می‌تواند عقد را به هم بزند.

کدام ۲۱- تعهد امین در حفاظت از مورد ودیعه، چه نوع تعهدی است؟

- (۱) تعهد تضمین نتیجه (۲) تعهد غیرقراردادی (۳) تعهد به وسیله (۴) تعهد به نتیجه

کدام ۲۲- تبدیل وضع حقوقی مستودع در اثر تقصیر او چه اثری در عقد می‌گذارد؟

- (۱) باعث انفساخ عقد می‌شود. (۲) باعث بطلان عقد می‌شود.
(۳) باعث قطع اذن در عقد ودیعه می‌شود. (۴) هیچ کدام

کدام ۲۳- منافع حاصل از ودیعه از آن کیست؟

- (۱) منافع متصله از آن مالک است. (۲) منافع منفصله و متصله از آن مالک است.
(۳) منافع از آن امین است. (۴) منافع منفصله و متصله از آن امین است.

۲۴- هزینه رد مال ودیعه بر عهده کیست؟

- (۱) مودع (۲) مستودع (۳) هردو به تساوی (۴) بر طبق عرف مشخص می‌شود.

۲۵- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) در عقد عاریه مال مورد عاریه به تملک مستعیر درمی‌آید و هنگام رد باید عین آن را به معیر تسلیم کند.
(۲) منافع مال مورد عاریه به مستعیر تملیک می‌شود.
(۳) مستعیر اجازه انتفاع از مال مورد عاریه پیدا می‌کند.
(۴) مستعیر حق انتفاع از مال مورد عاریه پیدا می‌کند.

۲۶- کدام یک از موارد ذیل شرط صحت عاریه نیست؟

- (۱) اهلیت معیر (۲) مالکیت معیر نسبت به منافع (۳) مالکیت معیر نسبت به عین (۴) موجود بودن منافع

۲۷- کدام گزینه غلط است؟

- (۱) هرگاه تقسیم متضمن افتادن تمام مال مشترک از مالیت باشد، تقسیم ممنوع است، اگر چه شرکا تراضی نمایند.
(۲) کسی که در ملک دیگری حق ارتفاق دارد، نمی‌تواند مانع از تقسیم آن ملک شود.
(۳) عاریه‌دهنده باید مالک عین و منافع مالی باشد که عاریه می‌دهد.
(۴) هر سه مورد

۲۸- عاریه چه نوع عقدی است؟

- (۱) لازم (۲) جایز (۳) عینی (۴) گزینه ۲ و ۳

۲۹- عقد عاریه:

- (۱) به سفته معیر منفسخ می‌شود.
(۲) به موت مستعیر منفسخ می‌شود.
(۳) به موت مستعیر منفسخ می‌شود.
(۴) در همه موارد سه گانه فوق منفسخ می‌شود.

۳۰- مستعیر مسئول چه نواقصی در مال عاریه است؟

- (۱) منقصت ناشی از استعمال مال عاریه
(۲) منقصت ناشی از استعمال در غیر مورد اذن
(۳) منقصت ناشی از استعمال غیر
(۴) گزینه ۲ و ۳

۳۱- در کدام مورد مستعیر ضامن است؟

- (۱) هر حال ضامن است.
(۲) در صورتی ضامن است که نقره مسکوک باشد.
(۳) در صورتی ضامن است که شرط ضمان شده باشد.
(۴) در صورتی ضامن است که تعدی و تفریط کرده باشد.

۳۲- در عاریه طلا و نقره، کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) مستعیر ضامن نیست، مگر این که شرط ضمان شده باشد.
(۲) مستعیر ضامن نیست، حتی اگر شرط ضمان شده باشد.
(۳) مستعیر ضامن نیست، حتی اگر تعدی و تفریط کرده باشد.
(۴) مستعیر ضامن است، هر چند ضمان نشده و تعدی و تفریط هم نکرده باشد.

۳۳- مخارج لازم برای انتفاع از مال عاریه بر عهده کیست؟

- (۱) معیر (۲) مستعیر
(۳) هر دو به تساوی (۴) اصولاً طبق عرف و عادت تعیین می‌شود.

۳۴- مستعیر منافع مال مورد عاریه را اجاره می‌دهد، این اجاره دارای چه حکمی می‌باشد؟

- (۱) اجاره صحیح بوده و مال‌الاجاره آن متعلق به مستعیر می‌باشد.
(۲) اجاره باطل است.
(۳) اجاره صحیح بوده و مال‌الاجاره آن متعلق به معیر می‌باشد.
(۴) اجاره غیرنافذ است.

۳۵- ضمان از اعیان امانی قبل از تعدی و تفریط..... است.

- (۱) صحیح (۲) باطل
(۳) غیرنافذ (۴) دین آینده است و صحیح نمی‌باشد.



فصل دوم

«عقد حواله»

تست‌های تألیفی فصل دوم

که مثال ۱: کدام گزینه در مورد حواله صحیح نیست؟

- (۱) معوض است (۲) تبعی است (۳) جایز است (۴) یک ایجاب و دو قبول دارد.
- پاسخ: گزینه «۳» حواله عقدی است لازم و این لزوم نسبت به هر سه طرف بوده و هیچ‌یک نمی‌توانند عقد را بر هم زنند. ☒

که مثال ۲: حق فسخ محتال ناظر به اعسار محال‌علیه، مطابق قانون:

- (۱) مربوط به اعسار قبل از عقد است. (۲) مربوط به اعسار حین عقد است.
(۳) مربوط به اعسار پس از عقد است. (۴) اعسار محال‌علیه در همه حال است.
- پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده ۷۲۹ قانون مدنی، زمانی اختیار فسخ ایجاد می‌گردد که محال‌علیه در حین عقد معسر باشد. ☒

که مثال ۳: ماهیت حقوقی حواله برابر نوعی می‌باشد.

- (۱) انتقال دین (۲) ضمانت (۳) انتقال طلب (۴) گزینه ۱ و ۲
- پاسخ: گزینه «۴» چون محیل طلبی ندارد، محال‌علیه تنها به جای مدیون نشسته و دین او را ادا می‌کند که شباهت بسیاری با ضمانت یا انتقال دین دارد. ☒

که مثال ۴: مدیون بودن محال‌علیه در عقد حواله

- (۱) شرط لزوم عقد است. (۲) شرط تحقق و لزوم حواله است. (۳) شرط صحت حواله است. (۴) شرط نیست.
- پاسخ: گزینه «۴» هر چند به طور معمول محال‌علیه، مدیون محیل است، ولی این مسئله هیچ ضرورتی در حواله ندارد و حواله می‌تواند بر عهده محال‌علیه بری صادر شود. یعنی محال‌علیه‌ای که به محیل بدهکار نباشد. می‌توان گفت که حواله دو قسم است یا انتقال دین است به این معنا که ذمه‌ی محیل بری می‌شود و به جای آن ذمه‌ی محال‌علیه مشغول می‌گردد و یا انتقال طلب است به این معنا که طلبی که محیل از محال‌علیه داشته حالا به محتال منتقل شده است، یعنی به جای محیل، محتال از محال‌علیه طلبکار است. ☒

که مثال ۵: اطراف اصلی حواله چه کسانی هستند؟

- (۱) محال‌علیه و محیل (۲) محیل و محتال (۳) محیل، محتال و محال‌علیه (۴) محتال و محال‌علیه
- پاسخ: گزینه «۳» از آنجا که ماده ۷۲۵ قانون مدنی رضای محتال و قبول محال‌علیه را در عرض یکدیگر قرار داده، معلوم می‌شود حواله علاوه بر ایجاب که توسط محیل گفته می‌شود، نیازمند دو قبول است که توسط محتال و محال‌علیه گفته خواهد شد و هر دو قبول شرط تحقق حواله است. ☒

که مثال ۶: کدام گزینه در مورد حواله صحیح نیست؟

- (۱) باید سبب دین ایجاد شده باشد (۲) لازم نیست محال‌علیه مال دار باشد.
(۳) علم اجمالی به مقدار دین کافی است. (۴) تردید در موضوع حواله سبب بطلان است.
- پاسخ: گزینه «۳» موضوع حواله باید معلوم باشد و عدم علم به موضوع معامله در موارد خاص باید توسط قانون‌گذار تصریح شود، بنابراین چون حواله از موارد خاص نیست و تصریحی نسبت به این مورد وجود ندارد، علم کامل نسبت به موضوع حواله لازم است. ☒

که مثال ۷: در حواله به غیر جنس تضمینات سابق و در صورتی که حواله از همان جنس باشد

- (۱) منحل نمی‌شود - انحلال ترجیح دارد. (۲) منحل نمی‌شود - منحل نمی‌شود.
(۳) منحل می‌شود - منحل نمی‌شود. (۴) منحل می‌شود - انحلال ترجیح دارد.
- پاسخ: گزینه «۴» هرگاه حواله به جنس دیگری باشد، مفهوم آن انحلال دین سابق و تبدیل آن به دین جدید است. بنابراین طبیعی است که با انحلال دین سابق تضمینات نیز از بین خواهد رفت. ☒

❏ مثال ۸: کدام یک از خيارات زیر در عقد حواله وجود دارد؟

- (۱) خيار فسخ به علت اعسار، خيار تخلف از شرط
(۲) خيار فسخ به علت اعسار و خيار تأخير ثمن
(۳) خيار تخلف از شرط، خيار شرط
(۴) خيار تخلف از شرط، خيار شرط و خيار فسخ، به علت اعسار
- ❑ پاسخ: گزینه «۴» خيار تأخير ثمن ويژه عقد بيع است، اما ساير خيارات ذکر شده در عقد حواله موجود است.

❏ مثال ۹: محال عليه بریء در حکم است.

- (۱) وکیل (۲) ضامن (۳) کفیل (۴) برات گیر

❑ پاسخ: گزینه «۲» با توجه به اینکه بعد از تحقق حواله دين محیل به محتال ساقط می‌شود و تنها محال عليه به عنوان مدیون اصلی شناخته می‌شود، بنابراین او را وکیل نمی‌توان دانست، بلکه ضامن است. کفیل نبودن او نیز روشن است. اما در مورد برات گیر باید گفت: برات نهادی است مشابه حواله در حقوق تجاری که احکام و مسئولیت‌های آن با حواله در قانون مدنی متفاوت است و تنها به خاطر شباهت ظاهری نمی‌توان گفت در حکم آن باشد.

❏ مثال ۱۰: در هنگام اختلاف در دين محیل به محتال و نیز هنگام اختلاف در دين محال عليه به محیل طبق قانون در هر مورد کدام صحیح است؟

- (۱) اصل برائت حاکم است - ظاهر بر اصل حاکم است.
(۲) در هر دو اصل برائت حاکم است.
(۳) ظاهر بر اصل حاکم است، اما برائت حاکم است.
(۴) در هر دو ظاهر بر اصل برائت حکومت دارد.

❑ پاسخ: گزینه «۴» هر چند عده‌ای از فقها در این دو مورد اصل برائت را حاکم دانسته و محیل و محال عليه را در فرض اختلاف مدیون نمی‌دانند، اما قانون مدنی ما با توجه به عرف موجود و نیز با توجه به ماده ۲۶۵ قانون مدنی: «هرکس مالی به دیگری بدهد ظاهر در عدم تبرع است، بنابراین اگر کسی چیزی بدهد بدون اینکه مقروض آن چیز باشد، می‌تواند استرداد کند.» پرداخت را ظاهر در عدم تبرع می‌داند یعنی اگر شخصی مالی به دیگری پرداخت، ظهور بر این دارد که دینی را پرداخت کرده است، بنابراین در هر دو مورد ظهور در پرداخت دين بر اصل برائت و اصل عدم ترجیح و حکومت دارد.

❏ مثال ۱۱: در حواله محیل به محتال مدیون باشد، ولی محال عليه به محیل مدیون نباشد.

- (۱) می‌تواند - نمی‌تواند (۲) باید - می‌تواند (۳) نباید - باید (۴) باید - نمی‌تواند.

❑ پاسخ: گزینه «۲» حواله برای ایفای دين به کار می‌رود، بنابراین وجود دين محیل به محتال از ارکان اصلی عقد حواله است و اگر محیل هدفی جز پرداخت دين داشته باشد، عمل حقوقی انجام شده را نباید «حواله» نامید (رجوع کنید ماده ۷۲۶ و ماده ۷۲۷ قانون مدنی).

❏ مثال ۱۲: موارد انحلال حواله عبارت است از:

- (۱) بطلان، فسخ، تفاسخ، اقاله (۲) تفاسخ، فسخ، بطلان (۳) بطلان، تفاسخ، اقاله (۴) بطلان، اقاله
- ❑ پاسخ: گزینه «۲» تفاسخ و اقاله به یک معناست و موارد انحلال حواله عبارتند از: بطلان، فسخ، اقاله

❏ مثال ۱۳: کدام یک از خيارات در عقد حواله جاری نمی‌شود؟

- (۱) خيار مجلس (۲) خيار شرط (۳) خيار تخلف از شرط (۴) ۲ و ۳

❑ پاسخ: گزینه «۱» ماده ۷۳۲ و مفاد ماده ۷۳۳ خيارات وارد در حواله را به اعسار و خيار فسخ محدود کرده‌اند. همان‌طور که گفته شد نمی‌توان وجود خيار تخلف از شرط را در حواله انکار کرد. به خصوص که در مورد ضمان که نهادی مشابه است تصریح به وجود این خيار شده است. به علاوه باید توجه داشت که خيار مجلس از خيارهای عقد بيع است.

❏ مثال ۱۴: کدام گزینه در مورد حواله صحیح نیست؟

- (۱) اقاله حواله ممکن است و اراده هر سه طرف لازم است.
(۲) اعسار محال عليه هنگام عقد به محتال حق فسخ می‌دهد.
(۳) اگر بيع مبنای حواله باطل باشد، حواله باطل نمی‌شود.
(۴) اگر بيع مبنای حواله فسخ شود، حواله فسخ نخواهد شد.

❑ پاسخ: گزینه «۳» در صورت بطلان معامله پایه که حواله بر مبنای آن ایجاد شده، حواله نیز باطل می‌شود، زیرا حواله سبب خود را از دست داده است اما در مورد فسخ معامله به یکی از دلایل، حواله به عقیده مشهور مؤلفان همچنان پا بر جاست و منفسخ نمی‌شود.



آزمون فصل دوم

که ۱- ماهیت عقد حواله چیست؟

- (۱) تبدیل تعهد از راه تبدیل داین
- (۲) تبدیل تعهد از راه تبدیل مدیون
- (۳) تبدیل تعهد از راه تبدیل داین و مدیون
- (۴) هیچ کدام

که ۲- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) شرط تحقق حواله، مدیون بودن محیل به محتال است.
- (۲) حواله عقدی است اصلی
- (۳) در حواله به شخص ثالث محتال گویند.
- (۴) هیچ کدام

که ۳- کدام گزینه صحیح نیست؟

- (۱) اوصاف دین حواله مالی و عین معین بودن است.
- (۲) مقدار، جنس و موضوع حواله باید برای طرفین معین باشد.
- (۳) حواله عقدی است لازم.
- (۴) حواله عقدی است سه طرفه.

که ۴- اگر در عقد اجاره، مستأجر حواله داده باشد که موجر، اجاره‌بها را از محال علیه دریافت کند و بعد معلوم گردد اجاره باطل بوده است:

- (۱) حواله باطل است.
- (۲) حواله صحیح است.
- (۳) حواله غیرنافذ است.
- (۴) هیچ کدام

که ۵- هرگاه در زمان حواله، محال علیه، معسر باشد، محتال

- (۱) حق فسخ حواله را دارد.
- (۲) حق فسخ حواله را ندارد.
- (۳) در صورتی حق فسخ حواله را دارد که نسبت به اعسار محال علیه جاهل بوده باشد.
- (۴) در صورتی حق فسخ حواله را دارد که محیل نسبت به اعسار محال علیه عالم بوده باشد.



فصل سوم

«عقد کفالت»

تست‌های تألیفی فصل سوم

که مثال ۱: عقد کفالت:

- (۱) عقدی لازم است.
(۳) از طرف کفیل لازم و از طرف مکفول له جایز است.
(۲) عقدی جایز است.
(۴) از طرف کفیل جایز و از طرف مکفول له لازم است.
- پاسخ: گزینه «۳» کفالت از جمله عقود دو وجهی است که از طرف کفیل لازم اما از طرف مکفول له جایز است. ☒

که مثال ۲: کدام گزینه در مورد عقد کفالت غلط است؟

- (۱) معوض است
(۳) تبعی است
(۲) از یک طرف لازم و از یک طرف جایز است
(۴) قائم به شخص کفیل است
- پاسخ: گزینه «۱» کفالت عقدی بر مبنای مسامحه است که در آن کفیل در برابر تعهد به احضار مکفول هیچ پاداش یا عوضی دریافت نمی‌کند و مکفول له نیز تعهدی پیدا نمی‌کند. بنابراین معوض نیست. ☒

که مثال ۳: اذن مدیون به پرداخت دین در دو عقد ضمان و کفالت چه اثری دارد؟

- (۱) در هر دو حق رجوع به مدیون را سبب می‌شود
(۲) در ضمان بی اثر ولی در کفالت حق رجوع به پرداخت کننده می‌دهد
(۳) در هر دو بی اثر است
(۴) در کفالت بی اثر ولی در ضمان حق رجوع به پرداخت کننده می‌دهد
- پاسخ: گزینه «۲» در عقد ضمان دین از عهده مدیون به عهده ضامن منتقل می‌شود و پس از آن مدیون اصلی همچون بیگانه‌ای است که اذن می‌دهد، چون دینی بر عهده او نیست، ولی در کفالت مدیون اصلی (مکفول) همچنان دین را بر عهده دارد. پس اذن او همچنان مؤثر است. ☒

که مثال ۴: اگر شخصی مدیون را از دست طلبکار فراری دهد، کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) کفیل حکمی بوده و مکفول له می‌تواند او را مجبور به پرداخت دین کند.
(۲) کفیل قراردادی بوده و مکفول له فقط می‌تواند او را مجبور به احضار مدیون نماید.
(۳) کفیل حکمی بوده و در صورتی که فراری دادن با اذن خود مدیون باشد، اذن به تأدیه دین محسوب نمی‌شود.
(۴) کفیل قراردادی بوده و در صورتی که فراری دادن با اذن خود مدیون باشد اذن به تأدیه دین نیز محسوب می‌شود.
- پاسخ: گزینه «۳» تعریف کفیل حکمی یا قهری در ماده ۷۴۵ قانون مدنی آمده است. اذن به تأدیه دین باید تصریح شود و اذن در فراری دادن ملازمه با آن ندارد. یعنی رضایت مکفول به فراری دادن او، دلیل رضایت به پرداخت دین او نیست. ☒

که مثال ۵: توانایی تسلیم کفیل در عقد کفالت:

- (۱) مطلقاً شرط است.
(۳) احتمال توانایی تسلیم کافی است.
(۲) مطلقاً شرط نیست.
(۴) گزینه ۲ و ۳
- پاسخ: گزینه «۳» از آن جا که در حقوق کنونی سلطه بر احضار مدیون و متهم تنها از عهده مقامات عمومی بر می‌آید لذا احتمال توانایی تسلیم کافی است. ☒

که مثال ۶: در کفالت مطلق، دین کفیل:

- (۱) اصولاً موجد است.
(۲) اصولاً معلق است.
(۳) حال است.
(۴) مطلقاً معلق است.
- پاسخ: گزینه «۳» در کفالت مطلق اصل بر فوری و حال بودن دین کفیل است. ☒

که مثال ۷: چنانچه محل احضار در عقد کفالت معلوم نباشد.....

- (۱) عقد کفالت باطل است.
(۳) محل وقوع عقد محل احضار واقع می‌شود.
(۲) مکان باید به تراضی طرفین مشخص شود.
(۴) تعیین محل با مکفول له است.
- پاسخ: گزینه «۳» رجوع شود به ماده ۷۴۲ قانون مدنی: «اگر در کفالت محل تسلیم معین نشده باشد، کفیل باید مکفول را در محل عقد تسلیم کند، مگر این که عقد منصرف به محل دیگر باشد.» ☒



که مثال ۸: هرگاه کفیل، مکفول را مطابق شرایط مقررہ احضار کند و مکفول له از قبول او امتناع نماید.....

- (۱) کفیل بری می‌شود.
(۲) کفیل باید شاهد بگیرد و سپس به حاکم مراجعه کند.
(۳) کفیل با اشهداد یا مراجعه به حاکم بری می‌شود.
(۴) کفیل باید دوباره مراجعه کند به مکفول له

پاسخ: گزینه «۳» طبق ماده ۷۴۷ قانون مدنی کفیل مخیر است یکی از دو راه اشهداد یا مراجعه به حاکم را انتخاب کند و انجام هر دو امر لازم نیست. ☒

که مثال ۹: تفاوت وجه التزام کفیل با تعهد کفیل به پرداخت دین در صورت عدم توانایی احضار مکفول:

- (۱) وجه التزام بدل از تعهد اما تعهد به پرداخت دین تعهدی جدید در نتیجه تقصیر است.
(۲) وجه التزام تعهد جدید ناشی از تقصیر به پرداخت دین بدل از تعهد است.
(۳) هر دو تعهد جدید ناشی از تقصیر هستند.
(۴) هر دو بدل از تعهد می‌باشند.

پاسخ: گزینه «۱» تفاوت در این است که ادای دین مکفول توسط کفیل بدل قانونی تعهد به احضار نیست، بلکه تعهدی جدید در نتیجه تقصیر است اما وجه التزام بدل از تعهد احضار است که هنگام عقد به صورت مقطوع تعیین می‌شود. ☒

که مثال ۱۰: در ادای دین توسط کفیل به جای مکفول:

- (۱) باید ادای دین به میزان دین باشد.
(۲) اصولاً به میزان دین است.
(۳) می‌تواند کمتر یا بیشتر باشد.
(۴) گزینه ۲ و ۳

پاسخ: گزینه «۴» در ادای دین، اصل براءت و عدم زیاده، مقدار و میزان دین ملاک است، اما براساس آزادی اراده می‌توان بیشتر یا کمتر نیز توافق نمود. ☒

که مثال ۱۱: در کفالت اذن پرداخت توسط مکفول به کفیل چه اثری دارد؟

- (۱) مانند اذن بیگانه‌ای است که به مدیون داده شود و بی اثر است.
(۲) مانند این است که از بیگانه‌ای درخواست پرداخت توسط مدیون مطرح شود و پرداخت‌کننده حق رجوع دارد.
(۳) همانند عقد ضمان است.
(۴) اذن در کفالت اذن در پرداخت دین است حتی قبل موعد احضار.

پاسخ: گزینه «۲» می‌توان این مفهوم را از ماده ۷۵۱ قانون مدنی برداشت نمود. ☒

که مثال ۱۲: کدام گزینه در مورد کفالت صحیح نیست؟

- (۱) کفالت مطلقاً باید در زمان و مکان مقرر به عمل آید (احضار مکفول)
(۲) احضار مکفول می‌تواند خارج از زمان و مکان مقرر به عمل آید.
(۳) ایفای تعهد کفیل از جانب دیگران نیز صحیح است.
(۴) اگر مکفول له، کفیل را ابراء کند، کفیل بری می‌شود.

پاسخ: گزینه «۱» با توجه به اصل آزادی اراده، می‌توان زمان یا مکانی غیر از زمان و مکان مقرر، توافق نمود. ☒

که مثال ۱۳: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) فوت مکفول له سبب براءت کفیل می‌شود.
(۲) فوت کفیل سبب از بین رفتن عقد کفالت می‌شود.
(۳) فوت مکفول تأثیری در عقد کفالت ندارد و کفیل باید دین او را بپردازد
(۴) جنون دائم مکفول سبب براءت کفیل نمی‌شود

پاسخ: گزینه «۲» کفالت عقدی است که به واسطه شخصیت کفیل ایجاد می‌شود و قائم به شخص کفیل است، بنابراین با فوت او عقد منحل می‌شود. فوت مکفول له نیز طبق ماده ۷۴۸ قانون مدنی موجب براءت کفیل نمی‌شود. جنون دائم مکفول در حکم فوت اوست و چون فوت مکفول نیز موضوع عقد را از بین می‌برد، بنابراین جنون دائمی مکفول مثل فوت او باعث از بین رفتن عقد کفالت می‌شود. ☒

که مثال ۱۴: کدام گزینه از اسباب سقوط تعهد کفیل نیست؟

- (۱) مکفول مالک مافی الذمه خود شود.
(۲) فوت مکفول
(۳) تبدیل تعهد
(۴) انتقال حق مکفول له به سبب وراثت

پاسخ: گزینه «۴» با فوت مکفول له، ورثه متصدیان جدید دارایی او هستند، ولی این مطلب با تبدیل تعهد که سبب براءت و سقوط تعهد کفیل می‌شود متفاوت است. ماده ۷۴۸ قانون مدنی نیز این موضوع را تأیید می‌کند. ☒



آزمون فصل سوم

که ۱- کفیل زمانی مکلف به پرداخت دین مکفول است که:

- (۱) پرداخت دین در عقد کفالت شرط شده باشد.
- (۲) مکفول را احضار ولی او از پرداخت دین امتناع نماید.
- (۳) مکفول به کفیل اجازه در کفالت داده باشد.
- (۴) نتواند به موقع مکفول را احضار نماید.

که ۲- در کدام عقد، نسبت به یک طرف عقد لازم و نسبت به طرف دیگر جایز است؟

- (۱) ضمان
- (۲) کفالت
- (۳) وکالت
- (۴) ودیعه

که ۳- عقد کفالت نسبت به:

- (۱) کفیل لازم و نسبت به مکفول جایز است.
- (۲) کفیل جایز و نسبت به مکفول له لازم است.
- (۳) کفیل و مکفول له جایز است.
- (۴) کفیل و مکفول له لازم است.

که ۴- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) فوت مکفول له موجب براءة کفیل نمی‌شود.
- (۲) صلح دعوای ناشی از بطلان معامله باطل است.
- (۳) شفعه در صلح نیست، مگر در مقام بیع باشد.
- (۴) اگر کسی مالی را به عنوان صدقه به دیگری بدهد، حق رجوع دارد.

که ۵- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟

- (۱) عقد کفالت نسبت به هر دو طرف لازم می‌باشد.
- (۲) عقد کفالت نسبت به هر دو طرف جایز می‌باشد.
- (۳) عقد کفالت نسبت به یکی از طرفین لازم و نسبت به دیگری جایز است.
- (۴) هیچکدام



فصل چهارم

«عقد رهن»

تست‌های تألیفی فصل چهارم

❏ مثال ۱: مالی که به رهن گذاشته می‌شود.....

- (۱) باید عین معین باشد.
(۲) باید عین معین یا مال کلی باشد.
(۳) باید عین معین یا کلی در معین باشد.
(۴) باید کلی باشد.

❏ پاسخ: گزینه «۳» به استناد ماده ۷۷۲ قانون مدنی: «مال مرهون باید به قبض مرتهن یا به تصرف کسی که بین طرفین معین می‌گردد داده شود، ولی استمرار قبض شرط صحت معامله نیست.» عقد عینی عقدی است که علاوه بر ایجاب و قبول نیاز به قبض داشته باشد و قبض شرط صحت آن باشد. در بیع عین معین، عقد به ایجاب و قبول واقع شده و مالکیت ایجاد می‌شود.

❏ مثال ۲: قبض مال مرهون در رهن چه حکمی دارد؟

- (۱) شرط نفوذ است (۲) شرط صحت است (۳) لازم نیست (۴) استمرار آن شرط است

❏ پاسخ: گزینه «۲» بنابر مفهوم ماده ۷۷۲ قانون مدنی، قبض شرط صحت رهن است، ولی استمرار قبض شرط صحت نیست.

❏ مثال ۳: کدام گزینه در مورد رهن صحیح نیست؟

- (۱) مقصود از قبض در عقد رهن، قبض حقیقی و واقعی است.
(۲) ایجاب رهن از طریق معاطات نیز امکان‌پذیر است.
(۳) تجزیه ناپذیری از اوصاف عقد رهن است.
(۴) قبض باید به اذن راهن باشد.

❏ پاسخ: گزینه «۱» مقصود از قبض در عقد رهن، قبض عرفی است و استیلا مرتهن کفایت می‌کند.

❏ مثال ۴: کدام گزینه در مورد رهن مکرر صحیح می‌باشد؟

- (۱) مطابق قانون مدنی صحیح و مطابق قانون ثبت باطل است.
(۲) مطابق قانون ثبت صحیح و مطابق قانون مدنی باطل است.
(۳) مطابق هر دو قانون باطل است.
(۴) مطابق هر دو قانون صحیح است.

❏ پاسخ: گزینه «۴» صحت رهن مکرر هم در قانون مدنی و هم در قانون ثبت محرز و مشخص می‌باشد و ماده ۳۴ مکرر قانون ثبت بر آن صحت می‌گذارد.

❏ مثال ۵: مطابق قانون ثبت، شرط تعلق یا تملیک مورد رهن به مرتهن:

- (۱) صحیح است. (۲) باطل است. (۳) غیرقابل استناد است. (۴) هیچکدام

❏ پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده ۳۹ این قانون چنین شرطی باطل است.

❏ مثال ۶: رهنی که مال مورد وثیقه ملک خود مدیون نباشد، اصطلاحاً..... گویند.

- (۱) رهن فضولی (۲) رهن مستعار (۳) رهن مکرر (۴) رهن با تعدد راهن

❏ پاسخ: گزینه «۲» رهنی که مال مرهونه ملک غیر باشد اصطلاحاً رهن مستعار نام دارد و صحیح است.

❏ مثال ۷: تعیین مدت در عقد رهن.....

- (۱) صحیح است. (۲) باطل است.
(۳) باطل و مبطل عقد است. (۴) اگر مدت تا بعد از سررسید دین باشد صحیح است.

❏ پاسخ: گزینه «۴» هدف اصلی رهن محبوس ماندن وثیقه تا زمان ادای دین توسط راهن است، بنابراین اگر مدتی تعیین شود که کمتر از موعد دین اصلی باشد، خلاف مقتضای عقد رهن خواهد بود، مثلاً اگر دین راهن به مرتهن ۶ ماهه باشد و وثیقه برای مدت ۴ ماه تعیین شود، این وثیقه هیچ اثری نداشته و باطل خواهد بود.

❏ مثال ۸: کدام گزینه در مورد عقد رهن صحیح نیست؟

- (۱) رهن مال غیر صحیح است.
 (۲) رهن دین و منفعت باطل است.
 (۳) رهن مال غیرمنقول محجور توسط قیم او با رعایت مصلحت محجور صحیح است.
 (۴) رهن مکرر نیاز به اذن مرتهن ندارد.
- ❏ پاسخ: گزینه «۳» قیم برای رهن قرار دادن مال غیرمنقول محجور چون مال او را در معرض خطر زیادی قرار می‌دهد باید تصویب دادستان را داشته باشد و تنها رعایت غبطه و مصلحت او کافی نیست، اما ولی قهری محجور می‌تواند با رعایت مصلحت بدون نیاز به تصویب دادستان مال مولی‌علیه خود را به رهن گذارد.

❏ مثال ۹: کدام یک از موارد زیر قابل رهن گذاشتن نیست؟

- (۱) اسکناس (۲) سند در وجه حامل (۳) سهام با نام شرکت (۴) مال مشاع
- ❏ پاسخ: گزینه «۳» اموالی مثل اسکناس و سند در وجه حامل یا حتی سهام بی‌نام شرکتها ارزش اعتباری دارند، یعنی «نماینده» مقدار ارزش معینی هستند نه خود آن ارزش، اما این‌ها در دید عرف آن‌چنان با خود ارزش موضوع سند مخلوط شده‌اند که رهن آن‌ها همانند رهن موضوع آن‌هاست، صحت رهن مال مشاع نیز واضح است، ولی تصرف در آن باید با اذن سایر شرکا باشد. اما در مورد سهام یا هر اوراق تجارتي با نام چون در دید عرف بین سند و موضوع آن یگانگی وجود ندارد آن‌چنان که در سهام با نام وجود دارد، رهن آن نیز امکان‌پذیر نیست.

❏ مثال ۱۰: رهن منفعت چه حکمی دارد؟

- (۱) صحیح است (۲) باطل است
 (۳) چنانچه ممکن‌الحصول باشد صحیح است (۴) اگر عین در ملکیت بدهکار بماند صحیح است
- ❏ پاسخ: گزینه «۲» طبق ماده ۷۷۴ قانون مدنی، رهن دین و منفعت باطل است.

❏ مثال ۱۱: کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) رهن گرفتن برای انجام کار توسط اجیر خاص صحیح و توسط اجیر عام باطل است.
 (۲) رهن گرفتن برای انجام کار توسط اجیر خاص باطل و توسط اجیر عام صحیح است.
 (۳) رهن گرفتن برای انجام کار توسط اجیر خاص یا اجیر عام صحیح است.
 (۴) رهن گرفتن برای انجام کار توسط اجیر خاص یا اجیر عام باطل است.
- ❏ پاسخ: گزینه «۲» با توجه به مواد ۲۳۸ و ۲۳۹ قانون مدنی، عهدشکنی در تعهداتی که قائم به شخص است ضمانت اجرایی جز فسخ معامله ندارد و از همین روست که در فقه رهن گرفتن برای انجام کار توسط اجیر خاص باطل اعلام شده است ولی در مورد اجیر عام صحیح است.

❏ مثال ۱۲: کدام گزینه صحیح نیست؟

- (۱) رهن برای دین آینده صحیح نیست.
 (۲) رهن برای اعیان مضمونه صحیح نیست.
 (۳) رهن برای اعیان غیرمضمونه صحیح نیست.
 (۴) رهن عقدی تبعی است.
- ❏ پاسخ: گزینه «۲» رهن برای اعیان غیرمضمونه صحیح نیست، اما برای اعیان مضمونه صحیح است.

❏ مثال ۱۳: تصرفات ناقل ملکیت مورد رهن چه حکمی دارد؟

- (۱) صحیح است (۲) باطل است (۳) با اذن مرتهن صحیح است (۴) باطل و مبطل رهن است
- ❏ پاسخ: گزینه «۳» تصرفات ناقل ملکیت از نظر مشهور غیرنافذ است و باید با اجازه مرتهن صورت گیرد، البته دکتر کاتوزیان این تصرفات را در اموال غیرمنقول صحیح می‌داند.



❏ مثال ۱۴: با فوت راهن یا مرتهن عقد رهن چه وضعیتی پیدا می‌کند؟

(۱) با فوت راهن رهن باطل می‌شود ولی با فوت مرتهن عقد همچنان صحیح است.

(۲) با فوت مرتهن عقد صحیح و وثیقه به ورثه او منتقل می‌شود.

(۳) با فوت مرتهن عقد باطل شده و با فوت راهن عقد همچنان صحیح است.

(۴) فوت هیچ یک از راهن و مرتهن سبب بطلان رهن نیست.

❑ پاسخ: گزینه «۴» عقد رهن از یک طرف جایز و از یک طرف لازم است و همین باعث می‌شود احکام عقود لازم نسبت به آن جاری شود. بنابراین با فوت و حجر یکی از طرفین عقد باطل نخواهد شد، بلکه این ویژگی عقود جایز است.

❏ مثال ۱۵: مرتهن نسبت به تلف مورد وثیقه.....

(۱) ضامن است

(۲) ضامن است ولی لازم نیست بدل آن را جایگزین کند

(۳) در صورت تقصیر ضامن است

(۴) در هیچ صورت ضامن نیست

❑ پاسخ: گزینه «۳» مرتهن برای حفظ و نگهداری مال مرهون حکم مستودع را دارد و ید او امانی است؛ بنابراین اگر مال بدون تعدی یا تفریط توسط او تلف شود، او ضامن نیست و تلف برعهده خود راهن است.

آزمون فصل چهارم

که ۱- کدام یک از عقود ذیل عینی است؟

- (۱) اجاره (۲) بیع (۳) رهن (۴) صلح

که ۲- در عقد رهن:

- (۱) استمرار قبض، شرط صحت معامله است.
(۲) استمرار قبض، شرط صحت معامله نیست.
(۳) عدم استمرار قبض، موجب عدم نفوذ رهن است.
(۴) عدم استمرار قبض، موجب ثبوت خیار برای مرتهن است.

که ۳- اگر مال مرهون به قبض مرتهن داده نشود:

- (۱) مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی صحیح است.
(۲) قابل فسخ است.
(۳) باطل است.
(۴) غیرنافذ است.

که ۴- رهن مستعار آن است که:

- (۱) مال مورد رهن، وجود خارجی نداشته باشد.
(۲) مرتهن، عین مرهونه را به ثالث عاریه دهد.
(۳) مدیون، مال ثالثی را به اذن او به رهن گذارد.
(۴) مستأجر به جای مال الاجاره، ماهیانه مقداری وجه نقد به موجر قرض دهد.

که ۵- رهن دین است.

- (۱) باطل (۲) صحیح (۳) در صورت مخالفت دائن باطل (۴) در صورت قبول دائن، صحیح

که ۶- رهن منافع ملک

- (۱) صحیح است.
(۲) باطل است.
(۳) در صورتی که ممکن الحصول باشد صحیح است.
(۴) در صورتی که عین ملک در مالکیت بدهکار باشد، صحیح است.

که ۷- شخصی یک دستگاه آپارتمان را پیش خرید کرده و طبق قرارداد ۳ سال دیگر تحویل خواهد گرفت آن را در رهن بانک قرار می‌دهد. چنین قراردادی ...

- (۱) غیرنافذ است. (۲) صحیح است. (۳) معلق است و صحیح (۴) باطل است.

که ۸- رهن وجه نقد است.

- (۱) صحیح (۲) باطل
(۳) اگر به قبض مرتهن داده شود، صحیح (۴) در صورت تلف مال مورد رهن، صحیح

که ۹- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) فوت مرتهن در عقد رهن، عقد را منفسخ نمی‌کند.
(۲) حجر یکی از طرفین عقد جایز بعد از انعقاد عقد را منفسخ نمی‌کند.
(۳) تلف بیع پس از تسلیم و قبل از انقضای خیار ویژه‌ی خریدار عقد را منفسخ نمی‌کند.
(۴) توافق طرفین بر انفساخ عقد لازم، عقد را منفسخ نمی‌کند.

که ۱۰- در صورتی که مرتهن فوت کند:

- (۱) عقد رهن منفسخ می‌شود.
(۲) راهن می‌تواند تقاضای فسخ کند.
(۳) عین مرهونه به تصرف وراث مرتهن داده می‌شود.
(۴) راهن می‌تواند تقاضا کند که عین مرهونه با تراضی او و ورثه به تصرف شخص ثالثی داده شود.

که ۱۱- وضعیت عقد رهن در صورتی که راهن و مرتهن فوت کنند، به چه صورت می‌باشد؟

- (۱) منفسخ نمی‌شود. (۲) منفسخ می‌شود. (۳) با فوت راهن منفسخ می‌شود. (۴) با فوت مرتهن منفسخ می‌شود.



که ۱۲- اگر کسی خانه‌ی خود را که در رهن دیگری است بفروشد، این معامله چه وضعی دارد؟

- (۱) صحیح است.
- (۲) باطل است.
- (۳) غیرنافذ است.
- (۴) صحیح است، ولی مرتهن حق دارد که طلب خود را از عین مرهونه یا سایر اموال مدیون وصول کند.

که ۱۳- کدام یک از گزینه‌های ذیل صحیح است؟

- (۱) تصرفی مجاز است که برای مال رهن، نافع باشد.
- (۲) تصرفی مجاز است که برای رهن، نافع باشد و منافی حقوق مرتهن هم نباشد.
- (۳) راهن مالک است و حق تصرف در ملک خود را دارد.
- (۴) راهن حق هیچ گونه تصرفی در عین مرهونه را ندارد.

که ۱۴- عقد رهن است.

- (۱) جایز است.
- (۲) لازم است.
- (۳) نسبت به راهن لازم و نسبت به مرتهن جایز است.
- (۴) نسبت به راهن جایز و نسبت به مرتهن لازم است.

که ۱۵- A به عنوان مدیون، ماشینی را برای وثیقه به دائن داده است، در این جا تبدیل رهن به مال دیگری:

- (۱) با موافقت مرتهن جایز است.
- (۲) با تراضی طرفین جایز است.
- (۳) جایز نیست.
- (۴) جایز است.

که ۱۶- کدام یک از گزینه‌های ذیل صحیح می‌باشد؟

- (۱) اگر شرط شده باشد که مرتهن حق فروش عین مرهونه را ندارد، رهن باطل است.
- (۲) اگر شرط شده باشد که مرتهن حق فروش عین مرهونه را ندارد، رهن غیرنافذ است.
- (۳) اگر شرط شده باشد که مرتهن حق فروش عین مرهونه را ندارد، رهن صحیح است.
- (۴) اگر شرط شده باشد که مرتهن حق فروش عین مرهونه را ندارد، رهن در پاره‌ای موارد باطل است.

که ۱۷- A خانه خود را نزد طلبکار رهن گذاشته است. بعد از آن که نیمی از دین خود را پرداخت، رهن چه وضعیتی پیدا می‌کند؟

- (۱) فاقد اثر است.
- (۲) رهن فسخ می‌شود.
- (۳) رهن فک می‌شود.
- (۴) نصف خانه آزاد می‌شود.

که ۱۸- تبدیل رهن به مال دیگری در چه زمانی جایز است؟

- (۱) مرتهن حق خود را نسبت به عین مرهونه ساقط نماید.
- (۲) راهن به مورد رهن، نیاز مبرم داشته باشد.
- (۳) طرفین عقد رهن بر امر مزبور تراضی کنند.
- (۴) راهن مالی را که ارزش آن بیشتر یا معادل است معرفی می‌کند.

که ۱۹- در عقد رهن در صورت اطلاق عقد:

- (۱) در صورتی که راهن جزئی از دین را ادا کند، حق دارد مقداری از رهن را بخواهد.
- (۲) در صورتی که راهن جزئی از دین را ادا کند، به همان میزان از عین مرهونه قهراً آزاد می‌شود.
- (۳) تمامیت عین مرهونه، وثیقه هر جزئی از دین است.
- (۴) گزینه ۱ و ۲

که ۲۰- A مالی را که در رهن بوده، بدون اذن مرتهن فروخته و آن را تحویل خریدار داده است. حال با توجه به این که مال در دست خریدار تلف شده است:

- (۱) خریدار مطلقاً ضامن است.
- (۲) خریدار در صورت تعدی و تفریط ضامن است.
- (۳) خریدار در صورت عدم تعدی و تفریط ضامن است.
- (۴) هیچکدام

فصل پنجم

«عقد وکالت»

تست‌های تألیفی فصل پنجم

کدام مثال ۱: وکالت عقدی است

(۱) جایز، تشریفاتی، مغایره‌ای. (۲) مسامحه‌ای، رضایی، عهدی، اذنی. (۳) لازم، رضایی، عهدی. (۴) جایز، مسامحه‌ای، تشریفاتی.

پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده ۶۵۶ قانون مدنی: «وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌نماید».

کدام مثال ۲: در صورتی که عقد وکالت به طور مطلق باشد

(۱) وکیل می‌تواند هر نوع اقدامی در خصوص موضوع وکالت انجام دهد. (۲) تنها مربوط به اداره کردن اموال موکل خواهد بود. (۳) عقد وکالت باطل است. (۴) وکیل می‌تواند طرف معامله قرار گیرد.

پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده ۶۶۱ قانون مدنی: «در صورتی که وکالت مطلق باشد، فقط مربوط به اداره کردن اموال موکل خواهد بود».

کدام مثال ۳: کدام گزینه نادرست است؟

(۱) تمام اموری که وکیل قبل از رسیدن خبر عزل به وی، نسبت به موکل انجام داده نافذ است. (۲) بعد از این که وکیل استعفا داد مادامی که معلوم است موکل به اذن خود باقی است، می‌تواند در آنچه وکالت داشته اقدام کند. (۳) تمام اموری که وکیل قبل از رسیدن خبر فوت موکل نسبت به وی انجام داده است صحیح است. (۴) در صورتی که دو نفر به نحو اجتماع وکیل باشند، به موت یکی از آنها وکالت منفسخ می‌شود.

پاسخ: گزینه «۳» مطابق حاشیه ۳ ماده ۶۸۲ قانون مدنی: «مشهور حکم ماده ۶۸۰ قانون مدنی را تنها اختصاص به عزل موکل می‌دانند». در نتیجه تمام اموری که وکیل قبل از رسیدن خبر فوت موکل انجام می‌دهد، غیرنافذ است و نیاز به تنفیذ و رد ورثه دارد.

کدام مثال ۴: اگر وکیلی که وکالت در توکیل نداشته انجام امری را که در آن وکالت دارد به شخص ثالثی واگذار کند، مسئولیت وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل چگونه است؟

(۱) تنها وکیل در مقابل موکل نسبت به خساراتی که مسبب محسوب می‌شود مسئول خواهد بود. (۲) وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل نسبت به خساراتی که مسبب محسوب می‌شود مسئول خواهد بود. (۳) تنها شخص ثالث در مقابل موکل نسبت به خساراتی که مسبب محسوب می‌شود مسئول خواهد بود. (۴) وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل به طور کلی مسئول خساراتی هستند که به موکل وارد می‌شود.

پاسخ: گزینه «۲» مطابق ماده ۶۷۳ قانون مدنی: «اگر وکیلی که وکالت در توکیل نداشته انجام امری را که در آن وکالت دارد به شخص ثالثی واگذار کند، هریک از وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل نسبت به خساراتی که مسبب محسوب می‌شود مسئول خواهد بود».



آزمون فصل پنجم

که ۱- ماهیت وکالت چیست؟

- (۱) استنابۀ فی الحفظ (۲) استنابۀ فی التصرف (۳) اذن (۴) تملیک

که ۲- آیا در وکالت توالی ایجاب و قبول لازم است؟

- (۱) توالی ایجاب و قبول در کلیه عقود از جمله وکالت لازم است.
(۲) در وکالت اصلاً قبول شرط نیست.
(۳) توالی ایجاب و قبول در وکالت شرط نیست.
(۴) هیچکدام

که ۳- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟

- (۱) سوگند قابل توکیل به غیر است.
(۲) در وکالت وصول قبول به موکل شرط تحقق وکالت است.
(۳) در وکالت موکل باید خود دارای اختیار امری باشد تا بتواند آن را به دیگری تفویض کند.
(۴) ورشکسته برخلاف سفیه قادر به اعطای وکالت در امور مالی است.

که ۴- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح نیست؟

- (۱) اثر مستقیم عقد وکالت ایجاد اذن است.
(۲) جواز عقد وکالت ناشی از اذنی بودن عقد وکالت است.
(۳) ورشکسته چون از تصرف در اموال خود منع می‌شود، وکیل دیگری هم نمی‌تواند بشود.
(۴) عقد وکالت در نتیجه فوت یا حجر یکی از طرفین منفسخ می‌شود.

که ۵- وکالت عقدی است معوض یا مجانی؟

- (۱) وکالت یک عقد غیرمعوض و مجانی است یعنی کار وکیل رایگان است.
(۲) وکالت یک عقد غیرمعوض و مجانی است یعنی در مقابل تفویض اختیار از ناحیه موکل عوض قرار نمی‌گیرد.
(۳) اگر در وکالت شرط عوض شده باشد معوض است، اولاً غیرمعوض است.
(۴) وکالت عقدی غیرمعوض است و شرط اجرت وکیل، خلاف مقتضای ذات وکالت است.

فصل ششم

«مزارعه و مساقات و مضاربه»

تست‌های تألیفی فصل ششم

❏ مثال ۱: کدام عبارت صحیح است؟

(۱) عقد مزارعه عقدی جایز است.

(۲) هرگاه عقد مزارعه بعد از ظهور ثمره باطل شود، مزارع و عامل، شریک در محصول هستند.

(۳) اگر در مزارعه شرط افزوده بر حصه شود، شرط باطل است.

(۴) هرگاه در عقد مزارعه زرع معینی قید شده باشد و عامل غیر آن را زرع نماید، مزارعه قابل فسخ می‌شود.

❏ پاسخ: گزینه «۲» مطابق حاشیه ۱ ماده ۵۳۳ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «هرگاه عقد بعد از ظهور ثمره باطل شود، مزارع و عامل شریک در محصول هستند».

❏ مثال ۲: در صورتی که مساقات فسخ شود، محصول متعلق به کیست؟

(۱) محصول متعلق به مالک است.

(۲) محصول متعلق به عامل است.

(۳) محصول متعلق به عامل است و مالک مستحق اجرت‌المثل است.

(۴) محصول متعلق به مالک است و عامل مستحق اجرت‌المثل است.

❏ پاسخ: گزینه «۴» مطابق ماده ۵۴۴ قانون مدنی: «در هر مورد که مساقات باطل باشد یا فسخ شود تمام ثمره مال مالک است و عامل مستحق اجرت‌المثل خواهد بود».

❏ مثال ۳: اگر در عقد مضاربه شرط شود که مضارب ضامن سرمایه باشد یا خسارات حاصله از تجارت متوجه مالک نشود وضعیت عقد و شرط چگونه است؟

(۱) عقد و شرط باطل است.

(۲) عقد و شرط صحیح است.

(۳) عقد و شرط اصولاً باطل است.

(۴) عقد و شرط اصولاً صحیح است.

❏ پاسخ: گزینه «۳» مطابق ماده ۵۵۸ قانون مدنی: «اگر شرط شود که مضارب ضامن سرمایه خواهد بود و یا خسارات حاصله از تجارت متوجه مالک نخواهد شد، عقد باطل است، مگر اینکه به‌طور لزوم شرط شده باشد که مضارب از مال خود به مقدار خسارت یا تلف مجاناً به مالک تملیک کند».



آزمون فصل ششم

که ۱- در عقد مزارعه

- (۱) مدت مزارعه باید متناسب با زمان کشت باشد و الا عقد باطل است.
 (۲) سهم عامل می‌تواند به طور مشاع باشد یا غیر آن.
 (۳) هر یک از طرفین هر وقت بخواهند می‌توانند عقد را به هم بزنند.
 (۴) در عقد مزارعه نیازی نیست زمان تعیین شود.

که ۲- در عقد مضاربه

- (۱) هر یک از طرفین بخواهند می‌توانند آن را فسخ کنند.
 (۲) سرمایه حتماً باید وجه نقد باشد.
 (۳) حصه‌ی هر یک از مالک و مضارب در منافع باید جزء مشاع از کل، از قبیل ربع یا ثلث و غیره باشد.
 (۴) همه‌ی موارد

که ۳- در کدام یک از عقود زیر، علم اجمالی بر عوضین کافی نیست؟

- (۱) مزارعه (۲) مساقات (۳) معاوضه (۴) مضاربه

که ۴- در رابطه با عقد مساقات، کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح نیست؟

- (۱) مورد مساقات باید درختان مثمره باشد.
 (۲) درختان باید دارای اصول ثابت باشند.
 (۳) صاحب درخت نیازی نیست که صاحب منافع نیز باشد.
 (۴) سهم عامل باید به طور مشاع از ثمره‌ی درختان تعیین گردد.

که ۵- در رابطه با عقد مزارعه کدام گزینه صحیح نیست؟

- (۱) بعد از ظهور ثمره‌ی زرع، عامل مالک حصه‌ی خود از آن می‌شود.
 (۲) در عقد مزارعه اگر شرط شود که تمام ثمره مال مزارع یا عامل تنها باشد، عقد باطل است.
 (۳) اگر عقد مزارعه به علتی باطل شود، تمام حاصل مال، مالک زمین است و عامل مستحق اجرت‌المثل خواهد بود.
 (۴) عقد مزارعه، عقدی لازم است.

فصل هفتم

«هبه»

تست‌های تألیفی فصل هفتم

❏ مثال ۱: نقش «قصد قربت» در تحقق عقد هبه چگونه است؟

- (۱) قصد قربت شرط لزوم عقد هبه است.
 (۲) قصد قربت شرط تحقق عقد هبه است.
 (۳) قصد قربت شرط نفوذ عقد هبه است.
 (۴) هیچ اثری در عقد هبه ندارد.

❏ پاسخ: گزینه «۴» برطبق قانون مدنی هبه عقدی است که با تراضی طرفین محقق می‌شود و قصد قربت از سوی طرفین در آن نقش نخواهد داشت اگرچه اگر قصد قربت باشد مانعی برای تحقق هبه ایجاد نمی‌کند.

❏ مثال ۲: در مورد ایجاد بیمه‌ی عمر به سوی ثالث کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) هبه‌ای است که متب به آن شخص ثالث است.
 (۲) هبه نیست چرا که مال موضوع هبه بایستی عین باشد.
 (۳) صرفاً عطیه‌ای است که به طور غیرمستقیم برای ثالث ایجاد شده و هبه نمی‌باشد.
 (۴) هبه است چرا که شخص ثالث به طور مستقیم از آن بهره می‌برد.

❏ پاسخ: گزینه «۳» درست است که مبنای اصلی استحقاق ثالث از بیمه‌ی عمر سرمایه‌گذاری بیمه‌گذار در شرکت بیمه می‌باشد اما لازمه‌ی تحقق هبه این است که به طور مستقیم برای متب به وجود آید نه غیرمستقیم.

❏ مثال ۳: در مورد شرط عوض در عقد هبه کدام گزینه درست است؟

- (۱) شرط عوض در عقد هبه باعث می‌شود که عقد از حالت مجانی بودن درآید.
 (۲) شرط عوض در عقد هبه در صورتی صحیح است که ارزش این شرط بیشتر از ارزش مال موهوبه نباشد.
 (۳) شرط عوض در ضمن عقد هبه حتماً بایستی ارزشش کمتر از خود مال موهوبه باشد.
 (۴) شرط عوض ممکن است ارزشش کمتر یا بیشتر از مال موهوبه باشد.

❏ پاسخ: گزینه «۴» فرقی نمی‌کند که ارزش شرطی که ضمن عقد هبه می‌شود به چه میزان باشد و لزوی ندارد که حتماً کمتر از خود مال موهوبه باشد. نکته: حتی اگر شرط عوض ضمن عقد هبه ارزشش بیشتر از مال موهوبه باشد باز هم ماهیت رایگان بودن هبه را تغییر نمی‌دهد.

❏ مثال ۴: کدام مورد از ویژگی‌های عقد هبه محسوب می‌شود؟

- (۱) هبه عقدی است معوض
 (۲) هبه عقدی است تشریفاتی
 (۳) هبه عقدی است عینی
 (۴) هبه عقدی است لازم

❏ پاسخ: گزینه «۳» برطبق ماده‌ی ۷۹۸ قانون مدنی برای تحقق عقد هبه لازم است که متب مال موهوبه را قبض کند. لذا باید گفت که هبه از مصادیق عقود عینی محسوب می‌شود که قبض شرط تحقق آن است. اگرچه عنوان «هبه‌ی معوض» در قانون مدنی به کار رفته اما هبه عقدی مجانی است و منظور مقنن هبه همراه با شرط عوض می‌باشد لذا گزینه «۱» نادرست است. نکته: هبه در زمره‌ی عقود جایز است نه لازم.

❏ مثال ۵: طبق قراردادی که بین حسین و محمدرضا منعقد شده است محمدرضا ماشینی را به حسین هبه می‌کند و طرفین این قرارداد را امضا می‌کنند اما قبل از اینکه این ماشین به حسین برسد محمدرضا در اثر حادثه‌ای ناگهانی فوت می‌کند حال با توجه به این شرایط تکلیف خودرو چیست؟

- (۱) خودرو باید به حسین تحویل داده شود چرا که بعد از توافق طرفین مالکیت آن به حسین منتقل گردیده است.
 (۲) حسین هیچ حقی بر خودرو ندارد و خودرو به وراثت متوفی می‌رسد.
 (۳) خودرو با رضایت وراثت به حسین منتقل می‌شود.
 (۴) وراثت می‌تواند خودرو را به قبض حسین دهند و باعث انتقال آن به حسین شوند.

❏ پاسخ: گزینه «۲» طبق ماده‌ی ۸۰۲ قانون مدنی چنانچه واهب یا متب قبل از قبض و بعد از توافق فوت نمایند هبه باطل خواهد شد لذا در فرض مذکور حتی وراثت متوفی هم نمی‌تواند با به قبض دادن مال موهوبه باعث انتقال مالکیت و تمام شدن عقد هبه گردند.



مثال ۶: شخص «الف» خانه‌ی خود را به شخص «ب» هبه می‌کند و شخص «ج» نیز به موجب قراردادی که با «ب» منعقد می‌کند حق ارتفاق نساختن بیش از ۵ طبقه را به دست می‌آورد. حال با توجه به فرض مذکور کدام گزینه درست است؟

(۱) «الف» می‌تواند از هبه‌ی خود رجوع نماید چرا که عین مال او همچنان باقی است.

(۲) نمی‌تواند رجوع کند چرا که مال موهوبه متعلق حق غیر قرار گرفته است.

(۳) نمی‌تواند رجوع کند چرا که در هبه‌های غیر معوض امکان رجوع برای واهب وجود ندارد.

(۴) می‌تواند رجوع کند چرا که برای شخص «ج» حقی عینی ایجاد نشده است.

پاسخ: گزینه «۲» طبق ماده‌ی ۸۰۳ قانون مدنی یکی از مواردی که باعث غیرقابل رجوع شدن هبه از سوی واهب می‌گردد تعلق مال به غیر است. در فرض مورد سؤال نیز حقی عینی به واسطه‌ی برقراری حق ارتفاق برای شخص «ج» ایجاد شده است. لذا امکان رجوع از بین رفته است.

مثال ۷: کدام گزینه در مورد اوصاف رجوع نادرست است؟

- (۱) رجوع قائم به شخص واهب است.
- (۲) رجوع در هبه حق است نه حکم
- (۳) اثر رجوع ناظر به آینده است
- (۴) رجوع عمل حقوقی دو جانبه است
- پاسخ:** گزینه «۴» رجوع عمل حقوقی یک جانبه و ایقاع است لذا اراده‌ی متب‌ب در آن هیچ نقشی ندارد و صرفاً با اراده‌ی واهب محقق می‌گردد.

مثال ۸: براساس قراردادی که بین «مهدی» و «علیرضا» منعقد می‌شود مهدی خودروی سواری خود را به علیرضا هبه می‌کند و به قبض وی می‌دهد بدون آنکه عوض دریافت کند علیرضا هم بلافاصله بعد از دریافت خودرو آن را به تعمیرگاه می‌برد و حدود ۳ میلیون تومان برای تعمیر موتور ماشین خرج می‌کند. حال مهدی از اقدام خود پشیمان شده و قصد رجوع دارد:

کدام گزینه راجع به رجوع مهدی صحیح به نظر می‌رسد؟

(۱) از آنجایی که علیرضا با تعمیر ماشین باعث تغییر آن شده است حق رجوع مهدی از بین رفته و امکان رجوع برای وی وجود ندارد.

(۲) علیرضا می‌تواند بدون اینکه تکلیفی داشته باشد خودروی خود را پس بگیرد و رجوع نماید.

(۳) علیرضا می‌تواند رجوع کند اما باید هزینه‌های تعمیر را بدهد.

(۴) علیرضا نمی‌تواند رجوع کند مگر با پرداخت نیمی از هزینه‌های تعمیر ماشین.

پاسخ: گزینه «۳» منظور از «تغییر» که در ماده‌ی ۸۰۳ قانون مدنی به عنوان اسباب سقوط حق رجوع واهب، آن تغییری است که صورت نوعی مال موهوبه را تغییر دهد نه هر تغییری مثل تعمیر که صورت عرفی مال همچنان پابرجا می‌ماند.

اما از آنجایی که با رجوع از هبه، واهب از هزینه‌هایی که متب‌ب کرده است برای تعمیر ماشین، بی‌جهت بهره‌مند می‌شود لذا بایستی او را مکلف به پرداخت ۳ میلیون هزینه‌ی تعمیر دانست. (ملاک ماده‌ی ۲۸۸ قانون مدنی)

مثال ۹: کدام مورد در مورد تفاوت بین فسخ و رجوع نادرست است؟

- (۱) هر دو عمل حقوقی هستند
- (۲) رجوع قائم به وجود مال موهوبه است در حالی فسخ قائم به وجود مال مورد معامله نیست.
- (۳) در فسخ اهلیت شرط است اما در رجوع خیر
- (۴) هر دو اثرشان ناظر به آینده است.
- پاسخ:** گزینه «۳» فسخ و رجوع هر دو عمل حقوقی هستند و لذا در هر دو مورد اهلیت شرط است.

مثال ۱۰: باتوجه به شرایط مقرر در قانون مدنی راجع به احکام قبض کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) در صورتی که بعد از توافق واهب و متب‌ب، واهب از به قبض دادن مال موهوبه خودداری نماید، متب‌ب می‌تواند از طریق دادگاه وی را ملزم به تسلیم نماید.
- (۲) در صورتی که مال موهوبه مشاعی باشد عقد هبه بدون اذن واهب در قبض نیز محقق می‌شود چرا که امکان اخذ اذن همه‌ی شرکاء مشاعی همیشه فراهم نمی‌باشد.
- (۳) قبض مال موهوبه جزو عناصر و ارکان عقد هبه می‌باشد.
- (۴) در مورد به قبض دادن مال موهوبه هیچ محدودیت زمانی وجود ندارد.
- پاسخ:** گزینه «۳» اینکه واهب بخواهد به قبض دهد یا خیر، به اختیار خودش است و هیچ الزامی وجود ندارد. در موردی که مال موهوبه مشاع باشد اذن واهب باز هم برای قبض شرط است.

❏ مثال ۱۱: کدام گزینه در مورد هبه صحیح است؟

- (۱) شرطی که ضمن عقد هبه می‌شود می‌تواند خودش یک عقد معوض یا یک عقد رایگان باشد.
 - (۲) شرط عوض در هبه حتماً بایستی غیر معوض و رایگان باشد.
 - (۳) در صورتی که در ضمن عقد هبه شرط عوض شود این شرط ماهیت عقد هبه را به عقدی معوض تبدیل خواهد نمود.
 - (۴) هبه جزو عقود نامعین است که در چهارچوب ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی قابلیت استفاده دارد.
- ✅ پاسخ:** گزینه «۱» شرط عوضی که در ضمن عقد هبه می‌شود به هیچ وجه ماهیت این عقد را دگرگون نمی‌کند و هبه همچنان غیر معوض باقی خواهد ماند حتی اگر این عوض شرط شده ارزشش بیشتر از مال موهوبه باشد.
- هبه جزو عقود است که عنوان و احکام و آثار آن در قانون مدنی آمده است لذا نباید آن را جزو عقود نامعین و تابع ماده ۱۰ قانون مدنی دانست.

❏ مثال ۱۲: در مورد «وصیت تملیکی و هبه» کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) وصیت تملیکی برخلاف هبه قابل رجوع نمی‌باشد.
 - (۲) وصیت تملیکی قلمرو گسترده تری نسبت به هبه دارد.
 - (۳) هر دو نهاد رایگان و غیر معوض‌اند.
 - (۴) وصیت تملیکی معلق به موت است اما هبه مربوط به زمان حیات است.
- ✅ پاسخ:** گزینه «۱» وصیت تملیکی نیز همانند هبه قابل رجوع است و موصی می‌تواند تا قبل از فوت خود از آن رجوع نماید.
- قلمرو وصیت تملیکی شامل ابراء‌دین، حبس مال و ... هم می‌شود در حالی که هبه تنها شامل «تملیک مال» است لذا وصیت تملیکی قلمرو گسترده‌تری نسبت به هبه دارد.

❏ مثال ۱۳: علی با سجاد توافق می‌کند که یک دانگ از زمین مشاعی خود را در قالب عقد هبه به سجاد انتقال دهد حال برای اینکه این عقد منعقد شود و ملکیت انتقال یابد اذن شرکاء مشاعی چه تأثیری در قبض خواهد داشت؟

- (۱) علی نمی‌تواند بدون اذن شرکاء مشاعی خود زمین را به قبض دهد.
 - (۲) چنانچه شرکاء مشاعی از دادن اذن در قبض خودداری کنند الزام آنها توسط دادگاه امکان‌پذیر است.
 - (۳) علی می‌تواند بدون اذن شرکاء زمین را به قبض سجاد دهد.
 - (۴) خود سجاد می‌تواند بدون اینکه از کسی اذن در قبض بگیرد در زمین تصرف نماید.
- ✅ پاسخ:** گزینه «۳» طبق قانون مدنی عقد هبه از عقود عینی است و قبض شرط صحت انعقاد آن می‌باشد و از طرفی هم اذن در قبض لازم است و متهب نمی‌تواند بدون اذن واهب اقدام به قبض مال نماید.
- اگرچه تصرف مادی هریک از شرکاء مال مشاعی نیازمند اذن سایر شرکاء است اما باید توجه داشت که قبض لزوماً به معنای تصرف مادی در عین مال موهوبه نیست و مفهومی عرفی دارد که گاهی سلطه‌ی معنوی متهب برای تحقق قبض کافی است در فرض مورد سؤال نیز تسلط معنوی متهب بر مال موهوبه محقق شده است و لزومی به تصرف مادی و به تبع آن اذن شرکاء مشاعی در قبض نیست.

❏ مثال ۱۴: کدام گزینه در مورد تلف مال توسط متهب، قبل از قبض توسط وی صحیح می‌باشد؟

- (۱) چنانچه با اذن واهب و به قصد تصرف باشد قبض محقق شده است.
 - (۲) در هر صورت قبض محقق می‌شود و هبه تمام می‌شود چرا که قبض یک عمل مادی است و به اذن کسی نیاز ندارد.
 - (۳) چنانچه متهب این عمل را با آگاهی و عمد مرتکب شده باشد هبه تمام می‌شود.
 - (۴) این تلف چنانچه عمدی باشد باعث فسخ شدن عقد مذکور می‌گردد.
- ✅ پاسخ:** گزینه «۱» برخلاف بیع که برای قبض و تسلیم مال معین نیاز به اذن و اراده‌ی بایع وجود ندارد، و تلف مال از سوی مشتری در حکم قبض محسوب می‌شود، در هبه لازمه‌ی تحقق قبض از طریق تلف مال از سوی متهب این است که به قصد تصرف و نیز با اذن واهب باشد.

**❏ مثال ۱۵: کدام گزینه در مورد هبه‌ی مال محجور صحیح است؟**

- (۱) به هیچ وجه امکان ندارد چرا که همیشه باعث زیان محجور است و نماینده‌ی قانونی نمی‌تواند اقدام صرفاً مضر را انجام دهد.
- (۲) اصولاً ولی قهری می‌تواند مال محجور را هبه کند مگر اثبات خلاف مصلحت بودن آن
- (۳) اصولاً ولی قهری نمی‌تواند مال محجور را هبه کند مگر اثبات غبطه‌ی محجور در دادگاه
- (۴) ولی قهری از چنین اختیاری برخوردار است و می‌تواند برحسب تشخیص خوی اقدام به هبه نماید.
- ❏ پاسخ:** گزینه «۳» هبه‌ی مال اصولاً عملی زیان‌بار است که باعث می‌شود مال از دارایی واهب خارج شود وانگهی ولی قهری هم نمی‌تواند اقداماتی انجام دهد که صرفاً به زیان محجور باشد. اما گاهی اوقات چنین هبه‌هایی به مصلحت و باعث رشد اجتماعی محجور می‌گردد مثل کادو دادن در تولد. در این موارد جواز از هبه‌ی ولی ترجیح دارد البته باید این غبطه در دادگاه ثابت شود چون خلاف اصل است.

❏ مثال ۱۶: کدام گزینه در مورد هبه درست است؟

- (۱) هبه تنها شامل انتقال عین می‌شود.
- (۲) اگرچه هبه عقد است اما اراده‌ی واهب است که عقد را به وجود می‌آورد و متبیه تنها اختیار رد آن را دارد.
- (۳) عین کلی را نیز می‌توان در قالب عقد هبه، منتقل نمود.
- (۴) منفعت یک مال را نمی‌توان در قالب هبه به غیر منتقل نمود چرا که قالب قبض نیست.
- ❏ پاسخ:** گزینه «۳» عقد هبه محدود به انتقال عین نیست و دین و منفعت را نیز می‌توان در قالب این عقد به غیر منتقل نمود.
- از آنجایی که هبه عقد محسوب می‌شود پس برای ایجاد آن هم اراده‌ی دو طرف لازم است و رایگان بودن این عقد مجوز تحقق آن با یک اراده نخواهد بود.

❏ مثال ۱۷: کدام گزینه در مورد هبه صحیح است؟

- (۱) هدایایی که فروشنده‌ها به مشتری‌های خود می‌دهند را نمی‌توان در شمار عطایا آورد.
- (۲) اگر فردی کاری انجام دهد که عرفاً اجرت ندارد اما دیگری از آن سود ببرد و خود را مکلف به دادن پاداش ببیند و مالی به او بدهد هبه محسوب نمی‌شود.
- (۳) دادن هدیه از سوی بیماری که توسط طبیب رایگان معالجه شده هبه‌ی غیر معوض است.
- (۴) هبه اصولاً غیر قابل رجوع از سوی واهب است.
- ❏ پاسخ:** گزینه «۱» اگر شخصی کاری انجام دهد که دیگری از آن سود ببرد و به وی پاداش دهد هبه‌ی رایگان است اگرچه عمل انجام شده عرفاً بدون اجرت باشد.
- در گزینه‌ی «۳» عمل حقوقی فرد از آنجایی که معوض است قابلیت رجوع برای وی وجود ندارد.
- نکته:** هبه اصولاً قابل رجوع می‌باشد مگر موارد استثناء.

❏ مثال ۱۸: براساس قرارداد اجاره‌ای که بین علی و محسن منعقد شده، مقرر گردیده است که محسن بتواند به عنوان مستأجر ۳ سال در خانه علی

اقامت گزیند اما بعد از گذشت ۲ سال موعد قرارداد، محسن از ادامه اجاره صرف‌نظر می‌کند. حال با توجه به این فرض کدام گزینه صحیح می‌باشد؟

- (۱) عمل محسن هبه محسوب می‌شود چرا که او ادامه‌ی انتفاع از مال را به علی بخشیده است.
- (۲) عمل محسن هبه محسوب می‌شود اما هبه نیست چرا که قصد قربت دارد.
- (۳) عمل محسن هبه محسوب نمی‌ود و باید آن را اسقاط حق عینی تلقی نمود.
- (۴) عمل محسن هبه محسوب نمی‌شود چرا که امکان هبه‌ی منافع وجود ندارد.
- ❏ پاسخ:** گزینه «۴» عملی که محسن انجام می‌دهد یکجانبه و مصداقی از اعراض و ساقط حق عینی است و نمی‌توان آن را هبه تلقی نمود که عمل حقوقی دو جانبه است. صدقه مصداقی از هبه محسوب می‌شود و همچنین امکان هبه‌ی منفعت هم وجود دارد.



آزمون فصل هفتم

که ۱- در مورد عقد هبه کدام گزینه صحیح نیست؟

- (۱) هبه عقدی تملیکی است.
- (۲) واهب باید مالک مالی باشد که هبه می‌کند.
- (۳) در هبه‌ی مجنون قبض ولی معتبر است.
- (۴) هبه نمی‌تواند به‌صورت معوض باشد.

که ۲- در مورد اهلیت واهب در عقد هبه وی باید:

- (۱) اهلیت تصرف در مال خود را داشته باشد.
- (۲) اهلیت معامله داشته باشد.
- (۳) هم اهلیت معامله و هم اهلیت تصرف در اموالش را داشته باشد.
- (۴) نیازی به اهلیت واهب نیست.

که ۳- اگر الف پس از هبه‌ی اموالش به ب فوت کند:

- (۱) فقط ورثه الف می‌توانند از هبه رجوع کنند.
- (۲) فقط ب می‌تواند از هبه رجوع کند.
- (۳) رجوع از هبه ممکن نیست.
- (۴) هم ورثه الف و هم ب می‌توانند از هبه رجوع کنند.

که ۴- اگر پدری، ماشینش را به پسرش هبه کند و پسر نیز ماشین را قبض کند:

- (۱) پدر در هر صورت حق رجوع دارد.
- (۲) پدر حق رجوع ندارد.
- (۳) پدر در صورت بقاء عین موهوبه حق رجوع دارد.
- (۴) پدر حق رجوع دارد به شرطی که در حین رجوع، اهلیت داشته باشد.

که ۵- هبه چه نوع عقدی است؟

- (۱) لازم
- (۲) جایز
- (۳) لازم است مگر در چند مورد که جایز است.
- (۴) جایز است مگر در چند مورد که لازم است.



پاسخنامه آزمون‌های عقود معین ۲

فصل اول: عقود ضمان، ودیعه و عاریه

۱- گزینه «۱»	۲- گزینه «۳»	۳- گزینه «۲»	۴- گزینه «۴»	۵- گزینه «۲»
۶- گزینه «۲»	۷- گزینه «۲»	۸- گزینه «۳»	۹- گزینه «۳»	۱۰- گزینه «۳»
۱۱- گزینه «۳»	۱۲- گزینه «۱»	۱۳- گزینه «۱»	۱۴- گزینه «۳»	۱۵- گزینه «۲»
۱۶- گزینه «۴»	۱۷- گزینه «۴»	۱۸- گزینه «۳»	۱۹- گزینه «۴»	۲۰- گزینه «۲»
۲۱- گزینه «۳»	۲۲- گزینه «۴»	۲۳- گزینه «۲»	۲۴- گزینه «۱»	۲۵- گزینه «۳»
۲۶- گزینه «۳»	۲۷- گزینه «۳»	۲۸- گزینه «۲»	۲۹- گزینه «۴»	۳۰- گزینه «۴»
۳۱- گزینه «۴»	۳۲- گزینه «۴»	۳۳- گزینه «۲»	۳۴- گزینه «۴»	۳۵- گزینه «۲»

فصل دوم: عقد حواله

۱- گزینه «۴»	۲- گزینه «۱»	۳- گزینه «۱»	۴- گزینه «۱»	۵- گزینه «۳»
--------------	--------------	--------------	--------------	--------------

فصل سوم: عقد کفالت

۱- گزینه «۴»	۲- گزینه «۲»	۳- گزینه «۱»	۴- گزینه «۱»	۵- گزینه «۳»
--------------	--------------	--------------	--------------	--------------

فصل چهارم: عقد رهن

۱- گزینه «۳»	۲- گزینه «۲»	۳- گزینه «۳»	۴- گزینه «۳»	۵- گزینه «۱»
۶- گزینه «۲»	۷- گزینه «۴»	۸- گزینه «۳»	۹- گزینه «۱»	۱۰- گزینه «۴»
۱۱- گزینه «۱»	۱۲- گزینه «۳»	۱۳- گزینه «۲»	۱۴- گزینه «۳»	۱۵- گزینه «۲»
۱۶- گزینه «۳»	۱۷- گزینه «۱»	۱۸- گزینه «۳»	۱۹- گزینه «۳»	۲۰- گزینه «۱»

فصل پنجم: عقد وکالت

۱- گزینه «۲»	۲- گزینه «۳»	۳- گزینه «۳»	۴- گزینه «۳»	۵- گزینه «۱»
--------------	--------------	--------------	--------------	--------------

فصل ششم: مزارعه و مساقات و مضاربه

۱- گزینه «۱»	۲- گزینه «۴»	۳- گزینه «۲»	۴- گزینه «۳»	۵- گزینه «۳»
--------------	--------------	--------------	--------------	--------------

فصل هفتم: هبه

۱- گزینه «۴»	۲- گزینه «۳»	۳- گزینه «۳»	۴- گزینه «۲»	۵- گزینه «۴»
--------------	--------------	--------------	--------------	--------------



عقود و قرار دادها



فصل اول

«عقود و تعهدات به طور کلی»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل اول

- کدام یک از عقود ذیل باطل است؟** (سراسری ۷۷)
- (۱) اجاره معلق (۲) بیع معلق (۳) نکاح معلق (۴) هبه معلق
- ۲- برطبق تعریفی که ماده ۱۸۳ قانون مدنی از عقد به دست می‌دهد، عقد آن عمل حقوقی دو جانبه‌ای است که تنها ...** (سراسری ۸۰)
- (۱) ایجاد تعهد می‌کند.
(۲) باعث ایجاد شخصیت حقوقی می‌گردد.
(۳) در تعهد موجود تغییر ایجاد می‌نماید و یا این که آن را اسقاط می‌کند.
(۴) موجب تملیک یک مال و یا استقرار حق انتفاع یا حق ارتفاع نسبت به آن می‌شود.
- ۳- کدام یک از عقود زیر عقد معلق است: عقدی که:** (آزاد ۸۰)
- (۱) تحقق ماهیت آن موکول به امر دیگری باشد.
(۲) ماهیت آن مبهم باشد.
(۳) مشروط به شرط فعل باشد.
(۴) اجرای آن موکول به امری باشد.
- ۴- تعهد متصدی حمل و نقل در مورد سالم به مقصد رسیدن محموله، تعهد است.** (سراسری ۸۱)
- (۱) طبیعی (۲) به وسیله (۳) به انتقال مال (۴) به نتیجه
- ۵- کدام گزینه صحیح است؟** (آزاد ۸۱)
- (۱) عقد عینی عقدی است که موضوع آن عین معین است.
(۲) عقد عینی عقدی است که باید در دفتر املاک به ثبت برسد.
(۳) عقد عینی عقدی است که قبض شرط صحت آن است.
(۴) عقد عینی عقدی است که عین مال مورد معامله قرار می‌گیرد و منافع از آن مستثنی می‌شود.
- ۶- برطبق قانون مدنی، عقد معلق عقدی است که در آن...** (سراسری ۸۲)
- (۱) انشای عقد برحسب قصد، موقوف به امر دیگری باشد.
(۲) اثر عقد برحسب انشاء، موقوف به امر دیگری باشد.
(۳) انعقاد عقد برحسب قصد، موقوف به امر دیگری باشد.
(۴) انشای عقد و اثر آن برحسب قصد، موقوف به امر دیگری باشد.
- ۷- در مورد تفسیر قرارداد به وسیله قاضی، کدام گزینه صحیح است؟** (آزاد ۸۲)
- (۱) باید معانی و مفاهیم حقوقی الفاظ را در نظر بگیرد.
(۲) باید به معانی لغوی الفاظ و عبارات توجه نماید.
(۳) باید آن چه که خود او از الفاظ و عبارات استنباط می‌کند، ملاک و معیار تفسیر قرار دهد.
(۴) باید توجه به معانی عرفی الفاظ و عبارات نماید.
- ۸- تعهدات ناشی از عقود که در ایران منعقد می‌شود:** (وکالت ۸۲)
- (۱) در هر حال تابع قانون ایران است.
(۲) تابع قانون ایران است، مگر شرط خلاف شده باشد.
(۳) در صورتی که متعاقدين از اتباع خارجه باشند، تابع قانون دولت متبوع آنها می‌باشد.
(۴) تابع قانون ایران است، مگر متعاقدين خارجی بوده و عقد را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند.
- ۹- در صورتی که تلاقی اراده‌های طرفین در توافق آنها، علت تامه وقوع عقد باشد، چنین عقدی را..... می‌نامند** (آزاد ۸۵)
- (۱) عقد قطعی (۲) عقد منجز (۳) عقد حال (۴) عقد کامل
- ۱۰- هر عقدی که در..... محتاج اهلیت باشد، در..... نیز محتاج اهلیت است:** (آزاد ۸۵)
- (۱) فسخ / بقا (۲) تشکیل / بقا (۳) بقا / انعقاد (۴) بقا / جواز



(سراسری ۸۶)

۱۱- عقد عینی، عقدی است که:

- (۱) موضوع آن عین خارجی باشد.
- (۲) موضوع آن عین معین موجود باشد.
- (۳) موضوع آن انتقال مالکیت عین شخصی باشد.
- (۴) وقوع آن موکول به تسلیم مال موضوع تعهد باشد.

(سراسری ۸۶)

۱۲- کدام عبارت در تعریف شبه عقد صحیح است؟

- (۱) واقعه‌ای است طبیعی که همانند عقد اثر حقوقی پیدا می‌کند.
- (۲) واقعه‌ای است نامشروع که با توافق اشخاص اثر عقد پیدا می‌کند.
- (۳) عملی است غیرارادی که با اجازه طرف دیگر به قرارداد تبدیل می‌شود.
- (۴) عملی است ارادی و مشروع که بدون توافق اشخاص ایجاد دین می‌کند.

(سراسری ۸۶)

۱۳- شرایط معلق‌علیه کدام است؟

- (۱) احتمالی بودن، استقبالی بودن و خارج از شرایط صحت عقد بودن.
- (۲) محقق بودن، منجز بودن و معلق به شرایط صحت عقد بودن.
- (۳) کامل بودن، مادی بودن و ناظر به جهت عقد بودن.
- (۴) مقدور بودن، معلوم بودن و مربوط به قصد طرفین.

(سراسری ۸۶)

۱۴- قراردادی که تعیین ثمن آن در اختیار یکی از طرفین قرارداد است، چه حکمی دارد؟

- (۱) باطل است.
- (۲) منوط به تصمیم دادگاه است.
- (۳) صحیح است و تا حد ثمن المثل الزام‌آور است.
- (۴) صحیح است و هر چه طرف تعیین‌کننده بگوید الزام‌آور است.

(سراسری ۸۶)

۱۵- ویژگی‌های قرارداد معوض کدام است؟

- (۱) عدم ضرورت اهلیت، خیار تبعض صفقه، ضرورت قبض، حق حبس
- (۲) ضرورت قبض، تأثیر شخصیت طرفین، خیار غبن، عدم ضرورت اهلیت
- (۳) عدم ضرورت اهلیت، عدم تأثیر شخصیت طرفین، خیار غبن، حق حبس
- (۴) عدم ضرورت قبض، حق حبس، عدم تأثیر شخصیت طرفین، خیار غبن، ضرورت اهلیت

(سراسری ۸۷)

۱۶- عقد شائسی و احتمالی در حقوق ایران...

- (۱) صحیح است.
- (۲) باطل است.
- (۳) اصولاً صحیح، ولی استثنائاً باطل است.
- (۴) اصولاً باطل است، ولی استثنائاً صحیح است.

(سراسری ۸۷)

۱۷- آیا در عقد معلق، تحقق شرط (معلق‌علیه) اثر قهقرایی دارد؟

- (۱) اثر قهقرایی دارد و از روز عقد مؤثر است.
- (۲) اثر قهقرایی ندارد و از زمان تحقق شرط مؤثر است.
- (۳) در قراردادهای مالی اثر قهقرایی دارد و در قراردادهای غیرمالی فاقد این اثر است.
- (۴) نسبت به منافع مال مورد انتقال اثر قهقرایی دارد، ولی نسبت به عین اثر قهقرایی ندارد.

(سراسری ۸۹)

۱۸- عقد خیاری عقدی..... است.

- (۱) جایز
- (۲) لازم
- (۳) لازم یا جایز
- (۴) از یک طرف لازم و از یک طرف جایز

(سراسری ۸۹)

۱۹- هرگاه تحقق قرارداد به واقعه محقق‌الوقوع در آینده موکول شود، قرارداد...

- (۱) صحیح و مؤجل است.
- (۲) صحیح و حال است.
- (۳) صحیح و معلق است.
- (۴) باطل است.

(آزاد ۸۹)

۲۰- مطابق قانون مدنی، در عقد معلق.....

- (۱) تحقق عقد بر حسب قصد موقوف بر امر دیگری است.
- (۲) انشای عقد موقوف بر امری دیگری است.
- (۳) اثر عقد بر حسب انشا موقوف بر امر دیگری است.
- (۴) انشا و اثر عقد هر دو موقوف بر امر دیگری است.

(آزاد ۸۹)

۲۱- در مورد عقد معلق و عقد شائسی کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) در عقد معلق آثار عقد منوط به واقعه‌ای نامعلوم است.
- (۲) عقد شائسی از مصادیق عقد معوض و قسم خاصی از آن به حساب می‌آید.
- (۳) در عقد شائسی تنها وجود یا حدود تعهد یکی از طرفین وابسته به واقعه‌ای نامعلوم است.
- (۴) فقط عقد شائسی را می‌توان به صورت معلق واقع ساخت.



۲۲- شخصی خانه متعلق به خود را به دیگری می‌فروشد، اگر تا سه ماه آینده به تهران منتقل شود و به شرط آن که خریدار خود خانه را نقاشی کند، این عقد.....

(آزاد ۸۹)

- (۱) عقد معلق مشروط است. (۲) عقد معلق است. (۳) عقد مشروط است. (۴) عقد منجز مشروط است.

۲۳- در کدام یک از عقود زیر، اصل التزام به مفاد عقد حاکم است؟

(آزاد ۸۹)

- (۱) جایز (۲) جایز - لازم - خیاری (۳) لازم (۴) خیاری

۲۴- در تفسیر اراده طرفین در قرار داد.....

(آزاد ۸۹)

- (۱) قوانین تکمیلی بر عرف مقدم هستند.
(۲) عرف بر قوانین تکمیلی مقدم است.
(۳) هیچ یک بر دیگری مقدم نیستند، مگر اراده طرفین چنین اقتضایی کند.
(۴) در هر مورد متفاوت است.

۲۵- اگر مخاطب ایجاب پیش از قبول فوت کند، تکلیف چیست؟

(سراسری ۹۰)

- (۱) ایجاب از بین می‌رود.
(۲) ایجاب‌کننده حق دارد از ایجاب عدول کند.
(۳) ایجاب به ورثه او منتقل می‌شود و ورثه به عنوان اصیل قبول را انجام دهند.
(۴) ایجاب در مهلت خود باقی می‌ماند و ورثه به نمایندگی از مورث قبول را انجام می‌دهند.

۲۶- عقد خیاری عقدی است که:

(آزاد ۹۰)

- (۱) به مناسبت ماهیت عقد، خيار فسخ قرارداد برای طرفین یا یکی از آن‌ها در نظر گرفته شده است.
(۲) ماهیتاً لازم بوده، ولی طرفین برای خود یا دیگری حق فسخ قائل شده‌اند.
(۳) قانون برای طرفین یا یکی از آن‌ها اختیار فسخ پیش‌بینی کرده است.
(۴) عقدی است که موضوع آن، معامله یا یکی از خيارات قراردادی است.

۲۷- قراردادهای خصوصی در صورتی صحیح هستند که:

(آزاد ۹۰)

- (۱) مخالف اخلاق حسنه و نظم عمومی و قانون امری نباشد.
(۲) مخالف شرع و قانون نباشد.
(۳) مخالف قانون، عرف، نظم عمومی و اخلاق نباشد.
(۴) مخالف قانون و نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد.

۲۸- «سکوت» از دیدگاه حقوق ایران:

(آزاد ۹۰)

- (۱) همیشه علامت قبول ایجاب است.
(۲) همیشه علامت رد ایجاب است.
(۳) اصولاً نه علامت قبول و نه علامت رد ایجاب است.
(۴) اصولاً علامت موافقت و گاهی باعث عدم نفوذ معامله است.



پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی کنکوری شده فصل اول

۱- گزینه «۳» مطابق ماده ۱۰۶۸ قانون مدنی: «تعلیق در عقد نکاح موجب بطلان است».

۲- گزینه «۱» مطابق ماده ۱۸۳ قانون مدنی، عقد عبارت است از این که یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آن‌ها باشد. هر چند اثر عقد محدود به ایجاد تعهد نیست و می‌تواند تملیک مال، اسقاط تعهد، ایجاد شخصیت حقوقی و ... را نیز در برگیرد، لیکن مراد و منظور طراح سؤال، نص صریح قانونی یعنی گزینه «۱» بوده است. ضمن این که تعهد به معنای عهد بستن و پیمان آمده و با اثر تملیکی عقد تعارضی ندارد.

۳- گزینه «۱» مطابق ماده ۱۸۹ قانون مدنی، عقد منجز آن است که تأثیر آن بر حسب انشاء، موقوف به امر دیگری نباشد و الا معلق است. با این توضیح ایراد سایر گزینه‌ها روشن می‌گردد.

۴- گزینه «۴» مطابق ماده ۵۱۶ (قانون مدنی)، تعهدات متصدیان حمل و نقل اعم از این که از راه خشکی یا آب یا هوا باشد، برای حفاظت و نگاهداری اشیائی که به آن‌ها سپرده شده است، همان است که برای امانت‌داران مقرر گردیده، بنابراین در صورت تفریط یا تعدی، مسئول تلف یا ضایع شدن اشیائی خواهند بود که به آن‌ها داده می‌شود ... لذا با توجه به ماده اخیرالذکر، اگر کالای مطروحه تلف یا ناقص شود، به علت تخلف از انجام دادن تعهد قراردادی، مسئول جبران خسارت است، مگر این که ثابت کند علت خارجی و احترازناپذیری سبب تلف بوده که مربوط به او نمی‌شود.

۵- گزینه «۳» به موجب ماده ۴۷ قانون مدنی: در حبس اعم از عمری و غیره، قبض شرط صحت است. (به طور کلی، عقد عینی، عقدی است که در آن قبض شرط صحت است).

۶- گزینه «۲» مطابق ماده ۱۸۹ (قانون مدنی)، «عقد منجز آن است که تأثیر آن بر حسب انشاء موقوف به امر دیگری نباشد و الا معلق خواهد بود». در واقع مفهوم مخالف ماده یاد شده معنای عقد معلق را تشکیل می‌دهد و می‌توان گفت: منظور از عقد معلق آن است که تأثیر آن بر حسب انشاء، موقوف به امر دیگری باشد. شایان دقت است: هر عقدی دارای اثر مخصوصی است که بلافاصله پس از انعقاد عقد به وجود می‌آید ولی طرفین عقد می‌توانند به وسیله تعلیق پیدایش آن را منوط بر وجود امر دیگری نمایند. مثلاً پدری می‌خواهد خانه خود را به پسرش ببخشد، ولی نمی‌خواهد که این بخشش بدون هیچ قیدی باشد و بلافاصله پسر مالک آن شود، بلکه می‌خواهد برای تشویق او به تحصیل دانش، خانه پس از اخذ لیسانس به ملکیت پسر درآید، لذا خانه خود را به طور تعلیق به او هبه می‌نماید بدین نحو که می‌گوید: خانه‌ام مال تو هرگاه آخر سال جاری دانشکده را تمام کردی و لیسانس گرفتی ...

۷- گزینه «۴» مطابق ماده ۲۲۴ قانون مدنی، الفاظ عقود محمول است بر معانی عرفیه

۸- گزینه «۴» به موجب ماده ۹۶۸ قانون مدنی: «تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است، مگر این که متعاقدين اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند».

۹- گزینه «۲» مطابق ماده ۱۸۹ قانون مدنی، عقد منجز، عقدی است که اثر حقوقی آن بر حسب انشاء، منوط و وابسته به امری نباشد. به بیان دیگر عقد منجز، قراردادی است که پس از انعقاد، اثر حقوقی آن ایجاد می‌شود. گزینه‌ی یک به پاسخ نزدیک است، اما ایراد آن، این است که عقد قطعی از نظر قانون مدنی، قراردادی است که در آن شرط و یا اجلی موجود نباشد (ماده ۳۴۴ قانون مدنی).

۱۰- گزینه «۳» عقود جایز برای بقاء، نیاز به اهلیت طرفین دارند، چرا که مطابق ماده ۹۵۴ قانون مدنی، عقود جایز با موت احد طرفین منحل می‌شوند. همچنین بدیهی است هر عقدی اعم از لازم و جایز مطابق بند ۲ ماده ۱۹۰ و نیز ماده ۲۱۰ قانون مدنی، برای انعقاد نیازمند اهلیت است. ایراد گزینه‌های ۱ و ۲ آن است که عقود لازم تنها برای انعقاد، نیازمند اهلیت هستند و در بقاء، احتیاج به اهلیت ندارند.

۱۱- گزینه «۴» عقد عینی، عقدی است که تا موضوع عقد تسلیم نشود آن عقد واقع نمی‌گردد؛ مانند عقد رهن، با توجه به تعریف یاد شده و این که تا موضوع تعهد تسلیم نگردد، عقد ایجاد نمی‌شود.

۱۲- گزینه «۴» شبه عقد در اصطلاح حقوق مدنی، عبارت است از یک عمل ارادی که قانون آن را منع ننموده و بدون این‌که عقدی منعقد شود، ایجاد تعهد در مقابل غیر می‌نماید، مانند ایفای ناروا موضوع ماده ۳۰۱ قانون مدنی؛ لذا گزینه «۴» صحیح می‌باشد.

۱۳- گزینه «۱» عقد معلق مطابق قسمت اخیر ماده ۱۸۹ قانون مدنی، عقدی است که تأثیر آن برحسب انشاء، موقوف به امر دیگری باشد؛ مانند این‌که فروشنده بگوید: اتومبیل را سیصد میلیون ریال فروختم، اگر برادرم فردا از مسافرت برگردد. تعلیق واقعی در صورتی است که تحقق شرط در آینده احتمالی و نامعلوم و مربوط به حادثه خارجی باشد.

۱۴- گزینه «۱» در فرض پرسش، تعیین ثمن مورد معامله به اختیار و صلاحدید یکی از متعاملین قرار داده شده و وی موظف به تعیین میزان وجه آن است. آنچه مسلم است، این‌که مطابق ماده ۲۱۶ قانون مدنی، مورد معامله باید مبهم نباشد و مقدار، جنس و وصف آن معلوم باشد، در غیر این صورت به لحاظ معلوم نبودن عوض و معوض یا یکی از آن دو «عوض یا معوض» معامله باطل خواهد بود. ضمن این‌که در مورد معامله ناپستی تردیدی وجود داشته باشد و باید معین و مشخص باشد، مگر در موارد خاصه که علم اجمالی به آن کافی است.

۱۵- گزینه «۴» عقد از جهت مورد معامله، به معوض و غیرمعوض تقسیم می‌شود. عقد معوض، عقدی است که دارای دو مورد است که هر یک عوض دیگری به حساب می‌آید، مانند آن که شخصی کتاب خود را به سه هزار تومان می‌فروشد، این عقد معوض است. اما عقد غیرمعوض عقدی است که فقط یک مورد دارد، مانند عقد هبه که به موجب آن کسی مال خود را مجاناً به دیگری می‌بخشد. در عقد معوض هر یک از طرفین معامله می‌تواند از حق حبس استفاده کند، اهلیت داشتن «عقل، بلوغ و رشد» اختیار فسخ معامله در صورت وجود غبن فاحش و ... از ویژگی‌های آن است و عقد بیع از عقود معوض است که عوض را ثمن و معوض را مضمن می‌گویند.

۱۶- گزینه «۴» قانون‌گذار در حقوق ایران این‌گونه عقود را به لحاظ غرری بودن، یعنی احتمال ورود ضرر و زیان در آن باطل اعلام کند، لیکن در پاره‌ای موارد مانند (بیمه) آن را جایز دانسته است.

۱۷- گزینه «۲» ماده ۱۸۹ قانون مدنی عقد معلق را تعریف کرده و آن را عقدی می‌داند که تأثیر آن برحسب انشاء، موقوف به امری دیگر باشد. «انشاء در اصطلاح، قصدی است که می‌تواند یک اثر حقوقی را در قلمرو اعتبار ایجاد کند، مانند قصد بایع به تملیک مبیع به نفع مشتری. با توجه به این‌که در عقد معلق وقوع عقد موقوف به وقوع امر دیگری است، مانند این‌که این خانه را فروختم، اگر لیسانس بگیری»، برخی از علما اعتقاد به اثر قهقرایی داشته و برخی دیگر قائل به آن نیستند و اثر آن را از زمان تحقق شرط مؤثر می‌دانند، لیکن مشهور عقاید، موافق با اثر قهقرایی آن نیست.

۱۸- گزینه «۲» عقد خیاری، عقد لازمی است که در آن به دو طرف یا یکی از آن‌ها یا به دیگری اختیار فسخ داده شده است. خیار در عقد جایز معنا پیدا نمی‌کند.

۱۹- گزینه «۱» طبق ماده ۱۸۹ قانون مدنی: «عقد منجز آن است که تأثیر آن بر حسب انشاء، موقوف به امر دیگری نباشد و إلاً معلق خواهد بود». در عقود معلق، پس از تحقق شرط، تعهدهای نهایی طرفین با تمام آثار حقوقی خود محقق می‌شود و صاحب حق می‌تواند از تمام مزایای آن استفاده کند. از آنجایی که منوط کردن قرارداد به حادثه‌ای محقق‌الوقوع منجر به معلق شدن عقد نمی‌شود، بنابراین چنین عقدی تنها مؤجل بوده و صحیح می‌باشد.

۲۰- گزینه «۳» مطابق ماده ۱۸۹ قانون مدنی: «عقد منجز آن است که تأثیر آن بر حسب انشاء، موقوف به امر دیگری نباشد و إلاً معلق خواهد بود».

۲۱- گزینه «۱» مطابق با ماده ۱۸۹ قانون مدنی، در عقد معلق، اثر عقد منوط به واقعه‌ای نامعلوم می‌باشد.

۲۲- گزینه «۲» مطابق مواد ۱۸۹ و بند ۲ ماده ۲۳۲ قانون مدنی

در خصوص سؤال مطروحه، عقد، معلق به انتقال محل سکونت فروشنده به تهران است. اما در خصوص شرط نقاشی، چنان‌چه عقد پس از تحقق شرط تعلیق به طور منجز محقق گردد؛ خریدار مالک ملک بوده و می‌تواند در خصوص نقاشی خانه‌ی متعلق به خود تصمیم بگیرد و شرط آن بی‌فایده است. لذا عقد مزبور عقد مشروط محسوب نمی‌گردد. البته عده‌ای هم معتقدند که گزینه ۱ صحیح می‌باشد.



۲۳- گزینه «۲» مطابق ماده‌ی ۲۱۹ قانون مدنی

عقود اعم از جایز، لازم و خیاری تا زمانی که به هر دلیلی اعم از اراده‌ی هریک از طرفین مانند عقود جایز و یا اعمال حق فسخ در عقود خیاری منحل نشده نسبت به طرفین لازم الاجرا است.

۲۴- گزینه «۲» در صورتی که عرف با روح قوانین تکمیلی منافات داشته باشد، حکم عرف مقدم است، زیرا برای تعبیر اراده‌ی طرفین قرارداد، عادات و رسوم آن‌ها از قانون صالح‌تر است و سکوت دو طرفه، ظاهر در این است که خواسته‌اند حکم عرف را محترم بشمارند، ولی در خصوص قوانین امری قانون بر عرف و حتی اراده‌ی طرفین نیز برتری دارد.

۲۵- گزینه «۱» زوال ایجاب در زمان اعتبار آن به دلیل فوت یا حجر یکی از دو طرف، توافق را ناممکن می‌سازد.

۲۶- گزینه «۲» مطابق ماده ۱۸۸ قانون مدنی، عقد خیاری آن است که برای طرفین یا یکی از آن‌ها یا ثالثی، اختیار فسخ باشد، لذا مطابق با عرف حقوقی، عقد خیاری به عقد لازمی گفته می‌شود که در آن شرط خیار شده است.

۲۷- گزینه «۱» مطابق با ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی و حاشیه‌ی شماره‌ی ۵ کتاب قانون مدنی در نظم حقوق کنون، منظور از واژه‌ی قانون در این ماده، قانون امری است، لذا گزینه‌ی ۱ صحیح می‌باشد.

۲۸- گزینه «۳» مطابق با اصول حقوقی، علی‌الاصول به ساکت امری منتسب نمی‌باشد و لذا نه علامت قبول و نه علامت رد ایجاب است. با این توضیح گزینه ۳ صحیح می‌باشد.



فصل دوم

«شرایط اساسی صحت معاملات»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل دوم

کج ۱- در حقوق موضوعه ایران، اعلام اراده ...

(سراسری ۷۵)

- (۱) باید به وسیله گفتار انجام پذیرد.
- (۲) هیچ‌گاه نمی‌تواند به وسیله کنایه صورت گیرد.
- (۳) به هر وسیله‌ای که دلالت بر قصد کند، معتبر است.
- (۴) در هیچ حال به وسیله‌ی اشارات و رفتار امکان‌پذیر نمی‌باشد.

کج ۲- اشتباه در اوصاف جوهری مورد معامله ...

(سراسری ۷۵)

- (۱) عقد را قابل فسخ می‌گرداند.
- (۲) عقد را غیرنافذ می‌سازد.
- (۳) موجب بطلان عقد می‌شود.
- (۴) هیچ‌گونه اثری در سرنوشت عقد ندارد.

کج ۳- معامله با خود در کدام یک از موارد ذیل باطل است؟

(سراسری ۷۶)

- (۱) در صورتی که جد پدری مال متعلق به یک نوه صغیر خود را به یک نوه صغیر دیگر خویش انتقال دهد.
- (۲) در صورتی که حق‌العمل کار مالی را که مأمور فروش آن بوده و مظنه بازاری دارد برای خود بخرد.
- (۳) در صورتی که قیم مال متعلق به خود را به مولی‌علیه خویش بفروشد.
- (۴) در صورتی که پدر مال متعلق به فرزند صغیر خود را به خویش منتقل نماید.

کج ۴- شخصی که جهت انجام معامله مورد تهدید قرار می‌گیرد، در کدام یک از موارد زیر مکره محسوب نمی‌شود؟

(سراسری ۷۶)

- (۱) تهدید شده بداند که تهدیدکننده نمی‌تواند تهدید خود را به موقع اجرا گذارد.
- (۲) تهدیدکننده باطناً قصد اجرای آن چه را که به آن تهدید کرده نداشته باشد.
- (۳) تهدیدکننده بعد از عقد اعلام کند قصد اجرای تهدید را نداشته است.
- (۴) شخصاً ولو با تحمل مشقت بسیار قادر به دفع تهدید باشد.

کج ۵- شرط فاسخ شرطی است که در صورت تحقق آن:

(سراسری ۷۸)

- (۱) برای مشروطه حق فسخ ایجاد می‌شود.
- (۲) عقد خودبه‌خود فسخ می‌شود.
- (۳) شخص ثالثی که مورد توافق طرفین باشد می‌تواند عقد را فسخ کند.
- (۴) نوعی فسخ قضایی است که فقط قاضی حکم به فسخ عقد می‌دهد.

کج ۶- در کدام یک از عقود، عقد نسبت به یکی از طرفین لازم و نسبت به طرف دیگر جایز است:

(سراسری ۷۸)

- (۱) ضمان
- (۲) کفالت
- (۳) وکالت
- (۴) ودیعه

کج ۷- اگر بر اثر تدلیس یکی از متعاقدين در عقدی که شخصیت طرف در آن علت عمده عقد است، طرف دیگر دچار اشتباه در شخصیت تدلیس‌کننده شود، سرنوشت عقد چه خواهد بود؟

(سراسری ۷۸)

- (۱) پس از احرار اشتباه، عقد منفسخ می‌شود.
- (۲) عقد فقط قابل فسخ خواهد بود.
- (۳) عقد صحیح نخواهد بود.
- (۴) عقد صحیح و غیرقابل فسخ خواهد بود.

کج ۸- اگر کسی در حال بیهوشی معامله نماید آن معامله است.

(سراسری ۷۸)

- (۱) باطل
- (۲) غیرنافذ
- (۳) قابل فسخ
- (۴) صحیح

کج ۹- کدام گزینه صحیح است:

(سراسری ۷۸)

- (۱) اگر جهت معامله در آن ذکر شود و این جهت نامشروع باشد، معامله باطل است.
- (۲) در هر معامله‌ای لازم است که جهت آن تصریح شود.
- (۳) فقط در عقود غیرمعوض، نامشروع بودن جهت معامله موجب بطلان عقد می‌شود.
- (۴) نامشروع بودن جهت معامله هیچ‌گاه تأثیری در سرنوشت عقد ندارد.

(سراسری ۷۹)

۱۰- کدام یک از اشتباهات زیر بی تأثیر در سرنوشت عقد است؟ اشتباه ...

- (۱) در قیمت وقتی که غبن فاحش باشد.
- (۲) در قیمت هنگامی که، غبن فاحش نباشد.
- (۳) در خود موضوع معامله
- (۴) در اوصاف عرضی مال مورد معامله به هنگامی که این اوصاف وارد قلمرو تراضی متعاقدين شده‌اند.

(سراسری ۸۰)

۱۱- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟

- (۱) اگر اه اگر از طرف شخص خارجی غیر از متعاملین باشد نیز موجب عدم‌نفوذ معامله است.
- (۲) اگر اه موجب عدم‌نفوذ معامله نیست، اگر از طرف شخص خارجی غیر از متعاملین واقع شود.
- (۳) اگر اه فقط وقتی موجب عدم‌نفوذ معامله است که از طرف یکی از متعاملین واقع شود.
- (۴) اگر اه فقط وقتی موجب عدم‌نفوذ معامله است که از طرف شخص خارجی غیر از متعاملین واقع شود.

(سراسری ۸۰)

۱۲- اشتباه در وصف اساسی همسر

- (۱) اگر شرط شده باشد، عقد نکاح را باطل می‌گرداند.
- (۲) اگر شرط شده باشد، عقد نکاح را غیر نافذ می‌سازد.
- (۳) حتی اگر شرط شده باشد، تأثیری بر سرنوشت عقد نکاح ندارد.
- (۴) حتی اگر شرط شده باشد، موجب خیار فسخ است نه بطلان.

(سراسری ۸۰)

۱۳- هرگاه مورد معاوضه، قیمی بوده و تلف شود پس از اقاله، قیمت چه زمانی باید پرداخت شود؟ بر طبق نظر غالب، قیمت

- (۱) زمان اقاله
- (۲) زمان تلف
- (۳) زمان انعقاد عقد
- (۴) زمان مطالبه

(سراسری ۸۰)

۱۴- اشتباه در ماهیت و نوع عقد

- (۱) آن را قابل فسخ می‌سازد.
- (۲) به صحت آن خللی وارد نمی‌آورد.
- (۳) باعث عدم‌نفوذ آن می‌شود.
- (۴) معامله را باطل می‌گرداند.

(آزاد ۸۰)

۱۵- عقد تشکیل می‌شود به:

- (۱) رضای طرفین
- (۲) قصد انشای طرفین
- (۳) مجموع قصد و رضای طرفین
- (۴) قانون

(آزاد ۸۰)

۱۶- عقدی که به وکالت یک نفر از سوی طرفین انشا می‌شود:

- (۱) صحیح و نافذ است.
- (۲) صحیح و غیر نافذ است.
- (۳) باطل است.
- (۴) موکول به قبول طرفین است.

(آزاد ۸۰)

۱۷- کدام یک از اشتباهات زیر موجب بطلان عقد است؟

- (۱) اشتباه در مالک مورد معامله
- (۲) اشتباه در انگیزه طرف معامله
- (۳) اشتباه در شخص طرف معامله اگر شخصیت او علت عمده عقد باشد.
- (۴) اشتباه در وصف مهم مورد معامله

(آزاد ۸۰)

۱۸- معامله‌ای که تحت تأثیر تهدید انشا می‌شود:

- (۱) باطل است.
- (۲) قابل فسخ است.
- (۳) نافذ است.
- (۴) غیر نافذ است.

(آزاد ۸۰)

۱۹- معامله سفیه پیش از تنفیذ و رد سرپرست او:

- (۱) باطل است.
- (۲) غیر نافذ است.
- (۳) قابل فسخ است.
- (۴) حکمی ندارد.

(آزاد ۸۰)

۲۰- اگر هدف خریدار اتومبیل، حمل مواد قاچاق بوسیله آن باشد. معامله:

- (۱) باطل است، اگر هدف را در زمان عقد بیان کند.
- (۲) باطل است، خواه هدف را بیان کند یا نکند.
- (۳) صحیح است، حتی اگر هدف را بیان کند.
- (۴) غیر نافذ است، اگر هدف را بیان کند.

(آزاد ۸۰)

۲۱- الفاظ و عبارات قرارداد باید حمل شود بر معنی:

- (۱) حقوقی
- (۲) ادبی
- (۳) عرفی
- (۴) منطقی

(آزاد ۸۰)

۲۲- اگر پس از بیع برای بایع معلوم شود که مالک مبیع، مولی‌علیه او بوده است، معامله چه وضعیتی دارد؟

- (۱) صحیح و نافذ است.
- (۲) باطل است.
- (۳) قابل فسخ است.
- (۴) صحیح و غیر نافذ است.

(آزاد ۸۱)

۲۳- اشتباه در نوع عقد چه تأثیری در عقد دارد؟

- (۱) عقد را باطل می‌کند.
- (۲) موجب عدم‌نفوذ عقد می‌گردد.
- (۳) برای اشتباه‌کننده حق فسخ ایجاد می‌شود.
- (۴) هیچ تأثیری در عقد ندارد.

۲۴- در قرارداد فروش ملکی به عوض معلوم شرط می‌شود که خریدار، کاری نامشروع را به سود فروشنده انجام دهد، ولی بعد از عقد چون فروشنده بر نامشروع بودن شرط آگاه می‌شود، از آن صرف‌نظر می‌کند. در این صورت نفوذ عقد تابع کدامیک از این قواعد است؟ (وکالت ۸۱)

- (۱) عقد به دلیل نامشروع بودن شرط باطل است.
- (۲) عقد غیرنافذ است و مشروط‌له می‌تواند آن را تنفیذ کند.
- (۳) عقد درست و الزام‌آور است و شرط از آن حذف می‌شود.
- (۴) مشروط‌له به دلیل جهل بر نامشروع بودن شرط، حق فسخ دارد.

۲۵- کدامیک از عبارات زیر در خصوص اشتباه صحیح است؟ (سراسری ۸۲)

- (۱) اشتباه همواره موجب غیرنافذ شدن معامله می‌گردد.
- (۲) اشتباه در شخصیت طرف همواره موجب بطلان عقد می‌شود.
- (۳) اشتباه در انگیزه و داعی اثری در سرنوشت عقد ندارد.
- (۴) اشتباه در نوع عقد موجب می‌شود که معامله قابل فسخ گردد.

۲۶- با توجه به آن‌که از لحاظ قانون مدنی، اکراه عیب اراده محسوب می‌شود. اگر زنی برای آن‌که شوهر را وادار به صلح خانه متعلق به شوهر به خود کند، به جای آن‌که تهدید را متوجه جان شوهر یا مادرشوهر کند، تهدید را متوجه جان خویشتن کند و بگوید که اگر خانه را به اسم من نکنی خود را می‌کشم و شوهر به این کار تن در دهد، چنین صلحی چه وضعی دارد؟ (سراسری ۸۲)

- (۱) قابل فسخ است.
- (۲) در هر حال صحیح است.
- (۳) اگر تهدید در شوهر مؤثر واقع شده باشد، غیرنافذ است.
- (۴) اگر تهدید در شوهر مؤثر افتاده و اراده او را عیبناک گردانده باشد، باطل است.

۲۷- سوء استفاده از اضطرار به قصد تحمیل عقد به طرف معامله ... (سراسری ۸۲)

- (۱) در هر حال موجب بطلان عقد است.
- (۲) در هر حال حق فسخ برای طرف عقد ایجاد می‌کند.
- (۳) برحسب مورد می‌تواند اکراه محسوب شود و موجب عدم‌نفوذ عقد گردد.
- (۴) در هر حال تأثیری در صحت عقد ندارد و قرارداد نافذ به شمار می‌رود.

۲۸- اگر معامله در حال اضطرار واقع شده باشد از لحاظ حقوقی چه وضعی دارد؟ (آزاد ۸۲)

- (۱) غیرنافذ است.
- (۲) صحیح است.
- (۳) مضطر حق فسخ معامله انجام شده را دارد.
- (۴) باطل و بلااثر است.

۲۹- اگر کسی در حال مستی معامله کند، آن معامله چه وضعی دارد؟ (وکالت ۸۲)

- (۱) معامله باطل است.
- (۲) معامله صحیح است اما شخص مست پس از زوال مستی می‌تواند فوراً معامله را فسخ کند.
- (۳) معامله غیرنافذ است و پس از زوال مستی معامله‌کننده مست می‌تواند آن را تنفیذ کند.
- (۴) چون مستی حالتی است که با اراده و اختیار خود شخص برای او ایجاد شده معامله صحیح است.

۳۰- اگر کسی معامله را به وکالت از طرفین انجام دهد، این معامله چه وضعی دارد؟ (وکالت ۸۲)

- (۱) صحیح و نافذ است.
- (۲) معامله غیرنافذ است و طرفین می‌توانند آن را تنفیذ کنند.
- (۳) عقد باطل است چون ایجاب و قبول نیاز به دو اراده مستقل دارد.
- (۴) چون ایجاب صحیح واقع شده، طرف قبول می‌تواند معامله را تنفیذ یا رد کند.

۳۱- اگر کسی به علت ترس از دیگری و بدون تهدید از طرف او معامله کند. این معامله چه وضعی دارد؟ (وکالت ۸۲)

- (۱) معامله صحیح است.
- (۲) ترس موجب سلب اراده است و معامله را باطل می‌کند.
- (۳) ترس از دیگری اکراه محسوب می‌شود و معامله را غیرنافذ می‌کند.
- (۴) کسی که از روی ترس معامله انجام داده بعد از رفع ترس می‌تواند آن را فسخ کند.

۳۲- کودک ۹ ساله‌ای (پسر) دوچرخه خود را به قیمت یک صد هزار تومان فروخته و نصف بهای آن را دریافت نموده، پدر کودک هم پس از اطلاع نصف دیگر بها را دریافت نموده است، این معامله ... (سراسری ۸۴)

- (۱) غیرنافذ است.
- (۲) قابل فسخ است.
- (۳) باطل است.
- (۴) غیرنافذ است تنفیذ شده است.



۳۳- شرطی که ضمن انتقال مالی از سوی ولی قهری بر صغیر تحت ولایت او می‌شود و ولی را تا سن کبر از فروش منع می‌کند. درست است یا نادرست؟

(وکالت ۸۴)

- (۱) شرط صحیح و الزام‌آور است.
- (۲) شرطی که مالک را از تصرف منع کند، نامشروع و باطل است.
- (۳) شرط درست است، اما ولی قهری را از انتقال منع نمی‌کند.
- (۴) شرط خلاف مقتضای عقد (تملیک) است و عقد و شرط هر دو باطل است.

۳۴- اشتباه در شخص طرف معامله چه اثری در عقد دارد؟

(وکالت ۸۴)

- (۱) اشتباه در شخص طرف به صحت معامله خللی وارد نمی‌آورد، مگر در موردی که شخصیت طرف علت عمده عقد بوده باشد.
- (۲) اشتباه در شخص طرف تنها در معاملات رایگان مؤثر است.
- (۳) اشتباه در شخص طرف معامله سبب بطلان عقد است.
- (۴) اشتباه در شخص طرف معامله اثری در عقد ندارد.

۳۵- شخصی قالیچه‌ای را به تصور این که بافت کاشان است خریداری می‌نماید، پس از معامله معلوم می‌شود که بافت کاشان نیست:

(آزاد ۸۵)

- (۱) معامله باطل است.
- (۲) معامله صحیح است.
- (۳) معامله غیرنافذ است.
- (۴) برای خریدار حق فسخ ایجاد می‌شود.

۳۶- کدام عبارت در مورد تهدید نسبت به شخص ثالث و تهدید از طرف ثالث صحیح است؟

(سراسری ۸۶)

- (۱) در هر مورد معامله صحیح است.
- (۲) در هر مورد امکان عدم‌نفوذ معامله وجود دارد.
- (۳) تهدید از سوی ثالث موجب عدم‌نفوذ و تهدید نسبت به ثالث موجب نفوذ معامله است.
- (۴) تهدید نسبت به ثالث موجب عدم‌نفوذ و تهدید از سوی ثالث موجب نفوذ معامله است.

۳۷- چنان چه کسی که اهلیت ندارد در مقام وفای به عهد مالی به طلبکار بپردازد، پرداخت چه وضعی دارد؟

(آزاد ۸۶)

- (۱) چون وفای به عهد باطل است، چیزی که پرداخت شده باید مسترد گردد.
- (۲) در صورتی قابل استرداد است که طلبکار آگاه به عدم اهلیت پرداخت کننده باشد.
- (۳) فقط در صورتی قابل استرداد است که عین آن موجود باشد.
- (۴) آن چه که پرداخت شده قابل استرداد نیست.

۳۸- چنان چه قاب عکسی به عنوان طلا فروخته شود و بعد از معامله معلوم شود که نقره بوده و روی آن آب طلا کار شده است:

(وکالت ۸۶)

- (۱) برای خریدار حق فسخ ایجاد می‌شود.
- (۲) خریدار می‌تواند معامله را فسخ کند یا این که مطالبه‌ی ارزش نماید.
- (۳) معامله باطل است.
- (۴) معامله غیرنافذ است.

۳۹- در حقوق مدنی ما، از نظر اسباب و طرق بیان اراده:

(آزاد ۸۷)

- (۱) لفظ همواره موضوعیت دارد.
- (۲) الفاظ یکی از طرق بیان اراده‌اند.
- (۳) لفظ طریقیّت دارد.
- (۴) موارد ۲ و ۳

۴۰- چنان چه فرد غیر رشیدی شخصاً مبادرت به انعقاد نکاح نماید؛ عقد:

(آزاد ۸۷)

- (۱) باطل است.
- (۲) غیرنافذ است.
- (۳) قابل فسخ است.
- (۴) صحیح است.

۴۱- در خصوص انعقاد عقود، چنان چه اشتباه در شخصیت طرف مقابل باشد:

(آزاد ۸۷)

- (۱) عقد همواره باطل است.
- (۲) اگر اشتباه در شخص طرف به صحت معامله خللی وارد نیاورد، عقد قابل تنفیذ است.
- (۳) در عقود تبرعی موجب بطلان عقد است.
- (۴) وقوع اشتباه همواره باید مربوط به علت عمده عقد باشد.

۴۲- اگر صغیر غیرممیز بدهی خود را به طلبکار بپردازد، پرداخت چه وضعی دارد؟

(وکالت ۸۷)

- (۱) پرداخت باطل است، ولی مبلغ پرداختی قابل استرداد نیست.
- (۲) پرداخت باطل است و مبلغ پرداختی قابل استرداد می‌باشد.
- (۳) در صورت تنفیذ ولی یا قیم پرداخت صحیح است.
- (۴) مبلغ پرداخت شده در صورتی قابل استرداد است که طلبکار آگاه به محجور بودن پرداخت کننده باشد.



۴۳- اختیار تنفیذ معامله شخص مکره...

(سراسری ۸۸)

- (۱) به ارث می‌رسد.
- (۲) به ارث نمی‌رسد.
- (۳) در عقد تملیکی به ارث می‌رسد و در عقد عهده‌ای به ارث نمی‌رسد.
- (۴) در عقد عهده‌ای به ارث می‌رسد و در عقد تملیکی به ارث نمی‌رسد.

۴۴- منظور از «شخصیت عقلایی» دانستن موضوع چیست؟

(سراسری ۸۸)

- (۱) تصور سود در آن برود.
- (۲) متضمن زیان معنوی نباشد.
- (۳) سود آن بیش از زیان آن باشد.
- (۴) کاملاً و عملاً سودآور باشد.

۴۵- در رابطه با زمان انعقاد قرارداد که به وسیله پست و توسط نامه انجام می‌شود، کدام نظریه با حقوق ایران سازگارتر است؟

(سراسری ۸۸)

- (۱) زمان اعلام قبولی
- (۲) زمان اطلاع از قبولی
- (۳) زمان تحویل قبولی به پست
- (۴) زمان وصول نامه قبولی

۴۶- تفاوت جهت معامله و جهت تعهد چیست؟

(سراسری ۸۸)

- (۱) جهت معامله امری نوعی و جهت تعهد امری شخصی است.
- (۲) جهت تعهد امری نوعی و جهت معامله امری شخصی است.
- (۳) جهت معامله در ابتدای معامله و جهت تعهد در جریان معامله مطرح است.
- (۴) جهت تعهد در ابتدای معامله و جهت معامله در جریان معامله مطرح است.

۴۷- در فرض تحقق اشتباه در شخصیت طرف معامله، چنانچه معاملاتی یابد و برخی از وراثت با برخی دیگر، در خصوص سرنوشت معامله اختلاف داشته باشند، در این صورت از حیث توجه به مسأله اشتباه:

(آزاد ۸۸)

- (۱) معامله در حدود سهم‌الارث وراثتی که نظر به تنفیذ دارند صحیح، و در حدود سهم‌الارث دیگران باطل است.
- (۲) چنانچه شخصیت طرف علت عمده عقد نباشد، معامله فی نفسه درست است و اختلاف برخی از وراثت با برخی دیگر، از این لحاظ بی‌تأثیر است.
- (۳) چنانچه عقد از عقود تبرعی باشد، معامله فی نفسه باطل است و اختلاف وراثت در سرنوشت معامله، از این لحاظ تأثیری ندارد.
- (۴) گزینه‌های ۲ و ۳

۴۸- در معامله فضولی چنانچه مالک معامله را تنفیذ ننماید، متعاملی که مال را قبض کرده است، در مقابل مالک ضامن چیست؟

(آزاد ۸۸)

- (۱) رد عین مال
- (۲) منافع مال مطلقاً
- (۳) عین، منافع، بدل
- (۴) گزینه‌های ۱ و ۲

۴۹- کدام یک از معاملات زیر معتبر است؟

(وکالت ۸۸)

- (۱) معامله مکره
- (۲) معامله مضطرّ
- (۳) معامله انسان مست
- (۴) معامله انسان بی‌هوش

۵۰- کدام یک از اعمال حقوقی زیر را نمی‌توان به صورت شرط نتیجه ضمن عقد آورد؟

(وکالت ۸۸)

- (۱) طلاق
- (۲) عدم عزل وکیل
- (۳) وکالت
- (۴) صلح

۵۱- اقرار سفیه در دعوای راجع به نسب و دعوای راجع به معاملات:

(وکالت ۸۸)

- (۱) در مورد اول مؤثر و در مورد دوم بی‌اثر است.
- (۲) در هر دو مورد بی‌اثر است و مؤثر نیست.
- (۳) در هر دو مؤثر است.
- (۴) در مورد اول بی‌اثر و در دومی مؤثر است.

۵۲- منظور از «اراده ظاهری» در تعهدات، اراده در مقابل اراده است.

(سراسری ۸۹)

- (۱) لفظی - عملی
- (۲) صوری - واقعی
- (۳) ابراز شده - اظهار نشده
- (۴) کتبی - شفاهی

۵۳- وسیله و شکل ابراز اراده در اعمال حقوقی...

(سراسری ۸۹)

- (۱) محدود و اجباری است.
- (۲) آزاد و اختیاری است.
- (۳) اصولاً آزاد و اختیاری است، مگر در موارد خاص.
- (۴) اصولاً محدود و اجباری است، مگر در موارد خاص.

۵۴- در خصوص فواید تشخیص زمان وقوع عقد در عقد غائبین، کدام گزینه صحیح نیست؟

(آزاد ۸۹)

- (۱) در عقد تملیکی رضایی، مالکیت همزمان با وقوع عقد حاصل می‌شود.
- (۲) مطابق نظریه اطلاع، قابل می‌تواند قبل از اطلاع موجب از قبول خود عدول کند.
- (۳) تعیین زمان عقد در تشخیص این امر که آیا عقد پیش از سپری شدن زمان مدت اعتبار ایجاب منعقد شده یا خیر، مؤثر است.
- (۴) از لحاظ تعارض قوانین در زمان تشخیص زمان وقوع عقد اهمیت ندارد.

۵۵- اشتباه در اوصاف اساسی مورد معامله موجب.....

(آزاد ۸۹)

- (۱) عدم‌نفوذ عقد است.
- (۲) بطلان عقد می‌شود.
- (۳) انفساخ عقد است.
- (۴) حق فسخ است.

**کجه ۵۶- علم نسبت به مورد معامله.....**

(آزاد ۸۹)

(۱) اصولاً باید تفصیلی باشد.

(۲) اصولاً باید اجمالی باشد.

(۳) اجمالی یا تفصیلی بودن آن به تراضی طرفین بستگی دارد.

(۴) می‌تواند نسبت به یک طرف تفصیلی و نسبت به طرف دیگر اجمالی باشد.

کجه ۵۷- اشتباه در انعقاد قرارداد در حقوق ایران:

(آزاد ۹۰)

(۱) همیشه باعث بطلان عقد است.

(۲) گاهی باعث بطلان و گاهی باعث خیار فسخ است.

(۳) همیشه باعث عدم‌نفوذ عقد است.

(۴) گاهی باعث بطلان و گاهی باعث عدم‌نفوذ عقد است.

کجه ۵۸- اکراه در انعقاد قرارداد در حقوق ایران:

(آزاد ۹۰)

(۱) همیشه باعث بطلان معامله است.

(۲) گاهی باعث بطلان و گاهی باعث عدم قابلیت استناد معامله است.

(۳) اصولاً در عقد بی‌تأثیر است.

(۴) گاهی باعث بطلان و گاهی باعث عدم‌نفوذ معامله است.

کجه ۵۹- اعمال حقوق صغیرممیز:

(آزاد ۹۰)

(۱) گاهی غیرنافذ و گاهی صحیح است. (۲) گاهی باطل و گاهی غیرنافذ است. (۳) همیشه باطل است. (۴) همیشه غیرنافذ است.

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل دوم

۱- گزینه «۳» اراده، حرکت نفس به سوی کاری معین پس از تصور و تصدیق منفعت آن است. در اصطلاح حقوقی به مجموع «قصد و رضا» اطلاق می‌شود. ماده ۱۹۰ قانون مدنی قصد و رضای طرفین (معامله) را از شرایط اساسی صحت هر معامله می‌داند و برای تحقق عقد نیز بیان و اعلام اراده کافی است. در مواردی که برای طرفین یا یکی از آنها تلفظ ممکن نباشد، اشاره‌ای که مبین قصد و رضا باشد کافی است. لذا به هر وسیله‌ای که دلالت بر قصد کند، می‌توان اراده را اعلام نمود. در همین رابطه ماده ۱۹۳ قانون یاد شده مقرر می‌دارد: «انشای معامله ممکن است به وسیله عملی که مبین قصد و رضا باشد مثل قبض و اقباض، حاصل گردد مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد.»

۲- گزینه «۳» اشتباه، تصوّر خلاف واقع از چیزی را گویند. اشتباه در وصف اساسی مورد معامله که انگیزه اصلی عهد بستن است، در حکم اشتباه در هویت مادی و معنوی است، مثلاً اگر خریدار تصور کند که ظرف خریداری شده عتیقه است و به همین جهت مبلغ گزافی بپردازد و بعد معلوم شود که عتیقه نبوده است، موجب بطلان عقد می‌شود. ضمن این که اشتباه یا اختلاف اراده متعاملین در وصفی که مطابق معمول اهمیت اساسی ندارد، خدشه‌ای بر معامله وارد نمی‌سازد و برای مشروطه‌خیزان تخیل از شرط وصف به وجود می‌آید و می‌تواند معامله را منحل کند. مانند این که شخصی فرش را بخرد به شرط آن که بافت مشهد باشد و بعد معلوم شود که بافت مکان دیگر است. اشتباه در وصف مورد معامله در حقوق فرانسه موجب بطلان نسبی است نه بطلان مطلق.

۳- گزینه «۳» مطابق ماده ۱۲۴۰ قانون مدنی «قیم نمی‌تواند به سمت قیمومت از طرف مولی‌علیه با خود معامله کند اعم از این که مال مولی‌علیه را به خود منتقل کند یا مال خود را به او انتقال دهد.» معامله با خود در صورتی است که قیم به عنوان اصیل و طرف معامله در آن دخالت داشته باشد و اعم است از عقود عهدی و تملیکی، لیکن هیچ مانعی وجود ندارد که قیم مال خود را به مولی‌علیه ببخشد یا به رایگان صلح کند.

۴- گزینه «۱» تهدید طرف معامله در نفس یا جان یا آبروی اقوام نزدیک او، از قبیل زوج، زوجه، آباء و اولاد موجب اکراه است. مطابق ماده ۲۰۵ قانون مدنی هنگامی که تهدیدشده بداند تهدیدکننده نمی‌تواند تهدید خود را به موقع اجرا گذارد و یا خود شخص مزبور قادر باشد بدون مشقت اکراه را از خود دفع کند و معامله را واقع نسازد، چنین شخصی مکره محسوب نمی‌شود.

۵- گزینه «۲» شرط فاسخ، تراضی است که دو طرف عقد درباره انفساخ احتمالی عقد در آینده می‌نمایند. و بدین وسیله تعهدهای ناشی از عقد را محدود به زمان معین یا عدم وجود شرایط خاص می‌سازند. بنابراین نباید این شرط را با شرط خیار اشتباه کرد. شرط خیار به یکی از دو طرف یا هر دو یا شخص ثالث حق می‌دهد که اگر مایل باشند عقد را در مهلتی معین فسخ کنند، در حالی که در نتیجه تحقق شرط فاسخ انحلال قهری و خود به خود عقد است و نیازی به تصمیم دیگر ندارد. شرط فاسخ به طور معمول معلق است؛ بدین معنا که تحقق آن منوط به وقوع حادثه‌ای در آینده است مانند این که اجاره به شرط تملیک شرط می‌شود که اگر پرداخت هر یک از اقساط اجاره بیش از ۱۰ روز به تأخیر افتد، قرارداد پایان پذیرد یا منفسخ شود.

۶- گزینه «۲» عقد به لحاظ دوام و ثبات عقد به دو دسته لازم و جایز تقسیم می‌شود. مطابق ماده ۱۸۵ قانون مدنی، عقد لازم آن است که هیچ‌یک از طرفین معامله حق فسخ آن را نداشته باشد مگر در موارد معینه مانند: عقد ضمان، عقد اجاره و ... لیکن مطابق ماده ۱۸۶ از همین قانون، عقد جایز آن است که هر یک از طرفین بتواند هر وقتی بخواهد آن را فسخ کند، مانند عقد وکالت، ودیعه و همچنین مطابق ماده ۱۸۷ قانون مدنی، عقد ممکن است نسبت به یک طرف لازم و نسبت به طرف دیگر جایز باشد مانند عقد رهن و کفالت عقد کفالت مطابق ماده ۷۳۴ از همین قانون عبارت است از: عقدی که به موجب آن احد طرفین در مقابل طرف دیگر احضار شخص ثالثی را تعهد می‌کند.

۷- گزینه «۳» تدلیس، مطابق ماده ۴۳۸ قانون مدنی عبارت است از: عملیاتی که موجب فریب طرف معامله شود. منظور از عملیات فریب‌دهنده نیز عملیاتی است که باید پیش از معامله صورت پذیرد تا رغبت به انجام معامله را افزایش دهد. مطابق ماده ۲۰۱ قانون مذکور «اشتباه در شخص طرف در صحت معامله خللی وارد نمی‌آورد، مگر در مواردی که شخصیت طرف علت عمده عقد بوده باشد.» اشتباه در شخصیت طرف معامله از نظر ضمانت اجرا تابع اشتباه در خود موضوع معامله است و هرگاه تدلیس سبب ایجاد اشتباه مؤثر در عقد شود، موجب بطلان یا عدم‌نفوذ عقد است، خواه فریب ناشی از طرف قرارداد باشد یا بیگانه ... با توجه به مطالب پیش گفته گزینه‌های ۱ و ۲ و ۴ صحیح نبوده و هر چند گزینه «۳» نیز بیانگر اصل موضوع نیست، لیکن صحیح به نظر می‌رسد.

۸- گزینه «۱» فقدان قصد به هر دلیل باعث بطلان عقد است. در واقع قصد یکی از شرایط اساسی صحت معامله «موضوع ماده ۱۹۰ قانون مدنی» است و عبارت است از: مصمم شدن به انجام یک عمل حقوقی مانند بیع، اقرار و ماده ۱۹۵ قانون مدنی، معامله بدون داشتن قصد را سبب بطلان عقد می‌داند و تصریحاً اعلام می‌دارد: اگر کسی در حال مستی یا بیهوشی یا در خواب معامله نماید، آن معامله به واسطه فقدان قصد باطل است. لذا با توجه به نص صریح قانونی گزینه «۱» صحیح می‌باشد.

۹- گزینه «۱» جهت معامله که داعی یا انگیزه نیز نامیده می‌شود، هدف شخصی است که هر یک از متعاملین در معامله معین دارند و این هدف ممکن است مشروع یا نامشروع باشد. مانند آن که شخصی اتومبیل خود را می‌فروشد تا از پول آن خانه خریداری نماید. مطابق بند (۴) ماده ۱۹۰ قانون مدنی، مشروعیت جهت معامله یکی از شرایط اساسی صحت معامله است، لذا اگر معلوم شود که شرط نامشروع انگیزه قاطع و جهت عقد است، باید آن را باطل تلقی نمود. مطابق ماده ۲۱۷ قانون اخیرالذکر، «در معامله لازم نیست که جهت آن تصریح شود، ولی اگر تصریح شده باشد باید مشروع باشد و آلا معامله باطل است».

۱۰- گزینه «۲» «اشتباه» در تعریف، تصور خلاف واقعی از چیزی را گویند. ماده ۲۰۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: اشتباه وقتی موجب عدم‌نفوذ معامله است که مربوط به خود موضوع معامله باشد. مثلاً فروشنده کتاب را به جای دفتر می‌فروشد. در واقع خود موضوع معامله، مجموعه اوصافی است که در عرف و صف اساسی مورد معامله تلقی می‌گردد. همچنین وفق ماده ۴۱۶ همین قانون، در صورت غبن فاحش در معامله هر یک از متعاملین می‌تواند پس از علم به غبن معامله را فسخ کند. ضمن این که اشتباه در وصف اساسی که انگیزه اصلی عهد بستن است، در حکم اشتباه در هویت مادی و معنوی است و باعث بطلان عقد می‌شود.

۱۱- گزینه «۱» اکراه در اصطلاح عبارت است از «عملی که باعث ورود فشار و تهدید به شخص «مُکَرِه» می‌شود تا وی را به انجام معامله وادار سازد.» تهدید چنین شخصی باید نامشروع باشد تا مؤثر افتد مثلاً تهدید به تعقیب قانونی اکراه محسوب نمی‌شود. ضمن این که برابر ماده ۲۰۲ قانون مدنی، اکراه به اعمالی حاصل می‌شود که مؤثر در هر شخص با شعوری بوده و او را نسبت به جان یا مال یا آبروی خود تهدید کند به نحوی که عادتاً قابل تحمل نباشد. همچنین برابر ماده ۲۰۳ از همین قانون، اکراه موجب عدم‌نفوذ معامله است، اگرچه از طرف شخص خارجی غیر از متعاملین واقع شود.

۱۲- گزینه «۴» هر چند مطابق ماده ۲۰۱ قانون مدنی، اشتباه در شخص طرف به صحت معامله خللی وارد نمی‌آورد مگر در مواردی که شخصیت طرف عقد عمده‌ی عقد بوده باشد لیکن در فرض مسئله و اشتباه در وصف اساسی همسر، حتی اگر شرط شده باشد، موجب خیار فسخ است نه بطلان آن، زیرا ماده ۱۱۲۸ در این خصوص اعلام می‌دارد: هرگاه در یکی از طرفین «نکاح» صفت خاصی شرط شده باشد و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود ...

۱۳- گزینه «۱» مطابق ماده ۲۸۳ (قانون مدنی)، اقاله یا تفاسخ بر هم‌زدن عقد لازم به تراضی طرفین را گویند که به هر لفظ یا فعلی واقع می‌شود که دلالت بر به هم زدن معامله کند و موضوع آن نیز ممکن است، تمام معامله واقع شود یا فقط مقداری از آن باشد. مطابق ماده ۲۸۶ از همین قانون، تلف یکی از عوضین مانع اقاله نیست. در این صورت به جای آن چیزی که تلف شده است، مثل آن در صورت مثلی بودن و قیمت آن در صورت قیمی بودن داده می‌شود. در فرض قیمی بودن مال تلف شده، بهای زمان اقاله داده می‌شود نه زمان عقد و تلف مال.



۱۴- گزینه «۴» یکی از اموری که لازم است اراده طرفین در آن موافق باشد، ماهیت مورد معامله است. بدین معنا که هر یک از دو طرف همان موضوع را اراده کند که طرف دیگر اراده می‌کند مانند آن که بیع تابلوی نقاشی متعلق به یک نقاش معروف، حال اگر توافقی در اراده طرفین صورت نگیرد، معامله مربوط باطل خواهد بود. همچنین توافق طرفین در نوع عقد است؛ مانند آن که شخصی قصد دارد مبیع خود را بفروشد و دیگری به تصور هبه آن را أخذ می‌کند که این معامله هم باطل است. ماده ۱۹۴ (قانون مدنی) در این خصوص اظهار می‌دارد: الفاظ و اشارات و اعمال دیگر که متعاملین به وسیله آن انشا معامله می‌نمایند باید موافق باشد به نحوی که احد طرفین همان عقدی را قبول کند که طرف دیگر عقد قصد انشای آن را داشته است و الاً معامله باطل خواهد بود.

۱۵- گزینه «۲» مطابق مادهی ۱۹۱ قانون مدنی، عقد با قصد انشای طرفین منعقد می‌گردد، مشروط بر این‌که این قصد مقرون به چیزی باشد که دلالت بر آن نماید. رضا شرط تحقق عقد نیست، شرط نفوذ آن است.

۱۶- گزینه «۱» مطابق قسمت دوم مادهی ۱۹۸ قانون مدنی، شخص می‌تواند به نمایندگی از دو طرف عقد، قرارداد را منعقد سازد. به این امر اصطلاحاً «معامله با خود» می‌گویند که برخلاف ظاهر مادهی ۱۹۸ قانون مدنی، اختصاص به وکالت نداشته و در سایر اقسام نمایندگی نیز رواج دارد.

۱۷- گزینه «۳» مطابق مادهی ۲۰۱ قانون مدنی، اشتباه در شخص طرف معامله به صحت معامله خللی وارد نمی‌آورد، مگر در مواردی که شخصیت طرف علت عمده‌ی عقد بوده باشد.

۱۸- گزینه «۴» مطابق مادهی ۲۰۳ قانون مدنی، اگرچه موجب عدم‌نفوذ معامله است، اگرچه از طرف شخص خارجی غیر از متعاملین واقع شود. ایراد گزینه‌ی ۳ آن است که نافذ بودن عقد در صورت اضطرار است نه اگرچه.

۱۹- گزینه «۲» مطابق مادهی ۱۲۱۴ قانون مدنی، معاملات و تصرفات غیررشدید در اموال خود نافذ نیست، مگر بعد از اجازه‌ی ولی یا قیم او، اعم از این‌که این اجازه قبلاً داده شده باشد یا بعد از انجام عمل، مع ذلک تملکات بلاعوض، از هر قبیل که باشد بدون اجازه نافذ است.

۲۰- گزینه «۱» مطابق مادهی ۲۱۷ قانون مدنی، اگر جهت معامله نامشروع باشد و در عقد تصریح شود، معامله باطل است. همچنین است هنگامی که جهت معامله نامشروع بوده و در عقد تصریح نشده است ولی طرف معامله از آن مطلع باشد. بنابراین هنگامی عقد باطل نیست که جهت نامشروع در عقد تصریح نشود و طرف نیز جاهل به آن باشد.

۲۱- گزینه «۳» مطابق مادهی ۲۲۴ قانون مدنی، الفاظ عقود محمول است بر معانی عرفیه. به همین لحاظ است که طرفین قرارداد به احکامی که عرف بر عقد بار می‌کند ملتزم می‌باشند؛ هرچند جاهل بر عرف بوده باشند.

۲۲- گزینه «۴» مطابق مادهی ۲۵۵ قانون مدنی، اگر کسی نسبت به مالی، معامله به عنوان فضولی نماید و بعد معلوم شود که آن مال، ملک معامل بوده و یا ملک کسی بوده است که معامل نسبت به آن شخص، دارای سمت می‌باشد، معامله‌ی مزبور غیرنافذ است.

۲۳- گزینه «۱» مطابق مادهی ۱۹۴ قانون مدنی، اشتباه در نوع یا ماهیت عقد، موجب بطلان عقد است.

۲۴- گزینه «۳» به موجب مادهی ۲۳۲ قانون مدنی: شرط نامشروع اعم است از این‌که مخالف قانون یا شرع یا اخلاق حسنه و یا نظم عمومی باشد، ولی اگر بطلان شرط مستند به فعل مشروط‌له نباشد و با جهل به فساد شرط موضوع تراضی قرار گیرد، به مشروط‌له حق فسخ می‌دهد: مادهی ۲۴۰ قانون مدنی: اختیار فسخ ناظر به موردی است که مشروط‌له از امتناع شرط آگاه نباشد. مفاد مادهی ۲۴۰ قانون مدنی در مورد شرط غیرمقدور در شرط نامشروع نیز اجرا می‌شود یعنی اگر بعد از عقد، انجام شرط غیرمقدور شود یا معلوم شود که شرط لغو و بی‌فایده است، خيار فسخ ایجاد می‌شود. ولی به موجب مادهی ۲۴۴ قانون مدنی: اگر شرط باطل بوده و ساقط شود دیگر از بابت حذف آن از عقد، خيار فسخ به وجود نمی‌آید به ویژه این‌که اقدام به منزله‌ی اسقاط حق فسخ نیز هست.

۲۵- گزینه «۳» اشتباه در اصطلاح، تصور خلاف واقع را گویند. اشتباه می‌تواند در برخی موارد موجب بطلان و در برخی موارد نیز عدم‌نفوذ معامله شود؛ به همین دلیل گزینه «۱» نمی‌تواند صحیح باشد. در خصوص گزینه «۲» نیز مطابق ماده ۲۰۱ قانون مدنی، «اشتباه در شخص طرف معامله به صحت معامله خللی وارد نمی‌آورد، مگر این‌که شخصیت طرف علت عمده عقد باشد.» لذا گزینه «۲» نیز صحیح نمی‌باشد. در خصوص گزینه «۴» نیز بایستی اذعان شود که اشتباه در نوع عقد مانند این‌که شخص به قصد هبه کالایی را تصرف می‌کند در حالی که قصد واقعی طرف دیگر بیع بوده است، لذا این معامله باطل است نه قابل فسخ ... بنابراین با عنایت به مراتب گفته‌شده، گزینه «۳» صحیح است و اشتباه در انگیزه و داعی اثری در سرنوشت عقد ندارد.

۲۶- گزینه «۳» مطابق ماده ۲۰۲ قانون مدنی، اکراه به اعمالی حاصل می‌شود که مؤثر در هر شخص با شعوری بوده و او را نسبت به جان یا مال یا آبروی خود تهدید کند به نحوی که عادتاً قابل تحمل نباشد.... در واقع در اکراه کسی را به امر ناخوشایند بیم و ترس می‌دهند مانند این که اگر ماشینت را به من بفروشی تو را خواهم کشت ...، اکراه موجب عدم‌نفوذ معامله است، اگرچه از طرف شخص خارجی غیر از متعاملین واقع شود.

۲۷- گزینه «۳» در اضطرار، عواملی عاقد را علی‌رغم میل آزاد او وادار به انعقاد عقد می‌کند بدون این که تهدید و اکراه در بین باشد. به چنین شخصی مضطر گویند. مطابق ماده ۲۰۶ قانون مدنی، اگر کسی در نتیجه اضطرار اقدام به معامله کند مکره محسوب نشده و معامله اضطراری معتبر است. لیکن در فرض پرسش، سوء استفاده از اضطرار به قصد تحمیل عقد به طرف معامله صورت می‌گیرد که حسب اظهارنظر اساتید محترم حقوق به ویژه دکتر کاتوزیان، چنین اقدامی از سوی طرف معامله اکراه محسوب گردیده و موجب عدم‌نفوذ عقد می‌شود. مانند این که شخص به حکم قانون یا قرارداد ملزم به انجام دادن کاری است و با تهدید به خودداری از آن، طرف خود را وادار به قبول تعهدی گزاف و ناروا می‌کند.

۲۸- گزینه «۲» مطابق ماده‌ی ۲۰۶ قانون مدنی، اگر کسی در نتیجه‌ی اضطرار اقدام به معامله کند، مکره محسوب نشده و معامله‌ی اضطراری معتبر خواهد بود. ایراد گزینه‌ی ۱ این است که در صورتی معامله غیرنافذ است که کسی از اضطرار دیگری سوء استفاده کند و معامله‌ای را بر او تحمیل نماید که این امر اکراه بوده و اضطرار نمی‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که معامله‌ی اضطراری مطلقاً صحیح است.

۲۹- گزینه «۱» به موجب ماده‌ی ۱۹۵ قانون مدنی: اگر کسی در حال مستی یا بیهوشی یا در خواب معامله نماید، آن معامله به واسطه فقدان قصد باطل است.

۳۰- گزینه «۱» به موجب ماده‌ی ۱۹۸ قانون مدنی: ممکن است طرفین یا یکی از آن‌ها به وکالت از غیر اقدام بنماید و نیز ممکن است که یک نفر به وکالت از طرف متعاملین این اقدام را به عمل آورد.

۳۱- گزینه «۱» به موجب ماده‌ی ۲۰۸ قانون مدنی: مجرد خوف از کسی بدون آن که از طرف آن کس تهدید شده باشد، اکراه محسوب نمی‌شود.

۳۲- گزینه «۴» مطابق ماده ۱۲۰۷ (قانون مدنی)، «اشخاص ذیل محجور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند: (۱) صغار (۲) اشخاص غیررشید (۳) مجانین. همچنین مطابق ماده ۱۲۱۲ از همین قانون «اعمال و اقوال صغیر تا حدی که مربوط به اموال و حقوقی مالی او باشد باطل و بلا اثر است، مع ذلک صغیر ممیز می‌تواند تملک بلاعوض کند مثل قبول هبه و صلح بلاعوض و حیات مباحات ...» با توجه به مواد قانونی مطروحه، اعمال حقوقی صغیر ممیز با اذن ولی قهری یا قیم تنفیذ می‌شود و بطلان ناظر به عمل صغیر بدون اذن ولی قهری است. به نظر می‌رسد که طراح محترم سؤال، کودک ۹ ساله را صغیر ممیز تلقی کرده است لذا معامله‌ی وی غیرنافذ می‌باشد که با دریافت نصف دیگر بها توسط ولی قهری، معامله مزبور تنفیذ گردیده است.

۳۳- گزینه «۱» به موجب رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور (رأی شماره ۲-۴۷، پرونده ۴-۴۳۳۳) شرطی که ضمن انتقال ملکی به صغیر (نوه‌ی انتقال‌دهنده) ولی قهری او را تا رسیدن مولی‌علیه به سن کبر از معامله منع کرده است، خلاف مقتضای ذات عقد بیع نیست و اجرای آن بر ولی لازم است.

۳۴- گزینه «۱» به موجب ماده‌ی ۲۰۱ قانون مدنی: «اشتباه در شخص طرف، به صحت معامله خللی وارد نمی‌آورد، مگر در مواردی که شخصیت طرف علت عمده‌ی عقد بوده باشد». معمولاً در بخشش‌ها شخصیت طرف، علت عمده‌ی عقد است.

۳۵- گزینه «۴» به موجب ماده‌ی ۲۳۵ قانون مدنی: «هرگاه شرطی که در ضمن عقد شده است، شرط صفت باشد و معلوم شود آن صفت موجود نیست کسی که شرط به نفع او شده است، اختیار فسخ خواهد داشت».

۳۶- گزینه «۲» مطابق ماده ۲۰۳ قانون مدنی، اکراه موجب عدم‌نفوذ معامله است، اگرچه از طرف شخص خارجی غیر از متعاملین واقع شود. همچنین تهدید طرف معامله در نفس یا جان یا آبروی اقوام نزدیک او از قبیل زوج، زوجه، آباء و اولاد نیز موجب اکراه است. همان‌گونه که گفته شد اکراه یکی از موارد فقد رضا است، لذا با عنایت به ماده ۲۰۴ قانون یاد شده که صریحاً تهدید نسبت به شخص ثالث را عنوان کرده است، گزینه «۲» صحیح است.

۳۷- گزینه «۴» پولی را که مدیون بابت دین خود به طلبکار داده است، نمی‌توان تنها به دلیل حجر پرداخت‌کننده پس گرفت. چرا که اگر موضوع تعهد عین معین باشد وفای به عهد صرفاً یک عمل مادی است و نیاز به اهلیت ندارد، ولی در فرضی که موضوع تعهد، کلی است، مطابق ماده‌ی ۲۶۹ قانون مدنی وفای به عهد صورت نگرفته است، در نتیجه محجور آنچه را که پرداخته از داین، طلبکار می‌شود و این طلب با دین او که به داین داشته است، تهاثر شده و ذمه‌ی محجور بری می‌شود.



۳۸- گزینه ۳: مطابق ماده‌ی ۳۵۳ قانون مدنی: «هر چیز معین به عنوان جنس خاصی فروخته شود و در واقع از آن جنس نباشد بیع، باطل است و اگر بعضی از آن، از غیرجنس باشد نسبت به آن بعض باطل است و نسبت به مابقی، مشتری حق فسخ دارد».

۳۹- گزینه ۴: به استناد مواد ۱۹۲ و ۱۹۴ قانون مدنی، مطابق ماده‌ی ۱۹۲ قانون مدنی «در مواردی که برای طرفین یا یکی از آن‌ها تلفظ ممکن نباشد، اشاره‌ای که مبین قصد و رضا باشد کافی است». و برابر با ماده‌ی ۱۹۴ قانون مدنی «الفاظ و اشارات و اعمال دیگر که متعاملین به وسیله‌ی آن انشای معامله می‌نمایند باید موافق باشد، به نحوی که احد طرفین همان عقدی را قبول کند که طرف دیگر قصد انشای آن را داشته است و الا معامله باطل خواهد بود». بنابراین در حقوق ایران مطابق اصل «رضایی بودن اعمال حقوقی»، اعلام اراده علی‌الاصول قالب خاصی ندارد.

۴۰- گزینه ۴: به استناد ماده‌ی ۱۰۶۴ قانون مدنی. «عاقده باید عاقل و بالغ و قاصد باشد». در ماده‌ی ۱۰۶۴ قانون مدنی اشاره‌ای به لزوم رشد نشده است و این سکوت به طور ضمنی دلالت بر نفوذ نکاح سفیه دارد. در حقوق ایران معاملات مالی سفیه غیرنافذ است و امور غیرمالی او صحیح است؛ همچنان که تملکات بلاعوض سفیه و نیز معاملاتی که کاملاً به سود او است صحیح می‌باشد.

۴۱- گزینه ۴: به استناد ماده‌ی ۲۰۱ قانون مدنی. «اشتباه در شخص طرف به صحت معامله خللی وارد نمی‌آورد، مگر در مواردی که شخصیت طرف علت عمده‌ی عقد بوده باشد». گزینه ۳: به این علت پاسخ سؤال نمی‌باشد که در عقود تبرعی مطلقاً شخصیت طرف علت عمده عقد نیست، اگرچه در غالب موارد چنین است، ولی گاهی واهب قصد بخشش مال خویش به هر فردی را دارد.

۴۲- گزینه ۱: به پاسخ سؤال شماره ۳۷ مراجعه شود.

۴۳- گزینه ۱: مطابق ماده ۲۰۹ قانون مدنی، «امضای معامله بعد از رفع اکراه موجب نفوذ معامله است». اگر مکره پیش از اجازه فوت کند، وارثان حق رد و امضای عقد را دارند هر چند که برخی از علمای حقوق قائم مقامی ورثه را در تنفیذ معامله مذکور تنها در عقود تملیکی می‌پذیرند. ماده ۲۵۳ قانون مدنی، اجازه وراثت در رد یا قبول معامله اختصاص را به عقود تملیکی نمی‌داند.

۴۴- گزینه ۳: منفعت عقلائی، منفعتی است که مورد توجه در امور عقلای متعارف یک جامعه باشد هر چند که صنفی از عقلا باشند نه همه آنان، مانند اجرت گرفتن برای تهیه مارهای مخصوص برای مؤسسه سرم‌سازی اما منفعت قمار عقلائی نیست. ماده ۳۴۸ قانون مدنی نیز بر آن تأکید دارد.

۴۵- گزینه ۳: در خصوص زمان و مکان تشکیل عقد چهارنظر ابراز شده است. (۱) نظریه اعلام، مطابق این نظریه، عقد در زمان و مکانی تشکیل می‌شود که قبول‌کننده، قبول خود را اعلام می‌دارد. (۲) نظریه ارسال، طبق این نظریه، عقد زمانی تشکیل می‌شود که قبول برای طرف ایجاب‌کننده ارسال شده باشد. (۳) نظریه وصول، به موجب این نظریه، برای تشکیل عقد لازم است که قبول به دست ایجاب‌کننده برسد هر چند که از مضمون آن آگاهی نیافته باشد. (۴) نظریه اطلاع، صرف وصول قبول به دست ایجاب‌کننده کافی نیست بلکه، عقد زمانی منعقد می‌شود که ایجاب‌کننده بر آن اطلاع پیدا کند. در فرض مسئله یعنی عقدی که با مکاتبه انجام می‌شود و محل ایجاب و قبول متفاوت است، عقد در محل قبول منعقد می‌شود و زمان انعقاد آن نیز تاریخ اعلام قطعی قبولی «سپردن نامه حاوی قبولی به پست» است و ماده ۱۹۱ قانون مدنی نیز با آن انطباق دارد.

۴۶- گزینه ۲: جهت معامله که داعی یا انگیزه نیز نامیده می‌شود، عبارت است از هدف غیرمستقیمی که معامله‌کننده از تشکیل عقد دارد مانند این‌که شخصی وسایل منزلش را می‌فروشد تا با پول آن ماشین بخرد و خرید ماشین در این مثال جهت معامله است، لیکن علت عبارت است از هدف مستقیمی که شخص از تشکیل معامله انتظار دارد مانند أخذ ثمن معامله در فروش ماشین به خریدار. مشروع بودن جهت معامله یکی از شرایط اساسی صحت معامله است و مطابق ماده ۲۱۷ قانون مدنی، «در معامله لازم نیست که جهت تصریح شود، ولی اگر تصریح شده باشد، باید مشروع باشد و الاً معامله باطل است».

۴۷- گزینه ۴: اشتباه در صورتی موجب بطلان عقد می‌شود که موجب اشتباه در «وصف اساسی مورد معامله» باشد. همچنین اشتباه در شخص طرف عقد، جایی که شخصیت او علت عمده‌ی عقد است. موجب بطلان عقد می‌باشد. در سایر موارد، اشتباه، موجب بطلان عقد نیست، بلکه حداکثر به مشتبّه، حق فسخ می‌دهد.

۴۸- گزینه ۳: مطابق مواد ۲۵۹، ۲۶۱ تا ۲۶۳، ۳۲۳ تا ۳۲۷ و ۳۹۰ تا ۳۹۳ قانون مدنی که همگی ناظر به روابط اطراف عقد فضولی می‌باشند، فضول، غاصب بوده و اصیل نیز اگر عالم به فضولی بودن باشد، غاصب و اگر جاهل به فضولی بودن باشد، در حکم غاصب است. بنابراین مالک می‌تواند به هریک از فضول یا اصیل برای مطالبه‌ی عین مال، بدل مال، عوض منافع (مستوفات یا غیرمستوفات) و کلیه‌ی خسارات وارد بر مال، مراجعه نماید. بدیهی است اگر اصیل، جاهل باشد می‌تواند علاوه بر عوض، کلیه‌ی خسارات وارده را نیز از باب غرور از فضول مطالبه نماید، ولی اگر اصیل عالم باشد، تنها می‌تواند عوض پرداختی به فضول را از باب ایفای ناروا، مطالبه نماید. با این توضیح ایراد سایر گزینه‌ها روشن می‌گردد.

۴۹- گزینه «۲» به موجب ماده‌ی ۲۰۶ قانون مدنی: اگر کسی در نتیجه‌ی اضطراب اقدام به معامله کند، مکرراً محسوب نشده و معامله‌ی اضطرابی معتبر خواهد بود.

به موجب ماده‌ی ۱۹۵ قانون مدنی: اگر کسی در حال مستی یا بیهوشی یا در خواب معامله نماید، آن معامله به واسطه‌ی فقدان قصد باطل است.

۵۰- گزینه «۱» به موجب ماده‌ی ۲۳۶ قانون مدنی: شرط نتیجه، در صورتی که حصول آن نتیجه، موقوف به سبب خاصی نباشد آن نتیجه به نفس اشتراط، حاصل می‌شود. طلاق، ایقاعی خاص بوده که به تشریفات خاص خود نیاز دارد و به صورت شرط نتیجه محقق نمی‌شود.

۵۱- گزینه «۱» بر طبق ماده‌ی ۱۲۶۳ قانون مدنی: اقرار سفیه در امور مالی مؤثر نیست.

۵۲- گزینه «۳» مطابق ماده‌ی ۱۹۱ قانون مدنی، «عقد محقق می‌شود به قصد انشا به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند.» اراده‌ی ظاهری جنبه‌ی بیرونی و اعلامی قصد و رضا است. اراده‌ی باطنی، نیت درونی و مکنون قبلی فرد است. آنچه سازنده اصلی عقد است، اراده‌ی باطنی است.

۵۳- گزینه «۳» در حقوق کنونی، بیان اراده، اصولاً تشریفات خاصی ندارد و دو طرف می‌توانند با اعلام ساده، مقصود خود را در ایجاد تعهد بیان کنند، لیکن رعایت برخی تشریفات در اثبات قرارداد و نظام معاملات اثر فراوان دارد و اصل رضایی بودن معاملات، توسط قانون‌گذار در مواردی و بنا به مصالحی با استثناء مواجه شده است.

۵۴- گزینه «۴» مطابق ماده‌ی ۴ قانون مدنی. عقود تابع قانون زمان وقوع آن است. لذا تشخیص این که عقد در زمان حکومت قانون سابق است یا قانون لاحق اهمیت بسزایی دارد. مانند قانون روابط موجر و مستأجر در خصوص سرقفلی.

۵۵- گزینه «۲» مطابق ماده‌ی ۲۰۰ قانون مدنی. اشتباه در وصف اساسی در صورتی موجب بطلان عقد است که دو طرف، آن را وصف اساسی بدانند و یا این که آن وصف انگیزه‌ی اصلی عهد بستن باشد که در این صورت اشتباه در هویت مادی است و باعث بطلان عقد می‌شود. البته باید انگیزه‌ی خصوصی و پنهانی یکی از دو طرف نباشد و در قصد مشترک طرفین بیاید، در غیر این صورت اشتباه هیچ تأثیری نخواهد داشت. لازم به توضیح است که در ماده‌ی ۲۰۰ قانون مدنی اثر حقوقی اشتباه «عدم نفوذ» ذکر شده، اما این اصطلاح در معنای خاص خود بکار نرفته، بلکه اشتباه در خود موضوع معامله با توجه به وحدت ملاک با ماده‌ی ۷۶۲ به دلیل فقدان قصد، موجب بطلان معامله است.

۵۶- گزینه «۱» به موجب ماده‌ی ۲۱۶ قانون مدنی «مورد معامله باید مبهم نباشد، مگر در موارد خاصه که علم اجمالی به آن کافی است». موارد خاصی را که علم اجمالی کافی است را قانون معین می‌کند، مانند مواد ۵۶۳، ۵۶۴، و ۶۹۴ قانون مدنی.

۵۷- گزینه «۲» اشتباه اگر در وصف اساسی یا شخصیت طرف، علت عمده‌ی عقد باشد؛ باعث بطلان و اگر در وصف فرعی باشد موجب خیار فسخ می‌باشد لذا گزینه ۲ صحیح است.

۵۸- گزینه «۴» اکراه مطابق با حقوق ایران علی‌الاصول نشانه‌ی غیرنافذ بودن عقد است، مگر به حدی باشد که قصد را از بین ببرد که در این صورت مُبطل عقد است؛ با این توضیحات، گزینه‌ی ۴ صحیح است.

۵۹- گزینه «۱» اعمال حقوقی صغیر ممیز اصولاً غیرنافذ است و نیاز به تنفیذ ولی یا قیم دارد. با این حال برخی از اعمال صغیر ممیز از قبیل قبول هبه، حیات مباحات و ... صحیح بوده و نیاز به تنفیذ ندارد.

فصل سوم

«آثار قراردادها و تعهدات»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل سوم

کج ۱- با توجه به آن‌که در حقوق ایران علی‌الاصول اراده باطنی سازنده عقد است، در عقد مکاتبه‌ای برای تعیین زمان و مکان وقوع عقد، منطقاً از کدام‌یک از نظریه‌های ذیل باید پیروی کرد:

(سراسری ۷۵)

- (۱) نظریه اطلاع از قبول (۲) نظریه وصول قبول (۳) نظریه ارسال قبول (۴) نظریه اعلام قبول

(سراسری ۷۶)

کج ۲- اگر معامله مشروطی اقاله گردد طبق قانون مدنی:

- (۱) اگر شرط محقق نشده باشد، باطل است. (۲) تنها اگر شرط صفت یا نتیجه باشد، باطل است. (۳) تنها اگر شرط فعل باشد باطل می‌شود. (۴) شروط ضمن آن در هر حال باطل می‌شود.

(سراسری ۷۷)

کج ۳- اگر موضوع تعهد عین کلی باشد و فردی که متعهد داده معیوب درآید:

- (۱) متعهدتله بین فسخ معامله و مطالبه ارش مخیر است. (۲) متعهدتله فقط می‌تواند مطالبه ارش کند. (۳) متعهدتله می‌تواند معامله را به لحاظ خیار عیب فسخ کند. (۴) متعهدتله می‌تواند الزام متعهد را به تحویل فرد دیگری از موضوع تعهد بخواهد.

(سراسری ۷۸)

کج ۴- اگر بعد از معامله، انجام شرط غیرمقدور شود:

- (۱) مشروطتله، حق فسخ معامله را دارد. (۲) عقد و شرط هر دو باطل می‌شود. (۳) شرط باطل می‌شود، ولی عقد صحیح است. (۴) از تاریخ ممتنع شدن شرط، عقد منفسخ می‌گردد.

کج ۵- اگر مدیون مالی را در مقام وفای به عهد به طلبکار بدهد و بعد عنوان کند که مال دیگری بوده است، اثبات ادعا چگونه و به عهده کیست؟

(سراسری ۷۸)

- (۱) طلبکار باید مالکیت مدیون را ثابت کند. (۲) بدهکار باید مالکیت غیر را ثابت کند. (۳) بدهکار باید اشتباه و اکراه خود را ثابت کند. (۴) بدهکار باید مالکیت غیر و تصرف نامشروع «تأدیه بدون اذن» را اثبات کند.

(سراسری ۷۹)

کج ۶- اگر کسی مال خود را که از طرف حاکم توقیف شده، در مقام وفای به عهد بپردازد ...

- (۱) چنین وفای به عهدی باطل و بلااثر است. (۲) وفای به عهد صحیح است، ولی مدیون باید به جای مال توقیف شده مال دیگری معادل آن را به حاکم تحویل دهد. (۳) وفای به عهد وقتی صحیح است که شخصی که مال را توقیف کرده با آن موافقت کند. (۴) وفای به عهد وقتی صحیح است که شخصی که مال به نفع او توقیف شده رضایت دهد.

کج ۷- تعهدی را که برای متعهدتله قانوناً حق مطالبه نمی‌باشد، ولی اگر متعهد به میل خود آن را ایفا نماید، دعوی استرداد او مسموع نخواهد بود اصطلاحاً چه می‌نامند؟ تعهد ...

(سراسری ۷۹)

- (۱) اخلاقی (۲) حقوقی (۳) طبیعی (۴) مذهبی

(سراسری ۷۹)

کج ۸- در صورت خودداری متعهد از انجام تعهد، متعهدتله ...

- (۱) فقط می‌تواند قرارداد را فسخ کند. (۲) فقط می‌تواند از حق حبس استفاده کند. (۳) نمی‌تواند از حق حبس استفاده کند. (۴) می‌تواند با اجازه حاکم، به هزینه متعهد عمل را انجام دهد.

(سراسری ۸۰)

کج ۹- هرگاه مورد معامله، قیمی بوده و تلف شود پس از اقاله، قیمت چه زمانی باید پرداخت شود؟ برطبق نظر غالب، قیمت

- (۱) زمان اقاله (۲) زمان تلف (۳) زمان انعقاد عقد (۴) زمان مطالبه



(آزاد ۸۰)

۱۰- خسارت تخلف از انجام تعهد در صورتی قابل مطالبه است که:

- (۱) زمان انجام تعهد متصل به عقد باشد.
- (۲) زمان انجام تعهد سپری شده باشد.
- (۳) زمان انجام تعهد صریحاً به وسیله طرفین معین شده باشد.
- (۴) انجام تعهد زمان نداشته باشد.

(آزاد ۸۰)

۱۱- برای مطالبه خسارت تخلف از انجام تعهد لازم است:

- (۱) متعهد عامل بازدارنده را اثبات نکند.
- (۲) متعهدله تقصیر متعهد را اثبات کند.
- (۳) متعهدله بی تقصیری خود را اثبات کند.
- (۴) متعهدله از تأثیر عامل بازدارنده بی خبر مانده باشد.

(آزاد ۸۰)

۱۲- کدام یک از شروط زیر عقد را باطل می‌کند؟

- (۱) شرط خلاف مقتضای اطلاق عقد
- (۲) شرط خلاف اثر ذات عقد
- (۳) شرط غیر ممکن
- (۴) شرط نامشروع

۱۳- اگر ضمن بیع شرط شده باشد که خریدار برای اقساط ثمن، خانه مسکونی خود را نزد فروشنده رهن گذارد و او از انجام شرط خودداری کند، معامله:

(آزاد ۸۰)

- (۱) قابل فسخ است.
- (۲) غیر نافذ است.
- (۳) قابل فسخ نیست.
- (۴) معلق است.

(وکالت ۸۰)

۱۴- در صورتی که مالک مبیع که مال او به طور فضولی فروخته شده، مدعی خیار غبن شود. این ادعا به معنای:

- (۱) تنفیذ عقد بیع فضولی است مطلقاً.
- (۲) تنفیذ عقد بیع فضولی است، اگر مغبون نشده باشد.
- (۳) رد عقد بیع فضولی است مطلقاً.
- (۴) رد عقد بیع فضولی است، اگر مغبون شده باشد.

(وکالت ۸۰)

۱۵- هرگاه متعهدله از دریافت مال مورد تعهد خودداری کند متعهد چگونه از اصل دین برائت حاصل کند؟

- (۱) با اثبات امتناع متعهدله ذمه او بری می‌شود.
- (۲) تا زمانی که مورد تعهد را به شخص متعهد تحویل ندهد، بری‌الذمه نمی‌شود.
- (۳) با مراجعه به حاکم یا قائم مقام او بری‌الذمه می‌شود.
- (۴) با مراجعه به حاکم یا قائم مقام او و تصرف دادن مال مورد تعهد به آنان بری‌الذمه می‌شود.

۱۶- هرگاه کسی خانه‌ی خود را به مبلغ معین بفروشد و قرار بگذارد که مشتری ثمن را پس از فوت پدرش به فروشنده بدهد، عقد و شرط

(سراسری ۸۱)

چه حکمی دارد؟

- (۱) شرط و عقد هر دو صحیح است.
- (۲) شرط مزبور باطل و حق فسخ به فروشنده می‌دهد.
- (۳) شرط مزبور، باطل و موجب بطلان عقد نیز می‌شود.
- (۴) شرط مزبور باطل، ولی موجب بطلان عقد نمی‌گردد.

(سراسری ۸۱)

۱۷- کدام یک از عبارتهای زیر صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) به هنگام بطلان عقد، مسئولیت علی‌الاصول دیگر جنبه‌ی قراردادی ندارد.
- (۲) هر زبانی که توسط یکی از متعاملین به طرف دیگر وارد آید، موجب تحقق پیوستن مسئولیت قراردادی نخواهد داشت.
- (۳) هنگامی که یکی از متعاقدين با توسل به اعمال اکراه‌آمیز طرف دیگر را به انعقاد عقد واداشته است، مسئولیتی که متوجه او می‌باشد مسئولیتی قراردادی است.
- (۴) اگر بر اثر اجرا یا سوء اجرای عقد توسط یکی از متعاملین، به شخص ثالثی زیان برسد، مسئولیتی که برای عامل ورود ضرر و زیان به بار می‌آید مسئولیت قراردادی نیست.

(آزاد ۸۱)

۱۸- متخلف از انجام تعهد در کدام یک از موارد زیر از پرداخت خسارت معاف می‌گردد؟

- (۱) در صورتی که اثبات کند مرتکب هیچ تقصیری نشده است.
- (۲) در صورتی که ثابت کند سعی و کوشش کافی در اجرای تعهد نموده، ولی تعهد به نتیجه نرسیده است.
- (۳) اگر ثابت کند که حادثه خارجی مانع اجرای تعهد شده است.
- (۴) در مسئولیت‌های قراردادی عدم اجرای تعهد موجب مسئولیت مطلق متعهد می‌گردد و هیچ عاملی نمی‌تواند او را از پرداخت خسارت معاف کند.

(آزاد ۸۱)

کدام گزینه در مورد وجه التزام درست است؟

- (۱) وجه التزام آن است که در عقود جایز یکی از طرفین عقد یا هر دو نفر آن‌ها به وجه ملزومی حق فسخ عقد را از خود سلب نمایند.
- (۲) در عقود معوض، عوض وجه التزام معوض است.
- (۳) وجه التزام مبلغی است که قاضی پس از رسیدگی قضایی، متخلف از انجام تعهد را به پرداخت آن محکوم می‌کند.
- (۴) وجه التزام مبلغی است که در ضمن معامله شرط می‌شود تا متخلف از انجام تعهد آن را به طرف دیگر بپردازد.

(سراسری ۸۲)

در صورتی که قرارداد فروش ملکی پس از مدتی اقاله شود، نمآت و منافع ملک در فاصله عقد و اقاله از آن کیست؟

- (۱) نمآت و منافع به خریدار تعلق دارد.
- (۲) نمآت و منافع به فروشنده تعلق دارد.
- (۳) تعلق نمآت و منافع به بایع یا مشتری را حکم عرف معین می‌کند.
- (۴) نمآت و منافع منفصله به خریدار تعلق دارد و منافع متصله به فروشنده.

در قراردادی که شرط فعل به سود یکی از دو طرف شده است. هرگاه مشروط‌علیه آن را به جا نیاورد، مشروط‌له چه اقدامی می‌تواند بکند و

(سراسری ۸۲)

کدام یک از این پاسخ‌ها درست است؟

- (۱) مشروط‌له می‌تواند اجبار مشروط‌علیه را بخواهد و اگر اجبار ممکن نشود، حق فسخ دارد.
- (۲) مشروط‌له در انتخاب فسخ قرارداد یا اجبار مشروط‌علیه آزاد است.
- (۳) مشروط‌له تنها می‌تواند اجبار مشروط‌علیه را بخواهد و حق فسخ ندارد.
- (۴) در هر حال مشروط‌له می‌تواند عقد را فسخ کند.

(آزاد ۸۲)

اگر معلوم شود شرطی که در ضمن عقد شده، شرطی نامقدور بوده است، عقد چه وضعی دارد؟

- (۱) کسی که شرط به نفع او شده، حق فسخ قرارداد را دارد.
- (۲) شرط باطل است و هیچ تاثیری در عقد ندارد.
- (۳) شرط و عقد هر دو باطل است.
- (۴) عقد غیرنافذ است، و اگر مشروط‌له آن را تنفیذ نماید، صحیح می‌شود.

(وکالت ۸۲)

در صورتی که معامله به دلیل اقاله به هم خورد، شرط فعل مندرج در معامله چه حکمی خواهد داشت؟

- (۱) اگر شرط انجام نشده باشد ساقط می‌گردد.
- (۲) مشروط‌له حق درخواست اجبار مشروط‌علیه را به انجام شرط دارد.
- (۳) شرط باقی می‌ماند مگر آن که مشروط‌له هنگام اقاله از آن صرف‌نظر کرده باشد.
- (۴) شرط به قوت خود باقی می‌ماند، و مشروط‌له باید ما به ازای آن را پرداخت کند.

در قراردادی که موضوع آن تعهد برای آماده کردن سالن کنفرانس برای برگزاری مراسم سخنرانی در روز مشخص است، عدم انجام تعهد:

(سراسری ۸۳)

(۱) سبب بطلان قرارداد است.

(۲) سبب مسئولیت متعهد به جبران خسارت است.

(۳) سبب استحقاق متعهدله به دریافت خسارت تأخیر تعهد است.

(۴) متعهدله را در مطالبه خسارت یا اجبار به انجام تعهد مختار می‌سازد.

یک دستگاه وانت، به مدت ۱۰ روز برای حمل بار از جاده معین اجاره می‌شود، پس از دو روز جاده بر اثر ریزش کوه تا مدت نامعلومی مسدود

(سراسری ۸۳)

می‌شود عقد اجاره

- (۱) منفسخ می‌گردد.
- (۲) قابل فسخ است.
- (۳) غیرنافذ است.
- (۴) تا رفع مانع به حال خود باقی می‌ماند.

هرگاه طرفین عقد بیع با علم به غیرقابل تسلیم بودن مبیع معامله کنند، ولی بعد از عقد خریدار قادر بر تسلیم شود عقد بیع

(سراسری ۸۳)

- (۱) باطل است
- (۲) منفسخ است.
- (۳) غیرنافذ است.
- (۴) بایع حق فسخ دارد.

(سراسری ۸۳)

اگر مبیع موضوع تعهد در قراردادی عین کلی باشد، تعیین مبیع به چه صورت انجام می‌شود؟

- (۱) به وسیله‌ی مشاهده انجام می‌شود.
- (۲) به وسیله شمارش در زمان عقد انجام می‌شود.
- (۳) منحصرأ به وسیله‌ی وصف انجام می‌شود.
- (۴) به وسیله‌ی وزن کردن هنگام عقد انجام می‌شود.



۲۸- در ضمن عقد بیع شرط شده است که خریدار وکیل فروشنده باشد و تا ده سال به طور مجانی اموال او را اداره کند، چنین شرطی: (آزاد ۸۳)

- ۱) شرط فعل است و فروشنده پس از تحقق عقد بیع باید به خریدار وکالت دهد.
- ۲) شرط نتیجه است و به نفس اشتراط محقق می‌شود.
- ۳) چون به موجب قانون وکالت یک عمل با اجرت است، چنین شرطی خلاف قانون بوده و باطل است.
- ۴) شرط صحیح است، ولی خریدار (وکیل) می‌تواند پس از انجام وکالت مطالبه اجرت کند.

۲۹- اگر متعهد به تعهد خود عمل نکند، متعهدله در چه صورتی می‌تواند مطالبه خسارت کند؟ (آزاد ۸۳)

- ۱) فقط در صورتی که در قرارداد تصریح به جبران خسارت شده باشد.
- ۲) فقط در صورتی که جبران خسارت در قانون تصریح شده باشد.
- ۳) در صورتی که جبران خسارت در قرارداد تصریح شده یا عرفاً به منزله تصریح بوده و یا قانوناً موجب ضمان باشد.
- ۴) فقط در صورتی که ثابت کند عدم اجرای تعهد بر اثر عمد یا تقصیر متعهد بوده است.

۳۰- اگر متعهد چیز دیگری غیر از آن چه که موضوع تعهد است، تأدیه نماید و ارزش آن بیش از موضوع تعهد باشد: (آزاد ۸۳)

- ۱) متعهدله می‌تواند از قبول آن امتناع کند، در این صورت وفای به عهد محقق نمی‌شود.
- ۲) چون ارزش آن بیش از موضوع تعهد است، متعهدله باید آن را قبول کند، در صورت امتناع متعهد له، با تسلیم آن به حاکم وفای به عهد محقق می‌شود.
- ۳) حاکم می‌تواند متعهدله را اجبار به قبول آن نماید.
- ۴) در صورتی حاکم متعهدله را اجبار به قبول آن می‌کند که مال مورد تأدیه بتواند به جای موضوع تعهد مورد استفاده قرار گیرد.

۳۱- اگر کسی به دیگری دیون متعدد داشته باشد، تعیین این که پرداخت بابت کدام دین است، با کیست؟ (آزاد ۸۳)

- ۱) با طلبکار است که تعیین کند کدام دین را قبول کرده است.
- ۲) با هیچ کدام از طلبکار و بدهکار نیست، دادگاه باید تعیین کند که پرداخت بابت کدام دین است.
- ۳) با بدهکار است که تعیین کند کدام دین را پرداخته است.
- ۴) به قید قرعه تعیین می‌شود که پرداخت بابت کدام دین است.

۳۲- اگر انجام تعهد مستلزم هزینه‌ای باشد، به عهده کیست؟ (آزاد ۸۳)

- ۱) به عهده مدیون است، مگر این که خلاف آن شرط شده باشد.
- ۲) به عهده مدیون نیست، مگر این که در قرارداد شرط شده باشد.
- ۳) به عهده طلبکار است، مگر این که شرط خلاف شده باشد.
- ۴) متعهد و متعهدله باید بالمناصفه بپردازند.

۳۳- اگر موضوع تعهد کلی باشد، تعیین مصداق چگونه و با کیست؟ (آزاد ۸۳)

- ۱) با متعهدله است که باید از نوع متعارف انتخاب کند.
- ۲) با متعهد است که باید از نوع متوسط آن وفای به عهد کند.
- ۳) فقط با دادگاه است.
- ۴) با متعهد است و کافی است از نوعی وفای به عهد کند که عرفاً معیوب نباشد.

۳۴- در صورتی که موضوع تعهد در قراردادی عین کلی باشد، متعهد از چه نوع باید وفای به عهد کند؟ (وکالت ۸۳)

- ۱) متعهد مجبور نیست که از فرد اعلای آن ایفا کند، لیکن از فردی هم که عرفاً معیوب محسوب است نمی‌تواند بدهد.
- ۲) از نوع متوسط به انتخاب خود وفای به عهد می‌کند.
- ۳) انتخاب مصداق کلی با مدیون است.
- ۴) از عالی‌ترین نوع باید انتخاب کند.

۳۵- ماده ۷۷۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اگر شرط شده باشد که مرتهن حق فروش عین مرهونه را ندارد، باطل است.» در این ماده بطلان ناظر به (سراسری ۸۴)

کدام یک از موارد زیر است؟

- ۱) فقط عقد باطل است نه شرط.
- ۲) شرط به واسطه مجهول بودن باطل است.
- ۳) شرط به واسطه نامشروع بودن باطل است.
- ۴) شرط خلاف مقتضای عقد است، لذا شرط و عقد هر دو باطل هستند.



۳۶- در صورتی که معامله پس از مدتی اقاله شود و در این مدت نماآت و منافع در مورد معامله ایجاد شود، نماآت و منافع از آن کسی است که به موجب عقد مالک شده است یا به شخصی که به موجب اقاله مالک می‌شود؟

(وکالت ۸۴)

(۱) نماآت و منافع به کسی تعلق دارد که به موجب اقاله مالک می‌شود.

(۲) نماآت و منافع به کسی تعلق دارد که به موجب عقد مالک می‌شود.

(۳) نماآت و منافع منفرجه مال کسی است که به موجب عقد مالک شده و منافع متصله از آن کسی است که در اثر اقاله مالک می‌شود.

(۴) نماآت و منافع متصله مال کسی است که به موجب عقد مالک شده و منافع منفرجه به کسی تعلق دارد که در اثر اقاله مالک شده است.

۳۷- اگر موضوع تعهد کلی باشد، متعهد چه مصداقی از آن کلی را می‌تواند در مقام وفای به عهد انتخاب کند؟

(وکالت ۸۴)

(۱) انتخاب مصداق کلی با متعهدله است.

(۲) متعهد باید از فرد اعلا وفای به عهد کند.

(۳) متعهد حق دارد هر مصداقی را که بخواهد انتخاب کند.

(۴) متعهد مجبور نیست از فرد اعلا بدهد، ولی از فردی هم که معیوب است نمی‌تواند وفای به عهد کند.

۳۸- هرگاه در معامله‌ای یکی از دو طرف به تعهد خود وفا نکند، طرف مقابل چه اختیاری پیدا می‌کند؟

(وکالت ۸۴)

(۱) می‌تواند معامله را فسخ کند.

(۲) می‌تواند الزام متعهد را از دادگاه بخواهد.

(۳) می‌تواند الزام متعهد یا فسخ عقد را به میل خود انتخاب کند.

(۴) می‌تواند الزام متعهد را بخواهد و هرگاه اجبار ممکن نباشد معامله را فسخ کند.

۳۹- اگر کسی مال خود را که توسط دادگاه به نفع کسی توقیف شده است در مقام وفای به عهد به طلبکار بدهد، وفای به عهد (سراسری ۸۶)

(۱) باطل و بی‌اثر است.

(۲) منوط به تنفیذ ذینفع توقیف است.

(۳) صحیح است، زیرا توقیف مالکیت را بی‌اثر نمی‌کند.

(۴) منوط به تنفیذ دادگاهی است که حکم توقیف را صادر کرده است.

۴۰- شرط مجهولی که جهالت آن به عوضین سرایت نکند، از نظر قانون مدنی ...

(سراسری ۸۶)

(۱) صحیح است.

(۲) باطل است.

(۳) مبطل است.

(۴) باطل و مبطل عقد است.

۴۱- در صورتی که عین خارجی فاقد وصف شرط شده در قرارداد باشد و مشروط‌علیه بتواند وصف را در آن ایجاد کند. . .

(سراسری ۸۶)

(۱) مشروط‌له حق فسخ دارد.

(۲) مشروط‌له فقط حق درخواست ایجاد وصف را دارد.

(۳) در صورتی که قبل از فسخ وصف ایجاد شود، حق فسخ ساقط است.

(۴) در صورتی که مشروط‌علیه درخواست ایجاد وصف کند، حق فسخ ساقط است.

۴۲- اگر متعهد به تعهد خود عمل نکند، در چه صورت باید خسارت بپردازد.

(آزاد ۸۶)

(۱) در صورتی که نتواند ثابت نماید که عدم انجام تعهد به واسطه حادثه خارجی بوده که نمی‌توان به او مربوط کرد.

(۲) در صورتی که نتواند بی‌تقصیری خود را در عدم انجام تعهد اثبات کند.

(۳) فقط در صورتی که ثابت شود تعهد را عمدتاً نقض کرده است.

(۴) فقط در صورتی که ثابت شود در اجرای تعهد تقصیر کرده است.

۴۳- اگر متعهد در اجرای تعهد با عسرت و تنگدستی مواجه گردد:

(آزاد ۸۶)

(۱) قاضی فقط در صورتی می‌تواند قرار اقساط دهد که احوال و اوضاع تغییر کرده باشد، وضعیت مدیون تأثیر در این مورد ندارد.

(۲) اگر عسرت و تنگدستی مدیون در اثر تغییر اوضاع و احوال باشد، حاکم می‌تواند او را از اجرای تعهد معاف کند.

(۳) در هیچ صورتی بدون موافقت متعهدله قاضی نمی‌تواند مهلت عادلانه بدهد یا بدهی را تقسیط کند.

(۴) قاضی می‌تواند با توجه به وضعیت متعهد مهلت عادلانه تعیین یا قرار اقساط دهد.

۴۴- در صورتی که کسی خانه‌ای را به مبلغ معین بفروشد و قرار بگذارند که مشتری ثمن را پس از فوت پدرش به بائع بپردازد شرط و عقد چه حکمی دارند؟

(آزاد ۸۶)

- (۱) شرط و عقد هر دو صحیح است.
 (۲) شرط مزبور باطل و فروشنده حق فسخ دارد.
 (۳) فقط شرط باطل است.
 (۴) شرط باطل است و موجب بطلان عقد می‌شود.

۴۵- تعهد به نفع ثالث:

(آزاد ۸۷)

- (۱) از استثنای اصل نسبی بودن قراردادهاست.
 (۲) از مصادیق اصلی نسبی بودن قراردادهاست.
 (۳) چنانچه موجب ورود ضرر به ثالث باشد، قابل تنفیذ نیست.
 (۴) بدون توجه به اراده‌ی ثالث صحیح است.

۴۶- از مذاکراتی که طرفین داشته‌اند معلوم شده که قصد آنان انعقاد عقد اجاره نسبت به یک قطعه زمین مزروعی بوده است، آن چه که تصریح شده عقد مزارعه است، این توافق از لحاظ حقوقی چه وضعی دارد؟

(وکالت ۸۷)

- (۱) به علت اشتباه در نوع عقد معامله باطل است.
 (۲) عقد مزارعه واقع شده است.
 (۳) عقد اجاره واقع شده است.
 (۴) به لحاظ تعارض اراده‌ی ظاهری با اراده‌ی باطنی عقدی واقع نشده است.

۴۷- اگر در ضمن عقد لازمی انجام عملی متعارف بر یکی از متعاملین شرط شود و او قبل از انجام عمل فوت کند، عقد و شرط چه وضعی دارد؟

(وکالت ۸۷)

- (۱) باید از اموال متوفی شرط به وسیله دیگری اجرا شود.
 (۲) چون انجام شرط ممتنع شده، مشروطه حق فسخ عقد را دارد.
 (۳) چون انجام شرط غیرممکن شده، فقط شرط باطل است.
 (۴) مشروطه فقط حق درخواست خسارات ناشی از عدم انجام شرط را دارد.

۴۸- منظور از فسخ فعلی چیست؟

(سراسری ۸۸)

- (۱) حق فسخ اعمال شده و محقق شده.
 (۲) خيار مجلس که در همان لحظه سبب فسخ عقد می‌شود.
 (۳) تصرفی که نوعاً کاشف از به هم زدن معامله باشد.
 (۴) حق فسخی که پس از انعقاد قرارداد علت آن به وجود آمده باشد.

۴۹- در رابطه با زمان انعقاد قرارداد که به وسیله پست و توسط نامه انجام می‌شود، کدام نظریه با حقوق ایران سازگارتر است؟

(سراسری ۸۸)

- (۱) زمان اعلام قبولی
 (۲) زمان اطلاع از قبولی
 (۳) زمان تحویل قبولی به پست
 (۴) زمان وصول نامه قبولی

۵۰- شخصی مالی را به منظور صادر کردن به خارج خریداری می‌کند در حالی که صدور آن کالا به خارج به موجب قانون ممنوع بوده است. این قرارداد چه حکمی دارد؟

(سراسری ۸۹)

- (۱) صحیح است.
 (۲) باطل است.
 (۳) غیر نافذ است.
 (۴) قابل فسخ است.

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکور فصل سوم

۱- گزینه «۳» مطابق ماده ۱۹۱ قانون مدنی «عقد محقق می‌شود به قصد انشا به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند»، در عقدی که با مکاتبه انجام می‌شود و محلّ ایجاب و قبول متفاوت است، عقد در محلّ قبول منعقد می‌گردد و زمان انعقاد آن نیز تاریخ اعلام قطعی قبولی یعنی سپردن نامه حاوی آن به پُست است. این نظریه با قواعد کلی سیستم حقوقی ایران انطباق دارد. زیرا با ارسال قبول اراده جدّی قبول‌کننده بر انشای معامله محقق گردیده و با اجتماع آن با ایجاب، عقد تشکیل خواهد شد.

۲- گزینه «۴» مطابق ماده ۲۴۶ قانون مدنی، «در صورتی که معامله به واسطه اقاله یا فسخ به هم بخورد شرطی که در ضمن آن شده است باطل می‌شود و اگر کسی که ملزم به انجام شرط بوده است عمل به شرط کرده باشد، می‌تواند عوض را از مشروط‌له بگیرد.»

۳- گزینه «۴» برابر قواعد عمومی تعهدات و با استناد به ماده ۴۸۲ قانون مدنی، متعهدله می‌تواند الزام متعهد را به تحویل فرد دیگری از موضوع تعهد درخواست نماید و حق فسخ معامله را ندارد.

۴- گزینه «۱» شرط در اصطلاح عبارت است از هر امری که وجود آن برای تحقق امر دیگر لازم و ضروری باشد و در تعریف آن نیز گفته شده است: الشرط ما يلزم من غُدمه العدم و لا يلزم من وجوده الوجود یعنی شرط چیزی است که اگر نباشد، مشروط به وجود نمی‌آید و اگر باشد، لزوماً مشروط وجود ندارد. ماده ۲۳۲ قانون مدنی اعلام می‌دارد: شروط مفصله ذیل باطل است ولی مفسد عقد نیست: (۱) شرطی که انجام آن غیرمقدور باشد (۲) شرطی که در آن نفع و فایده نباشد. (۳) شرطی که نامشروع باشد. در واقع شروط مطروحه در ماده قانونی مذکور، هیچ‌گونه تأثیری در وضعیت عقدی که ضمن آن آورده شده ندارند؛ زیرا نسبت به عقد اصلی یک تعهد فرعی محسوب می‌شوند. در فرض پرسش نیز چون انجام شرط امکان‌پذیر نیست نمی‌تواند موضوع یک تعهد باشد. لذا مطابق ماده ۲۴۰ قانون مدنی، اگر بعد از عقد انجام شرط ممتنع شود یا معلوم شود که حین العقد ممتنع بوده است، کسی که شرط به نفع او شده است، اختیار فسخ معامله را خواهد داشت ...

۵- گزینه «۲» مطابق ماده ۲۶۴ قانون مدنی، شایع‌ترین اسباب سقوط تعهدات، وفای به عهد است. زیرا به این سبب، مورد تعهد توسط متعهد انجام می‌شود. اهمیت وفای به عهد در صورتی که مستلزم انتقال مالکیت یا حقی برای دائن «طلبکار» یا متعهدله باشد، ایقاع یک عمل حقوقی یک طرفه محسوب می‌شود، لیکن اگر مستلزم انتقال مالکیت یا حقی نباشد، صرفاً یک عمل قضایی است. ماده ۲۷۱ قانون مدنی در خصوص ایفای تعهد اعلام می‌دارد: «دین باید به شخص دائن یا به کسی که از طرف او وکالت دارد، تأدیه شود یا به کسی که قانوناً حق قبض دارد.» حال اگر مدیون مالی را در مقام ایفای تعهد به طلبکار بپردازد و بعد عنوان کند مال دیگری بوده است تکلیف چیست؟ مطابق ماده ۲۷۰ از قانون یاد شده، اگر متعهد در مقام وفای به عهد مالی تأدیه کند دیگر نمی‌تواند به عنوان این‌که در حین تأدیه مالک آن نبوده استرداد آن را از متعهدله بخواهد، مگر این‌که ثابت کند که مال غیر و با مجوز قانونی در ید او بوده، بدون این‌که اذن در تأدیه داشته باشد و بدهکار باید مالکیت غیر را ثابت نماید.

۶- گزینه «۴» ایفای تعهد یکی از طرق اسقاط تعهدات است و هنگامی محقق می‌شود که متعهد چیزی را که می‌دهد مالک یا مأذون از طرف مالک باشد و شخصاً هم اهلیت داشته باشد. ضمن این‌که مالی که تصرف آن از طرف حاکم ممنوع شده باشد، نمی‌تواند موضوع ایفای تعهد قرار گیرد. ماده ۲۷۶ قانون مدنی در این خصوص اعلام می‌دارد: مدیون نمی‌تواند مالی را که از طرف حاکم ممنوع از تصرف شده، در مقام وفای به عهد تأدیه نماید. همچنین ماده ۷۹۳ همین قانون نیز اعلام می‌دارد: رهن نمی‌تواند در رهن تصرفی کند که منافی حق مرتهن باشد، مگر به اذن مرتهن. از آنجایی که مال توقیف شده هم دارای آثار رهن می‌باشد، به همین جهت با وحدت ملاک از ماده قانونی اخیر پاسخ «۴» صحیح می‌باشد.

۷- گزینه «۳» ماده ۲۶۶ قانون مدنی اعلام می‌دارد: «در مورد تعهداتی که برای متعهدله قانوناً حق مطالبه نمی‌باشد، اگر متعهد به میل خود آن را ایفا نماید، دعوی استرداد او مسموع نخواهد بود.» این‌گونه تعهدات را در اصطلاح تعهد طبیعی می‌گویند و بر دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: (۱) تعهدهای ناقص که قانون حق اقامه دعوی را از مدعی گرفته است مانند مرور زمان (۲) تعهدهای عقیم مانند دین ناشی از بطلان قراردادی که به دلیل نقص تشریفات عقیم مانده است.

۸- گزینه «۴» مطابق ماده ۲۳۷ (قانون مدنی) «هرگاه شرط در ضمن عقد شرط فعل باشد، اثباتاً یا نفیاً، کسی که ملزم به انجام شرط شده است باید آن را به جا آورد و در صورت تخلف، طرف معامله می‌تواند به حاکم رجوع نموده، تقاضای اجبار به وفای شرط بنماید.» در واقع شرط فعل یکی از شروط سه‌گانه موضوع ماده ۲۳۴ (قانون مدنی) است که اقدام یا عدم اقدام به فعلی بر یکی از متعاملین یا بر شخص خارجی شرط شود. در فرض مسئله، هرگاه اجرای مفاد شرط تنها جنبه مالی داشته باشد مانند انتقال و تسلیم مال و ... اجبار مستقیم متعهد امکان‌پذیر خواهد بود، لیکن در فرضی که مرتبط با شخصیت متعهد است مانند: ترسیم یک تابلو نقاشی، اجبار مستقیم به وفای شرط ممکن نخواهد بود. ضمن این‌که وفق ماده ۲۳۸ از همین قانون، هرگاه فعلی در ضمن عقد شرط شود و اجبار ملزم به انجام آن غیرمقدور باشد ولی انجام آن توسط شخص دیگر مقدور باشد، حاکم می‌تواند به خرج ملزم موجبات انجام آن فعل را فراهم نماید.

۹- گزینه «۱» مطابق ماده ۲۸۳ (قانون مدنی)، اقاله یا تفاسخ بر هم‌زدن عقد لازم به تراضی طرفین را گویند که به هر لفظ یا فعلی واقع می‌شود که دلالت بر به هم زدن معامله کند و موضوع آن نیز ممکن است تمام معامله واقع شود یا فقط مقداری از آن باشد. مطابق ماده ۲۸۶ از همین قانون، تلف یکی از عوضین مانع اقاله نیست. در این صورت به جای آن چیزی که تلف شده است، مثل آن در صورت مثلی بودن و قیمت آن در صورت قیمی بودن داده می‌شود. در فرض قیمی بودن مال تلف شده، بهای زمان اقاله داده می‌شود نه زمان عقد و تلف مال.

۱۰- گزینه «۲» مطابق ماده‌ی ۲۲۶ قانون مدنی، متعهدله در صورتی می‌تواند خسارت تخلف از انجام تعهد را مطالبه نماید که موعد اجرای تعهد معین بوده و سپری شده باشد. هرگاه در عقد، موعد انجام تعهد، معین نشده باشد، متعهدله در صورتی می‌تواند مطالبه‌ی خسارت کند که اختیار موقع انجام تعهد با او بوده و اجرای تعهد را مطالبه کرده باشد.

۱۱- گزینه «۱» مطابق ماده‌ی ۲۲۷ قانون مدنی، متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تأدیه‌ی خسارت می‌شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام، به واسطه‌ی علت خارجی بوده است که نمی‌توان مربوط به او نمود. صرف اجرا نکردن تعهد قراردادی، تقصیر محسوب می‌شود.

۱۲- گزینه «۲» مطابق ماده ۲۳۳ قانون مدنی، شروط مفصله‌ی زیر باطل و موجب بطلان عقد است: ۱- شرط خلاف مقتضای عقد ۲- شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین شود. ایراد گزینه‌ی ۱ آن است که منظور از مقتضای عقد در ماده‌ی مذکور، جوهر و ذات عقد است نه اطلاق آن.

۱۳- گزینه «۳» مطابق ماده‌ی ۲۳۷ قانون مدنی، هرگاه شرط در ضمن عقد شرط فعل باشد، اثباتاً یا نفیاً، کسی که ملتزم به انجام شرط شده است، باید آن را به جا آورد و در صورت تخلف، طرف معامله می‌تواند به حاکم رجوع نموده، تقاضای اجبار به وفای شرط نماید.

۱۴- گزینه «۱» به موجب ماده‌ی ۲۴۸ قانون مدنی: در واقع مالک با این عمل خود معامله را تنفیذ می‌کند؛ چون اگر می‌خواست تنفیذ نکند، دیگر لازم نبود ادعای غبن بکند می‌توانست بگوید معامله را تنفیذ نمی‌کند. در واقع معامله را تنفیذ ضمنی می‌کند یعنی اعلام می‌کند که معامله را قبول دارد، ولی در معامله مغبون شده است. منظورش این نیست که اگر مغبون نمی‌شد قبول می‌کرد، بلکه الان هم معامله را قبول دارد یعنی مطلقاً چه در صورت مغبون نشدن و چه در صورت مغبون شدن، معامله را قبول کرده ولی ادعای غبن کرده است.

۱۵- گزینه «۴» به موجب ماده‌ی ۲۷۳ قانون مدنی: «اگر صاحب حق از قبول آن امتناع کند، متعهد به وسیله‌ی تصرف دادن آن به حاکم یا قائم مقام او بری می‌شود و از تاریخ این اقدام، مسئول خسارتی که ممکن است به موضوع حق وارد آید نخواهد بود».

۱۶- گزینه «۳» گاهی مجهول بودن مورد شرط به مورد معامله نیز سرایت می‌کند و آن را نیز مجهول می‌گرداند. این شرط عقد را نیز باطل می‌کند مانند آن که ضمن فروش یک قطعه زمین ۳۰۰۰ متری، به نفع فروشنده شرط شود که پس از ساختن خانه‌هایی در قطعات زمین یاد شده توسط خریدار، یکی از خانه‌ها به فروشنده آن هم با انتخاب خود مالک و تملک نماید. مورد شرط باعث بطلان عقد می‌گردد. زیرا این شرط از جمله شروطی است که مورد آن مجهول است و به معامله نیز سرایت می‌کند. به همین دلیل هم از جمله شرایطی است که نه تنها باطل است، بلکه موجب بطلان عقد نیز می‌شود و مطابق ماده ۲۳۳ قانون مدنی، شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین می‌گردد، از شروط مفصله‌ای است که خود باطل بوده و موجب بطلان عقد می‌شود.

۱۷- گزینه «۳» ماده ۱۹۹ قانون مدنی می‌گوید: «رضای حاصل در نتیجه اشتباه یا اکراه موجب نفوذ معامله نیست.» زیرا یکی از طرفین معامله با اعمال اکراه‌آمیز نسبت به جان، مال یا آبرو به نحوی که عادتاً قابل تحمل نباشد دیگری را به انعقاد قرارداد وادار نموده است و چنین عقدی غیرنافذ است. و نمی‌توان اذعان داشت که طرفین با قصد و رضای واقعی مطابق ماده ۱۹۰ قانون مدنی به انعقاد قرارداد یا عقد مبادرت کرده‌اند؛ به همین جهت هم گزینه «۳» صحیح است.

۱۸- گزینه «۳» مطابق ماده‌ی ۲۲۷ قانون مدنی، متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تأدیه‌ی خسارت می‌شود که نتواند ثابت کند که عدم انجام به واسطه‌ی علت خارجی بوده است که نمی‌توان مربوط به او نمود.

۱۹- گزینه «۴» مطابق ماده‌ی ۲۳۰ قانون مدنی، اگر در قراردادی وجه التزام تعیین شده باشد، بدین معنی که در صورت تخلف متخلف، نامبرده مبلغ مشخصی را به عنوان خسارت تأدیه نماید، دادگاه نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آن چه که ملزم شده است، محکوم نماید. همچنین در این فرض، اثبات میزان واقعی خسارت لازم نیست.



۲۰- گزینه «۴» اقاله یکی از اسباب سقوط تعهدات محسوب شده و عبارت است از برهم زدن عقد لازم به تراضی طرفین معامله و آن را مترادف تفاسخ آورده‌اند. اقاله به هر لفظ یا فعلی واقع می‌شود که دلالت بر به هم زدن معامله کند. هدف اصلی از اقاله، اعاده وضع سابق بر عقد لازم است. مطابق ماده ۲۸۷ قانون مدنی، «نمات و منافع منفصله که از عقد تا زمان اقاله در مورد معامله حادث می‌شود، مال کسی است که به واسطه عقد مالک شده است، ولی نمات متصله متعلق به کسی است که در نتیجه اقاله مالک شود».

۲۱- گزینه «۱» مطابق ماده ۲۳۷ قانون مدنی: «هرگاه شرط در ضمن عقد، شرط فعل باشد نفیاً یا اثباتاً، کسی که ملتزم به انجام شرط شده است باید آن را به جا آورد و در صورت تخلف، طرف معامله می‌تواند به حاکم رجوع نموده تقاضای اجبار به وفای شرط را بنماید». تعهد مبتنی بر فعل یا ترک فعل به دو صورت است:

۱) به صورت تعهد اصلی یعنی تعهد ناشی از عقد. ۲) به صورت تبعی یعنی تعهد ناشی از شرط فعل. همچنین مطابق ماده ۲۳۹ از قانون یاد شده، هرگاه اجبار مشروط‌علیه برای انجام فعل مشروط، ممکن نباشد و فعل مشروط هم از جمله اعمالی نباشد که دیگری بتواند از جانب او واقع سازد، طرف مقابل حق فسخ معامله را خواهد داشت.

۲۲- گزینه «۱» مطابق ماده ۲۴۰ قانون مدنی: «اگر بعد از عقد انجام شرط ممتنع شود یا معلوم شود که حین العقد ممتنع بوده است، کسی که شرط بر نفع او شده است، اختیار فسخ معامله را خواهد داشت...». دکترین شرط ممتنع را ناظر به شرط نامقدور و نامشروع (از بین شروط باطل) دانسته و شرط بی‌فایده را از آن خارج می‌دانند. لذا گزینه یک صحیح می‌باشد.

۲۳- گزینه «۱» به موجب ماده ۲۴۶ قانون مدنی: «در صورتی که معامله به واسطه‌ی اقاله یا فسخ به هم بخورد، شرطی که در ضمن آن شده است، باطل می‌شود و اگر کسی که ملزم به انجام آن شرط بوده است عمل به شرط کرده باشد، می‌تواند عوض او را از مشروط‌له بگیرد».

۲۴- گزینه «۲» قانون مدنی ایران، خسارت ناشی از نقض قرارداد را در فصل «اثر معاملات» آورده و مواد ۲۱۹ تا ۲۳۰ را به آن اختصاص داده است. ماده ۲۲۱ قانون مذکور در این ارتباط می‌گوید: «اگر کسی تعهد اقدام به امری بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف، مسئول خسارت طرف مقابل است.» ضمن این که مسئولیت قراردادی محدود به ضرری است که قابل پیش‌بینی و در قلمرو انتظار دو طرف باشد. لذا در فرض پرسش، به لحاظ عدم انجام تعهد از ناحیه متعهد، جبران خسارت وارده بر عهده وی می‌باشد.

۲۵- گزینه «۱» مطابق ماده ۴۶۶ قانون مدنی، اجاره عقدی است که به موجب آن مستأجر مالک منافع عین مستأجره می‌شود. مؤجر باید عین مستأجره را در حالتی تسلیم مستأجر کند که مستأجر بتواند استفاده مطلوب از آن را بکند. معطل ماندن انتفاع و عقیم ماندن هدف از انتفاع، اجاره را باطل می‌کند. در فرض پرسش به لحاظ آن که خودرو مورد اشاره برای حمل از جاده معین اجاره شده و بر اثر ریزش کوه جاده مسدود و انتفاع معطل مانده است، اجاره منفسخ می‌گردد.

۲۶- گزینه «۱» مطابق ماده ۳۴۸ قانون مدنی، بیع چیزی که خرید و فروش آن قانوناً ممنوع است و یا چیزی که مالیت و یا منفعت عقلانی ندارد یا چیزی که بایع قدرت بر تسلیم آن ندارد باطل است، مگر این که مشتری خود قادر به تسلّم باشد. هر چند وفق قسمت اخیر ماده یاد شده، عقد مذکور صحیح می‌باشد زیرا خریدار بعد از عقد قادر بر تسلیم مبیع بوده است، لیکن در هیچ یک از گزینه‌های مربوطه ذکر از صحت عقد نشده است. لذا به نظر می‌رسد طراح سؤال ضمن توجه به قسمت ابتدایی این ماده و فقد قصد واقعی طرفین، بطلان عقد را لحاظ کرده است.

۲۷- گزینه «۳» مطابق ماده ۳۵۱ قانون مدنی، «در صورتی که مبیع کلی باشد، بیع وقتی صحیح است که مقدار و جنس و وصف مبیع ذکر شود». منظور از مبیع کلی این است که بر افراد عدیده صادق باشد مانند خرید گندم یا برنج به صورت کلی و عمده که می‌بایستی مقدار، جنس و وصف آن معلوم باشد. ضمن این که مبیع کلی باید از اموال مثلی باشد یعنی مطابق ماده ۹۵ قانون مدنی، اشیاء و نظایر آن نوعاً زیاد و شایع باشد. مع ذلک تشخیص این معنی با عرف است.

۲۸- گزینه «۲» به استناد ماده ۲۳۴ قانون مدنی: «شرط بر سه قسم است: ۱- شرط صفت، ۲- شرط نتیجه و ۳- شرط فعل اثباتاً و نفیاً... شرط نتیجه آن است که تحقق امری در خارج شرط شود».

امری که تحقق آن در خارج شرط می‌شود ممکن است خود عمل حقوقی باشد نه نتیجه‌ی آن: مانند این که در شروط بیع مالی بیاید «فروشنده بدین وسیله به خریدار وکالت می‌دهد». توضیح این که شرط نتیجه تنها راجع به اعمال حقوقی است و نه اعمال مادی.

۲۹- گزینه «۳» به استناد ماده‌ی ۲۲۱ قانون مدنی: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است، مشروط بر این که جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله‌ی تصریح باشد و یا بر حسب قانون موجب ضمان باشد».

۳۰- گزینه «۱» به استناد ماده‌ی ۲۷۵ قانون مدنی: «متعهدله را نمی‌توان مجبور نمود که چیز دیگری به غیر آن چه که موضوع تعهد است قبول نماید، اگرچه آن شیء قیمتاً معادل یا بیشتر از موضوع تعهد باشد».

۳۱- گزینه «۳» به استناد ماده‌ی ۲۸۲ قانون مدنی: «اگر کسی به یک نفر دیون متعدده داشته باشد، تشخیص این که تأدیه از بابت کدام دین است با مدیون می‌باشد. باید این دیون مساوی و از یک جنس باشند، در غیر این صورت هر دین به ازای خودش تأدیه می‌شود».

۳۲- گزینه «۱» به استناد ماده‌ی ۲۸۱ قانون مدنی: «مخارج تأدیه به عهده‌ی مدیون است، مگر این که شرط خلاف شده باشد». با توجه به ماده‌ی مذکور، ایراد سایر گزینه‌ها روشن می‌گردد.

۳۳- گزینه «۴» به استناد ماده‌ی ۲۷۹ قانون مدنی: «اگر موضوع تعهد عین شخصی نبوده و کلی باشد، متعهد مجبور نیست که از فرد اعلای آن ایفا کند، لیکن از فردی هم که عرفاً معیوب محسوب است نمی‌تواند بدهد».

۳۴- گزینه «۱» به موجب ماده‌ی ۲۷۹ قانون مدنی: «اگر موضوع تعهد، عین شخصی نبوده و کلی باشد، متعهد مجبور نیست که از فرد اعلای آن ایفا کند لیکن از فردی هم که عرفاً معیوب محسوب است نمی‌تواند بدهد».

۳۵- گزینه «۴» مقصود و مراد از رهن این است که طلبکار بتواند در صورت لزوم مورد رهن را بفروشد و از بهای آن طلب خود را وصول نماید. به همین جهت هم ماده ۷۷۸ (قانون مدنی) شرطی که در آن حق فروش عین مرهونه را از مرتتهن ساقط می‌کند را باطل دانسته است. آنچه مسلم است این که شرط مذکور به لحاظ آن که خلاف مقتضای ذات عقد می‌باشد باطل است، لیکن آیا این بطلان صرفاً ناظر به شرط است یا عقد را هم باطل می‌کند. مابین علمای حقوق اختلاف نظر است و برخی آن را صرفاً محدود به شرط مزبور می‌دانند. اما عقیده مشهور بطلان عقد است.

۳۶- گزینه «۳» به موجب ماده‌ی ۲۸۷ قانون مدنی: «نما آت و منافع منفصله که از زمان عقد تا زمان اقاله در مورد معامله حادث می‌شود مال کسی است که به واسطه‌ی عقد مالک شده است ولی نما آت متصله مال کسی است که در نتیجه‌ی اقاله مالک می‌شود».

۳۷- گزینه «۴» به موجب ماده‌ی ۲۷۹ قانون مدنی: اگر موضوع تعهد عین شخصی نبوده و کلی باشد، متعهد مجبور نیست که از فرد اعلای آن ایفا کند، لیکن از فردی هم که عرفاً معیوب محسوب است نمی‌تواند بدهد.

۳۸- گزینه «۴» به موجب مواد ۲۳۸ و ۲۳۹ قانون مدنی: این دو ماده در بیان احکام شروط ضمن عقد آمده است، ولی با اتخاذ ملاک از این ماده‌ها می‌توانیم بگوییم در صورتی که خود تعهد اصلی هم انجام فعل باشد، احکام این دو ماده بر آن‌ها قابل اعمال خواهد بود. اگر متعهد از انجام تعهد خودداری کند و چنانچه شرط مباشرت متعهد در انجام تعهد شده باشد، مشروطه حق فسخ معامله را خواهد داشت.

۳۹- گزینه «۲» برابر ماده ۲۷۶ قانون مدنی، «مدیون نمی‌تواند مالی را که از طرف حاکم ممنوع از تصرف در آن شده است، در مقام وفای به عهد تأدیه نماید». در همین ارتباط نیز ماده ۷۹۳ قانون مدنی می‌گوید: راهن نمی‌تواند در رهن تصرفی کند که منافعی حق مرتتهن باشد، مگر به اذن مرتتهن که به توجه به قسمت اخیر ماده اخیرالذکر و وحدت ملاک از مواد ۲۶۴ و ۲۷۶ قانون مدنی، به نظر می‌رسد وفای به عهد منوط به تنفیذ ذینفع توقیف است.

۴۰- گزینه «۱» منظور از شرط مجهول، شرطی است که مورد آن مجهول باشد مانند این که در عقد بیع شرط شود مشتری ثمن را پس از مراجعت از سفر مکه بدهد. بدیهی است تاریخ مراجعت مجهول است و در نتیجه تاریخ رد ثمن هم مجهول است. بند (۲) ماده ۲۳۳ شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین شود، باطل و موجب بطلان عقد ذکر شده است. لیکن در شرط مجهول مشاهده می‌شود که این مجهول بودن به مورد معامله سرایت نمی‌کند چنین شرطی نه تنها سبب بطلان معامله نیست، بلکه خود نیز باطل نبوده و از صحت و اعتبار حقوقی برخوردار است. البته بایستی توجه شود که در این خصوص اختلاف نظر وجود دارد.



۴۱- گزینه «۱» عین خارجی در اصطلاح حقوق مدنی، عبارت است از عین موجود در خارج و در مقابل عین کلی قرارداد مانند ۱۰۰ کیلو گندم در ذمه. در فرض پرسش اگر عین خارجی مانند اتومبیل فاقد وصف شرط شده در قرارداد باشد به دلیل خیار تخلف وصف، مشروطاً اختیار فسخ معامله را خواهد داشت، لیکن در فرض پرسش مابین علمای حقوق اختلاف نظر است و نظر مشهور حق فسخ برای مشروطه است.

۴۲- گزینه «۱» به استناد ماده‌ی ۲۲۷ قانون مدنی «متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تأدیه خسارت می‌شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه‌ی علت خارجی بوده است که نمی‌توان مربوط به او نمود». تعهد به وسیله، تعهدی است که در آن متعهد سعی و کوشش خود را جهت اجرای تعهد می‌نماید. مانند تعهد وکیل دادگستری، پزشک و امین.

۴۳- گزینه «۴» به استناد ماده‌ی ۲۷۷ قانون مدنی: «متعهد نمی‌تواند متعهده را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید، ولی حاکم می‌تواند نظر به وضعیت مدیون مهلت عادلانه یا قرار اقساط دهد».

۴۴- گزینه «۴» مطابق ماده‌ی ۲۳۳ قانون مدنی: «شروط مفصله‌ی ذیل باطل و موجب بطلان عقد است:

۱- شرط خلاف مقتضای عقد. ۲- شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین شود».

۴۵- گزینه «۱» به استناد ماده‌ی ۱۹۶ قانون مدنی: «کسی که معامله می‌کند آن معامله برای خود آن شخص محسوب است، مگر این که در موقع عقد خلاف آن را تصریح نماید یا بعد خلاف آن ثابت شود. مع ذلک ممکن است در ضمن معامله که شخص برای خود می‌کند، تعهدی هم به نفع شخص ثالثی بنماید». تعهد به نفع شخص ثالث، استثناً بر اصل نسبی بودن اثر عقد است، بنابراین ایجاد تعهد به نفع ثالث نیازی به قبول او ندارد، ولی ثالث می‌تواند پیش از قبول تعهد آن را رد کند.

۴۶- گزینه «۳» بر طبق ماده‌ی ۱۹۱ قانون مدنی: «عقد محقق می‌شود به قصد انشا به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند».

۴۷- گزینه «۱» نتیجه‌ی تخلف از شرط فعل: ۱- اجبار متعهد. ۲- فسخ معامله

اجبار متعهد: در صورتی که متعهد کاری را که بر عهده گرفته است انجام ندهد، مشروطه می‌تواند مانند سایر طلبکاران برای اجبار او به دادگاه مراجعه کند. اگر متعهد به دلایلی نتواند یا نخواهد دستور دادگاه را اجرا کند مثلاً اگر فوت کند، دو وضع پیش می‌آید ۱- کار مشروط تنها جنبه مالی دارد و لازم نیست که به وسیله شخص متعهد انجام شود و یک عمل متعارفی است. در این صورت دادگاه به خرج ملتزم وسیله انجام شرط را فراهم می‌سازد: ماده‌ی ۲۳۸ قانون مدنی.

۲- شخصیت ملتزم در انجام کار مؤثر است: معقول‌ترین راه این است که با وضع جریمه خاصی برای هر روز تأخیر، مدیون را به طور غیرمستقیم و به وسایل مالی ناگزیر به وفای عهد کرد.

فسخ معامله: در صورتی مشروطه می‌تواند از آن استفاده کند که اجرای شرط به هیچ وسیله‌ای ممکن نباشد و او ناگزیر شود برای دفع ضرر از خود، معامله اصلی را بر هم زند: ماده‌ی ۲۳۹ قانون مدنی. ولی در فرض سؤال چون عمل یک امر متعارف است، حق فسخ پیش نمی‌آید و به موجب ماده‌ی ۲۳۸ قانون مدنی عمل می‌شود همچنین رجوع کنید به ماده‌ی ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی.

۴۸- گزینه «۳» مطابق ماده ۴۵۱ قانون مدنی «تصرفاتی که نوعاً کاشف از به هم زدن معامله باشد فسخ فعلی است». مثلاً اگر کسی خانه خود را صلح خیاری کند و در مدت خیار آن را به دیگری بفروشد، این اقدام حاکی از فسخ عملی یا فسخ فعلی است.

۴۹- گزینه «۳» در خصوص زمان و مکان تشکیل عقد چهارنظر ابراز شده است. ۱) نظریه اعلام، مطابق این نظریه، عقد در زمان و مکانی تشکیل می‌شود که قبول کننده، قبول خود را اعلام می‌دارد. ۲) نظریه ارسال، طبق این نظریه، عقد زمانی تشکیل می‌شود که قبول برای طرف ایجاب کننده ارسال شده باشد. ۳) نظریه وصول، به موجب این نظریه برای تشکیل عقد لازم است که قبول به دست ایجاب کننده برسد هر چند که از مضمون آن آگاهی نیافته باشد. ۴) نظریه اطلاع، صرف وصول قبول به دست ایجاب کننده کافی نیست، بلکه عقد زمانی منعقد می‌شود که ایجاب کننده بر آن اطلاع پیدا کند. در فرض مسئله یعنی عقدی که با مکاتبه انجام می‌شود و محل ایجاب و قبول متفاوت است، عقد در محل قبول منعقد می‌شود و زمان انعقاد آن نیز تاریخ اعلام قطعی قبولی «سپردن نامه حاوی قبولی به پُست» است و ماده ۱۹۱ قانون مدنی نیز با آن انطباق دارد.

۵۰- گزینه «۲» قانون مدنی «در معامله لازم نیست که جهت آن تصریح شود، ولی اگر تصریح شده باشد باید مشروع باشد و الاً معامله باطل است». البته باید توجه نمود که در فرضی که جهت معامله در ضمن عقد تصریح نشده باشد، معامله صحیح می‌باشد.



فصل چهارم

«معامله فصولی»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل چهارم

- کله ۱- معامله فصولی برای کدام یک از این اشخاص الزام آور است:** (۱) اصیل (۲) معامل فصولی (۳) شخص ثالث (۴) مالک (سراسری ۷۵)
- کله ۲- در بیع فصولی قدرت بر تسلیم در چه زمانی شرط است ؟ در زمان.....** (۱) اجازه مالک (۲) انعقاد عقد برای مالک (۳) انعقاد عقد برای عاقد (۴) اطلاع مالک از معامله (سراسری ۷۷)
- کله ۳- اگر معامل فصولی مالی را که موضوع معامله بوده است به تصرف متعامل داده باشد و مالک آن معامله را اجازه نکند:** (۱) متصرف ضامن عین و منافع است. (۲) متصرف ضامن عین و منافع نیست. (۳) متصرف در صورت تعدی و تفریط ضامن عین و منافع است. (۴) متصرف در صورت علم به فصولی بودن معامله ضامن عین و منافع است. (سراسری ۷۷)
- کله ۴- اگر در معامله فصولی که در آن معامل فصولی اجازه را تضمین نکرده است مالک در اعلام اجازه یا رد تأخیر کند به نحوی که موجب ضرر طرف دیگر شود،** (۱) اصیل می‌تواند از فضول خسارت وارده از این بابت را مطالبه کند. (۲) تأخیر در اجازه یا رد معامله موجب انفساخ عقد می‌گردد. (۳) فقط می‌تواند از دادگاه الزام مالک را به اجازه یا رد معامله درخواست کند. (۴) طرف اصیل می‌تواند معامله را به هم بزند. (سراسری ۷۸)
- کله ۵- در معامله فصولی اگر مشتری قبل از قبول یا رد مالک فوت کند...** (۱) با فوت وی معامله منفسخ می‌گردد. (۲) وراث او همگی به اتفاق حق فسخ معامله را دارند. (۳) هیچ تأثیری در عقد ندارد و معامله برای وراث او الزام آور است. (۴) هر یک از وراث او به نسبت سهم خود حق فسخ دارد. (سراسری ۷۹)
- کله ۶- در معامله فصولی اگر مبیع به تصرف مشتری داده شود و مالک معامله را تنفیذ نکند، در صورت تلف مبیع فصولی، مسئولیت متوجه چه شخصی است؟** (۱) بایع فصولی و مشتری هر دو در برابر مالک متضامناً ضامن هستند. (۲) فقط مشتری که مبیع در تصرف او تلف شده ضامن است. (۳) فقط بایع فصولی که معامله را انجام داده در مقابل مالک ضامن است. (۴) بایع فصولی و مشتری فقط در صورتی مسئول‌اند که تعدی و تفریط کرده باشند. (آزاد ۸۲)
- کله ۷- اگر کسی نسبت به مالی معامله به عنوان فصولی کند و بعد معلوم شود که آن مال، ملک معامله‌کننده بوده است، وضع این معامله چگونه است؟ (وکالت ۸۶)** (۱) معامله باطل است. (۲) معامله موکول به اجازه‌ی معامل است. (۳) معامله صحیح و نافذ است. (۴) معامله برای مالک قابل فسخ است.
- کله ۸- اگر شخصی فضولتاً ساختمانی را بدون اذن مالک آن به مدت ۲ سال با اجاره‌بهای معلوم اجاره دهد به شرط این که در آن کولرگازی نصب و به مستأجر تحویل داده شود. اگر مالک بدون اطلاع از شرط مذکور عقد را تنفیذ نماید وضعیت قرارداد چگونه است؟** (سراسری ۸۷) (۱) عقد نافذ و شرط صحیح است. (۲) عقد نافذ و شرط باطل است. (۳) عقد همچنان غیرنافذ است. (۴) عقد و شرط هر دو باطل است.
- کله ۹- شخصی مالی را با علم به این که مالک آن نیست فروخته و مبیع را تسلیم خریدار کرده است، مالک بیع را تنفیذ نکرده است هزینه‌هایی را که خریدار (گیرنده‌ی مال) برای نگاهداری این مال صرف کرده به عهده کیست؟** (وکالت ۸۷) (۱) چون فروشنده فصولی و خریدار هر دو در حکم غاصب‌اند، متضامناً مسئول هزینه‌ها هستند. (۲) چون فروشنده بدون اذن مالک مال را فروخته است، ضامن هزینه‌هاست. (۳) چون خریدار از عدم استحقاق خود در گرفتن مال بی‌اطلاع بوده، حق دارد هزینه را از مالک مطالبه کند. (۴) چون بیع باطل است، گیرنده در حکم غاصب است و حق مطالبه‌ی هزینه‌ها را ندارد.



(وکالت ۸۷)

۱۰- در معامله فضولی قدرت بر تسلیم در چه زمانی و توسط چه کسی شرط صحت عقد است؟

- (۱) در زمان تنفیذ عقد توسط هر یک از مالک و معامله‌کننده‌ی فضولی.
- (۲) در زمان تنفیذ عقد و فقط توسط معامله‌کننده‌ی فضولی.
- (۳) در زمان انعقاد عقد و توسط مالک.
- (۴) در زمان انعقاد عقد، توسط معامله‌کننده‌ی فضولی.

(سراسری ۸۸)

۱۱- اختیار تنفیذ معامله شخص مکره...

- (۱) به ارث می‌رسد.
- (۲) به ارث نمی‌رسد.
- (۳) در عقد تملیکی به ارث می‌رسد و در عقد عهدي به ارث نمی‌رسد.
- (۴) در عقد عهدي به ارث می‌رسد و در عقد تملیکی به ارث نمی‌رسد.

(آزاد ۸۸)

۱۲- از نظر قواعد عمومی معاملات، چنانچه کشف شود مال موضوع معامله، عین متعلق به غیر بوده است، در این صورت:

- (۱) معامله برای معامل خواهد بود.
- (۲) معامله برای صاحب عین خواهد بود.
- (۳) انتساب معامله برای معامل و غیره، همزمان ممکن است.
- (۴) معامله برای صاحب عین محسوب نشده و صرفاً فضولی محسوب است.

(سراسری ۹۰)

۱۳- اگر مال معینی فروخته شود، در کدام مورد، نفوذ معامله منوط به اجازه مجدد معامل نیست؟

- (۱) هنگام عقد فروشنده مالک مال نبوده و بعداً مالک مال شود.
- (۲) هنگام عقد مال مورد معامله در رهن بوده و بعداً فک رهن شود.
- (۳) هنگام عقد فروشنده از مالک بودن خود آگاه نبوده و بعداً از مالک بودن خود آگاه شود.
- (۴) هنگام عقد فروشنده از سمت نیابت خود آگاه نبوده و بعداً از سمت خود آگاه شود.

(سراسری ۹۰)

۱۴- اگر پس از انعقاد معامله فضولی و قبل از تنفیذ، مالک یا اصیل فوت کند وضعیت معامله چگونه است؟

- (۱) مرگ مالک، سبب انحلال است و مرگ اصیل، سبب انحلال نیست.
- (۲) مرگ اصیل، سبب انحلال است و مرگ مالک، سبب انحلال نیست.
- (۳) در صورت مرگ هریک از طرفین، عقد فضولی منحل می‌شود.
- (۴) مرگ هیچ یک از آنها سبب انحلال عقد نیست و وراثت جایگزین آنها خواهند شد.



پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل چهارم

۱- گزینه «۱» معامله فصولی، عقدی است که عاقد بدون این که مالک و یا مأذون از قبل مالک یا قانون باشد، مال دیگری را مورد معامله قرار دهد، خواه عامد باشد مانند غاصب که مال غیر را بفروشد یا مانند کسی که از روی چهل مالی را از سارق یا غاصب خریده است و به تصور این که قانوناً مالک شده است آن را به ثالث بفروشد. کسی که بدون نمایندگی و اذن برای دیگری معامله را تشکیل می‌دهد، اصطلاحاً فصول و طرف معامله او را اصیل و شخص دیگر را که معامله برای او یا به مال او انجام شده است را (مالک) یا (غیر) گویند. ماده ۲۴۷ قانون مدنی می‌گوید: «معامله به مال غیر جز به عنوان ولایت یا وصایت یا وکالت نافذ نیست، ولو این که صاحب مال باطناً راضی باشد.» تنها اثری که می‌توان برای آن شناخت، الزام اصیل به اجرای مفاد عقد در صورت تنفیذ غیر می‌باشد. معامله فصولی از جانب اصیل که اراده‌اش کامل بوده، لازم است و او را پای‌بند می‌سازد، لذا باید انتظار بکشد تا مالک معامله را تنفیذ (اجازه) یا رد کند.

۲- گزینه «۱» وفق ماده ۳۷۱ قانون مدنی، «در بیعی که موقوف به اجازه مالک است، قدرت بر تسلیم در زمان اجازه معتبر است.»

۳- گزینه «۱» مطابق ماده ۲۵۹ قانون مدنی، «هرگاه معامل فصولی مالی را که موضوع معامله بوده است به تصرف متعامل داده باشد و مالک آن معامله را اجازه نکنند، متصرف ضامن عین و منافع است.»

۴- گزینه «۴» معامله فصولی عبارتست از، عقدی که عاقد بدون این که مالک و یا مأذون از قبل وی یا قانون باشد مال دیگری را مورد معامله قرار می‌دهد. این معامله ممکن است تملیکی یا عهدی باشد. معامله فصولی تملیکی مانند آن است که شخصی مال دیگری را بدون اذن مالک می‌فروشد و معامله فصولی عهدی نیز مانند آن است که شخصی به حساب دیگری متعهد می‌شود عملی را برای شخص ثالث انجام دهد. معاملات فصولی، باطل نبوده و صحیح و معتبر هم نیستند بلکه یک عقد غیرنافذ می‌باشد. ماده ۲۴۷ قانون مدنی می‌گوید: «معامله به مال غیر جز به عنوان ولایت یا وصایت یا وکالت نافذ نیست ...» در فرض مسئله نیز هرگاه تأخیر در اخذ اجازه موجب تضرر طرف دیگر باشد، مشارالیه می‌تواند مطابق ماده ۲۵۲ قانون مدنی معامله را به هم بزند. زیرا مطابق قسمت ابتدایی این ماده قانونی، لازم نیست اجازه با رد فوری باشد اما اگر تأخیر باعث ایجاد ضرر و زیان برای طرف اصیل باشد می‌تواند معامله را فسخ کند.

۵- گزینه «۳» ماده ۲۴۷ قانون مدنی اعلام می‌دارد: «معامله به مال غیر جز به عنوان ولایت یا وصایت یا وکالت نافذ نیست، ولو این که صاحب مال باطناً راضی باشد ولی اگر مالک یا قائم مقام او پس از وقوع معامله آن را اجازه نمود، در این صورت معامله صحیح و نافذ می‌شود.» در واقع عقد فصولی عقدی است که عاقد بدون این که مالک و یا مأذون از جانب وی یا قانون باشد مال دیگری را مورد معامله قرار می‌دهد و این عقد متوقف به رضایت مالک است. حال در فرض پرسش اگر مشتری در حین عقد با معامل فصولی و اعلام قبولی یا رد از جانب مالک فوت کند، تکلیف معامله چیست. از آنجایی که مطابق ماده ۲۵۳ قانون مدنی، در معامله فصولی، اگر مالک قبل از اجازه یا رد فوت نماید اجازه یا رد با وارث است. فوت مشتری یا اصیل هم مانع از اجازه نیست و عقد را منحل نمی‌سازد. زیرا از نظر منطقی هیچ قانونی بین دو طرف واقعی عقد وجود ندارد.

۶- گزینه «۱» باید توجه داشت که دو ماده مطابق مواد ۲۶۱ و ۳۲۰ قانون مدنی، با هم قابل جمع می‌باشند؛ چرا که مشتری در برابر مالک، حکم غاصب را داشته و ضامن است و بایع فصولی نیز در برابر مالک ضامن می‌باشد و مالک می‌تواند به هر کدام از آن‌ها یا هر دو با هم رجوع کند. در نهایت نیز مشتری به بایع فصول می‌تواند رجوع نماید.

۷- گزینه «۲» مطابق ماده ۲۵۵ قانون مدنی: «هرگاه کسی نسبت به مالی معامله به عنوان فصولی نماید و بعد معلوم شود که آن مال ملک معامله‌کننده بوده است یا ملک کسی بوده است که معامله‌کننده می‌توانسته است از قبل او ولایت یا وکالتاً معامله نماید، در این صورت نفوذ و صحت معامله موکول به اجازه‌ی معامل است و الاً معامله باطل خواهد بود.» انسان در حین معامله مال متعلق به خود دقت و صرافت بیشتری به کار می‌گیرد.

۸- گزینه «۲» در فرض مسئله مالک بدون علم و اطلاع از شرط مزبور معامله فصولی را تنفیذ نموده است، لذا عقد صحیح و نافذ می‌باشد، لیکن آن چه مسلم است این که مالک از شرط موردنظر ما بین فصول و اصیل آگاهی نداشته و تحمیل آن به مالک نیز برخلاف عدالت و انصاف است؛ به همین جهت شرط باطل به نظر می‌رسد. گزینه «۲» نسبت به سایر گزینه‌ها صحیح‌تر می‌باشد. ضمن این که ماده ۲۴۷ ق.م نیز بر این مبنا تأکید دارد.

۹- گزینه «۲» بر طبق ماده ۲۶۳ قانون مدنی: «هرگاه مالک معامله را اجازه نکند و مشتری هم بر فصولی بودن آن جاهل باشد، حق دارد که برای ثمن و کلیه‌ی غرامات به بایع فصولی رجوع کند و در صورت عالم بودن، فقط حق رجوع برای ثمن را خواهد داشت.»

۱۰- گزینه «۱» بر طبق ماده ۳۷۱ قانون مدنی: «در بیعی که موقوف به اجازه‌ی مالک است، قدرت بر تسلیم در زمان اجازه معتبر است.»

۱۱- گزینه «۱» مطابق ماده ۲۰۹ قانون مدنی، «امضای معامله بعد از رفع اکراه، موجب نفوذ معامله است.» اگر مکره پیش از اجازه فوت کند، وارثان حق رد و امضای عقد را دارند هر چند که برخی از علمای حقوق قائم مقامی ورثه را در تنفیذ معامله مذکور تنها در عقود تملیکی می‌پذیرند. ماده ۲۵۳ قانون مدنی اجازه وراثت در رد یا قبول معامله را اختصاص به عقود تملیکی نمی‌داند.

۱۲- گزینه «۲» مطابق ماده ۱۹۷ قانون مدنی، در صورتی که مورد معامله (ثمن یا مثن) عین متعلق به غیر باشد، صرف‌نظر از قصد معامل که معامله را برای چه کسی منعقد کرده است، آن معامله برای صاحب عین خواهد بود، به بیان دیگر اگر فصول معامله را برای خود انجام دهد، مطابق قانون، این معامله باطل نیست، بلکه غیرنافذ است و مالک می‌تواند آن را تنفیذ نماید.

۱۳- گزینه «۲» گزینه‌های ۱ و ۳ و ۴ به استناد ماده ۲۵۵ قانون مدنی نیاز به اجازه مجدد معامل دارد؛ بنابراین فقط گزینه ۲ نیازی به اجازه مجدد معامل ندارد.

۱۴- گزینه «۴» در خصوص مالک، ماده ۲۵۳ تصریح نموده است که: «در معامله فصولی اگر مالک قبل از اجازه یا رد فوت نماید، اجازه یا رد با وارث است.» در خصوص فوت اصیل، رجوع کنید به قانون مدنی در نظم ذیل ماده ۲۵۳ شماره ۳ «فوت اصیل مانع از اجازه نیست و عقد را منحل نمی‌سازد.»



فصل پنجم

«شروط ضمن عقد»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل پنجم

کله ۱- شرط فاسخ شرطی است که در صورت تحقق آن:

(سراسری ۷۸)

- (۱) برای مشروط‌له حق فسخ ایجاد می‌شود.
- (۲) عقد خود به خود فسخ می‌شود.
- (۳) شخص ثالثی که مورد توافق طرفین باشد، می‌تواند عقد را فسخ کند.
- (۴) نوعی فسخ قضایی است که فقط قاضی حکم به فسخ عقد می‌دهد.

کله ۲- اگر بعد از معامله، انجام شرط غیرمقدور شود:

(سراسری ۷۸)

- (۱) مشروط‌له، حق فسخ معامله را دارد.
- (۲) عقد و شرط هر دو باطل می‌شود.
- (۳) شرط باطل می‌شود، ولی عقد صحیح است.
- (۴) از تاریخ ممتنع شدن شرط، عقد منفسخ می‌گردد.

کله ۳- شرایط معلق‌علیه کدام است؟

(سراسری ۸۶)

- (۱) احتمالی بودن، استقبالی بودن و خارج از شرایط صحت عقد بودن.
- (۲) محقق بودن، منجز بودن و معلق به شرایط صحت عقد بودن.
- (۳) کامل بودن، مادی بودن و ناظر به جهت عقد بودن.
- (۴) مقدور بودن، معلوم بودن و مربوط به قصد طرفین.

کله ۴- در صورتی که عین خارجی فاقد وصف شرط شده در قرارداد باشد و مشروط‌علیه بتواند وصف را در آن ایجاد کند...

(سراسری ۸۶)

- (۱) مشروط‌له حق فسخ دارد.
- (۲) مشروط‌له فقط حق درخواست ایجاد وصف را دارد.
- (۳) در صورتی که قبل از فسخ وصف ایجاد شود، حق فسخ ساقط است.
- (۴) در صورتی که مشروط‌علیه درخواست ایجاد وصف کند، حق فسخ ساقط است.

کله ۵- اگر مشروط‌علیه، شرط ضمن عقد را انجام داده و قرارداد اصلی اقاله شود.....

(سراسری ۸۶)

- (۱) اقاله و شرط هر دو صحیح است.
- (۲) اقاله و شرط هر دو باطل است.
- (۳) اقاله صحیح و شرط باطل است.
- (۴) اقاله باطل و شرط صحیح است.

کله ۶- آیا در عقد معلق، تحقق شرط (معلق‌علیه) اثر قهقرایی دارد؟

(سراسری ۸۷)

- (۱) اثر قهقرایی دارد و از روز عقد مؤثر است.
- (۲) اثر قهقرایی ندارد و از زمان تحقق شرط مؤثر است.
- (۳) در قراردادهای مالی اثر قهقرایی دارد و در قراردادهای غیرمالی فاقد این اثر است.
- (۴) نسبت به منافع مال مورد انتقال اثر قهقرایی دارد ولی نسبت به عین اثر قهقرایی ندارد.

کله ۷- در ضمن قرارداد بیع خانه‌ای شرط می‌شود که خریدار خودرو خارجی نوع خاصی را وارد کرده و به فروشنده هبه کند. یک هفته پس از انعقاد

(سراسری ۸۹)

عقد، واردات خودرو به کشور قانوناً ممنوع می‌شود، تکلیف شرط و عقد چیست؟

- (۱) عقد صحیح و شرط باطل است.
- (۲) عقد و شرط هر دو باطل است.
- (۳) مشروط‌له حق فسخ قرارداد اصلی را دارد.
- (۴) عقد و شرط هر دو صحیح هستند و مشروط‌علیه ملزم به تأدیه قیمت خودرو خارجی است.

کله ۸- هرگاه تحقق قرارداد به واقعه محقق‌الوقوع در آینده موکول شود، قرارداد...

(سراسری ۸۹)

- (۱) صحیح و مؤجل است.
- (۲) صحیح و حال است.
- (۳) صحیح و معلق است.
- (۴) باطل است.

کـ ۹- کدام یک از شروط ذیل باطل و مبطل است؟

(آزاد ۹۰)

- (۱) شرط خلاف مقتضای ذات عقد (۲) شرط مخالف قوانین آمره (۳) شرط مخالف مقتضای عقد (۴) شرط مجهول

کـ ۱۰- شرطی که مخالف قوانین تکمیلی است:

(آزاد ۹۰)

- (۱) اشکالی ندارد. (۲) باطل است. (۳) باطل و مبطل است. (۴) برای ذینفع اختیار فسخ ایجاد می‌کند.

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل پنجم

۱- گزینه «۲» شرط فاسخ، تراضی است که دو طرف عقد دربارهٔ انفساخ احتمالی عقد در آینده می‌نمایند. و بدین وسیله تعهدهای ناشی از عقد را محدود به زمان معین یا عدم و نوع شرایط خاص می‌سازند. بنابراین نباید این شرط را با شرط اختیار اشتباه کرد. شرط اختیار به یکی از دو طرف یا هر دو یا شخص ثالث حق می‌دهد که اگر مایل باشند عقد را در مهلتی معین فسخ کنند، در حالی که در نتیجه تحقق شرط فاسخ، انحلال قهری و خود به خود عقد است و نیازی به تصمیم دیگر ندارد. شرط فاسخ به طور معمول معلق است. بدین معنا که تحقق آن منوط به وقوع حادثه‌ای در آینده است مانند این که اجاره به شرط تملیک شرط می‌شود که اگر پرداخت هر یک از اقساط اجاره بیش از ۱۰ روز به تأخیر افتد، قرارداد پایان پذیرد یا منفسخ شود.

۲- گزینه «۱» شرط در اصطلاح عبارت است از هر امری که وجود آن برای تحقق امر دیگر لازم و ضروری باشد و در تعریف آن نیز گفته شده است: الشرط ما يلزم من عدمه العدم و لا يلزم من وجوده الوجود یعنی شرط چیزی است که اگر نباشد مشروط به وجود نمی‌آید. ماده ۲۳۲ قانون مدنی اعلام می‌دارد: شروط مفصله ذیل باطل است ولی مفسد عقد نیست: (۱) شرطی که انجام آن غیرمقدور باشد (۲) شرطی که در آن نفع و فایده نباشد. (۳) شرطی که نامشروع باشد. در واقع شروط مطروحه در ماده قانونی مذکور، هیچ‌گونه تأثیری در وضعیت عقدی که ضمن آن آورده شده ندارند، زیرا نسبت به عقد اصلی یک تعهد فرعی محسوب می‌شوند. در فرض پرسش هم‌چون انجام شرط امکان‌پذیر نیست نمی‌تواند موضوع یک تعهد باشد. لذا مطابق ماده ۲۴۰ قانون مدنی، اگر بعد از عقد انجام شرط ممتنع شود یا معلوم شود که حین العقد ممتنع بوده است کسی که شرط به نفع او شده است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت

۳- گزینه «۱» عقد معلق مطابق قسمت اخیر ماده ۱۸۹ قانون مدنی، عقدی است که تأثیر آن برحسب انشا موقوف به امر دیگری باشد مانند این که فروشنده بگوید: اتومبیل را سیصد میلیون ریال فروختم اگر برادرم فردا از مسافرت برگردد. تعلیق واقعی در صورتی است که تحقق شرط در آینده احتمالی و نامعلوم و مربوط به حادثه خارجی باشد.

۴- گزینه «۱» عین خارجی در اصطلاح مدنی، عبارت است از عین موجود در خارج و در مقابل عین کلی قرارداد مانند ۱۰۰ کیلو گندم در ذمه. در فرض پرسش، اگر عین خارجی مانند اتومبیل فاقد وصف شرط شده در قرارداد باشد، به دلیل خیار تخلف وصف، مشروط‌الّه اختیار حق فسخ معامله را خواهد داشت، لیکن در فرض پرسش مابین علمای حقوق اختلاف نظر است و نظر مشهور حق فسخ برای مشروط‌الّه است.

۵- گزینه «۳» وفق ماده ۲۴۶ قانون مدنی، «در صورتی که معامله به واسطه اقاله یا فسخ به هم بخورد، شرطی که در ضمن آن شده است باطل می‌شود و اگر کسی که ملزم به انجام شرط بوده است عمل به شرط کرده باشد، می‌تواند عوض او را از مشروط‌الّه بگیرد. همچنین اگر ثابت شود که معامله اصلی باطل بوده است، شرط ضمن آن نیز بی‌اثر می‌شود، هر چند که به خودی خود تمام شرایط صحت معامله را نیز دارا باشد.» لذا در فرض مسئله، ملتزم در صورت عمل به شرط می‌تواند عوض آن را از مشروط‌الّه بگیرد.

۶- گزینه «۲» ماده ۱۸۹ قانون مدنی عقد معلق را تعریف کرده و آن را عقدی می‌داند که تأثیر آن برحسب انشا موقوف به امری دیگر باشد. «انشا در اصطلاح، قصدی است که می‌تواند یک اثر حقوقی را در قلمرو اعتبار ایجاد کند مانند قصد بایع به تملیک مبیع به نفع مشتری. با توجه به این‌که در عقد معلق وقوع عقد موقوف به وقوع امر دیگری است مانند این‌که این خانه را فروختم اگر لیسانس بگیرم.» برخی از علما اعتقاد به اثر قهقرایی داشته و برخی دیگر قائل به آن نیستند و اثر آن را از زمان تحقق شرط مؤثر می‌دانند، لیکن مشهور عقاید موافق با اثر قهقرایی آن نیست.

۷- گزینه «۳» وفق ماده ۲۴۰ قانون مدنی، «اگر بعد از عقد انجام شرط ممتنع شود یا معلوم شود که حین العقد ممتنع بوده است، کسی که شرط به نفع او شده است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت، مگر این‌که امتناع مستند به فعل مشروط‌الّه باشد.»

۸- گزینه «۱» برابر ماده ۱۸۹ قانون مدنی «عقد منجز آن است که تأثیر آن بر حسب انشا موقوف به امر دیگری نباشد و اِلّا معلق خواهد بود.» در عقود معلق، پس از تحقق شرط تعهدهای نهایی طرفین با تمام آثار حقوقی خود محقق می‌شود و صاحب حق می‌تواند از تمام مزایای آن استفاده کند. از آنجایی که منوط کردن قرارداد به حادثه‌ای محقق الوقوع منجر به معلق شدن عقد نمی‌شود، بنابراین چنین عقدی تنها مؤجل بوده و صحیح می‌باشد.

۹- گزینه «۱» منظور از شرط خلاف مقتضای عقد در ماده ۲۲۳ قانون مدنی، مقتضای ذات عقد می‌باشد نه مقتضای اطلاق آن. لذا گزینه ۱ صحیح است.

۱۰- گزینه «۱» شرط مخالف با قوانین تکمیلی مطابق با مفهوم ماده ۱۰ قانون مدنی که منظور از قانون در آن، قانون امری است، بلا اشکال و در نتیجه گزینه ۱ صحیح است.

فصل ششم

«عدم اجرای تعهد و آثار آن»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل ششم

- ۱- هرگاه با بایع با استفاده از حق حبس مبیع را نزد خود نگاه دارد، منافع مبیع در مدت تصرف بایع متعلق به کدام یک از متبایعین است؟ (سراسری ۷۵)
- (۱) مشتری (۲) بایع (۳) منافع بالمناصفه بین آنان تقسیم خواهد شد. (۴) منافع صرف هزینه نگهداری بیع خواهد شد.

- ۲- در تعهد به نتیجه، متخلف از انجام تعهد وقتی از پرداخت خسارت معاف می‌شود که ثابت کند:
- (۱) اجرای تعهد، هزینه‌ای به مراتب بیش از عوض دریافتی داشته است.
(۲) اجرای تعهد از حیطة اقتدار شخص او خارج بوده است.
(۳) سعی کافی در اجرای تعهد کرده است، ولی تعهد به نتیجه نرسیده است.
(۴) عامل خارجی غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل دفع مانع اجرای تعهد شده است.

- ۳- در صورت خودداری متعهد از انجام تعهد، متعهدله...
- (۱) فقط می‌تواند قرارداد را فسخ کند.
(۲) فقط می‌تواند از حق حبس استفاده کند.
(۳) نمی‌تواند از حق حبس استفاده کند.
(۴) می‌تواند با اجازه حاکم، به هزینه متعهد عمل را انجام دهد.

- ۴- تعهد متصدی حمل و نقل در مورد سالم به مقصد رسیدن محموله، تعهد است.
- (۱) طبیعی (۲) به وسیله (۳) به انتقال مال (۴) به نتیجه

- ۵- کدام یک از عبارات‌های زیر صحیح نمی‌باشد؟
- (۱) به هنگام بطلان عقد، مسئولیت علی‌الاصول دیگر جنبه‌ی قراردادی ندارد.
(۲) هر زبانی که توسط یکی از متعاهدین به طرف دیگر وارد آید، موجب تحقق پیوستن مسئولیت قراردادی نخواهد داشت.
(۳) هنگامی که یکی از متعاهدین با توسل به اعمال اکراه‌آمیز طرف دیگر را به انعقاد عقد واداشته است، مسئولیتی که متوجه او می‌باشد مسئولیتی قراردادی است.
(۴) اگر بر اثر اجرای یا سوء اجرای عقد توسط یکی از متعاهدین به شخص ثالثی زیان برسد، مسئولیتی که برای عامل ورود ضرر و زیان به بار می‌آید مسئولیت قراردادی نیست.

- ۶- در قراردادی که شرط فعل به سود یکی از دو طرف شده است، هرگاه مشروط‌علیه آن را به جا نیاورد، مشروط‌له چه اقدامی می‌تواند بکند و کدام یک از این پاسخ‌ها درست است؟

- (۱) مشروط‌له می‌تواند اجبار مشروط‌علیه را بخواهد و اگر اجبار ممکن نشود، حق فسخ دارد.
(۲) مشروط‌له در انتخاب فسخ قرارداد یا اجبار مشروط‌علیه آزاد است.
(۳) مشروط‌له تنها می‌تواند اجبار مشروط‌علیه را بخواهد و حق فسخ ندارد.
(۴) در هر حال مشروط‌له می‌تواند عقد را فسخ کند.

- ۷- در قراردادی که موضوع آن تعهد برای آماده کردن سالن کنفرانس برای برگزاری مراسم سخنرانی در روز مشخص است عدم انجام تعهد:

- (۱) سبب بطلان قرارداد است.
(۲) سبب مسئولیت متعهد به جبران خسارت است.
(۳) سبب استحقاق متعهدله به دریافت خسارت تأخیر تعهد است.
(۴) متعهدله را در مطالبه خسارت یا اجبار به انجام تعهد مختار می‌سازد.

- ۸- در صورتی که موضوع تعهد در قراردادی عین کلی باشد، متعهد از چه نوع بایستی وفای به عهد کند؟
- (۱) از عالی‌ترین نوع باید انتخاب کند.
(۲) می‌تواند از پست‌ترین انتخاب کند.
(۳) از هر نوعی که بدهد وفای به عهد می‌شود.
(۴) متعهد مجبور نیست که از فرداعلا، آن ایفا کند، لیکن از فردی هم که عرفاً معیوب محسوب می‌شود، نمی‌توان بدهد.



کـ ۹- تعهد در چه محلی به وجود می‌آید؟

(سراسری ۸۳)

- (۱) محل اقامت
- (۲) در محل وقوع مال منقول
- (۳) در محل اقامت خواهان
- (۴) در محلی که عقد واقع شده، مگر این که بین متعاملین قرارداد مخصوصی باشد یا عرف و عادت ترتیب دیگری اقتضا نماید.

کـ ۱۰- هرگاه تنها تعمیرکار شهر، ضمن فروش خودرو معیوب تعهد به تعمیر آن کند ولی از انجام تعهد خودداری کند، خریدار حق دارد ...

(سراسری ۸۴)

- (۱) خودرو را با هزینه فروشنده و با اجازه دادگاه در جای دیگری تعمیر کند.
- (۲) تفاوت قیمت خودرو معیوب و بی‌عیب را مطالبه کند.
- (۳) معامله را به واسطه تخلف از شرط فسخ کند.
- (۴) معامله را به واسطه خیار عیب فسخ کند.

کـ ۱۱- اگر کسی مال خود را که توسط دادگاه به نفع کسی توقیف شده است، در مقام وفای به عهد به طلبکار بدهد، وفای به عهد (سراسری ۸۶)

- (۱) باطل و بی‌اثر است.
- (۲) منوط به تنفیذ ذینفع توقیف است.
- (۳) صحیح است زیرا توقیف، مالکیت را بی‌اثر نمی‌کند.
- (۴) منوط به تنفیذ دادگاهی است که حکم توقیف را صادر کرده است.

کـ ۱۲- در صورتی که انجام تعهد به قید مباشرت متعهد باشد، انجام تعهد توسط سایر اشخاص (سراسری ۸۸)

- (۱) در صورت انحصار و امتناع متعهد بلامانع است.
- (۲) در صورت تعذر توسط متعهد بلامانع است.
- (۳) با حکم دادگاه بلامانع است.
- (۴) ممکن نیست.

کـ ۱۳- در صورتی که زمان اجرای تعهد قید بقای تعهد باشد و متعهد علی‌رغم سررسید مهلت از انجام تعهد خودداری کند، تکلیف چیست؟

(سراسری ۸۹)

- (۱) متعهدله حق فسخ را دارد.
- (۲) متعهدله می‌تواند اجبار متعهد را از دادگاه مطالبه کند.
- (۳) عقد باقی است و متعهدله می‌تواند خسارت تأخیر تأدیه را مطالبه کند.
- (۴) عقد منحل شده محسوب است و متعهدله می‌تواند خسارت عدم انجام تعهد را مطالبه کند.

کـ ۱۴- «وجه التزام» چیست؟ (سراسری ۸۹)

- (۱) وجه التزام «بیعانه» است.
- (۲) وجه التزام «جهت تعهد» است.
- (۳) تضمین تأدیه خسارت‌های غیرقراردادی است.
- (۴) ضمانت اجرای تأخیر یا عدم انجام تعهدات قراردادی است.

کـ ۱۵- وضعیت حقوقی «عدم‌النفع» چگونه است؟ (سراسری ۸۹)

- (۱) عدم‌النفع احتمالی قابل مطالبه نیست، ولی فوت منافع مسلم قابل مطالبه است.
- (۲) تفاوتی بین تلف مال و فوت منفعت نیست و هر دو قابل مطالبه هستند.
- (۳) فقط عدم‌النفع ناشی از منافع تملیک شده قابل مطالبه است.
- (۴) به هیچ وجه قابل مطالبه نیست.

کـ ۱۶- آیا دادگاه فراتر از تاریخ سر رسید دین می‌تواند به متعهد جهت تأدیه مهلت بدهد؟ (سراسری ۸۹)

- (۱) دادگاه می‌تواند بدون رضایت متعهدله با توجه به وضعیت مدیون مهلت بدهد.
- (۲) اعطای مهلت در صورتی امکان‌پذیر است که در قرارداد پیش‌بینی شده باشد.
- (۳) اعطای مهلت باید مستند به قانون باشد و قانون چنین تصریحی ندارد.
- (۴) اگر مهلت در قرارداد پیش‌بینی شده باشد، دادگاه نمی‌تواند مهلتی بیشتر یا کمتر بدهد.



(سراسری ۹۰)

کس ۱۷- در فرض عدم امکان اجرای تعهد ایجاد شده نسبت به مال کلی، قرارداد موردنظر چه حکمی پیدا می‌کند؟

- (۱) عقد تمام شده و خاتمه یافته تلقی می‌گردد؛ زیرا امکان ادامه حیات آن با وضعیت جدید پیش‌آمده ممکن نیست.
- (۲) عقد باطل می‌گردد؛ زیرا کشف می‌شود که از همان ابتدای تشکیل قرارداد تعهد قابلیت اجرا نداشته است.
- (۳) عقد منفسخ می‌گردد؛ زیرا این حالت شبیه موردی است که عین معین موضوع قرارداد از بین برود.
- (۴) عقد از طریق خیار تعذر تسلیم قابل فسخ است؛ زیرا در زمان تشکیل همه‌ی ارکان صحت آن فراهم بوده و ناتوانی عارضی موجب عدم اجرای تعهد شده است.

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل ششم

۱- گزینه ۲» مطابق ماده ۳۷۷ قانون مدنی «هر یک از بایع و مشتری حق دارد که از تسلیم مبیع یا ثمن خودداری کند تا طرف دیگر حاضر به تسلیم شود، مگر این که مبیع یا ثمن مؤجل باشد. در این صورت هر کدام از مبیع یا ثمن که حال باشد باید تسلیم شود». هزینه نگاهداری مبیع در دوران اجرای حق حبس توسط بایع بر عهده خریدار است زیرا بایع در اثر امتناع مشتری از تسلیم ثمن مبیع را حبس نموده است؛ به همین جهت هم هزینه و هم منافع تابع ملک می‌باشد و منافع آن متعلق به بایع است.

۲- گزینه ۴» مطابق ماده ۲۲۷ قانون مدنی، «متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تأدیه خسارت می‌شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام «تعهد» به واسطه علت خارجی بوده است که نمی‌توان مربوط به او نمود». این ماده قانونی، از قواعد مرتبط با نظم عمومی محسوب نمی‌شود و متعهد می‌تواند در قرارداد اجرای تعهد را تضمین کند و خطر حادثه خارجی را نیز به عهده گیرد. پس هرگاه متعهد به واسطه حادثه‌ای که دفع آن خارج از حیطه اقتدار او است و به آن قوه قاهره می‌گویند نتواند از عهده تعهد خود برآید، محکوم به تأدیه خسارت نخواهد بود. لذا با عنایت به ماده قانونی صدرالذکر و ماده ۲۲۹ قانون مذکور گزینه ۴» صحیح است.

۳- گزینه ۴» مطابق ماده ۲۳۷ قانون مدنی «هرگاه شرط در ضمن عقد شرط فعل باشد، اثباتاً یا نفیاً، کسی که ملتزم به انجام شرط شده است، باید آن را به جا آورد و در صورت تخلف، طرف معامله می‌تواند به حاکم رجوع نموده، تقاضای اجبار به وفای شرط بنماید.» در واقع شرط فعل یکی از شروط سه‌گانه موضوع ماده ۲۳۴ ق.م است که اقدام یا عدم اقدام به فعلی بر یکی از متعاملین یا بر شخص خارجی شرط شود. در فرض مسئله هرگاه اجرای مفاد شرط تنها جنبه مالی داشته باشد مانند انتقال و تسلیم مال و ... اجبار مستقیم متعهد امکان‌پذیر خواهد بود، لیکن در فرضی که مرتبط با شخصیت متعهد است مانند: ترسیم یک تابلو نقاشی اجبار مستقیم به وفای شرط ممکن نخواهد بود. ضمن این که وفق ماده ۲۳۸ از همین قانون هرگاه فعلی در ضمن عقد شرط شود و اجبار ملتزم به انجام آن غیرمقدور باشد ولی انجام آن توسط شخص دیگر مقدور باشد، حاکم می‌تواند به خرج ملتزم موجبات انجام آن فعل را فراهم نماید.

۴- گزینه ۴» مطابق ماده ۵۱۶ قانون مدنی، تعهدات متصدیان حمل و نقل اعم از این که از راه خشکی یا آب یا هوا باشد برای حفاظت و نگاهداری اشیائی که به آن‌ها سپرده شده است همان است که برای امانت‌داران مقرر گردیده بنابراین در صورت تفریط یا تعدی مسئول تلف یا ضایع شدن اشیائی خواهند بود که به آن‌ها داده می‌شود لذا با توجه به ماده اخیرالذکر اگر کالای مطروحه تلف یا ناقص شود به علت تخلف از انجام دادن تعهد قراردادی مسئول جبران خسارت است، مگر این که ثابت کند علت خارجی و احترازناپذیری سبب تلف بوده که مربوط به او نمی‌شود.

۵- گزینه ۳» ماده ۱۹۹ قانون مدنی می‌گوید: «رضای حاصل در نتیجه اشتباه یا اکراه موجب نفوذ معامله نیست.» زیرا یکی از طرفین معامله با اعمال اکراه‌آمیز نسبت به جان، مال یا آبرو به نحوی که عادتاً قابل تحمل نباشد دیگری را به انعقاد قرارداد وادار نموده است و چنین عقدی غیرنافذ است. و نمی‌توان اذعان داشت که طرفین با قصد و رضای واقعی مطابق ماده ۱۹۰ ق.م به انعقاد قرارداد یا عقد مبادرت کرده‌اند؛ به همین جهت هم گزینه ۳» صحیح است.

۶- گزینه ۱» مطابق ماده ۲۳۷ ق.م «هرگاه شرط در ضمن عقد، شرط فعل باشد نفیاً یا اثباتاً، کسی که ملتزم به انجام شرط شده است، باید آن را به جا آورد و در صورت تخلف، طرف معامله می‌تواند به حاکم رجوع نموده تقاضای اجبار به وفای شرط را بنماید.» تعهد مبتنی بر فعل یا ترک فعل به دو صورت است:

- (۱) به صورت تعهد اصلی یعنی تعهد ناشی از عقد.
 - (۲) به صورت تبعی یعنی تعهد ناشی از شرط فعل.
- همچنین مطابق ماده ۲۳۹ از قانون یاد شده، هرگاه اجبار مشروط‌علیه برای انجام فعل مشروط، ممکن نباشد و فعل مشروط هم از جمله اعمالی نباشد که دیگری بتواند از جانب او واقع سازد، طرف مقابل حق فسخ معامله را خواهد داشت.



۷- گزینه «۲» قانون مدنی ایران، خسارت ناشی از نقض قرارداد را در فصل «اثر معاملات» آورده و مواد ۲۱۹ تا ۲۳۰ را به آن اختصاص داده است. ماده ۲۲۱ قانون مذکور در این ارتباط می‌گوید: «اگر کسی تعهد اقدام به امری بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است.» ضمن این که مسئولیت قراردادی محدود به ضرری است که قابل پیش‌بینی و در قلمرو انتظار دو طرف باشد. لذا در فرض پرسش به لحاظ عدم انجام تعهد از ناحیه متعهد، جبران خسارت وارده بر عهده وی می‌باشد.

۸- گزینه «۴» وفای به عهد وقتی محقق می‌شود که متعهد چیزی را که می‌دهد مالک یا مأذون از طرف مالک باشد و شخصاً هم اهلیت داشته باشد. اگر موضوع تعهد تسلیم عین معین باشد، تسلیم آن به صاحبش در وضعیتی که حین تسلیم دارد موجب برائت متعهد می‌شود، اگرچه کسر و نقصان داشته باشد لیکن اگر موضوع تعهد عین شخصی نبوده و کلی باشد، متعهد مجبور نیست که از فرد اعلای آن ایفا کند، همچنین از فردی هم که عرفاً معیوب محسوب است نمی‌تواند بدهد. ماده ۲۷۹ قانون مدنی نیز بر آن تأکید دارد.

۹- گزینه «۴» مطابق ماده ۲۸۰ قانون مدنی، انجام تعهد باید در محلی که عقد واقع شده به عمل آید، مگر این که بین متعاملین قرارداد مخصوص باشد یا عرف و عادت ترتیب دیگری اقتضا نماید. با عنایت به نص صریح قانونی گزینه «۴» صحیح می‌باشد.

۱۰- گزینه «۱» ماده ۲۳۷ قانون مدنی اعلام می‌دارد: هرگاه شرط در ضمن عقد شرط فعل باشد اثباتاً یا نفیاً، کسی که ملتزم به انجام شرط شده است باید آن را به جا آورد و در صورت تخلف می‌تواند به حاکم رجوع نموده تقاضای اجبار به وفای شرط نماید. «لیکن هرگاه در ضمن عقد انجام فعلی شرط شود و اجبار ملتزم به انجام آن نیز غیرمقدور ولی انجام آن به وسیله شخص دیگری مقدور باشد، حاکم می‌تواند به خرج ملتزم موجبات انجام آن فعل را فراهم کند و ماده ۲۳۸ قانون مدنی نیز بر آن تأکید دارد.

۱۱- گزینه «۲» برابر ماده ۲۷۶ قانون مدنی، «مدیون نمی‌تواند مالی را که از طرف حاکم ممنوع از تصرف در آن شده است، در مقام وفای به عهد تأدیه نماید.» در همین ارتباط نیز ماده ۷۹۳ ق.م می‌گوید: رهن نمی‌تواند در رهن تصرفی کند که منافی حق مرتهن باشد، مگر به اذن مرتهن. که با توجه به قسمت اخیر ماده اخیرالذکر و وحدت ملاک از مواد ۲۶۴ و ۲۷۶ قانون مدنی، به نظر می‌رسد وفای به عهد منوط به تنفیذ ذینفع توقیف است.

۱۲- گزینه «۴» برابر ماده ۲۶۸ قانون مدنی «انجام فعلی در صورتی که مباشرت شخص متعهد شرط باشد به وسیله دیگری ممکن نیست، مگر با رضایت متعهدله. هر چند گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳ صحیح نبوده و با این ماده قانونی تطبیق ندارند، لیکن گزینه «۴» نیز کامل نبوده و با رضایت متعهدله می‌توان انجام فعلی که در آن شرط مباشرت متعهد شده است را توسط دیگری انجام داد. مثلاً از نقاش معروفی تقاضا می‌شود در مدت یک ماه تصویری را ترسیم نماید، لیکن وی بنا به دلایلی قادر به ترسیم نمی‌باشد، لذا می‌تواند تصویر مطروحه را با رضایت متعهدله به فرزندش بسپارد تا در موعد مقرر به پایان برساند.

۱۳- گزینه «۴» برابر ماده ۲۳۷ قانون مدنی، «هرگاه شرط در ضمن عقد، شرط فعل باشد، نفیاً یا اثباتاً، کسی که ملتزم به انجام شرط شده است، باید آن را به جا بیاورد و در صورت تخلف، طرف معامله می‌تواند به حاکم رجوع نموده تقاضای اجبار به وفای شرط بنماید.» به نظر می‌رسد با توجه به آن که قرارداد موصوف از نوع وحدت مطلوب بوده، لذا با منتفی شدن موضوع قرارداد، متعهدله می‌تواند مطالبه خسارت نماید.

۱۴- گزینه «۴» «وجه التزام، مبلغی است که طرفین قرارداد پیش از وقوع خسارت ناشی از عدم اجرای قرار داد یا تأخیر اجرای آن به موجب توافق معین می‌کنند.

۱۵- گزینه «۴» مطابق تبصره (۲) ماده ۵۱۵، قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ «خسارت ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست...»

۱۶- گزینه «۱» مطابق ماده ۲۷۷ قانون مدنی «... حاکم می‌تواند نظر به وضعیت مدیون، مهلت عادلانه یا قرار اقساط دهد».

۱۷- گزینه «۳» زیرا تعهدی وجود داشته ولی پس از قرارداد اجرای آن غیرممکن شده است پس قرارداد باطل نمی‌باشد و چون عدم امکان اجرای قرارداد مستند به طرف مقابل نمی‌باشد، قرارداد منفسخ می‌شود.

فصل هفتم

«انحلال قرارداد»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل هفتم

- 📖 ۱- در صورت معیوب بودن مبیع، اگر قیمت مبیع در حال بی‌عیبی کمتر یا زیادتر از ثمن معامله باشد، مقدارش چه اندازه است: (سراسری ۷۶)
- (۱) $\frac{1}{5}$ از قیمت حقیقی
 - (۲) تفاوت میان ثمن و قیمت حقیقی مبیع
 - (۳) تفاوت میان قیمت حقیقی مبیع سالم و معیوب
 - (۴) بخشی از ثمن به نسبت تفاوت میان قیمت حقیقی مبیع در حال سلامت و در حال عیب
- 📖 ۲- اگر موضوع تعهد عین کلی باشد و فردی که متعهد داده معیوب درآید: (سراسری ۷۷)
- (۱) متعهدله بین فسخ معامله و مطالبه ازش مخیر است.
 - (۲) متعهدله فقط می‌تواند مطالبه ازش کند.
 - (۳) متعهدله می‌تواند معامله را به لحاظ خیار عیب فسخ کند.
 - (۴) متعهدله می‌تواند الزام متعهد را به تحویل فرد دیگری از موضوع تعهد بخواهد.
- 📖 ۳- اگر غبن در نتیجه اشتباه در خود موضوع معامله باشد، سرنوشت عقد چه خواهد بود؟ (سراسری ۷۷)
- (۱) عقد فقط قابل فسخ خواهد بود.
 - (۲) عقد صحیح نخواهد بود.
 - (۳) عقد صحیح و غیر قابل فسخ خواهد بود.
 - (۴) پس از احراز اشتباه عقد منفسخ می‌شود.
- 📖 ۴- اگر ضمن عقد نکاح شرط شود که یکی از زوجین از جانب همسر دیگر وکیل در اداره اموال باشد، این شرط چه نوع شرطی است؟ (سراسری ۷۷)
- (۱) شرط فعل
 - (۲) شرط صفت
 - (۳) شرط نتیجه
 - (۴) هم شرط فعل و هم شرط نتیجه است.
- 📖 ۵- اگر بعد از معامله، انجام شرط غیرمقدور شود: (سراسری ۷۸)
- (۱) مشروطله، حق فسخ معامله را دارد.
 - (۲) مشروطله، حق فسخ معامله را ندارد.
 - (۳) شرط باطل می‌شود، ولی عقد صحیح است.
 - (۴) عقد و شرط هر دو باطل می‌شود.
- 📖 ۶- اگر بر اثر تدلیس یکی از متعاقدين در عقدی که شخصیت طرف در آن علت عمده عقد است، طرف دیگر دچار اشتباه در شخصیت تدلیس‌کننده شود، سرنوشت عقد چه خواهد بود؟ (سراسری ۷۸)
- (۱) پس از احراز اشتباه عقد منفسخ می‌شود.
 - (۲) عقد فقط قابل فسخ خواهد بود.
 - (۳) عقد صحیح نخواهد بود.
 - (۴) عقد صحیح و غیرقابل فسخ خواهد بود.
- 📖 ۷- کدام یک از اشتباهات زیر بی‌تأثیر در سرنوشت عقد است؟ اشتباه ... (سراسری ۷۹)
- (۱) در قیمت وقتی که غبن فاحش باشد.
 - (۲) در قیمت هنگامی که غبن فاحش نباشد.
 - (۳) در خود موضوع معامله.
 - (۴) در اوصاف عرضی مال مورد معامله به هنگامی که این اوصاف وارد قلمرو تراضی متعاقدين شده‌اند.
- 📖 ۸- در صورتی که چند نفر به عنوان مشتری مالی را از شخص واحد به عنوان بایع خریداری نموده و مبیع معیوب درآید... (سراسری ۷۹)
- (۱) هر یک از مشتریان می‌تواند نسبت به سهم خود ازش گرفته و بیع را فسخ کند.
 - (۲) هر کدام بخواهند می‌توانند ازش بگیرند، ولی هیچ‌کدام به تنهایی حق فسخ معامله را ندارند.
 - (۳) هیچ‌کدام حق گرفتن ازش ندارند، فقط هر کدام بخواهند می‌توانند بیع را فسخ کنند.
 - (۴) هیچ‌کدام حق گرفتن ازش ندارند، بلکه فقط می‌توانند به طور دسته جمعی آن را فسخ کنند.



۹- در صورتی که مبیع در زمان عقد معیوب باشد و خریدار ارش بخواهد، تفاوت قیمت مبیع سالم و معیوب در چه زمان معیار تعیین میزان ارش است؟

(سراسری ۸۰)

- (۱) زمان انتخاب و مطالبه ارش، به اعتبار ایجاد طلب برای خریدار.
(۲) زمان تقویم به وسیله کارشناس.
(۳) زمان وقوع معامله، به دلیل زمان تعادل در عوض در مبادله.
(۴) زمان قبض مبیع، به دلیل انتقال ضمان به خریدار.

۱۰- ماده ۶۹۰ ق.م.مقرر می‌دارد: «در ضمان شرط نیست که ضامن مال دار باشد، لیکن اگر مضمون له در وقت ضمان به عدم تمکن ضامن جاهل بوده باشد می‌تواند عقد ضمان را فسخ کند» حق فسخ موضوع ماده مزبور، کدام یک از انواع اختیارات زیر است؟

(سراسری ۸۱)

- (۱) غبن (۲) تخلف شرط (۳) عیب (۴) شرط

۱۱- هرگاه کسی خانه‌ی خود را به مبلغ معین بفروشد و قرار بگذارد که مشتری ثمن را پس از فوت پدرش به فروشنده بدهد، عقد و شرط چه حکمی دارد؟

(سراسری ۸۱)

- (۱) شرط و عقد هر دو صحیح است.
(۲) شرط مزبور باطل و حق فسخ به فروشنده می‌دهد.
(۳) شرط مزبور، باطل و موجب بطلان عقد نیز می‌شود.
(۴) شرط مزبور باطل، ولی موجب بطلان عقد نمی‌گردد.

۱۲- اگر ملکی به شرط داشتن مساحت معین فروخته شده باشد و بعد معلوم شود که کمتر از آن مقدار است، خریدار برای جبران خسارت چه اختیاری پیدا می‌کند؟

(سراسری ۸۲)

- (۱) خریدار حق فسخ معامله را دارد.
(۲) خریدار در مطالبه زمین کمبود یا بهای آن آزاد است.
(۳) خریدار می‌تواند بهای زمین کمبود را از ثمن بکاهد.
(۴) خریدار می‌تواند میزان کمبود زمین را از فروشنده مطالبه کند.

۱۳- کدام خیار در بیع کلی به وجود نمی‌آید؟

(سراسری ۸۳)

- (۱) مجلس (۲) غبن (۳) رؤیت (۴) تأخیر ثمن

۱۴- اگر کسی که طرف خود را مغبون کرده است، تفاوت قیمت را بدهد آیا غبن ساقط می‌شود؟

(سراسری ۸۳)

- (۱) بلی، زیرا مبنای خیار رفع ضرر است.
(۲) بلی، به شرط آن که چنین چیزی در عقد تصریح شده باشد.
(۳) خیر، مگر این که مغبون به اخذ تفاوت قیمت راضی شود.
(۴) خیر، حتی اگر چیزی در عقد تصریح شده باشد.

۱۵- طرفین عقد اجاره یک اتومبیل مادام که در مجلس عقد حضور داشته باشند، تحت چه عنوانی حق بر هم زدن قرارداد را دارند؟

(سراسری ۸۴)

- (۱) خیار مجلس (۲) خیار حیوان (۳) خیار تأخیر ثمن (۴) هیچ کدام

۱۶- اگر برای پرداخت ثمن، شخص ثالثی ضامن خریدار شود و تا سه روز ضامن و خریدار هیچ کدام ثمن را تأدیه نکنند ...

(سراسری ۸۴)

- (۱) بیع لازم است و فروشنده حق فسخ ندارد.
(۲) فروشنده حق دارد بیع را به استناد خیار تأخیر ثمن فسخ نماید.
(۳) فروشنده حق دارد بیع را به استناد خیار غبن فسخ نماید.
(۴) خریدار حق دارد بیع را به استناد تخلف از شرط فسخ نماید.

۱۷- اگر خریدار به واسطه معیوب بودن مبیع بخواهد ارش بگیرد، میزان آن چقدر است؟

(سراسری ۸۴)

- (۱) معادل تفاوت قیمت کالا در روز انعقاد و روز پرداخت ارش.
(۲) معادل نسبت بهای کالای بی‌عیب و معیوب در بازار از ثمن معامله.
(۳) معادل تفاوت قیمت کالای بی‌عیب و معیوب در بازار.
(۴) معادل تفاوت قیمت کالای معیوب در بازار و ثمن معامله.

۱۸- هرگاه تنها تعمیرکار شهر، ضمن فروش خودرو معیوب تعهد به تعمیر آن کند، ولی از انجام تعهد خودداری کند خریدار حق دارد ...

(سراسری ۸۴)

- (۱) خودرو را با هزینه فروشنده و با اجازه دادگاه در جای دیگری تعمیر کند.
(۲) تفاوت قیمت خودرو معیوب و بی‌عیب را مطالبه کند.
(۳) معامله را به واسطه تخلف از شرط فسخ کند.
(۴) معامله را به واسطه خیار عیب فسخ کند.

۱۹- در صورت تعدد خریداران، اعمال خیار عیب چگونه است؟

(سراسری ۸۴)

- (۱) هر یک از آن‌ها به تنهایی حق فسخ کل معامله را دارد.
(۲) همه آن‌ها حق دارند با توافق یک بار معامله را فسخ کنند.
(۳) هر یک از آن‌ها در صورت عدم توافق بر رد، حق ارش دارد.
(۴) هر یک از آن‌ها در گرفتن ارش یا رد نسبت به سهم خود مختار است.

۲۰- هرگاه بیع نسبت به بعض مبیع باطل باشد و خریدار به دلیل تبعض صفقه بخواهد بخشی از ثمن را استرداد کند، میزان آن چگونه معین می‌شود؟

(سراسری ۸۵)

- (۱) به نسبتی که میان قیمت مجموع و قیمت بخشی که به ملکیت خریدار درآمده است باید از ثمن معامله کسر شود.
(۲) تفاوت قیمت مجموع در بازار و بخشی که به ملکیت خریدار درآمده است.
(۳) به نسبت مقداری از مبیع که به ملکیت خریدار درآمده است با مقدار مجموع.
(۴) خسارت ناشی از بطلان بعض به خریدار.

(سراسری ۸۵)

۲۱- اگر در مدت خیار شرط با یع، خریدار مبیع را بفروشد بیع است؟

- (۱) صحیح است. (۲) باطل است. (۳) غیرنافذ است. (۴) قابل فسخ است.

(سراسری ۸۵)

۲۲- شخصی ثلث صندوق میوه‌ای را خریداری کرده است و قبل از تحویل، دو ثلث دیگر آن تلف شده است، باقی‌مانده تعلق دارد.

- (۱) به خریدار (۲) به فروشنده (۳) نیمی به خریدار و نیمی به فروشنده (۴) یک ثلث به خریدار و دو ثلث به فروشنده

(آزاد ۸۵)

۲۳- خیار تأخیر ثمن:

- (۱) فقط در مبیع عین معین و کلی در معین جاری است.
(۲) در هر گونه مبیعی از کلی یا معین جاری است.
(۳) در هر مال مورد معامله جاری است.
(۴) در هر بیعی چنان‌چه تأخیر سه روزه از پرداخت صورت گیرد جاری است.

(سراسری ۸۶)

۲۴- شرط مجهولی که جهالت آن به عوضین سرایت نکند، از نظر قانون مدنی ...

- (۱) صحیح است. (۲) باطل است. (۳) مبطل است. (۴) باطل و مبطل عقد است.

(سراسری ۸۶)

۲۵- کدام سبب، موجب انفساخ قرارداد نیست؟

- (۱) اقاله (۲) شرط فاسخ (۳) فوت و حجر در عقود جایز (۴) تلف مبیع قبل از قبض

(سراسری ۸۶)

۲۶- اگر شخصی فروش یک‌کصد کیلوگرم گندم را به قیمت یک میلیون ریال به دیگری پیشنهاد نماید و او پنجاه کیلوگرم را در مقابل پانصد هزار ریال قبول نماید، وضعیت معامله چگونه است؟

- (۱) معامله نسبت به هر یک‌کصد کیلوگرم باطل است.
(۲) معامله نسبت به پنجاه کیلوگرم صحیح است.
(۳) معامله نسبت به هر یک‌کصد کیلوگرم صحیح است.
(۴) معامله صحیح و مسئول خیار تبعض صفت است.

(سراسری ۸۶)

۲۷- در صورتی که عین خارجی فاقد وصف شرط شده در قرارداد باشد و مشروط‌علیه بتواند وصف را در آن ایجاد کند...

- (۱) مشروط‌له حق فسخ دارد.
(۲) مشروط‌له فقط حق درخواست ایجاد وصف را دارد.
(۳) در صورتی که قبل از فسخ وصف ایجاد شود، حق فسخ ساقط است.
(۴) در صورتی که مشروط‌علیه درخواست ایجاد وصف کند، حق فسخ ساقط است.

(سراسری ۸۶)

۲۸- اگر مشروط‌علیه، شرط ضمن عقد را انجام داده و قرارداد اصلی اقاله شود.....

- (۱) اقاله و شرط هر دو صحیح است. (۲) اقاله و شرط هر دو باطل است.
(۳) اقاله صحیح و شرط باطل است. (۴) اقاله باطل و شرط صحیح است.

(وکالت ۸۶)

۲۹- صلحی که در مورد تنازع یا مبنی بر تسامح باشد قاطع بین طرفین است، اما...

- (۱) به وسیله‌ی خیار می‌توان آن را فسخ کرد.
(۲) فقط به وسیله‌ی خیار غبن می‌توان آن را فسخ کرد.
(۳) فقط به وسیله‌ی خیار تدلیس می‌توان آن را فسخ کرد.
(۴) فقط به وسیله‌ی خیار شرط و خیار تخلف از شرط و خیار تدلیس می‌توان آن را فسخ کرد.

(وکالت ۸۶)

۳۰- کدام یک از خیارهای زیر فوری نیست؟

- (۱) خیار تأخیر ثمن (۲) خیار عیب (۳) خیار غبن (۴) خیار تدلیس

(آزاد ۸۷)

۳۱- در مورد جریان خیار تبعض صفت، با کدام یک از گزینه‌های ذیل مواجه‌ایم؟

- (۱) ما قصد لم یقع و ما وقع لم یقصد (۲) قاعدة انحلال عقد واحد به عقود متعدده
(۳) الزعیم غارم (۴) من له الغنم فعلیه الغرم



۳۲- مطابق ماده ۳۸۴ قانون مدنی: «هرگاه در حال معامله مبیع از حیث مقدار معین بوده و در وقت تسلیم کمتر از آن مقدار درآید، مشتری حق دارد ببع را فسخ کند یا قسمت موجود را با تأدیه حصه‌ای از ثمن به نسبت موجود قبول نماید...» حق فسخ مشتری در این ماده مبتنی بر کدام یک از خيارات است. (وکالت ۸۷)

- (۱) خيار تبعض صفقه (۲) خيار غبن (۳) خيار عيب (۴) خيار تدليس

(سراسری ۸۸)

۳۳- در کدام مورد عقد منفسخ نمی‌شود؟

- (۱) فوت مرتبه‌ن در عقد رهن (۲) توافق طرفین بر انفساخ عقد لازم
(۳) حجر یکی از طرفین عقد جایز پس از انعقاد (۴) تلف مبیع پس از تسلیم و قبل از انقضای خيار ویژه خریدار

(سراسری ۸۸)

۳۴- منظور از فسخ فعلی چیست؟

- (۱) حق فسخ اعمال شده و محقق شده. (۲) خيار مجلس که در همان لحظه سبب فسخ عقد می‌شود.
(۳) تصرفی که نوعاً کاشف از به هم زدن معامله باشد. (۴) حق فسخی که پس از انعقاد قرارداد علت آن به وجود آمده باشد.

۳۵- مؤسسه‌ای جهت تهیه غذای کارکنان خود ۵۰ لاشه گاو از کشتارگاه خریداری نموده است، پس از آزمایش، بیماری جنون گاوها محرز شده است. اگر این معامله قابل فسخ باشد، خریدار تحت چه عنوانی حق فسخ معامله را دارد؟ (سراسری ۸۸)

- (۱) خيار عيب - خيار غبن (۲) خيار حيوان، خيار عيب - خيار شرط
(۳) خيار حيوان - خيار تخلف شرط (۴) خيار عيب - خيار تخلف وصف

(سراسری ۸۸)

۳۶- کدام خيار ممکن است قابل توارث نباشد؟

- (۱) شرط (۲) غبن (۳) رؤیت (۴) مجلس

(سراسری ۸۹)

۳۷- با درج کدام شرط، عقد باطل است؟

- (۱) منع مطلق مستأجر از استیفای منفعت (۲) ضمان مطلق مستأجر حتی بدون ارتکاب تقصیر
(۳) سقوط ضمان عهده در عقد بيع (۴) سقوط ضمان درک در عقد بيع

۳۸- شخصی پس از خرید یک کامیون عیبی را در آن می‌یابد، با وجود این کامیون را به دیگری انتقال می‌دهد. در این وضعیت حق فسخ... (سراسری ۸۹)

- (۱) ساقط می‌شود. (۲) به خریدار دوم منتقل می‌شود.
(۳) همچنان در اختیار خریدار اول باقی می‌ماند. (۴) در اختیار خریدار اول است، مگر این که صراحتاً آن را به خریدار دوم منتقل نماید.

۳۹- اگر مشتری مبیع را به ثالث بفروشد و بيع اول فسخ شود، تکلیف بيع دوم چیست؟ (سراسری ۸۹)

- (۱) باطل است. (۲) صحیح است.
(۳) اصولاً صحیح است، مگر این که صراحتاً آن را به خریدار دوم منتقل نماید. (۴) اصولاً باطل است، مگر این که صراحتاً اجازه داده شد باشد.

۴۰- در ضمن قرارداد بيع خانه‌ای شرط می‌شود که خریدار خودرو خارجی نوع خاصی را وارد کرده و به فروشنده هبه کند. یک هفته پس از انعقاد عقد، واردات خودرو به کشور قانوناً ممنوع می‌شود، تکلیف شرط و عقد چیست؟ (سراسری ۸۹)

- (۱) عقد صحیح و شرط باطل است. (۲) عقد و شرط هر دو باطل است.
(۳) مشروطه‌له حق فسخ قرارداد اصلی را دارد. (۴) عقد و شرط هر دو صحیح هستند و مشروط‌علیه ملزم به تأدیه قیمت خودرو خارجی است.

۴۱- در صورتی که زمان اجرای تعهد قید بقای تعهد باشد و متعهد علی‌رغم سررسید مهلت، از انجام تعهد خودداری کند، تکلیف چیست؟ (سراسری ۸۹)

- (۱) متعهدله حق فسخ را دارد. (۲) متعهدله می‌تواند اجبار متعهد را از دادگاه مطالبه کند.
(۳) عقد باقی است و متعهدله می‌تواند خسارت تأخیر تأدیه را مطالبه کند. (۴) عقد منحل شده محسوب است و متعهدله می‌تواند خسارت عدم انجام تعهد را مطالبه کند.



ک ۴۲- در کدام وضعیت، خيار غبن منتفی است؟

(سراسری ۹۰)

- (۱) قرارداد مغایه‌ای باشد.
- (۲) موضوع قرارداد کلی در ذمه باشد.
- (۳) مغبون از قیمت عادلانه آگاه باشد.
- (۴) مغبون کننده تفاوت قیمت را بپردازد.

ک ۴۳- کدام مورد در خصوص خيار تأخير ثمن، نادرست است؟

(سراسری ۹۰)

- (۱) در صورتی که مبيع کلی در ذمه باشد، خيار تأخير ثمن محقق نمی‌شود.
- (۲) معرفی ضامن برای ثمن توسط خریدار سبب سقوط خيار است.
- (۳) استفاده فروشنده از حق حبس سبب سقوط خيار است.
- (۴) با تأخير در تسليم مبيع از سوی فروشنده برای مشتری خيار تأخير محقق نمی‌شود.

ک ۴۴- کدام مورد در خصوص خيار مجلس در معامله فضولی، صحيح است؟

(سراسری ۹۰)

- (۱) در عقد فضولی خيار مجلس منتفی است.
- (۲) فضول حق خيار و اعمال آن را دارد.
- (۳) مالک با حضور در مجلس عقد و تنفيذ معامله فضولی حق خيار مجلس دارد.
- (۴) تنها اصیل حق خيار مجلس دارد و مالک و فضول حق خيار ندارند.

ک ۴۵- کدام مورد در خصوص «شرط فاسخ»، صحيح است؟

(سراسری ۹۰)

- (۱) همان خيار شرط است.
- (۲) همان شرط تعلیقي است.
- (۳) تعلیق انفساخ عقد به یک حادثه احتمالی است.
- (۴) شرطی است که عملاً به فسخ عقد منتهی شده باشد.

ک ۴۶- اگر در بيع عین کلی، آن چه که تحویل مشتری شده با اوصاف مقرر میان طرفین معامله متفاوت باشد:

(آزاد ۹۰)

- (۱) مشتری حق الزام به اجرای عین تعهد دارد.
- (۲) مشتری حق دریافت خسارت دارد.
- (۳) مشتری حق الزام به اجرای اجباری تعهد و دریافت خسارت دارد.
- (۴) عقد توسط مشتری قابل فسخ است.

ک ۴۷- کدام یک از خيارات زیر با اراده طرفین قرارداد ایجاد می‌شود؟

(آزاد ۹۰)

- (۱) خيار تأخير ثمن
- (۲) خيار تبعض صفقه
- (۳) خيار عیب
- (۴) خيار شرط

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکور فصل هفتم

۱- **گزینه «۴»** مطابق ماده ۴۲۲ قانون مدنی، «اگر بعد از معامله ظاهر شود که مبيع معیوب بوده، مشتری مختار است در قبول مبيع معیوب یا اخذ ارش یا فسخ معامله» تشخیص عیب برحسب عرف و عادت بوده و برحسب زمان و مکان متفاوت است. ارش در اصطلاح مدنی عبارتست از تفاوت قیمت صحیح و معیوب روز تقویم مال مورد معامله، گاه آن را ارش عیب نیز می‌گویند. مطابق قسمت اخیر ماده ۴۲۷ قانون مدنی، اگر قیمت مبيع در حال بی‌عیبی کمتر یا زیادت از ثمن معامله باشد نسبت بین قیمت مبيع در حال معیوبی و قیمت آن در حال بی‌عیبی معین شده و باید از ثمن مقرر به همان نسبت نگاه داشته و بقیه را به عنوان ارش به مشتری رد کند.

۲- **گزینه «۴»** برابر قواعد عمومی تعهدات و با استناد به ماده ۴۸۲ قانون مدنی، متعهدله می‌تواند الزام متعهد را به تحویل فرد دیگری از موضوع تعهد درخواست نماید و حق فسخ معامله را ندارد.

۳- **گزینه «۲»** اشتباه در خود موضوع معامله، مطابق ماده ۲۰۰ قانون مدنی، موجب بطلان عقد می‌شود.

۴- **گزینه «۳»** قانون مدنی ایران، مطابق ماده ۲۳۴، اقسام شروط صحیحه را به شرح ذیل احصا نموده است:

- الف - شرط صفت ب - شرط نتیجه ج - شرط فعل اثباتاً یا نفیاً
- شرط صفت عبارتست از شرط راجع به کیفیت یا کمیت مورد معامله.
- شرط نتیجه آن است که تحقق امری در خارج شرط شود.
- شرط فعل آن است که اقدام یا عدم اقدام به فعل بر یکی از متعاملین یا بر شخص خارج شرط شود.

۵- گزینه «۱» شرط در اصطلاح عبارت است از هر امری که وجود آن برای تحقق امر دیگر لازم و ضروری باشد و در تعریف آن نیز گفته شده است: الشرط ما يلزم من عدمه العدم و لا يلزم من وجوده الوجود یعنی شرط چیزی است که اگر نباشد مشروط به وجود نمی‌آید. ماده ۲۳۲ قانون مدنی اعلام می‌دارد: شروط مفصله ذیل باطل است، ولی مفسد عقد نیست: (۱) شرطی که انجام آن غیرمقدور باشد (۲) شرطی که در آن نفع و فایده نباشد. (۳) شرطی که نامشروع باشد.

در واقع شروط مطروحه در ماده قانونی مذکور، هیچ‌گونه تأثیری در وضعیت عقدی که ضمن آن آورده شده ندارند؛ زیرا نسبت به عقد اصلی یک تعهد فرعی محسوب می‌شوند. در فرض پرسش نیز چون انجام شرط امکان‌پذیر نیست، نمی‌تواند موضوع یک تعهد باشد. لذا مطابق ماده ۲۴۰ قانون مدنی، اگر بعد از عقد انجام شرط ممتنع شود یا معلوم شود که حین‌العقد ممتنع بوده است، کسی که شرط به نفع او شده است، اختیار فسخ معامله را خواهد داشت

۶- گزینه «۳» تدلیس، مطابق ماده ۴۳۸ قانون مدنی عبارت است از: عملیاتی که موجب فریب طرف معامله شود. منظور از عملیات فریب‌دهنده نیز عملیاتی است که باید پیش از معامله صورت پذیرد تا رغبت به انجام معامله را افزایش دهد. مطابق ماده ۲۰۱ قانون مذکور، «اشتباه در شخص طرف در صحت معامله خللی وارد نمی‌آورد، مگر در مواردی که شخصیت طرف علت عمده عقد بوده باشد». اشتباه در شخصیت طرف معامله از نظر ضمانت اجرا تابع اشتباه در خود موضوع معامله است و هرگاه تدلیس سبب ایجاد اشتباه مؤثر در عقد شود، موجب بطلان یا عدم نفوذ عقد است خواه فریب ناشی از طرف قرارداد باشد یا بیگانه ... با توجه به مطالب پیش‌گفته، گزینه‌های ۱ و ۲ و ۴ صحیح نبوده و هر چند گزینه «۳» نیز بیان‌گر اصل موضوع نیست، لیکن صحیح به نظر می‌رسد.

۷- گزینه «۲» «اشتباه» در تعریف، تصور خلاف واقعی از چیزی را گویند. ماده ۲۰۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: اشتباه وقتی موجب عدم نفوذ معامله است که مربوط به خود موضوع معامله باشد. مثلاً فروشنده کتاب را به جای دفتر می‌فروشد. در واقع مجموعه اوصافی است که در عرف وصف اساسی مورد معامله تلقی می‌گردد. همچنین وفق ماده ۴۱۶ همین قانون، در صورت غبن فاحش در معامله، هر یک از متعاملین می‌تواند پس از علم به غبن معامله را فسخ کند. ضمن این‌که اشتباه در وصف اساسی که انگیزه اصلی عهد بستن است، در حکم اشتباه در هویت مادی و معنوی است و باعث بطلان عقد می‌شود.

۸- گزینه «۲» مطابق ماده ۴۲۳ قانون مدنی، «اگر بعد از معامله ظاهر شود که مبیع معیوب بوده مشتری مختار است در قبول مبیع معیوب یا اخذ ازش یا فسخ معامله». ارش در اصطلاح حقوق مدنی تفاوت قیمت صحیح و معیوب مال مورد معامله را می‌گویند که توسط اهل خبره معین می‌شود. وفق ماده ۴۳۲ قانون مدنی، در صورتی که در یک عقد بایع یک نفر و مشتری متعدد باشد و در مبیع عیبی ظاهر شود، یکی از مشتری‌ها نمی‌تواند سهم خود را به تنهایی رد کند و دیگری سهم خود را نگاه دارد، مگر با رضای بایع و بنابراین اگر در رد مبیع اتفاق نکردند، فقط هر یک از آن‌ها حق ازش خواهد گرفت.

۹- گزینه «۳» مطابق ماده ۴۲۲ قانون مدنی، «اگر بعد از معامله ظاهر شود که مبیع معیوب بوده، مشتری مختار است در قبول مبیع معیوب یا اخذ ازش یا فسخ معامله». در واقع ارش، تفاوت قیمت صحیح و معیوب مورد معامله را گویند که برابر ماده ۴۲۷ قانون یاد شده توسط اهل خبره یا کارشناس معین می‌شود و معیار تعیین قیمت مبیع سالم و معیوب زمان عقد است، لیکن اگر عیب بعد از عقد و پیش از قبض، یا زمان خیار مختص مشتری عارض شود، ملاک تعیین ارش، قیمت زمان حدوث عیب است.

۱۰- گزینه «۲» مال‌دار بودن ضامن مبنای تراضی دو طرف و از شروط تبانی است. و تخلف از آن به مشروط‌اله اختیار فسخ می‌دهد. پس، مبنای فسخ، خیار تخلف از شروط است. حال اگر ضامن پیش از اعمال خیار مذکور تمکن مالی پیدا کند، زوال خیار ترجیح دارد.

۱۱- گزینه «۳» گاهی مجهول بودن مورد شرط به مورد معامله نیز سرایت می‌کند و آن را نیز مجهول می‌گرداند. این شرط عقد را نیز باطل می‌کند مانند آن که ضمن فروش یک قطعه زمین ۳۰۰۰ متری، به نفع فروشنده شرط شود که پس از ساختن خانه‌هایی در قطعات زمین یاد شده توسط خریدار، یکی از خانه‌ها به فروشنده آن هم با انتخاب خود مالک و تملک نماید. مورد شرط باعث بطلان عقد می‌گردد. زیرا این شرط از جمله شروطی است که مورد آن مجهول است و به معامله نیز سرایت می‌کند. به همین دلیل هم از جمله شرایطی است که نه تنها باطل است، بلکه موجب بطلان عقد نیز می‌شود و مطابق ماده ۲۳۳ قانون مدنی، شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین می‌گردد، از شروط مفصله‌ای است که خود باطل بوده و موجب بطلان عقد می‌شود.

۱۲- گزینه «۱» مطابق ماده ۳۵۵ قانون مدنی «اگر ملکی به شرط داشتن مساحت معین فروخته شده باشد و بعد معلوم شود که کمتر از آن مقدار است، مشتری حق فسخ معامله را خواهد داشت. اگر معلوم شود که بیشتر است، بایع می‌تواند آن را فسخ کند، مگر این‌که در هر دو صورت، طرفین به محاسبه زیاده یا نقیصه تراضی نمایند. این ماده قانونی از مصادیق ماده ۲۳۵ قانون مدنی است و در خصوص اشتباه در وصف کمی معامله است، ضمن این‌که خیار یاد شده نیز، خیار تخلف از وصف است»



۱۳- گزینه «۳» همان گونه که در ماده ۱۸۸ قانون مدنی نیز آمده است: «عقد خیاری آن است که برای طرفین یا یکی از آن‌ها یا برای ثالثی اختیار فسخ باشد.» ماده ۳۶۹ از همین قانون اقسام خیارات را برشمرده، ۴ گزینه یاد شده نیز در این اقسام موجود می‌باشند و تعریف و شرایط آنان نیز از ماده ۳۹۷ تا ۴۵۷ قانون مزبور ذکر شده است. مطابق ماده ۴۱۴ قانون مدنی، «در بیع کلی خیاری نیست و باید جنسی بدهد که مطابق با اوصاف مقرر بین طرفین باشد.» بدین معنا که کسی مالی را ندیده و فقط به وصف می‌خرد... با توجه به مراتب مورد اشاره و به ویژه ماده اخیرالذکر، گزینه «۳» صحیح است.

۱۴- گزینه «۳» مطابق ماده ۴۱۶ قانون مدنی، هر یک از متعاملین که در معامله غبن فاحش داشته باشد، بعد از علم به غبن می‌تواند معامله را فسخ کند. غبن در صورتی فاحش است که عرفاً قابل مسامحه نباشد و مدعی غبن ملزم به اثبات فاحش بودن غبن است. وفق ماده ۴۲۱ از همین قانون، «اگر کسی که طرف خود را مغبون کرده است تفاوت قیمت را بدهد، خیاری فسخ ساقط نمی‌شود، مگر این که مغبون به اخذ تفاوت قیمت راضی گردد.» مبنای این ماده استصحاب بقای خیاری است و مفاد حکم نیز با گزینه «۳» تناسب داشته و از این حیث صحیح می‌باشد.

۱۵- گزینه «۴» مطابق ماده ۴۵۶ قانون مدنی، تمام انواع خیاری در جمیع معاملات لازمه ممکن است موجود باشد مگر خیاری مجلس، حیوان و تأخیر ثمن که مخصوص بیع است. خیاری مجلس، هنگامی موضوعیت دارد که هر یک از متبایعین بعد از عقد فی‌المجلس و مادام که متفرق نشده‌اند می‌توانند معامله را فسخ کنند. خیاری حیوان نیز هنگامی صورت می‌پذیرد که مبیع حیوان باشد و مشتری تا سه روز از حین عقد اختیار فسخ معامله را دارد. ضمن این که هرگاه مبیع عین خارجی و یا در حکم آن بوده و برای تأدیه ثمن یا تسلیم مبیع بین متبایعین اجلی معین نشده باشد، اگر سه روز از تاریخ بیع بگذرد و در این مدت نه بایع مبیع را تسلیم مشتری نماید و نه مشتری تمام ثمن را به بایع بدهد، بایع مختار در فسخ معامله می‌شود. با توجه به این که خیارات مطروحه در فرض پرسش مختص بیع بوده و در اجاره موضوعیت ندارند.

۱۶- گزینه «۱» دادن ضامن در حکم پرداخت است، مشروط بر این که بدون قید و شرط و مفید نقل ذمه باشد. ضمان تضامنی در حکم وثیقه است و باعث سقوط خیاری فروشنده نمی‌شود. ماده ۴۰۸ قانون مدنی در این خصوص می‌گوید: «اگر مشتری برای ثمن ضامن بدهد یا بایع ثمن را حواله دهد، پس از تحقق حواله، خیاری تأخیر ساقط می‌شود.»

۱۷- گزینه «۲» مطابق ماده ۴۲۷ قانون مدنی اگر در مورد ظهور عیب مشتری اختیار ارش کند، تفاوتی که باید به او داده شود به طرق ذیل معین می‌گردد: قیمت حقیقی مبیع در حال بی‌عیبی و قیمت حقیقی آن در حال معیوبی به توسط اهل خبره معین می‌شود... معیار تعیین قیمت مبیع سالم و معیوب، زمان عقد است.

۱۸- گزینه «۱» ماده ۲۳۷ قانون مدنی اعلام می‌دارد: هرگاه شرط در ضمن عقد شرط فعل باشد اثباتاً یا نفیاً، کسی که ملتزم به انجام شرط شده است باید آن را به جا آورد و در صورت تخلف می‌تواند به حاکم رجوع نموده تقاضای اجبار به وفای شرط نماید. «لیکن هرگاه در ضمن عقد انجام فعلی شرط شود و اجبار ملتزم به انجام آن نیز غیرمقدور ولی انجام آن به وسیله شخص دیگری مقدور باشد، حاکم می‌تواند به خرج ملتزم موجبات انجام آن فعل را فراهم کند و ماده ۲۳۸ قانون مدنی نیز بر آن تأکید دارد.

۱۹- گزینه «۳» فرض پرسش موردی را بیان می‌کند که یک کالا به چند نفر فروخته شود و خریداران متعدد باشند. ماده ۴۳۲ قانون مدنی اظهار می‌دارد: در صورتی که در یک عقد بایع یک نفر و مشتری متعدد باشد و در مبیع عیبی ظاهر شود یکی از مشتری‌ها نمی‌تواند سهم خود را به تنهایی رد کند و دیگری سهم خود را نگاه دارد، مگر با رضای بایع و بنابراین اگر در رد مبیع اتفاق نکردند، فقط هر یک از آن‌ها حق ارش خواهد داشت. و در صورتی که خریداران به رد مبیع تراضی نکنند، فقط حق ارش خواهند داشت.

۲۰- گزینه «۱» خیاری تبعض صفقه وقتی حاصل می‌شود که عقد بیع نسبت به بعض مبیع به جهتی از جهات باطل باشد در این صورت مشتری حق خواهد داشت بیع را فسخ نماید یا به نسبت قسمتی که بیع واقع شده است قبول کند و نسبت به قسمتی که بیع باطل بوده است، ثمن را استرداد نماید. این خیاری در صورتی قابل اجرا است که بخش تلف شده قابل تجزیه و انتقال جداگانه باشد و در برابر قسمتی از ثمن قرار گیرد و وصف صحت به تنهایی چنین نیست. ماده ۴۴۲ قانون مدنی، محاسبه‌ی ثمن بخش باطل را به طریق ذیل قابل محاسبه می‌داند: آن قسمت از مبیع که به ملکیت مشتری قرار گرفته منفرداً قیمت می‌شود و هر نسبتی که بین قیمت مزبور و قیمتی که مجموع مبیع در حال اجتماع دارد پیدا شود، به همان نسبت از ثمن را بایع نگاه داشته و بقیه را باید به مشتری رد نماید.

۲۱- گزینه «۳» مطابق ماده ۴۶۰ قانون مدنی، «در بیع شرط مشتری نمی‌تواند در مبیع تصرفاتی که منافای خیار باشد از قبیل نقل و انتقال و ... انجام دهد.» این‌گونه تصرفات منافای خیار بایع موجب عدم نفوذ معامله است و موکول به تنفیذ بایع می‌باشد و تا زمانی که بایع معامله را تنفیذ نکند معامله صحیح نخواهد بود.

۲۲- گزینه «۴» با توجه به این که بیع به صورت مشاعی $\frac{1}{3}$ بوده و سهم خریدار معین نگردیده است و خریدار فروشنده در ذره‌ذره مال سهم مشاعی داشته‌اند، لذا $\frac{2}{3}$ تلف شده نیز از مال آن دو خارج می‌گردد. با توجه به این توضیحات، $\frac{1}{3}$ باقی‌مانده بین آن دو مشترک و به صورت $\frac{1}{3}$ (برای خریدار) و $\frac{2}{3}$ (برای فروشنده) می‌باشد.

۲۳- گزینه «۱» مطابق ماده‌ی ۴۰۲ قانون مدنی، برای تحقق خیار تأخیر ثمن، چهار شرط به شرح زیر لازم است:

- ۱- مبیع عین معین و یا کلی در معین باشد. بنابراین خیار تأخیر ثمن در بیع کلی راه ندارد.
 - ۲- مبیع و ثمن هر دو حال باشند.
 - ۳- سه روز از تاریخ بیع بگذرد.
 - ۴- در این سه روز نه بایع تمام مبیع را تسلیم نماید و نه مشتری تمام ثمن را تأدیه نماید.
- بنابراین تسلیم بعضی از مبیع یا تأدیه بعضی از ثمن، مانع ایجاد خیار نیست.

۲۴- گزینه «۱» منظور از شرط مجهول، شرطی است که مورد آن مجهول باشد مانند این که در عقد بیع شرط شود مشتری ثمن را پس از مراجعت از سفر مکه بدهد. بدیهی است تاریخ مراجعت مجهول است و در نتیجه تاریخ رد ثمن هم مجهول است. بند (۲) ماده ۲۳۳ شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین شود باطل و موجب بطلان عقد ذکر شده است. لیکن در شرط مجهول مشاهده می‌شود که این مجهول بودن به مورد معامله سرایت نمی‌کند، چنین شرطی نه تنها سبب بطلان معامله نیست، بلکه خود نیز باطل نبوده و از صحت و اعتبار حقوقی برخوردار است. البته بایستی توجه شود که در این خصوص اختلاف نظر وجود دارد.

۲۵- گزینه‌های ۲ و ۳ و ۴ از آن دسته مواردی هستند که به صورت قهری و بدون این که اراده طرفین در آن دخیل شود موجب انفساخ قرارداد می‌گردند، بدین معنا که موجب انحلال قهری عقد می‌گردند مانند: تلف مبیع پیش از قبض که خود به خود باعث انحلال عقد بیع می‌شود و ماده ۳۸۷ قانون مدنی نیز به آن اشاره دارد. اما (اقاله) یا گزینه «۱» جزء مواردی است که با رضایت طرفین ایجاد می‌شود و قهر و غلبه در آن دخیل نمی‌شود.

۲۶- گزینه «۱» قبول پیشنهاد یا ایجاب در صورتی به توافق خواهد رسید که مطلق باشد و پیشنهاد طرف «ایجاب» چنان که هست پذیرفته شود یا رد شود و هرگاه شرایط دیگری تعیین شود، ایجاب جدیدی خواهد بود که نیاز به قبول دارد.

۲۷- گزینه «۱» عین خارجی در اصطلاح مدنی، عبارت است از عین موجود در خارج و در مقابل عین کلی قرار دارد مانند ۱۰۰ کیلو گندم در ذمه. در فرض پرسش، اگر عین خارجی مانند اتومبیل فاقد وصف شرط شده در قرارداد باشد، به دلیل خیار تخلف وصف، مشروطه اختیار حق فسخ معامله را خواهد داشت، لیکن در فرض پرسش مابین علمای حقوق اختلاف نظر است و نظر مشهور حق فسخ برای مشروطه است.

۲۸- گزینه «۳» وفق ماده ۲۴۶ قانون مدنی، «در صورتی که معامله به واسطه اقاله یا فسخ به هم بخورد، شرطی که در ضمن آن شده است باطل می‌شود و اگر کسی که ملزم به انجام شرط بوده است عمل به شرط کرده باشد، می‌تواند عوض او را از مشروطه بگیرد. همچنین اگر ثابت شود که معامله اصلی باطل بوده است شرط ضمن آن نیز بی‌اثر می‌شود هر چند که به خودی خود تمام شرایط صحت معامله را نیز دارا باشد.» لذا در فرض مسئله، ملتزم در صورت عمل به شرط می‌تواند عوض آن را از مشروطه بگیرد.

۲۹- گزینه «۴» به موجب ماده‌ی ۷۶۱ قانون مدنی: «صلحی که در مورد تنازع یا مبنی به تسامح باشد قاطع بین طرفین است و هیچ یک نمی‌تواند آن را فسخ کند، اگرچه به ادعای غبن باشد، مگر در صورت تخلف شرط یا اشتراط خیار.»

۳۰- گزینه «۱» مطابق ماده‌ی ۴۲۰ قانون مدنی: «خیار غبن بعد از علم به غبن فوری است.» مطابق مواد ۴۳۵ و ۴۴۰ قانون مدنی نیز خیار عیب و تدلیس فوری می‌باشد.

۳۱- گزینه «۲» به استناد ماده‌ی ۴۴۱ قانون مدنی.

«خیار تبعض صفقه وقتی حاصل می‌شود که عقد بیع نسبت به بعضی مبیع به جهتی از جهات باطل باشد، در این صورت مشتری حق خواهد داشت بیع را فسخ نماید یا به نسبت قسمتی که بیع واقع شده است قبول کند و نسبت به قسمتی که بیع باطل بوده است ثمن را استرداد کند.» ایراد گزینه‌ی یک آن است که این گزینه جایی مصداق دارد که نتیجه‌ی عقد چیزی غیر از مقصود طرفین باشد، مانند اشتباه در خود موضع معامله و شخص طرف معامله به هنگامی که شخصیت او علت عمده‌ی عقد است.



۳۲- گزینه «۱» بر طبق ماده‌ی ۴۴۱ قانون مدنی: «خیار تبعض صفقه وقتی حاصل می‌شود که عقد بیع نسبت به بعض مبیع به جهتی از جهات باطل باشد، در این صورت مشتری حق خواهد داشت بیع را فسخ نماید یا به نسبت قسمتی که بیع واقع شده است قبول کند و نسبت به قسمتی که بیع باطل بوده است، ثمن را استرداد کند.» همچنین به موجب حاشیه ۲ ماده ۳۸۴ قانون مدنی: «خیار مشتری در مورد کم آمدن مبیع از باب تبعض صفقه است»

۳۳- گزینه «۱» مطابق ماده ۷۸۸ قانون مدنی، «به موت راهن یا مرتهن رهن منفسخ نمی‌شود.» و در سایر موارد مطروحه در پرسش، عقد مربوطه منفسخ می‌شود. لذا با عنایت به نص صریح قانونی گزینه «۱» صحیح است.

۳۴- گزینه «۳» مطابق ماده ۴۵۱ قانون مدنی «تصرفاتی که نوعاً کاشف از به هم زدن معامله باشد، فسخ فعلی است.» مثلاً اگر کسی خانه خود را صلح خیری کند و در مدت خیار آن را به دیگری بفروشد، این اقدام حاکی از فسخ عملی است.

۳۵- گزینه «۴» مطابق ماده ۳۹۸ قانون مدنی، «اگر مبیع حیوان باشد مشتری تا سه روز از حین عقد اختیار فسخ معامله را دارد.» خیار حیوان در بیع یاد شده به صورت زنده ایجاد می‌شود نه مرده، ضمن این‌که در فرض پرسش ۵ گاو مورد معامله به صورت لاشه بوده و زنده نبوده‌اند تا مشمول این خیار و حق مربوطه شوند. از آن جایی که سالم بودن مبیع یکی از اوصاف آن می‌باشد، لذا در صورتی که مورد معامله غیر اوصافی که ذکر شده باشد، خریدار می‌تواند معامله را فسخ کند.

۳۶- گزینه «۱» مطابق ماده ۴۴۵ قانون مدنی، هر یک از اختیارات بعد از فوت منتقل به وراثت می‌شود. لیکن، خیار شرط به قید مباشرت و اختصاص به شخص مشروط‌له به وراثت منتقل نخواهد شد و ماده ۴۴۶ قانون یاد شده هم بر این امر دلالت دارد.

۳۷- گزینه «۱» مطابق ماده ۴۶۶ قانون مدنی، مقتضای ذات عقد اجاره تملیک منافع عین مستأجره به مستأجر از سوی موجر است. لذا کسی که مالی را به اجاره می‌دهد، در ضمن ملتزم می‌شود که آن مال را در اختیار مستأجر قرار دهد؛ زیرا لازمه تسلط او بر انتفاع است. به همین دلیل موجر باید عین مستأجره را در حالتی تسلیم کند که مستأجر بتواند استفاده مطلوب از آن را بکند و معطل ماندن انتفاع، عقیم ماندن هدف از انتفاع و مواردی از این قبیل اجاره را باطل می‌سازد.

۳۸- گزینه «۱» بنا به تصریح بند یک ماده ۴۲۹ قانون مدنی، «در صورت تلف شدن مبیع نزد مشتری یا منتقل کردن آن به غیر، مشتری نمی‌تواند بیع را فسخ کند و فقط می‌تواند ارزش بگیرد...»

۳۹- گزینه «۳» مطابق ماده ۴۵۵ قانون مدنی، «اگر پس از عقد بیع، مشتری تمام یا قسمتی از مبیع را متعلق حق غیر قرار دهد مثل این‌که نزد کسی رهن گذارد، فسخ معامله موجب زوال حق شخص مزبور نخواهد شد، مگر این‌که شرط خلاف شده باشد.»

۴۰- گزینه «۳» وفق ماده ۲۴۰ قانون مدنی، «اگر بعد از عقد انجام شرط ممتنع شود یا معلوم شود که حین العقد ممتنع بوده است، کسی که شرط به نفع او شده است، اختیار فسخ معامله را خواهد داشت، مگر این‌که امتناع مستند به فعل مشروط‌له باشد.»

۴۱- گزینه «۴» برابر ماده ۲۳۷ قانون مدنی، «هرگاه شرط در ضمن عقد، شرط فعل باشد، نفیاً یا اثباتاً، کسی که ملتزم به انجام شرط شده است، باید آن را به جا بیاورد و در صورت تخلف، طرف معامله می‌تواند به حاکم رجوع نموده تقاضای اجبار به وفای شرط بنماید.» به نظر می‌رسد با توجه به آن‌که قرارداد موصوف از نوع وحدت مطلوب بوده، لذا با منتفی شدن موضوع قرارداد، متعهدله می‌تواند مطالبه خسارت نماید.

۴۲- گزینه «۳» ماده ۴۱۸ قانون مدنی: مقرر می‌دارد: «اگر مغبون در حین معامله عالم به قیمت معادله بوده است، خیار فسخ نخواهد داشت.»

۴۳- گزینه «۳» گزینه ۱ درست است به استناد ماده ۴۰۲، گزینه ۲ به استناد ماده ۴۰۸ درست می‌باشد. گزینه ۴ نیز به این دلیل درست می‌باشد که خیار تأخیر ثمن مخصوص بایع می‌باشد. لذا فقط گزینه ۳ نادرست می‌باشد.

۴۴- گزینه «۳» رجوع کنید به قانون مدنی در نظم کنونی ماده ۳۹۷ شماره ۶ «در بیع فضولی، خیار مجلس با مالک است، مشروط بر این‌که در مجلس عقد حاضر باشد.»

۴۵- گزینه «۳» شرط فاسخ عبارت است از این‌که انفساخ عقد منوط به یک حادثه احتمالی شود.

۴۶- گزینه «۱» چون مبیع کلی است و مصادیق آن در عالم خارج به وفور وجود دارد، لذا مشتری صرفاً در وهله‌ی نخست حق الزام به اجرای عین تعهد را دارد؛ لذا گزینه‌ی ۱ صحیح می‌باشد.

۴۷- گزینه «۴» خیار شرط، خیاری است که صرفاً با اراده و توافق طرفین در عقد می‌آید، لذا گزینه‌ی ۴ صحیح می‌باشد.



فصل هشتم

«سقوط تعهدات»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل هشتم

- کله ۱-** اشخاص زیر به عنوان قائم مقام شخص محسوب‌اند:
- (۱) منتقل‌الیه و وارث (۲) متولی و وکیل (۳) ولی، وصی و قیم (۴) هر نماینده قانونی یا قراردادی (سراسری ۷۵)
- کله ۲-** اگر مدیون مالی را در مقام وفای به عهد به طلبکار بدهد و بعد عنوان کند که مال دیگری بوده است، اثبات ادعا چگونه و به عهده کیست؟ (سراسری ۷۸)
- (۱) طلبکار باید مالکیت مدیون را ثابت کند. (۲) بدهکار باید مالکیت غیر را ثابت کند. (۳) بدهکار باید اشتباه و اکراه خود را ثابت کند. (۴) بدهکار باید مالکیت غیر و تصرف نامشروع «تأدیه بدون اذن» را اثبات کند.
- کله ۳-** تعهدی را که برای متعهدله قانوناً حق مطالبه نمی‌باشد، ولی اگر متعهد به میل خود آن را ایفا نماید، دعوی استرداد او مسموع نخواهد بود اصطلاحاً چه می‌نامند؟ تعهد...
- (۱) اخلاقی (۲) حقوقی (۳) طبیعی (۴) مذهبی (سراسری ۷۹)
- کله ۴-** اگر کسی مال خود را که از طرف حاکم توقیف شده، در مقام وفای به عهد بپردازد...
- (۱) چنین وفای به عهد باطل و بلااثر است. (۲) وفای به عهد صحیح است، ولی مدیون باید به جای مال توقیف شده مال دیگری معادل آن را به حاکم تحویل دهد. (۳) وفای به عهد وقتی صحیح است که شخصی که مال را توقیف کرده با آن موافقت کند. (۴) وفای به عهد وقتی صحیح است که شخصی که مال به نفع او توقیف شده رضایت دهد. (سراسری ۷۹)
- کله ۵-** در ارتباط با ابراء کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح نمی‌باشد؟
- (۱) ابراء مخصوص سقوط حقوق دینی است نه عینی. (۲) ابراء یک عمل حقوقی تبعی می‌باشد نه اصلی. (۳) ابراء ذمه یکی از اشخاص که در مورد پرداخت دین مسئولیت تضامنی دارند، موجب ابراء ذمه دیگران نیز خواهد بود. (۴) با توجه به استقلال حقوقی اشخاص و این که شاید مدیون نخواهد رهین منت دائن گردد، برای تحقق یافتن ابراء قبول مدیون لازم است. (سراسری ۷۹)
- کله ۶-** هرگاه مورد معاوضه، قیمی بوده و تلف شود پس از اقاله، قیمت چه زمانی باید پرداخت شود؟ برطبق نظر غالب، قیمت (سراسری ۸۰)
- (۱) زمان اقاله (۲) زمان تلف (۳) زمان انعقاد عقد (۴) زمان مطالبه
- کله ۷-** کدام گزینه در مورد تهاتر صحیح است؟
- (۱) طرفین نمی‌توانند با توافق یکدیگر از وقوع تهاتر جلوگیری نمایند. (۲) با توجه به اصل حاکمیت اراده و فقدان منع صریح قانونی، طرفین می‌توانند با توافق یکدیگر از وقوع تهاتر جلوگیری نمایند. (۳) پس از حصول شرایط تهاتر، طرفین می‌توانند با توافق از وقوع آن جلوگیری نمایند. (۴) فقط در ضمن عقد خارج لازم می‌توانند از وقوع تهاتر جلوگیری نمایند.
- کله ۸-** در صورتی که قرارداد فروش ملکی پس از مدتی اقاله شود، نمآت و منافع ملک در فاصله عقد و اقاله از آن کیست؟ (سراسری ۸۲)
- (۱) نمآت و منافع به خریدار تعلق دارد. (۲) نمآت و منافع به فروشنده تعلق دارد. (۳) تعلق نمآات و منافع به بایع یا مشتری را حکم عرف معین می‌کند. (۴) نمآت و منافع منفصله به خریدار تعلق دارد و منافع متصله به فروشنده.
- کله ۹-** کدام یک از عبارات زیر صحیح است؟ (سراسری ۸۲)
- (۱) هر عقدی را با اقاله می‌توان تفاسخ نمود. (۲) بدون استثنا هر عمل حقوقی را می‌توان اقاله نمود. (۳) فقط قراردادهای جایز را می‌توان با اقاله تفاسخ نمود. (۴) هر عقد لازمی را، می‌توان اقاله کرد، مگر قراردادهایی را که اقاله آن‌ها به دلیل مخالفت با قواعد امری یا تعارض با حقوق اشخاص ثالث و یا طبیعت عقد مانند نکاح و وقف امکان‌پذیر نیست.

۱۰- در صورتی که در یک عقد چند چیز فروخته شود، بدون این که قیمت هر یک معین شده باشد، و بعضی از آن‌ها معیوب درآید، مشتری چه حقی پیدا می‌کند؟

(وکالت ۸۴)

(۱) مشتری می‌تواند ارش بگیرد.

(۲) مشتری می‌تواند تمام بیع را فسخ کند.

(۳) مشتری می‌تواند بیع مال معیوب را فسخ کند.

(۴) مشتری می‌تواند تمام بیع را فسخ کند یا تمام آن را نگاه دارد و ارش بگیرد.

(سراسری ۸۵)

۱۱- برای تحقق ابراء باید،

(۱) مقدار دین معلوم باشد.

(۲) مدیون در قید حیات باشد.

(۳) دائن قصد انشا داشته باشد.

(۴) مدیون اهلیت داشته باشد.

(سراسری ۸۶)

۱۲- اگر کسی مال خود را که توسط دادگاه به نفع کسی توقیف شده است در مقام وفای به عهد به طلبکار بدهد، وفای به عهد.....

(۱) باطل و بی‌اثر است.

(۲) منوط به تنفیذ ذینفع توقیف است.

(۳) صحیح است زیرا توقیف، مالکیت را بی‌اثر نمی‌کند.

(۴) منوط به تنفیذ دادگاهی است که حکم توقیف را صادر کرده است.

(سراسری ۸۶)

۱۳- از نظر قانون مدنی، قوه قاهره حادثه‌ای است ...

(۱) خارجی، ناگهانی و احترازناپذیر

(۲) ناگهانی و احترازناپذیر

(۳) خارجی و احترازناپذیر

(۴) خارجی و ناگهانی

(سراسری ۸۶)

۱۴- کدام سبب موجب انفساخ قرارداد نیست؟

(۱) اقاله

(۲) شرط فاسخ

(۳) فوت و حجر در عقود جایز

(۴) تلف مبیع قبل از قبض

(سراسری ۸۶)

۱۵- اگر مشروط‌علیه، شرط ضمن عقد را انجام داده و قرارداد اصلی اقاله شود.....

(۱) اقاله و شرط هر دو صحیح است. (۲) اقاله و شرط هر دو باطل است. (۳) اقاله صحیح و شرط باطل است. (۴) اقاله باطل و شرط صحیح است.

۱۶- اگر کسی به تصور این که مبلغ مختصری از دیگری طلبکار است، مدیون را به کلی ابراء کند و بعد معلوم شود که میزان طلب او بیش از مقداری است که ابراکنده تصور می‌کرده است، ابراء چه وضعی دارد؟

(آزاد ۸۶)

(۱) ابراء صحیح است.

(۲) ابراء غیرنافذ است.

(۳) ابراء باطل است.

(۴) ابراء فقط تا مبلغی که ابراکنده تصور می‌کرده، صحیح است و نسبت به مازاد بر آن غیرنافذ است.

(آزاد ۸۶)

۱۷- کدام دسته از عقود زیر را می‌توان اقاله کرد.

(۱) رهن - بیع صرف - نکاح

(۲) معاوضه - شرکت - ضمان

(۳) اجاره - قرض - هبه

(۴) مضاربه - صلح - وقف

(وکالت ۸۶)

۱۸- در تبدیل تعهد، تضمینات دین سابق:

(۱) به دین جدید تعلق می‌گیرد.

(۲) به دین جدید تعلق می‌گیرد، مگر این که شرط خلاف شده باشد.

(۳) به دین جدید تعلق نمی‌گیرد مگر این که شرط خلاف شده باشد.

(۴) هیچ کدام

(سراسری ۸۸)

۱۹- در صورتی که انجام تعهد به قید مباشرت متعهد باشد، انجام تعهد توسط سایر اشخاص....

(۱) در صورت انحصار و امتناع متعهد بلامانع است.

(۲) در صورت تعذر توسط متعهد بلامانع است.

(۳) با حکم دادگاه بلامانع است.

(۴) ممکن نیست.

۲۰- ملکی در قبال یکصد میلیون ریال به مدت یک سال به اجاره داده شده است. موجر، مستأجر را از پرداخت اجرت یک ساله ابراء نموده است و سپس طرفین تصمیم به اقاله اجاره دارند. پس از اقاله...

(سراسری ۸۸)

(۱) موجر نباید چیزی به مستأجر بدهد.

(۲) موجر باید یک صد میلیون ریال به مستأجر بپردازد.

(۳) موجر باید به نسبت ایام تصرف از اجرت به مستأجر بپردازد.

(۴) موجر باید به نسبت ایام باقی مانده از اجرت به مستأجر بپردازد.

(سراسری ۸۸)

۲۱- موضوع اقاله ...

(۱) عقد است.

(۲) از بین بردن دین است.

(۳) تعهدی است که باید اجرا شود.

(۴) دینی است که باید پرداخت شود.

(آزاد ۸۸)

۲۲- در خصوص مقایسه ماهیت حقوقی «فسخ» با ماهیت حقوقی «رجوع» کدام یک از گزینه‌های ذیل درست است؟

(۱) رجوع قائم به شخص است، ولی فسخ به ارث می‌رسد.

(۲) رجوع از حیث امکان و جایگاه تحقق، اعم از فسخ است.

(۳) رجوع ناظر به استرداد مال موضوع قرارداد است، ولی فسخ ناظر به انحلال اصل عقد.

(۴) همه موارد

ک ۲۳- انفساخ عقد به موت و جنون احد طرفین:

(آزاد ۸۸)

- (۱) قاعده کلی در کلیه عقود جایز است.
 (۲) منحصرأ در عقود جایز اذنی جریان دارد.
 (۳) ممکن است در عقود لازم هم رخ بدهد.
 (۴) قاعده کلی در عقود جایز تملیکی است.

ک ۲۴- در خصوص وقوع تهاتر، کدام یک از گزینه‌های زیر ضرورت دارد؟

(آزاد ۸۸)

- (۱) اهلیت طرفین
 (۲) قصد و رضای طرفین
 (۳) مشروعیت جهت
 (۴) هیچ کدام

ک ۲۵- در خصوص مقایسه «ابراء» با «هبة طلب به مدیون» کدام یک از گزینه‌های ذیل صحیح است؟

(آزاد ۸۸)

- (۱) ابراء محتاج رضای مدیون نیست، برعکس هبة طلب به مدیون.
 (۲) ابراء مستقیماً اسقاط ما فی الذمه است.
 (۳) هبة دین به مدیون آن، موجب حصول مالکیت ما فی الذمه می‌شود.
 (۴) همه موارد

ک ۲۶- پدری از فرزند خود که تنها وارث اوست مبلغ ده میلیون تومان طلبکار و به ثالثی مبلغ ده میلیون تومان بدهکار است. پدر بدون هیچ مالی فوت نموده است، تکلیف چیست؟

(سراسری ۸۹)

- (۱) دین فرزند به تهاتر ساقط است.
 (۲) دین فرزند به مالکیت مافی الذمه ساقط است.
 (۳) فرزند در حدود دین خود ملزم به تأدیه دین پدر است.
 (۴) طلب ثالث مشمول تعهد طبیعی است.

ک ۲۷- کدام یک از موارد زیر، جزء شرایط تهاتر نیست.

(آزاد ۹۰)

- (۱) وحدت موضوع دو دین
 (۲) وحدت سبب دو دین
 (۳) وحدت زمان تأدیه
 (۴) وحدت مکان تأدیه

ک ۲۸- در صورتی عقد به علت تفاسخ به هم می‌خورد که:

(وکالت ۹۰)

- (۱) عوضین موجود باشند.
 (۲) تغییری در عوضین داده نشده باشد.
 (۳) یکی از جهات قانونی برای فسخ وجود داشته باشد.
 (۴) عوضین موجود باشند و اگر تلف هم شده باشند، مثل یا قیمت آن تأدیه می‌شود.

ک ۲۹- اگر عقد به علت اقاله یا فسخ به هم بخورد:

(وکالت ۹۰)

- (۱) شرطی که ضمن آن شده، منفسخ می‌شود.
 (۲) شرطی که ضمن آن شده، باطل می‌شود.
 (۳) شرطی که ضمن آن شده نیز اقاله یا فسخ می‌شود.
 (۴) اگر به شرط عمل نشده باشد، شرط باطل می‌شود و آلا اثری ندارد.

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل هشتم

۱- گزینه «۱» قائم مقام، کسی است که به جانشینی از دیگری حقوق و تکالیفی پیدا می‌کند خواه برای اجرای هدف او کار کند مانند نماینده تجاری موضوع مواد ۳۹۵ تا ۴۰۱ قانون تجارت یا، برای اجرای هدف خود مانند وارث نسبت به ترکه و خریدار نسبت به مبیع پس از بیع. قائم مقامی بر دو نوع است: (۱) خاص، مانند کسی که به او مال معینی منتقل شده باشد، مشتری نسبت به بایع در مورد مبیع از این قسم است و (۲) عام، کسی که دارایی دیگری یا قسمت مُشاعی از آن به وی منتقل شده باشد مانند: ورثه نسبت به مورث در مورد ترکه.

۲- گزینه «۲» مطابق ماده ۲۶۴ قانون مدنی، شایع‌ترین اسباب سقوط تعهدات، وفای به عهد است. زیرا، به این سبب مورد تعهد توسط متعهد انجام می‌شود. وفای به عهد در صورتی که مستلزم انتقال مالکیت یا حقی برای دائن «طلبکار» یا متعهدله باشد، ایقاع یک عمل حقوقی یک طرفه محسوب می‌شود، لیکن اگر مستلزم انتقال مالکیت یا حقی نباشد، صرفاً یک عمل قضایی است. ماده ۲۷۱ قانون مدنی در خصوص ایفای تعهد اعلام می‌دارد: «دین باید به شخص دائن یا به کسی که از طرف او وکالت دارد تأدیه شود یا به کسی که قانوناً حق قبض دارد.» حال اگر مدیون مالی را در مقام ایفای تعهد به طلبکار بپردازد و بعد عنوان کند مال دیگری بوده است، تکلیف چیست؟ مطابق ماده ۲۷۰ از قانون یاد شده، اگر متعهد در مقام وفای به عهد مالی تأدیه کند، دیگر نمی‌تواند به عنوان این که در حین تأدیه مالک آن نبوده استرداد آن را از متعهدله بخواهد، مگر این که ثابت کند که مال غیر و با مجوز قانونی در ید او بوده، بدون این که اذن در تأدیه داشته باشد و بدهکار باید مالکیت غیر را ثابت نماید.

۳- گزینه «۳» ماده ۲۶۶ قانون مدنی اعلام می‌دارد: «در مورد تعهداتی که برای متعهدله قانوناً حق مطالبه نمی‌باشد، اگر متعهد به میل خود آن را ایفا نماید، دعوی استرداد او مسموع نخواهد بود.» این گونه تعهدات را در اصطلاح تعهد طبیعی می‌گویند و بر دو گروه عمده تقسیم می‌شوند.

(۱) تعهدهای ناقص که قانون حق اقامه دعوی را از مدعی گرفته است مانند مرور زمان (۲) تعهدهای عقیم مانند دین ناشی از بطلان قراردادی که به دلیل نقص تشریفات عقیم مانده است.



۴- گزینه «۴» ایفای تعهد یکی از طرق اسقاط تعهدات است و هنگامی محقق می‌شود که متعهد چیزی را که می‌دهد مالک یا مأذون از طرف مالک باشد و شخصاً هم اهلیت داشته باشد. ضمن این که مالی که از طرف حاکم ممنوع شده باشد نمی‌تواند موضوع ایفای تعهد قرار گیرد. ماده ۲۷۶ قانون مدنی در این خصوص اعلام می‌دارد: مدیون نمی‌تواند مالی را که از طرف حاکم ممنوع از تصرف شده، در مقام وفای به عهده تأدیه نماید. همچنین ماده ۷۹۳ همین قانون نیز اعلام می‌دارد: رهن نمی‌تواند در رهن تصرفی کند که منافی حق مرتهن باشد، مگر به اذن مرتهن. از آن جایی که مال توقیف شده هم دارای آثار رهن می‌باشد، به همین جهت با وحدت ملاک از ماده قانونی اخیر پاسخ «۴» صحیح می‌باشد.

۵- گزینه «۴» وفق ماده ۲۶۴ قانون مدنی، ابراء نیز همانند وفای به عهده یکی از اسباب سقوط تعهدات محسوب می‌شود و مواد ۲۸۹، ۲۹۰ و ۲۹۱ از همین قانون به آن اشاره داشته و مقررات مربوطه را بیان نموده است. مطابق ماده ۲۸۹، ابراء عبارت از این است که دائن از حق خود به اختیار صرف‌نظر کند. ابراء علاوه بر این که ویژه سقوط حق دینی است، عمل حقوقی تبعی هم محسوب شده و در صورتی که دین یکی از اشخاص مورد پرداخت بدهی توسط دائن ابراء شود، موجب ابراء ذمه دیگران نیز خواهد بود.

۶- گزینه «۱» مطابق ماده ۲۸۳ قانون مدنی، اقاله یا تفاسخ بر هم‌زدن عقد لازم به تراضی طرفین را گویند که به هر لفظ یا فعلی واقع می‌شود که دلالت بر به هم زدن معامله کند و موضوع آن نیز ممکن است تمام معامله واقع شود یا فقط مقداری از آن باشد. مطابق ماده ۲۸۶ از همین قانون، تلف یکی از عوضین مانع اقاله نیست. در این صورت به جای آن چیزی که تلف شده است مثل آن در صورت مثلی بودن و قیمت آن در صورت قیمتی بودن داده می‌شود. در فرض قیمتی بودن مال تلف شده، بهای زمان اقاله داده می‌شود نه زمان عقد و تلف مال.

۷- گزینه «۲» مطابق ماده ۲۹۵ قانون مدنی، از آن جایی که قواعد راجع به تهاتر با نظم عمومی ارتباطی ندارند و مربوط به حقوق خصوصی افراد می‌شوند، این قواعد تکمیلی بوده و طرفین می‌توانند به تراضی، از وقوع تهاتر جلوگیری نمایند.

۸- گزینه «۴» اقاله یکی از اسباب سقوط تعهدات محسوب شده و عبارت است از، برهم زدن عقد لازم به تراضی طرفین معامله و آن را مترادف تفاسخ آورده‌اند. اقاله به هر لفظ یا فعلی واقع می‌شود که دلالت بر، به هم زدن معامله کند. هدف اصلی از اقاله، اعاده وضع سابق بر عقد لازم است. مطابق ماده ۲۸۷ قانون مدنی «نمات و منافع منفصله که از عقد تا زمان اقاله در مورد معامله حادث می‌شود، مال کسی است که به واسطه عقد مالک شده است، ولی نمائات متصله متعلق به کسی است که در نتیجه اقاله مالک شود».

۹- گزینه «۴» مطابق ماده ۲۸۳ قانون مدنی، بعد از معامله طرفین می‌توانند به تراضی آن را اقاله یا تفاسخ کنند. در این ماده اقاله مترادف تفاسخ آمده است. لذا گزینه‌های «۱» تا «۳» مشخصاً اشتباه بوده و صرفاً گزینه «۴» با قید این که صرفاً در عقود لازم امکان‌پذیر بوده و از سوی دیگر در وقف و نکاح نیز به دلیل قواعد امری و طبیعت آن در حقوق اشخاص و متعاملین فاقد اثر می‌باشد، صحیح به نظر می‌رسد.

۱۰- گزینه «۴» به موجب ماده ۴۳۱ قانون مدنی: «در صورتی که در یک عقد چند چیز فروخته شود بدون این که قیمت هر یک علی‌الحده معین شده باشد و بعضی از آن‌ها معیوب درآید، مشتری باید تمام آن را رد کند و ثمن را مسترد دارد یا تمام را نگاه دارد و ارش بگیرد و تبعیض نمی‌تواند بکند مگر به رضای بایع».

۱۱- گزینه «۳» مطابق ماده ۲۸۹ قانون مدنی، ابراء عبارت است از این که دائن از حق خود به اختیار صرف‌نظر کند. ابراء ایقاع است زیرا تنها به اراده طلبکار صورت می‌گیرد و ویژه حق دینی است. برای تحقق ابراء، لزوماً می‌بایستی دائن قصد انشا داشته باشد، در غیر این صورت دین مطروحه ساقط نخواهد شد.

۱۲- گزینه «۲» برابر ماده ۲۷۶ قانون مدنی، «مدیون نمی‌تواند مالی را که از طرف حاکم ممنوع از تصرف در آن شده است، در مقام وفای به عهده تأدیه نماید». در همین ارتباط نیز ماده ۷۹۳ قانون مدنی می‌گوید: رهن نمی‌تواند در رهن تصرفی کند که منافی حق مرتهن باشد مگر به اذن مرتهن که به توجه به قسمت اخیر ماده اخیرالذکر و وحدت ملاک از مواد ۲۶۴ و ۲۷۶ قانون مدنی، به نظر می‌رسد وفای به عهده منوط به تنفیذ ذینفع توقیف است.

۱۳- گزینه «۳» از نظر قانون مدنی و با ملاحظه و مذاقه مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی با دو شرط خارجی بودن و احترازناپذیر بودن حادثه باعث می‌گردد متعهد محکوم به تأدیه خسارت نگردد. لذا گزینه «۳» صحیح بوده و ناگهانی بودن حادثه در قانون مدنی ذکر نشده است.

۱۴- گزینه «۱» گزینه‌های ۲ و ۳ و ۴ از آن دسته مواردی هستند که به صورت قهری و بدون این که اراده طرفین در آن دخیل شود، موجب انفساخ قرارداد می‌گردند بدین معنا که موجب انحلال قهری عقد می‌گردند مانند: تلف مبیع پیش از قبض که خود به خود باعث انحلال عقد بیع می‌شود و ماده ۳۸۷ قانون مدنی نیز به آن اشاره دارد. اما (اقاله) یا گزینه «۱» جزء مواردی است که با رضایت طرفین ایجاد می‌شود و قهر و غلبه در آن دخیل نمی‌شود.

۱۵- گزینه «۳» وفق ماده ۲۴۶ قانون مدنی، «در صورتی که معامله به واسطه اقاله یا فسخ به هم بخورد، شرطی که در ضمن آن شده است باطل می‌شود و اگر کسی که ملزم به انجام شرط بوده است عمل به شرط کرده باشد، می‌تواند عوض او را از مشروطه بگیرد. همچنین اگر ثابت شود که معامله اصلی باطل بوده است، شرط ضمن آن نیز بی‌اثر می‌شود هر چند که به خودی خود تمام شرایط صحت معامله را نیز دارا باشد». لذا در فرض مسئله، ملتزم در صورت عمل به شرط می‌تواند عوض آن را از مشروطه بگیرد.

۱۶- گزینه «۱» علم اجمالی به موضوع ابراً کافی است. زیرا هدف از ابراء گذشت و ارفاق است. ابراء ایقاعی است تبعی و در آن تنها اهلیت طلب‌کار شرط است و اهلیت و زنده بودن بدهکار لازم نیست.

۱۷- گزینه «۳» باید توجه داشت که عقود نکاح، ضمان و وقف قابل اقاله نمی‌باشند. در حالی که کلیه عقود لازم قابل اقاله می‌باشند.

۱۸- گزینه «۳» مطابق ماده ۲۹۳ قانون مدنی: «در تبدیل تعهد تضمینات تعهد سابق به تعهد لاحق تعلق نخواهد گرفت، مگر این که طرفین معامله آن را صراحتاً شرط کرده باشند».

۱۹- گزینه «۴» برابر ماده ۲۶۸ قانون مدنی «انجام فعلی در صورتی که مباشرت شخص متعهد شرط باشد به وسیله دیگری ممکن نیست مگر با رضایت متعهدله. هر چند گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳ صحیح نبوده و با این ماده قانونی تطبیق ندارند، لیکن گزینه «۴» نیز کامل نبوده و با رضایت متعهدله می‌توان انجام فعلی که در آن شرط مباشرت متعهد شده است را توسط دیگری انجام داد. مثلاً از نقاش معروفی تقاضا می‌شود در مدت یک ماه تصویری را ترسیم نماید، لیکن وی بنا به دلائلی قادر به ترسیم نمی‌باشد؛ لذا می‌تواند تصویر مطروحه را با رضایت متعهدله به فرزندش بسپارد تا در موعد مقرر به پایان برساند.

۲۰- گزینه «۱» اقاله مطابق ماده ۲۸۳ قانون مدنی، بر هم زدن عقد لازم به تراضی طرفین را گویند. اثر اقاله در عقود مانند فسخ است، لذا به اقاله تفاسخ نیز می‌گویند و عقد از زمان انشاء فسخ و منحل می‌شود، زیرا ماده ۲۶۴ قانون مدنی آن را یکی از اسباب سقوط تعهدات دانسته است. در چنین حالتی عین مستأجره به مالک مسترد می‌شود و در صورت استیفای منفعت توسط مستأجر، وی باید بدل آن را که اجرت‌المثل است بپردازد. لذا در فرض مسئله، موجر نباید چیزی به مستأجر بپردازد.

۲۱- گزینه «۱» مطابق ماده ۲۸۳ قانون مدنی «بعد از معامله، طرفین می‌توانند به تراضی آن را اقاله نمایند». از لزوم تراضی دو طرف برای تحقق اقاله چنین استنباط می‌شود که اقاله عقد است هر چند که سبب انحلال عقد پیش از خود و تعهدهای ناشی از آن صورت می‌پذیرد. لذا می‌توان گفت نکاح قابل اقاله نیست و انحلال آن نیاز به اسباب خاص دارد.

۲۲- گزینه «۴» فسخ و رجوع هر دو ایقاع بوده و موجب انحلال ماهیات حقوقی می‌گردند با این تفاوت که اولاً حق فسخ عقود لازم که خیار نام دارد مطابق ماده ۴۴۵ قانون مدنی به ارث می‌رسد، زیرا در زمره حقوق مالی می‌باشد. در حالی که حق رجوع، قائم به شخص بوده و به ارث نمی‌رسد. (ماده ۸۰۵ قانون مدنی) ثانیاً فسخ ناظر به انحلال عقد است، در حالی که ایجاب (اگر آن را ایقاع ندانیم) و ایقاع نیز علاوه بر عقد قابل رجوع می‌باشند. برای مثال وصیت عهدی و طلاق رجعی هر دو ایقاع بوده و قابل رجوع هستند.

۲۳- گزینه «۲» عقود اذنی به لحاظ ماهیت اذن، همگی جایز بوده و به موت و جنون هریک از طرفین منفسخ می‌شوند. بنابراین در ماده ۹۵۴ قانون مدنی مسامحه به کار رفته و چون اکثر عقود جایز، اذنی می‌باشند، قانون‌گذار بنا بر غلبه، حکم عقود اذنی را به عقود جایز سرایت داده است. عقود جایز غیراذنی مانند هبه با فوت و جنون طرفین منفسخ نمی‌شوند.

۲۴- گزینه «۴» تهاتر از لحاظ ماهیت، نوعی واقعی حقوقی قهری می‌باشد. قهری بودن تهاتر در ماده ۲۹۵ قانون مدنی مورد تصریح قرار گرفته است. بنابراین چون تهاتر عمل حقوقی (معامله) نیست، لذا شرایطی مانند قصد و رضا، اهلیت و مشروعیت جهت که ویژه اعمال حقوقی است در آن راه ندارد.

۲۵- گزینه «۴» مطابق ماده ۸۰۶ قانون مدنی، هرگاه دائن طلب خود را به مدیون ببخشد، حق رجوع ندارد. باید توجه داشت که در هبه رضای مدیون شرط است برخلاف ابراء.

۲۶- گزینه «۳» در فرض پرسش چنانچه متوقی طلبکار، به اشخاص دیگر بدهکار باشد پس از فوت او نمی‌توان حکم به سقوط تعهد پسر، به استناد مالکیت مافی‌الذمه صادر کرد. زیرا مادام که طلب بستانکاران متوقی تأدیه نشده باشد، طبق ماده ۸۶۹ قانون مدنی مالکیت ورثه نسبت به اموال ما ترک، استقرار پیدا نمی‌کند.

۲۷- گزینه «۲» مطابق با فرض ماده ۲۹۶ قانون مدنی، وحدت سبب در وقوع تهاتر شرط نیست. لذا گزینه ۲ صحیح می‌باشد.

۲۸- گزینه «۴» طبق ماده ۲۸۶ قانون مدنی: «تلف یکی از عوضین مانع اقاله نیست در این صورت به جای آن چیزی که تلف شده است، مثل آن در صورت مثلی بودن و قیمت آن در صورت قیمتی بودن داده می‌شود».

۲۹- گزینه «۲» مطابق ماده ۲۶۴ قانون مدنی: «تعهدات به یکی از طرق ذیل ساقط می‌شود:

۱- به وسیله وفای به عهد. ۲- به وسیله اقاله. ۳- به وسیله ابراء. ۴- به وسیله تبدیل تعهد. ۵- به وسیله تهاتر. ۶- به وسیله مالکیت مافی‌الذمه».



وقایع حقوقی



فصل اول

«وقایع حقوقی – مسئولیت مدنی و آثار مسئولیت مدنی»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل اول

- کج ۱- در حقوق ایران، شرط تحدید مسئولیت ...** (سراسری ۷۵)
- هیچ‌گاه مانع از آن نیست که اگر زیان وارده آشکارا و در حدی در خور ملاحظه زیادتر از مبلغ تعیین شده در قرارداد باشد، متعهدله افزایش این مبلغ را مطالبه کند.
 - موجب می‌گردد که علی‌الاصول متعهدله نتواند چیزی افزون‌تر از حد پیش‌بینی شده در قرارداد مطالبه کند، ولی اگر زیان وارده کمتر از حد مذکور باشد متعهد فقط ملزم به جبران زیان واقعی است.
 - علی‌الاصول باطل است.
 - موجب می‌شود که در هر حال متعهد در صورت عدم اجرا، سوء اجرا و یا تأخیر در اجرای قرارداد، مبلغ مذکور در قرارداد را به متعهدله بپردازد.
- کج ۲- در کدام یک از فروض زیر مسئولیت قراردادی به وقوع پیوسته است:** (سراسری ۷۵)
- اگر بر اثر عدم اجرا یا سوء اجرای عقد توسط یکی از متعاقدين به شخص ثالثی زیان برسد.
 - اگر شخص ثالثی موجبات اضرار یکی از طرفین قرارداد را فراهم آورد.
 - اگر میان خواهان و خوانده در دعوای مسئولیت، رابطه قراردادی وجود داشته و زیان بر اثر تخلف از یکی از تعهدات ناشی از قرارداد به بار آمده باشد.
 - در هر موردی که توسط یکی از متعاقدين به طرف دیگر زبانی وارد آید.
- کج ۳- در ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی درباره مسئولیت کارفرما دایر بر جبران خسارتی که از طرف کارکنان اداری یا کارگران او در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده مقتن:** (سراسری ۷۵)
- برای کارفرما یک مسئولیت بدون تقصیر یا مسئولیت نوعی مقرر داشته است. (۲) زیان‌دیده را ملزم به اثبات تقصیر شخصی کارفرما کرده است.
 - زیان‌دیده را ملزم به اثبات تقصیر نوعی کارفرما کرده است. (۴) تقصیر کارفرما را مفروض انگاشته است.
- کج ۴- در حقوق ایران دادگاه در کدام یک از موارد زیر نمی‌تواند میزان خسارت را تخفیف دهد؟** (سراسری ۷۶)
- وقتی که زیان‌دیده به نحوی از انحاء موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده یا به اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت واردکننده را تشدید کرده باشد.
 - هرگاه وقوع خسارت ناشی از غفلی بوده که عرفاً قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی واردکننده زیان شود.
 - هرگاه پس از وقوع خسارت واردکننده زیان به نحو مؤثری به زیان‌دیده کمک و مساعدت کرده باشد.
 - هرگاه خسارت وارده به نحو آشکار کمتر از میزان وجه‌التزام باشد.
- کج ۵- دولت مسئول جبران خساراتی است که ...** (سراسری ۷۸)
- کارمندان به مناسبت انجام وظیفه عمداً به اشخاص وارد می‌آورند.
 - فقط بر اثر نقص وسایل ادارات و مؤسسات دولتی به اشخاص وارد می‌آید.
 - کارمندان به مناسبت انجام وظیفه در نتیجه بی‌احتیاطی به اشخاص وارد می‌آورند.
 - در نتیجه اعمال حاکمیت که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون صورت پذیرفته به اشخاص وارد آمده است.
- کج ۶- اگر بر اثر خراب شدن دیوار کسی، اتومبیل متعلق به غیر خسارت ببیند، آیا صاحب دیوار مسئول جبران این خسارت است؟** (سراسری ۸۰)
- بله، مگر این که ثابت کند راننده اتومبیل مرتکب تقصیر شده و آن را در محل غیرمجاز پارک کرده است.
 - بله، مگر این که ثابت کند خرابی دیوار بر اثر حادثه خارجی بوده که نمی‌توان به او مربوط نمود.
 - بله، مگر این که ثابت کند احتیاط لازم را در نگهداری آن به عمل آورده است.
 - بله، در صورتی که زیان‌دیده تقصیر او را در نگهداری دیوار اثبات کند.
- کج ۷- در ارتباط با وجوه افتراق اتلاف و تسبیب کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح نیست؟** (سراسری ۸۰)
- در اتلاف شخص هنگامی مسئول جبران خسارت شناخته می‌شود که به طور مستقیم و بی‌واسطه مال غیر را تلف کرده باشد.
 - در تسبیب برخلاف اتلاف، تقصیر شرط تحقق مسئولیت می‌باشد.
 - در تسبیب فقط انجام کار «فعل مثبت» ممکن است به ایجاد ضرر منتهی شود.
 - در تسبیب کسی مسئول جبران خسارت شناخته می‌شود که در طریق ورود ضرر تنها مقدمه واقع و حادثه زیان‌بار را فراهم آورده و آن مقدمه‌چینی خود به ورود زیان انجامیده است.

(سراسری ۸۰)

۸- کدام یک از موارد زیر از شرایط ضرر قابل جبران نمی‌باشد؟

- (۱) احتمالی بودن ضرر
(۲) شخصی بودن ضرر
(۳) قبلاً جبران نشده بودن ضرر
(۴) مشروع بودن مطالبه خسارت

۹- در ارتباط با زیان وارد شده توسط صغیر یا مجنون، با توجه به ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی، کدام گزینه صحیح نمی‌باشد؟

(سراسری ۸۰)

- (۱) هنگامی که سرپرست یا محافظ صغیر یا مجنون در نگهداری یا مواظبت از او مرتکب تقصیر نگشته و صغیر یا مجنون استطاعت جبران خسارت را دارد. صغیر یا مجنون به تأدیه کل خسارت وارده ملزم می‌شود.
(۲) وقتی که سرپرست یا محافظ صغیر یا مجنون در نگهداری یا مواظبت از او مرتکب تقصیر نگشته و صغیر یا مجنون استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را ندارد، صغیر یا مجنون فقط تا حدی که موجب عسرت و تنگدستی او نشود به جبران خسارت ملزم خواهد شد و باقی‌مانده‌ی خسارت از محل اموال سرپرست یا محافظ صغیر یا مجنون پرداخت خواهد گردید.
(۳) کسی که نگهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر بر عهده‌ی او می‌باشد و مرتکب تقصیر گشته و در نتیجه مسئول جبران خسارت است، استطاعت لازم برای انجام کار را دارا می‌باشد در این حالت وی تمام خسارت را پرداخت می‌کند.
(۴) کسی که نگهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر بر عهده‌ی او می‌باشد و مرتکب تقصیر گشته، استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را ندارد. در این حالت برحسب مورد خسارت کلاً یا جزئاً از مال صغیر یا مجنون جبران می‌شود.

۱۰- در تصادف دو اتومبیل، هر دو راننده مقصرند و خساراتی به بار می‌آید، طبق آخرین موازین، توزیع مسئولیت چگونه انجام می‌شود؟ (سراسری ۸۰)

- (۱) تمام خسارت به نسبت درجه‌ی تقصیر بین آن دو سنگین‌تر را مرتکب شده است.
(۲) تمام خسارت را کسی می‌پردازد که تقصیر سنگین‌تر را مرتکب شده است.
(۳) هر کدام نیمی از خسارت را می‌پردازد.
(۴) هر کدام تمام خسارت طرف مقابل را می‌پردازد.

۱۱- قانون‌گذار ما در کدام یک از موارد زیر وجود رابطه‌ی سببیت میان فعل شخص و ضرر وارده را برای جبران خسارت لازم ندانسته است؟ (سراسری ۸۱)

- (۱) غصب (۲) اتلاف (۳) تسبیب (۴) اکراه

(سراسری ۸۱)

۱۲- کدام عبارت صحیح نیست؟

- (۱) در مسئولیت کیفری، اصولاً اعمال مجازات متناسب با تقصیر ارتكابی است.
(۲) بر طبق قانون اساسی، مقنن ملزم می‌باشد که اعمالی را که از لحاظ مدنی مسئولیت آورند به طور حصری احصا نماید.
(۳) در مسئولیت مدنی ممکن است خطایی ناچیز زبانی هنگفت به بار آورد و عامل ورود این زیان به جبران کامل آن محکوم شود.
(۴) در مسئولیت کیفری، علی‌القاعده مجازات متوجه شخص مجرم است. اما در مسئولیت مدنی با مواردی مواجه می‌گردیم که مسئولیت برخی از اشخاص ناشی از فعل غیر است.

(سراسری ۸۱)

۱۳- در حقوق ایران، بر طبق قانون مسئولیت مدنی، علی‌الاصول مسئولیت بر مبنای نظریه‌ی استوار است؟

- (۱) تضمین (۲) تقصیر (۳) خطر در برابر انتفاع مادی (۴) خطر در برابر هرگونه انتفاع

(سراسری ۸۱)

۱۴- کدام یک از عبارت‌های زیر صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) به هنگام بطلان عقد، مسئولیت علی‌الاصول دیگر جنبه‌ی قراردادی ندارد.
(۲) هر زبانی که توسط یکی از متعامدین به طرف دیگر وارد آید، موجب تحقق پیوستن مسئولیت قراردادی نخواهد داشت.
(۳) هنگامی که یکی از متعاقدين با توسل به اعمال اکراه‌آمیز طرف دیگر را به انعقاد عقد واداشته است، مسئولیتی که متوجه او می‌باشد مسئولیتی قراردادی است.
(۴) اگر بر اثر اجرا یا سوء اجرا عقد توسط یکی از متعامدین به شخص ثالثی زیان برسد، مسئولیتی که برای عامل ورود ضرر و زیان به بار می‌آید مسئولیت قراردادی نیست.

۱۵- در قانون مدنی مسئولیت پیش‌بینی شده برای تلف‌کننده مال غیر بیشتر بر پایه‌ی کدام یک از مبانی نظری مسئولیت مدنی قابل توجیه است؟

(سراسری ۸۱)

- (۱) نظریه‌ی تضمین (۲) نظریه‌ی سنتی تقصیر (۳) نظریه جدید تقصیر (۴) نظریه خطر در برابر انتفاع مادی



(سراسری ۸۱)

۱۶- جبران زیان را به صورت مستمری
 (۱) فقط هنگامی می‌توان تعیین کرد که مدیون تأمین مقتضی برای پرداخت آن بدهد.
 (۲) فقط هنگامی می‌توان تعیین کرد که قانون آن را تجویز نماید.
 (۳) نمی‌شود تعیین کرد مگر آن که مدیون تأمین مقتضی برای پرداخت آن بدهد یا آن که قانون آن را تجویز نماید.
 (۴) هیچ‌گاه نمی‌شود تعیین کرد.

(آزاد ۸۱)

۱۷- کدام یک از موارد ذیل می‌تواند مصداق اتلاف قرار گیرد؟
 (۱) فقط عین و منفعت (۲) منحصرأ عین (۳) عین، منفعت و حق (۴) فقط عین و حق عینی

(سراسری ۸۲)

۱۸- جبران خسارت ناشی از اعمال کارمندان دولت که به مناسبت انجام دادن وظیفه صورت می‌پذیرد، بر عهده کیست؟
 (۱) جبران خسارت در هر حال به عهده دولت است.
 (۲) جبران خسارت در هر حال به عهده کارمند است.
 (۳) دولت و کارمند از بابت انجام وظیفه خود خسارت نمی‌پردازند.
 (۴) خسارت ناشی از عمدیابی احتیاطی به عهده کارمند است و خسارت ناشی از نقص وسایل ادارات به عهده دولت.

(آزاد ۸۲)

۱۹- مطابق قانون مدنی، کدام یک از موارد زیر مصداق اتلاف قرار می‌گیرد؟
 (۱) فقط عین (۲) عین، منفعت و یا حق (۳) فقط حق عینی و عین (۴) عین یا منفعت

(آزاد ۸۴)

۲۰- مطابق قانون مدنی کدام گزینه صحیح است؟
 (۱) اتلاف عبارت است از تلف عمدی عین یا منفعت متعلق به دیگری.
 (۲) اتلاف از بین بردن عمدی یا غیرعمدی عین یا منفعت متعلق به دیگری است.
 (۳) اتلاف از بین بردن هر نوع مال اعم از عین، منفعت یا حق متعلق به دیگری به طور عمدی است.
 (۴) اتلاف از بین بردن هر نوع مال اعم از عین، منفعت یا حق متعلق به دیگری به طور عمدی یا غیر عمدی است.

(سراسری ۸۵)

۲۱- هرگاه بر اثر صدمات وارده بر جنین، وی زنده ولی ناقص متولد شود، آیا نماینده قانونی او می‌تواند به علت زیان وارده شده به جنین مطالبه خسارت نماید؟
 (۱) نماینده قانونی صغیر حق مطالبه خسارت دارد.
 (۲) چون جنین وجود مستقل ندارد، خسارت وارده مطلقاً قابل مطالبه نیست.
 (۳) چون جنین فاقد اهلیت تمتع و استیفا می‌باشد، حق مطالبه خسارت ندارد.
 (۴) نماینده قانونی صغیر حق مطالبه خسارت ندارد، ولی خود صغیر پس از رسیدن به سن رشد می‌تواند مطالبه خسارت نماید.

(سراسری ۸۵)

۲۲- کدام عبارت صحیح نمی‌باشد؟
 (۱) در مسئولیت مدنی علی‌الاصول میان درجه تقصیر و میزان مسئولیت تناسب وجود ندارد.
 (۲) مسئولیت اخلاقی همیشه و در همه جا مبتنی بر تقصیر است.
 (۳) قلمرو مسئولیت اخلاقی، پندار اشخاص را نیز در بر می‌گیرد.
 (۴) برای تحقق مسئولیت مدنی، ورود زیان ضروری است.

(آزاد ۹۰)

۲۳- کدام یک از مبانی مسئولیت مدنی تحت تأثیر «مکتب تحقیقی ایتالیا» بوده است؟
 (۱) نظریه تقصیر شخصی (۲) نظریه تضمین حق (۳) نظریه تقصیر نوعی (۴) نظریه خطر

(آزاد ۹۰)

۲۴- براساس نظام تقنینی ایران در تعدد اسباب موجب مسئولیت، کدام سبب مسئول معرفی خواهد شد؟
 (۱) سبب مقدم در تأثیر (۲) همه اسباب (۳) سبب نزدیک و بلاواسطه (۴) سبب مهم‌تر (اصلی)



پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل اول

۱- گزینه «۲» شرط تحدید مسئولیت بدین معنی است که مسئولیت متعهد را محدود به مبلغ معین می‌کند بدین صورت که در صورت ورود خسارت، متعهد بیش از آن مقدار مسئول نمی‌باشد ولی اگر میزان خسارت کمتر از آن مقدار معین باشد، مسئولیت وی به همان میزان خواهد بود. در شرط تحدید مسئولیت برخلاف وجه التزام، ورود خسارت باید ثابت شود زیرا تنها حداکثر و سقف مسئولیت معین شده است.

۲- گزینه «۳» مسئولیت قراردادی عبارتست از مسئولیت کسی که در عقدی از عقود تعهدی را پذیرفته باشد و به علت عدم انجام تعهد یا تأخیر در انجام تعهد و یا در حین انجام تعهد و یا به سبب انجام تعهد خسارتی به متعهدله وارد می‌کند. در اصطلاحات دیگر آن را مسئولیت ناشی از قرارداد و مسئولیت عقدی نیز می‌نامند و در مقابل، مسئولیت خارج از قرارداد استعمال می‌شود و عناصر آن عبارتند از:

(۱) تخلف از تعهد (۲) ضرر وارده به متعهدله (۳) رابطه سببیت بین تخلف و ضرر وارده، در این نوع مسئولیت متخلف به دلیل اجرا نکردن تعهدی که از عقد ناشی شده است، مسئول شناخته می‌شود و مطابق ماده ۲۲۱ قانون مدنی، مکلف به جبران خسارت وارده است.

۳- گزینه «۴» مطابق ماده قانونی یاد شده، کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آن‌ها در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است. ضمن این که برابر ماده ۱۳، از همین قانون «مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹» کارفرمایان مشمول ماده ۱۲ مکلفند تمامی کارگران و کارکنان اداری خود را در مقابل خسارت وارده از ناحیه آنان به اشخاص ثالث بیمه نمایند. با عنایت به این که مسئولیت کارفرما به منظور تضمین دین کارگر به وجود آمده است ولی از مفاد ماده ۱۲ چنین استنباط می‌شود که زیان دیده به طور مستقیم حق دارد به کارفرما رجوع کند و نیازی به اثبات تقصیر کارگر ندارد. لذا مقنن تقصیر کارفرما را مفروض تلقی نموده است.

۴- گزینه «۴» مطابق ماده «۴» قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۲/۷، دادگاه می‌تواند در موارد ۱ و ۲ و ۳ فرض پرسش میزان خسارت وارده را تخفیف دهد، لیکن هرگاه خسارت وارده به نحو آشکار کمتر از میزان وجه التزام باشد، تأثیری در میزان خسارت وارده نخواهد داشت.

۵- گزینه «۲» هر چند مسئولیت دولت به علت خساراتی که کارمندان یا کارگران او به اشخاص وارد می‌کنند چندان با قوانین موضوعه ما بیگانه نیست و اساس این طرز تفکر در ماده ۳۳۲ قانون مدنی پیش‌بینی شده است، لیکن عدم تصریح این ماده قانونی و نقایص موجود سبب گردید در تاریخ ۱۳۳۹/۲/۷ قانون مسئولیت مدنی به تصویب رسیده و به موجب آن مسئولیت مدنی دولت تصریح شود. مطابق ماده ۱۱ این قانون، مسئولیت مدنی دولت هنگامی محقق می‌گردد که خسارات وارده مستند و مربوط به عمل کارمندان نبوده بلکه مربوط به نقص وسایل اداره باشد. مسئولیتی که مبتنی بر نظریه تقصیر است. منظور از نقص وسایل اداره، یعنی تدابیر و روش‌های صحیح مدیریت انجام نشده و این امر موجب بی‌نظمی در سازمان و در نتیجه وقوع خسارت شود.

۶- گزینه «۴» اثبات تقصیر مالک به عهده زیان‌دیده است مگر در مواردی که او به موجب قرارداد یا شرط ضمنی سلامت مال مورد امانت را تضمین کرده باشد. ماده ۳۳۳ قانون مدنی در خصوص ضمان صاحب دیوار، عمارت و کارخانه اعلام می‌دارد: «صاحب دیوار یا عمارت یا کارخانه مسئول خساراتی است که از خراب شدن آن وارد می‌شود، مشروط بر این که خرابی در نتیجه عیبی حاصل گردد که مالک مطلع بر آن بوده و یا از عدم مواظبت او تولید شده است.» لذا زیان‌دیده باید تقصیر صاحب دیوار را در نگاهداری دیوار اثبات نماید.

۷- گزینه «۳» مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی در خصوص اتلاف و تسبیب تدوین شده‌اند. اتلاف در اصطلاح آن است که شخص به طور مستقیم مال غیر را تلف نماید مانند تیر انداختن یا به آتش کشیدن اموال دیگری، لیکن تسبیب آن است که شخص به طور مستقیم در تلف مال غیر دخالت ندارد، بلکه سبب ورود خسارت و اتلاف مال می‌گردد مانند این که: کسی آتش روشن کند، آتش به طریقی به مزرعه غیر سرایت می‌یابد. در واقع، در تسبیب شخص به کاری دست می‌زند که زمینه تلف را آماده می‌کند. زیرا اگر ارتکاب آن فعل نبود، تلف نیز رخ نمی‌داد. حتی می‌توان گفت: اتلاف از خصوصیت‌های موضوع بوده و «تلف» از لوازم کار محسوب می‌شود و شخص به کاری دست می‌زند که زمینه تلف را آماده می‌سازد.

۸- گزینه «۱» برابر قوانین و مقررات مربوطه، هر ضرری قابل مطالبه نیست. شرایط ضرر و زیان‌های قابل مطالبه عبارتند از: (۱) ضرر باید مسلم باشد. (۲) مستقیم باشد. (۳) قابل پیش‌بینی باشد. (۴) جبران نشده بودن ضرر، با توجه به این که گزینه «۱» با شرط اصلی مطالبه ضرر و زیان مغایرت دارد، لذا گزینه یاد شده پاسخ به مسئله مورد بحث می‌باشد و احتمالی بودن ضرر و زیان نمی‌تواند دلیلی بر جبران خسارت وارده باشد.

۹- گزینه «۲» به لحاظ این که نص صریح قانونی، ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۲/۷ می‌باشد. و این گونه خسارت می‌بایستی بدو از اموال صغیر یا مجنون تأمین گردد صحیح است. ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی در این خصوص می‌گوید: «هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر شود ضامن است.»

۱۰- گزینه «۳» مطابق ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی، هرگاه در اثر برخورد دو سوار، وسیله نقلیه آن‌ها مانند اتومبیل خسارت ببیند، در صورتی که تصادم و برخورد به هر دو نسبت داده شود، هر دو مقصر باشند یا هیچ کدام مقصر نباشند، هر کدام نصف خسارت وسیله نقلیه‌ی دیگری را ضامن خواهد بود مستنبط از این ماده قانونی، مقنن در این قانون تقسیم مسئولیت به تساوی را پذیرفته است.

۱۱- گزینه «۱» مطابق ماده ۳۱۵ قانون مدنی، «غاصب مسئول هر نقص یا عیبی است که در زمان تصرف او به مال مغضوب وارد شده باشد هر چند مستند به فعل او نباشد.» به همین دلیل هم نیازی به وجود رابطه‌ی سببیت در غصب «میان فعل شخص و ضرر وارده» برای جبران خسارت نیست. لیکن در مابقی گزینه‌ها رابطه‌ی علیت ضروری بوده و در موارد اتلاف موضوع ماده ۳۲۸، تسبیب ماده ۳۳۱ و اکراه ۲۰۳ قانون مدنی صادق است. به همین دلیل هم گزینه «۱» صحیح می‌باشد.

۱۲- گزینه «۲» مسئولیت مدنی در مقام خسارتی است که شخص یا کسی که تحت مراقبت یا اداره‌ی او است یا اشیا تحت حراست وی به دیگری وارد می‌کند. مسئولیت مدنی در مقابل مسئولیت کیفری استعمال می‌شود. در واقع می‌توان گفت: مطابق مسئولیت مدنی، هر کس موجب خسارت به دیگری شد ناگزیر از جبران خسارت وارده است، لیکن در مسئولیت کیفری، هرگاه شخصی مرتکب یکی از جرائم موضوع قوانین و مقررات موضوعه شود کیفر و مجازات می‌گردد. ضمن این که مسئولیت مدنی قابل اسقاط و سازش می‌باشد. اما مسئولیت کیفری قابلیت چنین وضعیتی را ندارد. مضافاً این که مسئولیت مدنی به لحاظ گسترش و وسعت دامنه آن قابلیت حصر ندارد.

۱۳- گزینه «۲» به موجب ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۲/۷، «هر کس بدون مجوز قانونی، عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده است لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود. مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.» لذا مطابق این ماده قانونی در حقوق ایران مسئولیت مدنی بر مبنای نظریه‌ی تقصیر استوار است.

۱۴- گزینه «۳» ماده ۱۹۹ قانون مدنی می‌گوید: «رضای حاصل در نتیجه اشتباه یا اکراه موجب نفوذ معامله نیست.» زیرا یکی از طرفین معامله با اعمال اکراه آمیز نسبت به جان، مال یا آبرو به نحوی که عادتاً قابل تحمل نباشد، دیگری را به انعقاد قرارداد وادار نموده است و چنین عقدی غیرنافذ است و نمی‌توان اذعان داشت که طرفین با قصد و رضای واقعی مطابق ماده ۱۹۰ قانون مدنی به انعقاد قرارداد یا عقد مبادرت کرده‌اند؛ به همین جهت هم گزینه «۳» صحیح است.

۱۵- گزینه «۱» «هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از این که از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از این که عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند. ضامن نقص قیمت آن مال نیز خواهد بود. لذا مسئولیت پیش‌بینی شده در قانون مدنی بیشتر بر پایه تضمین می‌باشد.

۱۶- گزینه «۳» مطابق ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی، دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد. جبران زیان را به صورت مستمری نمی‌شود تعیین کرد مگر آن که مدیون، تأمین مقتضی برای پرداخت آن بدهد یا قانون آن را تجویز نماید.

۱۷- گزینه «۳» هر چند در ماده ۳۲۸ قانون مدنی فقط به عین و منفعت اشاره شده است، ولی حق نیز می‌تواند مصداق اتلاف باشد.

۱۸- گزینه «۴» مطابق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۲/۷ که سابقاً متذکر گردیدیم، خسارات ناشی از عمد یا بی‌احتیاطی کارمندان دولت بر عهده ایشان بوده، لیکن خسارات ناشی از نقص وسایل ادارات به عهده دولت است.

۱۹- گزینه «۴» مطابق ماده‌ی ۳۲۸ قانون مدنی، تنها عین و منفعت می‌توانند مصداق اتلاف قرار گیرند و به حق اشاره‌ای نشده است.

۲۰- گزینه «۲» به استناد ماده‌ی ۳۲۸ قانون مدنی، «هر کس مال غیر را تلف کند، ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد، اعم از این که از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از این که عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند، ضامن نقص قیمت آن مال است.»

ایراد گزینه‌ی ۴ آن است که در قانون مدنی از بین بردن حق پیش‌بینی نشده است و تنها به عین و منفعت اشاره شده است و در این سؤال نیز نظر قانون مدنی خواسته شده است.



۲۱- گزینه «۱» مطابق ماده ۹۵۶ قانون مدنی، «اهلیت برای دارا بودن حقوق با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود.» در تعریف اهلیت آمده است، قابلیت شخص برای انجام عمل حقوقی که بر دو نوع، تمتع و استیفا است. اهلیت تمتع، عبارت از قابلیت فرد برای دارا شدن حق و تکلیف و آن همراه با شخصیت است و اهلیت استیفا نیز قابلیت فرد برای اجرا و اعمال حق و تکلیف می‌باشد. برابر ماده ۹۵۷ قانون مدنی، حمل از حقوق مدنی تمتع می‌گردد مشروط بر این‌که زنده متولد شود. با توجه به این‌که در فرض سؤال مطروحه، جنین زنده متولد لیکن بر اثر صدمات وارده ناقص شده است دارای هر دو اهلیت تمتع و استیفا بوده و به لحاظ عدم اهلیت طرح دعوی برای جبران خسارت وارده در مرجع قضایی ذیصلاح نماینده قانونی وی می‌تواند مطالبه خسارت نماید.

۲۲- گزینه «۱» مسئولیت مدنی، مسئولیتی است که شخص در مقام خسارت به دیگری و یا اشیای متعلق به غیر وارد می‌نماید. این مسئولیت در مقابل مسئولیت کیفری قرار دارد. در مسئولیت مدنی علی‌الاصول میان درجه تقصیر و میزان مسئولیت تناسب دارد و مقصر ناگزیر از جبران خسارت وارده است.

۲۳- گزینه «۴» طرفداران نظریه خطر معتقدند برای مسئول تلقی شدن عامل زیان، صرف اثبات رابطه علیت بین عمل زیانبار و خسارت وارده کافی است. این نظریه ریشه در مکتب تحقیق و نظریه «فری» دارد.

۲۴- گزینه «۴» براساس قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، در اجتماع اسباب، سبب مؤثر و متعارف مسئول است. بر این اساس گزینه ۴ صحیح است.



فصل دوم

«غصب»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل دوم

- کج ۱-** برطبق قانون مدنی، در صورتی که مال مغضوب تلف شود و مثل آن پیدا نشود، غاصب باید چه قیمتی را بپردازد؟ (سراسری ۷۶)
- (۱) بالاترین قیمت را بپردازد. (۲) قیمت روز پرداخت را تأدیه کند. (۳) قیمت روز غصب را بدهد. (۴) قیمت روز تلف را بدهد.
- کج ۲-** هرگاه مالک ذمه یکی از غاصبین را نسبت به مثل یا قیمت مال مغضوب ابراء کند:
- (۱) حق مراجعه به غاصبین لاحق بر ابراء شده را ندارد. (۲) حق مراجعه به هیچ‌یک از غاصبین دیگر را ندارد. (۳) حق مراجعه به غاصبین سابق بر ابراء شده را نخواهد داشت. (۴) فقط حق مراجعه به غاصب ابراء شده را ندارد.
- کج ۳-** کدام یک از اشخاص نامبرده در ذیل در حکم غاصب است:
- (۱) کسی که به قصد تفرج وارد باغ متعلق به غیر شده است. (۲) کسی که مال به عاریه در دست او بوده و منکر وجود آن مال نزد خویش گردیده است. (۳) وارث منحصری که پیش از ادای دیون شخص متوفی، ترکه او را به تصرف خود درآورده است. (۴) شخصی که مالک را از تصرف در مال خود مانع شده، بی‌آنکه خویشتن بر آن مال تسلط پیدا کرده باشد.
- کج ۴-** آیا در مواردی که در نتیجه عمل غاصب قیمت مال مغضوب زیاد می‌شود، غاصب حق مطالبه قیمت زیادی را دارد؟ (سراسری ۸۳)
- (۱) آری به شرط آن که زیادتی، عین نباشد. (۲) آری در هر صورت می‌تواند مطالبه قیمت زیادی را بکند. (۳) خیر، مطلقاً در هیچ شرایطی نمی‌تواند مطالبه قیمت زیادی را بکند. (۴) خیر، مگر این که زیادی عین باشد که در این صورت عین زاید متعلق به خود غاصب است.
- کج ۵-** اگر مال مغضوب مثلی در دست غاصب تلف شود و مثل آن یافت نشود، غاصب باید را بپردازد. (وکالت ۸۰)
- (۱) بالاترین قیمت بعد از زمان غصب (۲) قیمت زمان غصب (۳) قیمت حین‌الاداء (۴) میانگین قیمت‌های مختلفه از زمان غصب تا زمان پرداخت.
- کج ۶-** مالک زمینی نهالی را از غیر غصب و آن را در زمین خود می‌کارد. در این صورت:
- (۱) درخت متعلق به صاحب مال و میوه آن متعلق به صاحب زمین است. (۲) درخت و میوه آن به تناسب متعلق به طرفین است. (۳) درخت و میوه آن متعلق به مالک زمین است. (۴) درخت و میوه آن متعلق به صاحب نهال است.
- کج ۷-** اگر مالک ذمه یکی از غاصبین را نسبت به منافع عین ابراء کند، چه تأثیری در مورد غاصبین دیگر دارد؟ (وکالت ۸۱)
- (۱) موجب ابراء ذمه تمام غاصبین می‌گردد. (۲) هیچ تأثیری در حق هیچ یک از غاصبین ندارد. (۳) فقط غاصبین سابق بر ابراء شده، ابراء می‌شوند. (۴) مالک، حق رجوع به غاصبین لاحق را نخواهد داشت.
- کج ۸-** شخصی بدون علم و اطلاع از غصبی بودن، مالی را از غاصب خریده و آن مال نزد او تلف شده است:
- (۱) تلف از مال خود اوست و حق رجوع به غاصب را ندارد. (۲) در صورتی حق رجوع دارد که مالک ذمه غاصب را بری کرده باشد. (۳) در صورتی حق رجوع دارد که مال بدون تعدی و تفریط او تلف شده باشد. (۴) چون آگاهی از غصب نداشته، در هر حال حق رجوع به غاصب را دارد.
- کج ۹-** اگر کسی مالک را از تصرف در ملک خود منع کند، بدون این که خود بر آن ملک سلطه پیدا کند:
- (۱) غاصب است. (۲) در حکم غاصب است. (۳) هیچ مسئولیتی ندارد. (۴) فقط در صورت ورود خسارت به مالک مسئول جبران خسارت است.
- کج ۱۰-** اگر کسی مالی را بدون استحقاق دریافت کرده باشد:
- (۱) ضامن عین و منافع آن است. (۲) فقط ضامن عین است. (۳) در صورتی ضامن عین است که عالم به عدم استحقاق خود باشد. (۴) در صورتی که عالم به عدم استحقاق خود باشد، ضامن عین و منافع است.

(آزاد ۸۳)

کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) در ترتب ایادی در غصب، به طور کلی ضمان برعهده کسی است که مال در دست او تلف شده است.
- (۲) تمام غاصبین در برابر مالک مسئولیت تضامنی دارند، و در نهایت مسئولیت بین آنان به تساوی تقسیم می‌شود.
- (۳) در نهایت ضمان برعهده کسی مستقر می‌شود که اولین بار مال را غصب کرده است.
- (۴) تمام غاصبین در برابر مالک مسئولیت تضامنی دارند، و در نهایت ضمان برعهده آن‌هایی است که علم و اطلاع از غصب داشته باشند.

(وکالت ۸۳)

به چه کسی حق رجوع دارد؟

- (۱) به کسی که مال در دست او تلف شده است یا به یکی از لاحقین خود. (۲) فقط به کسی که مال در دست او تلف شده است.
- (۳) به هیچ کس حق رجوع ندارد.
- (۴) به یکی از غاصبان سابق خود.

(وکالت ۸۴)

اگر کسی مال مغضوب را از غاصب بخرد، بدون این که از غصب آگاه باشد، مالک برای استرداد عین یا خسارت تلف به کدام یک حق رجوع دارد؟

- (۱) مالک تنها می‌تواند به غاصب رجوع کند.
- (۲) مالک تنها می‌تواند به خریدار (آخرین غاصب) رجوع کند.
- (۳) مالک می‌تواند به غاصب و خریدار برای مطالبه عین یا خسارت تلف رجوع کند.
- (۴) مالک برای استرداد عین به خریدار رجوع می‌کند، ولی خسارت تلف را از هر دو می‌تواند بگیرد.

(آزاد ۸۵)

در مورد تعاقب ایادی بر مال مغضوب در خصوص منافع مال، کدام یک از گزینه‌های ذیل درست است؟

- (۱) غاصب اول بیشترین مسئولیت را دارد و غاصب آخر کمترین مسئولیت را.
- (۲) هر یک از غاصبین به اندازه زمان تصرف خود و لاحقین خود ضامن هستند.
- (۳) ابراء ذمه یکی از غاصبین نسبت به منافع عین، موجب براءة لاحقین او نیز می‌شود.
- (۴) همه موارد

(آزاد ۸۶)

اگر مالک ذمه یکی از غاصبین را نسبت به قیمت مال مغضوب ابراء کند، چه تأثیری در حق بقیه دارد؟

- (۱) حق رجوع به غاصبین لاحق بر ابراء شده را ندارد.
- (۲) حق رجوع به هیچ‌یک از غاصبین دیگر را ندارد.
- (۳) حق رجوع به غاصبین سابق بر ابراء شده را ندارد.
- (۴) به غیر از شخص ابراء شده، حق رجوع به غاصبین دیگر را به نحو تضامن دارد.

(آزاد ۸۷)

مقبوض به عقد فاسد:

- (۱) مشمول احکام ید امانی است.
- (۲) با قبول ثالث قابل ترتیب اثر است.
- (۳) از مصادیق «در حکم غصب» تلقی می‌شود.
- (۴) هیچکدام

(آزاد ۸۸)

«شرط حقوقی» دارا شدن غیر عادلانه (بلا سبب) کدام یک از گزینه‌های ذیل است؟

- (۱) فقدان سبب تملک
- (۲) افزایش دارایی یکی
- (۳) کاهش دارایی دیگری
- (۴) اکل مال به باطل

(سراسری ۹۰)

هرگاه «الف» عین مال دیگری را غصب کند و به «ب» بفروشد و «ج» آن را از «ب» غصب کند، در صورتی که آن مال به واسطه زلزله تلف شود با توجه به عدم تقصیر «ب»، مالک به چه کسانی می‌تواند مراجعه کند؟

- (۱) «الف» و «ج» متضامناً
- (۲) «الف» و «ج» به نسبت مساوی
- (۳) «الف»، «ب» و «ج» به نسبت مساوی
- (۴) «الف»، «ب» و «ج» متضامناً

(وکالت ۹۰)

اگر کسی مالی را من غیر حق دریافت کرده باشد:

- (۱) ضامن عین و منافع است.
- (۲) در صورتی که جاهل به ضمان باشد، ضامن نیست.
- (۳) در صورتی که عالم به عدم استحقاق خود باشد، ضامن عین و منافع است.
- (۴) در صورتی که عالم به عدم استحقاق خود نباشد، ضامن عین است ولی ضامن منافع نیست.



پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل دوم

۱- **گزینه ۲»** غصب، «استیلا بر حق غیر است به نحو عدوان، اثبات ید بر مال غیر بدون مجوز هم در حکم غصب است.» مقصود از اثبات ید بر مال غیر، موردی است که شروع استیلا به اذن مالک باشد و بدون مجوز و پس از قطع اذن ادامه یابد، مانند کسی که مال عاریه یا ودیعه و امثال آن‌ها در دست اوست و منکر گردد. مطابق ماده ۳۱۱ قانون مدنی: «غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صاحب آن رد نماید. اگر عین تلف شده باشد، باید مثل یا قیمت آن را بدهد...» در فرض سؤال اگر مال مغضوب مثلی باشد و مثل آن پیدا نشود، غاصب باید قیمت حین‌الاداء را بدهد یعنی قیمت روز پرداخت را بپردازد و ماده ۳۱۲ قانون مدنی نیز بر این موضوع تأکید دارد.

۲- **گزینه ۲»** مطابق ماده ۲۸۹ قانون مدنی، ابراء عبارت است از این‌که دائن از حق خود به اختیار صرف‌نظر کند. ابراء تنها به اراده طلبکار صورت می‌گیرد و در زمره ایقاعات است. مالک مال مغضوب می‌تواند عین و در صورت تلف شدن عین، مثل یا قیمت تمام یا قسمتی از مال مغضوب را از غاصب اولی یا مرکب از غاصبین بعدی که بخواهد مطالبه کند. زیرا مسئولیت هر یک از غاصبان در مقابل مالک مسئولیتی تضامنی محسوب و جهل آنان به موضوع و دخالت حوادث قهری در تقصیر آنان تأثیری نداشته و در هر حال ضامن هستند. وفق ماده ۳۲۱ قانون صدورالذکر، هرگاه مالک ذمه یکی از غاصبین را نسبت به مثل یا قیمت مال مغضوب ابراء کند، حق رجوع به غاصبین دیگر نخواهد داشت. لذا برابر ماده قانونی یاد شده گزینه ۲» صحیح است.

۳- **گزینه ۲»** ماده ۳۰۸ قانون مدنی در تعریف غصب آورده است: «غصب استیلا بر مال غیر است به نحو عدوان، اثبات ید بر مال غیر بدون مجوز هم در حکم غصب است.» هر چند قسمت اخیر این ماده غصب حکمی را تعریف کرده است، لیکن در وضعیت شفاف‌تر، عبارت است از تصرف بدون مجوز در مال غیر از طرف کسی که علم به فقدان مجوز قانونی ندارد. ماده ۳۱۰ در خصوص انکار امانت از این قبیل است. این ماده می‌گوید: «اگر کسی که مالی به عاریه یا به ودیعه و امثال آن‌ها در دست او است منکر گردد، از تاریخ انکار در حکم غاصب است.»

۴- **گزینه ۴»** غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صاحبش رد کند و اگر عین تلف شده باشد، باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر به علت دیگری رد عین ممکن نباشد، باید بدل آن را بدهد. اما گاهی اوقات مشاهده می‌شود در نتیجه عمل غاصب بهای مال مغضوب افزایش می‌یابد. ماده ۳۱۴ قانون مدنی در این خصوص می‌گوید: «اگر در نتیجه عمل غاصب بهای مال مغضوب زیاد شود، غاصب حق مطالبه قیمت زیادی را نخواهد داشت، مگر این‌که آن زیادتی عین باشد که در این صورت عین زاید متعلق به خود غاصب است.» به طور مثال هرگاه غاصب از قطعه سنگ غصب شده مجسمه گرانبهائی بسازد، اعطای این اثر هنری به مالک سبب استفاده بدون جهت وی می‌شود که باید عوض آن پرداخته شود.

۵- **گزینه ۳»** به موجب ماده ۳۱۲ قانون مدنی: «هرگاه مال مغضوب مثلی بوده، و مثل آن پیدا نشود، غاصب باید قیمت حین‌الاداء را بدهد و اگر موجود بوده و از مالیت افتاده باشد، باید آخرین قیمت را بدهد.»

۶- **گزینه ۴»** به موجب ماده ۳۳ قانون مدنی: «نما و محصولی که از زمین حاصل می‌شود مال مالک زمین است چه به خودی خود روئیده باشد یا به واسطه‌ی عملیات مالک، مگر این‌که نما یا حاصل از اصله یا خبه‌ی غیر حاصل شده باشد که در این صورت درخت و محصول مال صاحب اصله یا حبه خواهد بود، اگرچه بدون رضای صاحب زمین کاشته شده باشد.»

۷- **گزینه ۴»** به موجب ماده ۸۰۶ قانون مدنی: «هرگاه دائن طلب خود را به مدیون ببخشد حق رجوع ندارد.» هبه طلب به مدیون، عقدی لازم است و بر خلاف هبه مطلق، قابل رجوع نمی‌باشد و نیز به این دلیل که در اثر هبه به مدیون، مالکیت ما فی‌الذمه رخ می‌دهد که نتیجه‌ی آن سقوط دین است و به موجود معدوم نمی‌توان دوباره حیات حقوقی بخشید.

۸- **گزینه ۴»** به موجب ماده ۳۲۵ قانون مدنی: «اگر مشتری جاهل به غصب بوده و مالک به او رجوع نموده باشد، او نیز می‌تواند نسبت به ثمن و خسارات به بایع رجوع کند، اگرچه مبیع نزد خود مشتری تلف شده باشد و اگر مالک نسبت به مثل یا قیمت رجوع به بایع کند، حق رجوع به مشتری را نخواهد داشت.»

۹- **گزینه ۴»** به استناد ماده ۳۰۹ قانون مدنی: «هرگاه شخصی مالک را از تصرف در مال خود مانع شود، بدون آن‌که خود او تسلط بر آن مال پیدا کند، غاصب محسوب نمی‌شود، لیکن در صورت اتلاف یا تسبیب ضامن خواهد بود.»

۱۰- **گزینه ۱»** به استناد ماده ۳۰۳ قانون مدنی: «کسی که مالی را من غیرحق دریافت کرده است، ضامن عین و منافع آن است، اعم از این‌که به عدم استحقاق خود عالم باشد یا جاهل.»



۱۱- گزینه «۱» به استناد ماده‌ی ۳۱۸ قانون مدنی: «... و به طور کلی ضمان بر عهده‌ی کسی مستقر است که مال مغضوب در نزد او تلف شده است».

۱۲- گزینه «۱» به موجب ماده‌ی ۳۱۸ قانون مدنی: «هرگاه مالک رجوع کند به غاصبی که مال مغضوب در ید او تلف شده است، آن شخص حق رجوع به غاصب دیگر ندارد ولی اگر به غاصب دیگری به غیر آن کسی که مال در ید او تلف شده است رجوع نماید، مشار الیه نیز می‌تواند به کسی که مال در ید او تلف شده است رجوع کند و یا به یکی از لاحقین خود رجوع کند تا منتهی شود به کسی که مال در ید او تلف شده است و به طور کلی ضمان بر عهده‌ی کسی مستقر است که مال مغضوب در نزد او تلف شده است».

۱۳- گزینه «۳» به موجب ماده‌ی ۳۲۳ قانون مدنی: «اگر کسی ملک مغضوب را از غاصب بخرد، آن کس نیز ضامن است و مالک می‌تواند بر طبق مقررات مواد فوق به هر یک از بایع و مشتری رجوع کرده عین و در صورت تلف شدن آن، مثل یا قیمت مال و همچنین منافع آن را در حال مطالبه نماید».

۱۴- گزینه «۴» مطابق ماده ۳۲۰ قانون مدنی: «مالک می‌تواند به هریک از غاصبان، برای منافع زمان تصرف او و ما بعد او مراجعه نماید، هرچند غاصب استیفای منفعت نکرده باشد».

۱۵- گزینه «۲» به استناد ماده‌ی ۳۲۱ قانون مدنی: «هرگاه مالک ذمه‌ی یکی از غاصبین را نسبت به مثل یا قیمت مال مغضوب ابراء کند، حق رجوع به غاصبین دیگر نخواهد داشت، ولی اگر حق خود را به یکی از آنان به نحوی از انحاء انتقال دهد، آن کس قائم مقام مالک می‌شود و دارای همان حقی خواهد بود که مالک دارا بوده است».

۱۶- گزینه «۳» به استناد ماده‌ی ۳۶۵ قانون مدنی. و حاشیه ذیل ماده «بیع فاسد اثری در تملک ندارد.» کسی که مالی را به بیع فاسد در تصرف دارد، در حکم غاصب و ضامن عین و منافع آن است. به این ضمان اصطلاحاً «ضمان مقبوض به عقد فاسد» می‌گویند.

۱۷- گزینه «۱» اسباب تملک در ماده‌ی ۱۴۰ قانون مدنی مورد احصا واقع شده‌اند. هرگاه دارایی یک شخص به زیان دارایی دیگری افزایش یابد و هیچ یک از اسباب مذکور در ماده‌ی ۱۴۰ قانون مدنی وجود نداشته باشد اصطلاحاً می‌گویند که شخص، استفاده‌ی بلاجهت نموده است. بنابراین استفاده‌کننده باید کاهش دارایی دیگری را جبران نماید. استفاده‌ی بلاجهت (دارا شدن غیرعادلانه) در قانون مدنی نیامده است و باید آن را از روح مقررات مربوط به اسباب تملک، استنباط نمود. برعکس اصطلاح «استفاده‌ی بلاجهت» در ماده‌ی ۳۱۹ قانون تجارت آمده است و نشان می‌دهد مقنن ما به این نهاد در حقوق ایران اعتقاد دارد. به نظر می‌رسد گزینه‌های ۲ و ۳ نیز که از شرایط تحقق استفاده‌ی بلاجهت است صحیح می‌باشند و بهتر آن بود که گزینه‌ی ۴ در برگزیده‌ی سه گزینه‌ی دیگر می‌بود.

۱۸- گزینه «۴» با توجه به ماده ۳۱۶ قانون مدنی، علم و جهل غاصب در مسئولیت او تأثیری ندارد؛ لذا هم الف، هم ب و هم ج مسئولیت دارند و با توجه به ماده ۳۱۷، این مسئولیت تضامنی است.

۱۹- گزینه «۱» مطابق ماده‌ی ۳۰۳ قانون مدنی: «کسی که مالی را من غیرحق دریافت کرده است، ضامن عین و منافع آن است، اعم از این‌که به عدم استحقاق خود عالم باشد یا جاهل».



فصل سوم

«استیفا، ایفای ناروا و اداره فضولی»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل سوم

- کج ۱- استیفای آمر از عمل غیر که عرفاً اجرت ندارد، در صورتی سبب مسئولیت آمر به پرداخت اجرت است که:** (سراسری ۸۳)
- (۱) عامل مجبور نباشد.
 - (۲) عاماً قصد تبرع نداشته باشد.
 - (۳) عامل خود را مهیای انجام عمل نموده باشد.
 - (۴) آمر قصد پرداخت اجرت داشته باشد.
- کج ۲- استیفا آمر از عمل غیر که عرفاً اجرت ندارد، در صورتی سبب مسئولیت آمر به پرداخت اجرت است که:** (سراسری ۸۵)
- (۱) عامل مجبور نباشد.
 - (۲) عامل قصد تبرع نداشته باشد.
 - (۳) عامل خود را مهیای انجام عمل نموده باشد.
 - (۴) آمر قصد پرداخت اجرت داشته باشد.
- کج ۳- در مورد ید ضمانی:** (آزاد ۸۵)
- (۱) استناد به فورس ماژور مسموع است
 - (۲) استناد به فورس ماژور غیرمسموع است
 - (۳) چنان‌چه وقوع عامل خارجی قابل اثبات باشد، استناد به آن مسموع است
 - (۴) چنان‌چه شخص، متصدی حمل و نقل باشد، استنادش مسموع است
- کج ۴- کسی به تصور این که مالی متعلق به اوست آن را دریافت می‌کند، بعد معلوم می‌شود که متعلق به او نبوده است، هزینه‌هایی که برای نگهداری از این مال کرده است برعهده کیست؟** (آزاد ۸۶)
- (۱) چون متصرف در حکم غاصب است حق مطالبه هزینه‌ها را ندارد.
 - (۲) متصرف در هر حال حق دارد هزینه‌هایی را که برای نگهداری از مال کرده است از صاحب آن مطالبه کند.
 - (۳) برعهده صاحب مال است، مشروط بر آن که متصرف جاهل به عدم استحقاق خود باشد.
 - (۴) اگر متصرف از منافع مال استفاده کرده باشد، حق مطالبه هزینه ندارد.

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل سوم

- ۱- گزینه «۳»** الزام به پرداخت اجرت در صورتی ایجاد می‌شود که اقدام عامل به امر استیفاکننده باشد و گرنه اقدام به کاری خودسرانه اصولاً برای دیگران تعهد ایجاد نمی‌کند. به عنوان مثال، اگر کسی به زمین زراعی دیگری کود دهد و یا آن را آبیاری کند نمی‌تواند از مالک آن دستمزد بخواهد. به همین منظور هم ماده ۳۳۶ قانون مدنی می‌گوید: «هرگاه کسی برحسب امر دیگری اقدام به عملی نماید که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مهیای آن عمل باشد، عامل مستحق اجرت عمل خود خواهد بود، مگر این که معلوم شود که قصد تبرع داشته است».
- ۲- گزینه «۳»** الزام به پرداخت اجرت در صورتی ایجاد می‌شود که اقدام عامل به امر استیفاکننده باشد و گرنه اقدام به کاری خودسرانه اصولاً برای دیگران تعهد ایجاد نمی‌کند. به عنوان مثال، اگر کسی به زمین زراعی دیگری کود دهد و یا آن را آبیاری کند، نمی‌تواند از مالک آن دستمزد بخواهد. به همین منظور هم ماده ۳۳۶ قانون مدنی می‌گوید: «هرگاه کسی برحسب امر دیگری اقدام به عملی نماید که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مهیای آن عمل باشد، عامل مستحق اجرت عمل خود خواهد بود، مگر این که معلوم شود که قصد تبرع داشته است».
- ۳- گزینه «۲»** مطابق ماده‌ی ۳۱۵ قانون مدنی، ید غاصب و یا در حکم غاصب، ضمانی است و ایشان مسئول کلیه‌ی خسارات وارده به مال می‌باشند، حتی اگر تقصیر نکرده باشند و خسارت بر اثر قوه‌ی قاهره حادث شده باشد، چرا که در ضمان ید، استناد به قوه‌ی قاهره مسموع نخواهد بود.
- ۴- گزینه «۳»** به استناد مواد ۳۰۵ و ۳۰۴ قانون مدنی. «اگر کسی مالی را من غیر حق دریافت کرده است...». مطابق با ماده‌ی ۳۰۵ قانون مدنی: «در موارد فوق، صاحب مال باید از عهده‌ی مخارج لازمه که برای نگهداری آن شده است برآید، مگر در صورت علم متصرف به عدم استحقاق خود». پس گیرنده‌ی جاهل می‌تواند هزینه‌های حفظ مال را از مالک بگیرد ولی گیرنده‌ی عالم چنین حقی ندارد.



عقود معین ۱

فصل اول

«بیع»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل اول

- کج ۱- هرگاه مشتری مبیع را که مال قیمی بوده به شخص دیگری فروخته باشد و سپس بیع اقاله شود، مشتری مکلف به دادن چه مالی به بایع است؟ (سراسری ۷۵)**
- (۱) بالاترین قیمت از زمان فروش مبیع به شخص ثالث تا زمان اقاله. (۲) قیمت بازار در زمان فروش مبیع به شخص ثالث.
- (۳) قیمت مبیع در زمان اقاله. (۴) قیمتی که از فروش مال به دست آورده است.

- کج ۲- هرگاه بایع با استفاده از حق حبس مبیع را نزد خود نگاه دارد، منافع مبیع در مدت تصرف بایع متعلق به کدام یک از متبایعین است؟ (سراسری ۷۵)**
- (۱) مشتری (۲) بایع
- (۳) منافع بالمناصفه بین آنان تقسیم خواهد شد. (۴) منافع صرف هزینه نگهداری بیع خواهد شد.

- کج ۳- در صورت معیوب بودن مبیع، اگر قیمت مبیع در حال بی عیبی کمتر یا زیادتر از ثمن معامله باشد مقدارش چه اندازه است: (سراسری ۷۶)**
- (۱) $\frac{1}{5}$ از قیمت حقیقی
- (۲) تفاوت میان ثمن و قیمت حقیقی مبیع
- (۳) تفاوت میان قیمت حقیقی مبیع سالم و معیوب
- (۴) بخشی از ثمن به نسبت تفاوت میان قیمت حقیقی مبیع در حال سلامت و در حال عیب

- کج ۴- در بیع خیاری بر طبق قانون مدنی، (سراسری ۷۹)**
- (۱) مالکیت از حین انعقاد بیع حاصل می‌شود. (۲) مالکیت از حین اسقاط حق خیار حاصل می‌گردد.
- (۳) مالکیت همراه با تأدیه ثمن حاصل می‌گردد. (۴) مالکیت از حین انقضای مدت خیار برای طرفین حاصل می‌گردد.

- کج ۵- اگر کسی بدون علم و اطلاع، مالی را از غیر مالک خریداری کند و آن مال تلف شود: (سراسری ۷۹)**
- (۱) در صورتی ضامن است که تعدی یا تفریط کرده باشد. (۲) در صورتی که ثابت کند مال بر اثر قوه قاهره تلف شده مسئولیتی ندارد.
- (۳) در صورتی که ثابت کند مطلع از فروش مال خود بوده ضامن نیست. (۴) در هر حال ضامن است.

- کج ۶- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟ (سراسری ۸۰)**
- (۱) ثمن مبیع و مال الاجاره عین مستأجره در حکم منقول است، ولو این که مبیع یا عین مستأجره از اموال غیرمنقول باشد.
- (۲) اگر مبیع یا عین مستأجره از اموال غیرمنقول باشد، ثمن مبیع و مال الاجاره عین مستأجره در حکم غیرمنقول است.
- (۳) کشتی‌های بزرگ نظر به اهمیت و ارزش‌شان داخل در غیرمنقول‌اند.
- (۴) مصالح بنایی از قبیل سنگ، آجر و ... که برای ساختن بنایی بر روی یک زمین در آن گرد آورده شده‌اند در حکم غیرمنقول‌اند.

- کج ۷- در صورتی که مبیع در زمان عقد معیوب باشد و خریدار ارش بخواهد، تفاوت قیمت مبیع سالم و معیوب در چه زمان معیار تعیین میزان ارش است؟ (سراسری ۸۰)**
- (۱) زمان انتخاب و مطالبه ارش، به اعتبار ایجاد طلب برای خریدار. (۲) زمان تقویم به وسیله کارشناس.
- (۳) زمان وقوع معامله، به دلیل زمان تعادل در عوض در مبادله. (۴) زمان قبض مبیع، به دلیل انتقال ضمان به خریدار.

- کج ۸- اگر ارزش مبیع به هنگام بیع مجهول باشد، معامله: (آزاد ۸۰)**
- (۱) باطل است (۲) صحیح و نافذ است
- (۳) غیرنافذ است (۴) صحیح است، اگر یکی از طرفین ارزش آن را بداند

- کج ۹- هرگاه کسی خانه‌ی خود را به مبلغ معین بفروشد و قرار بگذارد که مشتری ثمن را پس از فوت پدرش به فروشنده بدهد، عقد و شرط چه حکمی دارد؟ (سراسری ۸۱)**
- (۱) شرط و عقد هر دو صحیح است. (۲) شرط مزبور باطل و حق فسخ به فروشنده می‌دهد.
- (۳) شرط مزبور، باطل و موجب بطلان عقد نیز می‌شود. (۴) شرط مزبور باطل ولی موجب بطلان عقد نمی‌گردد.

(آزاد ۸۱)

۱۰- در صورتی که مبیع کلی باشد، بیع وقتی صحیح است که:

- (۱) مقدار، جنس و وصف مبیع معین باشد
- (۲) مقدار و اوصاف مبیع ذکر شود.
- (۳) مقدار، جنس و وصف مبیع ذکر شود
- (۴) فقط مقدار و جنس مبیع معین باشد.

(وکالت ۸۱)

۱۱- در بیع عین معین، مبیع چه موقع به ملکیت مشتری در می‌آید؟

- (۱) به مجرد عقد
- (۲) به ایجاب و قبول و پرداخت ثمن
- (۳) به ایجاب و قبول و قبض مبیع
- (۴) به ایجاب و قبول و انقضای مدت خیار فسخ

۱۲- هرگاه بعضی از مبیع معین از روی نمونه فروخته شود و آن بعضی مطابق نمونه نباشد، مشتری برای جبران این وضع چه اختیاری دارد؟ (سراسری ۸۲)

- (۱) مشتری می‌تواند تمام مبیع را رد کند یا تمام آن را قبول کند.
- (۲) مشتری می‌تواند اجبار بایع را به تسلیم مبیع مطابق نمونه درخواست کند.
- (۳) مشتری حق فسخ بیع را نسبت به بعضی که از روی نمونه فروخته شده دارد.
- (۴) مشتری می‌تواند جبران خسارت خود را به نسبت تفاوت بهای نمونه و مبیع از دادگاه بخواهد.

۱۳- اگر ملک به شرط داشتن مساحت معین فروخته شده باشد و بعد معلوم شود که کمتر از آن مقدار است، خریدار برای جبران خسارت چه

(سراسری ۸۲)

اختیاری پیدا می‌کند؟

- (۱) خریدار حق فسخ معامله را دارد.
- (۲) خریدار در مطالبه زمین کمبود یا بهای آن آزاد است.
- (۳) خریدار می‌تواند بهای زمین کمبود را از ثمن بکاهد.
- (۴) خریدار می‌تواند میزان کمبود زمین را از فروشنده مطالبه کند.

(سراسری ۸۲)

۱۴- اگر نسبت به بعضی مبیع، بایع قدرت تسلیم داشته و نسبت به بعضی دیگر نداشته باشد

- (۱) بیع نسبت به بخش قابل تسلیم صحیح است و مشتری حق فسخ دارد.
- (۲) بیع صحیح است و مشتری حق فسخ ندارد.
- (۳) بیع غیرنافذ است.
- (۴) بیع باطل است.

(آزاد ۸۲)

۱۵- طبق قانون مدنی، کدام گزینه در مورد تسلیم مبیع صحیح است؟

- (۱) تسلیم مبیع اصولاً شرط صحت عقد بیع است.
- (۲) تسلیم مبیع سبب ایجاد مالکیت برای مشتری می‌شود.
- (۳) تسلیم مبیع از آثار بیع صحیح است.
- (۴) تسلیم مبیع نه از آثار عقد است و نه سبب مالکیت می‌شود، بلکه از آثار تملیک است.

۱۶- در عقد بیع شرط شده که خریدار تا سه ماه بعد از انعقاد عقد، حق فسخ معامله را داشته باشد، ولی خیار فسخی برای بایع یا ثالث مقرر نشده

(آزاد ۸۲)

است، مبیع تسلیم خریدار گردیده و دو ماه پس از انجام معامله تلف شده است، تلف برعهده چه کسی است؟

- (۱) چون پس از تسلیم بوده فروشنده مسئولیتی ندارد و تلف از مال خریدار است.
- (۲) فقط در صورتی تلف برعهده فروشنده است که ثابت شود تلف در اثر عیبی بوده که هنگام عقد وجود داشته.
- (۳) برعهده فروشنده است.
- (۴) در صورتی تلف برعهده فروشنده است که خریدار ثابت کند تلف در اثر عیبی بوده که فروشنده در هنگام عقد از آن اطلاع داشته است.

(وکالت ۸۲)

۱۷- در صورتی که مبیع قبل از تسلیم بدون اهمال و تقصیر بایع تلف شود:

- (۱) برای مشتری حق فسخ ایجاد می‌شود.
- (۲) به دلیل تلف مبیع قبل از قبض، بیع منفسخ می‌گردد.
- (۳) بیع صحیح است و مشتری می‌تواند برای دریافت غرامت به بایع رجوع کند.
- (۴) گزینه‌های ۱ و ۳ صحیح است.

(وکالت ۸۲)

۱۸- تسلیم مبیع وقتی محقق می‌گردد که:

- (۱) مشتری مبیع را عملاً تصرف کرده باشد.
- (۲) کافی است مشتری خود قدرت بر تسلیم مبیع را داشته باشد.
- (۳) مبیع در اختیار مشتری قرار گیرد و عملاً از آن استفاده نماید.
- (۴) مبیع در اختیار مشتری قرار گیرد هر چند عملاً در آن تصرف نکرده باشد.

۱۹- هرگاه طرفین عقد بیع با علم به غیرقابل تسلیم بودن مبیع معامله کنند، ولی بعد از عقد خریدار قادر بر تسلیم شود عقد بیع (سراسری ۸۳)

- (۱) باطل است
- (۲) منفسخ است.
- (۳) غیرنافذ است.
- (۴) بایع حق فسخ دارد.



- ۲۰- اگر مبیع موضوع تعهد در قراردادی عین کلی باشد، متعهد از چه نوع باید وفای به عهد کند؟ (سراسری ۸۳)
- (۱) به وسیله‌ی مشاهده انجام می‌شود.
(۲) به وسیله شمارش در زمان عقد انجام می‌شود.
(۳) منحصرأ به وسیله‌ی وصف انجام می‌شود.
(۴) به وسیله‌ی وزن کردن هنگام عقد انجام می‌شود.
- ۲۱- کدام خیار در بیع کلی به وجود نمی‌آید؟ (سراسری ۸۳)
- (۱) مجلس (۲) غبن (۳) رؤیت (۴) تأخیر ثمن
- ۲۲- اگر بعد از عقد و قبل از تسلیم نقصی در مبیع حاصل شود: (آزاد ۸۳)
- (۱) نقص در حکم تلف جزء است و موجب انفساخ عقد بیع می‌گردد.
(۲) چون نقص باید هنگام انعقاد عقد وجود داشته باشد، نقص بعد از عقد هیچ تأثیری در عقد بیع ندارد.
(۳) مشتری فقط حق فسخ معامله را دارد.
(۴) مشتری می‌تواند معامله را فسخ کند یا ارش مطالبه نماید.
- ۲۳- اگر در خیار شرط آغاز مدت در عقد بیع ذکر نشده باشد، این نقص چه اثری در عقد و شرط دارد؟ (وکالت ۸۳)
- (۱) عقد و شرط باطل است.
(۲) عقد نافذ و شرط غیر نافذ است.
(۳) عقد نافذ و شرط خیار باطل است.
(۴) عقد نافذ است و ابتدای خیار از تاریخ عقد محسوب است.
- ۲۴- اگر کالای فروخته شده دارای عیب باشد و خریدار بخواهد ارش بگیرد، میزان چه مقدار است؟ (وکالت ۸۳)
- (۱) خسارت ناشی از عیب کالا
(۲) تفاوت قیمت کالای بی‌عیب و معیوب در بازار
(۳) تفاوت قیمت کالای بی‌عیب در بازار و ثمن معامله
(۴) به نسبت قیمت کالای بی‌عیب و معیوب در بازار از ثمن معامله کسر می‌شود.
- ۲۵- اگر نحوه پرداخت ثمن در عقد بیع معلوم نباشد ... (سراسری ۸۴)
- (۱) بیع به وسیله بایع قابل فسخ است.
(۲) بیع درست است و بایع می‌تواند ثمن را مطالبه کند.
(۳) بیع به واسطه مجهول بودن عوضین باطل است.
(۴) بیع به واسطه خلاف قانون بودن باطل است.
- ۲۶- اگر برای پرداخت ثمن، شخص ثالثی ضامن خریدار شود و تا سه روز ضامن و خریدار هیچ‌کدام ثمن را تأدیه نکنند ... (سراسری ۸۴)
- (۱) بیع لازم است و فروشنده حق فسخ ندارد.
(۲) فروشنده حق دارد بیع را به استناد خیار تأخیر ثمن فسخ نماید.
(۳) فروشنده حق دارد بیع را به استناد خیار غبن فسخ نماید.
(۴) خریدار حق دارد بیع را به استناد تخلف از شرط فسخ نماید.
- ۲۷- اگر خریدار به واسطه معیوب بودن مبیع بخواهد ارش بگیرد، میزان آن چقدر است؟ (سراسری ۸۴)
- (۱) معادل تفاوت قیمت کالا در روز انعقاد و روز پرداخت ارش.
(۲) معادل نسبت بهای کالای بی‌عیب و معیوب در بازار از ثمن معامله.
(۳) معادل تفاوت قیمت کالای بی‌عیب و معیوب در بازار.
(۴) معادل تفاوت قیمت کالای معیوب در بازار و ثمن معامله.
- ۲۸- در مورد تلف مبیع پس از قبض کدام گزینه صحیح است؟ (سراسری ۸۴)
- (۱) اگر معامله جایز باشد بایع مسئولیت دارد.
(۲) بایع پس از قبض هم مسئول هر گونه تلف قهری است.
(۳) اگر مشتری خیار شرط داشته باشد، بایع مسئولیت دارد.
(۴) بایع پس از قبض اصلاً مسئولیت ندارد.
- ۲۹- اگر نحوه پرداخت ثمن در عقد بیع معلوم نباشد ... (سراسری ۸۴)
- (۱) بیع به وسیله بایع قابل فسخ است.
(۲) بیع درست است و بایع می‌تواند ثمن را مطالبه کند.
(۳) بیع به واسطه مجهول بودن عوضین باطل است.
(۴) بیع به واسطه خلاف قانون بودن باطل است.
- ۳۰- اگر فروشنده هنگام معامله قدرت بر تسلیم قسمتی از مبیع را نداشته باشد، عقد بیع چه وضعی دارد؟ (آزاد ۸۴)
- (۱) عقد بیع باطل است.
(۲) عقد بیع فقط نسبت به قسمتی که امکان تسلیم ندارد باطل است و خریدار باید در هر حال ثمن را نسبت به بقیه مبیع بپردازد.
(۳) بیع نسبت به قسمتی که قدرت بر تسلیم وجود ندارد باطل است و نسبت به بقیه خریدار حق فسخ معامله را دارد.
(۴) عدم قدرت بر تسلیم قسمتی از مبیع موجب انفساخ عقد در همان قسمت است.

(سراسری ۸۵)

۳۱- اگر در مدت خيار شرط بايع، خريدار مبيع را بفروشد بيع است؟

- (۱) صحيح است. (۲) باطل است. (۳) غير نافذ است. (۴) قابل فسخ است.

(سراسری ۸۵)

۳۲- در برابر شفيع چه كسى ضامن درك مبيع است؟

- (۱) بايع (۲) مشتري (۳) بايع و مشتري (۴) هيچ كس

۳۳- شخصي ثلث صندوق ميوه‌اي را خريداري كرده است و قبل از تحويل، دو ثلث ديگر آن تلف شده است، باقي مانده تعلق دارد. (سراسری ۸۵)

- (۱) به خريدار (۲) به فروشنده (۳) نيمي به خريدار و نيمي به فروشنده (۴) يك ثلث به خريدار و دو ثلث به فروشنده

(آزاد ۸۵)

۳۴- در مبيع معيوب، چنان‌چه عيب حادث در زمان تصرف مشتري ناشي از عيب قديم باشد، مشتري:

- (۱) فقط حق فسخ دارد نه مطالبه ارجش (۲) حق دارد مبيع را رد نموده و ارجش هم بگيرد. (۳) فقط حق اخذ ارجش دارد. (۴) حق دارد به دلخواه خود به اخذ ارجش يا فسخ معامله مبادرت نمايد.

(وکالت ۸۵)

۳۵- شخصي كالايي را خريداري نموده و متعاقباً آن را به ديگري منتقل مي‌نمايد. پس از معامله دوم متوجه مي‌شود كه مورد معامله از بدو امر معيوب بوده:

- (۱) خريدار اول مي‌تواند با تادييه مثل يا قيمت، معامله اول را فسخ كند. (۲) خريدار اول مي‌تواند فقط مطالبه ارجش كند. (۳) خريدار اول بين مطالبه ارجش و يا فسخ معامله مختار است. (۴) حق خيار خريدار اول با انتقال به غير ساقط شده است.

(وکالت ۸۵)

۳۶- کدام يك از عبارات زير معرف ضمان درك است؟

- (۱) ضمان درك عبارت است از مسئوليت بايع يا مشتري نسبت به استرداد ثمن يا مبيع در صورت مستحق للغير در آمدن مبيع يا ثمن. (۲) ضمان درك عبارت است از ضمانت بايع از مشتري نسبت به ثمن متعلق به غير. (۳) ضمان درك عبارت است از تعهد مشتري در مقابل بايع نسبت به مبيع متعلق به غير. (۴) ضمان درك عبارت است از مسئوليت هر يك از طرفين عقد بيع نسبت به ثالث در صورت مستحق للغير در آمدن موضوع عقد.

(وکالت ۸۵)

۳۷- اگر بعض از مبيع ماليت نداشته باشد، عقد بيع چه حكمي دارد؟

- (۱) بيع باطل است. (۲) بيع درست است و خريدار مي‌تواند ارجش بگيرد. (۳) بيع نسبت به بعض باطل است و نسبت به بعض ديگر خريدار از جهت تبعض صفقه خيار فسخ دارد. (۴) بيع درست و لازم است.

۳۸- قاليچه‌اي به شرط داشتن مقدار معين ابعاد فروخته مي‌شود، ولي در زمان تسليم معلوم مي‌گردد كه بيش از آن مقدار است. در اين صورت،

(وکالت ۸۵)

خريدار و فروشنده چه حقي دارند؟

- (۱) خريدار و فروشنده هر دو حق فسخ بيع را دارند. (۲) مقدار زايد متعلق به فروشنده است. (۳) فروشنده حق فسخ بيع را دارد. (۴) فروشنده به تناسب بهاي قراردادي بر مساحت شرط شده مي‌تواند بر ثمن بيفزاید.

(وکالت ۸۵)

۳۹- اگر مالي به وصف و نديده فروخته شود و هنگام تسليم معلوم شود كه مبيع وصف مشروط را ندارد، خريدار چه اختياري دارد؟

- (۱) مي‌تواند الزام فروشنده را به تسليم مالي كه داراي وصف معهود است بخواهد. (۲) مي‌تواند معامله را فسخ كند. (۳) مي‌تواند به ميزان نقصان قيمت در نتيجه فقدان وصف از ثمن بكاهد. (۴) معامله باطل است و براي خريدار حق انتخابي نيست.

۴۰- فرض كنيد در قراردادي چند كالاي مختلف فروخته مي‌شود و بها براي كل مبيع معين شده ولي قيمت هر كالا تعيين شده است در اين فرض،

(وکالت ۸۵)

اگر بعضي از آن كالاها معيوب درآيد، خريدار چه اختياري پيدا مي‌كند؟

- (۱) خريدار مي‌تواند تمام مبيع را فسخ كند يا تمام آن را نگاهدارد و ارجش بگيرد. (۲) خريدار مي‌تواند مبيع را نسبت به مال معيوب فسخ كند. (۳) خريدار حق فسخ ندارد و فقط مي‌تواند ارجش بگيرد. (۴) خريدار مي‌تواند تمام مبيع را فسخ كند و حق بر ارجش ندارد.

(آزاد ۸۶)

۴۱- اگر يك قطعه زمين به شرط آن كه ۵۰۰ متر باشد فروخته شود، بعد معلوم شود كه ۵۵۰ متر است، مطابق قانون مدني معامله چه وضعي دارد؟

- (۱) هر يك از فروشنده يا خريدار حق فسخ معامله را دارند. (۲) فروشنده حق فسخ معامله را دارد. (۳) مقدار اضافي متعلق به فروشنده است.

- (۴) مقدار اضافي متعلق به خريدار است، مشروط بر آن كه قيمت آن را طبق توافق اوليه به فروشنده بپردازد.



۴۲- اگر در بیع فضولی هنگام معامله قدرت بر تسلیم وجود داشته باشد، ولی در هنگام اجازه مالک قدرت بر تسلیم نباشد، بیع چه وضعی دارد؟ (آزاد ۸۶)

(۱) بیع باطل است.

(۲) بیع منفسخ می‌شود.

(۳) چون اجازه مالک اثر قهقرایی دارد و به زمان عقد بر می‌گردد، بیع صحیح است.

(۴) خریدار حق فسخ معامله را دارد.

۴۳- مالی فروخته می‌شود، بدون این که محل تسلیم مبیع در آن تصریح شود یا عرف اقتضای تسلیم در محلی را داشته باشد، مبیع در کجا باید تسلیم شود؟ (وکالت ۸۶)

(۱) در محل وقوع عقد بیع (۲) در محل وقوع مال (۳) در محل اقامت فروشنده (۴) در محل اقامت خریدار

۴۴- زمینی که مساحت واقعی آن ۲۵۰ متر است، به تصور ۲۰۰ متر مربع مورد معامله واقع می‌شود و بعداً موضوع معاملات عدیده قرار می‌گیرد آخرین خریدار متوجه اضافه مساحت آن می‌شود کدام گزینه در مورد مازاد مساحت زمین صحیح است؟ (سراسری ۸۷)

(۱) به فروشنده تعلق دارد؛ بنابراین خریدار باید اضافه مساحت را به آخرین فروشنده مسترد نماید.

(۲) به آخرین خریدار تعلق دارد که بایستی بهای روز آن را به اولین فروشنده یا وارث او بپردازد.

(۳) به آخرین خریدار تعلق می‌گیرد که بایستی بهای روز آن را به ید قبلی خود بپردازد.

(۴) بر مبنای ثمن مندرج در اولین سند انتقال و تودیع آن در صندوق ثبت به آخرین خریدار تعلق می‌گیرد.

۴۵- فروش ۳ دانه برنج به قیمت ۳۰ ریال... (سراسری ۸۷)

(۱) صحیح است. (۲) باطل است. (۳) شخصاً باطل و نوعاً صحیح است. (۴) نوعاً باطل و شخصاً صحیح است.

۴۶- در احکام عقد بیع: (آزاد ۸۷)

(۱) حکم قاعده تخییری بر عرف مقدم است.

(۲) چنانچه طرفین در مورد قواعد تخییری سکوت کنند، این قواعد اجرا نمی‌شود.

(۳) عرف بر قاعده تخییری مقدم است.

(۴) حکم قاعده تخییری با عرف غیر قابل جمع است.

۴۷- اگر بعد از انعقاد عقد بیع، فروشنده قدرت بر تسلیم قسمتی از مبیع را به طور دائم از دست بدهد، عقد بیع چه وضعی دارد؟ (وکالت ۸۷)

(۱) عقد بیع فقط نسبت به همان قسمت باطل است.

(۲) عقد بیع نسبت به همان قسمت منفسخ می‌شود.

(۳) خریدار حق فسخ معامله را فقط نسبت به همان قسمت دارد.

(۴) عقد بیع نسبت به آن قسمت منفسخ می‌شود، و نسبت به بقیه، مشتری حق فسخ دارد.

۴۸- خریدار ظرف سه روز بخشی از ثمن معامله را پرداخت کرده، و فروشنده هم به همان نسبت مبیع را تسلیم کرده است، معامله چه وضعی دارد؟ (وکالت ۸۷)

(۱) حق فسخ برای هیچ کدام از طرفین وجود ندارد، و آنان ملزم به اجرای تعهدات خود هستند.

(۲) فروشنده می‌تواند معامله را به طور کلی فسخ کند.

(۳) فروشنده فقط نسبت به باقیمانده ثمن حق فسخ دارد.

(۴) هر یک از طرفین نسبت به باقیمانده‌ی مبیع یا ثمن حق فسخ معامله را دارند.

۴۹- مؤسسه‌ای جهت تهیه غذای کارکنان خود ۵۰ لاشه گاو از کشتارگاه خریداری نموده است. پس از آزمایش، بیماری جنون گاوها محرز شده است. اگر این معامله قابل فسخ باشد، خریدار تحت چه عنوانی حق فسخ معامله را دارد؟ (سراسری ۸۸)

(۱) خیار عیب - خیار غبن (۲) خیار حیوان، خیار عیب - خیار شرط

(۳) خیار حیوان - خیار تخلف شرط (۴) خیار عیب - خیار تخلف وصف

۵۰- منظور از «ضمان معاوضی» در عقد بیع (آزاد ۸۸)

(۱) تحمل خطر تلف مال است. (۲) ضمان قهری است. (۳) ضمان عقدی است. (۴) ضمان معاملی نیست.

۵۱- قاعده تلف مبیع قبل از قبض در حقوق ایران، ناظر به مبیعی است که: (آزاد ۸۸)

(۱) کلی در معین باشد. (۲) عین معین باشد. (۳) کلی فی الذمه باشد. (۴) همه موارد

کج ۵۲- چنانچه در عقد بیعی که مبیع آن کلی است جنس و مقدار مبیع ذکر شود ولی وصف آن ذکر نگردد، عقد بیع چه وضعیتی دارد؟ (وکالت ۸۸)

(۱) صحیح است.

(۲) قابل فسخ است.

(۳) باطل است.

(۴) صحیح است ولی فروشنده مجبور نیست فرد اعلای آن را ایفا کند.

کج ۵۳- شخصی مالی را به منظور صادر کردن به خارج خریداری می‌کند در حالی که صدور آن کالا به خارج به موجب قانون ممنوع بوده است. این قرار

داد چه حکمی دارد؟ (سراسری ۸۹)

(۱) صحیح است.

(۲) باطل است.

(۳) غیرنافذ است.

(۴) قابل فسخ است.

کج ۵۴- معیار تفکیک بیع از معاوضه عدم ملاحظه..... هر یک از عوضین است. (سراسری ۸۹)

(۱) اوصاف کمی

(۲) اوصاف کیفی

(۳) مبیع و ثمن بودن

(۴) ارزش اقتصادی

کج ۵۵- شخصی پس از خرید یک کامیون عیبی را در آن می‌یابد، با وجود این کامیون را به دیگری انتقال می‌دهد. در این وضعیت حق فسخ... (سراسری ۸۹)

(۱) ساقط می‌شود.

(۲) به خریدار دوم منتقل می‌شود.

(۳) همچنان در اختیار خریدار اول باقی می‌ماند.

(۴) در اختیار خریدار اول است، مگر این که صراحتاً آن را به خریدار دوم منتقل نماید.

کج ۵۶- اگر مشتری مبیع را به ثالث بفروشد و بیع اول فسخ شود، تکلیف بیع دوم چیست؟ (سراسری ۸۹)

(۱) باطل است.

(۲) صحیح است.

(۳) اصولاً صحیح است، مگر این که صراحتاً آن را به خریدار دوم منتقل نماید. (۴) اصولاً باطل است، مگر این که صراحتاً اجازه داده شد باشد.

کج ۵۷- شخصی خودرو خود را به قیمت بیست میلیون تومان می‌فروشد. پس از انجام معامله مقرر می‌شود خودرو یک ماه در نزد فروشنده عاریه باشد.

اگر پس از یک ماه فروشنده از تحویل خودرو امتناع ورزد عنوان حقوقی مطالبه خودرو چیست؟ چرا؟ (سراسری ۸۹)

(۱) الزام به تسلیم مال بدون عنوان، چون سبب منتفی است.

(۲) الزام به تسلیم مبیع، چون عنوان اول باقی است.

(۳) الزام به تسلیم مال مورد عاریه، چون عنوان اول منتفی است.

(۴) الزام به تسلیم مبیع و عاریه، چون هر دو عنوان باقی هستند.

کج ۵۸- در ضمن قرارداد بیع خانه‌ای شرط می‌شود که خریدار خودرو خارجی نوع خاصی را وارد کرده و به فروشنده هبه کند. یک هفته پس از انعقاد

عقد، واردات خودرو به کشور قانوناً ممنوع می‌شود، تکلیف شرط و عقد چیست؟ (سراسری ۸۹)

(۱) عقد صحیح و شرط باطل است.

(۲) عقد و شرط هر دو باطل است.

(۳) مشروطه‌له حق فسخ قرارداد اصلی را دارد.

(۴) عقد و شرط هر دو صحیح هستند و مشروط‌علیه ملزم به تأدیه قیمت خودرو خارجی است.

کج ۵۹- ماده ۳۳۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم»، اصطلاح «عین» در این ماده در مقابل..... است. (سراسری ۸۹)

(۱) حق

(۲) منفعت

(۳) اموال معنوی

(۴) کلی فی‌الذمه

کج ۶۰- اگر مشتری مبیع را به ثالث بفروشد و بیع اول فسخ شود، تکلیف بیع دوم چیست؟ (سراسری ۸۹)

(۱) باطل است.

(۲) صحیح است.

(۳) اصولاً صحیح است، مگر این که صراحتاً آن را به خریدار دوم منتقل نماید. (۴) اصولاً باطل است، مگر این که صراحتاً اجازه داده شده باشد.

کج ۶۱- در صورتی که طرفین عقد بیع معتقد باشند که مبیع قابل تسلیم نیست ولی واقعاً قابل تسلیم باشد، عقد بیع..... (آزاد ۸۹)

(۱) باطل است

(۲) صحیح است

(۳) قابل فسخ است

(۴) منفسخ می‌شود

کج ۶۲- شرط تأخیر در انتقال ملکیت به خریدار در عقد بیع عین معین: (وکالت ۸۹)

(۱) صحیح است.

(۲) باطل است، اما عقد بیع صحیح است.

(۳) چون موجب تعلیق در عقد است، باطل و مبطل عقد است. (۴) چون مخالف مقتضای ذات عقد است، باطل و مبطل عقد است.

که ۶۳- اگر بعد از انعقاد عقد بیع خریدار مدعی شود که معامله را به نمایندگی از شخص دیگری منعقد کرده است، تکلیف چیست؟ (سراسری ۹۰)

- (۱) با ادعای نمایندگی، فروشنده حق دارد قرارداد را به واسطه تغییر خریدار فسخ کند.
- (۲) با اثبات نمایندگی، نماینده از اجرای تعهد و مسئولیت معاف است.
- (۳) با ادعای نمایندگی، به عقد به واسطه فقدان قصد معین در هنگام عقد باطل محسوب می‌شود.
- (۴) اثبات نمایندگی در رابطه نماینده و اصیل موثر است؛ بنابراین نماینده خود مکلف به اجرای تعهدات ناشی از عقد است.

که ۶۴- اگر در بیع عین کلی آنچه که تحویل مشتری شده با اوصاف مقرر میان طرفین معامله متفاوت باشد: (آزاد ۹۰)

- (۱) مشتری حق الزام به اجرای عین تعهد دارد.
- (۲) مشتری حق دریافت خسارت دارد.
- (۳) مشتری حق الزام به اجرای اجباری تعهد و دریافت خسارت دارد.
- (۴) عقد توسط مشتری قابل فسخ است.

که ۶۵- در عقد بیع کدام یک از موارد ذیل مانع از انتقال مالکیت به مشتری است؟ (وکالت ۹۰)

- (۱) مؤجل بودن مبیع
- (۲) مؤجل بودن ثمن
- (۳) وجود خيار فسخ برای یکی از متبایعین
- (۴) هیچ کدام

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل اول

۱- گزینه ۳» اقاله مطابق ماده ۲۶۴ قانون مدنی یکی از اسباب سقوط تعهدات محسوب می‌گردد و آن عبارتست از: بر هم زدن عقد لازم به تراضی طرفین معامله. اقاله عقد است لذا نکاح و وقف قابلیت اقاله را ندارند. در فرض پرسش، هرگاه مال قیمی باشد و به ثالث فروخته شود، با اقاله عقد لازم چه مالی باید به بایع تحویل گردد؟ آن چه مسلم است این که به لحاظ قیمی بودن مال، مشتری مکلف است بهای زمان اقاله را بپردازد نه زمان عقد. ضمن این که منظور از قیمی بودن مال، مطابق ماده ۹۵۰ قانون عبارتست از مالی که اشباه و نظایر آن نوعاً زیاد و شایع نباشد مانند ساعت قدیمی، اسب سوارکاری و ...

۲- گزینه ۲» مطابق ماده ۳۷۷ قانون مدنی «هر یک از بایع و مشتری حق دارد که از تسلیم مبیع یا ثمن خودداری کند تا طرف دیگر حاضر به تسلیم شود مگر این که مبیع یا ثمن مؤجل باشد. در این صورت هر کدام از مبیع یا ثمن که حال باشد باید تسلیم شود». هزینه نگاهداری مبیع در دوران اجرای حق حبس توسط بایع بر عهده خریدار است؛ زیرا بایع در اثر امتناع مشتری از تسلیم ثمن مبیع را حبس نموده است؛ به همین جهت هم هزینه و هم منافع تابع ملک می‌باشد و منافع آن متعلق به بایع است.

۳- گزینه ۴» مطابق ماده ۴۲۲ قانون مدنی، «اگر بعد از معامله ظاهر شود که مبیع معیوب بوده، مشتری مختار است در قبول مبیع معیوب یا اخذ ارش یا فسخ معامله» تشخیص عیب برحسب عرف و عادت بوده و برحسب زمان و مکان متفاوت است. ارش در اصطلاح مدنی عبارتست از تفاوت قیمت صحیح و معیوب روز تقویم مال مورد معامله، گاه آن را ارش عیب نیز می‌گویند. مطابق قسمت اخیر ماده ۴۲۷ قانون مدنی، اگر قیمت مبیع در حال بی‌عیبی کمتر یا زیاده‌تر از ثمن معامله باشد، نسبت بین قیمت مبیع در حال معیوبی و قیمت آن در حال بی‌عیبی معین شده و بایع باید از ثمن مقرر به همان نسبت نگاه داشته و بقیه را به عنوان ارش به مشتری رد کند.

۴- گزینه ۱» مطابق ماده ۱۸۸ قانون مدنی «عقد خیار آن است که برای طرفین یا یکی از آن‌ها یا برای ثالثی اختیار فسخ باشد». در عرف حقوقی، عقد خیار به عقد لازمی گفته می‌شود که در آن شرط خیار شده است. قانون مدنی در ماده ۳۹۶ اقسام خیار را در ۱۰ فقره ذکر کرده است. وفق ماده ۴۵۹ همین قانون، در بیع شرط یعنی طرفین معامله شرط کنند که هرگاه بایع در مدت معینی تمام مثل ثمن را به مشتری رد کند اختیار فسخ معامله را نسبت به تمام مبیع داشته باشد. «به مجرد عقد، مبیع ملک مشتری می‌شود با قید خیار برای بایع ...» لذا مالکیت از حین انعقاد بیع حاصل می‌شود.

۵- گزینه ۴» فروش مال غیر بدون اذن «مالک» از اقسام معامله فضولی است که قبلاً در این خصوص توضیحاتی ارائه گردید. حال، در فرض پرسش، در صورتی که معامل فضولی مال مورد معامله را به اصیل تسلیم کرده باشد و آن مال نزد وی موجود باشد، مالک خواهد توانست با رد معامله به او مراجعه کرده و عین مال خود را مسترد نماید. لیکن هرگاه مورد معامله نزد اصیل تلف شده باشد، مالک بدل مال و همچنین کلیه منافع و نمائات مال را می‌تواند از اصیل وصول نماید، خواه آن منافع مورد استفاده اصیل قرار گرفته باشد یا خیر؟

اما اگر مال نزد اصیل ناقص یا معیوب شده باشد خود مال به اضافه مبلغی که برای جبران ضرر ناشی از عیب یا نقص لازم است به مالک تسلیم می‌گردد. ماده ۲۵۹ قانون مدنی در این خصوص اظهار می‌دارد: «هرگاه معامل فضولی مالی را که موضوع معامله بوده است به تصرف متعامل داده باشد و مالک آن معامله را اجاره نکند، متصرف ضامن عین و منافع است.»

۶- **گزینه «۱»** قانون مدنی، از ماده ۱۱ تا ۲۳ در بیان انواع اموال ضمن تقسیم آن به دو قسم منقول و غیرمنقول به مقررات مربوط به هر یک پرداخته است وفق ماده ۲۰ این قانون، کلیه دیون، از قبیل قرض و ثمن مبیع و مال الاجاره عین مستأجره از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول است ولو این که مبیع یا عین مستأجره از اموال غیرمنقول باشد.

۷- **گزینه «۳»** مطابق ماده ۴۲۲ قانون مدنی، «اگر بعد از معامله ظاهر شود که مبیع معیوب بوده، مشتری مختار است در قبول مبیع معیوب یا اخذ ارش یا فسخ معامله.» در واقع ارش، تفاوت قیمت صحیح و معیوب مورد معامله را گویند که برابر ماده ۴۲۷ قانون یاد شده توسط اهل خبره یا کارشناس معین می‌شود و معیار تعیین قیمت مبیع سالم و معیوب زمان عقد است، لیکن اگر عیب بعد از عقد و پیش از قبض، یا زمان خیار مختص مشتری عارض شود، ملاک تعیین ارش، قیمت زمان حدوث عیب است.

۸- **گزینه «۲»** به دلیل این که جهل به قیمت باعث جهل به عوضین نیست تا موجب بطلان شود. ایراد گزینه ی ۱ آن است که عقد در صورتی باطل است که چنین جهلی موجب جهل به عوضین شود در صورتی که در ما نحن فیه چنین نیست. هر چند گزینه ۱ صحیح تر است. و به موجب ماده ۲۱۶ قانون مدنی: «مورد معامله باید مبهم نباشد، مگر در موارد خاصه که علم اجمالی به آن کافی است.»

۹- **گزینه «۳»** گاهی مجهول بودن مورد شرط به مورد معامله نیز سرایت می‌کند و آن را نیز مجهول می‌گرداند. این شرط عقد را نیز باطل می‌کند مانند آن که ضمن فروش یک قطعه زمین ۳۰۰۰ متری، به نفع فروشنده شرط شود که پس از ساختن خانه‌هایی در قطعات زمین یاد شده توسط خریدار، یکی از خانه‌ها به فروشنده آن هم با انتخاب خود مالک و تملک نماید. مورد شرط باعث بطلان عقد می‌گردد. زیرا این شرط از جمله شروطی است که مورد آن مجهول است و به معامله نیز سرایت می‌کند. به همین دلیل هم از جمله شرایطی است که نه تنها باطل است، بلکه موجب بطلان عقد نیز می‌شود و مطابق ماده ۲۳۳ قانون مدنی شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین می‌گردد، از شروط مفصله‌ای است که خود باطل بوده و موجب بطلان عقد می‌شود.

۱۰- **گزینه «۳»** مطابق ماده ی ۳۵۱ قانون مدنی، در بیع کلی، رفع ابهام از مبیع تنها با ذکر مقدار، جنس و وصف آن صورت می‌پذیرد و ذکر سایر خصوصیات لازم نیست. با این توضیح ایراد سایر گزینه‌ها روشن می‌گردد.

۱۱- **گزینه «۱» به موجب ماده ی ۳۶۲ قانون مدنی:** «آثار بیعی که صحیحاً واقع شده باشد، از قرار ذیل است:

۱- به مجرد وقوع بیع مشتری مالک مبیع و بایع مالک ثمن می‌شود.

۲- عقد بیع، بایع را ضامن درک مبیع و مشتری را ضامن درک ثمن قرار می‌دهد.

۳- عقد بیع، بایع را به تسلیم مبیع ملزم می‌نماید.

۴- عقد بیع، مشتری را به تأدیه ی ثمن ملزم می‌کند.

۱۲- **گزینه «۱»** در صورتی که شخصی، مالی را ندیده و آن را فقط به وصف بخرد، بعد از دیدن اگر دارای اوصافی که ذکر شده است نباشد، مختار می‌شود که بیع را فسخ کند یا به همان نحو که هست قبول کند، لیکن هرگاه مشتری بعضی از مبیع را دیده و بعضی دیگر را به وصف یا از روی نمونه خریده باشد و آن بعضی مطابق وصف یا نمونه نباشد می‌تواند تمام مبیع را رد کند یا تمام آن را قبول نماید. و ماده ۴۱۲ قانون مدنی نیز بر آن تأکید دارد. ضمن این که در این فرض هرگاه بایع نیز مبیع را ندیده ولی مشتری آن را دیده باشد و مبیع غیر از اوصافی که ذکر شده است باشد، فقط بایع خیار فسخ خواهد داشت. با عنایت به مراتب پیش گفته گزینه «۱» صحیح است. در ضمن ماهیت اختیار، خیار رؤیت و تخلف از وصف است.

۱۳- **گزینه «۱»** مطابق ماده ۳۵۵ ق.م «اگر ملکی به شرط داشتن مساحت معین فروخته شده باشد و بعد معلوم شود که کمتر از آن مقدار است، مشتری حق فسخ معامله را خواهد داشت. اگر معلوم شود که بیشتر است، بایع می‌تواند آن را فسخ کند، مگر این که در هر دو صورت، طرفین به محاسبه زیاده یا نقیصه تراضی نمایند، این ماده قانونی از مصادیق ماده ۲۳۵ قانون مدنی است و در خصوص اشتباه در وصف کمی معامله است. ضمن این که خیار یاد شده نیز، خیار تخلف از وصف است.

۱۴- **گزینه «۱»** مطابق ماده ۳۷۲ قانون مدنی «اگر نسبت به بعضی مبیع، بایع قدرت بر تسلیم داشته و نسبت به بعضی دیگر نداشته باشد، بیع نسبت به بعضی که قدرت بر تسلیم داشته، صحیح است و نسبت به بعضی دیگر باطل است.» هر چند تسلیم عبارت است از دادن بیع به تصرف مشتری به نحوی که متمکن از انحاء تصرفات و انتفاعات باشد و مقدورالتسلیم نبودن مبیع از موجبات بطلان است، لیکن در فرض پرسش و نسبت به بخش قابل تسلیم مبیع، عقد صحیح است، لیکن نسبت به بعضی دیگر که قابلیت تسلیم ندارد بیع باطل است هر چند گزینه «۱» به مشتری حق فسخ داده است با این حال این گزینه نسبت به مابقی گزینه‌ها صحیح تر به نظر می‌رسد.

۱۵- **گزینه «۳»** مطابق ماده ی ۳۶۲ قانون مدنی آثار بیعی که صحیحاً واقع شده باشد، از قرار زیر است: ۱- عقد بیع بایع را به تسلیم مبیع ملزم می‌کند.

۱۶- **گزینه «۳»** مطابق ماده ی ۴۵۳ قانون مدنی در خیار مجلس، حیوان و شرط، اگر مبیع بعد از تسلیم و در زمان خیار بایع یا متعاملین تلف یا ناقص شود، بر عهده ی مشتری است و اگر خیار مختص مشتری باشد، تلف یا نقص بر عهده ی بایع است.

۱۷- **گزینه «۲» به موجب ماده ی ۳۸۷ قانون مدنی:** «اگر مبیع قبل از تسلیم بدون تقصیر و اهمال از طرف بایع تلف شود، بیع منفسخ و ثمن باید به مشتری مسترد گردد، مگر این که بایع برای تسلیم به حاکم یا قائم مقام او رجوع نموده باشد که در این صورت تلف از مال مشتری خواهد بود.»



۱۸- گزینه «۴» به موجب مادهی ۳۶۸ قانون مدنی: «تسلیم وقتی حاصل می‌شود که مبیع تحت اختیار مشتری گذاشته شده باشد، اگرچه مشتری آن را هنوز عملاً تصرف نکرده باشد.»

۱۹- گزینه «۱» مطابق ماده ۳۴۸ قانون مدنی، بیع چیزی که خرید و فروش آن قانوناً ممنوع است و یا چیزی که مالیت و یا منفعت عقلانی ندارد یا چیزی که با بیع قدرت بر تسلیم آن ندارد باطل است، مگر این که مشتری خود قادر به تسلیم باشد. هر چند وفق قسمت اخیر ماده یاد شده عقد مذکور صحیح می‌باشد زیرا خریدار بعد از عقد قادر بر تسلیم مبیع بوده است، لیکن در هیچ یک از گزینه‌های مربوطه ذکری از صحت عقد نشده است. لذا به نظر می‌رسد طراح سؤال ضمن توجه به قسمت ابتدایی این ماده و فقد قصد واقعی طرفین، بطلان عقد را لحاظ کرده است.

۲۰- گزینه «۳» مطابق ماده ۳۵۱ قانون مدنی، «در صورتی که مبیع کلی باشد، بیع وقتی صحیح است که مقدار و جنس و وصف مبیع ذکر شود.» منظور از مبیع کلی این است که بر افراد عدیده صادق باشد. مانند خرید گندم یا برنج به صورت کلی و عمده که می‌بایستی مقدار، جنس و وصف آن معلوم باشد. ضمن این که مبیع کلی باید از اموال مثلی باشد. یعنی مطابق ماده ۹۵ قانون مدنی، اشیاء و نظایر آن نوعاً زیاد و شایع باشد. مع ذلک تشخیص این معنی با عرف است.

۲۱- گزینه «۳» همان‌گونه که در ماده ۱۸۸ قانون مدنی نیز آمده است: «عقد خیاری آن است که برای طرفین یا یکی از آن‌ها یا برای ثالثی اختیار فسخ باشد.» ماده ۳۶۹ از همین قانون اقسام خیارات را برشمرده، ۴ گزینه یاد شده نیز در این اقسام موجود می‌باشند و تعریف و شرایط آنان نیز از ماده ۳۹۷ تا ۴۵۷ قانون مزبور ذکر شده است. مطابق ماده ۴۱۴ قانون مدنی «در بیع کلی خیار رؤیت نیست و با بیع باید جنسی بدهد که مطابق با اوصاف مقررین طرفین باشد.» بدین معنا که کسی مالی را ندیده و فقط به وصف می‌خرد... با توجه به مراتب مورد اشاره و به ویژه ماده اخیرالذکر، گزینه «۳» صحیح است.

۲۲- گزینه «۳» به استناد مادهی ۳۸۸ قانون مدنی: «اگر قبل از تسلیم در مبیع نقصی حاصل شود، مشتری حق خواهد داشت که معامله را فسخ نماید.» باید توجه داشت که مادهی ۳۸۸ قانون مدنی ناظر به خیار تخلف از وصف می‌باشد نه خیار عیب. بدیهی است دو مفهوم (تلف جزء) و عیب (از میان رفتن وصف سلامت) با یکدیگر تفاوت دارند.

۲۳- گزینه «۴» به موجب مادهی ۴۰۰ قانون مدنی: «اگر ابتدای مدت خیار ذکر نشده باشد، ابتدای آن از تاریخ عقد محسوب است و آلا تابع قرارداد متعاملین است.»

۲۴- گزینه «۴» به موجب مادهی ۴۲۷ قانون مدنی: «اگر در مورد ظهور عیب: مشتری اختیار ارش کند، تفاوتی که باید به او داده شود به طریق ذیل معین می‌گردد:

قیمت حقیقی مبیع در حال بی‌عیبی و قیمت حقیقی آن در حال معیوبی به توسط اهل خبره معین شود. اگر قیمت آن در حال بی‌عیبی مساوی با قیمتی باشد که در زمان بیع بین طرفین مقرر شده است، تفاوت بین این قیمت و قیمت مبیع در حال معیوبی مقدار ارش خواهد بود و اگر قیمت مبیع در حال بی‌عیبی کمتر یا زیادتر از ثمن معامله باشد، نسبت بین قیمت مبیع در حال معیوبی و قیمت آن در حال بی‌عیبی معین شده و با بیع باید از ثمن مقرر به همان نسبت نگاه داشته و بقیه را به عنوان ارش به مشتری رد کند.»

۲۵- گزینه «۲» وفق ماده ۳۹۴ قانون مدنی: «مشتری باید ثمن را در موعد و در محل و برطبق شرایطی که در عقد بیع مقرر شده است تأدیه نماید.» در فرض پرسش اگر نحوه پرداخت ثمن در عقد بیع معلوم نباشد، در این حال عرف حاکم بر رابطه دو طرف تعیین‌کننده خواهد بود. ضمن این که در فرضی که عرف نیز حکم معین ندارد، خریدار باید ثمن را به نقد بپردازد.

۲۶- گزینه «۱» دادن ضامن در حکم پرداخت است، مشروط بر این که بدون قید و شرط و مفید نقل ذمه باشد. ضمان تضامنی در حکم وثیقه است و باعث سقوط خیار فروشنده نمی‌شود. ماده ۴۰۸ قانون مدنی در این خصوص می‌گوید: «اگر مشتری برای ثمن ضامن بدهد یا با بیع ثمن را حواله دهد، پس از تحقق حواله خیار تأخیر ساقط می‌شود.»

۲۷- گزینه «۲» مطابق ماده ۴۲۷ قانون مدنی، اگر در مورد ظهور عیب مشتری اختیار ارش کند، تفاوتی که باید به او داده شود به طرق ذیل معین می‌گردد: قیمت حقیقی مبیع در حال بی‌عیبی و قیمت حقیقی آن در حال معیوبی به توسط اهل خبره معین می‌شود... معیار تعیین قیمت مبیع سالم و معیب، زمان عقد است.

۲۸- گزینه «۳» مطابق ماده ۴۵۳ قانون مدنی، «در خیار مجلس و حیوان و شرط اگر مبیع بعد از تسلیم و در زمان خیار با بیع یا متعاملین تلف یا ناقص شود، بر عهده مشتری است و اگر خیار مختص مشتری باشد، تلف یا نقص به عهده با بیع است.» برابر تصریح این ماده قانونی، تلف مبیع در زمان خیار مختص مشتری به عهده با بیع است و ویژه تلف مبیع و ناظر به ضمان فروشنده است و در مورد تلف ثمن قابلیت اجرا ندارد.

۲۹- گزینه «۲» وفق ماده ۳۹۴ قانون مدنی: «مشتری باید ثمن را در موعد و در محل و برطبق شرایطی که در عقد بیع مقرر شده است تأدیه نماید.» در فرض پرسش اگر نحوه پرداخت ثمن در عقد بیع معلوم نباشد، در این حال عرف حاکم بر رابطه دو طرف تعیین‌کننده خواهد بود. ضمن این که در فرضی که عرف نیز حکم معین ندارد، خریدار باید ثمن را به نقد بپردازد.

۳۰- گزینه «۳» به استناد ماده‌ی ۳۷۲ قانون مدنی: «اگر نسبت به بعض مبیع بایع قدرت بر تسلیم داشته و نسبت به بعض دیگر نداشته باشد، بیع نسبت به بعض که قدرت بر تسلیم داشته صحیح است و نسبت به بعض دیگر باطل است».

در این فرض برای این‌که از تجزیه‌ی مبیع زبانی متوجه خریدار نشود، قانون به او اختیار داده است که معامله را در بخش درست نیز به دلیل «خیار تبعض صفقه» فسخ کند. مطابق ماده ۴۴۱ قانون مدنی

۳۱- گزینه «۳» مطابق ماده ۴۶۰ قانون مدنی، «در بیع شرط مشتری نمی‌تواند در مبیع تصرفاتی که منافی خیار باشد از قبیل نقل و انتقال و ... انجام دهد». این‌گونه تصرفات منافی خیار بایع موجب عدم نفوذ معامله است و موکول به تنفیذ بایع می‌باشد و تا زمانی‌که بایع معامله را تنفیذ نکند، معامله صحیح نخواهد بود.

۳۲- گزینه «۲» مطابق قسمت اخیر ماده ۸۰۸ قانون مدنی، صاحب حق شفعه را شفیع گویند. و مطابق ماده ۸۱۷ از همین قانون در مقابل شریکی که به حق شفعه تملک می‌کند مشتری ضامن درک است نه بایع، در واقع اگر مبیع یا ثمن در فرض پرسش مستحق‌الغیر درآید، بایع ضامن نبوده و صرفاً مشتری ضامن درک است.

۳۳- گزینه «۴» از آن جایی که در فرض مسئله $\frac{1}{3}$ میوه به خریدار فروخته شده و $\frac{2}{3}$ آن تلف گردیده «قبل از تحویل به مشتری» و مبیع نیز به صورت مشاعی تعیین شده است، لذا تلف مال $\frac{2}{3}$ از مال فروشنده و خریدار بوده و مابقی $\frac{1}{3}$ بین آن‌ها مشترک می‌باشد به نسبت سهم.

۳۴- گزینه «۴» مطابق مواد ۴۲۹ و ۴۳۰ قانون مدنی، اگر مبیع معیوب نزد خریدار تلف شود یا تغییری در آن حاصل شود یا خریدار آن را به دیگری منتقل کند و یا عیب جدیدی در زمان تصرف خریدار در مبیع حادث شود، خریدار دیگر حق فسخ ندارد و تنها می‌تواند مطالبه‌ی ارزش نماید. استثنائاً اگر عیب جدیدی که در زمان تصرف خریدار در مبیع حادث می‌شود ناشی از عیب سابق باشد و یا در زمان خیار مختص به مشتری رخ دهد، مشتری حق فسخ نیز خواهد داشت.

۳۵- گزینه «۲» به موجب ماده‌ی ۴۲۹ قانون مدنی: «در موارد ذیل مشتری نمی‌تواند بیع را فسخ کند و فقط می‌تواند ارزش بگیرد:

- ۱- در صورت تلف شدن مبیع نزد مشتری یا منتقل کردن آن به غیر.
- ۲- در صورتی که تغییری در مبیع پیدا شود اعم از این‌که تغییر به فعل مشتری باشد یا نه.
- ۳- در صورتی که بعد از قبض مبیع عیب دیگری در آن حادث شود، مگر این‌که در زمان خیار مختص به مشتری حادث شده باشد که در این صورت مانع از فسخ و رد نیست».

۳۶- گزینه «۱» به موجب ماده‌ی ۳۹۰ قانون مدنی: «اگر بعد از قبض ثمن مبیع کلاً یا جزئاً مستحق‌الغیر درآید، بایع ضامن است، اگرچه تصریح به ضمان نشده باشد». و همچنین به موجب ماده ۳۹۱ قانون مدنی: «در صورت مستحق‌الغیر درآمدن کل یا بعض از مبیع، بایع باید ثمن مبیع را مسترد دارد و در صورت جهل مشتری به وجود فساد، بایع باید از عهده‌ی غرامات وارده بر مشتری نیز برآید».

۳۷- گزینه «۳» مطابق ماده‌ی ۴۴۱ قانون مدنی: «خیار تبعض صفقه وقتی حاصل می‌شود که عقد بیع نسبت به بعض مبیع به جهتی از جهات باطل باشد، در این صورت مشتری حق خواهد داشت بیع را فسخ نماید یا به نسبت قسمتی که بیع واقع شده است قبول کند و نسبت به قسمتی که بیع باطل بوده است ثمن را استرداد کند».

۳۸- گزینه «۳» مطابق ماده‌ی ۳۵۵ قانون مدنی: «اگر ملکی به شرط داشتن مساحت معین فروخته شده باشد و بعد معلوم شود که کمتر از آن مقدار است، مشتری حق فسخ معامله را خواهد داشت و اگر معلوم شود که بیشتر است، بایع می‌تواند آن را فسخ کند، مگر این‌که در هر دو صورت طرفین به محاسبه‌ی زیاده یا نقیصه تراضی نمایند».

۳۹- گزینه «۲» مطابق ماده‌ی ۴۱۰ قانون مدنی: «هرگاه فردی مالی را ندیده و آن را فقط به وصف بخرد، بعد از دیدن اگر دارای اوصافی که ذکر شده است نباشد، مختار مبیع می‌شود که بیع را فسخ کند یا به همان نحو که هست قبول نماید».

۴۰- گزینه «۱» به موجب ماده‌ی ۴۳۱ قانون مدنی: «در صورتی که در یک عقد چند چیز فروخته شود بدون این‌که قیمت هر یک علی‌حده معین شده باشد و بعضی از آن‌ها معیوب درآید، مشتری باید تمام آن را رد کند و ثمن را مسترد دارد یا تمام را نگاه دارد و ارزش بگیرد و تبعیض نمی‌تواند بکند، مگر به رضای بایع».

۴۱- گزینه «۲» به استناد مواد ۳۵۵ و ۳۸۵ قانون مدنی: «اگر ملکی به شرط داشتن مساحت معین فروخته شده باشد و بعد معلوم شود که بیش‌تر است، بایع می‌تواند آن را فسخ کند...». در این مورد خیار بایع خیار تخلف از وصف (خیار تخلف از شرط صفت) می‌باشد.

۴۲- گزینه «۱» به استناد ماده‌ی ۳۷۱ قانون مدنی. «در بیعی که موقوف به اجازه‌ی مالک است، قدرت بر تسلیم در زمان اجازه معتبر است». و از آن‌جا که در زمان اجازه قدرت بر تسلیم وجود ندارد، لذا به استناد ماده‌ی ۳۴۸ قانون مدنی بیع باطل می‌باشد. دلیل این امر آن است که مطابق نظریه‌ی کشف حکمی که در ماده‌ی ۲۵۸ قانون مدنی پذیرفته شده است، تاریخ انعقاد عقد زمان اجازه است نه زمان تحقق عقد غیرنافذ.

۴۳- گزینه «۱» مطابق مادهی ۳۷۵ قانون مدنی: «مبیع باید در محلی تسلیم شود که عقد بیع در آن جا واقع شده است، مگر این که عرف و عادت مقتضی تسلیم در محل دیگر باشد و یا در ضمن بیع محل مخصوصی برای تسلیم معین شده باشد.»

۴۴- گزینه «۴» مطابق ماده ۱۴۹ قانون ثبت اسناد و املاک، در این گونه موارد ثمن مندرج در اولین سند انتقال محاسبه و با تودیع آن «توسط آخرین خریدار» در صندوق ثبت به وی تعلق می گیرد.

۴۵- گزینه «۲» شرایط مبیع در ماده ۳۴۸ قانون مدنی مذکور است. لزوم مالیت، منفعت عقلایی، قابلیت خرید و فروش و قدرت بر تسلیم بایع شرایط صحت آن را تشکیل می دهند. مال موقوفه، مال مرهونه، اسلحه و اشیای عتیقه قابلیت خرید و فروش ندارند. اما آن چه مسلم است این که اگر مبیع در رابطه دو طرف معامله ارزش مالی داشته باشد یعنی عرف و عادت دادن پول را در برابر آن معقول تلقی نماید کافی است. لذا در عرف فروش ۳ دانه برنج که ذاتاً کلی محسوب شده و کیلی یا پیمانه ای یا وزنی به فروش می روند نمی تواند پسندیده باشد. علی رغم این بایستی توجه نمود که در مواردی خاص و نادر حتی می توان قائل به آن بود این بیع در روابط شخصی صحیح می باشد. لذا گزینه ی ۴ هم می تواند صحیح باشد.

۴۶- گزینه «۳» به استناد مواد ۲۸۰ و ۳۷۵ قانون مدنی: «انجام تعهد باید در محلی که عقد واقع شده به عمل آید، مگر این که بین متعاملین قرارداد خصوصی باشد یا عرف و عادت ترتیب دیگری اقتضا نماید.» و برابر با مادهی ۳۷۵ قانون مدنی «مبیع باید در محلی تسلیم شود که عقد بیعی در آن جا واقع شده است، مگر این که عرف و عادت مقتضی تسلیم در محل دیگر باشد و یا در ضمن بیع محل مخصوصی برای تسلیم معین شده باشد.» منظور از قاعده ی تخیری در این سؤال، همان قانون تکمیلی یا تفسیری یا تعویضی است.

۴۷- گزینه «۴» بر طبق مادهی ۳۷۲ قانون مدنی: «اگر نسبت به بعض مبیع بایع قدرت بر تسلیم داشته و نسبت به بعض دیگر نداشته باشد بیع نسبت به بعض که قدرت بر تسلیم داشته صحیح است و نسبت به بعض دیگر باطل است.»

۴۸- گزینه «۲» بر طبق مادهی ۴۰۴ قانون مدنی: «هرگاه بایع در ظرف سه روز از تاریخ بیع تمام مبیع را تسلیم مشتری کند یا مشتری ثمن را به بایع بدهد دیگر برای بایع اختیار فسخ نخواهد بود، اگر چه ثانیاً به نحوی از انحاء مبیع به بایع و ثمن به مشتری برگشته باشد.»
بر طبق مادهی ۴۰۷ قانون مدنی: «تسلیم بعض ثمن یا دادن آن به کسی که حق قبض ندارد، خيار بایع را ساقط نمی کند.»

۴۹- گزینه «۴» مطابق ماده ۳۹۸ قانون مدنی، «اگر مبیع حیوان باشد، مشتری تا سه روز از حین عقد اختیار فسخ معامله را دارد.» خيار حیوان در بیع یاد شده به صورت زنده ایجاد می شود نه مرده، ضمن این که در فرض پرسش ۵ گاو مورد معامله به صورت لاشه بوده و زنده نبوده اند تا مشمول این خيار و حق مربوطه شوند. از آن جایی که سالم بودن مبیع یکی از اوصاف آن می باشد، لذا در صورتی که مورد معامله غیر اوصافی که ذکر شده باشد خریدار می تواند معامله را فسخ کند.

۵۰- گزینه «۱» مطابق مادهی ۳۸۷ قانون مدنی، اگر مبیع پیش از تسلیم بدون تقصیر بایع تلف شود، بیع منفسخ می شود و بایع باید ثمن دریافتی را به مشتری بازگرداند و در صورتی که بایع، ثمن را نگرفته باشد، حق اخذ آن را نخواهد داشت. اصطلاحاً به این مسئولیت بایع «ضمان معاوضی» می گویند.

۵۱- گزینه «۴» مطابق مادهی ۳۸۷ قانون مدنی هرگاه مبیع پیش از تسلیم، بدون تقصیر بایع تلف شود بیع منفسخ می گردد، حکم این ماده بی گمان در موردی که مبیع، عین معین است اجرا می شود. در موردی نیز که مبیع، کلی فی الذمه یا کلی در معین است، هرگاه پس از تعیین مصداق، مصداق تعیین شده تلف شود، عقد منفسخ می گردد و بایع باید ثمن را به مشتری بازگرداند. بنابراین نباید تصور نمود که حکم مادهی ۳۸۷ قانون مدنی ویژه عین معین است.

۵۲- گزینه «۳» مستند به ماده ۳۵۱ قانون مدنی. عدم ذکر وصف مبیع کلی موجب غرر طرفین معامله است و باطل است.

۵۳- گزینه «۲» قانون مدنی «در معامله لازم نیست که جهت آن تصریح شود، ولی اگر تصریح شده باشد باید مشروع باشد و الاً معامله باطل است.» البته باید توجه نمود که در فرضی که جهت معامله در ضمن عقد تصریح نشده باشد، معامله صحیح می باشد.

۵۴- گزینه «۳» با ملاحظه ماده ۶۴۶ قانون مدنی که مقرر می دارد: «معاوضه عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین مالی می دهد به عوض مال دیگر که از طرف دیگر اخذ می کند، بدون توجه به این که یکی از عوضین مبیع و دیگری ثمن باشد.»

۵۵- گزینه «۱» بنا به تصریح بند یک ماده ۴۲۹ قانون مدنی، «در صورت تلف شدن مبیع نزد مشتری یا منتقل کردن آن به غیر، مشتری نمی تواند بیع را فسخ کند و فقط می تواند ارش بگیرد...»



۵۶- گزینه «۳» مطابق ماده ۴۵۵ قانون مدنی، «اگر پس از عقد بیع، مشتری تمام یا قسمتی از مبیع را متعلق حق غیر قرار دهد مثل این‌که نزد کسی رهن گذارد، فسخ معامله موجب زوال حق شخص مزبور نخواهد شد، مگر این‌که شرط خلاف شده باشد.»

۵۷- گزینه «۳» عقد عاریه مطابق ماده ۶۳۵ قانون مدنی، «عقدی است که به موجب آن احد از طرفین به طرف دیگر اجازه می‌دهند که از عین مال او مجاناً منتفع شود» از آنجایی که در فرض مسأله این عقد متعاقب عقد بیع منعقد گردیده و با آن نیز متفاوت است، بنابراین موضوع معامله اول منتفی گردیده است.

۵۸- گزینه «۳» وفق ماده ۲۴۰ قانون مدنی، «اگر بعد از عقد انجام شرط ممتنع شود یا معلوم شود که حین‌العقد ممتنع بوده است، کسی که شرط به نفع او شده است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت، مگر این‌که امتناع مستند به فعل مشروط له باشد.»

۵۹- گزینه «۲» در تعریف ماده ۳۳۸ قانون مدنی، برای امتیاز بیع از اجاره است که تملیک منفعت به عوض معلوم تعریف می‌شود. و همچنین حاشیه ۳ همین ماده در قانون مدنی در نظم حقوق کنونی

۶۰- گزینه «۳» مطابق ماده ۴۵۴ قانون مدنی: هرگاه مشتری مبیع را اجاره داده باشد و بیع فسخ شود، اجاره باطل نمی‌شود، مگر این‌که عدم تصرفات ناقله در عین و منفعت بر مشتری صریحاً یا ضمناً شرط شده که در این صورت اجاره باطل است.

۶۱- گزینه «۱» در فرض سؤال مطروحه طرفین اراده‌ی جدی برای معامله نداشته‌اند چون آن‌ها مطمئن بوده‌اند که تسلیم مبیع امکان‌پذیر نیست. بر فرض که معلوم شود در اشتباه بوده‌اند عقد بیع باطل است. زیرا آن‌چه که دو طرف می‌خواسته‌اند با آن‌چه که در عالم خارج روی داده است منطبق نیست. با این توضیح ایراد سایر گزینه‌ها روشن می‌گردد.

۶۲- گزینه «۱» مطابق ماده‌ی ۳۴۱ قانون مدنی: «بیع ممکن است مطلق باشد یا مشروط و نیز ممکن است که برای تسلیم تمام یا قسمتی از مبیع یا برای تأدیه‌ی تمام یا قسمتی از ثمن اجلی قرار داده شود.»

۶۳- گزینه «۴» در اختلاف میان دو طرف معامله اثبات نمایندگی از سوی شخص ثالث طرف عقد را از تعهدی که پذیرفته است معاف نمی‌کند. ماده ۱۹۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «کسی که معامله می‌کند آن معامله برای خود آن شخص محسوب می‌شود، مگر این‌که در موقع عقد خلاف آن را تصریح نماید یا بعد خلاف آن ثابت شود.»

۶۴- گزینه «۱» چون مبیع کلی است و مصادیق آن در عالم خارج به وفور وجود دارد، لذا مشتری صرفاً در وهله‌ی نخست حق الزام به اجرای عین تعهد را دارد لذا گزینه‌ی (۱) صحیح می‌باشد.

۶۵- گزینه «۴» مطابق مواد ۳۶۳ و ۳۶۴ قانون مدنی:

ماده‌ی ۳۶۳ قانون مدنی: «در عقد بیع وجود خيار فسخ برای متبایعین یا وجود اجلی برای تسلیم مبیع یا تأدیه‌ی ثمن مانع انتقال نمی‌شود؛ بنابراین اگر ثمن یا مبیع عین معین بوده و قبل از تسلیم آن احد متعاملین مفلس شود، طرف دیگر حق مطالبه‌ی آن عین را خواهد داشت.»

ماده‌ی ۳۶۴ قانون مدنی: «در بیع خياری مالکیت از حین عقد بیع است نه از تاریخ انقضای خيار و در بیعی که قبض شرط صحت است مثل بیع صرف، انتقال از حین حصول شرط است نه از حین وقوع بیع.»



فصل دوم

«اجاره، جعاله، قرض»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل دوم

- کجه ۱- هرگاه موضوع جعاله پیدا کردن مال معینی باشد، عامل زمانی مستحق دریافت جعل می‌گردد که ...** (سراسری ۷۵)
- (۱) شروع به عمل نماید.
(۲) جعاله منعقد گردیده باشد.
(۳) متعلق جعاله را به دست آورده باشد.
(۴) متعلق جعاله را تسلیم جاعل کرده باشد.
- کجه ۲- اگر ثالثی بدون ادعای حقی در عین مستأجره بعد از قبض، مزاحم مستأجر شود، اجاره چه وضعی دارد؟** (سراسری ۷۵)
- (۱) باطل است.
(۲) صحیح است.
(۳) غیرنافذ است.
(۴) قابل فسخ است.
- کجه ۳- در صورتی که بعد از عقد اجاره برای موجر امکان تسلیم عین مستأجره وجود نداشته باشد...** (سراسری ۷۷)
- (۱) عقد اجاره منفسخ می‌شود.
(۲) مستأجر حق فسخ اجاره را دارد.
(۳) فقط مستأجر از موجر خسارات وارده به خود را مطالبه کند.
(۴) به علت عدم قدرت بر تسلیم عین مستأجر، عقد اجاره باطل می‌شود.
- کجه ۴- اگر شخص ثالثی بدون ادعای حق، مزاحم مستأجر و مانع انتفاع او شود، این اقدام چه اثری در عقد اجاره و موقعیت دو طرف دارد؟** (سراسری ۷۷)
- (۱) مستأجر مطلقاً حق فسخ پیدا می‌کند.
(۲) مستأجر می‌تواند از موجر خسارت بگیرد.
(۳) اگر مزاحمت قبل از قبض مورد اجاره باشد، مستأجر حق فسخ دارد.
(۴) اجاره باطل می‌شود.
- کجه ۵- هرگاه عین مستأجره در حین اجاره به واسطه عیب از قابلیت انتفاع خارج شود،** (سراسری ۷۷)
- (۱) عقد اجاره به هر حال منفسخ می‌شود.
(۲) عقد اجاره در هر حال قابل فسخ می‌شود.
(۳) اگر نتوان رفع عیب کرد، مستأجر حق فسخ اجاره را دارد.
(۴) اگر نتوان رفع عیب کرد، عقد اجاره باطل می‌شود.
- کجه ۶- مستعیر منافع مال مورد عاریه را اجاره می‌دهد، این اجاره دارای چه حکمی می‌باشد؟** (سراسری ۷۷)
- (۱) اجاره صحیح بوده و مال‌الاجاره آن متعلق به مستعیر می‌باشد.
(۲) اجاره باطل است.
(۳) اجاره صحیح بوده و مال‌الاجاره آن متعلق به معیر می‌باشد.
(۴) اجاره غیرنافذ است.
- کجه ۷- هرگاه بعض عین مستأجره در مدت اجاره تلف شود، عقد اجاره نسبت به:** (سراسری ۷۸)
- (۱) کل منفسخ می‌شود.
(۲) کل قابل فسخ می‌گردد.
(۳) بعض صحیح و غیرقابل فسخ و نسبت به بعض دیگر قابل فسخ است.
(۴) بعض منفسخ است و نسبت به بقیه قابل فسخ است.
- کجه ۸- اگر مستأجر فوت کند:** (سراسری ۷۹)
- (۱) به علت فوت مستأجر مال‌الاجاره مانند بقیه دیون حال می‌شود.
(۲) بقیه اقساط مال‌الاجاره حال نمی‌شود و ورثه باید آن را در موعد مقرر پرداخت کنند.
(۳) عقد اجاره با فوت مستأجر منفسخ می‌شود و موجبی برای پرداخت بقیه مال‌الاجاره «اقساط» نیست.
(۴) وراثت حق فسخ اجاره را دارند.
- کجه ۹- مستأجری پس از پایان اجاره، مدتی با اذن مالک عین مستأجره را در تصرف خود نگاه می‌دارد. در این صورت چه التزامی نسبت به پرداخت اجاره دارد؟** (سراسری ۸۰)
- (۱) در صورتی که از عین استیفای منفعت کرده باشد باید اجاره‌بهای مقرر در عقد اجاره را بپردازد.
(۲) در صورتی که از عین استیفای منفعت کرده باشد باید اجرت‌المثل آن را بدهد.
(۳) باید اجاره‌بهای مقرر در عقد اجاره را در زمان تصرف بدهد هر چند استیفای منفعت نکرده باشد.
(۴) باید در هر حال اجرت‌المثل زمان تصرف خود را بپردازد هر چند استیفای منفعت نکرده باشد.



(سراسری ۸۰)

۱۰- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟

- (۱) ثمن مبیع و مال الاجاره عین مستأجره در حکم منقول است، ولو این که مبیع یا عین مستأجره از اموال غیرمنقول باشد.
- (۲) اگر مبیع یا عین مستأجره از اموال غیرمنقول باشد، ثمن مبیع و مال الاجاره عین مستأجره در حکم غیرمنقول است.
- (۳) کشتی‌های بزرگ نظر به اهمیت و ارزش‌شان داخل در غیرمنقول‌اند.
- (۴) مصالح بنایی از قبیل سنگ، آجر و ... که برای ساختن بنایی بر روی یک زمین در آن گرد آورده شده‌اند، در حکم غیرمنقول‌اند.

(سراسری ۸۱)

۱۱- هرگاه مورد اجاره عین کلی بوده و فردی که مؤجر تسلیم کرده معیوب باشد، چه ضمانت اجرایی در قانون برای آن مقرر شده است؟

- (۱) مستأجر می‌تواند قرارداد را فسخ کند.
- (۲) مستأجر می‌تواند قرارداد را فسخ کند یا ارش مطالبه نماید.
- (۳) مستأجری می‌تواند تحویل مصداق سالم از مورد اجاره را بخواهد، ولی حق فسخ ندارد.
- (۴) مستأجر می‌تواند تحویل فرد سالم از مورد کلی را مطالبه کند و در صورت عدم امکان اجبار به تبدیل، قرارداد را فسخ نماید.

(آزاد ۸۱)

۱۲- با توجه به قانون موجر و مستأجر سال ۱۳۷۶، کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟

- (۱) مستأجر حق انتقال عین مستأجره را به غیر ندارد، مگر آن که این حق در ضمن عقد اجاره به او تفویض شده باشد.
- (۲) فقط در مورد محل‌های کسب حق انتقال به غیر ندارد، مگر آن که این حق به او تفویض شده باشد.
- (۳) فقط در مورد محل‌های سکونت حق انتقال به غیر ندارد.
- (۴) مستأجر حق انتقال به غیر دارد، مگر آن که در ضمن عقد اجاره این حق از او سلب شده باشد.

(آزاد ۸۱)

۱۳- اگر پس از تسلیم عین مستأجره و در حین استفاده مستأجر از مورد اجاره، شخص ثالثی مزاحم تصرفات مستأجر گردد

- (۱) مستأجر می‌تواند عقد اجاره را فسخ کند.
- (۲) بین فسخ اجاره و مراجعه به مزاحم مخیر است.
- (۳) می‌تواند برای مدت مزاحمت اجاره‌بها را تقلیل دهد.
- (۴) فقط حق رجوع به مزاحم را دارد.

(آزاد ۸۱)

۱۴- با توجه به قانون موجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۵۶، کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) درخواست تخلیه محل کسب و پیشه یا تجارت برای شغل فرزند موجر جایز نیست.
- (۲) هرگاه حکم تخلیه به علت عدم پرداخت اجاره‌بها صادر شود، دادگاه می‌تواند حداکثر تا دو ماه به مستأجر مهلت دهد.
- (۳) اگر حکم تخلیه به علت تعدی و تفریط مستأجر صادر گردد، دادگاه باید نصف حق کسب و پیشه یا تجارت را برای مستأجر در نظر بگیرد.
- (۴) اگر به علت عدم پرداخت اجاره‌بها تقاضای تخلیه شده باشد و قبل از صدور حکم، مستأجر اجور معوقه را به اضافه ۱۰٪ (ده درصد) آن به نفع موجر در صندوق تودیع کند، حکم تخلیه صادر نخواهد شد.

(وکالت ۸۱)

۱۵- مطابق قانون موجر و مستأجر سال ۱۳۷۶ آیا مستأجر حق انتقال عین مستأجره را به غیر دارد یا خیر؟

- (۱) فقط در مورد محل‌های مسکونی حق انتقال به غیر دارد.
- (۲) مستأجر حق انتقال به غیر دارد مگر این که این حق از او سلب شده باشد.
- (۳) مستأجر حق انتقال به غیر ندارد، مگر این که در ضمن عقد اجاره این حق به او تفویض شده باشد.
- (۴) فقط در مورد محل‌های کسب و پیشه یا تجارت اگر در عقد اجاره سکوت شده باشد حق انتقال به غیر دارد.

(سراسری ۸۲)

۱۶- اگر عین مستأجره حین استفاده بدون تقصیر موجر تلف شود...

- (۱) عقد اجاره قابل فسخ می‌گردد.
- (۲) عقد اجاره منفسخ می‌گردد.
- (۳) عقد اجاره صحیح و مؤجر باید از عهده خسارت مستأجر برآید.
- (۴) مؤجر مکلف است مثل عین مستأجره را در اختیار مستأجر قرار دهد.

(سراسری ۸۲)

۱۷- موجر در چه صورتی می‌تواند در عین مستأجره تغییراتی بدهد؟

- (۱) موجر در هر حال چنین حقی ندارد.
- (۲) تنها در صورتی که آن تغییرات به نفع مستأجر باشد.
- (۳) در صورتی که این تغییرات منافی حق مستأجر نباشد.
- (۴) موجر در هر حال حق دارد هر گونه تغییرات که مفید تشخیص می‌دهد در عین مستأجره انجام دهد.

(آزاد ۸۲)

۱۸- اگر در مدت اجاره، شخص ثالثی مزاحم تصرفات مستأجر در عین مستأجره گردد:

- (۱) مستأجر فقط می‌تواند به مزاحم رجوع کند.
- (۲) مستأجر فقط حق فسخ اجاره را دارد.
- (۳) بین فسخ اجاره یا مراجعه به مزاحم مخیر است.
- (۴) برای مدتی که در اثر مزاحمت از انتفاع محروم شده، حق تقلیل مال الاجاره را دارد.



کله ۱۹- با توجه به قانون موجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۵۶، کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح نیست؟ (آزاد ۸۲)

- (۱) در صورتی که حکم تخلیه به علت عدم پرداخت مال الاجاره صادر شود، دادگاه می‌تواند حداکثر ۱۵ روز به مستأجر مهلت دهد.
- (۲) اگر حکم تخلیه به علت انتقال به غیر صادر شود، موجر مکلف است نصف حق کسب پیشه را به مستأجر یا متصرف بپردازد.
- (۳) چنانچه حکم بر تعمیرات اساسی عین مستأجره صادر شود و موجر حاضر به اجرای آن نشود، دادگاه می‌تواند به مستأجر اجازه دهد که حداکثر اجاره‌بهای شش ماه را صرف تعمیرات نماید.
- (۴) درخواست تخلیه‌ی عین مستأجره به منظور احتیاج شخصی برای شغل فرزند موجر جایز است.

کله ۲۰- کدام عبارات صحیح است؟ (وکالت ۸۲)

- (۱) اجاره مال مشاع صحیح است و موجر می‌تواند سهم خود را بدون اذن شریک به تصرف مستأجر دهد.
- (۲) مال مشاع را می‌توان اجاره داد، اما تصرف مستأجر منوط به اذن شریک است.
- (۳) چون شریک در تمام ذرات مال مشاع مالکیت دارد، اجاره دادن آن منوط به اذن اوست.
- (۴) در صورت اجاره دادن مال مشاع، شریک حق تقدم دارد، می‌تواند عین مستأجره را تصرف کند و اجاره‌بها را به مستأجر بپردازد.

کله ۲۱- چنانچه حق العمل کار خود شخصاً طرف معامله با آمر واقع شود: (سراسری ۸۳)

- (۱) فقط مستحق مخارج خواهد بود.
- (۲) فقط مستحق حق العمل خواهد بود.
- (۳) مستحق حق العمل و مخارج نخواهد بود.
- (۴) مستحق حق العمل و مخارج عادی حق العمل کاری خواهد بود.

کله ۲۲- اگر مستأجر در منزلی که اجاره کرده بدون اجازه موجر غرس درخت کند، مطابق قانون مدنی کدام گزینه صحیح است؟ (آزاد ۸۳)

- (۱) موجر هر وقت بخواهد حق دارد آن را قطع کند
- (۲) موجر فقط بعد از انقضای مدت اجاره حق قطع درخت را دارد
- (۳) موجر در مدت اجاره حق مطالبه اجرت‌المثل زمین را دارد و بعد از انقضای مدت می‌تواند درخت را قطع کند
- (۴) موجر مخیر است بعد از انقضای مدت اجازه دهد که صاحب درخت آن را نگاه دارد و اجرت‌المثل زمین را بپردازد و یا خود درخت را نگاه دارد و اجرت‌المثل آن را به صاحبش بپردازد.

کله ۲۳- در صورتی که موجر از تسلیم عین مستأجره خودداری کند، مستأجر چه اختیاری دارد؟ (وکالت ۸۳)

- (۱) می‌تواند اجاره را فسخ کند.
- (۲) می‌تواند اجبار موجر را بخواهد.
- (۳) اجبار موجر را از دادگاه بخواهد و در صورت تعذر، خیار فسخ دارد.
- (۴) با امتناع موجر، عقد اجاره باطل می‌شود و مستأجر می‌تواند اعلام بطلان آن را بخواهد.

کله ۲۴- اگر شخص ثالثی پس از تسلیم مورد اجاره آن را غصب کند، این اقدام در اجاره چه اثری دارد؟ (وکالت ۸۳)

- (۱) مستأجر حق فسخ اجاره را دارد.
- (۲) اجاره در اثر تلف انتفاع، باطل می‌شود.
- (۳) مستأجر فقط می‌تواند به غاصب رجوع کند.
- (۴) مستأجر می‌تواند از پرداخت اجاره‌بها خودداری کند.

کله ۲۵- پس از انقضای مدت اجاره، اگر مستأجر بدون اذن، عین مستأجره را در تصرف داشته باشد موظف است؟ (سراسری ۸۴)

- (۱) نیمی از اجرت‌المسمی را بپردازد.
- (۲) اجرت‌المثل به میزان اجرت‌المسمی را بپردازد.
- (۳) در صورت استفاده از عین مستأجره، اجرت‌المثل بپردازد.
- (۴) حتی در صورت عدم استفاده از عین مستأجره، اجرت‌المثل آن را بپردازد.

کله ۲۶- شرط ضمان مستأجر نسبت به عین مستأجره در عقد اجاره: (سراسری ۸۴)

- (۱) صحیح است، چون خلاف اطلاق عقد اجاره نیست.
- (۲) صحیح است، چون خلاف مقتضای ذات عقد اجاره نیست.
- (۳) باطل است، چون خلاف مقتضای ذات عقد اجاره است.
- (۴) باطل است، چون خلاف مقتضای اطلاق عقد اجاره است.

کله ۲۷- اگر موجر عین مستأجره را به مستأجر تحویل ندهد ... (سراسری ۸۴)

- (۱) اجاره درست است و به ازای ایام اجاره موجر ملزم به پرداخت اجرت‌المثل می‌گردد.
- (۲) موجر مجبور به تسلیم می‌شود و در صورت تعذر مستأجر حق فسخ دارد.
- (۳) مستأجر حق فسخ اجاره را دارد.
- (۴) موجر مجبور به تسلیم می‌شود.

کج ۲۸- اگر در عقد اجاره مدت ذکر نشود و اجاره‌بها ماهیانه تعیین شود و مستأجر با رضایت مالک یک سال به تصرف خود ادامه دهد. تعهد او به پرداخت اجاره بر چه مبنایی تعیین می‌شود؟ (وکالت ۸۴)

- (۱) عقد اجاره به دلیل نامعلوم بودن مدت باطل است و مستأجر باید اجرت‌المثل تصرف یک سال را بپردازد.
- (۲) اجاره برای یک ماه درست است و هر ماه تمدید می‌شود و در نتیجه مستأجر باید اجاره‌بهای تمام مدت را بپردازد.
- (۳) عقد اجاره نسبت به یک ماه با اجاره‌بهای معین درست است و اجرا می‌شود و نسبت به بقیه مدت هم اجرت‌المثل به اندازه اجاره‌بها است.
- (۴) عقد اجاره نسبت به یک ماه درست و نسبت به بقیه مدت باطل است و مستأجر باید یک ماه اجاره‌بها بپردازد و بقیه مدت را اجرت‌المثل بر طبق نظر کارشناس بپردازد.

کج ۲۹- اگر در مدت اجاره، بعض از عین مستأجره تلف شود، این حادثه چه اثری در رابطه موجر و مستأجر دارد؟ (وکالت ۸۴)

- (۱) اجاره باطل می‌شود و مستأجر تعهدی به پرداخت اجاره ندارد.
- (۲) اجاره نسبت به بعض باقی مانده نافذ است، ولی مستأجر حق فسخ آن را دارد.
- (۳) اجاره از زمان تلف بعض منفسخ می‌شود و مستأجر باید اجاره‌بهای گذشته را بپردازد.
- (۴) اجاره از زمان تلف نسبت به بعض تلف شده، منفسخ می‌شود و مستأجر حق دارد اجاره را نسبت به بقیه فسخ کند یا تقلیل مال الاجاره را بخواهد.

کج ۳۰- شرط ضمان بر مستأجر بدون تقصیر: (آزاد ۸۵)

- (۱) صحیح است، زیرا خلاف مقتضای ذات عقد نیست
- (۲) صحیح است، زیرا مخالف مقتضای اطلاق عقد است
- (۳) باطل است، چون مخالف مقتضای اطلاق عقد است
- (۴) باطل است، زیرا خلاف مقتضای ذات عقد تلقی می‌شود

کج ۳۱- اگر خصوصیت منفعتی که در اجاره تعیین شده است منظور نباشد، مستأجر از چه منفعتی می‌تواند استفاده کند؟ (وکالت ۸۵)

- (۱) مستأجر می‌تواند استفاده منفعتی کند که از حیث ضرر مساوی یا کمتر از منفعت معین باشد.
- (۲) مستأجر مقید به منافعی است که ضرر کمتری از منفعت تعیین شده دارد.
- (۳) مستأجر مقید به همان منفعت است که در عقد اجاره تعیین شده است.
- (۴) مستأجر آزاد است که از هر منفعتی استفاده کند.

کج ۳۲- کدام یک از عبارات زیر مختصات عقد جعاله را به طور کامل بیان نموده است؟ (وکالت ۸۵)

- (۱) جعاله عقدی است لازم، تملیکی، ساده و خیاری و همواره منجز.
- (۲) جعاله عقدی است تشریفاتی، معلق و جایز و تملیکی.
- (۳) جعاله عقدی است لازم، عهدی، ساده، غیرخیاری و غیر قابل تعلیق.
- (۴) جعاله عقدی است جایز، عهدی، ساده و قابل تعلیق.

کج ۳۳- قرض عقدی است... (سراسری ۸۶)

- (۱) جایز
- (۲) لازم
- (۳) از طرف قرض‌دهنده لازم و از طرف قرض‌گیرنده جایز.
- (۴) از طرف قرض‌دهنده جایز و از طرف قرض‌گیرنده لازم.

کج ۳۴- تصرف کدام یک از اشخاص زیر امانی نیست؟ (وکالت ۸۶)

- (۱) قرض‌گیرنده
- (۲) عاریه‌گیرنده
- (۳) ودیعه‌گیرنده
- (۴) مستأجر

کج ۳۵- اگر مورد اجاره عین کلی باشد و فردی که موجر داده معیوب درآید، مستأجر چه می‌تواند بکند؟ (وکالت ۸۶)

- (۱) مستأجر می‌تواند ابطال اجاره را بخواهد.
- (۲) مستأجر حق فسخ اجاره را دارد.
- (۳) مستأجر فقط حق مطالبه تبدیل عین داده شده را دارد.
- (۴) مستأجر حق فسخ ندارد و می‌تواند موجر را مجبور به تبدیل آن نماید و اگر تبدیل آن ممکن نباشد، حق فسخ خواهد داشت.

کج ۳۶- در موردی که ثالثی پیش از قبض عین مستأجره، مانع انتفاع از آن شود، مستأجر چه می‌تواند بکند؟ (وکالت ۸۶)

- (۱) مستأجر می‌تواند به مزاحم رجوع کند و رفع مزاحمت بخواهد.
- (۲) مستأجر می‌تواند به مزاحم رجوع کند و اجرت‌المثل بگیرد.
- (۳) مستأجر تنها حق فسخ اجاره را دارد.
- (۴) مستأجر می‌تواند اجاره را فسخ کند یا به مزاحم رجوع کند و رفع مزاحمت بخواهد و اجرت‌المثل بگیرد.



۳۷- عقد اجاره‌ای فضولی محسوب می‌شود که:

(آزاد ۸۷)

- (۱) موجر مالک منافع نباشد، اعم از این که مالک عین باشد یا نباشد
- (۲) موجر مالک عین نباشد، اعم از این که مالک منافع باشد یا نباشد
- (۳) موجر لزوماً مالک هیچ‌کدام از عین و منفعت نباشد
- (۴) عین مستأجره متعلق به موجر نباشد

۳۸- اگر عین مستأجره در مدت اجاره نیاز به تعمیرات داشته باشد و به مالک دسترسی نباشد، تکلیف چیست؟

(وکالت ۸۷)

- (۱) فقط تا حدی که برای انتفاع ضروری باشد، مستأجر می‌تواند تعمیر کند، و هزینه‌ی آن را از مالک مطالبه کند.
- (۲) مستأجر می‌تواند تا شش ماه مال‌الاجاره را صرف تعمیرات کند و از اجاره‌بها کسر نماید.
- (۳) مستأجر می‌تواند آن را تعمیر کند و هزینه تعمیرات را از مالک مطالبه نماید.
- (۴) مستأجر می‌تواند عین مستأجره را تعمیر کند، ولی حق مطالبه‌ی هزینه‌ی تعمیرات را ندارد.

۳۹- ملکی در قبال یکصد میلیون ریال به مدت یک سال به اجاره داده شده است. مؤجر، مستأجر را از پرداخت اجرت یک ساله ابراء نموده است و سپس طرفین تصمیم به اقاله اجاره دارند. پس از اقاله...

(سراسری ۸۸)

- (۱) مؤجر نباید چیزی به مستأجر بدهد.
- (۲) مؤجر باید یک صد میلیون ریال به مستأجر بپردازد.
- (۳) مؤجر باید به نسبت ایام تصرف از اجرت به مستأجر بپردازد.
- (۴) مؤجر باید به نسبت ایام باقی مانده از اجرت به مستأجر بپردازد.

۴۰- عقد اجاره، آن‌گاه فضولی محسوب می‌شود که:

(آزاد ۸۸)

- (۱) موجر مالک منافع نباشد، اعم از این که مالک عین باشد یا نباشد
- (۲) عین مستأجره متعلق به موجر نباشد
- (۳) موجر مالک عین مستأجره نباشد، اعم از این که مالک منافع باشد یا نباشد
- (۴) موجر لزوماً مالک هیچ‌کدام از عین و منفعت نباشد

۴۱- اگر بعد از عقد بیع و قبل از تسلیم در مبیع نقصی حاصل شود، بیع چه وضعیتی دارد؟

(وکالت ۸۸)

- (۱) مشتری حق فسخ دارد.
- (۲) بیع منفسخ می‌شود.
- (۳) مشتری فقط حق مطالبه ارزش دارد.
- (۴) چون عیب باید در حین عقد موجود باشد، مشتری هیچ حقی ندارد.

۴۲- در خصوص اجاره مال مشاع، کدام یک از گزینه‌ها صحیح است؟

(وکالت ۸۸)

- (۱) اجاره‌ی مال مشاع و تسلیم عین مستأجره جایز است.
- (۲) اجاره‌ی مال مشاع فقط با اجازه‌ی شریک جایز است.
- (۳) اجاره‌ی مال مشاع جایز نیست.
- (۴) اجاره‌ی مال مشاع بدون اذن شریک هم جایز است.

۴۳- اگر مالی که موضوع قرض است بعد از تسلیم تلف یا ناقص شود، خسارت به عهده چه کسی است؟

(وکالت ۸۸)

- (۱) از مال مقرض است.
- (۲) از مال مقرض نیست.
- (۳) فقط در صورتی که مقرض تعدی و تفریط نموده باشد، از مال مقرض خواهد بود.
- (۴) در صورتی که فقط بر اثر آفات سماوی تلف یا ناقص شود، از مال مقرض خواهد بود.

۴۴- کدام یک از عبارات زیر نادرست است؟

(وکالت ۸۸)

- (۱) عقد بیع معلق صحیح است.
- (۲) عقد نکاح معلق باطل است.
- (۳) عقد ضمان معلق صحیح است.
- (۴) عقد اجاره معلق صحیح است.

۴۵- سرقفلی حقی است؟

(آزاد ۸۹)

- (۱) منقول
- (۲) غیر منقول
- (۳) هم منقول و هم غیر منقول که جنبه غیرمنقول آن غلبه دارد.
- (۴) هم منقول و هم غیر منقول که جنبه منقول آن غلبه دارد.

۴۶- در عقد بیع، حق حبس اختصاص دارد به مبیع:

(وکالت ۸۹)

- (۱) کلی در معین
- (۲) عین معین
- (۳) کلی فی‌الذمه
- (۴) همه موارد

۴۷- اگر مالک عین مستأجره را به دیگری بفروشد:

(وکالت ۸۹)

- (۱) عقد اجاره باطل می‌شود.
- (۲) عقد بیع منفسخ می‌شود.
- (۳) عقد بیع و عقد اجاره به حال خود باقی است.
- (۴) هم عقد بیع منفسخ و هم عقد اجاره باطل می‌شود.

۴۸- مغازه‌ای در سال ۱۳۷۵ اجاره داده شده است. در اثنای مدت اجاره، مستأجر مرتکب تعدی و تفریط شده است:

(وکالت ۸۹)

- (۱) مؤجر حق فسخ و تخلیه دارد، بدون آن که حق کسب و پیشه پرداخت کند.
- (۲) مؤجر در صورتی حق فسخ دارد که قادر به منع مستأجر از تعدی و تفریط نباشد.
- (۳) مؤجر فقط می‌تواند از طریق مراجعه به دادگاه از تعدی و تفریط مستأجر جلوگیری کند.
- (۴) مؤجر حق فسخ دارد و می‌تواند با تأدیه حق کسب و پیشه و تجارت تخلیه عین مستأجره را از دادگاه بخواهد.

کله ۴۹- در سند قرارداد اجاره یک دستگاه آپارتمان که برای یک سال به اجاره داده شده، شخص ثالثی از مستأجر ضمانت تضامنی کرده است که در صورت تخلف مستأجر، اجاره‌بها را به مؤجر پرداخت کند. در این مورد کدام گزینه درست است؟ (وکالت ۸۹)

(۱) بستانکار باید نخست به ضامن رجوع کند.

(۲) بستانکار باید نخست به مستأجر (بدهکار اصلی) رجوع کند.

(۳) بستانکار می‌تواند به مستأجر و ضامن مجتمعاً رجوع کند و هر یک از آنان مسئول پرداخت نصف اجاره‌بها می‌باشند.

(۴) بستانکار می‌تواند به مستأجر و ضامن مجتمعاً رجوع کرده یا پس از رجوع به یکی از آنها و عدم وصول طلب، برای تمام یا بقیه‌ی طلب به دیگری رجوع کند.

کله ۵۰- اگر در عقد قرض شرط شود که در موعد معین مقترض قیمت مال مورد قرض را تأدیه نماید (سراسری ۹۰)

(۱) عقد قرض صحیح است و پرداخت قیمت الزامی است.

(۲) عقد قرض صحیح و شرط باطل و عقد منصرف به مثل است.

(۳) عقد قرض منتفی است و آنچه واقع شده توافقی مستقلی است.

(۴) در صورتی که قیمت از حد ثمن المثل تجاوز نکند، عقد قرض صحیح است.

کله ۵۱- هرگاه در جعاله عمل دارای اجزای متعدد بوده و هر یک از اجزا مقصود بالاصاله جاعل باشد و جعاله در اثنای عمل از ناحیه عامل فسخ شود: (وکالت ۹۰)

(۱) عامل مستحق هیچ‌گونه اجرتی نیست.

(۲) عامل استحقاق تمام اجرت‌المسمی را دارد.

(۳) عامل مستحق اجرت‌المثل عمل خود خواهد بود.

(۴) عامل از اجرت‌المسمی به نسبت عملی که انجام داده، مستحق خواهد بود.

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل دوم

۱- گزینه «۴» جعاله، مطابق ماده ۵۶۱ قانون مدنی عبارتست از «التزام شخص به ادای اجرت معلوم در مقابل عملی اعم از این که طرف معین باشد یا غیرمعین». جعاله، عمل حقوقی احتمالی است و عامل بخت و اقبال در آن کم و بیش مؤثر است. در جعاله ملتزم را جاعل و طرف را عامل و اجرت را جُعَل گویند. جعاله تعهدی است جایز و مادام که عمل به اتمام نرسیده هر یک از طرفین می‌توانند رجوع کنند. همچنین تعهد عامل، تعهد به نتیجه است نه فراهم کردن وسیله. ماده ۵۶۳ قانون مدنی در این خصوص می‌گوید: در جعاله معلوم بودن اجرت من جمیع‌الجهات لازم نیست. در فرض پرسش نیز ماده ۵۶۷ مقرر می‌دارد، عامل وقتی مستحق جُعَل می‌گردد که متعلق جعاله را تسلیم کرده یا انجام داده باشد. برای مثال اگر اجرت برای تحویل کالا به مقصد معین باشد، عامل پس از حمل کالا مستحق اجرت نمی‌شود، بلکه باید آن را تحویل دهد.

۲- گزینه «۲» ماده ۴۸۸ قانون مقرر می‌دارد: «اگر شخص ثالثی بدون ادعای حقی در عین مستأجره یا منافع آن مزاحم مستأجر گردد، در صورتی که قبل از قبض باشد، مستأجر حق فسخ دارد و اگر فسخ ننمود می‌تواند برای رفع مزاحمت و مطالبه اجرت‌المثل به خود مزاحم رجوع کند و اگر مزاحمت بعد از قبض واقع شود، حق فسخ ندارد و فقط می‌تواند به مزاحم رجوع کند.» مقصود از مزاحمت در این ماده، ایجاد مانع برای تسلیم عین مستأجره به مستأجر است. ضمن این که حکم ماده مذکور یکی از نتایج تملیکی بودن عقد اجاره است.

۳- گزینه «۱» وحدت ملاک از ۴۸۳ قانون مدنی: «اگر در مدت اجاره عین مستأجره به واسطه حادثه کلاً یا بعضاً تلف شود، از زمان تلف نسبت به مقدار تلف شده منفسخ می‌شود و...»

۴- گزینه «۳» برابر ماده ۴۸۸ قانون مدنی: «اگر شخص ثالثی بدون ادعای حقی در عین مستأجره یا منافع آن مزاحم مستأجر گردد، در صورتی که قبل از قبض باشد، مستأجر حق فسخ دارد.....»

۵- گزینه «۴» مطابق ماده ۴۸۱ قانون مدنی: «هرگاه عین مستأجره بواسطه عیب از قابلیت انتفاع خارج شده و نتوان رفع عیب نمود، اجاره باطل است.»

۶- گزینه «۴» برابر ماده ۶۴۷ قانون مدنی: «مستعیر نمی‌تواند مال عاریه را به هیچ نحوی به تصرف غیر دهد، مگر به اذن معیر.»

۷- گزینه «۴» مطابق ماده ۴۶۶ قانون مدنی: «اجاره عقدی است که به موجب آن مستأجر مالک منافع عین مستأجره می‌شود. اجاره‌دهنده را موجر و اجاره‌کننده را مستأجر و مورد اجاره را عین مستأجره گویند» مورد اجاره ممکن است اشیاء یا حیوان یا انسان باشد. اصولاً تلف مورد اجاره یا عین مستأجره در خلال مدت به دو صورت کلی یا جزئی امکان‌پذیر می‌باشد. هرگاه بعض عین مستأجره تلف شود، مستأجر حق دارد از زمان تلف نسبت به مقدار تلف شده وفق ماده ۴۸۳ قانون مزبور آن را منفسخ تلقی و نسبت به بقیه «مدت زمان اجاره» فسخ یا فقط مطالبه تقلیل نسبی مال الاجاره را بنماید. این ماده قانونی اشعار می‌دارد: «اگر در مدت اجاره عین مستأجره به واسطه حادثه کلاً یا بعضاً تلف شود، اجاره از زمان تلف نسبت به مقدار تلف شده منفسخ می‌شود و در صورت تلف بعض آن، مستأجر حق دارد اجاره را نسبت به بقیه فسخ کند یا فقط مطالبه تقلیل نسبی مال الاجاره را نماید.» با توجه به مراتب پیش گفته، گزینه‌های (۱) و (۲) صحیح نبوده و هر چند گزینه «۴» نیز کامل نمی‌باشد، لیکن صحیح به نظر می‌رسد.



۸- گزینه ۲: مطابق ماده ۴۹۷ قانون مدنی: «عقد اجاره به واسطه‌ی فوت موجر یا مستأجر باطل نمی‌شود، لیکن اگر موجر فقط برای مدت عمر خود مالک منافع عین مستأجره بوده است، اجاره به فوت موجر باطل می‌شود و اگر شرط مباشرت مستأجر شده باشد، به فوت مستأجر باطل می‌گردد. گزینه ۱» به لحاظ آن که مخالف ماده ۵۰۵ قانون مدنی است که می‌گوید: «اقساط مال الاجاره که به علت نرسیدن موعد پرداخت آن بر ذمه‌ی مستأجر مستقر نشده است، به موت او حال نمی‌شود.» نمی‌تواند صحیح باشد و گزینه ۳ نیز به لحاظ آن که عقد اجاره از عقود لازمه است نمی‌تواند صحیح باشد و در مقایسه گزینه‌های ۲ و ۴ هم گزینه ۲ صحیح‌تر به نظر می‌رسد. به نظر می‌رسد چنانچه معتقد به عدم شرط مباشرت مستأجر باشیم، هم اکنون نیز عرف بر همین مبناست گزینه ۲ صحیح‌تر می‌باشد.

۹- گزینه ۲: مطابق ماده ۴۹۴ قانون مدنی: «عقد اجاره به محض انقضای مدت برطرف می‌شود و اگر پس از انقضای آن مستأجر عین مستأجره را بدون اذن مالک مدتی در تصرف خود نگاه دارد، موجر برای مدت مزبور مستحق اجرت‌المثل خواهد بود اگرچه مستأجر استیفای منفعت نکرده باشد و اگر با اجازه مالک در تصرف نگاه دارد وقتی باید اجرت‌المثل بدهد که استیفاء منفعت کرده باشد، مگر این که مالک اجازه داده باشد که مجاناً استفاده نماید.» ضمن این که وفق ماده ۳۳۷ از همین قانون «هرگاه کسی برحسب اذن صریح یا ضمنی از مال غیر استیفای منفعت کند، صاحب مال مستحق اجرت‌المثل خواهد بود مگر این که معلوم شود که اذن در انتفاع مجانی بوده است. همچنین اگر در پایان اجاره مستأجر به انتفاع خود ادامه دهد و موجر تخلیه او را نخواهد، باید او را مأذون به حساب آورد نه غاصب و قانون مدنی نیز سکوت مؤجر را دلیل رضای او بر ادامه انتفاع دانسته است.

۱۰- گزینه ۱: قانون مدنی، از ماده ۱۱ تا ۲۳ در بیان انواع اموال ضمن تقسیم آن به دو قسم منقول و غیرمنقول به مقررات مربوط به هر یک پرداخته است وفق ماده ۲۰ این قانون، کلیه دیون، از قبیل قرض و ثمن مبیع و مال الاجاره عین مستأجره، از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول است، ولو این که مبیع یا عین مستأجره از اموال غیرمنقول باشد.

۱۱- گزینه ۴: مطابق ماده ۴۸۲ قانون مدنی: «اگر مورد اجاره عین کلی باشد و فردی که مؤجر داده معیوب درآید، مستأجر حق فسخ ندارد و می‌تواند مؤجر را مجبور به تبدیل آن نماید و اگر تبدیل آن ممکن نباشد، حق فسخ خواهد داشت.» حق فسخ اخیرالذکر در فرضی که تبدیل فرد معیوب ممکن نباشد، مستند به خیار عیب نیست، بلکه ناشی از تعذر تسلیم است.

۱۲- گزینه ۴: مطابق ماده‌ی ۴۷۴ قانون مدنی و ماده‌ی ۱۵ آیین نامه قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۷۶، مستأجر چه در مورد محل‌های مسکونی و چه در مورد اماکن تجاری، علی‌الاصول حق اجاره دادن عین مستأجر را دارد، مگر این که این حق از او سلب شده باشد.

۱۳- گزینه ۴: مطابق ماده‌ی ۴۸۸ قانون مدنی، اگر شخص ثالثی بدون ادعای حقی در عین مستأجره یا منافع آن، مزاحم مستأجر شود، اگر این مزاحمت قبل از قبض باشد، مستأجر می‌تواند اجاره را فسخ کند یا برای رفع مزاحمت یا دریافت اجرت‌المثل به مزاحم رجوع کند ولی اگر مزاحمت بعد از قبض باشد، مستأجر حق فسخ ندارد و فقط می‌تواند به مزاحم رجوع کند. مانند این حکم در عقد مزارعه نیز وجود دارد. با این توضیح ایراد سایر گزینه‌ها روشن می‌گردد.

۱۴- گزینه ۱: مطابق بند ۲ ماده‌ی ۱۵ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶، تخلیه‌ی عین مستأجره تنها به منظور احتیاج شخص موجر برای کسب یا پیشه یا تجارت ممکن است نه برای شغل فرزند موجر. ایراد گزینه‌ی ۲ آن است که مطابق تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۲۷ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶، حداکثر مهلت پانزده روز خواهد بود نه دو ماه.

۱۵- گزینه ۲: گزینه‌ی ۲ مطابق ماده ۴۷۴ قانون مدنی و ماده ۱۵ آیین نامه‌ی قانون روابط موجر و مستأجر ۷۶: «مستأجر اماکن تجاری در مدت اجاره چنانچه حق انتقال به غیر از او سلب نشده باشد می‌تواند با اخذ مبلغی سرقفلی، مورد اجاره را برای همان شغل و در صورتی که منع قانونی وجود نداشته باشد و با قرارداد اجاره منافات نداشته باشد، برای مشاغل دیگر با رعایت سایر شرایط مندرج در اجاره‌نامه به دیگری منتقل نماید.»

۱۶- گزینه ۲: مطابق ماده ۴۸۳: «اگر در مدت اجاره عین مستأجره به واسطه حادثه کلاً یا بعضاً تلف شود، اجاره از زمان تلف نسبت به مقدار تلف شده منفسخ می‌شود. در صورت تلف بعضی آن، مستأجر حق دارد اجاره را نسبت به بقیه مدت فسخ کند یا فقط مطالبه تقلیل نسبی مال الاجاره را نماید.» هر چند مقصود از حادثه در این ماده همان است که در اصطلاح به آن حوادث غیرمترقبه می‌گویند، لیکن در فرض مسئله عین مستأجره توسط موجر تلف شده است و در این فرض مستأجر می‌تواند مطالبه‌ی خسارت نموده یا عقد اجاره را فسخ کند. آن چه مسلم است این که مابین تلف کلی یا جزئی عین مستأجره باید تفاوت قائل شد که طراح سؤال این موضوع را در نظر نگرفته. بنابراین اگر فرض سؤال تلف کلی مال باشد گزینه ۱ صحیح است زیرا عین مستأجره کلاً اتلاف گردیده و منافع مورد اجاره فوت شده است. لذا بدیهی به نظر می‌رسد که عقد اجاره خود به خود فسخ شود.

۱۷- گزینه ۳: مطابق ماده ۴۸۴ قانون مدنی، «موجر نمی‌تواند در مدت اجاره در عین مستأجره تغییری دهد که منافی مقصود مستأجر از استیجار باشد.» مانند این که هرگاه مورد اجاره مغازه باشد، سقف آن را برداشته و مبدل به حیاط نماید. زیرا فعل موجر اگرچه تصرف در ملک خود او محسوب می‌شود، لیکن موجب تعذر استیفای منافع منظور از عین مستأجره می‌گردد و منافی با حق مالکیت مستأجر در منفعت است.

۱۸- گزینه ۱: پس از قبض عین مستأجره، مستأجر فقط حق رجوع به مزاحم را دارد.



۱۹- گزینه «۴» موجر می‌تواند درخواست تخلیه عین مستأجره به منظور احتیاج شخص را بنماید.

۲۰- گزینه «۲» به موجب ماده‌ی ۴۷۵ قانون مدنی: «اجاره‌ی مال مشاع جائز است، لیکن تسلیم عین مستأجره موقوف است به اذن شریک.»

۲۱- گزینه «۴» در بعضی از موارد (مثلاً در صورتی که حق‌العمل کار مأمور به خرید یا فروش مال‌التجاره یا اسناد تجاری یا اوراق بهادار می‌باشد که دارای مظنه بورسی یا بازاری داشته باشد) حق‌العمل کار می‌تواند شخصاً خریدار و فروشنده واقع شود (ماده ۳۷۳) و ماده ۳۷۴ ق.ت مقرر می‌دارد که «... در این صورت حق خواهد داشت که هم حق‌العمل و هم مخارج عادی حق‌العمل کاری را برداشت کند»

۲۲- گزینه «۱» به استناد ماده‌ی ۵۰۳ قانون مدنی: «هرگاه مستأجر بدون اجازه‌ی موجر در خانه یا زمینی که اجاره کرده وضع بنا یا غرس اشجار کند، هریک از موجر و مستأجر حق دارد هر وقت بخواهد بنا را خراب یا درخت را قلع نماید، در این صورت اگر در عین مستأجر نقصی حاصل شود برعهده مستأجر است.»

۲۳- گزینه «۳» به موجب ماده‌ی ۴۷۶ قانون مدنی: «موجر باید عین مستأجره را تسلیم مستأجر کند و در صورت امتناع موجر اجبار می‌شود و در صورت تعذر اجبار، مستأجر خیار فسخ دارد.»

۲۴- گزینه «۳» به موجب ماده‌ی ۴۸۸ قانون مدنی: «اگر شخص ثالثی بدون ادعای حقی در عین مستأجره یا منافع آن مزاحم مستأجر گردد، در صورتی که قبل از قبض باشد مستأجر حق فسخ دارد و اگر فسخ ننمود می‌تواند برای رفع مزاحمت و مطالبه‌ی اجرت‌المثل به خود مزاحم رجوع کند و اگر مزاحمت بعد از قبض واقع شود، حق فسخ ندارد و فقط می‌تواند به مزاحم رجوع کند.»

۲۵- گزینه «۴» مطابق ماده ۴۹۴ قانون مدنی، عقد اجاره به محض انقضای مدت برطرف می‌شود اگر پس از انقضای آن، مستأجر عین مستأجره را بدون اذن مالک مدتی در تصرف خود نگاه دارد، موجر برای مدت مزبور مستحق اجرت‌المثل خواهد بود اگرچه مستأجر استیفای منفعت نکرده باشد. به محض سپری شدن مدت اجاره وضعیت حقوقی مستأجر نیز تغییر می‌کند بدین معنا که ید امانی وی تبدیل به ید قانونی می‌شود و مستأجر باید عین مستأجره را به مالک مسترد نماید وگرنه در حکم غاصب محسوب شده و مشمول ذیل ماده ۳۰۸ قانون مدنی می‌گردد.

۲۶- گزینه «۲» برابر ماده ۴۹۳ قانون مدنی، مستأجر نسبت به عین مستأجره ضامن نیست به این معنی که اگر عین مستأجره بدون تفریط یا تعدی او کلاً یا بعضاً تلف شود مسئول نخواهد بود درباره نفوذ شرط ضمان بر مستأجری که تعدی و تفریط نکرده است، اختلاف نظر وجود دارد و نفوذ شرط اقوی به نظر می‌رسد. لذا گزینه «۲» صحیح است و چنین شرطی برخلاف مقتضای ذات عقد اجاره نیست.

۲۷- گزینه «۲» مطابق ماده ۴۷۶ قانون مدنی، «موجر باید عین مستأجره را تسلیم مستأجر کند، در صورت امتناع، موجر اجبار می‌شود و در صورت تعذر اجبار، مستأجر اختیار فسخ دارد.» در صحت اجاره قدرت بر تسلیم عین مستأجره شرط است و موجر «اجاره‌دهنده» باید عین مستأجره را به مستأجر تسلیم کند و تا زمانی که عین مورد اجاره به مستأجر تسلیم نشده است وی می‌تواند از پرداخت اجاره‌بها خودداری کند. ضمن این‌که موجر باید عین مستأجره را در حالتی به مستأجر تسلیم نماید که بتواند استفاده مطلوبه را ببرد. در غیر این صورت، موجر از سوی دادگاه اجبار به تسلیم مورد اجاره می‌شود و در صورت تعذر اجبار، مستأجر می‌تواند عقد اجاره را فسخ کند.

۲۸- گزینه «۳» به موجب ماده‌ی ۵۰۱ قانون مدنی: «اگر در عقد اجاره مدت به طور صریح ذکر نشده و مال‌الاجاره هم از قرار روز یا ماه یا سالی فلان مبلغ معین شده باشد، اجاره برای یک روز یا یک ماه یا یک سال صحیح خواهد بود و اگر مستأجر عین مستأجره را بیش از مدت‌های مزبوره در تصرف خود نگاه دارد و مؤجر هم تخلیه‌ی ید او را نخواهد، موجر به موجب مواضع حاصله برای بقیه‌ی مدت و به نسبت زمان تصرف، مستحق اجرت مقرر بین طرفین خواهد بود.»

۲۹- گزینه «۴» به موجب ماده‌ی ۴۸۳ قانون مدنی: «اگر در مدت اجاره عین مستأجره به واسطه‌ی حادثه کلاً یا بعضاً تلف شود، از زمان تلف نسبت به مقدار تلف شده منفسخ می‌شود و در صورت تلف بعضی آن، مستأجر حق دارد اجاره را نسبت به بقیه فسخ کند یا فقط مطالبه‌ی تقلیل نسبی مال‌الاجاره نماید.»

۳۰- گزینه «۱» هرچند مطابق ماده‌ی ۴۹۳ قانون مدنی، ید مستأجر امانی می‌باشد ولی چون شرط ضمان با مقتضای ذات امانت تعارضی ندارد، می‌توان بر امین در هر عقدی (حتی عقد ودیعه) شرط ضمان نمود. و همچنین به موجب حاشیه ۴ این ماده: درباره نفوذ شرط ضمان بر مستأجر اختلاف وجود دارد و نفوذ شرط قوی‌تر به نظر می‌رسد و رویه قضایی به این نظر آن تمایل دارد.

۳۱- گزینه «۱» مطابق ماده‌ی ۴۹۱ قانون مدنی: «اگر منفعتی که در اجاره تعیین شده است به خصوصیت آن منظور نبوده، مستأجر می‌تواند استفاده‌ی منفعتی کند که از حیث ضرر مساوی یا کمتر از منفعت معینه باشد.»

۳۲- گزینه «۴» به موجب ماده‌ی ۵۶۵ قانون مدنی: «جعل‌العهدی است جایز و مادامی که عمل به اتمام نرسیده است، هر یک از طرفین می‌توانند رجوع کنند. ولی اگر جاعل در اثنای عمل رجوع نماید، باید اجرت‌المثل عمل عامل را بدهد.»

۳۳- گزینه «۲» مطابق ماده ۶۴۸ قانون مدنی، قرض عقدی است که به موجب آن احد طرفین مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند که طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار، جنس و وصف رد نماید و در صورت تعذر رد، مثل قیمت یوم‌الرد را بدهد، قرض وسیله‌ای برای تعاون اجتماعی است زیرا موجب می‌شود که هر کس نیاز به مالی دارد آن را از دیگران وصول نماید. عقد قرض از عقود معوض، تملیکی و رضایی است و از آن‌جا که قرض‌دهنده نمی‌تواند عقد را فسخ کند و آن‌چه را تملیک کرده است پس بگیرد، عقدی لازم است.

۳۴- گزینه «۱» مطابق ماده‌ی ۴۹۳ قانون مدنی: «مستأجر نسبت به عین مستأجره ضامن نیست به این معنی که اگر عین مستأجره بدون تفریط یا تعدی او کلاً یا بعضاً تلف شود مسئول نخواهد بود، ولی اگر مستأجر تفریط یا تعدی نماید ضامن است اگر چه نقص در نتیجه‌ی تفریط یا تعدی حاصل نشده باشد.»

۳۵- گزینه «۴» مطابق ماده‌ی ۴۸۲ قانون مدنی: «اگر مورد اجاره عین کلی باشد و فردی که مؤجر داده معیوب درآید، مستأجر حق فسخ ندارد و می‌تواند مؤجر را مجبور به تبدیل آن نماید و اگر تبدیل آن ممکن نباشد، حق فسخ خواهد داشت.»

۳۶- گزینه «۴» مطابق ماده‌ی ۴۸۸ قانون مدنی: «اگر شخص ثالثی بدون ادعای حقی در عین مستأجره یا منافع آن مزاحم مستأجر گردد، در صورتی که قبل از قبض باشد، مستأجر حق فسخ دارد و اگر فسخ ننمود، می‌تواند برای رفع مزاحمت و مطالبه‌ی اجرت‌المثل به خود مزاحم رجوع کند و اگر مزاحمت بعد از قبض واقع شود، حق فسخ ندارد و فقط می‌تواند به مزاحم رجوع کند.»

۳۷- گزینه «۱» به استناد ماده‌ی ۴۷۳ قانون مدنی: «لازم نیست که موجر مالک عین مستأجر باشد، ولی باید مالک منافع آن باشد.» بنابراین به صرف این‌که موجر مالک منفعت نباشد، اجاره فصولی بوده حتی اگر موجر مالک عین نیز باشد.

۳۸- گزینه «۲» بر طبق ماده‌ی ۲۱ قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۵۶: «رسیدگی به اختلافات بین موجر و مستأجر راجع به تعمیرات با دادگاه است. در صورتی که مؤجر تعمیرات کلی مورد حکم دادگاه را در مهلتی که از طرف دادگاه تعیین می‌شود انجام ندهد، مستأجر می‌تواند برای فسخ اجاره به دادگاه مراجعه کند یا از دادگاه درخواست کند به او اجازه داده شود تعمیرات مزبور را با نظارت دایره‌ی اجرا انجام داده و مخارج آن را حداکثر تا معادل ۶ شش ماه اجاره‌بها به حساب مؤجر بگذارد.»

۳۹- گزینه «۱» اقاله مطابق ماده ۲۸۳ قانون مدنی، بر هم زدن عقد لازم به تراضی طرفین را گویند. اثر اقاله در عقود مانند فسخ است، لذا به اقاله تفاسخ نیز می‌گویند و عقد از زمان انشا فسخ و منحل می‌شود زیرا ماده ۲۶۴ قانون مدنی آن را یکی از اسباب سقوط تعهدات دانسته است. در چنین حالتی عین مستأجره به مالک مسترد می‌شود. و در صورت استیفای منفعت توسط مستأجر وی باید بدل آن را که اجرت‌المثل است بپردازد. لذا در فرض مسئله، موجر نباید چیزی به مستأجر بپردازد.

۴۰- گزینه «۱» مطابق ماده‌ی ۴۷۳ قانون مدنی: «موجر باید مالک منفعت عین مستأجره باشد و لازم نیست مالک عین نیز باشد» بنابراین به صرف این‌که موجر مالک منفعت نباشد، اجاره فصولی بوده حتی اگر موجر مالک عین نیز نباشد، در عاریه نیز همین حکم وجود دارد.

۴۱- گزینه «۱» بر طبق ماده‌ی ۳۸۸ قانون مدنی: «اگر قبل از تسلیم در مبیع نقصی حاصل شود، مشتری حق خواهد داشت که معامله را فسخ نماید.»

۴۲- گزینه «۲» مطابق ماده‌ی ۴۷۵ قانون مدنی: «اجاره مال مشاع جایز است. لیکن تسلیم عین مستأجره موقوف است به اذن شریک.»

۴۳- گزینه «۱» به موجب ماده‌ی ۶۴۹ قانون مدنی: «اگر مالی که موضوع قرض است، بعد از تسلیم تلف یا ناقص شود، از مال مقترض است.»

۴۴- گزینه «۳» عقد معلق آن است که تأثیر آن بر حسب انشا موقوف به امر دیگری باشد. قانون مدنی در ماده‌ی ۱۸۴ از اقسام عقود و معاملات عقد معلق را نیز ذکر کرده است. در نتیجه قانون مدنی عقد معلق را به عنوان یک عقد صحیح پذیرفته است و بر طبق اصل صحت قراردادهای عقد صحیح است، مگر این که دلیلی بر عدم صحت آن باشد. در قانون مدنی ما فقط دو مورد داریم که قانون صراحتاً عقد معلق را باطل اعلام کرده است. یکی ماده‌ی ۶۹۹ و دیگری ماده‌ی ۱۰۶۸ قانون مدنی است: «ضمان و نکاح معلق باطل است.»

به موجب ماده‌ی ۶۹۹ قانون مدنی: «تعلیق در ضمان مثل اینکه ضامن قید کند که اگر مدیون نداد من ضامنم باطل است، ولی التزام به تأدیه ممکن است معلق باشد.»



۴۵- گزینه «۳» به موجب ماده ۱۸ قانون مدنی و تبصره ۲ ماده ۱۹ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶، چنانچه استدلال شود که عنصر اساسی حق کسب و پیشه یا تجارت، حفظ مشتریان تاجر و در نتیجه حقی است که وی در اثر کار و فعالیت و امانت خود به دست آورده، پس موضوع سرقتی یک مال غیرمادی منقول است و اصل حق نیز به تابعیت از آن باید منقول به حساب آید. اما در حقوق ایران حقی است که به موجب آن مستأجر متصرف، در اجاره کردن محل کسب خود بر دیگران مقدم شناخته می‌شود و تبصره‌ی ۲ ماده ۱۹ قانون روابط موجر و مستأجر نیز حق سرقتی به همراه ملک قابل انتقال است. و به موجب همان تبصره انتقال سرقتی فقط با سند رسمی امکان دارد، در حالی که می‌دانیم طبق مواد ۲۲، ۴۶ تا ۴۸ قانون ثبت، اصولاً انتقال اموال منقول به تنظیم سند رسمی نیازی ندارد و این الزام ویژه‌ی املاک است.

۴۶- گزینه «۴» مطابق ماده‌ی ۳۷۷ قانون مدنی: «هر یک از بایع و مشتری حق دارد از تسلیم مبیع یا ثمن خودداری کند تا طرف دیگر حاضر به تسلیم شود، مگر این که مبیع یا ثمن، مؤجل باشد، در این صورت هر کدام از مبیع یا ثمن که حال باشد باید تسلیم شود».

۴۷- گزینه «۳» مطابق ماده‌ی ۴۹۸ قانون مدنی: «اگر عین مستأجره به دیگری منتقل شود، اجاره به حال خود باقی است، مگر این که موجر حق فسخ در صورت نقل را برای خود شرط کرده باشد».

۴۸- گزینه «۱» به موجب ماده‌ی ۱۴ قانون: روابط موجر و مستأجر ۵۶ و بند ۸ آن ماده: ۱- در صورتی که مستأجر در مورد اجاره تعدی یا تفریط کرده باشد، موجر می‌تواند حسب مورد صدور حکم فسخ اجاره یا تخلیه را از دادگاه درخواست کند. دادگاه ضمن حکم فسخ اجاره، دستور تخلیه مورد اجاره را صادر می‌نماید و این حکم علیه مستأجر یا متصرف، اجرا و محل تخلیه خواهد شد.

۴۹- گزینه «۲» ضمان تضامنی دو نوع است: ۱- ضمان عرضی: مضمون‌له در صورت عدم انجام تعهد یا ایفای دین توسط مضمون عنه می‌تواند به هر دوی ضامن تضامنی و مضمون عنه رجوع کند یا به هر کدام که بخواهد رجوع کند. ۲- ضمان طولی: مضمون‌له در صورت عدم انجام تعهد توسط متعهد اصلی بایستی اول به او مراجعه کند. اصل براین است که در ضمانت تضامنی مضمون‌له می‌تواند به هر دوی آن‌ها یا به هر کدام بخواهد رجوع کند مگر این که در عقد تصریح شده باشد که بایستی اول به مدیون اصلی رجوع کند و چون در متن سؤال آمده که ضامن ضمانت تضامنی کرده که در صورت تخلف مستأجر اجاره‌یها را بدهد، مضمون له بایستی اول به مستأجر رجوع کند و در صورت عدم پرداخت توسط او به ضامن تضامنی او مراجعه کند.

۵۰- گزینه «۳» رجوع کنید به ماده ۶۴۸ قانون مدنی.

۵۱- گزینه «۴» مطابق ماده‌ی ۵۶۶ قانون مدنی: «هرگاه در جعاله عمل دارای اجزای متعدد بوده و هر یک از اجزای مقصود بالاصاله جاعل بوده باشد و جعاله فسخ گردد، عامل از اجرت‌المسمی به نسبت عملی که کرده است مستحق خواهد بود، اعم از این که فسخ از طرف جاعل باشد یا از طرف خود عامل».



فصل سوم

«عقد شرکت و عقد صلح»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل سوم

(وکالت ۸۱)

که ۱- اسباب اشاعه عبارتند از:

- (۱) ارث، عقد و امتزاج
- (۲) فقط ارث و عقد
- (۳) فقط ارث، عقد و وصیت
- (۴) ارث، عقد، امتزاج و حیزات مباحات

(وکالت ۸۱)

که ۲- اگر تقسیم مال مشترک سبب از مالیت افتادن سهم یکی از شرکا شود، تقسیم چه وضعی دارد؟

- (۱) تقسیم در صورتی صحیح است که شریکی که تقسیم بر ضرر اوست رضایت دهد.
- (۲) تقسیم در صورتی صحیح است که از دادگاه درخواست شود.
- (۳) با توافق تمام شرکا، تقسیم صحیح است.
- (۴) تقسیم ممنوع است.

(آزاد ۸۲)

که ۳- در عقد صلح اگر در طرف مصالحه اشتباه شود، عقد چه وضعی دارد؟

- (۱) طرفی که اشتباه کرده حق فسخ عقد را دارد.
- (۲) غیرنافذ است.
- (۳) باطل است.
- (۴) صحیح است.

(سراسری ۸۳)

که ۴- هرگاه شخصی یکی از دو دستگاه اتومبیل خود را به نحو مردد صلح کند...

- (۱) عقد صلح مطلقاً باطل است.
- (۲) عقد صحیح است و دادگاه می‌تواند مورد صلح را معین کند.
- (۳) عقد صحیح است و مصالح می‌تواند بعداً مورد صلح را معین کند.
- (۴) عقد صحیح است و مصالح خود می‌تواند مورد صلح را انتخاب کند.

(آزاد ۸۳)

که ۵- اگر در موضوع عقد صلح اشتباهی رخ دهد، صلح چه وضعی دارد؟

- (۱) چون عقد صلح مبتنی بر مسامحه است، اشتباه تأثیری در آن ندارد.
- (۲) عقد صلح باطل است.
- (۳) عقد صلح غیرنافذ است و مصالح می‌تواند آن را تنفیذ یا رد کند.
- (۴) عقد صلح صحیح است و طرفی که در اشتباه بوده می‌تواند آن را فسخ کند.

(سراسری ۸۴)

که ۶- عقد صلح در مقام هر معامله‌ای که باشد:

- (۱) نه نتیجه و نه شرایط آن معامله را دارد.
- (۲) نتیجه و شرایط همان معامله را دارد.
- (۳) نتیجه آن معامله را دارد، ولی شرایط آن معامله را ندارد.
- (۴) نتیجه آن معامله را ندارد، ولی شرایط آن معامله را دارد.

(آزاد ۸۴)

که ۷- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) شریک مال مشاع نمی‌تواند سهم خود را بدون اذن شریک دیگر بفروشد.
- (۲) شریک مال مشاع می‌تواند سهم خود را بفروشد، ولی تسلیم مبیع به مشتری منوط به اذن شریک دیگر است.
- (۳) شریک مال مشاع می‌تواند سهم خود را بدون اذن شریک دیگر بفروشد و مبیع را تسلیم مشتری نماید.
- (۴) شریک مال مشاع می‌تواند سهم خود را بدون اذن شریک دیگر بفروشد، ولی شریک حق تقدم در خرید دارد.

(سراسری ۸۵)

که ۸- مهایات چیست؟

- (۱) اعطای منافع در هر قسمت پس از افراز به مالک حصه اختصاصی.
- (۲) تقسیم منافع مال مشترک به اعتبار زمان یا مکان.
- (۳) ائتلاف مال مشترک توسط یکی از شرکاء.
- (۴) اجاره مجدد منافع عین مستأجره توسط مستأجر.

(سراسری ۸۵)

که ۹- در عقد صلح بلاعوض:

- (۱) کلیه خيارات بی‌اثر است.
- (۲) خيار غبن بی‌اثر و سایر خيارات مؤثر است.
- (۳) خيار غبن و مجلس بی‌اثر و سایر خيارات مؤثر است.
- (۴) خيار شرط و تخلف شرط مؤثر و سایر خيارات بی‌اثر است.



کدام گزینه در مورد شرکت صحیح است؟

(آزاد ۸۶)

- ۱) در شرکت مدیری که به تنهایی اقدام کرده باشد، در صورت عدم امضای شرکای دیگر مسئول است، اگرچه امکان مداخله در امر اداره برای سایر شرکا موجود نباشد.
- ۲) شریکی که به تنهایی اقدام به اداره شرکت کرده، در صورتی مسئول است که برای شرکای دیگر امکان مداخله در امر اداره موجود نباشد.
- ۳) مدیری که به تنهایی اقدام کرده باشد در صورتی که برای دیگران امکان مداخله نباشد مسئول نیست.
- ۴) شریکی که به تنهایی اقدام به اداره شرکت کرده فقط در صورتی مسئول است که تعدی یا تفریط کرده باشد.

(وکالت ۸۷)

اگر دعوای ناشی از بطلان معامله در دادگاه مطرح باشد و طرفین با یکدیگر صلح کنند، این صلح چه وضعی دارد؟

- ۱) صلح باطل و بلااثر است.
- ۲) صلح صحیح و نافذ است.
- ۳) صلح فقط در صورتی صحیح است که طرفین به صراحت از بطلان صرف نظر نموده و به صحت معامله اقرار کنند.
- ۴) اگر صلح در دادگاه واقع شود صلح صحیح است و آلا غیرنافذ است.

(آزاد ۸۸)

چنانچه عقد صلح، در «مقام معامله» واقع شود؛ کدام یک از گزینه‌های ذیل درست است؟

- ۱) خود فی نفسه یک قالب معاملاتی است ولی نمی‌تواند جایگزین عقود دیگر شود.
- ۲) فقط می‌تواند جایگزین بیع باشد.
- ۳) فقط می‌تواند جایگزین عقد اجاره باشد.
- ۴) می‌تواند جایگزین بیع، اجاره، عاریه و ابراء باشد.

(وکالت ۸۹)

در ملک مشاع، هر یک از مالکان:

- ۱) حق همه گونه تصرف و انتفاع را دارند.
- ۲) حق هیچ گونه تصرف و انتفاع را ندارند.
- ۳) برای تصرف، نیازمند اذن دیگران هستند.
- ۴) مجاز به تصرف هستند ولی باید به دیگر مالکان اجرت‌المثل تصرف خود را بدهند.

(وکالت ۸۹)

صلح بلاعوض:

- ۱) عقد جایز است.
- ۲) عقد باطل است.
- ۳) عقد لازم است.
- ۴) در حکم هبه است و تمامی احکام هبه بر آن جاری می‌شود.

(سراسری ۹۰)

در کدام مورد عقد صلح باطل نیست؟

- ۱) صلح نسبت به ادعای بطلان معامله
- ۲) اشتباه در طرح مصالحه در صلح محاباتی
- ۳) اگر مورد صلح در زمان عقد از بین رفته باشد.
- ۴) صلح نسبت به حق شفعه در مورد بیعی که معلوم شود باطل بوده است.

(وکالت ۹۰)

موضوع اشاعه می‌تواند:

- ۱) فقط عین باشد.
- ۲) عین یا حق باشد.
- ۳) عین یا منافع باشد.
- ۴) عین، منافع یا حق باشد.

(وکالت ۹۰)

در یک شرکت مدنی (غیر بازرگانی) مسئولیت شرکا نسبت به بدهی شرکت:

- ۱) به نسبت و به میزان آورده است.
- ۲) مسئولیت شرکا تضامنی است.
- ۳) مسئولیت شرکا به میزان آورده‌ی آن‌ها تضامنی است.
- ۴) به نسبت سهم است ولی باید همه بدهی را هر کدام به نسبت سهم خود بپردازند.

(وکالت ۹۰)

موضوع اشاعه می‌تواند:

- ۱) فقط عین باشد.
- ۲) عین یا حق باشد.
- ۳) عین یا منافع باشد.
- ۴) عین، منافع یا حق باشد.



پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل سوم

۱- گزینه «۴» مطابق ماده‌ی ۵۷۳ قانون مدنی، شرکت اختیاری ممکن است در نتیجه‌ی عمل شرکا حاصل شود. بنابراین اگر چندین نفر به طور مشترک مالی را حیات کنند، عمل آن‌ها در مورد آن مال سبب به وجود آمدن شرکت می‌شود یعنی آن‌ها مشترکاً صاحب آن مال می‌شوند. همان‌طور که ماده‌ی ۱۵۰ قانون مدنی در باب حیات مباحات اعلام می‌دارد که افراد به نسبت عملی که انجام می‌دهند مالک آن مال می‌شوند و حیات مباحات هم مطابق ماده‌ی ۱۴۷ قانون مدنی و ماده‌ی ۱۴۰ قانون مدنی از اسباب تملک محسوب می‌شود.

۲- گزینه «۴» به موجب ماده‌ی ۵۹۵ قانون مدنی: «هرگاه تقسیم متضمن افتادن تمام مال مشترک یا حصه‌ی یک یا چند نفر از شرکا از مالیت باشد، تقسیم ممنوع است، اگر چه شرکا تراضی نمایند».

۳- گزینه «۳» از آن جایی که در عقد صلح، شخصیت طرف، علت عمده‌ی عقد می‌باشد، هرگاه در شخص طرف مصالحه، اشتباهی رخ دهد، مطابق ماده‌ی ۷۶۲ قانون مدنی، عقد صلح باطل است. با این توضیح ایراد سایر گزینه‌ها روشن می‌گردد.

۴- گزینه «۱» عقد صلح، عقدی است که در مورد رفع تنازع موجود و یا جلوگیری از تنازع احتمالی در مورد معامله و غیر آن واقع شود. مطابق ماده ۷۶۰ قانون مدنی، صلح عقد لازم است اگرچه در مقام عقود جایزه واقع شده باشد و برهم نمی‌خورد مگر در موارد فسخ به خیار یا اقاله ... همچنین وفق ماده، اگر در طرف مصالحه و یا در مورد صلح اشتباهی واقع شده باشد صلح باطل است. ضمن این که اشتباه در موضوع صلح وقتی مؤثر است که راجع به خود موضوع معامله یعنی اوصاف اساسی آن باشد. به همین دلیل هم در فرض مسئله گزینه «۱» صحیح می‌باشد. و همچنین به موجب بند ۳ ماده ۱۹۰ و ۲۱۶ قانون مدنی.

۵- گزینه «۲» به استناد ماده‌ی ۷۶۲ قانون مدنی: «اگر در طرف مصالحه و یا در مورد صلح اشتباهی واقع شده باشد، صلح باطل است». اشتباه در موضوع صلح نیز وقتی مؤثر است که راجع به «وجود موضوع معامله» یعنی اوصاف اساسی آن باشد. به نظر می‌رسد منظور این ماده از «مورد» هم شامل مورد معامله می‌شود و هم شامل خود موضوع معامله. با این توضیح ایراد سایر گزینه‌ها روشن می‌گردد.

۶- گزینه «۳» ماده ۷۵۸ قانون مدنی اعلام می‌دارد: «صلح در مقام معاملات هر چند نتیجه معامله را که به جای آن واقع شده است می‌دهد، لیکن شرایط و احکام خاصه آن معامله را ندارد. بنابراین اگر مورد صلح عین باشد در مقابل عوض، نتیجه آن همان نتیجه بیع خواهد بود بدون این که شرایط و احکام خاصه بیع در آن مجری شود». در واقع جوهره و ماهیت صلح و تسری آن بر معامله‌ای که همان نتیجه را می‌دهد، جلوگیری از تنازع موجود یا احتمالی است نه نام صلح، مثلاً حق شفعه در صلح نیست هر چند در مقام بیع باشد.

۷- گزینه «۲» به استناد ماده‌ی ۵۸۳ قانون مدنی: «هریک از شرکا می‌تواند بدون رضایت شرکای دیگر سهم خود را جزئاً یا کلاً به شخص ثالثی منتقل نماید». بدیهی است که تسلیم مبیع باید با اذن شرکای دیگر صورت گیرد چرا که هر چند تصرف حقوقی شریک در سهم اختصاصی خود مستلزم تصرف در سهم دیگران نیست، اما تصرف مادی در سهم خویش موجب تصرف در سهم دیگران می‌شود. بنابراین به اذن ایشان نیاز است.

۸- گزینه «۲» مهابیات در اصطلاح فقهی و مدنی، تقسیم منافع مال مشترک برحسب مکان یا زمان را گویند. مثلاً اگر در خانه‌ای دو نفر شریک باشند و منزل را از قرار ماهیانه ۱,۰۰۰,۰۰۰ تومان اجاره دهند و نیمی از مال الاجاره را یک شریک و نیمی دیگر را شریک دیگر بردارد، این را تقسیم منافع به مکان گویند. حال اگر در یک ماه، تنها یک شریک مال الاجاره را اخذ و ماه بعد شریک دیگر آن را اخذ کند، به آن تقسیم منافع به زمان گویند.

۹- گزینه «۱» صلح بلاعوض، صلحی است که یک طرف عقد (مُصلح) مال یا حق و ... را اجرا می‌کند بدون این که متقابلاً از طرف خود، چیزی دریافت کند. این عقد در مقابل صلح معوض آمده است. ماده ۷۵۷ قانون مدنی می‌گوید صلح بلاعوض نیز جایز است. با توجه به این که مادتين ۷۶۰ و ۷۶۱ همین قانون راجع به صلح معوض است و در صلح بلاعوض هیچ‌یک از خیارات مطروحه جاری و ساری نمی‌گردد.

۱۰- گزینه «۱» به استناد ماده‌ی ۵۸۰ قانون مدنی: «اگر بین شرکا مقرر شده باشد که یکی از مدیران نمی‌تواند بدون دیگری اقدام کند، مدیری که به تنهایی اقدام کرده باشد، در صورت عدم امضای شرکای دیگر، در مقابل شرکا ضامن خواهد بود، اگرچه برای مأذونین دیگر امکان فعلی برای مداخله در امر اداره کردن موجود نبوده باشد».



۱۱- گزینه «۲» بر طبق ماده‌ی ۷۶۵ قانون مدنی: «صلح دعوی مبتنی بر معامله‌ی باطله، باطل است ولی صلح دعوی ناشی از بطلان معامله، صحیح است».

۱۲- گزینه «۴» مطابق ماده‌ی ۷۵۸ قانون مدنی، هرگاه صلح در مقام یکی از معاملات، منعقد شود، نتیجه‌ی همان معامله را خواهد داشت، بدون این‌که شرایط و احکام خاص آن معامله را داشته باشد. با این توضیح ایراد سایر گزینه‌ها روشن می‌گردد.

۱۳- گزینه «۳» مطابق ماده‌ی ۵۸۱ قانون مدنی: «تصرفات هر یک از شرکا در صورتی که بدون اذن یا خارج از حدود اذن باشد، فضولی بوده و تابع مقررات معاملات فضولی خواهد بود».

۱۴- گزینه «۳» به استناد مواد ۷۵۷ و ۷۶۰ قانون مدنی: «صلح عقد لازم است اگرچه در مقام عقود جایزه واقع شده باشد و بر هم نمی‌خورد، مگر در موارد فسخ به خیار یا اقاله».

۱۵- گزینه «۱» طبق ماده ۷۶۵ ق.م صلح دعوی ناشی از بطلان معامله صحیح می باشد. گزینه ۲ و ۳ به استناد ماده ۷۶۲ صحیح نمی‌باشد. گزینه ۴ به استناد قسمت اول ماده ۷۶۵ صحیح نمی باشد.

۱۶- گزینه «۴» مطابق ماده‌ی ۵۷۱ قانون مدنی: «شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه». منظور از شیء در این ماده مال می‌باشد و مال نیز اعم از عین و منافع و حق می‌باشد.

۱۷- گزینه «۴» مطابق ماده‌ی ۵۷۵ قانون مدنی: «هر یک از شرکا به نسبت سهم خود در نفع و ضرر سهیم می‌باشند...» بنابراین مسئولیت شرکا نسبی و به نسبت سهم آن‌ها می‌باشد. اما از آن‌جا که شرکت مدنی شخصیتی مستقل از شرکا ندارد، بنابراین شرکا مسئول پرداخت تمام بدهی به نسبت سهم خود می‌باشند.

۱۸- گزینه «۴» مطابق ماده‌ی ۵۷۱ قانون مدنی: «شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه». منظور از شیء در این ماده مال می‌باشد و مال نیز اعم از عین و منافع و حق می‌باشد.



عقود معین ۲

فصل اول

«عقود ضمان، ودیعه و عاریه»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل اول

کله ۱- دو نفر زمینی را از شخصی برای ایجاد ساختمان عاریه می‌کنند. پس از ایجاد ساختمان، یکی از آن دو نفر قسمت خود را به فروش می‌رساند. با توجه به مقررات قانون مدنی، آیا شریک دیگر دارای حق شفعه می‌باشد؟ (سراسری ۷۶)

- (۱) بلی (۲) خیر
(۳) با رضایت شخص مُعیر بلی (۴) در صورتی که ضمن عقد عاریه شرط شده باشد بلی

کله ۲- اگر ضامن بدون اجازه مضمون‌عنه، عقد ضمان را منعقد و سپس به تعهد خویش عمل نماید، آیا می‌تواند به مضمون‌عنه مراجعه نماید؟ (سراسری ۷۶)

- (۱) به مقداری که پرداخته است بلی (۲) بلی (۳) خیر (۴) فقط به میزان دین اصلی

کله ۳- هرگاه مشتری برای تضمین پرداخت ثمن ضامن دهد، این ضمانت را..... گویند. (سراسری ۷۶)

- (۱) حواله (۲) ضمان واقعی (۳) ضمان عهده (۴) ضمان حکمی

کله ۴- مستعیر منافع مال مورد عاریه را اجاره می‌دهد، این اجاره دارای چه حکمی می‌باشد؟ (سراسری ۷۷)

- (۱) اجاره صحیح بوده و مال‌الاجاره آن متعلق به مستعیر می‌باشد. (۲) اجاره باطل است.
(۳) اجاره صحیح بوده و مال‌الاجاره آن متعلق به معیر می‌باشد. (۴) اجاره غیرنافذ است.

کله ۵- در کدام یک از عقود، عقد نسبت به یکی از طرفین لازم و نسبت به طرف دیگر جایز است: (سراسری ۷۸)

- (۱) ضمان (۲) کفالت (۳) وکالت (۴) ودیعه

کله ۶- طلبکاری هنگام مطالبه طلب خود از ضامن با اعسار او روبرو می‌شود. در چنین فرضی آیا طلبکار می‌تواند عقد ضمان را فسخ و به بدهکار مراجعه نماید؟ (سراسری ۷۹)

- (۱) مضمون‌له حق فسخ ضمان را در هر حال دارد.
(۲) مضمون‌له در صورت عدم تمکن ضامن به پرداخت دین، هیچ‌گاه حق فسخ عقد لازم را ندارد.
(۳) طلبکار «مضمون‌له» در صورتی حق فسخ دارد که ضامن در حین عقد معسر بوده و مضمون‌له جاهل به آن باشد.
(۴) مضمون‌له جاهل به اعسار ضامن حق فسخ دارد، خواه ضامن به هنگام ضمان غیرملی باشد یا بعد از آن مُعسر شود.

کله ۷- در کدام یک از عقود زیر فقط آن چیزی می‌تواند موضوع عقد گردد که انتفاع از آن با بقای اصلش امکان‌پذیر باشد؟ عقد..... (سراسری ۸۰)

- (۱) بیع (۲) عاریه (۳) معاوضه (۴) ودیعه

کله ۸- در صورتی که چند نفر به موجب عقد واحدی، ضامن یک نفر شوند و مضمون‌له ضمانت همه را بپذیرد..... (سراسری ۸۰)

- (۱) فقط ضمانت یکی از آن‌ها صحیح است و حق انتخاب در این مورد با طلبکار است.
(۲) طلبکار فقط می‌تواند به سهم مساوی به هر یک از ضامن‌ها رجوع کند.
(۳) همه ضامن‌ها باطل‌اند.
(۴) همه ضامن‌ها درست است و مضمون‌له می‌تواند به هر کدام از ضامن‌ها برای تأدیه تمام دین مراجعه کند.

کله ۹- ماده ۶۹۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «ضمان دینی که هنوز سبب آن ایجاد نشده است، باطل است.» بطلان چنین عقدی ناشی از فقدان..... است. (سراسری ۸۱)

- (۱) موضوع (۲) قصد (۳) رضا (۴) مشروعیت جهت

کله ۱۰- هرگاه چند نفر ضامن شخصی شوند، ضمانت کدام یک از آن‌ها صحیح است؟ (سراسری ۸۱)

- (۱) هر کدام را که مدیون اصلی بپذیرد. (۲) هر کدام را که مضمون‌له قبول کند.
(۳) اولین عرضه‌کننده ایجاب برای انعقاد عقد ضمان (۴) آخرین عرضه‌کننده ایجاب برای انعقاد عقد ضمان

کله ۱۱- ماده ۶۹۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «در ضمان شرط نیست که ضامن مال‌دار باشد، لیکن اگر مضمون‌له در وقت ضمان به عدم تمکن ضامن جاهل بوده باشد، می‌تواند عقد ضمان را فسخ کند.....» حق فسخ موضوع ماده مزبور، کدام یک از انواع خیارات زیر است؟ (سراسری ۸۱)

- (۱) غبن (۲) تخلف شرط (۳) عیب (۴) شرط



(وکالت ۸۱)

۱۲- اگر مضمون‌عنه دین را ادا کند، چه تأثیری در حق ضامن دارد؟

- (۱) چنین پرداختی ایفای نارواست و مضمون‌عنه می‌تواند استرداد آن چه را پرداخته از مضمون‌له بخواهد.
- (۲) فقط در صورتی ضامن بری می‌شود که اذن در پرداخت داده باشد.
- (۳) هیچ تأثیری در حق ضامن ندارد.
- (۴) ضامن بری می‌شود.

(سراسری ۸۲)

۱۳- ضمان عهده نسبت به درک مبیع شامل کدام یک از موارد زیر نمی‌شود؟

- (۱) انحلال بیع به اقاله.
- (۲) بطلان بیع به جهت مقدور التسليم نبودن مبیع.
- (۳) بطلان بیع به جهت مالیت نداشتن مبیع.
- (۴) بطلان بیع به جهت مستحق‌للغیر در آمدن بیع.

(سراسری ۸۲)

۱۴- کدام یک از عبارات زیر در خصوص ضمان صحیح نیست؟

- (۱) ضمان عقد لازم است.
- (۲) ضمان مؤجل به فوت ضامن حال می‌شود.
- (۳) علم تفصیلی ضامن به شخص مضمون‌عنه و نسبت به مضمون‌به ضروری است.
- (۴) ضمان عهده از مشتری یا از بایع نسبت به درک مبیع یا ثمن در صورت مستحق‌للغیر در آمدن جایز است.

(سراسری ۸۳)

۱۵- آیا در عقد ضمان، مضمون‌له می‌تواند از ضامن مطالبه رهن کند؟

- (۱) مضمون‌له می‌تواند در عقد ضمان از ضامن مطالبه رهن کند، اگرچه برای دین اصلی، رهنی نباشد.
- (۲) مضمون‌له فقط در صورتی می‌تواند از ضامن مطالبه‌ی رهن کند که قصد ضمان نداشته باشد.
- (۳) مضمون‌له می‌تواند در عقد ضمان از ضامن مطالبه‌ی رهن کند، به شرط آن که برای دین اصلی رهن بوده باشد.
- (۴) مضمون‌له نمی‌تواند در عقد ضمان از ضامن مطالبه رهن کند، مگر این که برای دین اصلی رهن بوده باشد.

(وکالت ۸۳)

۱۶- اگر مال ودیعه به قهر از امین گرفته شود و امین بابت تلف آن پولی دریافت کند، این عوض به چه کسی تعلق دارد؟

- (۱) متعلق به امانت‌گذار است و ملزم است آن را بگیرد و حق رجوع به قاهر را ندارد.
- (۲) امین باید آن چه را در عوض گرفته به امانت‌گذار بدهد، ولی امانت‌گذار مجبور به قبول آن نیست و می‌تواند به قاهر رجوع کند.
- (۳) به امین تعلق دارد و او در مقابل مالک ضامن قیمت واقعی است.
- (۴) به امین تعلق می‌گیرد و او تعهدی در برابر مالک ندارد.

(وکالت ۸۳)

۱۷- ضامن از چه زمان حق رجوع به مضمون‌عنه را پیدا می‌کند؟

- (۱) بعد از ادای دین یا گذشتن مدتی که مضمون‌عنه ملتزم شده است براءت او را تحصیل کند.
- (۲) از زمان تحصیل اذن مضمون‌عنه به پرداخت
- (۳) از زمان انعقاد ضمان به شرط پرداخت دین
- (۴) از زمان انعقاد ضمان

(آزاد ۸۳)

۱۸- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) در عقد عاریه مال مورد عاریه به تملک مستعیر در می‌آید و هنگام رد باید عین آن را به معیر تسلیم کند.
- (۲) منافع مال مورد عاریه به مستعیر تملیک می‌شود.
- (۳) مستعیر اجازه انتفاع از مال مورد عاریه پیدا می‌کند.
- (۴) مستعیر حق انتفاع از مال مورد عاریه پیدا می‌کند.

(آزاد ۸۳)

۱۹- اگر عقد ضمان مؤجل باشد و قبل از رسیدن اجل ضامن فوت کند، ضمان چه وضعی دارد؟

- (۱) ضمان حال می‌شود.
- (۲) فوت ضامن هیچ تأثیری در عقد ضمان ندارد.
- (۳) با فوت ضامن مضمون‌له می‌تواند از ضمان صرف‌نظر کرده و به مدیون اصلی مراجعه کند.
- (۴) مضمون‌له حق مراجعه به هر یک از مدیون اصلی و وراث ضامن را دارد.

(آزاد ۸۴)

۲۰- شخصی منزل خود را که در دفتر املاک به ثبت رسیده به دیگری ودیعه داده است:

- (۱) ودیعه با ایجاب و قبول واقع می‌شود.
- (۲) علاوه بر ایجاب و قبول، مورد ودیعه باید تحویل مستودع گردد.
- (۳) چون ودیعه نسبت به مال غیرمنقول ثبت شده است، باید نسبت به آن سند رسمی تنظیم گردد.
- (۴) ودیعه مختص اموال منقول است، اموال غیرمنقول را نمی‌توان ودیعه داد.



- کج ۲۱-** اگر برای پرداخت ثمن، شخص ثالثی ضامن خریدار شود و تا سه روز ضامن و خریدار هیچ کدام ثمن را تأدیه نکنند... (سراسری ۸۴)
- (۱) بیع لازم است و فروشنده حق فسخ ندارد.
 - (۲) فروشنده حق دارد بیع را به استناد خيار تأخیر ثمن فسخ نماید.
 - (۳) فروشنده حق دارد بیع را به استناد خيار غبن فسخ نماید.
 - (۴) خریدار حق دارد بیع را به استناد تخلف از شرط فسخ نماید.
- کج ۲۲-** اگر ضامن نصف دین را از مضمونله تخفیف بگیرد و نیمی از آن را بپردازد... (سراسری ۸۵)
- (۱) نمی‌تواند زیاده بر آنچه داده از مدیون مطالبه نماید.
 - (۲) حق دارد معادل کل دین را از مدیون مطالبه نماید.
 - (۳) مضمونله حق دارد نصف دیگر را از مضموننه مطالبه نماید.
 - (۴) توافق باطل است و ضامن باید نصف دیگر را هم به مضمونله بپردازد.
- کج ۲۳-** ضمان ضمّ ذمه، از نظر کیفیت مسؤولیت ضامن، تقسیم می‌شود به: (آزاد ۸۵)
- (۱) ضمان دور و ضمان ترامی
 - (۲) ضمان تضامنی و ضمان وثیقه‌ای
 - (۳) ضمان تسلسل و ضمان تضامنی
 - (۴) ضمان دور و ضمان وثیقه‌ای
- کج ۲۴-** «التزام به تأدیه» ماهیتاً: (آزاد ۸۵)
- (۱) ضمان ضمّ ذمه است.
 - (۲) قرارداد خصوصی است.
 - (۳) ضمان نقل ذمه است.
 - (۴) شکلی از عقد ضمان منجز است.
- کج ۲۵-** کدام یک از گزینه‌های ذیل در مورد عقد عاریه تحقق می‌یابد؟ (آزاد ۸۵)
- (۱) مالکیت منفعت
 - (۲) اباحه انتفاع
 - (۳) ضمان ید
 - (۴) امانت قانونی
- کج ۲۶-** عقد ضمان را در چه مواردی می‌توان فسخ کرد؟ (وکالت ۸۵)
- (۱) عقد ضمان لازم است و ضامن یا مضموننه حق فسخ آن را ندارد.
 - (۲) عقد ضمان لازم است، مگر در صورت اعسار ضامن
 - (۳) عقد ضمان در صورت اعسار ضامن و بودن حق فسخ نسبت به دین مضمونبه، قابل فسخ است.
 - (۴) عقد ضمان در صورت اعسار ضامن و بودن حق فسخ نسبت به دین مضمونبه و تخلف از مقررات عقد قابل فسخ است.
- کج ۲۷-** در تعریف عقد ودیعه، کدام یک از عبارات زیر را مناسب می‌دانید؟ و دیعه عقدی است که: (وکالت ۸۵)
- (۱) به موجب آن شخص امین از مال دیگری حفاظت نموده و حق الزحمه خود را دریافت دارد.
 - (۲) طبق آن مالک یا نماینده او رأساً دیگری را موظف به نگهداری مال و انتقال منافع به مالک مال می‌نماید.
 - (۳) طی آن مالک یا نماینده او، از دیگری می‌خواهد از مال او به طور مجانی نگهداری کند و مورد قبول واقع شود.
 - (۴) طی آن مالک حق استفاده از مال خود را به دیگری تفویض می‌کند.
- کج ۲۸-** شرط ضمان مستعیر حتی بدون تعدی و تفریط چگونه است؟ (سراسری ۸۶)
- (۱) قانوناً مجاز است.
 - (۲) قانوناً ممنوع است.
 - (۳) با وحدت ملاک با مستأجر مجاز است.
 - (۴) با وحدت ملاک با مستودع ممنوع است.
- کج ۲۹-** هرگاه مستحق للغیر بودن مال و دیعه محقق گردد و مالک حقیقی هم معلوم نباشد، طبق قانون مدنی تکلیف چیست؟ (آزاد ۸۶)
- (۱) مستودع باید مال را نزد خود نگاه دارد تا مالک حقیقی معلوم گردد.
 - (۲) مستودع باید مال را به کسی که به او سپرده بازگرداند.
 - (۳) مستودع باید مشخصات مال را آگهی کند، اگر پس از گذشت مدت متعارف مالک حقیقی پیدا نشد آن را به مصرف فقرا برساند.
 - (۴) مال با اذن حاکم یا مأذون از طرف او به مصارف فقرا می‌رسد.
- کج ۳۰-** کدام عبارت در مورد «عقد ضمان» صحیح است؟ (وکالت ۸۶)
- (۱) تعلیق در ضمان، صحیح ولی التزام به تأدیه معلق، باطل است.
 - (۲) تعلیق در ضمان، باطل و التزام به تأدیه معلق، صحیح است.
 - (۳) تعلیق در ضمان و التزام به تأدیه، باطل است.
 - (۴) تعلیق در ضمان و التزام به تأدیه صحیح است.
- کج ۳۱-** «ضمان مؤجل به فوت ضامن حال می‌شود.» (ماده ۷۰۵ قانون مدنی) چرا؟ (آزاد ۸۷)
- (۱) زیرا به حکم قانون دیون مؤجل متوفی به موت او حال می‌شود.
 - (۲) زیرا به لحاظ زوال شخصیت مدیون، دین به ترکه تعلق می‌گیرد.
 - (۳) زیرا بقای دین بر تأجیل در فرض وفات مدیون، موجب بلا تکلیفی و ضرر طرفین می‌شود.
 - (۴) تمام موارد



(وکالت ۸۷)

۳۲- اگر مال مورد ودیعه به اجبار از امین گرفته شود و او چیز دیگری به جای آن اخذ کرده باشد:

- (۱) امانت‌گذار می‌تواند به غاصب و امین به طور تضامنی مراجعه کند.
- (۲) امانت‌گذار می‌تواند عوض را قبول نکند و به غاصب مراجعه کند.
- (۳) امین باید قیمت واقعی مال مورد ودیعه را به امانت‌گذار بدهد و عوضی را که گرفته متعلق به خود اوست.
- (۴) باید آن‌چه به عنوان عوض گرفته، به امانت‌گذار بدهد و او مکلف به قبول آن است.

(سراسری ۸۸)

۳۳- شرط صحت عقد ضمان این است که...

- (۱) ضامن ملی باشد.
- (۲) مضمون‌عنه زنده باشد.
- (۳) تعهد مضمون‌عنه مالی باشد.
- (۴) ضامن و مضمون‌عنه توافق کرده باشند.

۳۴- ضمان..... عبارت از این است که مضمون‌عنه، از..... ضمانت کند، این عقد ضمان در فرمول..... صحیح، و در فرمول..... باطل است.

(آزاد ۸۸)

- (۱) دور، ضامن، نقل ذمه، ضم ذمه
- (۲) ترامی، تسلسل، ضامن، نقل ذمه
- (۳) تعدد ضمانت‌ها، مضمون‌له، ضم ذمه، نقل ذمه
- (۴) دور، مضمون‌له، نقل ذمه، ضم ذمه

(آزاد ۸۹)

۳۵- در عقد عاریه کدام یک از گزینه‌ها صحیح است؟

- (۱) معیر الزاماً باید مالک عین مال باشد.
- (۲) تنها در عاریه طلا و نقره مسکوک مستعیر ضامن است.
- (۳) ممکن است معیر مالک عین نباشد.
- (۴) تنها در عاریه طلا و نقره غیر مسکوک مستعیر ضامن است.

۳۶- شخصی خودرو خود را به قیمت بیست میلیون تومان می‌فروشد. پس از انجام معامله مقرر می‌شود خودرو یک ماه در نزد فروشنده عاریه باشد. اگر پس از یک ماه فروشنده از تحویل خودرو امتناع ورزد، عنوان حقوقی مطالبه خودرو چیست؟ چرا؟

(سراسری ۸۹)

- (۱) الزام به تسلیم مال بدون عنوان، چون سبب منتفی است.
- (۲) الزام به تسلیم مبیع، چون عنوان اول باقی است.
- (۳) الزام به تسلیم مال مورد عاریه، چون عنوان اول منتفی است.
- (۴) الزام به تسلیم مبیع و عاریه، چون هر دو عنوان باقی هستند.

(وکالت ۸۹)

۳۷- در قرارداد ودیعه، پس از مطالبه مال از سوی مالک و امتناع سپرده‌گیر از رد مال، اگر مال تلف شود:

- (۱) سپرده‌گیر در صورت تعدی و تفریط ضامن است.
- (۲) سپرده‌گیر امین است و در هیچ صورت ضامن نیست.
- (۳) سپرده‌گیر تنها در صورت اتلاف عمدی مال ضامن است.
- (۴) سپرده‌گیر در هر حال ضامن است، ولو آن‌که تلف، مستند به فعل او نباشد.

۳۸- در صورتی که کسی مالی را از دیگری برای رهن گذاشتن عاریه نموده و آن را در رهن قرار دهد، سپس عقد عاریه از طرف معیر فسخ شود.....

(سراسری ۹۰)

- (۱) رهن به قوت خود باقی است.
- (۲) چنین رهنی از اساس باطل است.
- (۳) رهن منفسخ می‌شود و مستعیر باید مال دیگری را جایگزین کند.
- (۴) رهن توسط معیر فسخ می‌شود و مستعیر باید مال دیگری را جایگزین کند.

۳۹- شخصی از مردی ضمانت کرده که نفقه‌ی گذشته و نیز نفقه‌ی آینده همسر او را بپردازد. طبق قانون مدنی عقد ضمان مزبور نسبت به نفقه‌ی معوقه..... و نسبت به نفقه‌ی آینده..... است.

(وکالت ۹۰)

- (۱) صحیح - صحیح
- (۲) باطل - باطل
- (۳) صحیح - باطل
- (۴) باطل - باطل

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل اول

۱- گزینه «۲» مطابق ماده ۶۳۵ قانون مدنی، «عاریه عقدی است که به موجب آن احد طرفین به طرف دیگر اجازه می‌دهد که از عین مال او مجاناً منتفع شود. عاریه‌دهنده را معیر و عاریه‌گیرنده را مستعیر گویند.» در فرض مسئله، زمین برای ایجاد ساختمان به عاریه گرفته شده و در واقع به شرکا فروخته نشده است و مقرر گردیده از زمین مجاناً منتفع شوند. ماده ۸۰۹ همین قانون مقرر می‌دارد. «هرگاه بنا و درخت بدون زمین فروخته شود، حق شفعه نخواهد بود.» لذا با توجه به فروش حصه یکی از شرکا در بنای بدون زمین، شریک دیگر نمی‌تواند از حق مزبور استفاده کند.

۲- گزینه «۳» عقد ضمان عبارت است از این که شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است به عهده می‌گیرد. متعهد را ضامن، طرف دیگر را مضمون‌له و شخص ثالث را مضمون‌عنه یا مدیون اصلی گویند. در عقد ضمان، رضای مدیون اصلی شرط نیست. مطابق ماده ۷۰۹ قانون مدنی، ضامن حق رجوع به مضمون‌عنه ندارد، مگر بعد از ادای دین، ولی می‌تواند در صورتی که مضمون‌عنه ملتزم شده باشد که در مدت معینی براثت او را تحصیل نماید، و مدت هم منقضی شده باشد رجوع کند. در واقع رجوع ضامن به مضمون‌عنه به منظور جبران خسارتی است که از راه ضمان به او وارد شده است. این خسارت زمانی واقع می‌شود که ضامن دین را ادا کند و مبلغ آن نیز معادل میزان پرداخت است و همچنین به موجب ماده ۲۶۷ قانون مدنی و ۷۲۰ قانون مدنی.

۳- گزینه «۲» مطابق ماده ۶۹۷ قانون مدنی، ضمان عهده از مشتری یا بایع نسبت به درک مبیع یا ثمن در صورت مستحق للغیر در آمدن آن جایز است.

۴- گزینه «۴» برابر ماده ۶۴۷ قانون مدنی: «مستعیر نمی‌تواند مال عاریه را به هیچ نحوی به تصرف غیر دهد، مگر به اذن معیر.»

۵- گزینه «۲» به لحاظ دوام و ثبات، عقد به دو دسته لازم و جایز تقسیم می‌شود. مطابق ماده ۱۸۵ قانون مدنی، عقد لازم آن است که هیچ یک از طرفین معامله حق فسخ آن را نداشته باشد، مگر در موارد معینه مانند: عقد ضمان، عقد اجاره و... لیکن مطابق ماده ۱۸۶ از همین قانون، عقد جایز آن است که هر یک از طرفین بتواند هر وقتی بخواهد آن را فسخ کند مانند عقد وکالت، ودیعه و... همچنین مطابق ماده ۱۸۷ قانون مدنی، عقد ممکن است نسبت به یک طرف لازم و نسبت به طرف دیگر جایز باشد مانند عقد رهن و کفالت... عقد کفالت مطابق ماده ۷۳۴ از همین قانون عبارت است از: عقدی که به موجب آن احد طرفین در مقابل طرف دیگر احضار شخص ثالثی را تعهد می‌کند.

۶- گزینه «۳» مطابق ماده ۶۸۴ قانون مدنی، عقد ضمان عبارت است از این که شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است به عهده گیرد. متعهد را ضامن، طرف دیگر را مضمون‌له و شخص ثالث را مضمون‌عنه یا مدیون اصلی گویند. در این عقد، ضامن باید برای معامله اهلیت داشته باشد و رضای مدیون اصلی نیز شرط نیست. در ضمان شرط نیست که ضامن مال‌دار باشد، لیکن اگر مضمون‌له در وقت ضمان به عدم تمکن ضامن جاهل بوده باشد، می‌تواند عقد ضمان را فسخ کند. وفق ماده ۶۹۰ قانون مدنی: در ضمان شرط نیست که ضامن مال‌دار باشد، لیکن اگر مضمون‌له در وقت ضمان به عدم تمکن ضامن جاهل بوده باشد، می‌تواند عقد ضمان را فسخ کند. ولی اگر ضامن بعد از عقد غیرملی شود، مضمون‌له خیاری نخواهد داشت. لذا گزینه «۳» به لحاظ صراحت ماده قانونی مزبور صحیح می‌باشد.

۷- گزینه «۲» مطابق ماده ۶۳۵ قانون مدنی، عاریه عقدی است که به موجب آن احد طرفین به طرف دیگر اجازه می‌دهد که از عین مال او مجاناً منتفع شود عاریه‌دهنده را معیر و عاریه‌گیرنده را مستعیر گویند و مطابق ماده ۶۳۷ از همین قانون، هر چیزی که بتوان با بقای اصلش از آن منتفع شد، می‌تواند موضوع عقد عاریه گردد. در حالی که در ۳ گزینه دیگر، بیع، معاوضه و ودیعه چنین شرطی وجود ندارد.

۸- گزینه «۴» در فرض پرسش و ضمانت چند نفر به موجب عقد واحد از یک مدیون، در تعبیر اراده طرفین و اثر ضمان اختلاف شده است و در حالتی که همه ضمن یک عقد تمام دین را برعهده بگیرند، ظاهر در تضامن است ولی در مواردی که در ضمان‌ها تصریح به تمام دین نشود اختلاف وجود دارد که آیا مقصود تسهیم است یا تضامن؟

۹- گزینه «۱» مطابق ماده ۶۸۴ قانون مدنی، عقد ضمان عبارت است از این که شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است به عهده بگیرد... و برابر ماده ۶۹۱ از همین قانون، اگر سبب ضمان دین ایجاد نشده باشد، آن ضمان باطل است بدین معنا که اگر این ضمان از دین مربوطه به آینده باشد و هنوز موضوع آن ایجاد نشده نمی‌توان از آن ضمانت نمود. و همچنین عقد ضمان از عقود تبعی است که انعقاد آن تابع دینی است که بر ذمه مدیون قرار گرفته یا سبب آن ایجاد شده است. بنابراین چنانچه دین (موضوع) منتفی باشد، ضمان نیز منتفی خواهد بود.

۱۰- گزینه «۲» مطابق ماده ۶۸۹ قانون مدنی «هرگاه چند نفر ضامن شخصی شوند، ضمانت هر کدام که مضمون‌له قبول کند صحیح است.» در واقع مضمون‌له یا طلبکار می‌بایستی ضمانت یکی از چند نفر ضامنین را بپذیرد، زیرا در عقد ضمان رضای مدیون اصلی شرط نیست. و منظور ماده ۶۸۹ نیز ضمانت از تمام دین است نه با قید تسهیم برای ضامنین؛ زیرا با پذیرش اصل انتقال دین، نخستین ضامنی که مضمون‌له قبول کند تمام دین را برعهده می‌گیرد.

۱۱- گزینه «۲» مال‌دار بودن ضامن مبنای تراضی دو طرف و از شروط تبانی است و تخلف از آن به مشروطه اختیار فسخ می‌دهد. پس، مبنای فسخ، خیار تخلف از شروط است، حال اگر ضامن پیش از اعمال خیار مذکور تمکن مالی پیدا کند، زوال خیار ترجیح دارد.

۱۲- گزینه «۴» به موجب ماده ۷۱۷ قانون مدنی: هرگاه مضمون‌عنه دین را ادا کند، ضامن بری می‌شود، هر چند ضامن به مضمون‌عنه اذن در ادا نداده باشد.

۱۳- گزینه «۱» مطابق ماده ۳۹۰ قانون مدنی، اگر بعد از قبض ثمن، مبیع کلاً یا جزئاً مستحق‌الغیر درآید، بایع ضامن است، اگر چه تصریح به ضمان نشده باشد. این نوع ضمان که به ضمان درک معروف است، ناظر به تعهد ناشی از عقد بیع است و هنگامی که بیع از طریق اقاله یا خیار منتفی گردد، موضوع تعهد ضامن درک هم منتفی است. برابر ماده ۶۹۷ قانون مدنی، ضمان عهده از مشتری یا بایع نسبت به درک مبیع یا ثمن در صورت مستحق‌الغیر درآمدن جایز است. همچنین برابر ماده ۷۰۸ از همین قانون، کسی که ضامن درک مبیع است، در صورت فسخ بیع به سبب اقاله یا خیار، از ضمان بری می‌شود. ضمان عهده شامل انحلال بیع به سبب فسخ و اقاله نیست (حاشیه ماده ۶۹۷).

۱۴- گزینه «۳» عقد ضمان، عقدی است لازم که مطابق با آن شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است به عهده می‌گیرد. متعهد را ضامن، طرف دیگر را مضمون‌له و شخص ثالث را مضمون‌عنه یا مدیون اصلی گویند. از آنجایی که با فوت هر مدیون دین او حال می‌گردد، ضمان مؤجل نیز به فوت ضامن حال می‌شود. همچنین مطابق ماده ۶۹۴ قانون مدنی، «علم ضامن به مقدار و اوصاف و شرایط دینی که ضمانت می‌نماید شرط نیست...» زیرا عقد ضمان مبتنی بر مسامحه و ارفاق است و علم اجمالی به موضوع آن کافی است.

۱۵- گزینه «۱» عقد ضمان عبارت است از این که شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است به عهده بگیرد. متعهد را ضامن، طرف دیگر را مضمون‌له و شخص ثالث را مضمون‌عنه یا مدیون اصلی گویند. مطابق ماده ۶۹۳ قانون مدنی، مضمون‌له می‌تواند در عقد ضمان از ضامن مطالبه رهن کند، اگرچه برای دین اصلی رهنی نباشد.

۱۶- گزینه «۲» به موجب ماده ۶۲۱ قانون مدنی: اگر مال ودیعه قهراً از امین گرفته شود و مشارالیه قیمت یا چیز دیگری به جای آن اخذ کرده باشد، باید آن چه را در عوض گرفته است به امانت‌گذار بدهد، ولی امانت‌گذار مجبور به قبول آن نبوده و حق دارد مستقیماً به قاهر رجوع کند.

۱۷- گزینه «۱» به موجب ماده ۷۰۹ قانون مدنی: «ضامن حق رجوع به مضمون‌عنه ندارد، مگر بعد از ادای دین، ولی می‌تواند در صورتی که مضمون‌عنه ملتزم شده باشد که در مدت معینی براثت او را تحصیل نماید و مدت مزبور هم منقضی شده باشد رجوع کند».

۱۸- گزینه «۳» به استناد ماده ۶۳۵ قانون مدنی: «عاریه عقدی است که به موجب آن احد طرفین به طرف دیگر اجازه می‌دهد که از عین مال او مجاناً منتفع شود». عاریه عقدی است رضایی که نه قبض شرط صحت آن است و نه در انعقاد آن رعایت تشریفات خاص لازم است. عاریه با این که عقدی است مجانی، می‌توان در آن شرط عوض نمود (مستنبط از ماده ۸۰۱ قانون مدنی).

۱۹- گزینه «۱» به استناد ماده ۷۰۵ قانون مدنی: «ضمان مؤجل به فوت ضامن حال می‌شود». مطابق ماده ۲۳۱ قانون امور حسبی، دیون مؤجل متوفی به موت احوال می‌شود. عقد ضمان نیز از این قاعده مستثنی نیست و چون در اثر ضمان، ضامن به مضمون‌له مدیون می‌شود، اگر ضمان مؤجل باشد، با فوت ضامن، حال می‌شود.

۲۰- گزینه «۱» به استناد مادتين ۶۰۷ و ۶۰۸ قانون مدنی: «ودیعه عقدی است که به موجب آن یک نفر مال خود را به دیگری می‌سپارد برای آن که آن را مجاناً نگاه دارد...» برخلاف ظاهر ماده ۶۰۷ قانون مدنی، عقد ودیعه با تراضی واقع می‌شود و قبض در آن شرط صحت نیست، زیرا جوهر ودیعه نیابت گرفتن برای نگهداری است.

۲۱- گزینه «۱» دادن ضامن در حکم پرداخت است مشروط بر این که بدون قید و شرط و مفید نقل ذمه باشد. ضمان تضامنی در حکم وثیقه است و باعث سقوط خیار فروشنده نمی‌شود. ماده ۴۰۸ قانون مدنی در این خصوص می‌گوید: «اگر مشتری برای ثمن ضامن بدهد یا بایع ثمن را حواله دهد، پس از تحقق حواله خیار تأخیر ساقط می‌شود».

۲۲- گزینه «۱» درخصوص پرداخت کمتر از دین توسط ضامن، ماده ۷۱۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد: اگر ضامن به مضمون‌له کمتر از دین داده باشد، زیاده بر آن چه داده نمی‌تواند از مدیون مطالبه کند، اگرچه دین را صلح به کمتر کرده باشد.

۲۳- گزینه «۲» در ضمان ضَمّ ذمه به ذمه، هم ضامن و هم بدهکار، ملزم به پرداخت دین می‌باشند، در واقع در این نوع ضمان، مضمون‌عنه، مدیون اصلی است و ضامن تنها ملتزم به تأدیه می‌باشد. ضمان ضَمّ ذمه یا عرضی است (تضامنی) و یا طولی (وثیقه‌ای). در ضمان عرضی، طلبکار می‌تواند به هریک از ضامن یا بدهکار مراجعه کند ولی در ضمان طولی، طلبکار ابتدا باید به بدهکار رجوع کند و اگر بدهکار از پرداخت دین خودداری کند، طلبکار حق رجوع به ضامن را خواهد داشت. ایراد گزینه‌ی چهار این است که منظور از ضمان دور آن است که مضمون‌عنه پس از عقد ضمان، از ضامن ضمانت کند.

۲۴- گزینه «۲» مطابق ماده ۷۲۳ قانون مدنی، اشخاص می‌توانند در ضمن عقد لازم به تأدیه دین دیگران ملتزم شوند. ایراد گزینه‌ی ۱ آن است که هرچند التزام به تأدیه دین دیگری ماهیتی جز ضمان ضَمّ ذمه به ذمه ندارد، ولی چون قانون مدنی به دلایل تاریخی نامی از این ضمان نبرده است و از سویی نیز انعقاد آن را تنها در ضمن عقد لازم تجویز نموده است، به نظر می‌رسد التزام به تأدیه نوعی شرط ابتدایی در اصطلاح فقها و قرارداد خصوصی در اصطلاح قانون مدنی است.

۲۵- گزینه «۲» مطابق ماده ۶۳۵ قانون مدنی عاریه عقدی است که به موجب آن مالک، اذن در انتفاع (عین) از مال خود را مجاناً به دیگری می‌دهد. بنابراین در عاریه، مستعیر نه مالک منفعت می‌شود و نه حق انتفاع بر روی مال پیدا می‌کند، بلکه استفاده از مال برای او مباح می‌گردد. ایراد گزینه‌ی ۳ آن است که مطابق ماده ۶۴۰ قانون مدنی، ید مستعیر امانی است نه ضمانی. این امانت از نوع مالکانه یا قراردادی است نه امانت قانونی یا شرعی، چرا که مستعیر به اذن معیر بر مال او سلطه یافته است.

۲۶- گزینه «۴» مطابق ماده‌ی ۷۰۱ قانون مدنی: «ضمان عقدی است لازم و ضامن یا مضمون له نمی‌توانند آن را فسخ کنند، مگر در صورت اعسار ضامن به طوری که در ماده‌ی ۶۹۰ قانون مدنی مقرر است یا در صورت بودن حق فسخ نسبت به دین مضمون به و یا در صورت تخلف از مقررات عقد».

۲۷- گزینه «۳» به موجب ماده‌ی ۶۰۷ قانون مدنی: «ودیعه عقدی است که به موجب آن یک نفر مال خود را به دیگری می‌سپارد برای آن که آن را مجاناً نگاه دارد. و دیعه‌گذار را مودع و و دیعه‌گیر را مستودع یا امین می‌گویند».

۲۸- گزینه «۱» ماده ۶۴۲ قانون مدنی درخصوص شرایط ضمان بر مستعیر می‌گوید: «اگر بر مستعیر شرط ضمان شده باشد، مسئول هر کسر و نقصانی خواهد بود، اگرچه مربوط به عمل او نباشد». حکم این ماده ویژه عاریه نیست و نشان‌دهنده آن است که در سایر عقود امانی مانند اجاره، و دیعه، مضاربه و... نیز می‌توان از آن استفاده کرد. شایان دقت است، عاریه‌دهنده در عقد (عاریه) را معیر و عاریه‌گیرنده را (مستعیر) گویند. در فقه شرط ضمان مستعیر باطل است.

۲۹- گزینه «۴» به استناد مواد ۲۸ و ۶۲۵ قانون مدنی: «هرگاه مستحق‌للغیر بودن مال و دیعه محقق گردد، باید امین آن را به مالک حقیقی رد کند و اگر مالک معلوم نباشد، تابع احکام مجهول‌المالک است». ماده‌ی ۲۸ قانون مدنی، نیز تصریح دارد: «اموال مجهول‌المالک با اذن حاکم یا مأذون از قبیل او به مصارف فقرا می‌رسد».

۳۰- گزینه «۲» مطابق ماده‌ی ۶۹۹ قانون مدنی: تعلیق در ضمان، مثل این که ضامن قید کند که اگر مدیون ندارد من ضامنم، باطل است؛ ولی التزام به تأدیه ممکن است معلق باشد.

۳۱- گزینه «۴» مطابق با ماده‌ی ۲۳۱ قانون امور حسبی، دیون مؤجل متوفی به موت او حال می‌شود. عقد ضمان نیز از این قاعده مستثنی نیست و چون در اثر ضمان، ضامن به مضمون له مدیون می‌شود، اگر ضمان مؤجل باشد، با فوت ضامن حال می‌شود (ماده‌ی ۷۰۵ قانون مدنی).

۳۲- گزینه «۲» بر طبق ماده‌ی ۶۲۱ قانون مدنی: «اگر مال و دیعه قهراً از امین گرفته شود و مشارالیه قیمت یا چیز دیگری به جای آن اخذ کرده باشد، باید آن چه را که در عوض گرفته است به امانت‌گذار بدهد ولی امانت‌گذار مجبور به قبول آن نبوده و حق دارد مستقیماً به قاهر رجوع کند».

۳۳- گزینه «۳» برابر ماده ۶۸۴ قانون مدنی، «عقد ضمان عبارت است از این که شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است به عهده بگیرد». متعهد را ضامن، طرف دیگر را مضمون له و شخص ثالث را مضمون عنه یا مدیون اصلی گویند. از تعهد غیرمالی مانند حضانت، تمکین و... نمی‌توان ضمانت کرد؛ زیرا این تکلیف قابل انتقال به ذمه ضامن نیست.

۳۴- گزینه «۱» بر طبق ماده ۶۹۸ قانون مدنی: «بعد از این که ضمان به‌طور صحیح واقع شد، ذمه مضمون عنه بری و ذمه ضامن به مضمون له مشغول می‌شود». و ماده ۶۸۸ قانون مدنی: «ممکن است از ضامن ضمانت کرد» و حاشیه ماده ۶۸۸ قانون مدنی.

۳۵- گزینه «۳» مطابق مواد ۶۳۶ و ۶۴۴ قانون مدنی: در عقد عاریه مانند عقد اجاره مالک بودن منفعت شرط است، نه عین. بنابراین ممکن است که معیر یا مؤجر مالک عین نباشند. با این توضیح ایراد سایر گزینه‌ها روشن می‌گردد.

۳۶- گزینه «۳» عقد عاریه مطابق ماده ۶۳۵ قانون مدنی، «عقدی است که به موجب آن احد از طرفین به طرف دیگر اجازه می‌دهند که از عین مال او مجاناً منتفع شود» از آن جایی که در فرض مسأله این عقد متعاقب عقد بیع منعقد گردیده و با آن نیز متفاوت است، بنابراین موضوع معامله اول منتفی گردیده است.

۳۷- گزینه «۴» بر طبق ماده‌ی ۶۱۶ قانون مدنی: «هرگاه رد مال و دیعه مطالبه شود و امین از رد آن امتناع کند، از تاریخ امتناع احکام امین به او مترتب نشده و ضامن تلف و هر نقص یا عیبی است که در مال و دیعه حادث شود، اگر چه آن عیب یا نقص مستند به فعل او نباشد».

۳۸- گزینه «۱» مطابق ماده ۶۴۵ قانون مدنی، «عاریه عقدی است که به موجب آن احد طرفین به طرف دیگر اجازه می‌دهد که از عین مال او مجاناً منتفع شود. عاریه‌دهنده را معیر و عاریه‌گیرنده را مستعیر گویند». در حالی که مطابق ماده ۷۷۱ قانون مدنی، «رهن عقدی است که به موجب آن مدیون مالی را برای وثیقه به دائن می‌دهد. رهن‌دهنده را رهن و طرف دیگر را مرتهن می‌گویند». لزومی ندارد که مورد رهن ملک مدیون باشد. شخص ثالث می‌تواند به اذن و خواهش مدیون یا بدون اذن او مال خود را وثیقه دین او قرار دهد. درباره ماهیت حقوقی این رابطه به ویژه در جایی که مال غیر از سوی مدیون و به اذن او رهن داده می‌شود، بین نویسندگان اختلاف نظر است. بیشتر فقهای امامیه آن را عاریه مال غیر برای رهن دادن تحلیل کرده‌اند و «رهن مستعار» نامیده‌اند. لذا با عنایت به مراتب پیش گفته هر چند پذیرش این موضوع دشوار می‌باشد، لیکن بهتر است گفته شود که مالک یا به طور مستقیم ضامن به‌هکار می‌شود یا به او وکالت می‌دهد که این ضمان را به نیابت انجام دهد. به همین دلیل این نوع عقود باطل نبوده و با توجه به این که مطابق ماده ۶۳۸ قانون مدنی عاریه عقدی است جایز در صورت فسخ توسط هریک از طرفین منحل می‌شود و طبیعی است که مستعیر باید برای وثیقه یاد شده جایگزین ارائه نماید. و شهید ثانی نیز در این خصوص می‌گوید: «لَوْ اسْتَعَارَ لِلرَّهْنِ صَاحِبَ وَبَلَزَمَ بَعْدَ الرَّهْنِ...».

۳۹- گزینه «۱» مطابق ماده‌ی ۱۲۰۶ قانون مدنی: زوجه می‌تواند برای مطالبه نفقه زمان گذشته خود اقامه دعوا نماید. بنابراین نفقه‌ی گذشته دینی است که بر ذمه‌ی شوهر است و ضمانت از آن صحیح می‌باشد. اما ضمان از نفقه‌ی آینده نیز صحیح است، زیرا مطابق مفهوم مخالف ماده‌ی ۶۹۱ قانون مدنی، ضمان از دینی که سبب آن ایجاد شده صحیح و سبب نفقه آینده نیز با انعقاد عقد نکاح به وجود می‌آید و چون سبب این دین ایجاد شده است (نفقه)، ضمان از آن صحیح است.



فصل سوم

«عقد کفالت»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل سوم

🔗 ۱- در کدام یک از عقود، عقد نسبت به یکی از طرفین لازم و نسبت به طرف دیگر جایز است: (سراسری ۷۸)

(۱) ضمان (۲) کفالت (۳) وکالت (۴) ودیعه

🔗 ۲- عقد کفالت نسبت به ... (سراسری ۷۹)

(۱) کفیل لازم و نسبت به مکفول له جایز است. (۲) کفیل جایز و نسبت به مکفول له لازم است.

(۳) کفیل و مکفول له هر دو جایز است. (۴) کفیل و مکفول له هر دو لازم است.

🔗 ۳- کفیل در زمانی مکلف به پرداخت دین مکفول است که: (سراسری ۸۰)

(۱) پرداخت دین در عقد کفالت شرط شده باشد. (۲) مکفول را احضار ولی او از پرداخت دین به مکفول له خودداری کند.

(۳) مکفول به کفیل اجازه در کفالت داده باشد. (۴) نتواند به موقع مکفول را احضار نماید.

🔗 ۴- کدام گزینه در مورد خیار تأخیر ثمن صحیح است؟ (آزاد ۸۲)

(۱) برای تحقق خیار تأخیر ثمن کافی است فقط ثمن مؤجل نباشد و مشتری هم ظرف سه روز ثمن را نپردازد.

(۲) در صورتی که مشتری در ظرف سه روز قسمتی از ثمن را بپردازد، خیار محقق نمی‌شود.

(۳) در صورتی که بایع مبیع را تسلیم مشتری نماید و بعداً به نحوی از انحاء به بایع مسترد شود، خیار تأخیر ثمن همچنان باقی است.

(۴) خیار تأخیر ثمن وقتی محقق می‌شود که مبیع عین معین بوده و برای پرداخت ثمن یا تسلیم مبیع اجلی تعیین نشده باشد و مشتری ظرف سه روز ثمن را نپردازد.

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل سوم

۱- گزینه «۲» به لحاظ دوام و ثبات، عقد به دو دسته لازم و جایز تقسیم می‌شود. مطابق ماده ۱۸۵ قانون مدنی، عقد لازم آن است که هیچ‌یک از طرفین معامله حق فسخ آن را نداشته باشد، مگر در موارد معینه مانند: عقد ضمان، عقد اجاره و ... لیکن مطابق ماده ۱۸۶ از همین قانون عقد جایز آن است که هر یک از طرفین بتواند هر وقتی بخواهد آن را فسخ کند مانند عقد وکالت، ودیعه و همچنین مطابق ماده ۱۸۷ قانون مدنی، عقد ممکن است نسبت به یک طرف لازم و نسبت به طرف دیگر جایز باشد مانند عقد رهن و کفالت عقد کفالت مطابق ماده ۷۳۴ از همین قانون عبارت است از: عقدی که به موجب آن احد طرفین در مقابل طرف دیگر احضار شخص ثالثی را تعهد می‌کند.

۲- گزینه «۱» مطابق ماده ۷۳۴ قانون مدنی، کفالت عقدی است که به موجب آن احد طرفین در مقابل طرف دیگر احضار شخص ثالثی را تعهد می‌کند متعهد را کفیل، شخص ثالث را مکفول و طرف دیگر را مکفول له می‌گویند. برابر ماده ۱۸۷ از همین قانون، عقد کفالت از آن دسته عقود است که نسبت به یک طرف لازم و نسبت به طرف دیگر جایز است. از آنجایی که مطابق ماده ۷۴۰ قانون مدنی، کفیل باید مکفول را در زمان و مکانی که تعهد کرده است حاضر نماید، نسبت به وی لازم و نسبت به مکفول له وفق بند (۴) ماده ۷۴۶ جایز است.

۳- گزینه «۴» مطابق ماده ۷۴۰ قانون مدنی «کفیل باید مکفول را در زمان و مکانی که تعهد کرده است حاضر نماید، والا باید از عهده حقی که برعهده مکفول ثابت می‌شود بر آید».

۴- گزینه «۴» مطابق ماده ۴۰۲ قانون مدنی: «هرگاه مبیع عین خارجی یا در حکم آن بوده و برای تأدیه ثمن یا تسلیم مبیع بین متبایعین اجلی معین نشده باشد، اگر سه روز از تاریخ بیع بگذرد و در این مدت نه بایع مبیع را تسلیم مشتری کند و نه مشتری تمام ثمن را به بایع بدهد، بایع مختار در فسخ معامله می‌شود.» ایراد گزینه‌ی ۳ این است که با توجه به ماده‌ی ۴۰۴ قانون مدنی صحیح نمی‌باشد.

فصل چهارم

«عقد رهن»

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکور فصل چهارم

کج ۱- عقد رهن ...

(سراسری ۷۵)

- (۱) با فوت رهن و مرتهن منفسخ نمی‌شود.
(۳) تنها با فوت رهن منفسخ می‌شود.
(۲) با فوت یکی از رهن و مرتهن منفسخ می‌شود.
(۴) تنها با فوت مرتهن منفسخ می‌شود.

کج ۲- در صورتی که مرتهن فوت کند، حکم قضیه چیست؟

(سراسری ۷۶)

- (۱) رهن می‌تواند درخواست کند که عین مرهونه با موافقت ورثه مرتهن به تصرف فرد ثالثی داده شود.
(۲) عقد رهن منفسخ می‌شود.
(۳) عین مرهونه به تصرف حاکم داده می‌شود.
(۴) ورثه مرتهن قائم مقام او می‌شوند و عین مرهونه در هر حال در تصرف آنان باقی می‌ماند.

کج ۳- اگر در عقد بر یکی از متعاملین شرط شود که مال معینی را به رهن دهد و پس از تحقق رهن عین مرهونه معیوب شود ...

(سراسری ۷۹)

- (۱) مشروط‌له می‌تواند مشروط‌علیه را مجبور به دادن ارض نماید.
(۳) مشروط‌له حق فسخ معامله را ندارد.
(۲) مشروط‌له می‌تواند عقد را فسخ کند.
(۴) عقد به دلیل عدم تحقق شرط باطل خواهد شد.

کج ۴- هرگاه در عقدی شرط شود مشروط‌علیه مال معینی را به رهن دهد و آن مال قبل از این که به رهن گذاشته شود معیوب گردد عقد مزبور

(سراسری ۸۰)

- (۱) باطل می‌گردد.
(۳) را مشروط‌له می‌تواند فسخ کند.
(۲) درست است ولی متعهد باید مثل مال را به رهن گذارد.
(۴) غیرنافذ خواهد گردید.

کج ۵- اگر شخصی عین مرهونه را در مدت رهن تلف کند، حکم قضیه چیست؟

(سراسری ۸۰)

- (۱) اگر متلف شخص ثالث باشد باید بدل آن را بدهد، ولی اگر رهن یا مرتهن باشد وظیفه‌ای به دادن بدل ندارد.
(۲) عقد رهن باقی می‌ماند و رهن در هر حال باید مال دیگری را به جای عین مرهونه به رهن گذارد.
(۳) عقد رهن منحل می‌شود و طلب مرتهن بدون وثیقه باقی می‌ماند.
(۴) متلف هر که باشد باید بدل مال را بدهد و این بدل به طور قهری در رهن مرتهن قرار گیرد.

کج ۶- اگر رهن مقداری از دین را ادا نماید.

(وکالت ۸۰)

- (۱) از عین مرهونه چیزی آزاد نمی‌گردد.
(۳) از عین مرهونه به میزانی که ارزش معادل دین پرداختی را دارد آزاد می‌گردد.
(۲) از عین مرهونه به نسبت ارزش دین آزاد می‌گردد.
(۴) تمامی عین مرهونه آزاد می‌گردد.

کج ۷- رهن دین و منافع است.

(وکالت ۸۰)

- (۱) صحیح
(۳) فقط در صورت قبول داین و مستأجر، صحیح
(۲) مطلقاً باطل
(۴) در صورت مخالفت داین و مستأجر، باطل

کج ۸- تبدیل رهن به مال دیگر وقتی جایز است که:

(وکالت ۸۰)

- (۱) رهن به مورد رهن، نیاز مبرم داشته باشد.
(۲) رهن مالی را که ارزش آن از عین مرهونه بیشتر یا معادل آن است، معرفی کند.
(۳) طرفین عقد رهن، بر امر مزبور تراضی نمایند.
(۴) مرتهن حق خود را نسبت به عین مرهونه ساقط نماید.

کج ۹- اگر مال مرهون به قبض مرتهن داده نشود، رهن:

(آزاد ۸۰)

- (۱) مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی صحیح است.
(۳) باطل است.
(۲) قابل فسخ است.
(۴) غیر نافذ است.

(سراسری ۸۱)

۱۰- در صورت فوت مرتهن در ارتباط با عین مرهونه چه تغییراتی حاصل می‌شود؟

- (۱) عین مرهونه از رهن خارج می‌شود.
- (۲) عین مرهونه در هر حال در اختیار راهن قرار می‌گیرد.
- (۳) عین مرهونه در هر حال تا پرداخت دین در اختیار ورثه مرتهن قرار می‌گیرد.
- (۴) عین مرهونه برحسب تراضی وراث مرتهن با راهن در اختیار یکی از آنان یا ثالث قرار می‌گیرد.

(آزاد ۸۱)

۱۱- کدام یک از عقود زیر پس از وقوع برای تحقق نیاز به قبض دارد؟

- (۱) عقد هبه
- (۲) وقف
- (۳) عقد قرض
- (۴) عقد رهن

(آزاد ۸۲)

۱۲- در صورت فوت مرتهن، عقد رهن از لحاظ حقوقی چه وضعی دارد؟

- (۱) چون عقد رهن نسبت به مرتهن جایز است، با فوت او عقد منفسخ می‌شود.
- (۲) با فوت مرتهن راهن حق فسخ عقد رهن را خواهد داشت.
- (۳) در صورت فوت مرتهن، استمرار عقد رهن منوط به تنفیذ ورثه او خواهد بود.
- (۴) فوت مرتهن هیچ تأثیری در عقد رهن ندارد.

(وکالت ۸۲)

۱۳- اگر در عقد رهن شرط شده باشد که مرتهن حق فروش عین مرهونه را ندارد؟

- (۱) عقد باطل است.
- (۲) عقد و شرط صحیح است.
- (۳) عقد صحیح و شرط باطل است.
- (۴) شرط و عقد هر دو باطل است.

(سراسری ۸۳)

۱۴- آیا برای هر مالی که در ذمه باشد می‌توان رهن داد؟

- (۱) فقط برای اموال غیرمنقول ممکن است رهن داده شود.
- (۲) برای هر مالی اعم از منقول و غیرمنقول ممکن است رهن داده شود.
- (۳) برای هر مالی که در ذمه باشد ممکن است رهن داده شود، ولو عقدی که موجب اشتغال ذمه است قابل فسخ باشد.
- (۴) برای هر مالی که در ذمه باشد ممکن است رهن داده شود به شرط آن که عقدی که موجب اشتغال ذمه است.

(سراسری ۸۳)

۱۵- اگر شرط شده باشد که مرتهن حق فروش عین مرهونه را ندارد حکم چیست؟

- (۱) صحیح است.
- (۲) باطل است.
- (۳) غیرنافذ است.
- (۴) موجب انفساخ است.

(سراسری ۸۴)

۱۶- هرگاه مشروط‌علیه، شرط نماید که مال معینی را به رهن دهد و آن مال تلف شود مشروط‌له حق دارد ...

- (۱) معامله را فسخ کند.
- (۲) رهن مال دیگری را مطالبه کند.
- (۳) قیمت مال تلف شده را مطالبه کند.
- (۴) خسارات وارده بر خود را مطالبه نماید.

(آزاد ۸۴)

۱۷- شخصی مالی را که در رهن بوده بدون اذن مرتهن فروخته و آن را تحویل خریدار داده است، مال در دست خریدار تلف شده است:

- (۱) خریدار ضامن عین و منافع مال تلف شده است.
- (۲) خریدار فقط در صورتی ضامن است که تعدی و تفریط کرده باشد.
- (۳) در صورتی که تعدی و تفریط نکرده باشد فقط ضامن عین مال است.
- (۴) خریدار ضامن است، مگر این که ثابت کند تمام احتیاط‌های لازمه را برای حفظ مال به عمل آورده است.

(آزاد ۸۴)

۱۸- در صورتی که مرتهن فوت کند:

- (۱) چون عقد رهن نسبت به مرتهن جایز است، عقد رهن منفسخ می‌شود.
- (۲) راهن می‌تواند تقاضای فسخ رهن را بنماید.
- (۳) ورثه قائم مقام راهن هستند و عین مرهونه لزوماً به تصرف آنان داده می‌شود.
- (۴) راهن می‌تواند تقاضا کند که عین مرهونه با تراضی او و ورثه به تصرف شخص ثالثی داده شود.

(سراسری ۸۵)

۱۹- رهن مستعار آن است که

- (۱) مال مورد رهن وجود خارجی نداشته باشد.
- (۲) مرتهن عین مرهونه را به ثالثی عاریه دهد.
- (۳) مدیون مال شخص ثالثی را با اذن او به رهن بگذارد.
- (۴) مستأجر به جای مال الاجاره ماهیانه مقداری وجه نقد به مؤجر قرض بدهد.



(سراسری ۸۵)

ک ۲۰- رهن وجه نقد ...

- (۱) در صورت تلف مال مورد رهن صحیح است.
(۲) اگر به قبض مرتهن داده شود صحیح است.
(۳) مطلقاً صحیح است.
(۴) مطلقاً باطل است.

(آزاد ۸۷)

ک ۲۱- در عقد رهن در صورت اطلاق عقد:

- (۱) تمامیت عین مرهونه، وثیقه هر جزئی از دین است
(۲) اگر رهن مقداری از دین را ادا کند، حق دارد مقداری از رهن را مطالبه نماید
(۳) اگر رهن بخشی از دین را ادا کند، همان نسبت از عین مرهونه، قهراً آزاد است
(۴) موارد ۲ و ۳

(سراسری ۸۸)

ک ۲۲- در کدام مورد عقد منفسخ نمی‌شود؟

- (۱) فوت مرتهن در عقد رهن
(۲) توافق طرفین بر انفساخ عقد لازم
(۳) حجر یکی از طرفین عقد جایز پس از انعقاد
(۴) تلف مبیع پس از تسلیم و قبل از انقضای خيار ویژه خریدار

(آزاد ۸۸)

ک ۲۳- کدام یک از گزینه‌های ذیل وجه مشترک بیع صرف، عقد رهن و عقد هبه محسوب می‌شود؟

- (۱) عینی بودن
(۲) شرطیت قبض
(۳) گزینه‌های ۱ و ۲
(۴) تملیکی بودن

(وکالت ۸۸)

ک ۲۴- در عقد رهن اگر بعد از ایجاب و قبول مرتهن فوت کند:

- (۱) عقد منفسخ می‌شود.
(۲) عقد قبلاً واقع شده و عین مرهونه به تصرف وراث داده می‌شود.
(۳) عقدی واقع نشده و اثر ایجاب و قبول زایل می‌شود.
(۴) رهن حق فسخ عقد را خواهد داشت.

(وکالت ۸۸)

ک ۲۵- در کدام یک از عقود زیر علم اجمالی به مورد معامله کافی است؟

- (۱) عقد جعاله
(۲) عقد رهن
(۳) عقد قرض
(۴) عقد نکاح

(وکالت ۸۹)

ک ۲۶- در صورت تلف عین مرهونه:

- (۱) اگر عین مرهونه تلف شود، رهن باید بدل آن را به رهن گذارد.
(۲) اگر عین مرهونه به واسطه عمل رهن یا دیگری تلف شود، تلف‌کننده باید بدل آن را بدهد و بدل آن خود به خود رهن خواهد بود.
(۳) اگر عین مرهونه توسط شخص ثالث تلف شود، عقد رهن منحل می‌شود، ولی اگر از سوی رهن تلف شود بدل در رهن قرار می‌گیرد.
(۴) اگر عین مرهونه به واسطه عمل رهن تلف شود، رهن باطل می‌شود، ولی اگر از سوی شخص ثالث تلف شود، بدل آن رهن قرار می‌گیرد.

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل چهارم

۱- گزینه «۱» عقد رهن، عقدی است که به موجب آن مدیون مالی را برای وثیقه به دائن می‌دهد. رهن‌دهنده را رهن و طرف دیگر را مرتهن گویند. رهن از جمله عقود تبعی است و مال مرهون باید به قبض مرتهن یا به تصرف کسی که بین طرفین معین می‌گردد داده شود. مطابق ماده ۷۸۸ قانون مدنی، «به موت رهن یا مرتهن رهن منفسخ نمی‌شود...» لذا با عنایت به نص صریح قانون راجع به فرض مسئله، گزینه «۱» صحیح است. به عبارت دیگر عقد رهن عقدی لازم است.

۲- گزینه «۱» رهن، عقدی است که به موجب آن مدیون مالی را برای وثیقه به دائن می‌دهد. رهن‌دهنده را رهن و طرف دیگر را مرتهن گویند. به موت رهن یا مرتهن عقد رهن منفسخ نمی‌شود، لیکن در فرض مسئله و در صورت فوت مرتهن، رهن می‌تواند تقاضا نماید که رهن به تصرف شخصی ثالثی که به تراضی او و ورثه معین می‌شود داده شود. ماده ۷۸۸ قانون مدنی بر این موضوع تأکید دارد.

۳- گزینه «۳» برابر ماده ۲۴۱ قانون مدنی، «ممکن است در معامله شرط شود که یکی از متعاملین برای آن چه که به واسطه معامله مشغول‌الذمه می‌شود، رهن یا ضامن بدهد.» و در این صورت چنانچه مشروط‌علیه از انجام شرط امتناع کند، دادگاه به درخواست مشروط‌له، آن مال را به رهن او درخواهد آورد. ضمن این‌که مطابق ماده ۲۴۲ همین قانون، هرگاه در عقد شرط شده باشد که مشروط‌علیه مال معینی را رهن دهد و آن مال تلف یا معیوب شود، مشروط‌له اختیار فسخ معامله را خواهد داشت نه حق مطالبه عوض رهن یا ارش عیب و ... شایان دقت است شرط مندرج در ضمن عقد لازم نیست صرفاً به سود یا علیه یکی از دو طرف معامله باشد، بلکه ممکن است شرط فعل یا نتیجه به سود یا ضرر شخص ثالث باشد. توجه به این نکته ضروری است که چون در فرض مسئله، مال بعد از تحقق رهن (بعد از قبض مرهونه) معیوب شده، لذا حق فسخی در کار نخواهد بود.

۴- گزینه «۳» ممکن است در معامله شرط شود که یکی از متعاملین برای آن چه به واسطه معامله مشغول الذمه می‌شود رهن یا ضامن بدهد. ماده ۲۴۲ قانون مدنی می‌گوید: هرگاه در عقد شرط شده باشد که مشروط‌علیه مال معین را رهن دهد و آن مال تلف یا معیوب شود، مشروط‌له اختیار فسخ معامله را خواهد داشت ...

۵- گزینه «۴» ضمن اینکه رهن در ید مرتهن امانت محسوب است و بنابراین مرتهن مسئول تلف آن نخواهد بود مگر در صورت تقصیر. مطابق ماده ۷۹۱ قانون مدنی، اگر عین مرهونه به واسطه عمل خود راهن یا شخص دیگری تلف شود، باید تلف‌کننده بدل آن را بدهد و بدل مزبور رهن خواهد بود.

۶- گزینه «۱» به موجب ماده‌ی ۷۸۳ قانون مدنی: «اگر راهن مقداری از دین را ادا کند، حق ندارد مقداری از رهن را مطالبه نماید و مرتهن می‌تواند تمام آن را تا تأدیه‌ی کامل دین نگاه دارد، مگر این‌که بین راهن و مرتهن ترتیب دیگری مقرر شده باشد.»

۷- گزینه «۲» به موجب ماده‌ی ۷۷۴ قانون مدنی: «مال مرهون باید عین معین باشد و رهن دین و منفعت باطل است»

۸- گزینه «۳» به موجب ماده‌ی ۷۸۴ قانون مدنی: «تبدیل رهن به مال دیگر، به تراضی طرفین جایز است.»

۹- گزینه «۳» مطابق ماده‌ی ۷۷۲ قانون مدنی: «مال مرهون باید به قبض مرتهن یا به تصرف کسی که بین طرفین معین می‌گردد داده شود، ولی استمرار قبض شرط صحت معامله نیست.»

۱۰- گزینه «۴» برابر ماده ۷۷۱ قانون مدنی: «رهن عقدی است که به موجب آن مدیون مالی را برای وثیقه به داین می‌دهد. رهن‌دهنده را راهن و طرف دیگر را مرتهن می‌گویند. عقد رهن نسبت به مرتهن جایز و نسبت به راهن لازم است و بنابراین، مرتهن می‌تواند هر وقت بخواهد آن را بر هم زند، ولی راهن نمی‌تواند قبل از این که دین خود را اداء نماید و یا به نحوی از انحاء قانونی از آن بری شود و رهن را مسترد دارد. مطابق ماده ۷۸۸ قانون مدنی، به موت راهن یا مرتهن رهن منفسخ نمی‌شود، ولی در صورت فوت مرتهن راهن می‌تواند تقاضا نماید که رهن به تصرف شخصی ثالث که به تراضی او ورثه معین شود داده شود. در صورت عدم تراضی، شخص مزبور از طرف حاکم معین می‌شود.

۱۱- گزینه «۲» مطابق ماده ۵۹ قانون مدنی: «اگر واقف عین موقوفه را به تصرف وقف ندهد، وقف محقق نمی‌شود و هر وقت به قبض داد، وقف تحقق پیدا می‌کند» ایراد گزینه ۴ این است که در عقد رهن قبض شرط صحت است نه تحقق آن.

۱۲- گزینه «۴» مطابق ماده‌ی ۷۸۸ قانون مدنی: «هرگاه مرتهن فوت کند، راهن می‌تواند تقاضا کند که عین مرهونه با توافق او و ورثه‌ی مرتهن به شخص ثالثی داده شود. در صورت عدم تراضی، شخص ثالث توسط حاکم انتخاب می‌شود.»

۱۳- گزینه «۳» به موجب ماده‌ی ۷۷۸ قانون مدنی: «اگر شرط شده باشد که مرتهن حق فروش عین مرهونه را ندارد، باطل است.»

۱۴- گزینه «۳» رهن، عقد تبعی است و پیش از آن باید دینی وجود داشته باشد تا برای تضمین آن مالی به وثیقه داده شود. ماده ۷۷۵ قانون مدنی در این خصوص می‌گوید: «برای هر مالی که در ذمه باشد، ممکن است رهن داده شود، ولو عقدی که موجب اشتغال ذمه است قابل فسخ باشد.»

۱۵- گزینه «۲» به موجب ماده‌ی ۷۷۸ قانون مدنی: «اگر شرط شده باشد که مرتهن حق فروش عین مرهونه را ندارد، باطل است.»

۱۶- گزینه «۱» در خصوص تلف و عیب مالی که باید به رهن داده شود، ماده ۲۴۲ آورده است: «هرگاه در عقد شرط شده باشد که مشروط‌علیه مال معین را رهن دهد و آن مال تلف یا معیوب شود، مشروط‌له اختیار فسخ معامله را خواهد داشت نه حق مطالبه عوض رهن یا ارض عیب ...»

۱۷- گزینه «۱» به استناد ماده‌ی ۳۲۳ قانون مدنی

«اگر کسی ملک مغضوب را از غاصب بخرد، آن کس نیز ضامن است و مالک می‌تواند بر طبق مقررات فوق به هریک از بایع و مشتری رجوع کرده، عین و در صورت تلف شدن آن، مثل یا قیمت مال و همچنین منافع آن را در هر حال مطالبه کند». باید تصریح کرد که در فرض مزبور راهن چون که بدون اذن مرتهن اقدام به فروش عین مرهونه نموده است، در حکم غاصب می‌باشد. همچنین مطابق نظر مشهور علما و نیز رأی وحدت رویه شماره ۶۲۰ مورخ ۱۳۷۶/۸/۲۰ معامله‌ی راهن بر روی مال مرهون، مانند معاملات فضولی، غیرنافذ می‌باشد. بنابراین با استفاده از ملاک مواد ۲۵۹ و ۲۶۱ قانون مدنی می‌توان گفت که خریدار در حکم غاصب است و مسئول خسارات وارده می‌باشد هر چند تقصیر نکرده باشد.

**۱۸- گزینه «۴»** به استناد ماده‌ی ۷۸۸ قانون مدنی

«... در صورت فوت مرتهن، راهن می‌تواند تقاضا نماید که رهن به تصرف شخص ثالثی که به تراضی او و ورثه معین می‌شود داده شود...». در صورتی که تراضی محقق نشود، شخص ثالث توسط حاکم انتخاب می‌شود.

۱۹- گزینه «۳» رهن مستعار عبارت است از عاریه گرفتن ملک غیر و به رهن نهادن آن به نفع عاریه‌گیرنده، که موجب پیدایش و ایجاد ماهیت رهن مستعار می‌گردد. در واقع کسی مال خود را به دیگری می‌دهد تا او آن مال را در رهن شخص دیگری قرار دهد. مطابق ماده ۱۰ و ۷۵۴ قانون مدنی صحیح است.

۲۰- گزینه «۳» مطابق حاشیه ۳ ماده ۷۷۴ قانون مدنی. وثیقه نهادن اسنادی که دارای ارزش اعتباری و قابل دادوستد است (مانند اسکناس و اسناد در وجه حامل و سهام بی‌نام شرکت‌ها) درست است.

۲۱- گزینه «۱» مطابق ماده‌ی ۷۸۳ قانون مدنی؛ رهن، قابل تجزیه نیست. بنابراین اگر مدیون بخشی از دین خود را به داین بدهد (با فرض پذیرش داین مطابق ماده‌ی ۲۷۷ قانون مدنی) چیزی از رهن آزاد نمی‌شود؛ مگر با رضایت داین.

۲۲- گزینه «۱» مطابق ماده ۷۸۸ قانون مدنی، «به موت راهن یا مرتهن رهن منفسخ نمی‌شود». و در سایر موارد مطروحه در پرسش، عقد مربوطه منفسخ می‌شود. لذا با عنایت به نص صریح قانونی گزینه «۱» صحیح است.

۲۳- گزینه «۳» عقد عینی، عقدی است که در آن، قبض شرط صحت است، در قانون مدنی تنها پنج عقد عینی وجود دارد که عبارتند از: عقد موجد حق انتفاع (ماده‌ی ۴۷ قانون مدنی)، عقد وقف (ماده‌ی ۵۹ قانون مدنی)، بیع صرف (ماده‌ی ۳۶۴ قانون مدنی)، عقد رهن (ماده‌ی ۷۷۲ قانون مدنی) و عقد هبه (ماده‌ی ۷۹۸ قانون مدنی)

۲۴- گزینه «۳» دقت کنید که عقد رهن یک عقد عینی می‌باشد بدین معنی که علاوه بر ایجاب و قبول، نیازمند قبض نیز می‌باشد و در فرض مسئله، چون قبض محقق نشده، ایجاب و قبول نیز بی‌اثر خواهد شد.

۲۵- گزینه «۱» به موجب ماده‌ی ۲۱۶ قانون مدنی: «مورد معامله باید مبهم نباشد مگر در موارد خاصه که علم اجمالی به آن کافی است.» در ماده‌ی ۶۹۴ قانون مدنی در مورد عقد ضمان و ابراء و صلح و همچنین علم اجمالی به موصی به در وصیت نیز پذیرفته شده است. به موجب ماده‌ی ۵۶۳ قانون مدنی: «در جعاله معلوم بودن اجرت من جمیع الجهات لازم نیست. بنابراین اگر کسی ملتزم شود که هر کس گمشده‌ی او را پیدا کند، حصه‌ی مشاع معینی از آن، مال او خواهد بود، جعاله صحیح است.» به موجب ماده‌ی ۵۶۴ قانون مدنی: «در جعاله گذشته از عدم لزوم تعیین عامل، ممکن است عمل هم مردد و کیفیات آن نامعلوم باشد.»

۲۶- گزینه «۲» مطابق ماده‌ی ۷۹۱ قانون مدنی: «اگر عین مرهونه به واسطه عمل خود راهن یا شخص دیگری تلف شود، باید تلف‌کننده بدل آن را بدهد و بدل مزبور رهن خواهد بود.»

فصل پنجم

«عقد وکالت»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل پنجم

(سراسری ۷۷)

کج ۱- هرگاه دو نفر به نحو اجتماع وکیل شخصی باشند....

- ۱) با فوت یکی، وکیل شخص دیگری را به وکالت انتخاب می‌کند.
- ۲) با فوت یکی، دیگری حق دخالت ندارد تا به جای وکیل اول وکیلی تعیین شود.
- ۳) با فوت یکی وکالت دومی باطل می‌شود.
- ۴) با فوت یکی، دیگری به انجام امور وکالت می‌پردازد.

(سراسری ۸۰)

کج ۲- اگر در عقد وکالت اجرت یا عدم اجرت وکیل تصریح نشده باشد، وکیل

- ۱) نمی‌تواند مطالبه اجرت کند چون وکالت مبتنی بر احسان است.
- ۲) در صورتی می‌تواند مطالبه اجرت کند که از اقدامات او نفعی عاید موکل شده باشد.
- ۳) فقط می‌تواند مخارجی را که برای اجرت وکالت کرده است مطالبه کند.
- ۴) مستحق اجرت است.

کج ۳- وکیلی در ضمن معامله‌ای سمت خود را پنهان نموده و مبیع را به طور نسبه برای موکل خود می‌خرد. در موعدی که ثمن باید پرداخت شود، معلوم می‌گردد که موکل معسر و طلب غیرقابل وصول است. با توجه به مراتب فوق کدام یک از عبارات‌های زیر درست است؟

(سراسری ۸۱)

- ۱) عقد بیع، صحیح و خسارات وارد بر فروشنده از وکیل قابل مطالبه است.
- ۲) عقد بیع، باطل و خسارات وارد بر فروشنده از وکیل قابل مطالبه است.
- ۳) عقد بیع، صحیح و خسارات وارد بر فروشنده از وکیل قابل مطالبه نیست.
- ۴) عقد بیع، باطل و خسارات وارد بر فروشنده از موکل قابل مطالبه است.

(وکالت ۸۱)

کج ۴- در صورتی که وکالت برای تزویج به طور اطلاق باشد، آیا وکیل می‌تواند خود طرف نکاح قرار گیرد؟

- ۱) وکیل ممنوع از نکاح منقطع است.
- ۲) وکیل می‌تواند موکله را برای خود تزویج کند.
- ۳) وکیل مطلقاً ممنوع از نکاح با موکله است.
- ۴) وکیل نمی‌تواند موکله را برای خود تزویج کند، مگر این که اذن صریحاً به او داده شده باشد.

کج ۵- اگر وکیل حق توکیل به غیر نداشته باشد و برای اجرای نیابت به دیگری وکالت دهد، خسارتی به موکل برسد از کدام یک می‌تواند خسارت بگیرد؟

(وکالت ۸۱)

- ۱) از وکیلی که با او قرارداد بسته است.
- ۲) از وکیل دوم که مسبب خسارت است.
- ۳) از هر کدام نیمی از خسارت گرفته می‌شود.
- ۴) هر یک از وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل نسبت به خساراتی که مسبب محسوب می‌شوند مسئول خواهد بود.

(وکالت ۸۱)

کج ۶- اقدام وکیل بعد از استعفا تا چه هنگامی صحیح است؟

- ۱) تا وقتی که خبر استعفا به موکل برسد.
- ۲) مادامی که موکل به اذن خود باقی است.
- ۳) تا وقتی که خبر استعفا به موکل و ثالث (طرف معامله) برسد.
- ۴) تا زمانی که استعفای وکیل اعلام شود و موکل با آن موافقت کند.

(سراسری ۸۲)

کج ۷- هرگاه شخصی برای انجام اموری به چند نفر وکالت دهد....

- ۱) هر یک از وکلا می‌تواند بخشی از آن را مستقلاً انجام دهد.
- ۲) در هر حال باید به طور دسته جمعی امور محوله را به انجام رسانند.
- ۳) اگر امور قابل تفکیک باشد هر کدام می‌تواند مستقلاً آن را انجام دهد.
- ۴) تنها در صورتی که موکل به آن‌ها حق اقدام مستقل داده باشد، هر کدام مستقلاً حق وکالت دارند.

(سراسری ۸۲)

۸- کدام یک از عبارات زیر در خصوص وکالت صحیح نیست؟

- (۱) وکالت ممکن است مجانی یا با اجرت باشد.
- (۲) وکیل حق ندارد خارج از حدود وکالت عملی را انجام دهد.
- (۳) وکالت در بیع وکالت در قبض ثمن است، مگر این که قرینه قطعی برخلاف آن وجود داشته باشد.
- (۴) اعمالی که وکیل در حدود وکالت خود پس از عزل و پیش از رسیدن خبر عزل به او انجام داده، نسبت به موکل نافذ است.

(آزاد ۸۲)

۹- اگر موکل فوت کند و وکیل بدون اطلاع از فوت او در مورد وکالت اقداماتی نماید، این اقدامات از نظر حقوقی چه وضعی دارد؟

- (۱) تا هنگامی که خبر فوت موکل به وکیل نرسیده، اقدامات او صحیح و قانونی است.
- (۲) اقدامات وکیل به کلی باطل و بلااثر است.
- (۳) اقدامات وکیل غیر نافذ است.
- (۴) اقدامات وکیل صحیح است و اشخاصی که از این اقدامات متضرر شده‌اند حق فسخ دارند.

(آزاد ۸۲)

۱۰- در صورتی که موکل دو نفر را به موجب یک عقد وکیل نماید:

- (۱) هر یک از آن‌ها می‌تواند به تنهایی به وکالت عمل کند.
- (۲) باید مجتمعاً به وکالت عمل نماید.
- (۳) فقط در صورتی یکی از آن‌ها می‌تواند به تنهایی به وکالت عمل کند که وکیل دیگر فوت کرده باشد.
- (۴) در صورتی که یکی از آن‌ها قادر به انجام وکالت نباشد، دیگری می‌تواند به تنهایی به وکالت عمل کند.

(سراسری ۸۳)

۱۱- در صورتی که وکیل از وکالت استعفا دهد،

- (۱) عقد وکالت منحل می‌شود.
- (۲) عقد وکالت منحل می‌شود اگر موضوع انجام شده باشد.
- (۳) عقد وکالت در صورتی منحل می‌شود که موکل مایل به ادامه وکالت نباشد.
- (۴) عقد وکالت منحل می‌شود اگر موکل با آن موافقت کند.

(آزاد ۸۳)

۱۲- اگر وکالت در ضمن عقد لازمی داده شده باشد و موکل فوت کند، وکالت چه وضعی دارد؟

- (۱) وکالت به اعتبار خود باقی است.
- (۲) وکالت از لحظه فوت منفسخ می‌شود و اقدامات وکیل تابع معاملات فضولی است.
- (۳) وکالت از لحظه فوت منفسخ می‌شود ولی اقدامات وکیل تا زمانی که خبر فوت به او نرسیده نافذ است.
- (۴) وکالت منفسخ می‌شود و اقدامات وکیل از لحظه فوت باطل و بلااثر است.

۱۳- وکیلی خانه‌ی موکل را به نمایندگی از طرف او می‌فروشد و بعد معلوم می‌شود که پیش از وقوع معامله عزل شده بوده. در این صورت، آیا معامله درست است؟

(وکالت ۸۳)

- (۱) معامله در صورتی نافذ است که خبر عزل به وکیل نرسیده باشد.
- (۲) معامله فضولی و غیرنافذ است.
- (۳) معامله در هر حال نافذ است.
- (۴) معامله باطل است.

(سراسری ۸۴)

۱۴- اگر وکیل بدون داشتن حق توکیل به غیر مورد وکالت را به ثالث واگذار نماید، نسبت به خسارات وارده بر موکل ...

- (۱) وکیل مسئول است.
- (۲) ثالث مسئول است.
- (۳) وکیل و ثالث مسئول هستند.
- (۴) هیچ‌کدام مسئول نیستند.

(آزاد ۸۴)

۱۵- اگر وکیل استعفا دهد، اقدامات او تا چه زمانی صحیح است؟

- (۱) تا زمانی که موکل به اذن خود باقی باشد.
- (۲) فقط تا زمان استعفا معتبر است و پس از آن چون وکالت منتفی می‌شود اقدامات وکیل صحیح نیست.
- (۳) تا زمانی که خبر استعفا به موکل برسد.
- (۴) تا زمانی که موافقت موکل با استعفا به اطلاع وکیل برسد.

(آزاد ۸۵)

۱۶- موضوع وکالت:

- (۱) فقط عمل حقوقی است.
- (۲) منحصرأ عمل حقوقی نیست.
- (۳) عمل مادی است.
- (۴) مطلق افعال مشروع است.



کج ۱۷- براساس وکالتنامه که مقرر می‌دارد: «وکیل می‌تواند مورد وکالت را به هر مبلغ و به هر کسی که صلاح می‌داند بفروشد.» وکیل، مورد وکالت را در مقابل بهای یک پنجم $\frac{1}{5}$ قیمت واقعی به خود می‌فروشد بیع ...

(سراسری ۸۶)

- (۱) صحیح است. (۲) منفسخ است. (۳) غیرنافذ است. (۴) قابل فسخ است.

(وکالت ۸۷)

کج ۱۸- اثر تعیین مدت در عقد وکالت چیست؟

- (۱) موکل نمی‌تواند تا انقضای مدت، وکیل را عزل کند.
(۲) تا انقضای مدت وکیل حق استعفا ندارد.
(۳) وکالت با انقضای مدت منتفی می‌شود.
(۴) هیچ تأثیری در عقد وکالت ندارد، چون عقد جایز است و تا زمانی که فسخ نشده به اعتبار خود باقی است.

(وکالت ۸۹)

کج ۱۹- در صورتی که وکالتی که موکل به وکیل می‌دهد، مطلق باشد:

- (۱) اختیارات وکیل محدود به اداره‌ی اموال موکل است.
(۲) وکیل می‌تواند هر قراردادی را از سوی موکل منعقد کند.
(۳) وکیل می‌تواند تنها وکالت در دعاوی را از سوی موکل انجام دهد.
(۴) وکیل اختیار اداره‌ی اموال موکل و انعقاد هرگونه قراردادی را از سوی موکل دارد.

(وکالت ۸۹)

کج ۲۰- شخصی برای وصول طلب خود به دیگری وکالت داده است، اگر با مراجعه وکیل بدهکار بدهی را نپردازد:

- (۱) وکیل حق طرح دعوی به طرفیت بدهکار را ندارد.
(۲) وکیل می‌تواند به طرفیت بدهکار طرح دعوی کند.
(۳) اگر دلایل موکل قوی باشد، وکیل حق طرح دعوی را به طرفیت بدهکار دارد.
(۴) وکیل باید به بدهکار اظهارنامه بدهد، اگر نپرداخت می‌تواند به طرفیت بدهکار طرح دعوی کند.

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکور فصل پنجم

۱- گزینه «۳» برابر ماده ۶۷۰ قانون مدنی، «در صورتی که دو نفر به نحو اجتماع وکیل باشند، به موت یکی از آن‌ها وکالت دیگری باطل می‌شود.»

۲- گزینه «۴» مطابق ماده ۶۵۶ قانون مدنی «وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌نماید.» وکالت ممکن است مجانی باشد یا با اجرت، ضمن این که حق‌الوکاله وکیل تابع قرارداد بین طرفین خواهد بود و اگر نسبت به حق‌الوکاله یا مقدار آن قرارداد نباشد، تابع عرف و عادت است و اگر عادت مسلمی نباشد، وکیل مستحق اجرت‌المثل است. مطابق ماده ۶۷۷ قانون مدنی، اگر در وکالت مجانی یا با اجرت بودن آن تصریح نشده باشد، محمول بر این است که با اجرت باشد. لذا به لحاظ صراحت ماده قانونی اخیر گزینه «۴» صحیح می‌باشد.

۳- گزینه «۱» به موجب ماده ۱۹۶ قانون مدنی و حاشیه ۲ ماده، در اختلاف میان دو طرف معامله، اثبات نمایندگی از شخص ثالث، طرف عقد (وکیل) را از تعهدی که پذیرفته است معاف نمی‌کند.

۴- گزینه «۴» به موجب ماده‌ی ۱۰۷۲ قانون مدنی: «در صورتی که وکالت به طور اطلاق داده شود، وکیل نمی‌تواند موکله را برای خود تزویج کند، مگر این‌که این اذن صریحاً به او داده شده باشد.

۵- گزینه «۴» به موجب ماده‌ی ۶۷۳ قانون مدنی: «اگر وکیل که وکالت در توکیل نداشته انجام امری را که در آن وکالت دارد، به شخص ثالثی واگذار کند. هر یک از وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل نسبت به خساراتی که مسبب محسوب می‌شود، مسئول خواهد بود.»

۶- گزینه «۲» به موجب ماده‌ی ۶۸۱ قانون مدنی: «بعد از این‌که وکیل استعفا داد مادامی که معلوم است موکل به اذن خود باقی است، می‌تواند در آنچه وکالت داشته، اقدام کند.»

۷- گزینه «۴» مطابق ماده ۶۶۹ قانون مدنی، هرگاه برای انجام یک امر، دو یا چند نفر وکیل معین شده باشد، هیچ‌کدام از آن‌ها نمی‌تواند بدون دیگری یا دیگران دخالت در آن امر بنماید، مگر این‌که هر یک مستقلاً وکالت داشته باشد. در این صورت هر کدام می‌تواند به تنهایی آن امر را انجام دهد. اصولاً وکلای متعدد در یک امر مکلفند مجتمعاً عمل کنند و استقلال در عمل محتاج نص موکل است. لذا گزینه «۴» به لحاظ تصریح قانونی صحیح می‌باشد.



۸- گزینه «۳» مطابق ماده ۶۵۹ قانون مدنی، «وکالت ممکن است مجانی یا با اجرت باشد.» همچنین برابر ماده ۶۶۳ از همین قانون، «وکیل نمی‌تواند عملی را که از حدود وکالت او خارج است انجام دهد.» ضمن این که وفق ماده ۶۸۰ قانون مدنی «تمام اموری که وکیل قبل از رسیدن خبر عزل به او در حدود وکالت خود بنماید، نسبت به موکل نافذ است.» اما آن چه مسلم است این که وکالت در بیع، وکالت در قبض ثمن نیست، مگر این که قرینه قطعی برخلاف آن وجود داشته باشد و ماده ۶۶۵ قانون مدنی نیز بر این موضوع تأکید دارد.

۹- گزینه «۳» به موجب ماده‌ی ۶۸۰ قانون مدنی: «تمام اموری که وکیل قبل از رسیدن خبر عزل به او در حدود وکالت خود بنماید نسبت به موکل نافذ است.»

۱۰- گزینه «۲» مطابق ماده‌ی ۶۶۹ قانون مدنی: «هرگاه برای انجام امری دو وکیل مأمور باشد، اصل بر اجتماع آنها است. مگر این که موکل تصریح به استقلال آنها کرده باشد. این حکم در شرکت، وصایت، تولیت و امثال آنها نیز جاری است.»

۱۱- گزینه «۱» وکالت عقدی است جایز و مطابق ماده ۶۷۸ قانون مدنی به طرق ذیل مرتفع می‌شود:
(۱) به عزل موکل (۲) به استعفای وکیل (۳) به موت یا جنون وکیل یا موکل. وکیل می‌تواند هرگاه بخواهد از وکالت استعفا دهد و این اقدام اصولاً هیچ مسئولیتی برای او ایجاد نمی‌کند، لیکن اگر استعفای وی نابهنگام و نامتعارف باشد، بر مبنای سوءاستفاده برای او ضمان آور است. لذا از آن جایی که وکیل به اراده خود عقد وکالت را فسخ می‌کند، موجب انحلال آن می‌گردد.

۱۲- گزینه «۲» به موجب ماده‌ی ۶۷۸ قانون مدنی، در این مورد بین حقوق دانان اختلاف نظر وجود دارد و برخی قائل به پاسخ شماره ۳ می‌باشند.

۱۳- گزینه «۱» مطابق ماده ۶۸۰ قانون مدنی: «تمام اموری که وکیل قبل از رسیدن خبر عزل به او در حدود وکالت خود بنماید، نسبت به موکل نافذ است.»

۱۴- گزینه «۳» مطابق ماده ۶۷۲ قانون مدنی، وکیل در امری نمی‌تواند برای آن امر به دیگری وکالت دهد، مگر این که صریحاً یا به دلالت قرائن وکیل در توکیل باشد. وکالت در توکیل این است که موکل به وکیل اذن می‌دهد تا بتواند دیگری را در موضوع مطروحه وکیل نماید. حال اگر وکیل بدون داشتن حق توکیل به غیر، وکالت را به ثالث واگذار نماید هر یک از وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل نسبت به خساراتی که مسبب محسوب می‌شود مسئول خواهد بود و ماده ۶۷۳ قانون مدنی نیز بر آن تأکید نموده است.

۱۵- گزینه «۱» به استناد ماده‌ی ۶۸۱ قانون مدنی: «بعد از این که وکیل استعفا داد، مادامی که معلوم است موکل به اذن خود باقی است، می‌تواند در آن چه وکالت داشته اقدام کند.» این حکم مطابق با نظری است که وکالت را ترکیبی از یک عقد و یک ایقاع (اذن موکل) می‌داند.

۱۶- گزینه «۱» از آن جایی که در عقد وکالت، وکیل، نایب موکل است و هر عملی که وکیل انجام می‌دهد به منزله‌ی عمل و اقدام موکل است، لذا موضوع وکالتنامه باید عمل حقوقی (عمل اعتباری) باشد و اعمال مادی نمی‌توانند موضوع وکالت قرار گیرند. این امر از ماده‌ی ۶۶۲ قانون مدنی، به خوبی برمی‌آید، چرا که در این ماده شرط انجام مورد وکالت، اهلیت وکیل می‌باشد و بدیهی است اهلیت، تنها شرط صحت اعمال حقوقی است.

۱۷- گزینه «۳» هرگاه وکیل عامداً و عالماً مصلحت موکل را نادیده گرفته و به نفع خود اقدام کند، عمل او فضولی است. ماده ۶۶۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را مراعات نماید و از آن چه موکل بالصراحه به او اختیار داده یا برحسب قرائن و عرف و عادت داخل در اختیار او است تجاوز نکند. با توجه به این که این گونه معاملات توسط وکیل غیرنافذ است، نیازمند تنفیذ موکل است.

۱۸- گزینه «۳» بر مستنبط ماده‌ی ۵۵۲ قانون مدنی: «هرگاه در مضاربه برای تجارت مدتی معین شده باشد، تعیین مدت موجب لزوم عقد نمی‌شود، لیکن پس از انقضای مدت مضارب، نمی‌تواند معامله بکند مگر به اجازه‌ی جدید مالک.» بنابراین تعیین مدت در عقود جایز موجب لزوم عقد نمی‌گردد و طرفین می‌توانند در طول مدت قرارداد بر هم زنند. تنها فایده تعیین مدت آن است که عقد در انقضای مدت خودبه‌خود منفسخ می‌شود.

۱۹- گزینه «۱» بر طبق ماده‌ی ۶۶۱ قانون مدنی: «در صورتی که وکالت مطلق باشد، فقط مربوط به اداره کردن اموال موکل خواهد بود.»

۲۰- گزینه «۱» به موجب ذیل ماده‌ی ۶۶۴ قانون مدنی: «... وکیل در اخذ حق، وکیل در مرافعه نخواهد بود.»

فصل ششم

«مزارعه و مساقات و مضاربه»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل ششم

- ۱- مضاربه عقدی است: (سراسری ۷۲)
- (۱) جایز (۲) لازم (۳) نسبت به مالک جایز است و نسبت به عامل لازم (۴) نسبت به مالک لازم است و نسبت به عامل جایز
- ۲- عقد مزارعه، با فوت چه کسی منفسخ می‌شود؟ (وکالت ۷۲)
- (۱) مزارع (۲) عامل (۳) مزارع و عامل هر دو (۴) هیچ‌یک
- ۳- اگر پس از رسیدن محصول معلوم شود که عقد مزارعه باطل بوده است: (آزاد ۷۵)
- (۱) محصول متعلق به مالک زمین و مالک موظف به پرداخت قیمت بذر است.
(۲) محصول متعلق به عامل صاحب بذر و مالک زمین مستحق اجرت‌المثل است.
(۳) محصول بین مالک زمین و عامل صاحب بذر به نسبت مساوی تقسیم می‌شود.
(۴) محصول بین مالک زمین و عامل صاحب بذر به نسبت مقرر در زمان انشای عقد تقسیم می‌شود.
- ۴- اگر در عقد مزارعه شرط شود علاوه بر حصه‌ای که فی‌مابین طرفین مقرر شده، سهمی اضافی از محصول به طرف دیگر تعلق گیرد، عقد..... است. (سراسری ۷۷)
- (۱) باطل (۲) غیرنافذ (۳) صحیح (۴) قابل فسخ
- ۵- اگر در عقد مضاربه مدت تعیین نگردد عقد، مضاربه: (سراسری ۷۸)
- (۱) باطل است. (۲) صحیح است. (۳) غیرنافذ است. (۴) قابل فسخ است.
- ۶- مزارع به کسی گفته می‌شود که: (سراسری ۷۸)
- (۱) در عقد مزارعه پولی را جهت معامله در اختیار شخص دیگری قرار می‌دهد.
(۲) در عقد مزارعه نیروی کار خود را جهت زراعت به کار می‌گیرد.
(۳) در عقد مزارعه زمین را جهت زراعت به دیگری منتقل می‌کند.
(۴) در چارچوب عقد مزارعه زمین را جهت زراعت به دیگری منتقل می‌کند.
- ۷- محصول بذر متعلق به غیر مالک زمین: (آزاد ۸۰)
- (۱) متعلق به مالک زمین است (۲) متعلق به مالک بذر است (۳) مشترک بین مالک زمین و مالک بذر است (۴) متعلق به شخصی است که آن را کاشته است
- ۸- در عقد مضاربه، اگر مضارب ورشکسته شود عقد چه وضعی دارد؟ (آزاد ۸۲)
- (۱) مضارب حق فسخ عقد را پیدا می‌کند.
(۲) عقد مضاربه منفسخ می‌گردد.
(۳) تأثیری در عقد مضاربه ندارد، و مضارب کماکان به تجارت ادامه می‌دهد.
(۴) عقد مضاربه غیرنافذ می‌گردد و نفوذ آن منوط به تنفیذ طلبکاران مالک است.
- ۹- در مضاربه، ورشکستگی مالک چه تأثیری در عقد دارد؟ (آزاد ۸۴)
- (۱) مضاربه منفسخ می‌گردد.
(۲) هیچ تأثیری در عقد ندارد و مضارب می‌تواند به تجارت ادامه دهد.
(۳) مضارب حق فسخ مضاربه را پیدا می‌کند
(۴) عقد مضاربه غیر نافذ می‌گردد و نفوذ آن منوط به اجازه طلبکاران است.
- ۱۰- هرگاه مدت مزارعه منقضی شود و اتفاقاً زرع نرسیده باشد، درباره بقا یا ازاله زرع چه باید کرد؟ (وکالت ۸۴)
- (۱) اختیار ازاله یا بقای زرع با عامل است.
(۲) مزارع حق دارد زراعت را ازاله کند یا آن را با اخذ اجرت‌المثل ابقا نماید.
(۳) زرع به درخواست مزارع ازاله می‌شود، ولی او باید به عامل خسارت قلع زرع را بدهد.
(۴) زراعت به حکم قانون تا رسیدن کامل در زمین باقی می‌ماند و عامل اجرت‌المثل می‌پردازد.
- ۱۱- کدام یک از عقود زیر لازم است؟ (وکالت ۸۸)
- (۱) عقد مزارعه (۲) عقد مضاربه (۳) عقد جعاله (۴) عقد وکالت

**پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل ششم**

۱- گزینه «۱» مطابق ماده ۵۵۰ قانون مدنی: «مضاربه عقدی است جایز»

۲- گزینه «۴» مطابق ماده ۵۲۹ قانون مدنی، «عقد مزارعه به فوت متعاملین یا احد آن‌ها باطل نمی‌شود، مگر این‌که مباشرت عامل شرط شده باشد در این صورت به فوت او منفسخ می‌شود.»

۳- گزینه «۲» مطابق ماده ۵۳۳ قانون مدنی، «اگر عقد مزارعه به علتی باطل شود، تمام حاصل مال صاحب بذر است و طرف دیگر که مالک زمین یا آب یا صاحب عمل بوده است، به نسبت آن‌چه که مالک بوده مستحق اجرت‌المثل خواهد بود. اگر بذر مشترک بین مزارع و عامل باشد حاصل و اجرت‌المثل نیز به نسبت بذر بین آن‌ها تقسیم می‌شود.»

۴- گزینه «۳» مطابق ماده ۵۲۰ قانون مدنی، «در مزارعه جایز است شرط شود که یکی از دو طرف علاوه بر حصه از حاصل، مال دیگری نیز به طرف مقابل بدهد.»

۵- گزینه «۲» مطابق ماده ۵۴۶ قانون مدنی، مضاربه عقدی است که به موجب آن احد متعاملین سرمایه می‌دهد با قید این‌که طرف دیگر با آن تجارت کرده و در مورد آن شریک باشند. صاحب سرمایه، مالک و عامل، مضارب نامیده می‌شود. در عقد مضاربه سرمایه باید وجه نقد باشد. مطابق ماده ۵۲۲ از همین قانون هرگاه در مضاربه برای تجارت مدت تعیین شده باشد، تعیین مدت موجب لزوم عقد نمی‌شود... لذا با توجه به این‌که تعیین مدت در عقد مذکور موجب لزوم آن نمی‌شود عکس آن نیز صادق بوده و عدم تعیین مدت، هیچ‌گونه خدشه‌ای به سلامت و صحت عقد وارد نمی‌سازد.

۶- گزینه «۴» مطابق ماده ۵۱۸ قانون مدنی، «مزارعه عقدی است که به موجب آن احد طرفین زمینی را برای مدت معین به طرف دیگر می‌دهد که آن را زراعت کرده و حاصل را تقسیم کند.» مالک زمین که زمین را در اختیار دیگری برای زراعت قرار می‌دهد، مزارع و طرف دیگر را که به زراعت مبادرت می‌کند، عامل مزارعه می‌گویند.

۷- گزینه «۲» مطابق ماده ۳۳ قانون مدنی، قاعده این است که هرکس مالک زمین باشد به تبع آن، مالک درخت و محصول موجود بر روی زمین نیز خواهد بود. این قاعده تنها یک استثنا دارد و آن این است که اگر اصله و یا حبه (بذر) متعلق به یک شخص و زمین متعلق به شخص دیگر باشد، درخت و محصول از آن مالک اصله یا حبه خواهد بود.

۸- گزینه «۳» مطابق بند ۲ ماده ۵۵۱ قانون مدنی: «اگر مالک ورشکسته شود، عقد مضاربه منفسخ می‌شود. این ماده در مورد ورشکستگی عامل (مضارب) سکوت کرده و به نظر می‌رسد ورشکستگی او تأثیری در عقد مضاربه نخواهد داشت.

۹- گزینه «۱» به استناد ماده ۵۵۱ قانون مدنی

«عقد مضاربه به یکی از علل ذیل منفسخ می‌شود: ... در صورت مفلس شدن مالک، ...»

در حقوق کنونی «ورشکستگی» را باید به جای افلاس نهاد.

این ماده در مورد ورشکستگی عامل (مضارب) سکوت کرده است و به نظر می‌رسد ورشکستگی او تأثیری در عقد مضاربه نخواهد داشت.

۱۰- گزینه «۲» به موجب ماده ۵۴۰ قانون مدنی: «هرگاه مدت مزارعه منقضی شود و اتفاقاً زرع نرسیده باشد، مزارع حق دارد که زراعت را ازاله کند یا آن را به اخذ اجرت‌المثل ابقا نماید.»

۱۱- گزینه «۱» بر طبق ماده ۱۸۶ قانون مدنی: «عقد جایز آن است که هریک از طرفین بتواند هر وقتی بخواهد فسخ کند.»

بر طبق ماده ۶۷۹ قانون مدنی: «موکل می‌تواند هر وقت بخواهد وکیل را عزل کند، مگر این‌که وکالت وکیل با عدم عزل در ضمن عقد لازمی شرط شده باشد.» بر طبق ماده ۵۵۰ قانون مدنی: مضاربه عقدی است جائز.

بر طبق ماده ۵۶۵ قانون مدنی: «جعل تعهدی است جایز و مادامی که عمل به اتمام نرسیده است، هر یک از طرفین می‌توانند رجوع کنند، ولی اگر جاعل در اثنای عمل رجوع نماید، باید اجرت‌المثل عمل عامل را بدهد.»

بر طبق ماده ۵۲۵ قانون مدنی: «عقد مزارعه عقدی است لازم.»

فصل هفتم

«هبه»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل هفتم

- ۱- اگر متهم پس از قبول هبه و پیش از تحویل گرفتن عین موهوبه دیوانه شود؟ (سراسری ۸۷)
- (۱) هبه صحیح است
(۲) هبه باطل است
(۳) واهب حق دارد از هبه رجوع نماید
(۴) صحت هبه منوط به اراده‌ی ولی یا قیم است.
- ۲- در کدام یک از عقود ذیل می‌توان شرط خیار فسخ کرد؟ (قضاوت ۷۹)
- (۱) نکاح
(۲) هبه
(۳) وقف
(۴) هیچ کدام
- ۳- در خصوص مقایسه‌ی «ابراء» و «هبه‌ی طلب به مدیون» کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟ (آزاد ۸۸)
- (۱) ابراء مستقیماً اسقاط ما فی الذمه است
(۲) ابراء محتاج رضای مدیون نیست برعکس هبه‌ی طلب به مدیون
(۳) هبه‌ی دین به مدیون آن، موجب حصول مالکیت مافی الذمه می‌شود.
(۴) همه‌ی موارد
- ۴- اگر طلبکار طلب خود را به مدیون هبه نماید: (سراسری ۸۵)
- (۱) در صورتی که در عین موهوبه تغییری حاصل نشده باشد، هبه قابل رجوع است.
(۲) هبه قابل رجوع نیست.
(۳) هبه قابل رجوع است.
(۴) در صورت بقای عین موهوبه، هبه قابل رجوع است.
- ۵- در کدام یک از عقود زیر حق حبس وجود ندارد؟ (قضاوت ۹۲)
- (۱) نکاح
(۲) هبه‌ی معوض
(۳) معاوضه
(۴) اجاره
- ۶- در مورد تفاوت میان «هبه» و «وصیت تملیکی» کدام گزینه صحیح است؟ (دکتری ۹۳)
- (۱) وصیت تملیکی معلق به مرگ است ولی هبه هیچ‌گاه به صورت معلق واقع نمی‌شود.
(۲) در وصیت تملیکی، ملکیت به تنهایی با قبول موصی‌له محقق نمی‌شود، ولی در هبه با قبول متهم ملکیت به وجود می‌آید.
(۳) موضوع هبه تنها تملیک مجانی است اما موضوع وصیت تملیکی، عام‌تر است.
(۴) وصیت تملیکی نیز قابل رجوع است.
- ۷- در کدام یک از عقود ذیل، فوت یکی از طرفین، موجب انفساخ عقد نمی‌شود؟ (سراسری ۷۷)
- (۱) عاریه
(۲) ودیعه
(۳) وکالت
(۴) هبه
- ۸- در کدام مورد هبه قابل رجوع است؟ (مشاوران ۸۷)
- (۱) واهب فرزند متهم باشد
(۲) واهب مادر متهم باشد
(۳) واهب پدر متهم باشد
(۴) واهب همسر متهم باشد



پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل هفتم

۱- گزینه «۴» چنانچه قبل از قبض واهب فوت کند یا محجور شود هبه باطل می‌شود همچنین اگر متهب فوت شود. لیکن اگر متهب محجور شود هیچ اثری بر هبه نخواهد داشت و قبض مال موهوبه توسط ولی یا قیم وی انجام خواهد گرفت.

۲- گزینه «۲» بر طبق قاعده در هر عقدی طرفین آن می‌توانند خیار را برای خود یا برای ثالث به وجود بیاورند اما در برخی عقود همچون نکاح طبق قانون مدنی موارد فسخ منحصر به آنهایی است که در قانون آمده و نمی‌توان آن را گسترش داد چرا که این موارد فسخ مقرر در قانون چهاره‌ی استثنایی دارند. اما در عقد هبه مقنن هیچ محدودیتی برای ایجاد خیار شرط پیش‌بینی نکرده است.

۳- گزینه «۴» در موردی که دائن، مدیون خودش را ابراء می‌نماید طلب وی به طور مستقیم ساقط می‌شود بدون اینکه اراده‌ی مدیون در آن نقش داشته باشد اما در حالتی که طلب خود را به مدیون هبه می‌کند باعث می‌شود که دین و طلب در دارایی یک فرد جمع شود که این امر باعث تحقق «مالکیت ما فی الذمه» خواهد شد. لذا در این حالت سقوط حق ناشی از هبه نیست.

۴- گزینه «۲» براساس ماده‌ی ۸۰۶ قانون مدنی چنانچه داین طلب خود را به مدیون ببخشد حق رجوع نخواهد داشت لذا طبق این ماده‌ی هبه‌ی طلب مطلقاً قابل رجوع نیست و گزینه‌ی دوم درست است.

۵- گزینه «۲» یکی از ویژگی‌های عقود معوض مانند اجاره و معاوضه این است که هیچ‌کدام از عوضین آن بر دیگری برتری ندارند و کاملاً در مقابل هم قرار گرفته‌اند لذا اصولاً در این نوع معاملات هر یک از طرفین طبق قانون می‌تواند تا زمانی که طرف مقابل از اجرای تعهد خود امتناع می‌کند، از تسلیم عوض خودداری نماید مگر اینکه خلاف آن توافق نموده باشند یا عرف خلاف آن را ایجاد کند.

طبق ماده‌ی ۱۰۸۵ قانون مدنی زن می‌تواند تا زمانی که مهر به او تسلیم نشده است از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع نماید مشروط بر اینکه مهر او حال باشد. بنابراین حتی در عقد نکاح با وجود غیر معوض بودن، مقنن این حق را برای زن تصریح کرده است، اما در مورد عقود غیرمعوض حتی اگر شرط عوض هم شده باشد از آنجایی که این دو در مقابل هم قرار ندارند طرفین نمی‌توانند به بهانه‌ی حق حبس از تسلیم امتناع نمایند و هر یک ملزم‌اند که تعهد خود را به جا آورند حتی اگر طرف مقابل به تعهداتش عمل نکرده باشد.

۶- گزینه «۳» در حقوق ایران اصولاً می‌توان عقود را به صورت معلق منعقد نمود مگر در موارد خاص که خلاف آن مقرر شده باشد یا خلاف نظام عمومی باشد مثل عقد ضمان که اگر به صورت معلق باشد باطل است یا نکاح معلق. اما در خصوص هبه این چنین محدودیتی وجود ندارد و می‌توان آن را به صورت معلق منعقد نمود.

وصیت تملیکی نیز طبق ظاهر قانون مدنی عقد است و با قبول موصی‌له محقق می‌شود. ولی در مورد هبه با توجه به اینکه یک عقد عینی محسوب می‌شود، لازمه‌ی نقل ملکیت به متهب قبض مال از جانب اوست.

نکته: طبق ماده‌ی ۸۳۰ قانون مدنی وصیت تملیکی حتی بعد از قبول از سوی موصی‌له و قبل از قبض وی قابل رجوع است اما با قبض مال از سوی وی، عقد لازم می‌شود و غیرقابل رجوع. بنابراین مطلقاً نمی‌توان آن را قابل رجوع تلقی نمود.

۷- گزینه «۴» یکی از ویژگی‌های عقود اذنی مانند وکالت، ودیعه و عاریه این است که با فوت و حجر هریک از طرفین منفسخ می‌شوند حتی اگر طرفین حق فسخ خود را ساقط کرده باشند اما در مورد هبه با وجود پذیرش جایز بودن آن نمی‌توان آن را همانند عقود اذنی تلقی نمود که با فوت و حجر طرفین منفسخ می‌شود چرا که در قانونی مدنی با وجود پذیرش اصل قابل رجوع بودن از هبه، در ماده‌ی ۸۰۵ آمده است که «بعد از فوت واهب یا متهب رجوع ممکن نیست».

۸- گزینه «۴» در قانون مدنی ما با وجود اینکه اصل بر قابلیت رجوع از هبه توسط واهب است اما مقنن استثنائاتی ذکر کرده که گزینه‌های «۱» و «۲» و «۳» جزو آنها هستند اما گزینه‌ی «۴» یعنی هبه به همسر جزو این استثنائات به شمار نمی‌آید لذا نمی‌توان آن را غیرقابل رجوع تلقی نمود.